

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آية الله العظمى صانعی مدظله العالی
دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹
۷۸۳۱۶۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۰
نمبر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ - ۶۶۵۶۴۰۰۰
نمبر: ۰۲۱ - ۶۶۵۶۴۰۰۵
نشانی: خ کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب، پلاک ۱۷

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲
نمبر: ۰۵۱۱ - ۲۲۲۲۵۷۷

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰
نمبر: ۰۳۱۱ - ۴۴۶۳۳۹۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴
نمبر: ۰۷۱۱ - ۲۲۲۶۷۰۰

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰
نمبر: ۰۸۶۱ - ۲۲۵۹۷۷۷

دفتر تبریز - تلفن:
۰۴۱۱ - ۵۲۶۴۶۲۶

دفتر کرمان - تلفن: ۲۲۳۲۳۵۷ - ۲۲۳۲۳۵۶ - ۲۲۳۹۱۴۳
نمبر: ۰۳۴۱ - ۲۲۲۱۲۷۴

دفتر خرم آباد - تلفن:
۰۶۶۱ - ۳۲۲۷۶۱۹ - ۳۲۱۷۰۴۰ - ۳۲۱۷۰۳۹۰

دفتر گرگان - تلفن: ۲۲۳۳۲۷۰ - ۲۲۳۳۲۶۰
نمبر: ۰۱۷۱ - ۲۲۳۳۲۸۰

پاسخگویی به مسائل حج:

تلفن: ۲ - ۷۸۳۱۶۶۰
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

آدرس اینترنت: www.saanei.org

Istifta @ saanei.org
Saanei @ saanei.org
Info @ saanei.org
۳۰۰۰۷۹۶۰

پاسخ به استفتائات
تماس با دفتر معظّم له
تهیه کتاب
سرویس پیام کوتاه

مجمع المسائل استفتاءات

جلد اول

با اصلاحات و ویرایش جدید

از مخبر مرجع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی رحمته الله

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
احکام تقلید	۱۷ - ۳۸
اجتهاد، تقلید و احتیاط	۱۷
تقلید از اعلم	۲۲
تبعیض در تقلید	۲۵
رجوع از مجتهد حیّ به مجتهد حیّ	۲۶
رجوع از مجتهد حیّ به مجتهد میّت	۲۷
تقلید ابتدایی از میّت	۲۸
بقا بر تقلید از مجتهد میّت	۲۸
مسائل متفرّقه	۳۱
مسائل بلوغ	۳۶
احکام طهارت و نجاست	۳۹ - ۸۰
نجاسات	۳۹
بول و غائط و منی	۳۹
خون	۴۳
مردار	۴۸
شراب و فقاع	۵۰

۵۰	سگ و خوک
۵۳	کفار معاند دینی
۶۱	مطهرات
۶۴	طریقه پاک کردن چیزهای نجس
۷۱	احکام وسواسی
۷۶	مسائل متفرقه طهارت و نجاست
۱۰۰ - ۸۱	احکام وضو
۸۱	طریقه وضو
۹۴	مبطلات وضو
۹۷	مسائل متفرقه
۱۲۸ - ۱۰۱	احکام غسل
۱۰۱	غسل
۱۰۶	جنابت
۱۱۳	استحاضه، حیض، نفاس
۱۲۲	مسائل متفرقه غسل
۱۳۴ - ۱۲۹	احکام تیمم
۱۶۲ - ۱۳۵	احکام اموات
۱۳۵	غسل مس میت و کفن میت
۱۴۲	نماز و دفن میت
۱۴۵	نبش قبر
۱۵۱	مسائل متفرقه اموات

۳۱۴ - ۱۶۳	احکام نماز
۱۶۳	اهمیت نماز
۱۶۹	وقت نماز
۱۷۷	قبله
۱۸۰	بدن و لباس نمازگزار
۱۸۹	مکان نمازگزار
۱۹۳	احکام مسجد
۲۱۴	واجبات و مستحبات نماز
۲۱۴	اذان و اقامه
۲۱۶	نیت و تکبیرة الاحرام
۲۱۷	قیام و قرائت
۲۲۴	رکوع و سجده
۲۳۰	تشهد و سلام و قنوت
۲۳۴	مبطلات نماز
۲۳۸	سلام و جواب آن در نماز
۲۳۹	شکایات
۲۴۲	نماز احتیاط و سجده سهو
۲۴۴	احکام نمازهای مستحبی
۲۴۹	مسائل متفرقة نماز
۲۵۱	نماز مسافر
۲۵۷	کسی که محل کارش غیر از وطن است
۲۵۹	وطن و اعراض از آن
۲۶۶	قصد اقامت
۲۶۷	کثیرالسفر
۲۷۲	مسائل متفرقة نماز مسافر

۲۷۳ نماز قضا
۲۸۰ نماز استیجاری
۲۸۴ نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است
۲۸۷ احکام نماز جماعت
۲۹۷ احکام و شرایط امام جماعت
۳۰۵ امامت جانبازان و معلولان
۳۰۷ امامت غیر روحانی
۳۰۸ اختلاف وظیفه امام و مأوم
۳۰۸ نماز جمعه
۳۱۲ نماز آیات
۳۵۸ - ۳۱۵ احکام روزه
۳۱۵ رؤیت هلال
۳۱۸ نیت
۳۱۹ چیزهایی که روزه را باطل می کند
۳۳۲ مواردی که قضا و کفاره یا فقط قضای روزه واجب است
۳۳۷ کفاره روزه
۳۴۱ احکام روزه قضا و روزه استیجاری
۳۴۵ احکام روزه مسافر
۳۴۸ کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
۳۵۵ روزه های مستحب ، مکروه و حرام
۳۵۷ مسائل متفرقه روزه
۳۷۴ - ۳۵۹ احکام اعتکاف

۴۴۶ - ۳۷۵ خمس
۳۷۵ درآمدهای کسبی
۳۸۶ باغ، زمین کشاورزی و محصولات آنها
۳۸۸ درآمدهای غیر کسبی (مهریه، بخشش و ارث)
۳۹۶ خمس سرمایه و ترقی قیمت آن
۴۰۳ وسیله نقلیه (سواری - باری)
۴۰۶ تهیه مسکن
۴۰۹ مخارج سفرهای زیارتی
۴۱۱ نمونه زندگی
۴۲۰ جبران زیان و قرض از منفعت
۴۲۲ قرض
۴۲۶ تصرف در مالی که خمس آن پرداخت نشده است
۴۲۹ نحوه محاسبه خمس
۴۳۴ زمان تعلق خمس و پرداخت آن
۴۳۸ فرار از خمس
۴۳۹ مصرف خمس
۴۴۳ مسائل متفرقه خمس
۴۶۲ - ۴۴۷ احکام زکات
۴۵۰ شرایط واجب شدن زکات
۴۵۲ زکات گندم، جو، خرما و کشمش (غلات اربع)
۴۵۴ مصرف زکات
۴۵۶ مسائل متفرقه زکات
۴۵۷ زکات فطره
۴۶۲ مسائل متفرقه زکات فطره

احکام حج ۴۶۳ - ۴۶۶

استطاعت ۴۶۳

نیابت و اجیر شدن در حج ۴۶۴

صدقات ۴۶۷ - ۴۸۲

صدقه ۴۶۷

آداب صدقه ۴۶۹

مواردی که صدقه دادن خصوصیت دارد ۴۷۱

فواید دنیوی صدقه ۴۷۴

صدقات حرام ۴۷۵

معنای کراهت در صدقه و موارد مکروهه ۴۷۵

مسائل متفرقه صدقات ۴۷۶

مسائل امر به معروف و نهی از منکر ۴۸۳ - ۵۰۲

امر به معروف و نهی از منکر ۴۸۳

شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۴۸۸

مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۴۹۳

مسائل متفرقه امر به معروف و نهی از منکر ۴۹۸

دفاع و جهاد ۵۰۳ - ۵۰۸

ملحقات ۵۰۹ - ۵۶۰

قرآن و اسماء متبرکه و ادعیه ۵۰۹

ائمه علیهم السلام (موالید، عزاداری و...) ۵۱۷

استخاره ۵۳۰

۵۳۲	مقررات دولت‌ها و حکومت‌ها
۵۴۲	صله رَحِم
۵۴۶	توبه
۵۴۹	اذیت کردن حیوانات
۵۵۰	متفرقات
۵۸۴ - ۵۶۱	مسائل مربوط به افراد کم‌توان ذهنی و معلولان جسمی
۵۶۱	تقلید
۵۶۳	بلوغ
۵۶۴	طهارت و نجاست
۵۶۵	وضو
۵۶۸	غسل
۵۷۰	حیض و استحاضه
۵۷۰	نماز
۵۷۲	قیام
۵۷۴	قرائت
۵۷۴	رکوع و سجود
۵۷۵	مبطلات و شکّیات
۵۷۶	نماز جماعت
۵۷۷	نماز قضا
۵۷۸	روزه
۵۷۸	خمس
۵۷۹	حج
۵۷۹	غنا و موسیقی
۵۷۹	معاملات

٥٨٠	نكاح
٥٨٠	١. احكام ازدواج
٥٨١	٢. حجاب
٥٨١	٣. نگاه و لمس
٥٨٢	حضانة
٥٨٣	قَسَم
٥٨٣	وصية - ارث
٥٨٣	تعزير و ديه

مقدمه

بسمه تعالی

حلال محمد حلال ابداً الی یوم القیامة

و حرامه حرام ابداً الی یوم القیامة، لایکون غیره و لایجئ غیره.^۱

خاستگاه جاودانگی احکام اسلامی را از جمله باید در عناصر و عواملی جویا شد که در چگونگی ارتباط انسان با خداوند تعالی که منشأ و هدف ارتباط انسان با خود، انسان با طبیعت، انسان با جامعه و انسان با خداوند تعالی لحاظ شده است. مجموع این عناصر، حرکت انسان و جامعه را حرکتی طبیعی و هماهنگ با فطرت توحید، خواست‌ها، آرمان‌های اسلامی انسانی و کمال جامعه، می‌سازد.

رمز دوام و بقای کلیت تشریح اسلامی نیز هماهنگی با نیازهایی است که انسان در دستیابی به هدف اصلی آفرینش خود، چاره‌ای جز برآوردن آن‌ها ندارد.

از آنجا که هدف از آفرینش انسان پرستش خداوند به معنای عام آن معرفی می‌شود: «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبُدون»،^۲ و ذات اقدس خداوند بر اساس «وان الی ربك المنتهی»،^۳ به عنوان نهایت و غایتی مطلق که سرانجام همه چیز، از جمله انسان و اعمال اوست، آنچه ضامن بقای ایمان و صعود آن به پیشگاه خداوند است «عمل صالح» می‌باشد، چنان که فرمود: «الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۸.

۲. ذاریات، آیه ۵۶.

۳. نجم، آیه ۴۲.

یرفعه»،^۱ و فقهای ما به عنوان «امنای پیامبر ﷺ»^۲ هدایتگر انسان و جامعه به «عمل صالح» اند. و این خود، به خوبی جایگاه والای فقها و ضرورت برخورداری جامعه از آنان و دسترسی به احکام و فتاوی فقهی را آشکار می‌سازد. و این چنین است که مسئولیت شرعی و عقلی مردم ایجاب می‌کند حقایق و فرایض و همه احکام دینی خود را از «اهل ذکر»^۳ فراگیرند و در پیشامدهای روزگار به سراغ فقها که کارشناسان متعهدند، بروند.^۴ و آنان اند که در مقابل هر موضوعی با دو بال فقاقت و تقوای برگرفته شده از حوزه‌های علمیه، پاسخگوی نیازهای موجود می‌باشند. و این چنین است که فتح باب اجتهاد در شیعه به عنوان سرمایه‌ای بس بزرگ، همواره این امکان را فراهم می‌آورد که «فقه» در چارچوب «تفریع» و نیز بازشناسی موضوعات، از یکسو پاسخگوی نیازهای «حادث» باشد و از سویی دیگر عنصر واقع‌نگری در تطبیق احکام بر موضوعات و فروع بر اصول، حفظ شود. چنان که در احادیثی تأکید شده است که شریعت اسلامی، همه مسائل و نیازهای انسانی را پاسخگو می‌باشد و مهم‌ترین امور اجتماعی و جهانی تا ریزترین وقایع زندگی و به تعبیر امام علی علیه السلام «حتی الارش فی الخدش»،^۵ همه و همه بیان شده است.

کوتاه سخن آنکه این «ایمان» و «کلم طیب» است که روح آدمی را به خداوند پیوند می‌دهد و به پیشگاه او بار می‌یابد، اما آنچه مایه «ثبات» و عامل «صعود» آن است «عمل صالح» و «عبادت» به معنای گسترده آن می‌باشد که همواره در رهنمودهای دینی بویژه در قرآن کریم قرین یکدیگر آمده‌اند. و فقه عهده‌دار تبیین «عمل صالح» و «عبادت» است، و به تعبیر بلند حضرت امام خمینی رحمته الله علیه: «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است».^۶

۱. فاطر، آیه ۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۶، باب ۹، حدیث ۳۸.

۳. نحل، آیه ۴۳؛ انبیا، آیه ۷.

۴. وسائل الشیعة، صفات القاضي، باب ۱۱، حدیث ۹.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۵۹.

۶. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

فقه‌های شیعه که علامه حلی^۱ با تعبیر «علیهم السلام» از آنان یاد می‌کند،^۱ در طول تاریخ فقه اسلامی، با تکیه بر کتاب الهی و ثقل بی‌بدیل «عترت» - صلوات‌الله علیهم -، و با برخورداری از گشایش باب اجتهاد در چارچوب اصول و مشخصه‌های فقه‌های شیعی و به تعبیر امام راحل^۲ «اجتهاد جواهری»^۲ همواره هدایتگر مردم به وظایف و احکام دینی، و پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای آنان بوده‌اند، و بدین‌گونه بزرگترین و ارزنده‌ترین خدمت را به بقا و گسترش اسلام و حیات مادی و معنوی مردم نموده‌اند. فقط نگاهی اجمالی به صدها کتاب و هزاران رساله فقهی که با وجود محدودیت‌های بسیار، به نگارش آورده‌اند، و امروزه بزرگترین سرمایه علمی و فرهنگی ما به شمار می‌رود، گویای این حقیقت بزرگ است. تنها «قواعد» علامه حلی شصت هزار فرع و قانون و مسئله کلی را در خود جای داده است.

ارزیابی و برآورد فهرست مجموعه‌هایی که در بردارنده پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی است و در طی بیش از دوازده قرن تدوین یافته، می‌تواند از یکسو توانایی و جامعیت فقه‌های ما را در پاسخگویی به نیازهای جدید و پرسش‌های نوپیدای فقهی نشان دهد و از سوی دیگر حضور اجتماعی و تلاش بسیار وسیعی که در جهت خدمت به علم و جامعه مبذول داشته‌اند را بنمایاند. تنها نگاهی اجمالی به آنچه فقیه بزرگوار مرحوم میرزای قمی^۳ در مجموعه عظیم و ارزشمند خود به نام «جامع الشتات» آورده است می‌تواند شاهد گویایی بر این واقعیت شیرین باشد.

سنت حسنه گردآوری مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی، این امکان را هم برای علاقه‌مندان کنونی فراهم می‌آورد که بسیاری از پاسخ‌های خود را بیابند و هم برای علما و فقه‌های آینده که مراجعه به فتاوا و اقوال فقه‌های گذشته، برای آنان راهگشاست، و این خود برگرفته از رهنمود امام صادق^{علیه السلام} است که به مفضل بن عمر فرمود: «اكتب و بث علمك في اخوانك».^۳

۱. آغاز تذکره الفقهاء.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، کتاب القضاء، باب ۸، حدیث ۱۸.

آنچه اینک پیش روی دارید بخشی از مجموعه استفتائاتی است که طی سال‌ها، از محضر فقیه ارجمند، حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی دام ظلّه، از طرف قشرهای مختلف صورت گرفته و معظمّ له پاسخ گفته‌اند.

مرجع عالی قدر که از شاگردان برجسته امام راحل علیه السلام هستند،^۱ علاوه بر اندوخته‌های علمی و فقهی گسترده در محضر امام علیه السلام در حوزه بحث و تدریس خویش، عنایت ویژه‌ای به دیدگاه‌های جامع و فقه استوار آن یگانه روزگار دارند، اجازه فرمودند مجموعه حاضر توسط چند تن از شاگردان ایشان، از میان هزاران استفتاگزینهش شود و به ترتیب «توضیح المسائل» تدوین گردد. استاد معظمّ له شیوه معمول خویش و به تناسب، در بسیاری موارد به اجمال به ادلّه مورد نظر نیز اشاره فرموده‌اند که می‌تواند راهگشای پرسش‌های علمی علاقه‌مندان نیز باشد. چنان که ذکر تاریخ پاسخ‌ها که برای اولین بار در گردآوری مجموعه‌های استفتا صورت می‌گیرد می‌تواند در آینده برای علاقه‌مندان به بررسی تأثیر دو عامل زمان و مکان در فقه، راهگشا باشد.

در اینجا ضمن مسئلت سلامتی و طول عمر معظمّ له از درگاه خداوند، آرزو می‌کنیم توفیق ادامه تدوین و نشر دیگر مجموعه‌ها و آثار ایشان را داشته باشیم.

مؤسسه فرهنگی

انتشارات میثم تمار

۱. تعبیری که حضرت امام خمینی علیه السلام درباره معظمّ له فرموده‌اند نشان می‌دهد آن بزرگوار، عنایت ویژه‌ای به مراتب علمی ایشان داشته‌اند: «من آقای صانعی را مثل یک فرزند بزرگ کرده‌ام. این آقای صانعی وقتی که سال‌های طولانی در مباحثاتی که ما داشتیم تشریف می‌آوردند. ایشان، بالخصوص می‌آمدند با من صحبت می‌کردند و من حظ می‌بردم از معلومات ایشان، و ایشان یک نفر آدم برجسته‌ای در بین روحانیون است و یک مرد عالمی است» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۱).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عمل به رساله مجمع المسائل که توسط جمعی از فضیله‌ای محترم جمع آوری
تألیف شده است مجزی و مبرر، ذمه است ان شاء الله تعالی.

برج‌الثانی ۱۴۱۸



احکام تقلید

اجتهاد، تقلید و احتیاط

﴿س ۱﴾ آیا وجوب تقلید، یک امر تقلیدی است یا اعتقادی؟

ج - رجوع به مجتهد جامع‌الشرائط اعلم برای فراگیری مسائل و احکام الهی، یک امر ضروری و فطری است که بشر در تمام امور خود، این راه را طی نموده و می‌نماید؛ چون کسی به مجتهد رجوع می‌کند که حکم الهی خود را نمی‌داند و به دانا و مجتهد در آن رجوع می‌کند و این رویه، در تمام امور زندگی وجود دارد. لذا یک پزشک که فنّ ساختمان و علم آن را ندارد، به مهندس ساختمان و معمار مراجعه می‌نماید. بنابراین، قاعده عقلی در احکام الهی، مثل سایر موارد، جاری است. پس اصل لزوم تقلید، عقلی است، کما این که تقلید از اعلم نیز به حکم عقل، لازم است؛ چون به هر حال، تقلید از او به طور یقین مبرر ذمه است. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۲﴾ آیا واجب است که اعتقاد انسان به اصول دین از روی تحقیق باشد، یا اینکه

تقلید از اهل فن کفایت می‌کند؟

ج - در اصول دین، یقین و باور از هر راه که حاصل شود، کفایت می‌نماید. همان ایمانی که بین مردم مسلمان وجود دارد، و منشأ همه خوبی‌ها، عبادت‌ها، جهاد و شهادت است، و زیادتر از این برای مردم عادی، لازم نیست. ۷۵/۹/۴

﴿س ۳﴾ آیا بر شخصی که با ادله فقهی و اجتهادی، تقریباً همه احکام و مسائل مبتلابه خودش را استنباط می‌نماید، لیکن به دست آوردن احکام برای او مستلزم تحمّل سختی و صرف وقت زیاد برای مطالعه می‌باشد، تقلید حرام است، یا می‌توان گفت که اجتهاد برای وی حرجی و از او ساقط است؟

ج - باید به احوط اقوال موجودین عمل کند، و اگر قدرت تشخیص احوط را ندارد، باید به فتوای مورد توافق همه موجودین، و در مورد اختلاف به فتوای اعلم موجودین عمل کند.
۷۴/۱۰/۱۲

﴿س ۴﴾ تعریف تکلیف شرعی چیست؟ حیطة تشخیص آن از سوی افراد نسبت به موضوعات فردی و شخصی، و موضوعات اجتماعی و عمومی کدام است؟

ج - تکلیف، مأخوذ از کُلفت و زحمت است و اصطلاحاً به واجبات و محرّمات شرعی ای اطلاق می‌شود که در یکی امر است و تکلیف به اتیان، و در دیگری نهی و تکلیف به ترک و انجام ندادن؛ و تشخیص موضوع و مکلف به، در غیر موضوعات مخترعه شرعی، مانند: نماز و روزه و... با خود مکلف است؛ یعنی اگر بر زوج معاشرت به معروف نسبت به همسرش واجب است، به حکم آیه شریفه «وعاشروهنّ بالمعروف»، تشخیص معروف در معاشرت - بین خود و خدایش - با خودش می‌باشد و بر او لازم است که مصادیق آن را بداند و از عرف و مردم، در تشخیص مصادیق، کمک بگیرد. آری، در مورد اختلاف با همسرش در مصادیق از مصادیق آن با مراجعه به حاکم و یا محکمه صالحه، اختلاف مرتفع می‌گردد و نسبت به محرّمات هم همین طریق جریان دارد. مثلاً آب انگور که جوش بیاید، قبل از رفتن دو سوم آن و شیر شدنش حرام است. در این گونه موارد هم تشخیص رفتن دو سوم و شیر شدن آن، با خود مکلف است و در این جهت و طریق، فرقی بین موضوع شخصی، مثل موارد ذکر شده یا اجتماعی، مثل حفظ نظام و نظم در جامعه اسلامی و یا تضييع آن نیست و خلاصه، تشخیص موارد و موضوع، مطلقاً با خود مکلفین و افراد است که اولی واجب و دومی حرام است. آری، در مخترعات شرعیّه بیان موضوع با شارع مقدّس است، گرچه تطبیق و یا عدم تطبیق

خارجی آن نیز با مکلف است؛ یعنی مثلاً گفته می‌شود سجده نماز به قرار گرفتن پیشانی روی مایصح السجود علیه با رعایت بقیه شرایط است. در همین مورد، باز این مکلف است که باید بداند پیشانی‌اش روی مثلاً خاک قرار گرفته یا خیر و آیا بقیه شرایط، محقق شده یا خیر.

﴿س ۵﴾ آیا احکام شرعی قابل تغییر و تعطیل‌اند؟ در صورتی که یک فقیه یا مرجع تقلید به اقتضای مصالح عامه مسلمانان حکم کنند چه‌طور؟

ج - احکام شرعی نه قابل تغییرند و نه تعطیل‌پذیر.

﴿س ۶﴾ گاهی از اوقات در رساله عملیه بعضی از مسائل اصلاً وجود ندارد، آیا می‌توان به کتاب‌های دیگری مانند شرح لمعه، وسائل الشیعه و کتب اربعه در مورد مسائل مبتلابه، رجوع و عمل کرد یا نه؟ اگر جایز نیست، تکلیف چیست؟

ج - اگر دسترسی به گرفتن فتوا از مرجع تقلیدش ندارد، باید تا زمان اخذ فتوا به

احوط اقوال موجودین عمل کند و اگر آن هم ممکن نباشد، به خاطر نبودن مسئله

در رساله‌های عملیه، باید به فتوای مشهور عمل کند.

﴿س ۷﴾ شخصی متوجه عنوان تقلید نبوده، اما هرگاه برایش مسئله‌ای پیش می‌آمده است، از رساله مجتهد وقت، استفاده و به آن عمل می‌کرده است. آیا این مقدار برای تحقق تقلید و بقا پس از فوت او کافی است؟

ج - بله، کافی است.

﴿س ۸﴾ با توجه به این که بسیاری از احکام اسلام با توجه به شرایط روز، مثلاً شرایط زمان پیامبر ﷺ وضع شده‌اند، عده‌ای معتقدند امروز نیز باید یک تغییر نظر کلی در مورد احکام شرعی صورت گیرد؛ مثلاً حجاب با توجه به شرایط زمان پیامبر اکرم ﷺ واجب بوده و امروز، دلیلی بر رعایت آن نیست. نظر حضرت عالی در این مورد چیست و به نظر شما چه دلایلی برای تشخیص موقتی یا دایمی بودن یک امر در اسلام وجود دارد؟

ج - قطع نظر از این که اگر احکام اسلام را بتوان تغییر داد، نتیجتاً نه پیامبر اسلام ﷺ

خاتم است، و نه آن احکام از طرف خداوند؛ بلکه حکم و قانون بشر است و

ربطی به وحی و خداوند عالم حکیم ندارد، اصولاً احکام اسلام برای همیشه است

و مصلحت از طرف خداوند، برای همیشه رعایت شده و مطابق با تکوین و زمان و مکان، از طرف خود پیامبر ﷺ و وصی او قرار داده شده و احکام اسلام، مانند مسائل ریاضی تغییر بردار نبوده و نیست. آری، ابزار آن تفاوت پیدا کرده؛ مثلاً یک روز با قلم می‌نوشتند و محاسبه می‌کردند و امروز با ماشین حساب. احکام اسلام هم همین نحو است و مسئلهٔ زمان و مکان به این نحو مؤثر است. ناگفته نماند که در مورد مرقوم از باب مثال، وقتی که حجاب مصوئیت است نه محدودیت، چگونه یک روز بگوییم که مصوئیت باید از بین برود و کانون‌های خانوادگی و محل‌های رشد فکر و عاطفه و انسانیت از بین برود. ۷۸/۱۲/۲۸

﴿س ۹﴾ چرا مراجع تقلید و پیشوایان مسلمانان در یک دوره و زمان، از یک نفر بیشتر هستند، در صورتی که در زمان حضرت رسول ﷺ و بعد از آن حضرت در زمان امامان علیهم‌السلام یک نفر به عنوان امام و پیشوای مسلمانان حکومت می‌کرد؟

ج - امام معصوم علیهم‌السلام، همیشه یکی بوده و هست، اما شاگردان آن‌ها و کسانی که ناقل فرمایش و احکام مورد نظر آن‌ها بوده‌اند، همیشه زیاد بوده و هستند و چاره‌ای جز این نیست، همچنین چون انسان‌ها در فهم مختلف‌اند که باید چنین هم باشند تا بشر به کمال برسد - لذا در بیان مقصد امام معصوم علیهم‌السلام - تفاوت دیده می‌شود. ۷۶/۶/۲۶

﴿س ۱۰﴾ آیا زن هم می‌تواند مجتهد شود؟

ج - تحصیل علم و اجتهاد را نمی‌توان مخصوص مرد دانست؛ چرا که همهٔ انسان‌ها به کسب علم تشویق شده‌اند؛ و اما مسئلهٔ قضاوت و مرجعیت و ولایت و رهبری از مسائلی است که عقیدهٔ بنده این است که زن می‌تواند تمام این مراحل و مراتب را دارا گردد و در مورد زن، باید به زهرای علیها السلام و زینب و امّ کلثوم علیها السلام و همهٔ زنان با فضیلت عالم نگاه کرد.

﴿س ۱۱﴾ وضعیت جوانان مسلمانی که به واسطهٔ گرایش‌های مختلف، تقلید از مجتهدان را قبول ندارند، و اعمالشان بدون تقلید از مجتهد است، چگونه است؟

ج - در صورتی اعمالشان صحیح است که موافق با فتوای مجتهدی باشد که وظیفهٔ آن‌ها تقلید از اوست، وگرنه صحیح نیست. ۷۵/۶/۳

﴿س ۱۲﴾ از بعضی افراد کم اطلاع، وقتی پرسیده می‌شود که از چه کسی تقلید می‌کند، می‌گویند نمی‌دانم و یا می‌گویند از فلان مرجع تقلید، در حالی که چندان التزام عملی به رجوع به رساله آن مجتهد ندارد. اعمال این گونه افراد، چه حکمی دارد؟

ج - چون تقلید عبارت است از عمل مستند به فتوای مرجع تقلید، لذا اعمالی که بدون استناد باشند، حکم عمل بدون تقلید را دارند. ۷۶/۱۲/۲۴

﴿س ۱۳﴾ تکلیف نماز و روزه‌های کسی که بعد از تکلیف آن‌ها را بدون تقلید به جا آورده است، چیست؟

ج - اگر مطابق با فتوای مرجعی است که در آن زمان لازم بوده از او تقلید نماید و یا مطابق با فتوای مرجعی است که می‌خواهد از او تقلید کند، درست است. ۷۱/۲/۱۳

﴿س ۱۴﴾ بنده تا به حال از مرجع مشخصی تقلید نکرده‌ام و چون شنیده‌ام اگر کسی مرجع تقلید نداشته باشد، اعمالش پیش خدا قبول نیست، لذا مرجع تقلید اعلم را انتخاب نموده‌ام. سؤال این است که نماز و روزه‌هایی که قبلاً بدون این که از مرجع تقلید پیروی کنم، خوانده‌ام، چه طور است؟ برای انتخاب مرجع جدید تقلید، آیا باید بر زبان بیاورم یا همان نیت در دل، کافی است؟

ج - اعمال گذشته شما به خاطر عدم تقصیر، صحیح بوده و نیازی به اعاده و قضا ندارد و ان شاء الله از این به بعد با توجه به تقلیدتان صحیح است. ناگفته نماند که تغییر مرجع تقلید، نیاز به بر زبان راندن ندارد؛ بلکه همین که فرد بنا دارد اعمالش را از این به بعد مطابق فتوای مرجع تقلید جدیدش قرار دهد، کفایت می‌کند. ۷۹/۵/۲۲

﴿س ۱۵﴾ آیا تقلید همراه با تشخیص و فهم خاص در بعضی از وظایف شرعی با استفاده از قرآن کریم و دیگر منابع فقهی، احتیاط محسوب می‌شود؟

ج - اگر منظور از تعبیر «تشخیص و فهم خاص» در سؤال، اجتهاد باشد و شخصی به حکمی یا احکامی از احکام اسلام با اجتهاد یقین پیدا کرد، نمی‌تواند با تقلید برخلاف حکم یقینی اجتهادی خود عمل نماید؛ و اگر منظور شما از تشخیص و فهم خاص این باشد که شخص، عامی محض نباشد و شَمَّ الفقاهة مختصری داشته باشد، بر چنین شخصی تقلید یا عمل به احتیاط بر طبق موازین، لازم است. ۷۸/۸/۱۷

﴿س ۱۶﴾ آیا به نظر مبارک شما تقلید از مجتهد، مانند نماز و روزه است که در صحیح بودن آن قصد قربت شرط باشد؟ اگر در صحیح بودن آن قصد قربت شرط نباشد، شرط صحیح بودن آن چه می باشد؟

ج - قصد قربت در اصل تقلید شرط نمی باشد و قصد قربت، شرط صحت عبادت است ولو عباداتی که از روی تقلید به جا می آورد. ۸۲/۸/۲۷

﴿س ۱۷﴾ اگر انسان چنین نیتی نماید (نیت می کنم از فلان مجتهد جامع شرایط تقلید نمایم قربه الی الله) آیا با داشتن چنین نیتی تقلید انسان از آن مجتهد صحیح می باشد یا خیر؟

ج - همین که تقلید می نماید کفایت می کند و تقلید، قصد قربت نیاز ندارد. ۸۳/۶/۱۰

﴿س ۱۸﴾ آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع، با عدالت معتبر در امام جماعت با هم تفاوت دارند؟

ج - مرجع تقلید، باید علاوه بر عدالت در حدّ بالا، علاقه و حُبّ به دنیا هم نداشته باشد تا در بیان احکام و استنباط آنها امانت را حفظ نماید و حُبّ به دنیا و علاقه به ریاست در استنباط و تبیین احکام الهی در او اثر نگذارد.

﴿س ۱۹﴾ یشرط فی المفتی أن یکون عادلاً، و یکتفی فی إثبات ذلك بحسن الظاهر، ماهو المقصود بحسن الظاهر؟

ج - معناه واضح، فأنه عبارة عن عدم صدور المعصية منه، و إتيانه للواجبات، و ذلك يتحقق بالمعاشرة معه، أو بإخبار من يعاشره، إن أفاد قوله الاطمئنان. ۷۵/۹/۴

تقلید از اعلم

﴿س ۲۰﴾ آیا تقلید از اعلم بر مکلف لازم است یا خیر؟

ج - علی الاحوط (اگر نگوئیم بنا بر اقوی) لازم است و چگونه می توان به عدم لزوم آن فتوا داد با اینکه از محقق ثانی رحمته الله نقل شده که صریحاً ادعای اجماع بر عدم جواز تقلید از غیر اعلم کرده؛ بلکه از سید مرتضی علم الهدی رحمته الله نیز منقول است که عدم جواز تقلید از غیر اعلم، از مسلمات شیعه است. ۷۳/۱۰/۱۳

﴿س ۲۱﴾ آیا علمیت، امری نسبی است؟ مثلاً آیا فردی که دارای نظریاتی در دین است، به صرف امضا شدن نظریاتش توسط مجتهدی، می‌توان از او به عنوان اعلم تقلید کرد؟
ج - معیار، علمیت در استنباط احکام شرعیّه از ادله است و آن هم، منوط به کثرت تحصیل و تدریس خارج فقه و اصول در حوزه‌های علمیّه و کَر و فَر در مسائل فقهی است.
۷۴/۴/۱۴

﴿س ۲۲﴾ آیا می‌توان در زمان حضور ولیّ فقیه، از فرد دیگری تقلید کرد؟
ج - رعایت شرایط تقلید، که از آن جمله تقلید از اعلم می‌باشد، برای مکلف، لازم است.
۷۵/۲/۱

﴿س ۲۳﴾ در صورت تراحم بین فتوای مرجع تقلید و فتوای ولیّ فقیه، فرد باید کدام یک را ملاک قرار دهد؟ اگر ولیّ فقیه حکمی صادر کرد، آیا تبعیت از آن بر همه واجب است، یا فقط بر مقلدان ایشان واجب است؟

ج - فتوای مرجع تقلید اعلم، مقدّم و تبعیت از حکم حاکم شرعی هم لازم است. ۷۴/۵/۸
﴿س ۲۴﴾ آیا از مرجعی که ولایت فقیه را قبول ندارد، می‌توان تقلید کرد؟

ج - در مرجعیت، عدالت و علمیت و محبّ دنیا نبودن کفایت می‌کند. ۷۶/۷/۱۹

﴿س ۲۵﴾ آیا از مجتهد اعلمی که اصل انقلاب را قبول دارد، ولی با مسئولان، اختلاف نظر دارد، می‌توان تقلید کرد؟ و آیا اصلاً موافق نظام بودن در مرجعیت شرط است؟
ج - غیر از عدالت و ورع و علمیت، چیز دیگری در مرجع تقلید، حسب قواعد و اصول اولیه، شرط نیست. ۷۶/۱۱/۱۹

﴿س ۲۶﴾ فردی که اعلم را تشخیص نداده و حتی با ظنّ و گمان هم به نتیجه نرسیده، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر شناختن اعلم مشکل باشد، به احتیاط واجب باید از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، به احتیاط واجب باید از او تقلید نماید، و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و بایکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند. ۷۹/۱۰/۱۸

﴿س ۲۷﴾ در رساله‌های عملیه نوشته شده که باید از مجتهد اعلم تقلید کرد، ولی از آنجا که تشخیص اعلم مشکل است، آیا می‌توان در مسائل مورد اختلاف، رأی اکثریت را ملاک عمل قرار داد و به آن عمل کرد یا خیر؟ نظر حضرت عالی چیست؟

ج - ناگفته نماند که خود این مسئله (عمل به رأی اکثریت) احتیاج به تقلید دارد، و به نظر این جانب (اگر اعلم قطعاً یا احتمالاً بین اکثریت وجود داشته باشد، و احتمال اعلمیت بین دیگران داده نشود) جایز است. و در ضمن، تشخیص اعلم آنقدر هم که مرقوم فرموده‌اید، مشکل نیست. ۷۴/۱/۲۰

﴿س ۲۸﴾ این جانب چند سال قبل از انقلاب، با توجه به وظیفه شرعی‌ای که داشتم، صرفاً با تشخیص خودم و بدون توجه و علم به شرایط انتخاب مجتهد جامع الشرائط، رساله شخصی را تهیه و از او تقلید کردم. آیا این نحوه تقلید، صحیح است یا خیر؟

ج - اگر در آن زمان، به اعلم بودن ایشان اطمینان داشته‌اید، یا بدون توجه به این جهات، به فتوای ایشان عمل کرده‌اید و بعد از تحقیق نیز اعلمیت دیگران برایتان محرز نشده؛ تقلید و عمل شما صحیح است، اما اگر اعلمیت شخص دیگری را احراز کردید؛ رجوع از شخص اول بر شما واجب است، و عمل بعد از احراز، باید منطبق با فتوای همان اعلم باشد، و اگر الآن متوجه اعلمیت دیگری شده‌اید، مضرّ به اعمال گذشته شما نیست. ۶۸/۸/۲۲

﴿س ۲۹﴾ آیا در احتیاط واجب می‌توان به هر مجتهدی که شرایط متعارف را دارد، رجوع کرد یا خیر؟

ج - نمی‌توان به هر مجتهدی رجوع کرد، بلکه باید به کسی رجوع کرد که علمش از اعلم کمتر، و از سایرین بیشتر باشد. ۷۴/۸/۱۰

﴿س ۳۰﴾ در صورتی که تشخیص اعلم ممکن نباشد، و یکی از مجتهدان اورع باشد، وظیفه چیست؟

ج - اگر از اورع تقلید کنند، به وظیفه عمل کرده‌اند. ۷۵/۵/۲۰

تبعیض در تقلید

﴿س ۳۱﴾ آیا تبعیض در تقلید را جایز می‌دانید؟

ج - تبعیض در تقلید، با فرض تساوی مراجع، جایز است. ۷۵/۹/۴

﴿س ۳۲﴾ آیا انسان می‌تواند در ابواب مختلف فقه از مراجعی که در همان باب، آن‌ها

را اعلم می‌داند تقلید کند؟

ج - تقلید از اعلم در هر بابی با فرض احراز، مانعی ندارد. ۷۹/۱۰/۱۴

﴿س ۳۳﴾ در موضوع اعلمیت مرجع تقلید، مفروض بر آنکه انسان ثبوتاً یا اثباتاً به

مفهوم اعلمیت، یا به صدق آن بر یکی از مجتهدان معتقد نباشد، آیا مجاز است به

تبعیض در تقلید قائل شده و در مسائل مختلف فقهی از مجتهدان جامع الشرائط

مختلف تقلید کند؟ در این صورت اگر این عمل، موجب انتخاب ساده‌ترین فتوا در میان

فتاوی این مجتهدان در مسائل مختلف شود، آیا شرعاً چنین عملی که ظاهراً در نقطه

مقابل عمل به احتیاط است، صحیح و جایز است یا خیر؟

ج - تبعیض در تقلید، با احراز تساوی، مانعی ندارد. ۷۵/۱۲/۲۴

﴿س ۳۴﴾ بنا بر نظر حضرت عالی که تبعیض در تقلید را با فرض تساوی مراجع زنده،

جایز می‌دانید، آیا در احکامی که متلازمین‌اند، می‌توان از دو نفر تقلید کرد؟ مثلاً آیا

شخص می‌تواند در مسئله نماز از مجتهدی تقلید کند که مقدمه شغل را موجب کثرت

سفر نمی‌داند، ولی در مسئله روزه از مجتهدی که او را کثیرالسفر می‌داند، تقلید کند، و

در نتیجه با تقلید از دو مجتهد، روزه را بگیرد و نماز را شکسته بخواند؟

ج - در فرض سؤال، چون تقلید از دو مجتهد، مستلزم تفکیک متلازمین است، ظاهراً

جایز نیست. ۷۶/۳/۷

﴿س ۳۵﴾ حضرت عالی در رساله توضیح المسائل، در احکام تقلید فرموده‌اید که: «در

احتیاط واجب، محل تأمل و محل اشکال، می‌توان به الأعلّم فالأعلّم رجوع کرد»،

آیا در صورت تساوی مراجع هم می‌توان در احتیاط، محل تأمل و محل اشکال، به

دیگری رجوع کرد؟

ج - از باب جواز تبعیض در تقلید، مانعی ندارد. ۷۴/۱/۱۱

رجوع از مجتهد حیّ به مجتهد حیّ

﴿س ۳۶﴾ انسانی که از مجتهد زنده تقلید می‌کند، آیا می‌تواند در صورتی که بخواهد، مرجع خود را عوض کند یا خیر؟

ج - رجوع از مرجع زنده جایز نیست، مگر آنکه اعلیّت دیگری احراز شود.
۷۳/۱۰/۳

﴿س ۳۷﴾ اگر فردی نیتش این باشد که من از فلانی تقلید می‌کنم و توجه به این موضوع ندارد که تقلید، انجام دادن عمل مستند به فتوای مجتهد است، آیا به نیت، تقلید محقق شده یا خیر؟ و آیا می‌تواند از مجتهد دیگری تقلید کند؟

ج - محض نیت، تقلید نیست و لذا تقلید از مجتهد دیگر، مانعی ندارد. ۷۶/۱۲/۱۴

﴿س ۳۸﴾ آیا کسی بدون دلیل شرعی؛ مثلاً از روی دلخواه یا رعایت بعضی ملاحظات سیاسی، می‌تواند مرجع تقلید خود را عوض کند؟

ج - عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر برای جهات ذکر شده در سؤال، جایز نیست. آری، اگر اعلیّت مجتهد دیگر احراز شود؛ بنا بر احتیاط واجب باید به او رجوع کرد.
۷۵/۸/۲

﴿س ۳۹﴾ یکی از شرایط مهم تقلید از مجتهد، اعلیّت او ذکر شده. مدت سه سال و نیم است که از مرجع تقلید وارسته‌ای که در میان خاصّ و عامّ از شهرت و اشتهار فراوانی برخوردار و از سابقه طولانی تحصیل و تدریس خارج فقه و اصول فقه نیز بهره‌مند است، تقلید می‌نمایم و خودم هم به مقام علمی و معنوی آن مرجع محترم، واقفم؛ اما به دلایل مختلفی تصمیم گرفته‌ام که مرجع تقلید خود را تغییر دهم. در رساله شما نوشته شده «عدول از مجتهد زنده به مجتهد دیگر، در صورت تساوی دو مجتهد در اعلیّت در جمیع مسائل یا در بعضی مسائل که ارتباطی با هم ندارند، جایز است، ولی احوط، ترک عدول است، مگر به اعلم». با توجه به این که رجوع از حیّ به حیّ، جایز نیست مگر در صورت احراز اعلیّت، حقیر با توجه به خصوصیات مرجع دوم، از جمله اجتهاد پویای او، فتاوا و دیدگاه‌های اجتهادی عمیق و توجه ایشان به عامل زمان و مکان، احساس مسئولیت و دلسوزی در قبال مسائل مسلمانان و جامعه اسلامی و مسائل اجتماعی

و سیاسی و فرهنگی، قاطعیت و بی‌زاری جستن از بی‌عدالتی و ظلم و خشونت، و سعی ایشان در ارائه چهره واقعی و اصیل اسلام، آیا می‌توانم به مجتهد دوم رجوع نمایم؟

ج - رجوع به دلیل جهات ذکر شده، عقلاً جایز، بلکه واجب است؛ چون عمق داشتن فتوا و توجه به زمان و مکان که امام امت «سلام الله علیه» و شهید اول و دیگران - قدس الله أسرارهم - در استنباط، دخیل دانسته‌اند و دخیل هم هست، گویای اعلمیت و دقت زیادت و استادتر بودن در استنباط است، کما این که دلسوز بودن و احساس مسؤلیت در قبال مسائل مسلمین و... همه و همه، گویای اعدل بودن و اوری بودن اوست که خود نیز مجوز دیگری برای رجوع، بلکه ملزم دیگری برای رجوع است.

۷۸/۷/۱۴

﴿س ۴۰﴾ آیا عدول از مرجع تقلید حیّ به مساوی جایز است؟

ج - احوط، عدم رجوع است در مسائلی که به فتوایش عمل نموده و تقلید، یعنی عمل مستند به فتوا، محقق شده و تخییر در متساویین، مخصوص مواردی است که تقلید محقق نشده و تخییر ابتدایی است.

۷۶/۱۲/۱۴

﴿س ۴۱﴾ مقلدی که بدون تحقیق پس از فوت مجتهدی، از مجتهد دیگری تقلید

کرده است، آیا می‌تواند پس از تحقیق راجع به اعلمیت، از مجتهد دیگری تقلید کند؟

ج - با احراز اعلمیت نه تنها جایز، بلکه بنا بر احتیاط واجب، اگر نگوییم اقوی، واجب است.

۷۴/۴/۱۴

رجوع از مجتهد حیّ به مجتهد میّت

﴿س ۴۲﴾ اگر در مسئله‌ای از مرجع میّت به حضرت عالی برگردیم، آیا پس از

مدتی می‌توانیم به همان مرجع میّت برگردیم یا خیر؟ اگر برگشتیم، تکلیف نماز و روزه‌هایمان چیست؟

ج - رجوع از مجتهد حیّ به مجتهد میّت جایز نیست، و نماز و روزه‌های به جا

آورده شده، در صورتی باید قضا شود که اختلاف در فتوا، در مسائلی داشته باشند

۷۳/۲/۶

که بر نماز و روزه تأثیر دارد.

﴿س ۴۳﴾ آیا می‌توانیم در مسئله‌ای که در آن بعد از فوت حضرت امام علیه السلام به مرجع دیگری رجوع کرده‌ایم، بعد از مدتی از ایشان عدول و به مرجع دیگری رجوع کنیم؟
 ج - رجوع از حیّ به مجتهد میّت مطلقاً غیر جایز، و نیز رجوع از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر غیر جایز است، مگر آنکه اعلمیّت کسی که به او مراجعه می‌شود، احراز شود.
 ۶۹/۸/۵

تقلید ابتدایی از میّت

﴿س ۴۴﴾ تقلید ابتدایی از مرجع تقلیدی که فوت شده است، چه حکمی دارد؟
 ج - جایز نیست، چون تقلید ابتدایی از میّت است.
 ۷۵/۶/۱۹

﴿س ۴۵﴾ افرادی که بعد از رحلت امام عظیم‌الشان علیه السلام به سنّ تکلیف می‌رسند، آیا می‌توانند از ایشان تقلید کنند؟
 ج - چون تقلید ابتدایی از میّت است، جایز نیست.
 ۷۵/۷/۲

﴿س ۴۶﴾ آیا تقلید ابتدایی از مجتهد میّت، نظیر امام علیه السلام، جایز است؟ در صورت اعلمیّت مجتهد میّت نسبت به مجتهدان زنده، وظیفه کسانی که تازه به تکلیف رسیده‌اند، چیست؟
 ج - تقلید ابتدایی از میّت، مطلقاً جایز نیست.
 ۷۵/۴/۲

بقا بر تقلید از مجتهد میّت

﴿س ۴۷﴾ نظر حضرت عالی نسبت به بقا بر تقلید از مجتهد میّت چیست؟
 ج - بقا بر تقلید از مجتهد میّت مطلقاً، چه در مسائلی که به آنها عمل کرده و چه در مسائلی که به آنها عمل نکرده است، جایز است.
 ۶۸/۵/۳۰

﴿س ۴۸﴾ آیا لازم است که بقا بر تقلید از مجتهد میّت، مستند به فتوای مجتهد زنده باشد، یا اینکه بدون اذن مجتهد زنده هم می‌توان بر میّت باقی ماند؟
 ج - چون جواز و عدم جواز بقا بر تقلید از مجتهد میّت از مسائل اختلافی و محتاج به تقلید است، لازم است که در آن به مجتهد حیّ واجد شرایط تقلید، رجوع کند

و با عدم رجوع، شک در برائت ذمه دارد، و با عمل به فتوای میت، برائت ذمه که عقلاً لازم است، احراز نمی‌شود.

۷۵/۴/۲۰

﴿س ۴۹﴾ آیا در بقای بر تقلید از میت نیز رجوع به حیّ اعلم، لازم است؟

ج - باید از حیّ اعلم که عادل باشد، تقلید نماید.

۷۹/۶/۱۶

﴿س ۵۰﴾ در باب بقای بر تقلید از مجتهد میت، اگر شخصی در زمان حیات مجتهدی ممیز بوده است ولی متوجه عنوان تقلید نبوده و آن مجتهد را درک کرده است، اما به فتوایش عمل نکرده، ولی اعمالش مطابق نظر آن مرجع بوده است، به این ترتیب، آیا پس از فوت او می‌تواند از او تقلید کند؟

ج - بلوغ در تقلید، شرط نیست؛ لیکن باید در زمان حیات آن مجتهد، اعمالش را به

اعتماد فتوای او قرار داده باشد و محض مطابقت عمل، نمی‌تواند مجوز بقا باشد؛ چون

اصولاً با فرض عدم تحقق اعتماد، تقلیدی محقق نگشته تا بقا صدق کند. ۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۵۱﴾ شخصی هنگامی که هنوز بالغ نبوده، اما ممیز بوده، اعمال خود را با تقلید از

مرجع تقلیدش منطبق می‌کرده و با اعتماد به فتوای او اعمالش را انجام می‌داده است. حال

اگر قبل از بلوغ این شخص، آن مرجع از دنیا برود، آیا می‌تواند بر تقلید از او باقی باشد یا خیر؟

ج - مانعی ندارد و بقا برایش جایز است، چون بلوغ، شرط صحّت تقلید نیست. ۷۶/۳/۲

﴿س ۵۲﴾ حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، باقی بر تقلید از میت

است، چیست؟

ج - اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می‌نماید، فتوای او جواز

بقاست؛ اعمال گذشته‌اش صحیح است؛ چون اعمالش مطابق با حجّت بوده، هر

چند به آن حجّت، توجه نداشته و اما اگر آن مرجع تقلید بقا را جایز نمی‌داند؛ از

خود او باید سؤال نمود. ۷۸/۲/۲۵

﴿س ۵۳﴾ ما هو حکم من كان یقلّد مرجعاً، ثمّ توقّى هذا المرجع؟ هل له أن یستمرّ

على تقلیده أم علیه أن یقلّد من یعتقد أنه هو الأعلّم الآن؟

ج - یجب على الأحوط الرجوع إلى الحیّ الاعلم فی جواز البقاء و عدمه، فإن أفتی هو

بجواز البقاء جاز الاستمرار، وإلا فلا. ۷۵/۵/۴

﴿س ۵۴﴾ شخصی پس از رسیدن به سن تکلیف، میان دو مرجع تقلید (زید و عمرو)، زید را علم تشخیص داده و از وی تقلید نموده است، ولی پس از فوت هر دو مرجع تقلید، به این نتیجه رسیده که تشخیص وی در آن زمان، صحیح نبوده و عمرو اعلم بوده است؛ مستدعی است بفرمایید بر فرض وجوب تقلید از میت اعلم، تقلید از زید واجب بوده است، یا تقلید از عمرو (در صورتی که مقلد در زمان حیات عمرو، از او تقلید نکرده است)؟

ج - باید به مجتهد حی رجوع کند، چون بقا بر تقلید علی المفروض، برای او صحیح نیست، هر چند که اعمال گذشته اش صحیح است. ۷۵/۴/۲۰

﴿س ۵۵﴾ آیا با فرض اعلمیت مجتهد میت نسبت به مجتهدان حی، تقلید از میت واجب است؟ در فرض تساوی میت و حی، وظیفه چیست؟

ج - بقا بر تقلید از مجتهد میت جایز است نه واجب، لذا می تواند باقی بماند یا به فتوای مجتهد حی عمل کند. ۷۵/۴/۲۰

﴿س ۵۶﴾ بعد از رحلت یک مرجع تقلید و وجود مراجع فراوانی که تقریباً تمامی ایشان رساله های عملیه مشابهی دارند و جز در بعضی از مسائل، هیچ اختلاف رأیی وجود ندارد، آیا می توان، کما فی السابق، به مرجع میت باقی ماند و برای مسائل جاری روز به فراخور حال خود، به هر یک از آقایان رجوع و کلاً از انتخاب مرجع خودداری کرد؟ ج - اگر همه کسانی که اعلمیت آنها محتمل است، و باید از یکی از آنها تقلید کند، بر جواز بقا بر تقلید از میت اتفاق دارند؛ می توان به استناد فتوای همه آنها بر میت باقی ماند، و نسبت به مسائلی که نمی تواند باقی بماند، باید به یکی از آنها که ظن و گمان به اعلمیتش دارد مراجعه کند. ۷۴/۹/۱۰

﴿س ۵۷﴾ شخصی از اول بلوغ، مقلد مرحوم آیه الله بروجردی رحمته الله علیه بوده است. پس از رحلت ایشان، از امام رحمته الله علیه تقلید نموده و بعد از ارتحال امام رحمته الله علیه، مقلد آیه الله اراکی رحمته الله علیه شده، پس از رحلت ایشان، به حضرت عالی که می فرمایید بقا بر تقلید از میت جایز است، رجوع کرده است. آیا منظور از میت، آخرین مرجع است، یا می تواند بر مرجع اولی، یعنی مرحوم آیه الله بروجردی رحمته الله علیه باقی باشد؟

ج - بقا بر فتوای میت چه مرجع میت یک نفر بوده یا چند نفر، مطلقاً جایز است،

لیکن هر مسئله‌ای که از مرجع میّتی تقلید نموده و به فتوایش عمل کرده است، یا باید بر فتوای او بماند یا به فتوای این جانب رجوع نماید چون رجوع از مجتهد میّت به مجتهد میّت دیگر، رجوع از حجّت به غیر حجّت است. ۷۴/۱/۱۱

﴿س ۵۸﴾ بنده در عموم مسائل کماکان از حضرت امام علیه السلام تقلید می‌کنم، و تنها در چند مسئله خاص از مرحوم آیه‌الله اراکی علیه السلام تقلید می‌کنم، آیامی توانم مسائلی را که از امام و آیه‌الله اراکی علیه السلام تقلید کرده‌ام ادامه داده، در پاره‌ای از مسائل از حضرت عالی هم تقلید کنم؟

ج - آری، جایز است و مانعی ندارد. ۷۴/۸/۲۰

﴿س ۵۹﴾ شخصی که مقلّد حضرت امام علیه السلام بوده است، پس از ارتحال ایشان، با تقلید از آیه‌الله اراکی علیه السلام در مسئله بقا بر تقلید از مجتهد میّت بر امام علیه السلام باقی مانده است، در صورتی که این شخص در زمان حیات آیه‌الله اراکی علیه السلام بجز مسئله بقا بر تقلید از مجتهد میّت، در مسئله دیگری از ایشان تقلید نکرده باشد، آیا می‌تواند در حال حاضر در مسائل دیگر، نظیر تمام بودن نماز شخص کثیرالسفر، از آیه‌الله اراکی علیه السلام (در صورتی که بر اصل تقلید خود از امام علیه السلام نیز باقی باشد) تقلید کند؟

ج - جایز نیست، چون رجوع از مجتهد میّت به مجتهد میّت است. ۷۵/۴/۲۰

مسائل متفرّقه

﴿س ۶۰﴾ آیا رأی مردم عادی و یک مجتهد یا عالم و فقیه با هم تفاوت دارند یا خیر؟

و اگر تفاوت دارند؛ در چه صورتی است (منظور از رأی، همان نظریّه و دیدگاه است)؟

ج - دیدگاه فقیه در مسائل فقهی و احکام الهی که به صورت رساله نوشته می‌شود، برای خودش و مقلّدانش حجّت است و طبیعی است که غیر فقیه در استنباط احکام، سهم و نظری ندارد. و امّا در بقیّه مسائل و موضوعات، رأی او یک نظر، زیادتیر محسوب نمی‌شود و فقیه، مثل بقیّه صاحب نظر است که با تفاوت در درک و بینش نزد افراد، در آن مسائل، متفاوت می‌گردد. ۷۸/۲/۵

﴿س ۶۱﴾ اگر کسی از طرف مجتهدی ولایت بر طفل یا وقف داشته، یا از قبّل او در این گونه امور یا امور حسبیّه مأذون باشد و آن مجتهد بمیرد یا جنون بر او عارض شود؛ چه باید بکند؟

ج - مأذون در تصرف در وقف یا اموال فُصَّر یا امور حسیَّه به مقتضای نیابت، با مردن مجتهد منعزل می‌شوند؛ اما کسی که مجتهد او را متولّی وقف یا قیِّم قَصْر کند، علی‌الظاهر با موت یا جنون مجتهد، تولیت و قیمومیتش باطل نمی‌شود و نصب، همانند حکم قضایی حاکم از بین نمی‌رود. ۷۶/۳/۸

﴿س ۶۲﴾ در رساله عملیة حضرت عالی آمده است که اگر انسان احتمال بدهد فتوای مجتهد عوض شده است؛ جستجو لازم نیست. از آن جا که احتمال ذهن انسان مبتنی بر یک سری اطلاعات واصل شده است و اطمینان از انجام دادن صحیح احکام هم فرض است پس چرا تحقیق لازم نیست؟

ج - حکمت عدم لزوم جستجو و فحص، به دنبال احتمال تغییر فتوا، سهولت امر است که در اسلام به آن عنایت شده است و اما وجهش این است که اساساً وقتی انسان دلیل و حجّتی بر وظیفه دارد و فرض هم بر این است که قانونگذار هم آن وظیفه را با احتمال تغییر، کافی دانسته و انسان را معذور می‌دارد، پس وجهی؛ برای لزوم فحص نیست. ۷۹/۱/۲۰

﴿س ۶۳﴾ اگر انسان، مقلّد مجتهدی باشد و اعمالش را طبق فتوای او انجام دهد ولی بعد از مدتی فتوای مجتهد عوض شود، تکلیف او نسبت به احکام و اعمال گذشته، نسبت به عقود و ایقاعات انجام شده و نسبت به احکام وضعیّه (مثل طهارت، نجاست، حلیّت و غیره) چیست؟

ج - تمام احکام سابقه، بدون تفاوت بین متعلّقات و احکام و بدون تفاوت بین موارد از قبیل سبب، موضوع و غیره به قوّت خود باقی است و علاوه بر مبنا، مقتضای سیره مطلقاً، چه در امارات و اصول و چه در قطع، اجزاء است، پس تبدّل رأی نسبت به اعمال گذشته، مطلقاً هیچ اثری ندارد. آری در یک جا اجزاء، موضوعیّت ندارد و آن جایی است که حکمی، متعلّق به موضوعی باشد و قبل از زوال موضوع، فتوا عوض شود؛ مثل اینکه فرضاً فتوا داده شود که فلان حیوان، حلال گوشت است و مقلّد آن حیوان را ذبح کند؛ ولی قبل از خوردن آن، فتوای حرمت داده شود که در این صورت، دیگر نمی‌توان آن ذبیحه را خورد، زیرا

اجزاء، معنا ندارد و از باب سالبه به انتفای موضوع، منتفی می‌شود. آری اگر فقیهی فتوا دهد که تذکيه با غیر حدید جایز است و مکلفی با غیر از حدید گوسفندی را تذکيه کند و گوسفند هم هنوز موجود باشد، بعد آن فقیه از رأی خود برگردد، و فتوا دهد که تذکيه به غیر از حدید جایز نیست؛ فتوای قبلی حجت نیست لیکن به حلیت و طهارت گوسفند ذبح شده، حکم می‌شود زیرا فعل، انجام و تذکيه، واقع شده و قاعده اجزاء، جاری است. ۷۶/۳/۸

﴿س ۶۴﴾ در رساله‌های عملیه مراجع عظام «قدس الله اسرارهم» آمده است که: «در احتیاط واجب، محل تأمل است و محل اشکال است می‌توان به غیر رجوع کرد». منظور از احتیاط واجب چیست؟ آیا در جواز رجوع، فرقی بین احتیاط در فتوا و فتوای به احتیاط وجود دارد یا خیر؟

ج - احتیاط واجب در جایی است که مجتهد فتوا ندارد و در این مورد و مواردی که مجتهد می‌گوید محل اشکال و تأمل است، می‌توان به فتوای مجتهدی که علمش از مجتهد اعلم کمتر، و از دیگر مجتهدان بیشتر است عمل کرد، و در این حکم فرقی بین اقسام احتیاطات واجب نیست. ۷۶/۲/۸

﴿س ۶۵﴾ آیا در رساله‌های عملیه، عبارتی مانند (لا یبعد - لا یخلو عن قوه - لا یخلو عن وجه) مقصود فتوا است یا نه؟ و اگر بعد از فتوا تعبیر به لا یترک الاحتیاط شد آیا این احتیاط واجب است؟

ج - فتوا می‌باشد و با جمله بعد که لا یترک الاحتیاط می‌باشد از فتوا بودن خارج نمی‌شود. ۸۳/۲/۱۴

﴿س ۶۶﴾ آیا تشخیص موضوع مثل خارج شدن وسیله‌ای از آلات قمار، از وظایف مجتهد است یا مقلد؟

ج - از وظایف مقلد است. ۷۶/۲/۸

﴿س ۶۷﴾ اگر زن و شوهری مقلد دو مرجعی باشند که با هم اختلاف مسئله دارند؛ مثلاً مرجع شوهر، موافقه دبر را اجازه می‌دهد و مرجع تقلید زن، اجازه نمی‌دهد، حال زن در امر تمکین باید مطیع شوهر باشد یا خیر؟ همچنین در امر شستن لباس

شوهر، از حیث حکم به تعدّد شستن‌ها به تکلیف خودش عمل کند یا به تکلیف تقلید شوهر؟

ج - بر زن واجب است که در مسئلهٔ واقعه در دُبر، طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می‌کند، عمل نماید، به حکم «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»؛ ولی اگر مرد او را وادار کرد و مجبورش نمود؛ هیچ کدام گناهکار نیستند. اما در مسئلهٔ شستن لباس و امثال آن هم زن طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می‌کند، عمل نماید؛ چه آن اعمال را تبرّعی انجام دهد، و چه به صورت اجیر کردن یا وکیل گرفتن؛ لیکن باید دانست که امر در طهارت و نجاست بر سهولت است نه بر صعوبت و مشکل گرفتن، و اگر با مشکل گرفتن، احتمال وسواس شدن پیدا شود؛ حرام است و باید ترک شود. ۷۹/۶/۸

﴿س ۶۸﴾ اگر مرجع تقلید زن و شوهری در یک منزل، با هم فرق کند، آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج - مانعی ندارد و هر کس از هر مجتهدی که او را دارای شرایط می‌داند تقلید کند؛ بین خود و خدا معذور است. ۶۹/۴/۲۷

﴿س ۶۹﴾ اگر شخص از مرجعی تقلید کند و سپس به مرجع دیگری عدول نماید که فتوای او مخالف فتوای مرجع اوّل باشد، آیا باید اعمال گذشته را اعاده کند؟

ج - اعاده و قضای اعمال گذشته لازم نیست؛ چون عمل کردن به فتوای مجتهد، موجب اجزاء است. ۷۹/۶/۸

﴿س ۷۰﴾ اگر دختری مقلّد حضرت امام علیه السلام یا یکی از فقهای عظام «رحمة الله عليهم» بوده که سنّ تکلیف را نه سالگی می‌دانند، آیا اکنون برای تدارک نماز و روزه‌های قضا شده می‌تواند فتوای حضرت عالی را ملاک قرار داده، سیزده سالگی را شروع تکلیف بداند؟

ج - اگر قبلاً به سنّ نه سالگی رسیده، و نماز و روزه را با آنکه می‌دانسته برایش واجب است، ترک نموده؛ باید قضای آن‌ها را طبق فتوای مرجع فوت شده به جا آورد. ۷۶/۳/۸

﴿س ۷۱﴾ دختری از نه سالگی به مدت دو سال بنا بر دستور والدین خود، نماز خوانده و روزه هم گرفته، هر چند مفهوم تقلید را درک نکرده است. حال اگر بخواهد شخصاً یا بنا بر توصیه پدر و مادر خود در احکام دین، از حضرت عالی تقلید کند، آیا جایز است؟

ج - به هر نحوی که اطمینان به جواز تقلید پیدا کند می تواند تقلید کند. ۷۳/۴/۳

﴿س ۷۲﴾ بنده به قصد قربت، عملی را انجام داده‌ام. بعداً فهمیده‌ام که طبق نظر مرجع تقلید باطل بوده است. بعد از فوت او به جناب عالی رجوع کردم. حال اگر عمل مذکور، طبق نظر شما صحیح باشد اعاده لازم دارد یا خیر؟

ج - بلی، اعاده لازم است. ۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۷۳﴾ اگر پدر فردی فوت شده باشد و پسر بزرگتر با توجه به اینکه می داند که پدرش به فتوای چه مرجع تقلیدی عمل می کرده به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند؛ از نظر جناب عالی چه حکمی دارد؟

ج - نه تنها مانعی ندارد بلکه متعین است که ولی و پسر بزرگتر و هر کسی که کاری را

برای میت انجام می دهد، طبق وظیفه خود و فتوای مرجع تقلیدش عمل کند،

اگرچه برای میت عمل می کند. ۷۵/۶/۱۹

﴿س ۷۴﴾ اگر مراجع تقلید مشهور در مسئله ای فتوا نداشتند یا احتیاط کرده بودند،

آیامی توان به فتوای مجتهدی که مرجع نیست یا به مرجعیت شهرت ندارد رجوع نمود؟

ج - هر گاه مرجع تقلید در مسئله ای احتیاط واجب دارد؛ رجوع به غیر آن با رعایت

الأعلم فالأعلم، جایز است؛ یعنی به کسی که بعد از آن مرجع از دیگران اعلم است

رجوع کند و اگر او هم احتیاط می نماید؛ به دیگری که بعد از او اعلم است رجوع

کند و به همین ترتیب، تا برسد به مجتهد جامع الشرائط که در آن مسئله فتوا دارد.

۷۷/۵/۶

﴿س ۷۵﴾ لطفاً بفرمایید امور حسبیه به چه چیزهایی می گویند و چه کسی می تواند

امور حسبیه را اجرا کند؟

ج - امور حسبیه از قبیل زکوات، سهمین، مجهول المالک، صدقات مندوبه و امور مربوط

به صغار و مجانین و موقوفات و غیره است که جزء اختیارات مجتهد جامع الشرائط

است که دخل و تصرف می‌نماید و هم چنین هر فردی که وکالت از مجتهد جامع‌الشرائط دارد او هم می‌تواند در موارد مزبور، دخل و تصرف نماید. ۸۱/۱۰/۹

﴿س ۷۶﴾ در مورد این روایت از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید «ان الارض لا تخلو الا وفيها امام، كيما ان زاد المؤمنون شيئاً ردهم وان نقصوا شيئاً اتمه لهم» سؤال این است که چگونه است که در زمان ما این همه تعدد فتوی به خصوص در مورد مسائل یکسان، وجود دارد (نظرات مختلف مراجع)؟ آیا همه این فتواها درست می‌باشد؟ اگر درست می‌باشد پس چرا به صور مختلف و حتی در تضاد با هم اند و اگر اشتباه می‌باشد آیا این باعث نمی‌شود که انجام دادن عملی به صورت اشتباه در دین رخ دهد و یا این که از انجام عمل درستی کاسته شود؟ در این مورد تکلیف چیست؟

ج - آن چه فقهای بزرگوار «قدس الله اسرارهم» چه در گذشته و چه در حال به آن فتوی داده اند از متون احادیث و روایات صادره از اهل بیت علیهم السلام است که در زمان غیبت امام علیه السلام به آن مأمورند و اما اختلافاتی که در فتاوی وجود دارد نه تنها اختلاف در دین نیست بلکه دلیل روشن بر باز بودن راه اجتهاد و اضافه شدن تحقیقات بر تحقیقات گذشته است. ۸۲/۸/۱۰

مسائل بلوغ

﴿س ۷۷﴾ نظر مبارک حضرت عالی در خصوص سن تکلیف چیست؟

ج - شرط بلوغ برای پسران با نبود سایر شرایط مذکور در رساله عملیه، تمام شدن پانزده سال قمری و شرایط بلوغ برای دختران، رویدن موی درشت بالای عورت یا عادت زنانه و بیرون آمدن منی - هر چند گفته می‌شود که منی از زن خارج نمی‌شود - و با نبودن هیچ کدام از آنها، تمام شدن سیزده سال قمری است.^۱ ۷۶/۲/۸

﴿س ۷۸﴾ این جانب فرزند پسری دارم که در تاریخ ۶۲/۲/۲۴ شمسی متولد شده است. خواهشمند است زمان دقیق مکلف شدن او را به تاریخ شمسی تعیین فرمایید.

ج - چون سن بلوغ پسر، پانزده سال قمری است و چون هر سال شمسی یازده روز

۱. برای توضیح بیشتر می‌توانید به «رساله توضیح المسائل» معظم له، مسئله ۲۲۶۸ مراجعه فرمایید.

بیشتر از سال قمری دارد، بنابراین، هر زمان که سنّ پسر، طبق سال شمسی به چهارده سال و شش ماه و پانزده روز رسید، بالغ است، و چون سنّ بلوغ دختر، سیزده سال قمری است، هر زمانی که طبق سال شمسی سنّ او به دوازده سال و هفت ماه و هفت روز رسید، بالغه است.

﴿س ۷۹﴾ اگر کسی به پانزده سال قمری نرسیده باشد، ولی مثلاً شرایط دیگر نظیر رویش موزیر بغل را داشته باشد، آیا مکلف است؟ اگر چنین باشد؛ من که تازه این موضوع را فهمیده‌ام باید نماز و روزه‌هایی که بر من واجب بوده، قضاکنم؟

ج - شرط بلوغ برای پسران با نبود سایر شرایط که عبارت‌اند از رویدن موی درشت زیر شکم و بالای عورت، و یا بیرون آمدن منی، پانزده سال قمری است لیکن در مورد قضای نماز و روزه، کسی که بالغ شده، در صورت داشتن علم و قدرت باید کفّاره روزه‌ها را بدهد و نمازها را قضا نماید؛ اما در صورت ندانستن یا عدم قدرت بر ادای کفّاره، استغفار نماید و روزه‌ها را قضا و کفّاره تأخیر هم که عبارت از یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم و نان و امثال آنها) است، برای هر روز پردازد.

﴿س ۸۰﴾ در احکام وضعی و تکلیفی، چه رابطه‌ای می‌تواند بین بلوغ و رشد وجود داشته باشد؟ در صورت وجود رابطه، به تفکیک بیان فرمایید.

ج - واجبات، گناهان و مجازات آنها تابع تکلیف و بلوغ است؛ ولی نفوذ عقود، ایقاعات و تصرّفات مالی و جانی، تابع بلوغ و رشد با هم است، با عنایت به این نکته که بلوغ و رشد در برخی از افراد هم زمان با هم به وجود می‌آید و در برخی دیگر با تقدّم و تأخر زمانی.

﴿س ۸۱﴾ حدّ بلوغ و حدّ رشد چیست و چرا سنّ دختران و پسران در تکلیف، فرق می‌کند؟ و آیا رابطه‌ای بین بلوغ و رشد هست؟ و آیا کسی که بالغ شد، رشید هم هست؟ و آیا کسی که حکم رشد او از دادگاه صادر شده است لزوماً بالغ هم هست یا خیر؟

ج - رشد، غیر از بلوغ است؛ لیکن رشید، کسی است که بتواند مصلحت خود را تشخیص دهد و علایم رشد نسبت به موارد، مختلف است. مثلاً فردی که اموال

خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند رشید نیست، و اگر گفته می‌شود دختر، رشیده باشد، یعنی مسائل زندگی را درک کند و تا حدی هم بفهمد با چه مردی و با چه خصوصیتی باید ازدواج کرد و زندگی نمود؛ همین اندازه، رشدش محقق شده است و بین بلوغ و رشد، رابطه‌ای نیست. هر یک ممکن است از دیگری جدا باشد و حکم به رشد، حکم به بلوغ نیست، مگر آن که بلوغ، مسلم باشد.

۷۹/۸/۱۷

﴿س ۸۲﴾ در رساله توضیح المسائل می‌فرمایید: «دختر در سیزده سالگی به تکلیف می‌رسد». آیا این سن، سن تکلیف برای تمام احکام مانند نماز و حجاب است، یا فقط برای روزه؟

ج - در تمام احکام مکلف است و اختصاص به روزه ندارد. ۷۴/۵/۲۴

﴿س ۸۳﴾ سن بلوغ دختران را سیزده سالگی بیان فرموده‌اید. آیا رعایت حجاب و انجام فرایض نیز از همین سن بر دخترانی که از حضرت‌عالی تقلید می‌کنند، واجب است؟

ج - آری، بین فرایض و غیر آن فرقی نیست؛ ولی در مسئله حجاب، خصوصیت عفت و حیای اجتماعی و مقررات آن‌ها مسئله‌ای خاص و با اهمیت است که برای دختران غیر بالغ هم رعایتش لازم است. ۷۸/۷/۲

﴿س ۸۴﴾ فی. آی. سنة یصبح الصبی. ممیزاً فی. الأعم الأغلب؟ و فی. آی. سنة یصبح الیتیم راشداً فی. الأعم الأغلب؟

ج - حیث إنّ الرشد و التمییز من الأمور التکوینیة لا من الأمور التعلیمیة مثل البلوغ، یختلفان باختلاف الأفراد والمناطق والثقافة الحاكمة. ۷۵/۱/۵

﴿س ۸۵﴾ در مواردی که انسان به خاطر جهل به موضوع (نه جهل به مسئله شرعی)، یقین ندارد که مکلف است، آیا تکلیفی متوجه اوست؟

ج - خیر، مگر در اموری با اهمیت که احتیاط محض، لازم است. ۶۸/۲/۳۰

احکام طهارت و نجاست

نجاسات

بول و غائط و منی

﴿س ۸۶﴾ آب کانال‌های کنار خیابان یا آبی که از طریق لولهٔ بعضی منازل به کوچه می‌ریزند، یا ترشح آب‌های سطح خیابان، مثل آب باران یا آب‌های دیگری که از زیر لاستیک خودروها به لباس می‌پاشد، چه حکمی دارند؟

ج - چون شک در نجاست و طهارت آن‌ها داریم، پاک‌اند و وسوسه به خود راه

۷۸/۷/۲۷

ندهید.

﴿س ۸۷﴾ شرکتی در نظر دارد که فاضلاب‌های ناشی از خط تولید نوشابه را به همراه فاضلاب‌های بهداشتی (حمام و...) تصفیه نماید. در تصفیه‌خانه، فرایند تصفیهٔ فاضلاب صنعتی و انسانی مراحل مختلفی را طی می‌کند، و در مرحلهٔ اصلی تبدیل به حالتی خواهد شد که با حالت اولیهٔ فاضلاب تصفیه نشده کاملاً متفاوت است، و مایعی ایجاد می‌شود که حالت آب مضاف را دارد. در ادامهٔ خط تصفیه با جداسازی مایع مذکور، دو فاز ایجاد می‌شود که یک فاز آن کاملاً زلال و شبیه آب معمولی (بدون رنگ، بو و بدون آثار آلودگی) است و فاز دیگر آن تغلیظ شده، به اول تصفیه‌خانه برگشت داده می‌شود. ناگفته نماند که در جریان تصفیه، مواد موجود در فاضلاب توسط موجودات ذره‌بینی مصرف می‌شود. در هر صورت چنانچه آب خروجی از تصفیه‌خانه دارای مشخصات ظاهری آب معمولی باشد، آیا پاک است یا خیر؟ و در صورت منفی بودن پاسخ آیا اتصال آن به آب جاری یا گُر و یا باران، می‌تواند همهٔ آن را پاک نماید؟

ج - مایع ایجاد شده در مرحله اصلی اگر مضاف باشد و در اثر امتزاج به آن آب گفته

نشود، بلکه بگویند آب نیست محکوم به نجاست است و برای پاک شدن آن علاوه بر اتصال به کُر یا جاری، امتزاج هم - علی الاقوی - لازم است اما اگر به آن آب مطلق گفته شود و زوال تغییر به واسطه وصل به کُر یا با هوا و یا به وسیله تصفیه با ابزار و آلات جدید باشد و از حالت قبلی خارج شده و به آب زلال تبدیل شده باشد پاک می‌باشد.
۸۵/۲/۱۷

﴿س ۸۸﴾ آیا بول و غائط حیوان نجاست خوار نجس است؟ سایر رطوبت‌های آن چه حکمی دارد؟

ج - بول و غائط هر حیوان نجاست‌خواری که حرام گوشت شده باشد، نجس است، ولی سایر رطوبت‌های آن پاک است؛ اما در مورد شتر نجاست‌خوار، عرق آن نیز نجس است.
۷۱/۱۱/۱۴

﴿س ۸۹﴾ آیا فضله پرنندگان حرام گوشت مثل طوطی و مرغ عشق و... نجس است یا خیر؟
ج - پاک است.
۷۶/۳/۸

﴿س ۹۰﴾ اگر در دیگ برنج فضله موش پیدا شود این فضله چه خصوصیتی دارد و حکم آن چیست؟

ج - فضله موش نجس است و اگر در دیگ برنج پخته فضله موش پیدا شود باید نخورد و نباید آن را به دیگران بخوراند چون تمام برنج دیگ نجس است و خود دیگ و چیزهای دیگر با ملاقات برنج‌های نجس، نجس می‌شود آری می‌توان آن‌ها را به حیوانات و پرنندگان داد.
۸۲/۳/۲۴

﴿س ۹۱﴾ آیا مو و مدفوع گربه و موش، نجس است؟ و اگر بچه‌ای که به سن تکلیف نرسیده و خود را پاک نگه نمی‌دارد، دست‌تر به در و دیوار یا جای دیگر گذاشت، نجس می‌شود؟

ج - فضله و مدفوع هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، نجس است. بنابراین، مدفوع گربه نجس است و موی گربه و موش، پاک است؛ ولی اگر از آن همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است، و دست و لباس بچه، محکوم به طهارت است.
۷۹/۷/۱

﴿س ۹۲﴾ فضله مارمولک‌ها که در خانه‌ها هم وجود دارند، و نمی‌دانیم خون جهنده دارند یا خیر؛ ولی می‌دانیم که بیشتر مگس و پشه خوانند، نجس است یا خیر؟
ج - فضله آن‌ها نجس نیست.

﴿س ۹۳﴾ فضله لاک پشت حکمش چیست؟
ج - پاک است، چون دارای خون جهنده نیست.

۷۸/۷/۲۶

﴿س ۹۴﴾ رطوبتی که در لباس است و انسان نمی‌داند که عرق است یا بول، چه حکمی دارد؟

ج - محکوم به طهارت است.

۷۴/۷/۴

﴿س ۹۵﴾ آیا قطرات آبی که از تبخیر عین نجاست با برخورد آن با شیء پاک دیگر بوجود می‌آید، پاک است یا نجس؟ (مثل بخار ادرار بچه یا بیمار که در ظرف گرفته می‌شود). اگر این بخار به سر و صورت انسان برخورد نماید، چه حکمی دارد؟
ج - پاک است اما اگر تبدیل به مایع شود و گفته شود که بول است نجس می‌باشد.

۸۴/۱۲/۱۱

﴿س ۹۶﴾ اگر فردی فرش یا جایی از خانه کسی را نجس کند و مدت یک ماه نیز با او زندگی کند، ولی چیزی به او نگوید و بعد آن مرد به شهر دیگری نقل مکان کند، آیا شخصی که خانه دیگری را نجس کرده، باید تا چه مدتی به خانه او نرود تا اطمینان حاصل کند که دیگر خانه‌اش پاک شده است؟ و آیا باید به او اطلاع دهد که خانه او را قبلاً نجس کرده است؟
ج - رفت و آمد به خانه مذکور، مانعی ندارد و تذکر به ایشان لازم نیست، و اگر میهمانی موجب نجس شدن خانه صاحب خانه شود، لازم نیست به او تذکر دهد.

۷۶/۹/۱۹

﴿س ۹۷﴾ فرش یا موکتی که جا به جا آن را توسط ادرار کودک نجس شده می‌پنداریم، پاکداشتن روی آن چه حکمی دارد؟ و آیا با گذاشتن پای تر روی آن، پا هم نجس می‌شود، با این فرض که نمی‌دانیم کجای فرش نجس است؟

ج - پا نجس نمی‌شود، چون معلوم نیست که آیا به محل نجس با رطوبت رسیده.

۷۷/۱۲/۲۳

﴿س ۹۸﴾ میهمانی بر شخصی وارد و غذایی آماده می‌شود، میزبان فضله‌ای در غذا می‌بیند، ولی به میهمان نمی‌گوید، و چند سال از آن مدت می‌گذرد، آیا باید میزبان به میهمان بگوید که در چند سال قبل چنین بود یا نه؟

ج - اعلام لازم نیست. ۷۴/۲/۱

﴿س ۹۹﴾ هنگام نوجوانی در محلی میهمان بودم، و در خواب بدون اراده، ادرار کردم، و از شرم چیزی به صاحبخانه نگفته، پتو و تشک را جمع کردم و از آنجا رفتم، و دیگر هم به آن افراد دسترسی پیدا نکردم تکلیف چیست؟

ج - مانعی ندارد، و چیزی بر عهده شما نیست. ۷۴/۲/۱۴

﴿س ۱۰۰﴾ رطوبتی که در حین ملاعبه با همسر از مرد خارج می‌شود و سفید رنگ و چسبنده است ولی بدون جستن بیرون می‌آید، آیا حکم منی را دارد؟ در صورت تماس با لباس چه حکمی دارد؟

ج - حکم منی را ندارد و محکوم به طهارت است و اگر به لباس و غیر آن سرایت

کند، مانعی ندارد. ۷۴/۱۲/۴

﴿س ۱۰۱﴾ گاهی پس از بول و در حین استبرا، مایع لزجی شبیه به منی از مخرج ادرار خارج می‌شود که فاقد علایم منی است، آیا چنین آبی در حکم منی است؟

ج - آنچه که حین استبرا بیرون می‌آید، محکوم به بول است، اما بعد از آن، نه تنها

محکوم به منی بودن نیست، بلکه پاک است و ناقض وضو هم نیست. ۷۰/۸/۲۷

﴿س ۱۰۲﴾ گاهی بوی منی از لباس زیرین مرد استشمام می‌شود، ولی آثار منی به وضوح در لباس مشهود نیست، در چنین مواردی تکلیف شخص چیست؟

ج - لباس پاک است و تا یقین به آلودگی به منی پیدا نشود، نمی‌توان گفت که لباس

نجس است، و باید آثار پاک بودن را بر آن مترتب نمود، وگرنه انسان گرفتار

وسوسه می‌شود که خود، ناپسند و مذموم است. ۷۰/۸/۲۷

﴿س ۱۰۳﴾ رطوبتی که در موقع ملاعبه و بازی کردن و هیجان و یا به طور عادی از زن خارج می‌شود، از لحاظ نجاست و طهارت چه حکمی دارد؟

ج - محکوم به طهارت است. ۷۶/۱/۲

﴿س ۱۰۴﴾ اگر بدن یا لباس انسان به عَرَقِ جُنُب از حرام آلوده گردد و آن لباس یا بدن، به اشیایی همچون: فرش یا در و دیوار خانه و... بخورد، اگر انسان غسل کند و بدن یا لباس تر به این اشیاء بخورد، آیا می‌توان با این بدن یا لباس، نماز خواند؟

ج - عَرَقِ جُنُب از حرام، نجس نیست و علی‌الأحوط، حکم آب دهان‌گربه را دارد که از عین آن در نماز باید اجتناب کرد و بعد از خشک شدن آن، احتیاط هم به خاطر نبود موضوع، از بین می‌رود.

۷۷/۷/۲

خون

﴿س ۱۰۵﴾ گاهی موقع خونگیری از بیمار، خون با دست‌گیرنده خون تماس پیدا می‌کند. آیا با پنبه‌الکلی می‌توان محل را تطهیر کرد یا مطابق آنچه که در احکام آمده است باید تطهیر شود؟

ج - بر طرف نمودن خون به وسیله پنبه‌الکلی یا چیزی شبیه آن، باعث پاک شدن محل می‌شود.

۷۷/۳/۹

﴿س ۱۰۶﴾ اگر جایی از بدن انسان خراشیده شود یا پوستی از آن جدا شود که موجب سوزش گردد، محل آن پاک است یا نجس؟

ج - پاک است، مگر آنکه خون بیرون بیاید، که در آن صورت به محض زایل کردن و برطرف نمودن آن خون از محل به وسیله‌ای مانند پارچه یا دستمال و...، موجب طهارت و پاکی آن می‌شود.

۸۰/۳/۲

﴿س ۱۰۷﴾ کف بیمارستان که با آجر یا سنگ مفروش شده، اگر نجس شود، آیا پس از آنکه آب شیلنگ به آن وصل شد، پاک می‌گردد یا باید غُساله آن جمع شود؟ تطهیر مورد مذکور به وسیله آب قلیل چگونه است؟

ج - به وسیله آب کُر یا جاری پاک می‌شود و نیازی به جمع کردن غُساله نیست؛ و نیز مورد مذکور، با آب قلیل هم پاک می‌گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود، و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند، از سوراخی بیرون رود، همه کف بیمارستان پاک می‌شود؛ و اگر بیرون نرود، محلی که در آن آب غُساله جمع

می‌شود، نجس است و می‌توان آن را به این صورت پاک کرد که ابتدا آب غُساله را به وسیله ظرف یا پارچه‌ای جمع‌کنند و جای آن را خشک و نظیف نمایند، همچنان که اگر عین نجاست را هم ازاله نمایند، پاک می‌شود، یعنی از بین بردن عین نجاست از کف مثل بیمارستان، خود سبب طهارت است و حکم آب را دارد. ۸۰/۳/۲۵

﴿س ۱۰۸﴾ قسمتی از بدن شخص، زخم‌های بزرگ و کوچک متعددی دارد. وضعیت فعلی درمان چنین است که با انجام گرفتن کارهای درمانی از قبیل بخیه زدن، ضد عفونی کردن و پانسمان و غیر آن، منطقه‌ای که زخم شده، کلاً متنجس می‌شود و این تنجس، به وسیله خون خارج شده از زخم نیست؛ بلکه خون غالباً با داروهای ضد عفونی زایل می‌شود. آیا زوال عین نجاست به نحو مرقوم، همانند زوال آن از ته کفش و امثال آن، موجب طهارت است، یا حتماً باید با آب تطهیر شود؟

ج - محض زوال عین نجاست در امثال مورد ذکر شده، ظاهراً موجب طهارت است؛ و ناگفته نماند که از بین رفتن و زایل شدن عین خون از بدن بیمار به وسیله داروهای ضد عفونی کننده، وقتی که اثرش از بین برود، یعنی خشک شود و رنگ یا علامت دیگری از آن دارو نماند و یا به وسیله پنبه یا پارچه از بین برود، سبب پاک شدن محل زخم می‌شود. ۸۰/۳/۱۰

﴿س ۱۰۹﴾ گاهی در هنگام خونگیری، سوزن سُرنگ به داخل رگ فرو می‌رود و به خون آغشته می‌شود؛ ولی به علت این که خون به داخل سُرنگ جریان نمی‌یابد یا کافی نیست، لازم می‌شود که از محل دیگری مبادرت به خونگیری شود. آیا سوزن نجس می‌شود؟ آیا نمی‌توان از این سوزن، استفاده مجدد نمود؟

ج - ملاقات در باطن، باعث نجاست سر سوزن (مُلاقی) نمی‌شود، مگر بعد از خارج نمودن، آلوده به خون باشد که نجس است و با وجود این، استفاده مجدد از آن، شرعاً جایز است. ۷۷/۳/۹

﴿س ۱۱۰﴾ اگر خون رانجس بدانیم، در این صورت، دایم باید در حال آب کشیدن خون و وسایل و لوازمی که با آن در ارتباط هستیم، باشیم و این، فلج‌کردن زندگی است؛ چراکه برای مثال، بیمارستان‌ها بخشی از کارشان در رابطه با خون و نجاست انسان‌هاست. همین طور

مقدار زیادی از وقت ما صرف تطهیر خونی می‌شود که مثلاً از بدنمان جاری شده است. شاید یکی از دلایلی که مامسلمان‌ها پیشرفت نکرده‌ایم، همین باشد که فقط دنبال این گونه مسائل از قبیل آب کشیدن امثال خون هستیم. همچنین در دنیای امروز، حیوانی مثل سگ خیلی از مشکلات را حل می‌کند، و در مسائل امنیتی و حتی در مبارزه با مواد مخدر و... بسیار به کار می‌آید و بسیاری روستاها بدون استفاده از سگ، نمی‌توانند امنیت داشته باشند، در صورتی که سگ در دین مانجس است. لطفاً در مورد این دو مسئله، توضیحی بفرمایید.

ج - درباره خون و سگ، نجاست آن‌ها از نظر شرع مقدّس اسلام، مسلم است؛ لیکن لوازم و پیامدهایی که شما برای آن تصوّر نموده‌اید، ناشی از یک نوع وسواس نسبت به این دو حکم است؛ چون اسلام، مطلقاً استفاده از آن‌ها را حرام نکرده است، بلکه تنها در خون، خوردن آن را حرام نموده نه غیر آن، و حتی برای سگ‌های نگهبان گله، باغ و خانه، ارزش و ضمان قرار داده است و اجتناب از نجاسات، فقط در مواردی همچون برای ادای نماز، واجب و لازم شده است، نه در همه موارد، حتی در مثل بیمارستان‌ها و آزمایشگاه‌ها. ۷۹/۷/۱۳

﴿س ۱۱۱﴾ آیا تماس با خون مُرده زیر ناخن یا زیر پوست، موجب نجاست است؟

ج - خون در باطن و زیر پوست که ظاهر نشده، باعث نجاست مُلاقی نمی‌شود، چون ملاقات در باطن، سببیت ندارد، مگر آن که بعد از خارج نمودن مُلاقی (مانند سر سوزن) آلوده به خون باشد، که نجس است. خون مُرده بعد از ظاهر شدن، مثل بقیّه خون‌ها است، لیکن در صورتی که احراز شود استحاله شده و خون نیست، پاک است. ۷۷/۳/۹

﴿س ۱۱۲﴾ در رساله توضیح المسائل می‌فرمایید: «خونی که از لای دندان‌ها بیرون

می‌آید اگر در آب دهان مستهلک شود؛ پاک است». آیا این حکم شامل سایر خون‌های دهان - نظیر زبان و قسمت داخلی گونه‌ها - نیز می‌شود؟ همچنین اگر به هنگام پُر کردن دندان، دهان خون‌آلود شود، آیا تطهیر آن‌ها لازم است؟

ج - هر خونی که در دهان باشد و در آن مستهلک گردد، پاک است، چون اساساً داخل دهان با برخورد نجاست، نجس نمی‌شود؛ همچنین اگر در جای دیگر بدن نیز

باشد، نیازی به آب کشیدن نیست و با ازاله و از بین رفتن نجاست، بدن پاک

۸۰/۳/۱

می شود.

﴿س ۱۱۳﴾ اگر دهان به واسطه خون دهان یا نجاست بیرون از آن نجس شود، آیا با

خوردن آب کر یا جاری پاک می شود؟

۷۴/۴/۱۷

ج - دهان، محکوم به طهارت است.

﴿س ۱۱۴﴾ دندان مصنوعی اعم از ثابت و غیر ثابت و نیز موادی که با آن دندان را پر

می کنند، آیا جزء باطن است که با ملاقات به نجاست نیاز به تطهیر ندارد، یا آنکه در

صورت ملاقات با خون یا غیر آن باید تطهیر شود؟

۷۶/۳/۹

ج - دندان مصنوعی تا زمانی که در دهان قرار دارد، نجس نمی شود.

﴿س ۱۱۵﴾ از دهان بچه ام وقتی که در خواب است، آب زرد رنگی بیرون می آید که متکا

را مرطوب و زرد می کند، آیا این آب، نجس است (چون زردی آن مثل خون است)؟

ج - چون یقین به خون بودن نیست (هر چند خون بودن، مورد گمان هم باشد)،

۷۱/۱۱/۱۸

محکوم به طهارت و پاکی است.

﴿س ۱۱۶﴾ اگر با فرض این که در داخل دهان مقداری خون است، داخل دهانمان آب

کردیم و آن را بیرون ریختیم، اگر رنگ خون در آن نبود، آیا آن آب، نجس یا نجس کننده

است؟

ج - اگر یقین به تماس با نجاست و خون داخل دهان حاصل شود، آن آب خارج شده،

۷۸/۱۰/۲۵

علی الأحوط، محکوم به نجاست است.

﴿س ۱۱۷﴾ خونابه ای که پس از طهارت و برطرف کردن خون، محل زخم را فرا

می گیرد، چه حکمی دارد؟

۷۷/۳/۹

ج - اگر احراز شود که خونابه با خون مخلوط است؛ نجس است.

﴿س ۱۱۸﴾ تماس با خون خشک شده روی زخم بعد از طهارت، چه حکمی دارد؟

ج - در نجاست خون، فرقی بین قبل از خشک شدن و بعد از آن نیست و باید دانست

که هر خون نجس، مانند بقیه نجاسات با رطوبت مُسریه، سبب نجاست شیء

۷۷/۳/۹

تماس گیرنده و مُلاقی می شود.

﴿س ۱۱۹﴾ تماس با خون پشه و ماهی که خون جهنده ندارند، چه حکمی دارد؟
ج - خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگ آن را بپزند، خون از آن جستن می‌کند، نجس است. پس خون حیواناتی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارند، پاک است. ۷۷/۳/۹
﴿س ۱۲۰﴾ آیا الکلی که جهت ضد عفونی بعد از تزریقات به کار برده می‌شود، نجس است؟

ج - انواع الکل‌هایی که مورد استفاده کارهای صنعتی و درمانی قرار می‌گیرند، با شک در این که از نوشیدنی‌های مست کننده هستند و یا در آن به کار رفته یا نه، محکوم به طهارت‌اند و تحقیق لازم نیست؛ اما با ملاقات با خون و چیزهای نجس دیگر، نجس می‌شود. ۷۷/۳/۹
﴿س ۱۲۱﴾ گاهی اوقات در قسمت زخم‌های باز که لای آن قرمز و خونی است، هنگام آب کشیدن خون لای زخم از بین نمی‌رود. آبی که از روی آن خون برمی‌گردد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر یقین کند که آب قلیل با خون برخورد نموده و شکاف هم به طوری باشد که خون، خون‌ظاهر بدن حساب شود، آن آب هم محکوم به نجاست است. ۷۰/۱۰/۲۷
﴿س ۱۲۲﴾ اگر مقدار کمی خون بدن، با کرم دست و صورت مخلوط شود به طوری که خون در آن کرم دیده نشود و سپس لباس نماز گزار با آن کرم مذکور، آغشته و آلوده شود، آیا نماز خواندن با آن لباس باطل است؟

ج - آن قسمت از کرم‌هایی که با خون مخلوط شده نجس می‌باشد و در صورتی که با دستمال یا شیء دیگری آن را پاک کند با زوال عین آن، پاک می‌شود و می‌توان با آن نماز خواند. ۸۲/۹/۱۴

﴿س ۱۲۳﴾ اگر از بدن انسان جایی بریده و یا زخم شود، پس از آب کشیدن آن، آیا روی زخم و محل بریدگی (که بسته شده و خشک می‌شود، و گاه قهوه‌ای یا قرمز رنگ است و یقین به خون بودن آن نیست) نجس است؟ اگر در همان حال خشکی، مجدداً آن را آب بکشیم، پاک است؟
ج - تا یقین به خون بودن آن نداشته باشید، نجس نیست. ۷۵/۸/۲

﴿س ۱۲۴﴾ آیا چرکی که از جوش‌های صورت بیرون می‌آید، نجس است یا خیر؟
 ج - چرک، اگر همراه با خون نباشد، پاک است. ۷۸/۸/۱۱
 ﴿س ۱۲۵﴾ اگر خون را تجزیه کنیم آیا آن مواد تجزیه شده محکوم به طهارت است و
 مصداق استحاله محسوب می‌شود یا نه؟

ج - آنچه که از خون، تجزیه و جدا شده، اگر عنوان خون بر آن صادق نباشد پاک
 است و همانند سگی است که در نمک زار نمک شود و تفاوتشان در طبیعی بودن
 دومی و پیشرفت علم و دانش در اولی و مفروض سؤال می‌باشد و گرنه محکوم به
 نجاست است. ۸۴/۱۲/۱۱

﴿س ۱۲۶﴾ اگر ظرفی که آب آن کمتر از گُر باشد و با خون یا فرآورده‌های خونی
 نجس شده باشد، جوشانده شود، آیا بخار آن پاک است؟ و آیا فرآورده‌های خونی،
 مثل پلاسما و سرم، نجس است؟ اگر با همین شرایط، به جای خون، ادرار باشد، بخار
 آن پاک است یا نه؟

ج - بخار پاک است، اما اگر تبدیل به مایع و آب شود و تشخیص داده شود که خون
 یا بول بر آن صدق می‌کند و گفته شود که خون یا بول است، نجس می‌باشد
 و همچنین است سرمی که از فرآورده‌های خونی تهیه می‌شود. ۸۴/۱۲/۱۱

مردار

﴿س ۱۲۷﴾ کندن پوست یا زخم یا دندان و یا امور مشابه آن‌ها چه حکمی دارد؟ آیا این
 گونه پوست‌ها نجس‌اند؟

ج - اگر ضرر فاحش نداشته باشد، حرام نیست و قطعه‌های کوچک و ریز هم نجس
 نیست، برخلاف قطعه‌های بزرگ که نجس است. ۷۴/۷/۲۵

﴿س ۱۲۸﴾ عضوی که از بدن یک انسان به بدن انسانی دیگر پیوند می‌زنند، آیا پاک
 است یا نجس؟ و در صورت نجس بودن، حکم نماز با آن عضو چگونه است؟

ج - اگر عرفاً جزء بدن محسوب شود (که ظاهراً با جوش خوردن، پیوند به بدن
 حاصل می‌شود) احکام سایر اجزای بدن را دارد. ۷۶/۳/۸

﴿س ۱۲۹﴾ اگر عضوی از بدن انسان قطع شود، آیا نجس است یا پاک؟

ج - اگر عضوی از بدن انسان قطع شود و به صورت آویزان، متصل به بدن باشد، تا زمانی که اتصال دارد (هر چند فقط به وسیله پوست)، پاک است؛ اما همین که از بدن جدا شود، نجس است.

﴿س ۱۳۰﴾ گاهی لازم است که بافت‌های مُرده‌ی مجاور عضو زنده و سالم برای مراقبت از موضع عمل و جلوگیری از عفونت، بریده و حذف شوند. تماس با بافت‌های مذکور، چه حکمی دارد؟

ج - اگر بافت‌ها قطعه‌های کوچک و ریز پوست باشد، نجس نیست، بر خلاف قطعه‌های بزرگ که نجس است؛ مثل گوشت که همین که از بدن جدا شود، نجس می‌گردد، و اگر با رطوبت به چیزی برخورد کند، آن را نجس می‌کند، و اگر دارای استخوان باشد، با تماس بدن با آن، غسل مسّ میّت، واجب می‌گردد. ۷۷/۳/۹

﴿س ۱۳۱﴾ در یک دیگ بزرگ، رُب گوجه فرنگی پخته‌اند وقتی به داخل دیگ نگاه می‌کنند، می‌بینند پرنده‌ای داخل رُب افتاده و مُرده است. آیا بعد از بیرون آوردن آن پرنده (مثلاً گنجشک)، رُب پاک می‌شود یا نجس است؟ و آیا مایع و جامد بودن رُب، به پاکی مسئله ربط دارد یا نه؟

ج - همه رُب نجس است و در مسئله رُب، جمودی که مانع از سرایت نجاست باشد، وجود ندارد. ۷۸/۹/۶

﴿س ۱۳۲﴾ اگر گر بیاگوسفندی داخل چاهی بیفتد و بمیرد، آب چاه چه وقت پاک می‌شود؟

ج - آب چاهی که چشمه جوشان دارد، با ملاقات نجاست و میته نجس نمی‌شود تا نزع و کشیدن آب، مطهر آن باشد. و کشیدن آب به خاطر رعایت نظافت و بهداشت، امری مطلوب، بلکه لازم است، و ناگفته نماند که آب چاه، جاری و کُر با تغییر بو یا رنگ یا مزه آن به وسیله عین نجاست نجس می‌شود و راه تطهیر آن هم در رساله بیان شده است. ۷۹/۱۰/۲۳

﴿س ۱۳۳﴾ آیا پوست مار و اشیایی که از پوست مار درست شده، نجس است یا خیر؟

ج - نجس نیست، چون معلوم نیست که خون جهنده داشته باشد. ۷۶/۱۲/۲۷

شراب و فقاغ

﴿س ۱۳۴﴾ خوردن انگوری که در جای گرم (مثل پشت پنجره) گذاشته شده تا مویز شود، و الآن باد کرده و تبدیل به مویز شده، چه حکمی دارد؟

ج - چون شگ در به جوش آمدن آب داخل آن می‌باشد، محکوم به طهارت و خوردنش حلال است. ۷۶/۳/۸

﴿س ۱۳۵﴾ اگر مقداری انگور را جهت سرکه شدن در کوزه‌ای بریزیم و هر بار مقداری انگور به آن اضافه کنیم، در صورتی که انگورهای سابق به اصطلاح به جوش آمده باشد، پاک است یا نجس؟ ضمناً پختن کشمش و خرما به همراه غذا چگونه است؟

ج - آب انگور جوش آمده حرام است و با سرکه شدن حلال می‌شود، ولی نجس نیست؛ و پختن کشمش و خرما همراه با غذا نیز مانعی ندارد. ۷۵/۱/۱۴

﴿س ۱۳۶﴾ اگر آب غوره‌ای را که شیرین شده بگیرند و جوش بیاورند، آیا نجس است؟ و برای آب غوره گرفتن، فرقی بین انگور شیرین و ترش هست یا نه؟

ج - در صورتی که انگور شده باشد و به واسطه پختن جوش بیاید، باید از خوردنش اجتناب کرد، ولی نجس نیست. ۷۹/۷/۱۳

﴿س ۱۳۷﴾ چنان که مایعی ذاتاً قابل شرب نباشد ولی اگر آن را رقیق کنند مسکر باشد آیا مایع مفروض قبل از رقیق شدن نجس است؟

ج - نجس نمی‌باشد و معیار در نجاست مسکریت فعلی است نه مسکریت بالقوه آن. ۸۰/۱۰/۳۰

﴿س ۱۳۸﴾ از جمله موادی که در کرم‌های ضد آفتاب به کار می‌برند، استیل الکل است، آیا این استیل الکل پاک است یا خیر؟

ج - انواع الکل‌های صنعتی و بهداشتی پاک است و تنها الکل مشروب که مست کننده است، نجس است و خوردنش حد شرعی دارد. ۷۵/۴/۷

سگ و خوک

﴿س ۱۳۹﴾ دست زدن به سگ و نوازش آن چگونه است؟ با توجه به این که مثلاً در نجس‌العین‌های دیگر مانند خون و مدفوع، دست زدن ایرادی ندارد؛ اما باید رفع

نجاست شده، و شسته شود، آیا می‌توان گفت در مورد این حیوان نیز همین طور است؟
 ج - مستفاد از مجموع احکام و آثار وارد شده از معصومین علیهم‌السلام ناخوشایند بودن اعمال ذکر شده در سؤال نسبت به سگ است و چه بسا ارتباط به نحو نوازش و دست زدن به سگ، موجب ایجاد امراضی برای انسان بشود که هنوز علم بشر به آن‌ها نرسیده، بنابراین، مقایسه مورد ذکر شده در سؤال با موارد دیگر، مانند خون، قطعاً ناتمام است، قطع نظر از آن که مخالف با مذاق فقه و شرع هم هست.

۷۸/۷/۲۷

﴿س ۱۴۰﴾ شایع است که تازی (سگ شکاری) در احکام نجاست و طهارت با سگ‌های دیگر، تفاوت دارد. شاید دلیل این گفته آن باشد که تاریخ نشان می‌دهد که اعراب، پس از اسلام، از رفت و آمد تازی به خیمه‌ها ممانعتی نمی‌کردند و حتی در خیمه آن‌ها می‌خوابید و آن را هدیه‌ای از طرف خدا می‌دانستند. آیا تفاوتی میان تازی (سگ شکاری) با سایر سگ‌ها در نجاست است؟

ج - از حیث نجاست، هیچ تفاوتی بین تازی که به زبان عربی به آن «سلوقی» گفته می‌شود با سگ‌های دیگر نیست، و همه انواع سگ‌ها نجس‌العین‌اند و تاریخ ذکر شده اگر تمام هم باشد؛ مربوط به زمان جاهلیت و مردم دور از تمدن بوده و مربوط به مردمی است که دخترانشان را زنده به گور می‌کردند.

۷۸/۷/۲۷

﴿س ۱۴۱﴾ گاهی برخی حیوانات غیر معمول را برای معاینه نزد ما می‌آورند که از نظر نجاست و پاکی، مورد سؤال‌اند. از این جمله، نژادهای مخلوطی است که از اختلاط گرگ و سگ به وجود می‌آید و این نوع حیوان، شباهت زیادی به گرگ دارد. با توجه به پاک بودن گرگ، این نژاد مخلوط، از نظر نجاست و پاکی چه حکمی خواهد داشت؟

ج - طهارت و نجاست حیوان متولد شده از دو حیوان مختلف، دائر مدار عنوان و اسم اوست. مثلاً اگر سگ و گرگ با هم جمع شوند؛ بچه‌ای که از آن‌ها متولد می‌شود، اگر عرفاً به او سگ اطلاق می‌شود؛ حکم سگ بر او مترتب است، و اگر گرگ گفته می‌شود، احکام گرگ را دارد، و اگر هیچ یک از این عناوین بر او صادق

نیست و عنوان سومی دارد، غیر از خوک که نجس العین است، محکوم به طهارت است، و در صورت شک در سگ و یا خوک بودن نیز محکوم به طهارت است و به طور کلی، هر حیوانی که سگ و یا خوک بودنش ثابت نشود، زنده اش محکوم به طهارت و پاکی است، چون یا جزء حیوانات پاک است و یا به حکم این که هر مشکوک به نجاست پاک است، محکوم به پاکی است. ۷۹/۹/۱۶

﴿س ۱۴۲﴾ حکم لباسی که سگ آن را لیس زده چیست؟

ج - سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت های آنها نجس است و نجس شدن لباس با لیسیدن آنها، حکم نجس شدن آن با بقیه نجاسات را دارد و تفاوت سگ با بقیه اعیان نجسه در ولوغ و خوردن و زبان زدن در ظرف است که با مراجعه به رساله، روشن می شود. ۷۸/۱۱/۲۰

﴿س ۱۴۳﴾ با توجه به نیاز شدید بیماران دچار سوختگی وسیع به جلوگیری از دفع آب از محل سوختگی و کمک به تسریع بهبود نسوج از بین رفته و همچنین ترمیم زخم های ناشی از افتادن در بستر مانند زخم های جانبازان قطع نخاعی و نیز انعقاد سریع خون در جراحی هایی که به روش های معمول مانند سوزاندن مویرگ و یا بستن رگ ها قطع خونریزی عملی نیست (مانند جراحی های مغز و یا فك و صورت) اکنون در دنیا از محصولات جدیدی همچون Xenoderm و Surgicoll استفاده می گردد که این محصولات از انجام عملیات شیمیایی بر پروتئین خوکی به دست می آید. علی هذا از حضور آن مرجع عظیم الشأن استفتا می نماید که راجع به شرعی بودن کاربرد این محصولات در بیماران نیازمند ارائه طریق فرمایند؟

ج - استفاده از داروهای ترمیمی که در سؤال آمده - گرچه از مثل خوک و سگ و یا چیزهای نجس العین دیگر است که با عملیات شیمیایی تهیه شده است - قطعاً جایز می باشد و چگونه جایز نباشد و حال آن که داروهای خوراکی گرچه نجس و از نجس هم تهیه شود خوردنش برای غیر مریض حرام است؛ اما برای مریض و در مقام معالجه مانعی ندارد چه رسد به ترمیم که حتی در غیر مقام معالجه هم جایز است و مانعی ندارد. ۸۰/۵/۲۱

کفار معاند دینی

﴿س ۱۴۴﴾ طهارت و نجاست اهل کتاب، کافر حربی، مشرک، لامذهب و کسی که مسلمان است ولی احکام اولیه طهارت و نجاست را رعایت نمی‌کند را بیان فرمایید.

ج - کفار معاند دینی مطلقاً نجس‌اند، اما غیر معاندان از آنها که عامه کفار هستند، اظهار، عدم نجاست آنان است؛ بلکه عامه کفار حتی حربی آنان که به خاطر اسلام و اعتقاد مسلمانان با آنان نمی‌جنگند، بلکه برای جهات دیگری می‌جنگند معاند دینی نمی‌باشند و محکوم به نجاست نیستند؛ اما معاشرت با مسلمان بی‌مبالا - ولو در مثل غذا خوردن - مانعی ندارد، چون نجس شدن غذا یا غیر آن، منوط به علم و یقین صد در صد است که معمولاً حاصل نمی‌شود. ۷۸/۶/۱۲

﴿س ۱۴۵﴾ نظر شما در مورد دست دادن و یا لمس بدن مرطوب کافر چیست؟ آیا در این خصوص بین اهل کتاب و دیگر کفار فرقی وجود دارد؟ بدن خشک چطور؟

ج - کفار غیر معاند مطلقاً پاک هستند؛ و اما معاند از آنها، با تماس با بدن مرطوبشان - اگر رطوبت مسریه باشد - بدن انسان نجس می‌شود، و گرنه به محض برخورد، نجاست حاصل نمی‌شود و در این حکم، فرقی بین اهل کتاب و دیگر کفار نیست. ۷۸/۶/۱۳

﴿س ۱۴۶﴾ آیا زرتشتی‌ها جزو اهل کتاب و پاک می‌باشند؟

ج - به طور کلی غیر معاندان از آنها (که اکثر آنها این چنین هستند) پاک و طاهرند. ۷۸/۶/۱۱

﴿س ۱۴۷﴾ حکم برخورد با اقلیت‌های مذهبی چگونه است؟ آیا آنها پاک هستند؟ آیا می‌توان دعوت آنها را پذیرفت؟

ج - غیر معاندان از آنان (که غالباً این چنین هستند) پاک می‌باشند و به هر حال برخورد فرد مسلمان باید خوب و سازنده باشد، و نیز پذیرش دعوت آنها اگر منجر به اکل و شرب نجس نشود، اشکال ندارد. ۷۸/۶/۱۸

﴿س ۱۴۸﴾ نظر حضرت عالی درباره طهارت یا عدم طهارت اهل کتاب چیست؟ همچنین

بفرمایید آیا معاشرت و دوستی و هم‌سفره شدن مسلمین با ایشان، جایز است یا خیر؟
ج - کفار معاند دینی مطلقاً نجس‌اند؛ اما غیر معاندان از آنها که عامه کفار هستند،

اظهر، عدم نجاست آنان است و معاشرت با آنها مانعی ندارد؛ اما باید مواظب بود که غذای آنان اگر از گوشت و مشتقات آن تهیه شده، حتماً ذبیحه آنها با بسم الله و تسمیه باشد.

۷۵/۲/۱

﴿س ۱۴۹﴾ در حال حاضر کافر حربی بر چه کسی صادق است؟

ج - کفاری که در حال جنگ یا ضرر زدن به مسلمانان و نیز مشغول جاسوسی، فساد و تبلیغ علیه مسلمین اند، کافر حربی محسوب می شوند.

۷۴/۷/۲۲

﴿س ۱۵۰﴾ به نظر جدید حضرت عالی تنها معاندان از کفار، محکوم به نجاست هستند،

آیا این حکم به صورت فتوا است یا احتیاط؟

ج - در معاند مشرک بنا بر اقوی و در معاند غیر مشرک از کفار بنا بر احتیاط واجب است.

۷۸/۶/۱۱

﴿س ۱۵۱﴾ حکم معاشرت و غذا خوردن با کفار و نیز استفاده از پانسیون، و وسایل

آشپزخانه و حمام آنها چگونه است؟

ج - استفاده از وسایل و امکانات غیر مسلمانان مانعی ندارد؛ چون بنا بر قول به نجاست، علم به نجاست با شرایط آن - مخصوصاً در زمان ما که از دستکش، ماشین های لباسشویی و ظرفشویی و از آب های لوله کشی استفاده می شود - حاصل نمی گردد و بنا بر نظر اخیر این جانب مبنی بر طهارت کفار غیر معاند، مانعی وجود ندارد و ناگفته نماند که غالب، بلکه عامه کفار حتی حربی آنان که به خاطر اسلام و اعتقاد مسلمانان با آنان نمی جنگند، بلکه برای جهات دیگری می جنگند معاند دینی نمی باشند و محکوم به نجاست نیستند. آری، ذبیحه آنان در بلاد کفار، محکوم به حرمت است و خوردنش جایز نیست، مگر آنکه احراز شود ذبیحه آنها با بسم الله و تسمیه و بقیه شرایط بوده؛ و عدم استفاده از ظروفی که احتمال خوردن چیز نجس (مثل شراب و...) با آنها داده می شود، مطلوب است.

۷۸/۶/۱۲

﴿س ۱۵۲﴾ آیا بدگویی و دشنام دادن و دروغ بستن به پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ،

موجب کفر و ارتداد می شود یا خیر؟ در صورت مثبت بودن، اگر چنین فرد مرتدی توبه

نکند؛ کیفر و مجازات او از نظر شارع مقدّس چیست؟

ج - سبّ و دشنام دادن و بدگویی از پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ، موجب ارتداد است و گوینده و کسی که سب می‌نماید، محکوم به کفر و نجاست است، و اگر توبه نکند، محکوم به احکام بقیّه مرتد‌هاست و دارای حکم خاصّی هم هست که در رساله‌های عملیه بیان شده است. ۷۶/۵/۲۵

﴿س ۱۵۳﴾ کدام یک از اقسام مرتد (ملّی و فطری) اگر توبه کنند؛ توبه آن‌ها قبول می‌شود؟ آیا بعد از توبه بدن آن‌ها پاک می‌گردد؟

ج - هر دو قسم مرتد (ملّی و فطری)^۱ اگر توبه کنند؛ توبه آن‌ها قبول می‌شود و اگر معاند بوده‌اند بعد از توبه، بدن آن‌ها پاک است. ۷۶/۳/۹

﴿س ۱۵۴﴾ معاشرت با مرتد یا مرتده با هدف ارشاد و بدون آن چگونه است؟

ج - معاشرت برای ارشاد، مانعی ندارد، و همه احکام کافر بر مرتد بار می‌شود. ۷۵/۷/۳۰

﴿س ۱۵۵﴾ علی‌اللهی‌ها از نظر شریعت مقدّس چگونه هستند، با توجه به اینکه بعضی از آن‌ها توجّهی به نماز ندارند؟

ج - همه کسانی که شهادتین را بر زبان جاری می‌کنند محکوم به اسلام‌اند، مگر آنکه ثابت شود که پیامبر اکرم ﷺ را - نعوذ بالله - از طریق انکار ضروری دین، تکذیب می‌کنند. البته تحقیق از عقایدشان لازم نیست و نباید انسان خود را به در دسر بیندازد و همین قدر که شهادتین می‌گویند، محکوم به اسلام‌اند و باید آنان را به منظور بالا رفتن آمار مسلمین و عظمت و شکوه اسلام در زمره مسلمانان دانست. ۷۸/۶/۱۲

﴿س ۱۵۶﴾ متأسّفانه برخی از افراد مسلمان ضعیف‌الایمان، مبتلا به معاشرت با فرقه ضالّه بهائیت شده‌اند. حکم رفت و آمد و شرکت در مراسم ایشان و پذیرش دعوت آن‌ها را بیان فرمایید.

ج - معاشرت با آن‌ها در صورتی که ترویج روش باطل آن‌ها باشد یا در مؤمنین

۱. «مرتد فطری» یعنی مسلمان زاده‌ای که پس از گرایش به اسلام کافر شود و در مسلمان‌زاده بودن کافی است که پدر یا مادر او حین انعقاد نطفه مسلمان باشد؛ «مرتد ملّی» یعنی کافر زاده‌ای که پس از گرایش به کفر، اسلام را اختیار کند و دوباره کافر گردد.

ضعیف‌الایمان اثر سوء بگذارد؛ جایز نیست و نیز اعمال مرقومه در سؤال قطعاً موجب ترویج باطل می‌باشد که حرام و از معاصی کبیره است و نباید انجام گیرد.

۷۵/۲/۱

﴿س ۱۵۷﴾ پیروان فرقهٔ بهائیت چه حکمی دارند و ملاک و مناط شما در مورد حکم مورد نظرتان چیست؟ برخی از افراد این فرقه هستند که شهادتین را بر زبان جاری می‌کنند و می‌گویند اگر ملاک مسلمانی، گفتن شهادتین باشد؛ ما مسلمانییم. حکم این قبیل افراد چیست؟

ج- از جهت مسلمان نبودن با بقیهٔ فرقی که مسلمان نیستند تفاوتی ندارند و همهٔ کسانی که توحید و یا رسالت خاتم انبیاء ﷺ را قبول ندارند و یا با انکارِ ضروری از ضروریات دین که به تکذیب نبی مکرم اسلام ﷺ هم برگردد، مسلمان نیستند و احکام اسلام بر آنها مترتب نمی‌گردد، گرچه شهادتین را هم بر زبان جاری بنمایند.

۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۵۸﴾ کسانی از فرقهٔ بهائیت به آیین بهائیت بی تفاوت‌اند و به هیچ یک از اعمال دینی این فرقه عمل نمی‌کنند، ولی می‌گویند به جهت علایق خانوادگی و دلایل اجتماعی، از اظهار مسلمانی و برگشتن از این آیین، ابا دارند. حکم این قبیل افراد چیست؟

ج- اگر شهادتین را بر زبان جاری می‌نمایند و هیچ یک از جهات ذکر شده که در جواب سؤال قبل که موجب کفر است در آنها وجود ندارد؛ بلکه بر خلاف مبانی ضالّه و مضلّهٔ بهائیت و وفق عقاید اسلامی عقیده دارند و ترک عمل به احکام اسلام به دلیل ترسشان است، هر چند ترسشان بی‌موقع است، احکام اسلام بر آنها بار می‌شود؛ لیکن ترتیب احکام از طرف دیگران، منوط به احراز امور ذکر شده است؛ وگرنه ظاهر حال جزو گروه ضالّهٔ مضلّه بودن، حجت شرعی بر عدم اسلام است.

۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۵۹﴾ مطلعان به فرقهٔ بهائیت اظهار می‌دارند که به یگانگی خدا، نبوت رسول اکرم ﷺ و امامت ائمهٔ هدی ﷺ تا امام یازدهم ﷺ اعتقاد دارند، ولی قائل‌اند که امام

دوازدهم علیه السلام، ظهور کرده است. آیا شهادت و اعتقاد آنان به این اصول، جهت حکم بر طهارت آنان کافی است؟

ج - محکوم به کفر هستند و این گونه اطلاعات، گرچه مطابق با واقع هم باشد - که معلوم نیست - به خاطر جهات متعدد دیگر، عدم اسلامشان مُحرز و غیر مسلمان‌اند.
۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۶۰﴾ شخصی مسلمان و شیعه اثنی عشری است. حدود ۴۵ سال قبل بر اثر معاشرت با فردی بهایی به آن مذهب ضالّه گرایش پیدا می‌کند. مدت دو سال طبق روش بهایی‌ها رفتار می‌کند. حتی به ادعای خودش روزه ماه رمضان را نگرفته و نماز نخوانده و پس از دو سال، از کردار زشت خودش پشیمان شده و مجدداً شیعه اثنی عشری شده است. پس از شیعه شدن به زیارت خانه خدا (حج تمتع) مشرف شده و به زیارت عتبات عالیات رفته. همچنین در کارهای خیرپیش قدم بوده و در ساختن مساجد، حسینیه و دیگر کارهای خیر، اقدامات مؤثری انجام داده و فعلاً شخص مسنی است و مقید به تمام دستورات الهی است. بفرمایید آیا ایشان با این اوصافی که ذکر شد، مرتد شده است؟ و آیا حکم ارتداد برایشان بار می‌شود؟ و آیا توبه شخص نامبرده، مقبول درگاه خداوند می‌شود؟
ج - توبه نامبرده قبول است و اعمال او مقبول و نسبت به نماز و روزه‌های قضا شده، قضا و کفاره دارد و احکام ارتداد هم بخاطر توبه و قصورش بر او بار نمی‌شود.

۸۵/۲/۵

﴿س ۱۶۱﴾ مادرخانم بنده بهایی بوده و به این علت از همسرش طلاق گرفته است. با توجه به اینکه ایشان تا به حال از عقاید گذشته‌اش دست برنداشته است و کسی را ندارد به او رسیدگی کند، بنده و همسرم مجبوریم که با ایشان معاشرت کنیم. آیا این معاشرت جایز است یا نه؟ آیا همسر بنده باید با ایشان قطع رابطه نماید یا نه؟ در صورت لزوم قطع رابطه، چگونه می‌تواند حق فرزندی را ادا نماید؟ همچنین حکم طهارت یا عدم طهارت ایشان را بیان فرمایید؟

ج - حقوق فرزندی را باید رعایت نمود، و با چنین مادرانی چه نیکوست که تا حدّ اعلا مهربانی شود تا نسبت به اسلام و مسلمین خوشبین گردند و از نظر طهارت

و نجاست در حکم بقیة کفارند، یعنی اگر معاند دینی نباشند، محکوم به طهارت هستند و الا نجس اند.

۷۸/۶/۱۸

﴿س ۱۶۲﴾ در رساله فرموده‌اید که تقلید در اصول دین، جایز نیست و مسلمان باید یقین داشته باشد و شک داشتن در وجود آفریدگار یگانه و پیامبری حضرت محمد ﷺ، موجب کافر شدن فرد می‌شود. حال با توجه به این دو موضوع، فردی می‌گوید که در اصول دین، شک دارم و علت شک خود را هم عمل نکردن بسیاری از افراد آگاه به مسائل دینی و حتی مبلغان دینی می‌داند. حال خواهشمندم توضیح کامل بفرمایید که آیا چنین شکی موجب کافر شدن می‌شود؟ اگر چنین فردی کافر است، وظیفه ما در قبال او چیست؟ آیا باید رفت و آمد با چنین فردی قطع شود؟

ج - همین که شهادتین را به زبان جاری می‌سازد، مسلمان است و احکام اسلام بر او مترتب است و انتقادهای او موجب کفر نمی‌شود و نباید نسبت به اندیشه‌ها و عقاید مردم مسلمان که شهادتین را بر زبان جاری می‌نمایند، حساس بود که اسلام، دین سهولت است نه دین صعوبت، و دین تحقیق است نه دین تفتیش.

۷۷/۲/۱۱

﴿س ۱۶۳﴾ شخص مسلمانی منکر برخی امور پذیرفته شده در اسلام است که ماورای حس و ماده‌اند، خلاصه آنکه مسائلی را که تاکنون علم ثابت نکرده، قبول ندارد و علناً هم اظهار می‌کند. آیا همسرا و باینکه فرزندی در خانه ندارد و از این جهت مسئولیتی متوجه او نیست، می‌تواند با چنین مردی شرعاً زندگی کند؟ آیا اقوام و دوستان او می‌توانند به آن خانه رفت و آمد نمایند و از خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های آن استفاده کنند و یا در آن خانه نماز بخوانند؟

ج - تا شهادتین را بر زبان جاری می‌کند، دقت زیادی در افکار و عقاید او ننمایید. چنین فردی به محض اقرار به شهادتین، محکوم به اسلام است و حکم دیگر مسلمانان را دارد.

۷۴/۲/۲۵

﴿س ۱۶۴﴾ شخصی در حال ناراحتی و عصبانیت به خدا و پیامبر ﷺ العیاذ بالله، ناسزا گفت، ولی بعداً پشیمان شد. آیا این دشنام و ناسزا گفتن، موجب ارتداد و نجس شدن او شده است؟

۷۶/۷/۱۴

ج - چون با عصبانیت بوده، موجب کفر و ارتداد نمی‌شود.

﴿س ۱۶۵﴾ اگر فرد یا افرادی در فکر و گفتار، اعتقاد به وحدانیت خدای متعال و رسالت نبی اکرم ﷺ داشته و حتی شیعه باشند، ولی نسبت به انجام فرایض مثل نماز، روزه و... بی توجه باشند و آن‌ها را رعایت نکنند، آیا باید از آن‌ها پرهیز کرد؟ در مورد مسائل عمومی و متعارف زندگی شخصی و اجتماعی، نحوه برخورد با این گونه افراد از جهت نجاست و طهارت چگونه است؟

ج - از نظر معاشرت بین آن‌ها و دیگر مسلمان‌ها فرقی نیست. آری، انسان باید مواظب خود باشد تا تحت تأثیر قرار نگیرد، کما اینکه امر به معروف و نهی از منکر، با تحقق شرایط، واجب است. ۷۴/۷/۲۵

﴿س ۱۶۶﴾ چون در محل کار این جانب از برادران فرقه اسماعیلیه مشغول به کار هستند و به ناچار بعضی تماس‌ها مثل دست دادن یا احوالپرسی و بعضی اوقات، خوردن غذا در یک ظرف برقرار می‌شود، خواهشمند است نسبت به نجس و پاکی این فرقه، ارائه طریق فرمایید.

ج - پاک‌اند و مسلمان می‌باشند و نباید در ترتب احکام اسلام بر آن‌ها شک نمود و به طور کلی، کسانی که شهادتین را بر زبان جاری می‌نمایند، چه رسد به مورد سؤال، محکوم به همه احکام اسلام بوده و هستند. ۷۹/۴/۱۴

﴿س ۱۶۷﴾ کمک گرفتن برای امور خیریه از شخصی که متهم به پیروی از مسلک شیخیه است، و نیز معاشرت و غذا خوردن با او چه حکمی دارد؟

ج - اگر ترویج او نباشد و خودش هم از کمکش سوء استفاده‌ای ننماید، مانعی ندارد. ۶۹/۱۲/۲۲

﴿س ۱۶۸﴾ آیا ماکه شیعه دوازده امامی هستیم، در رابطه با طلب مغفرت یا شرکت در مجالس ترحیم اشخاصی که به نوعی ائمه اطهار علیهم‌السلام را قبول ندارند، و یا اینکه ائمه علیهم‌السلام را به طور کلی رد می‌نمایند و می‌گویند خدا و قرآن کافی است، اجازه داریم یا خیر؟

ج - باید از این گونه فرق موجوده اهل بدع فاصله گرفت، و آن‌ها را به مردم معرفی و به نحوی با آن‌ها رفتار کرد که در جامعه منزوی گردند. شرکت در مجالس سایر فرق مسلمین (اهل سنت)، نه تنها جایز بلکه ممدوح نیز هست. ۷۱/۱/۲۵

﴿س ۱۶۹﴾ آیا تماس با اهل سنت و معاشرت با ایشان که امامت و عصمت ائمه اطهار علیهم السلام و رجعت ایشان را انکار می کنند، جایز است؟

ج - محکوم به طهارت اند و معاشرت با آنان همانند معاشرت با سایر مسلمین، جایز و مطلوب است؛ آری، نواصب و آنان که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار دشمنی می نمایند، محکوم به نجاست اند.
۷۵/۶/۲۰

﴿س ۱۷۰﴾ آیا اصل ولایت فقیه از ضروریات دین است؟ در صورت مثبت بودن آیا منکرش مرتد می شود یا نه؟

ج - جزء ضروریات دین نیست و چگونه جزو ضروریات باشد، حال آن که از نظر فقهی اختلاف نظر در آن و اختیاراتش بین فقهای گذشته، بلکه فعلی هم وجود دارد. بنابراین، منکرش اگر منکر ضروری را هم فی حدّ نفسه مرتد بدانیم؛ مرتد نیست؛ چون ضروری نبوده. به علاوه که انکار ضرورت باید به انکار نبوت و تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله برگردد تا موجب کفر شود.
۷۸/۱۱/۲۶

﴿س ۱۷۱﴾ آیا به کسی که به ولایت فقیه اعتقاد ندارد، حقیقتاً مسلمان گفته می شود؟

ج - چنین سؤالهایی جای تعجب دارد. چگونه اعتقاد نداشتن به چنین امور قانونی سبب عدم اسلام گردد با این که عدم اعتقاد به ولایت و خلافت بلافضل مولی الموحّدین علی بن ابیطالب علیه السلام، سبب عدم اسلام نشده و برادران سنی، مثل برادران شیعی، محکوم به اسلام اند و مسئله مورد سؤال، گرچه به نظر امام - سلام الله علیه - و برخی از فقها تمام است، اما فقهایی همانند شیخ اعظم رحمته الله (انصاری) آنرا قبول نداشته اند.
۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۷۲﴾ آیا طفل ناشی از زنا که والدین طبیعی وی مسلمان هستند، به تبعیت از پدر یا مادر تکوینی، حکم مسلمان را دارد؟

ج - بسیاری از احکام مسلمانان، مانند حکم به طهارت و قصاص و قتل و حلّیت ذبیحه با گفتن «بسم الله» و امثال آن که مترتب بر اثبات کفر است، بر آن ها جاری است، چون گرچه حکم به اسلام آن طفل از راه تبعیت ابوین نشود، ولی قطعاً حکم به کفر هم نمی شود.
۷۸/۷/۱۴

مطهرات

﴿س ۱۷۳﴾ کشیدن آب چاه با پمپ و جاری کردن آن در جوی آب، در حکم آب چاه است یا آب جاری؟

ج - در حکم آب جاری است. ۷۷/۱۰/۹

﴿س ۱۷۴﴾ آب لوله کشی، گاهی اوقات بر اثر استعمال مواد شیمیایی (مثل گُلر)، همانند شیر، سفید و پس از مدتی صاف می‌شود، وضو گرفتن و تطهیر کردن با آن چگونه است؟ آیا این آب، مضاف است؟

ج - این گونه آب‌ها آب مطلقاند، چون اگر آن را برای کسی ببرند، می‌گویند آب آورد یا اگر کسی آن را ببیند، می‌گویند که آب است و آب بودن، عرفاً از آن صحت سلب ندارد، یعنی نمی‌گویند که آب نداریم یا آب نیست، به علاوه، باشک در صدق آب مطلق، چون قبلاً مطلق بوده، آثار اطلاق آب به حکم استصحاب، مترتب است و با آب‌های دیگر فرقی ندارد. ۷۶/۳/۸

﴿س ۱۷۵﴾ آب دریاچه ارومیه با غلظت زیاد نمک، مضاف است یا مطلق؟ اگر مضاف است که تا حال باید نجس شده باشد، چون بالأخره با نجاست برخورد کرده است.

ج - مطلق می‌باشد چون آب بر آن صدق عرفی دارد. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۷۶﴾ آبی که در صد نمک آن به حدی زیاد است که قابل نوشیدن نمی‌باشد (مثل آب دریاها و آب بعضی از چاه‌ها که وقتی بر بدن می‌ریزد، بعد از خشک شدن آثار نمک بر بدن باقی می‌ماند)، حکم آب مطلق را دارد یا آب مضاف را؟

ج - در حکم آب مطلق است، مگر آنکه نمک یا مواد دیگری غیر از نمک در آن به اندازه‌ای زیاد باشد که دیگر به آن آب گفته نشود. ۷۶/۳/۸

﴿س ۱۷۷﴾ در منزل ما چاه آبی از قدیم بوده که از آب آن برای خوردن و دیگر مصارف استفاده می‌شده است. یک سال قبل در نزدیکی این چاه آب، چاهی برای مستراح حفر نموده و جهت فاضلاب از آن استفاده می‌کنند، آیا استفاده از آب چاه سابق برای خوردن و تطهیر چیزهای نجس و غیر آن اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر بو، مزه و رنگ آب چاه به واسطه مجاورت با چاه مستراح تغییر نکرده

باشد، آب چاه پاک و استفاده از آن، از جهت شرعی مانعی ندارد؛ ولی از نظر

بهداشتی منوط به نظر کارشناسان بهداشت می‌باشد. ۷۶/۳/۹

﴿س ۱۷۸﴾ در منزل برای شستن لباس‌های کثیف و نجس از ماشین لباسشویی استفاده می‌کنیم که پنجاه لیتر آب ظرفیت دارد، و به وسیله شیلنگ داخل آن آب می‌ریزیم، در ضمن تا پایان چرخش، آب به اندازه شیر سماور داخل آن می‌ریزد. آیا در زمانی که ماشین در حال چرخش است، آبی که از داخل ماشین ترشح می‌کند، پاک است یا نجس؟

ج - مادام که آب شیر داخل ماشین می‌شود، آب داخل ماشین پاک است و ترشح آن

نجس نیست، چون متصل به آب کُر و معتصم به آن است. ۷۱/۱۰/۲۲

﴿س ۱۷۹﴾ با توجه به سؤال قبل، برای نجس شدن آب داخل ماشین آیا باید رنگ، بو

و مزه هر سه با هم تغییر نماید و یا اگر یکی از این سه نشانه هم پیدا شود، آب

نجس می‌شود؟

ج - اگر بو، یا رنگ و یا مزه آب داخل ماشین به واسطه عین نجس تغییر کند، نجس

می‌شود، ولی تغییر حاصل به واسطه متنجس، مانند شیره نجس، باعث نجاست

نمی‌شود، و آب معتصم و متصل به کُر، بر طهارت خود باقی است. ۷۱/۱۰/۲۲

﴿س ۱۸۰﴾ اگر دستمال و مانند آن نجس باشد و در جیب لباس باشد و هنگام شستن

لباس، فراموش شود که دستمال و مانند آن را بیرون بیاورند، بعد از تطهیر لباس یادشان

بباید که دستمال را فراموش کرده‌اند، آیا با شستن لباس، پاک می‌شود؟

ج - چون در تطهیر اشیا، قصد تطهیر لازم نیست؛ دستمال پاک شده است و محکوم به

طهارت است. ۷۹/۲/۲۰

﴿س ۱۸۱﴾ حکم لباس‌های نجسی که همراه با لباس‌های پاک در داخل ماشین‌های

لباس شویی تمام اتوماتیک شسته می‌شود چیست؟

ج - شستن لباس نجس با ماشین لباس شویی که آب ماشین به آب کُر و لوله کشی شهری

وصل است و عین نجاست را برطرف می‌نماید پاک می‌باشد و قطعاً پاک شدن

لباس با آن‌ها قطع نظر از قواعد، بالاتر از شستن در تشت و مرکن با آب قلیل است

که در صحیح محمد بن مسلم حکم به طهارت لباس و مرکن شده است. ۷۹/۷/۱

﴿س ۱۸۲﴾ آیا آسفالت پاک کننده کفر کفش یا پای نجس است یا نه؟

ج - فرش، سبزه، آسفالت و زمینی که به وسیله چوب یا موزائیک و مانند آنها فرش شده باشد با فرض آنکه ازاله عین نجاست نماید، همانند زمین پاک کننده است. ۸۰/۱۰/۵

﴿س ۱۸۳﴾ اجزای وسایل نقلیه مثل چرخ‌های درشکه و طایر ماشین، موتور و

دوچرخه، به واسطه عبور بر روی زمین پاک می‌شود یا نه؟

ج - آری، پاک می‌شود. ۷۶/۲/۲۸

﴿س ۱۸۴﴾ یکی از مطهرات آفتاب است. آیا تابش مستقیم لازم است یا تابش آفتاب از

پشت شیشه هم کفایت می‌کند؟

ج - کفایت می‌کند. ۷۶/۳/۹

﴿س ۱۸۵﴾ اگر نجاست به ظاهر صابون یا باطن آن برسد، پاک می‌شود؟

ج - ظاهر آن، قطعاً پاک می‌شود، ولی اگر یقین حاصل شود که باطنش به وسیله رسیدن رطوبت نجسی نجس شده باشد، پاک نمی‌شود؛ اما چنین یقینی مشکل است و معمولاً آب در باطنش سرایت نمی‌کند. ۷۸/۷/۲۷

﴿س ۱۸۶﴾ آیا صابون‌های کشورهای غیر اسلامی محکوم به طهارت‌اند یا خیر؟

ج - محکوم به طهارت‌اند، مگر یقین حاصل شود که از پیه و دنبه مردار (یعنی حیوانی که خودش مرده و آنرا نکشته‌اند) تهیه شده‌اند که در این صورت، محکوم به نجاست و میت‌بودن هستند؛ لیکن چنین یقینی معمولاً حاصل نمی‌شود و تحقیق هم غیر لازم است. ۷۷/۱/۱۷

س ۱۸۷ - یکی از شیعیان مقیم امریکا، طی نامه‌ای به مدیر یکی از حوزه‌های علمیه در آن کشور، تقاضا نموده در مورد حرمت یا حلیت «ژلاتین» که یک ماده خوراکی فراهم شده و تغییر یافته از ماده‌ای دیگر به نام «کلاژین» است، از محضر مبارک حضرت عالی استفسار گردد. حال در مورد این موضوع چند نکته به عرض می‌رسد:

۱. ماده کلاژین که در ساختمان استخوان، زردپی، رباط، پوست و جلد حیوانات قرار دارد، به خودی خود و در ساختار طبیعی‌اش دارای پروتئین‌های فراوانی است که

تحصیل این پروتئین‌ها ممکن نیست، مگر با جوش آوردن «کلاژین» در آب با حرارت مخصوص و قلیایی یا اسیدی نمودن آن و انجام گرفتن فعل و انفعالات مختلف و در نهایت، این پروتئین‌ها تبدیل به ژلاتین می‌شوند که یک ماده بدون طعم، مزه، بو، رنگ، ولی مقوی است و پس از ترکیب این ماده با اسانس‌های مختلف میوه‌ای، رنگ‌های خوراکی و شکر، به صورت ماده خوراکی در می‌آید و در ساخت شکلات، کاکائو، شیرینی، بستنی، بیسکویت و... از آن استفاده می‌شود.

۲. در اغلب موارد، ژلاتین از کلاژین‌های موجود در ساختمان استخوان، زردپی، رباط، پوست و جلد گاو یا گوسفند که بهترین نوع آن است، اخذ می‌شود.

۳. ممکن است تهیه این ماده، از ساختمان حیوانات حرام گوشت و یا حیوانات حلال گوشت که ذبح شرعی نشده باشند نیز انجام پذیرد. با توجه به اظهار نظر علمی در موردهمین موضوع که استحالة کلاژین و تبدیل شدن به محصول جدیدی به نام ژلاتین است و امروزه، در اکثر مواد خوراکی بر شمرده در بند یک، موجود و مورد مصرف جهانیان است، آیا فرقی بین حیوانات حلال گوشت یا حرام گوشت و ذبح شرعی شده یا ذبح شرعی نشده در این مسئله و تحصیل ژلاتین از ماده کلاژین - که در ساختمان بدن حیوان موجود است و جود دارد یا خیر؟

ج - همه اشیا حرام و نجس، هرگاه ماهیت و عنوانشان تغییر پیدا کرد و استحاله حاصل شد، یعنی دیگر عرف و زبان عامه، ماده حاصله را به عنوان ماده اول نمی‌دانند و می‌گویند این، آن نیست و این همانی‌اش از بین رفته، همانند سگ که نمک بشود یا شراب که سرکه شود، به حکم استحاله و تبعیت احکام از عناوین، حلال و طاهر است، مگر این که ماده حاصله نیز خود، جزء عناوین حرام باشد.

۷۷/۱۲/۱۸

طریقه پاک کردن چیزهای نجس

﴿س ۱۸۸﴾ اگر قرآن نجس شود و بدانیم که اگر آن را بشوئیم خراب می‌شود، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال، آب کشیدن ورق قرآن در صورتی که نجس شده باشد، واجب

۷۵/۲/۲۳

است.

﴿س ۱۸۹﴾ برای پاک کردن آب قلیل آیا باید حتماً آن را با آب گُر ممزوج کنیم؟

۷۴/۱/۱۸

ج - امتزاج شرط است.

﴿س ۱۹۰﴾ دو یاسه بار آب ریختن برای پاک کردن چیزی، مثلاً هنگام شستن لباس یا

دستشویی رفتن، آیا کفایت می‌کند؟

ج - در آب شیرها که به منبع متصل‌اند، بعد از ازاله نجاست همان که به محلّ

نجس برسد، کافی است. و در باب تطهیر با آب قلیل به رساله توضیح المسائل

۷۸/۷/۲۷

مراجعه فرمایید.

﴿س ۱۹۱﴾ بعد از شستن لباس متنجّس به وسیله آب جاری و یا آب گُر، آیا فشار دادن

آن لباس در خارج از آب، واجب است یا این که با فشار داخل آب، پاک می‌گردد؟

ج - با فشار دادن داخل آب، در فرض سؤال پاک می‌گردد. عمده آن است که فشار و

عصر، تحقّق پیدا کند، چه به نحوی که در سؤال آمده و چه غیر آن. ۷۶/۱۲/۲۴

﴿س ۱۹۲﴾ اگر لباس انسان با منی نجس شود، حکم دست زدن به آن، در صورت

مرطوب بودن و یا خشک بودن، چگونه است؟ آیا جایز است لباسش را به فرد دیگری

برای تطهیر بدهد؟ آیا لازم است از نجس بودن لباس او را مطلع کند؟

ج - اگر به جایی از لباس که با منی نجس شده دست بزند، اگر رطوبت مُسریه باشد،

دست انسان نجس می‌شود، و می‌تواند لباس را برای تطهیر به دیگری بدهد و باید

۷۹/۷/۱

نجس بودن لباس را به او بگوید تا تطهیر نماید.

﴿س ۱۹۳﴾ اگر شورت گره‌ای یا لباس بچّه خردسال شسته شود و لکه زردی روی آن

باقی بماند، پاک است یا نجس؟

ج - همین اندازه که عین نجاست بر طرف شد، پاک می‌شود و باقی بودن رنگ

نجاست، اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب

۷۹/۹/۱۵

بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک است.

﴿س ۱۹۴﴾ وقتی انسان محتلم می‌شود و عین نجاست روی لباس را می‌شوید، بعد از

خشک شدن لباس، باز هم آثار آن می‌ماند. حکم آن چیست؟

ج - هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند، پاک نمی‌شود، ولی اگر بوی یا

رنگ نجاست در آن مانده باشد، اشکال ندارد. پس اگر مثلاً خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک می‌باشد؛ اما چنانچه به واسطهٔ بو یا رنگ، یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس است. ۷۹/۳/۱۰

﴿س ۱۹۵﴾ شخصی که تمام بدنش خیس است، اگر قسمتی از بدنش با نجاست برخورد کند، آیا تمام بدنش نجس می‌شود و باید آن را آب بکشد یا اگر فقط محل برخورد را آب بکشد، کافی است؟

ج - تمام بدن نجس نمی‌شود، لذا صرف آب کشیدن محل برخورد، کافی است؛ مگر اینکه به واسطهٔ رطوبت مسریه به جاهای دیگر بدن هم سرایت کرده باشد. ۷۶/۳/۸

﴿س ۱۹۶﴾ اگر به واسطهٔ زخمی که در سر هست، تمام بدن نجس شود. آیا می‌توان از گردن به پایین را تطهیر کرد؟

ج - آری، چون در نجس شدن، سرایت لازم است، و بالای گردن - هر چند نجس باشد - اما رطوبت مسریه ندارد، چون مفروض در سؤال جایی است که سر و گردن خشک است. ۷۶/۳/۷

﴿س ۱۹۷﴾ در مثل لباس و فرش که در طهارت آن می‌فرمایید: «باید فشار داد تا غسلهٔ آن خارج گردد»، اگر کسی فشار دادن را ترک و لباس را آویزان کند یا بگذارد تا غسلهٔ آن خود به خود خارج شود، طهارت آن چه حکمی دارد؟

ج - در تطهیر شرط است که مُعْظَمُ غَسَالَةِ با عَضْر (فشار دادن) یا هر عملی دیگر خارج شود، لذا آویزان کردن لباس کفایت نمی‌کند. ۷۶/۳/۷

﴿س ۱۹۸﴾ اگر موکتی که به کف اتاق‌ها می‌چسبانند، نجس شود، آیا باید آن را بکنند و تطهیر نمایند یا راه دیگری برای تطهیر آن وجود دارد؟

ج - نیازی به کندن نیست، بلکه بعد از برطرف کردن عین نجاست، اگر آب را با فشار به وسیلهٔ شیلنگ روی آن بریزند و یا فشار دهند، به طوری که آب درون آن خارج شود، پاک می‌شود و آن آب‌ها هم چون غسلهٔ آب لوله و مخزن‌های بزرگ است پاک می‌باشد و غسلهٔ آب قلیل نجس است. ۷۸/۷/۱

﴿س ۱۹۹﴾ آیا برای تطهیر موی سر خانم‌ها و نیز ریش آقایان نیاز به فشار دادن - به منظور خارج شدن غُساله - هست یا خیر؟

ج - در تطهیر موی سر و صورت نیازی به فشار دادن برای خروج غُساله^۱ نیست، مگر اینکه مو زیاد و پرپشت باشد، که در این صورت باید فشار داد تا غُساله خارج شود، و در این حکم فرقی بین آب قلیل و کثیر نیست. ۷۶/۳/۷

﴿س ۲۰۰﴾ فرشی که قسمتی از آن نجس شده، آیا باید با آب کر یا آب جاری تطهیر شود، یا آنکه می‌توان آن را به وسیله آب قلیل هم تطهیر نمود؟ در فرض دوم، طریقه آن را بیان فرمایید.

ج - در فرش خصوصیتی نیست و می‌توان قسمت متنجس را مثل بدن یا لباس با آب قلیل هم تطهیر نمود، و اگر چیزی با بول نجس شود چنانچه یک مرتبه آب روی آن ریخته و از آن جدا شود، در صورتی که چیزی از بول در آن نمانده باشد، با ریختن یک مرتبه دیگر آب بر آن، پاک می‌شود، ولی در لباس و فرش و مانند این‌ها باید بعد از هر دفعه آب ریختن فشار دهند تا غُساله آن بیرون آید و اگر چیزی با غیر بول نجس شود، چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، پاک می‌گردد، نیز اگر در دفعه اول که آب روی آن می‌ریزند، نجاست آن برطرف شود، پاک می‌شود، ولی در هر صورت لباس و فرش و مانند آن را باید فشار دهند تا غُساله آن بیرون آید، چه با آب قلیل تطهیر نمایند چه با آب جاری. ۷۶/۳/۸

﴿س ۲۰۱﴾ اگر لباسی را غیر مسلمانی شسته باشد، ولی لباس در آفتاب خشک شده باشد، آیا آن لباس پاک است؟

ج - آفتاب، پاک کننده منقول مانند لباس نیست و مطهریتش اختصاص به زمین و ثوابت در آن و گیاهان و سبزه‌ها دارد. و در شستن لباس و پاک شدن آن فرقی بین مسلمان و کافر غیر معاند نمی‌باشد. ۷۶/۱۲/۲۷

۱. «غُساله» آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن، از چیزی که شسته می‌شود، خود به خود یا به وسیله فشار می‌ریزد.

﴿س ۲۰۲﴾ آیا امکان دارد تنوری را که از گِل و آب نجس ساخته شده، تطهیر نمود؟

ج - با آب جاری یا کُر می‌تواند آب روی آن بگیرند و به هر جای آن که آب برسد، پاک می‌شود و یا اگر امکان تابیدن آفتاب است؛ آفتاب بر آن بتابد تا خشک شود، با توجه به شرایطی که در تطهیر چیز نجس به وسیله آفتاب، در ساله آمده است. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۲۰۳﴾ از رساله توضیح المسائل حضرت عالی چنین برداشت می‌شود: «اگر از شیء

متنجس عین نجس ازاله شود، فقط رنگ آن باقی بماند و بر طرف نشود، در صورتی که آن شیء پس از ازاله عین نجس شسته شود؛ پاک می‌گردد». چنانکه استحضار دارید، امروزه مواد شیمیایی سفید کننده‌ای (مانند وایتکس) در دسترس است که حتی رنگ نجاست را هم بر طرف می‌کند، آیا لازم است رنگ نجاست هم با این گونه مواد بر طرف شود، یا آنکه حکم سابق به قوت خود باقی است؟

ج - حکم سابق به قوت خود باقی است، چون رنگ باقی مانده از خون، خون

نمی‌باشد، و حکم به طهارت، مستند به عدم قدرت ازاله آن نیست تا با قدرت حاصله از کاربرد مواد شیمیایی تغییر کند. ۷۶/۱/۲

﴿س ۲۰۴﴾ زمینی که با آجر یا سنگ مفروش شده، اگر با بول و غیره نجس شود، پس از

آنکه آب شیلنگ به آن وصل شد، آیا پاک می‌گردد؟ آیا نیاز است که غسل آن جمع شود؟ تطهیر زمین مذکور به وسیله آب قلیل چگونه است؟

ج - به وسیله آب کر یا جاری پاک می‌شود و نیازی به جمع کردن غسل نیست،

و نیز زمین مذکور با آب قلیل هم پاک می‌شود، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود، و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند از سوراخی بیرون رود، همه زمین پاک می‌شود، و اگر بیرون نرود، باید آب را از محلی که جمع می‌شود، با وسیله‌ای مانند پارچه یا غیر آن بیرون بریزند و بعد از بیرون ریختن آب، آن محل پاک می‌شود. ۸۷/۱۰/۵

﴿س ۲۰۵﴾ آیا برای پاک شدن موزائیک، آسفالت و سنگی که با بول نجس شده، ابتدا

باید آن‌ها را خیس کرد تا آفتاب بر آن بتابد تا بعد خشک گردد؟

ج - هرگاه خورشید رطوبت آن را خشک کند، پاک می‌شود. ۷۴/۴/۱۷

﴿س ۲۰۶﴾ اگر آفتاب بر در و دیواری که نجس شده بتابد، آیا آن‌ها را پاک می‌کند یا نه؟

ج - اگر با تابش آفتاب، خشک شود پاک می‌شود؛ با این شرط که هنگام تابش آفتاب -

ولو با ریختن آب - تر باشد. ۶۹/۵/۱۴

﴿س ۲۰۷﴾ در باره مسئله ۸۴۴ رساله توضیح المسائل حضرت عالی این سؤال مطرح

می‌شود که آیا بول بچه نجس نیست؟ اگر هست، حکم آن چیست؟

ج - آنچه که در مسئله ۸۴۴ آمده، مربوط به حکمی خاص - یعنی کسی که پرستار

بچه است و بیش از یک لباس ندارد هرگاه در شبانه‌روز یک مرتبه لباس خود را

آب بکشد، می‌تواند با آن لباس نماز بخواند - است، وگرنه بول او مانند بول دیگر

انسان‌ها نجس است. ۸۰/۹/۲۵

﴿س ۲۰۸﴾ آیا پسر بچه‌ها هم مانند بزرگ‌ترها بعد از ادرار باید عمل استبراء را انجام

دهند؟ در غیر این صورت، اگر لازم نیست، رطوبتی که بعد از آب کشیدن از آن‌ها خارج

می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج - استبراء، یک عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می‌دهند

و برای پسر بچه، تکلیفی نیست و اگر یقین به خروج رطوبت داشته باشند، نجس

است. ۷۹/۷/۱۳

﴿س ۲۰۹﴾ شخصی دچار ناراحتی دستگاه تناسلی است به نحوی که بعد از هر بار دفع

ادرار قطراتی از او خارج می‌شود، به گونه‌ای که برای هر نماز محل را پاک و لباس را عوض

می‌کند، تکلیف او چیست؟

ج - باید بعد از بول استبراء نماید، و اگر بعد از آن رطوبتی از او خارج و موجب

شک شد، اعتنا نکند. ۶۸/۹/۲۰

﴿س ۲۱۰﴾ بنده پس از بول نمودن برای اینکه یقین نمایم چیزی در مجرا نمانده است،

یک یا دو بار به طور کامل استبراء نموده و بعد وضو گرفته و مشغول نماز شده‌ام، اما در

هنگام نماز، باز هم آبی خارج گردیده است. بفرمایید اگر پس از استبراء، آبی خارج شود

چه زیاد و چه کم، چه در نماز و چه در مواقع دیگر، پاک است یا خیر؟

ج - آبی که بعد از بول و استبراء از انسان خارج می‌شود، اگر شک دارد که بول است یا

آب دیگر، پاک است. ۷۵/۲/۱۷

﴿س ۲۱۱﴾ آیا لازم است که خانم‌ها (با توجه به اینکه معمولاً هنگام ادرار مایع لزجی از ایشان خارج می‌شود)، برای تطهیر محل بول، بر آن دست بکشند؟ اگر تطهیر با آب لوله متصل به گُرسورت گیرد، چگونه است؟

ج - هرگاه یقین به خروج مایعی لزج پیدا کنند، برای تطهیر محل باید دست بکشند، و یا به وسیله فشار آب یا چیز دیگر یقین پیدا کنند که لزوجت از بین رفته است، ناگفته نماند که زن‌ها استبراء ندارند. ۷۶/۴/۱

﴿س ۲۱۲﴾ عین نجاستی که قابل هضم نیست، مثل دانه خاکشیر یا هسته یا پوست میوه، اگر بعد از آب کشیدن در کهنه بچه پیدا شود، خود کهنه پاک است یا نه؟

ج - چون ظاهرش پاک می‌شود، سبب نجاست لباس نمی‌شود. ۷۲/۴/۹

﴿س ۲۱۳﴾ فرزند ما که حدود هفت سال دارد، هر بار که به توالت می‌رود، از او سؤال می‌کنیم که آیا خودت را تطهیر کرده‌ای؟ و او هم جواب می‌دهد، بله. آیا جواب او برای اثبات طهارتش کفایت می‌کند، یا اینکه باید او را تطهیر کرد؟

ج - چنانچه با شیلنگ و امثال آن که به آب لوله کشی متصل شده است، خود را تطهیر نماید، دستش به خاطر اطمینان از پاک شدنش محکوم به طهارت است، و به هر حال حکم به طهارت دائر مدار اطمینان است. ۷۱/۱۰/۲۲

﴿س ۲۱۴﴾ این جانب که از آزادگان و جانبازان جنگ تحمیلی‌ام، در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای بعثی درآمد، و در جبهه جنگ از ناحیه دست چپ (از میج تا انگشتان) آسیب دیدم، با توجه به اینکه مجروح بودم و امکان نداشت با دست چپ طهارت نمایم، با دست راست طهارت می‌نمودم و نماز می‌خواندم. با این توضیح بفرمایید آیا نمازهایی که در آن وقت بدین ترتیب خوانده‌ام باید قضا نمایم؟

ج - نمازهای شما درست است، و تطهیر نمودن با دست چپ، شرط صحّت نماز نیست و تنها به عنوان یکی از کارهای خوب مطرح است. ۷۵/۵/۳

﴿س ۲۱۵﴾ آیا هم چنان که مخرج غائط با ازاله عین نجاست با پارچه و مانند این‌ها پاک می‌شود، مخرج بول نیز پاک می‌گردد؟

ج - اگر عین نجاست از مخرج بول با دستمال و یا پارچه و امثال آن - که کلّ محل را می‌گیرد - ازاله شود، پاک می‌گردد. ۸۷/۱۱/۳

﴿س ۲۱۶﴾ در تطهیر مخرج غائط، لزوجت که بر طرف شد، آیا پاک است یا نه؟

۷۹/۸/۲۶

ج - محض ازاله لزوجت در طهارت، کفایت می‌کند.

﴿س ۲۱۷﴾ اگر کسی بعد از غائط با پارچه یا دستمال کاغذی خود را تمیز کرد، آیا پاک

می‌شود و می‌تواند نماز بخواند؟

ج - پاک می‌شود و عمد، از بین رفتن و زدوده شدن عین نجاست است.

﴿س ۲۱۸﴾ اگر همراه با غائط، خون از مخرج بیرون آید چنانچه با پارچه یا دستمال

تمیز شود آیا پاک می‌شود؟

۸۵/۲/۵

ج - بر فرض ازاله عین نجاست، پاک می‌شود.

احکام وسواسی

﴿س ۲۱۹﴾ فرد وسواسی بیمار است یا گناه کار؟ آیا بین آن چه که بیماری وسواس در

روان شناسی بالینی و روان پزشکی نامیده می‌شود و وسوسه‌های شیطانی در سوره

ناس از آیات الهی، تفاوتی وجود دارد؟

ج - فرد وسواسی بیمار است و فرق بین این وسواس و وسواسی که در قرآن آمده این

است که این وسواس ناشی از ضعف است و وسواسی که در قرآن آمده است ناشی

۸۱/۷/۱۶

از غرور و طغیانگری است.

﴿س ۲۲۰﴾ حالت وسواسی به لحاظ حرمت چه حکمی دارد؟

۸۱/۷/۱۶

ج - چون بیمار است، معذور است.

﴿س ۲۲۱﴾ این جانب مدتی است که به وسواس شدیدی دچار شده‌ام، به طوری که

آرامش روحی خود را از دست داده‌ام و طوری شده‌ام که همه چیز اطرافم را نجس

احساس می‌کنم و هر روز باید کلتی از وقتم را صرف پاک کردن بدن و لباسم کنم. حال

بالفرض اگر من در پاک بودن لباسم شک داشتم و برای درمان وسواس خود توجهی

نکردم، اگر با آن لباس نماز خواندم، چون سعادت اخروی انسان در خواندن نماز صحیح

است و این برایم باعث نگرانی شدیدی شده است، آیا نماز من مورد قبول است یا خیر؟

ج - به یقین بدانید نمازی که شما با روی گردانیدن از وسوسه‌های طهارت و نجاست

بخوانید، مقبول و مورد رضای حق است، هر چند در واقع با بدن و لباس نجس

نماز خوانده باشید؛ چون به تکلیف خود که عمل به ظاهر است، عمل کرده‌اید و بدانید حتی عمل به احتیاط اگر از روی وسوسه و وسواس باشد، عمل گناه و موجب ضرر در دنیا و آخرت خواهد بود. ۷۸/۸/۱۱

﴿س ۲۲۲﴾ این جانب در یکی از کارگاه‌های صنعتی مشغول کار هستم. بعضی از افراد به طهارت محل کار اهمیت نمی‌دهند که باعث آلودگی قطعات و طبعاً افراد می‌شود و وسایل ایاب و ذهاب، آلوده می‌گردد و مشکل خاصی از نظر شرعی برای این جانب به وجود آورده است. نظر حضرت عالی در این زمینه چیست؟

ج - هر کجا که عین نجاست در آن یافت شود، همان جا برای شما نجس است و جاهای دیگر مطلقاً برای شما محکوم به طهارت است و به این احتمالها اعتنا نکنید و خود را گرفتار وسوسه ننمایید که امر برای شما مشکل می‌شود و شیطان بر شما مسلط خواهد شد. ۷۶/۱۱/۲۴

﴿س ۲۲۳﴾ نظر حضرت عالی در باره وسواس این است که فرد وسواسی نباید به این حالت خود اعتنا کند. بول و خون برای فرد وسواسی نجس است یا خیر؟

ج - وسواسی نباید به یقین خود اعتماد نماید، و حتی اگر به خون بودن، یا بول بودن یقین پیدا کند، برایش پاک است؛ مگر آنکه دیگران بگویند که بول یا خون است. ۷۲/۱۲/۲۸

﴿س ۲۲۴﴾ بنده مدت زیادی است که به مسائل مربوط به نجاست و طهارت خیلی اهمیت می‌دهم و همیشه دچار شک و تردید هستم، و در غسل و وضو زیاد شک می‌کنم، به صورتی که مشکلاتی را برایم به وجود آورده است. لطفاً بفرمایید چگونه می‌توانم بیماری وسواس خود را درمان کنم.

ج - شما نباید به شک، بلکه به یقین خود به نجاست اعتنا کنید، و باید همه چیز و همه جا را پاک بدانید. ۷۴/۳/۱۱

﴿س ۲۲۵﴾ متأسفانه به دلیل ابتلا به وسواس و دیدن اینکه مثلاً در فلان دستشویی عمومی در محل کار، در اطراف دستشویی و محل قرار گرفتن پاها، عین نجاست وجود داشته است، احساس می‌کنم که زمین آنجا و گاهی حتی تمام آسفالت خیابانها، و همچنین زمین محل کار نجس شده است، مدتهاست که به همین دلیل نتوانسته‌ام

روی زمین بنشینم، و یا اگر وسایلم بر روی زمین افتاده، قبل از آب کشیدن مورد استفاده قرار دهم، تکلیف چیست؟

ج - همه چیز و همه جا برای شما پاک است، و مثل عامه مردم عمل کنید تا ان شاء الله نجات پیدا کنید، و به وسوسه های شیطان اعتنا ننمایید، و بنا را بر این بگذارید که می خواهم با لباس نجس و بدن نجس نماز بخوانم، تا شیطان شما را رها کند، تکلیف شما همین است.

﴿س ۲۲۶﴾ گفتار شخص وسواسی در خصوص پاک یا نجس بودن اشیا (خصوصاً در مورد نجس بودن) چه حکمی دارد؟

ج - گفتار شخص وسواسی قابل اعتنا نیست، و نباید به آن ترتیب اثر داده شود.

۷۴/۱۰/۲۷

﴿س ۲۲۷﴾ مدت نه سال است که به بیماری مهلک وسواس دچار شده ام و بارها نمازم به دلیل همین بیماری قضا شده است و برای غسل، آب فراوانی مصرف می کنم و گاهی به دلیل طول دادن غسل، نمازم قضا می شود. آیا بنده مصداق کثیرالشک هستم یا خیر؟ چگونه می توانم از این گرفتاری نجات پیدا کنم.

ج - شما نباید به هیچ شکی اعتنا نمایید، و همیشه طرف درست بودن را بگیرید، بلکه به یقین به بطلان عمل هم، اعتنا ننمایید. وظیفه شرعی شما همان اعتنانکردن به شک و یقین است، به شیطان بگویید که می خواهم عملم باطل باشد، و می خواهم با همین عمل باطل به جهنم بروم، تا شیطان از شما دور گردد.

﴿س ۲۲۸﴾ در موقع کندن جوش بدن که معمولاً توأم با کمی چرک و خون است، چنان که بعد از پاک کردن محل زخم، محل جوش را زیر شیر آب گر آب بکشیم، مقدار آبی که در اثر شستن به اطراف ترشح می کند، پاک است یا خیر؟ و آیا در موقع آب کشیدن بدن یا چیز نجس با آب گر همراه غسل آن، ممکن است عین نجاست باشد یا نباشد، آیا اطراف محل که آب به آن ترشح نموده، پاک است یا خیر؟

ج - قطراتی که در هنگام شستن به وسیله آب های شیر که متصل به گر است به هر کجا که برسد، پاک است؛ حتی اگر به عین نجاست برسد و بعد هم به اطراف برسد نیز

پاک است و قطع نظر از این که حکم قطرات، طهارت و پاکی است، سؤال‌های شما گویای یک نحو‌گرفتاری و سوسه است که باید هر چه زودتر خود را از آن نجات دهید و بر شیطان و سوسه با اعتنا نمودن، مسلط گردید. ۷۶/۹/۲۵

﴿س ۲۲۹﴾ ۱. این جانب خانمی هستم که دارای روحیه‌ای مذهبی بوده و الگوی من در زندگی فاطمه زهرا علیها السلام است؛ اما تکلیف خود و حکم شرعی بسیاری از مسائل که در روز برای من پیش می‌آید، نمی‌دانم. این باعث می‌شود دچار سردرگمی عجیبی شوم و سرانجام، احساس دوری از خداوند بزرگ به من دست می‌دهد. این بزرگ‌ترین غم من در زندگی است و باعث می‌شود احساس کنم رابطه‌ام با او قطع شده و احساس گناه زیادی می‌کنم. نمی‌دانم چگونه باید خالص شوم و چگونه خود را از شر این مسائل به ظاهر کوچک، نجات دهم. مثلاً همه می‌گویند خداوند در زندگی راه ساده زیستی را به انسان نشان می‌دهد. این چیزی است که از زندگی ائمه علیهم السلام و امام راحل علیه السلام هم به راحتی می‌توان تشخیص داد؛ اما با توجه به جو موجود در جامعه و آمدن وسایل پیشرفته که بعضی هم مورد احتیاج می‌باشد، زندگی ساده که بتوان به آن افتخار کرد چه نوع زندگی‌ای است؟ آیا در این نوع زندگی، استفاده از فرش و تلویزیون رنگی، تجمل محسوب می‌شود؟

۲. مسئله دیگر، صحبت با نامحرم است. مثلاً بحث و گفتگو با شوهر خاله و شوهر عمه که گاهی با شوخی و خنده هم توأم باشد، آیا حرام است؟ یا صحبت با پسر خاله‌ها و پسر دایی‌ها، البته در حد معمول، چه طور، لطفاً این جانب را راهنمایی فرمایید.

ج ۱- شما مثل بقیه مسلمانان زندگی کنید و استفاده از نعمت‌های الهی را که خداوند سبحان حلال نموده، بر خود سخت نگیرید و این‌ها نوعی و سوسه است که شیطان از این طریق برای انسان پیش می‌آورد تا انسان، گرفتار آن‌ها باشد و از عبادات و کار و زندگی باز بماند و معنای ساده زیستن، دل بسته نبودن به مظاهر دنیاست نه استفاده نمودن از آن‌ها. حضرت سلیمان علیه السلام که از انبیای بزرگ الهی است، همه چیز داشته. امام صادق علیه السلام لباس قیمتی داشته که روی لباس‌هایش می‌پوشیده. به هر حال، استفاده از نعمت‌های خداوند، چه آنچه دیروز بوده، چه آنچه امروزه پیدا شده، مانند وسایل ذکر شده، شکر آن‌هاست وقتی که در راه حلال

مصرف می‌شود و غیر از این فکر، برای امثال شماها، همان طور که مرقوم شده،
وسوسه شیطان است.

ج ۲- سخن گفتن و شنیدن از اجنبی و اجنبیه برای همدیگر حرام نیست؛ لیکن لازم
است برای امثال شما به قدر ضرورت، آن هم در جایی که افراد دیگری هم باشند،
گفتگو انجام گیرد. ۷۶/۵/۶

﴿س ۲۳۰﴾ اگر بعد از ادرار کردن و بیرون آمدن از دستشویی احساس کنم که یک یا دو
قطره ادرار از من خارج شده. آیا باید برای به جا آوردن نماز محل را تطهیر کنم و لباسم
را عوض کنم؟

ج - به شک و احساس اعتنا نکنید و تحقیق هم ننمایید و بنا را بر پاکی و طهارت
بگذارید. ۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۲۳۱﴾ این جانب بعد از وضو گرفتن، نماز خواندن و غسل، معمولاً این احساس را
دارم که بادی از من خارج شده؟ و وضو، نماز یا غسل را باطل نموده است. لذا بعد از هر
غسلی که نیاز به وضو ندارد، وضو می‌گیرم یا بعد از هر نمازی برای نماز بعدی وضو
می‌گیرم. به نظرم این شک متمایل به یقین است. این احساس فقط در زمان انجام دادن
فرائض به من دست می‌دهد. مستدعی است تعیین تکلیف فرمایید.

ج - قطعاً نباید به این گونه شک‌ها هر چند به مرحله علم هم برسد، اعتنا نمود
و وظیفه شرعی خواندن نماز با همان غسل و وضو است. چون هم فتوا بر این
است و هم این کار، وسواس و عمل شیطان است و به آن اعتنا نکنید. وسواس،
موجب تضعیف اراده است و این عمل به کارهای دیگر شما به تدریج سرایت
می‌کند و عدم اعتنا برای شما و دیگران، قطع نظر از لزوم شرعی، لزوم روانی
هم دارد. ۷۸/۱۰/۲

﴿س ۲۳۲﴾ پس از آن که احتیاج به رفتن به دستشویی پیدا می‌کنم، در مخرج غائط،
احساس خیسی به من دست می‌دهد و نمی‌دانم خیسی از مخرج است یا اطراف آن. آیا
بدن من و همین طور جایی که بر آن نشسته‌ام پاک است؟

ج - اینها القائات شیطان است و به احساس خیس شدن نباید اعتنا نمود و جایی نجس
نشده است و بدن و لباس شما اگر با رطوبت هم باشد، پاک است. ۷۶/۱۰/۶

﴿س ۲۳۳﴾ برای رسیدن به آرامش روحی چه باید بکنیم؟ و برای این که دیگر دچار وسواس نشویم و از آن خلاص شویم، چه کاری باید انجام دهیم که در آخرت، به سعادت برسیم؟
 ج - برای رسیدن به آرامش، بهترین راه، یاد خدا و ذکر او و توکل بر اوست که رحمان و رحیم و ودود و حبیب و حافظ و لطیف و کریم است و تخلف و معصیت و وسواسی‌گری در برابر او و احکامش که بر مبنای آسانی و گذشت و جمال و جلال انسان و زندگی باشد، شرم آور است. پیامبران و ائمه: و علمای بزرگ «رضوان الله علیهم»، همه معصیت و وسواس را امری زشت دانسته‌اند و از آن بیزار بوده‌اند.
 ۷۸/۸/۱۱

﴿س ۲۳۴﴾ آیا فرد کثیرالشک، همان بیمار وسواسی است؟

ج - کثیرالشک گرفتار نوعی از وسواس است.
 ۸۱/۷/۱۶

﴿س ۲۳۵﴾ جهت درمان این بیماری چه توصیه و یا حکمی می‌فرمایید؟

ج - بهترین راه درمان آن است که آن چه نفعش می‌باشد را انجام دهد.
 ۸۱/۷/۱۶

مسائل متفرقة طهارت و نجاست

﴿س ۲۳۶﴾ محل‌های عمومی مثل پارک‌ها، هتل‌ها و امثال آن که به پاک بودن آن‌ها مشکوک هستیم، چه حکمی دارند؟

ج - محکوم به طهارت است.
 ۷۵/۸/۲

﴿س ۲۳۷﴾ آیا می‌توان آبی را که از آبکش کردن برنج به دست می‌آید، در چاه توالت ریخت؟

ج - مانعی ندارد.
 ۶۹/۵/۱۴

﴿س ۲۳۸﴾ آیا لازم است که چاه‌های فاضلاب آشپزخانه از چاه فاضلاب دستشویی و حمام جدا باشد یا خیر؟ و در صورت لزوم جدا بودن چاه‌ها، باز هم توسط لوله‌های فاضلاب شهر و یمانشین‌های فاضلاب آن‌ها را با هم مخلوط می‌کنند، آیا با توجه به این موضوع باز هم احتیاج به جدا بودن این چاه‌ها از هم هست یا خیر؟ آیا شرعاً اشکال دارد یا خیر؟
 ج - بهتر این است که چاه‌های مذکور یکی نباشد، و در صورت تداخل چاه‌ها، باید از

ریختن اشیای محترمه، از قبیل نان، غذا، برنج و غیره، به چنین چاه‌هایی جلوگیری نمایند، تا احترام نان و برکت محفوظ بماند.

۷۴/۲/۲۵

﴿س ۲۳۹﴾ در تحریر الوسیله، در بخش نجاست، آمده است: «و نیز دهان انسان با فرو بردن چیز نجس یا متنجس که خورده، پاک می‌شود»، آیا این مسئله شامل نجاستی غیر از خون نیز می‌شود؟ یعنی چنانچه مسکری نوشیده و یا غذای نجسی خورده باشد، به صرف فرو رفتن، فضای دهان که دندان‌ها در آن قرار دارد، پاک می‌شود؟

ج - در احکام فضای باطن دهان، فرقی بین انواع نجاست نیست.

۷۱/۱۱/۴

﴿س ۲۴۰﴾ اگر زمین سنگ‌فرش شده یا لباسی با بول یا غیر آن نجس شود، آن مقدار آبی که به صورت قطره هنگام شستن با آب گُر، در برخورد اول با زمین یا لباس پخش می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج - پاک است.

۷۵/۲/۲۶

﴿س ۲۴۱﴾ ترشحاتی که در بعضی از توالت‌ها به لباس انسان سرایت می‌کند، چه حکمی دارد؟

ج - پاک است، مگر آنکه یقین صد درصد پیدا کند که عین نجس سرایت

۷۴/۷/۴

کرده است.

﴿س ۲۴۲﴾ رطوبتی که در توالت از زیر کفش به جوراب می‌رسد، و عین نجاست در آن مشهود نیست، نجس است یا خیر؟

ج - چون نجاست آن رطوبت مشکوک است، محکوم به طهارت می‌باشد، لذا منجس

۷۴/۱۱/۱۲

نیست و جوراب و کفش نیز محکوم به طهارت است.

﴿س ۲۴۳﴾ استفاده از چرم‌های خالص طبیعی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود (اعم از حیوانات حلال گوشت یا حرام گوشت)، از حیث طهارت و نجاست و نماز خواندن با آن‌ها، چه حکمی دارد؟

ج - به نظر اخیر این جانب، چرم‌ها و پوست‌های تهیه شده در بلاد غیر اسلامی، اگر

اطمینان باشد که از حیوانات مردار و میت‌گرفته نشده (که معمولاً امروزه

مخصوصاً با توجه زیادی که به رعایت بهداشت در دنیا مطرح است، چنین

اطمینانی وجود دارد)، نجس نیست، زیرا آنچه که نجس است، مردار و جیفه است نه غیر مذگی؛ همچنین نماز خواندن با آنها، چنانچه از حیوان حلال گوشت باشد، مانعی ندارد. ۸۱/۴/۲۶

﴿س ۲۴۴﴾ توپ‌های ورزشی چرمی که در بازار مسلمین فروخته می‌شود یا توسط دولت جمهوری اسلامی از کشورهای غیرمسلمان که ذبح در آنجا غیرشرعی است وارد می‌شود، از حیث طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟

ج - محکوم به طهارت است. ۸۰/۹/۳۰

﴿س ۲۴۵﴾ آیا استفاده از دستشویی‌هایی که آنها را کاملاً به طرف قبله ساخته‌اند، حرام است یا خیر؟ معمولاً عده‌ای هستند که از این موضوع اطلاعی ندارند و به انجامی روند، آیا گفتن به افراد لازم است، و یا اینکه باید آن دستشویی‌ها را خراب کنند و از نو بسازند؟

ج - رو به قبله نشستن فرد در حال قضای حاجت، حرام است و اگر دستشویی رو به قبله باشد عوض کردن آن‌ها با فرض قدرت برای کسی که می‌خواهد از آن‌ها استفاده کند، واجب است، و باید به مسئولین ذی‌ربط مسئله را تذکر داد، اما گفتن به دیگران که جنبهٔ اعلام موضوع دارد، واجب نیست، بلکه اگر اعلام باعث به زحمت افتادن آن‌ها می‌شود، باید ترک کرد. ۷۵/۱۱/۱۴

﴿س ۲۴۶﴾ در مورد دست انسان در صورتی که با چیز نجسی که مرطوب است، برخورد کند فرموده‌اید: «اگر رطوبت، مسریه باشد دست انسان (مُلاقی - بالكسر) - نجس می‌شود». حال سؤال این است که اگر با علم به وجود رطوبت، در سرایت شک باشد. آیا حکم به نجاست مُلاقی - بالكسر - می‌شود یا خیر؟

ج - اگر شک در سرایت باشد حکم به نجاست مُلاقی - بالكسر - نمی‌شود؛ اما اگر رطوبت قبلاً مسریه بوده و الآن شک در مسری بودن آن باشد، احوط اجتناب از آن است، اگرچه حکم به عدم نجاست خالی از وجه نیست. ۷۶/۳/۸

﴿س ۲۴۷﴾ در مُلاقی متنجّسات، تا واسطهٔ چندم را نجس می‌دانید؟

ج - متنجّس مانند نجس با سرایت، نجس‌کننده است و فرقی بین واسطه کم و زیاد نمی‌باشد. ۸۱/۱۰/۱۰

﴿س ۲۴۸﴾ بنده دو سه سالی است که به تدریج بعضی از احکام طهارت را یاد گرفته‌ام و در خانه پدرم زندگی می‌کنم؛ ولی پدر و مادرم مسائل طهارت را بلد نیستند و خانه ما نجس است. و تا این مدت، نمازم را با لباس نجس خوانده‌ام. تکلیفم چیست؟

ج - با توجه به طرح مسئله، اثاثیه زندگی مذکور، همه ظاهر و نمازهای شما صحیح است و فقط آنچه صد در صد می‌دانید یا اطمینان دارید نجس شده، نجس است و تفحص و جستجو کردن در این مورد، لازم نیست و در آنچه شک دارید، حکم به طهارت کنید. ۷۶/۹/۱۹

﴿س ۲۴۹﴾ آیا آب خوردن از ظرفی که بچه کوچک از آن آب خورده اشکالی دارد؟
ج - بچه مسلمان، محکوم به طهارت و پاکی است و با مسلمان بزرگ سال، تفاوتی ندارد. ۷۸/۱/۲۴

﴿س ۲۵۰﴾ اگر قطره‌ای از نجاست در دریاچه‌ای از آب مضاف بیفتد، حکم آب دریاچه چیست؟

ج - ظاهراً به خاطر همان کثرت آب مضاف و قلت و ناچیز بودن نجاست، نجس نمی‌شود و ادله نجاست مضاف با ملاقات نجس از اثبات نجاست در چنین مواردی قاصر است. ۸۵/۲/۵

﴿س ۲۵۱﴾ چوب، روغن، نفت و امثال این‌ها اگر نجس شوند و آن‌ها را بسوزانند، آیا دود و دوده آن‌ها نجس است یا خیر؟
ج - نجس نیست. ۷۶/۳/۸

﴿س ۲۵۲﴾ این‌جانب اکثر موهای جلوی سرم سوخته است. جهت ترمیم و استفاده از موی مصنوعی به پزشک مراجعه نموده‌ام. با توجه به اینکه این موها از خارج کشور وارد می‌شوند، آیا محکوم به طهارت‌اند؟
ج - محکوم به طهارت و پاکی‌اند. ۸۰/۹/۲۵

﴿س ۲۵۳﴾ استعمال ادکلن‌هایی که از خارج وارد می‌شود و نمی‌دانیم که از چه موادی ساخته شده و چه کسی آن‌ها را ساخته است، چه حکمی دارد؟
ج - چون معلوم نیست که از چیز نجس ساخته شده و یا با نجس برخورد کرده باشد، محکوم به طهارت است و تحقیق لازم نیست. ۷۶/۳/۸

﴿س ۲۵۴﴾ در بعضی از ادکلن‌ها و عطریات مقداری الکل وجود دارد، آیا استعمال این قبیل مواد اشکال دارد؟

ج - مانعی ندارد، چون خورده نمی‌شود؛ امّا از حیث طهارت و نجاست چون مسکر بودن آن الکل‌ها معلوم نیست، محکوم به طهارت است و تحقیق هم لازم نیست.

۷۵/۱۲/۱۷

احکام وضو

طریقه وضو

﴿س ۲۵۵﴾ فلسفه وضو و غسل چیست؟

ج - از ظاهر قرآن استفاده می شود که مراد از جعل احکام وضو و غسل، تطهیر معنوی

و باطنی و ظاهری انسانها است. ۸۰/۱۲/۲۱

﴿س ۲۵۶﴾ شخصی به قصد امر مستحبی، وضو می گیرد. آیا با این وضو می تواند

نماز بخواند؟

ج - با هر وضوی صحیح تا وقتی باقی است، می توان نماز خواند.

﴿س ۲۵۷﴾ آیا مجازیم چند ساعت زودتر به وقت نماز، با نیت نماز، وضو بگیریم؟

ج - جایز است و انجام مقدمات قبل از رسیدن وقت ذی المقدمه، نه تنها جایز است،

بلکه مطلوب هم هست. ۷۹/۴/۱۴

﴿س ۲۵۸﴾ در هنگام وضو اگر کسی با آفتابه روی دستانم آب بریزد (با توجه به اینکه

دست راست من بر اثر شکستگی، گچ گرفته است) و من وضو بگیرم، آیا در وضویم

اشکالی پیدا می شود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اشکالی وجود ندارد، چون شستن دست و صورت را خود شما

انجام می دهید. ۷۵/۲/۱۸

﴿س ۲۵۹﴾ آیا اگر انسان را شخص دیگری وضو و غسل دهد، صحیح است؟

ج - در صورتی که خود او قادر نباشد همه یا بعضی اعضا را وضو یا غسل دهد،

می تواند نایب بگیرد و خود، تبت کند. ۷۶/۴/۹

﴿س ۲۶۰﴾ در وضو گرفتن و نماز خواندن و غسل و... قصد قربت لازم است و من هنگام غسل یا وضو گرفتن و... به جزئیات بودن بر طهارت و... توجه ندارم و فقط برای خدا آن‌ها را انجام می‌دهم. حال با این نوع غسل یا وضو یا تیمم، می‌توانم نماز بخوانم؟

ج - مناط در صحت غسل و تیمم و وضو، همان قصد قربت و توجه به خود عمل است که در مفروض سؤال، محقق است و اعمال ذکر شده در سؤال، صحیح است و نیازی به توجه به جزئیات نبوده و نیست و نماز خواندن با آن، قطعاً درست است.

﴿س ۲۶۱﴾ شخصی است که هرگاه وضو می‌گیرد - چه در وقت و چه قبل از وقت - هیچ غایتی را در نظر ندارد، و فقط می‌خواهد با وضو باشد. آیا می‌تواند با این وضو نماز بخواند؟

ج - می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.

﴿س ۲۶۲﴾ آیا با وضویی که برای نماز قضا گرفته شده، می‌توان نماز واجب را خواند؟

ج - با وضویی که برای نماز قضا گرفته شده، می‌توان هر نماز واجب و مستحبی را خواند.

﴿س ۲۶۳﴾ زنی که قصد آرایش دارد، قبل از فرارسیدن وقت نماز، وضو می‌گیرد، چون نیتش وضو گرفتن برای از بین نرفتن آرایش است، آیا این وضو باطل است؟ چگونه می‌توان نیت کرد که وضو صحیح باشد؟

ج - هر چند زودتر وضو گرفتن برای از بین نرفتن آرایش است، لیکن وضو صحیح است، چون هم وضو قبل از وقت برای نماز مانعی ندارد، و هم در وضویش قصد قربت بوده است و به هر حال، عزق دینی او را وادار به وضو گرفتن کرده است.

﴿س ۲۶۴﴾ آیا با آبی که کُله دارد، بدون آن که ته نشین شود، می‌توان وضو گرفت و یا نجاست را پاک کرد؟ برای وضو گرفتن و پاک کردن نجاست، باید صبر کنیم تا کُله در آب محو شود، آن گاه از آن استفاده کنیم یا از همان آب کُله‌دار می‌توان استفاده کرد؟

ج - مضاف نیست و استفاده از آن، با همان حالت داشتن کُله برای رفع حَدَث و خبث، جایز و صحیح است.

﴿س ۲۶۵﴾ آیا اگر بخواهیم فرضاً در مدرسه وضویمان را بگیریم و برای خواندن نماز به جای دیگر برویم، می‌توانیم با این وضو نماز بخوانیم یا خیر؟

ج - وضو گرفتن در مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آب آن را برای همه وقف کرده‌اند یا برای محصلان همان مدرسه، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند، اشکال ندارد؛ و اگر مردم وضو نمی‌گیرند، نمی‌تواند با آن آب، وضو بگیرد و نماز را در جای دیگر بخواند، مگر یقین داشته باشد که وقف عام است. ۷۹/۷/۱۴

﴿س ۲۶۶﴾ حکم وضو گرفتن در مساجد و دوایر و مراکزی که دولت در مرزها و سایر کشورهای اسلامی بنا می‌کند، چیست؟

ج - کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند وضوخانه یا حوض آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آن جا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند در آن جا وضو بگیرد؛ ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی‌خواهند در آن جا نماز بخوانند از آن آب وضو می‌گیرند، می‌توانند در آن جا وضو بگیرند، و در دوایر و مراکز دولتی، تابع مقررات آن مراکز است. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۲۶۷﴾ اگر کسی در مدارس و یا ادارات دولتی وضو بگیرد و با این وضو به مسجد و یا خانه برود و نماز بخواند، چه صورتی دارد؟

ج - جواز آن، مشکل است، هم از نظر مصرف آب و پول آن، و هم از نظر حصول یک گونه بی‌نظمی، و نمی‌توان گفت جایز است و حدّ اقل، احتیاط واجب در ترک آن است. آری، اگر وضو گرفت که جایز بود، مثل وضو برای نماز در آن محل تا آن وضو باقی است، جاهای دیگر هم می‌تواند نماز بخواند. ۷۷/۱/۲۲

﴿س ۲۶۸﴾ وضو گرفتن در مسجدی که انسان موفق به نماز خواندن در آن مسجد نشود، و با همان وضو در محل دیگری مانند خانه و یا مسجدی دیگر نماز بخواند، چه حکمی دارد؟

ج - در صورت امکان به همان جا برگردد و نماز، یا تلاوت قرآن و یا کار خیر دیگری انجام دهد. و اگر نتوانست در صورتی که از اول قصدش نماز خواندن در همان جا بوده، مانعی ندارد؛ اما اگر از اول بخواهد در جای دیگری نماز بخواند،

در صورتی وضو گرفتن جایز است که بنای مردم بر چنین عملی باشد، و موجب اطمینان به عام بودن وقف حاصل شود، وگرنه در وقف خاص، یا در وقفی که معلوم نیست خاص است یا عام جایز نیست. ۷۴/۱۱/۱۶

﴿س ۲۶۹﴾ اگر شخصی سهواً یا جهلاً با آب غصبی وضو بگیرد و قبل از آنکه مسح کند علم به غصب بودن آب پیدا کند، می تواند مسح بکشد، و قیمت آب بر ذمه اش باشد، یا وضو باطل و قیمت آب بر ذمه اش است؟

ج - اقوی صحت وضو است. ۷۶/۳/۷

﴿س ۲۷۰﴾ اشخاصی که به مسافرت می روند، گاه در بین راه به مزارعی برخورد می کنند که آبی در آن ها جاری است و حصار هم اطراف آن ها وجود ندارد، آیا برای وضو گرفتن احراز رضایت مالک، شرط است، یا گمان نداشتن به عدم رضایت کافی است؟

ج - اگر برای وضو گرفتن از آب چاه، شک در رضایت مالک دارد، تصرف در آن

جایز نیست، مگر اینکه بداند قبلاً مالک راضی بوده و الآن شک کرده که مالک

بر رضایت خود باقی است یا نه، که در این صورت وضو گرفتن مانعی ندارد؛ اما

در وضو گرفتن با آب چشمه، احراز رضایت مالک شرط نیست. ۷۶/۳/۵

﴿س ۲۷۱﴾ در اثنای راهی چاه های آب عمیق وجود دارد که ما از آب آن ها وضو

می گیریم؛ اما نمی دانیم که صاحبان آن چاه ها رضایت دارند یا نه، حتی در بعضی مواقع،

نماز را در راه ها و یا باغ های آنان می خوانیم و یقین نداریم که رضایت دارند یا نه. در این

صورت، عبادت هایی که انجام داده ایم، چه صورتی دارند؟

ج - ظاهر حال و این که نه با نوشته و نه با تابلو، منع از استفاده و جلوگیری

نموده اند، دلیل بر رضایت صاحبان آن ها به مثل وضو گرفتن (که آب زیادی

مصرف نمی شود) یا مثل نماز خواندن (که ضرر و زیانی برای آن ها ندارد) است.

به هر حال، با شک متعارف عقلایی در رضایت، نباید تصرف نمود. ۷۹/۳/۱۶

﴿س ۲۷۲﴾ شخصی می خواهد وضو بگیرد. در حین شستن صورت، حدّی از او

سر می زند. برای این که وضو را از سر بگیرد، آیا باید صورتش را خشک کند یا این

که با صورت تر دوباره می توان آن را شست؟

ج - خشک کردن صورت و دست ها لازم نیست؛ ولی باید متوجه خطر وسواسی شدن

۷۸/۵/۲۹

بود.

﴿س ۲۷۳﴾ شخصی که دستش زخم شده، و یا هر دو دستش شکسته، و یا هر دو دستش را در جنگ از دست داده است، حکم وضو گرفتن و تیمم کردن برای وی چگونه است؟

ج - کسی که هر دو دست او قطع شده، اگر برای او ذراع باقی مانده باشد، احتیاطاً باید

به ذراع تیمم کند و وضو بگیرد و ذراعین را به منزله دو دست قرار دهد؛ آری،

۷۶/۱/۴

چنین فردی احتیاطاً پیشانی خود را برای تیمم به زمین بمالد.

﴿س ۲۷۴﴾ در رساله توضیح المسائل حضرت عالی در بحث وضو، آمده است:

«شستن صورت و دست ها، مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و

بیشتر از آن، حرام است؛ و اگر با یک مشت آب، تمام عضو شسته شود و به

قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می شود، چه قصد بکند یک مرتبه را یا

قصد نکند». آیا ملاک، دست کشیدن به صورت و دست هاست؟ آیا شستن

دست ها و صورت قبل از وضو مانعی دارد؟

ج - ملاک حکم، دست کشیدن یا آب ریختن نیست، بلکه ملاک، شستن کامل است،

بنابراین، اگر با یک مشت، آب به تمام صورت برسد، هر چند دست نکشد، یک

بار به حساب می آید، و اگر چندین بار آب بریزد، ولی تمام صورت شسته نشود،

یک بار محسوب نمی شود، ناگفته نماند که شستن صورت و دست ها قبل از وضو،

۶۹/۴/۲۳

مانعی ندارد.

﴿س ۲۷۵﴾ شستن بار سوم در وضو حرام است، آیا مبطل وضو نیز هست؟ اگر فردی

دست راست را سه دفعه و دست چپ را دو دفعه بشوید تا در مسح اشکالی پیدا نشود،

وضویش صحیح است یا نه؟

ج - وضویش صحیح است، و مبطلت بار سوم، فقط به خاطر مسح با آب خارج از

۷۳/۳/۶

وضو است که در سؤال، عدم آن فرض شده است.

﴿س ۲۷۶﴾ آیا می‌توان بعضی از اعضای وضو یا غسل را ترتیبی و بعضی از اعضا را اِرتماسی شست؟

ج - مانعی ندارد، می‌تواند بعضی از اعضا را در وضو یا غسل ترتیبی و بعضی از اعضا را اِرتماسی بشوید.
۷۳/۳/۷

﴿س ۲۷۷﴾ آیا در هنگام وضوگرفتن، حرکت دادن انگشتر در دست، کافی است یا باید آن را از انگشت، خارج نماییم؟

ج - رساندن آب به پوست بدن در وضو شرط است و اگر انگشتر، مانع از رسیدن آب به پوست نباشد، در آوردن آن لازم نیست؛ ولی برای تیمم، باید انگشتر را از دست بیرون آورد.
۷۹/۴/۱۷

﴿س ۲۷۸﴾ معمولاً در وضو صورت را با یک دست می‌شویند، آیا تفاوتی بین شستن با یک دست و شستن با دو دست هست؟ آیا عمل مردها که آب را از پشت آرنج می‌ریزند، استحباب دارد؟

ج - تفاوتی ندارد، و آنچه که در وضو واجب است، شستن صورت است، و کیفیت خاصی در آن معتبر نیست. آری، شرط است که از بالا به پایین شسته شود، و از آرنج ریختن برای مردها استحباب دارد.
۷۴/۴/۳۰

﴿س ۲۷۹﴾ آیا مژه‌های چشم جزء اجزای وضو است یا خیر؟

ج - آنچه از مژه‌ها که در موقع وضو گرفتن پیدا و آشکار است، باید شسته شود، و جزء مواضع وضو می‌باشد. بنابراین، اگر هنگام وضو، چشمش را روی هم بگذارد مژگان‌های پلک پایین که پوشیده شده، جزء نمی‌باشد و اگر چشمش را باز بگذارد، چون ظاهر می‌باشد، باید شسته شود.
۷۴/۱۱/۲۵

﴿س ۲۸۰﴾ آیا هنگام وضوگرفتن آب باید به زیر ناخن‌ها هم برسد؟ در صورتی که ناخن کوتاه باشد و روی گوشت دست را بپوشاند و یا مثلاً بلندی آن، حدود دو یا سه میلی‌متر باشد، چه طور؟

ج - لازم نیست و خود را به زحمت و وسوسه نیندازید.
۷۸/۴/۲۵

﴿س ۲۸۱﴾ پوست دستم کنده شده ولی به بدن چسبیده است و هنوز از بدن جدا نشده است. آیا در موقع وضو و غسل باید زیر آن را بشویم؟

ج - شستن زیر پوست، در صورتی که پوست، روی آن را به طور متعارف پوشانده باشد لازم نیست و شستن ظاهر آن، کافی است؛ ولی چنانچه پوستی که کنده شده، گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی جدا می‌شود، اگر کندن پوست، یا شستن زیر آن، حَرَجی ندارد، باید آن را شست و یا کُند، و اگر دارای حَرَج است، شستن روی آن کفایت می‌کند.

﴿س ۲۸۲﴾ چه مقدار از اطراف صورت و بالای آرنج را برای اطمینان از این که قسمت‌های لازم شسته شده، باید شست؟ و آیا شستن این قسمت‌ها واجب است؟

ج - مقدار مختصری که باعث یقین شود، کافی است و باید از وسوسه، کاملاً پرهیز نمود و معمولاً با شستن مقدار کمی از اطراف صورت و بالای آرنج، حدّ واجب تحقّق پیدا کرده است.

﴿س ۲۸۳﴾ شخصی تا مدتی هنگام وضو گرفتن دست‌ها را فقط تا مچ می‌شسته و وضوی خود را هم کاملاً صحیح می‌دانسته است، و غافل از این بوده که وضوی باطل می‌گیرد و باگذشت زمان به باطل بودن وضوی خود پی می‌برد، آیا نمازهایی را که با وضوی باطل خوانده است، باید قضا نماید؟

ج - طبق ظاهر فتاوی مراجع فعلی، نمازهای خوانده شده باطل است و باید آن‌ها را به تدریج قضا نماید؛ لیکن به نظر این‌جانب اگر این شخص جاهل به مسئله بوده، جاهل قاصر است؛ یعنی کسی است که حسب متعارف به دنبال یادگیری احکام دینی رفته، ولی در عین حال متوجه نشده، و یقین داشته است که این طور وضو گرفتن درست است، لذا چنین کسی نمازهایش قضا ندارد.

﴿س ۲۸۴﴾ برای کسی که جهت وضو دست یا صورت خود را زیر شیر آب می‌گیرد، یا به وسیله آفتابه، آب روی دست خود می‌ریزد، آیا دست کشیدن هم لازم است؟

ج - دست کشیدن لازم نیست، و معیار، تحقّق شسته شدن همه اعضا است.

﴿س ۲۸۵﴾ آیا محل مسح سر باید جلوی سر باشد؟ آیا حرکت دست باید از عقب سر به طرف جلو باشد؟ آیا مسح سر باید با دست راست باشد؟ آیا در مسح پاها ترتیب شرط است یا می‌توان هر دو پا را با هم مسح کرد؟

ج - یک قسمت از چهار قسمت سر (که مقابل پیشانی است)، جای مسح است و هر جای این قسمت، به هر اندازه که مسح شود، کافی است؛ و در فرض دوم سؤال، مسح از جلوی سر به عقب آن، مانعی ندارد، گرچه احتیاط مستحب، مسح از بالا به پایین است و لازم نیست که مسح سر با دست راست باشد؛ و مسح کردن هر دو پا همزمان و با هم، مانعی ندارد، آری، پای چپ را بر پای راست مقدم نکند.
۷۶/۳/۸

﴿س ۲۸۶﴾ اگر آب مسح سر به آب صورت وصل شود، آیا وضو را باطل می‌کند؟
ج - مانعی ندارد و وضو را باطل نمی‌کند.
۷۵/۶/۲۴

﴿س ۲۸۷﴾ مسح سر خانم‌ها با توجه به زیادی مویشان چه طور است؟ وقتی می‌خواهند فرق را باز کنند تا مسح بکشند، آیا آن رطوبتی که به واسطه باز کردن به سر می‌رسد، موجب ابطال مسح نیست؟

ج - اگر رطوبت رسیده به محل مسح سر، قبل از مسح آن به قدری زیاد نیست که رطوبت از راه مسح بر آن غالب باشد، مانعی ندارد؛ چون صدق مسح، معتبر است و تحقیقش به همان غلبه است.
۷۷/۱۵/۱۲

﴿س ۲۸۸﴾ شخصی که هر دو دستش تا قسمت مچ، باند پیچی یا گچ گرفته شده، چگونه باید وضو بگیرد؟ و در حالی که برای مسح کشیدن سر و پاها از انگشتان و کف دست خود نمی‌تواند استفاده کند، چگونه باید مسح بکشد؟

ج - باید صورت و دست‌ها راتا مچ بشوید، و از آبی که در بالای قسمت مچ، باقی مانده است، مسح بکشد.
۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۲۸۹﴾ آیا فردی که دستش از مچ قطع شده است، با دست مصنوعی می‌تواند مسح بکشد؟

ج - مسح در فرض سؤال باید با باقی‌مانده از دست انجام گیرد.

﴿س ۲۹۰﴾ مسح روی پا تا چه مقدار از پاکافی است؟

ج - از سر یکی از انگشت‌ها تا برآمدگی روی پا را باید مسح کشید و پهنای مسح پا به هر اندازه که باشد، کافی است؛ ولی بهتر، بلکه احوط آن است که فرد با تمام کف دست، روی پا را مسح کند.
۷۹/۵/۱۶

﴿س ۲۹۱﴾ از جانبازان جنگ تحمیلی هستیم، و دو انگشت شست و سبابه و قسمتی از کف پای راست خویش را از دست داده‌ام، و تاکنون در موقع گرفتن وضو، مسح پا را بر روی سه انگشت دیگر انجام داده‌ام، تکلیف این جانب را بیان فرمایید.

ج - مسح به نحو مرقوم درست است، خداوند ما را جزو علاقه‌مندان به امثال شما جانبازان عزیز قرار دهد.
۷۴/۱/۲۴

﴿س ۲۹۲﴾ آیا می‌توان روی سر و پا را دو بار مسح کشید؟

ج - مانعی ندارد، اما باید ترک نمود؛ و اگر منجر به وسواس شود، حرام است.
۷۴/۲/۹

﴿س ۲۹۳﴾ آیا هنگام مسح پا اگر مقداری از قسمت مسح خشک بماند، می‌توانیم دو مرتبه دست بکشیم؟ یا فقط یک بار باید دست کشید؟

ج - مسح کشیدن به مقدار باقی مانده، اگر مقدار مسح شده رطوبتش هنوز باقی است، مانعی ندارد، وگرنه شخص باید دو مرتبه همه عضو را مسح کند.
۷۹/۴/۱۷

﴿س ۲۹۴﴾ در حال وضو، آیا شخص وضوگیرنده قبل از آنکه آب در دست‌ها خشک شود و قبل از مسح کشیدن، می‌تواند به ریش یا صورت خود دست بکشد؟
ج - بهتر است دست نکشد، گرچه اقوی جواز است.
۷۶/۳/۸

﴿س ۲۹۵﴾ اگر انسان جوراب خود را قبل از وضوگرفتن در نیاورد و در موقع مسح پا آن‌ها را در بیاورد آیا مسح با همان دستی که جوراب را در آورده و نیمه خشک است، جایز و وضو صحیح است؟ و آیا اگر وضوگیرنده در موقع شستن دست و صورت، شیر آب را دو یا سه بار لمس کند، اشکال دارد؟

ج - چنانچه رطوبت باقی مانده به قدری است که می‌توان با آن مسح کشید، یعنی اثر تری، جای مسح ظاهر شود و با همان رطوبت مسح بکشد، کافی است، و اگر

رطوبت خشک شده باشد، باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید و از خارج نمی‌تواند رطوبت بگیرد؛ و اما تری رطوبت شیر آب اگر به قدری باشد که به کف دست منتقل شود و با همان قسمت که آب خارج دارد مسح بکشد، آن مسح باطل است. اما اگر رطوبت کم باشد، به طوری که به دست منتقل نشود که معمولاً هم چنین است، وضو صحیح است و به هر حال، مسح باید با آب وضو باشد نه با آب خارج.

۷۹/۷/۱

﴿س ۲۹۶﴾ جهت جلوگیری از مصرف آب، در اثنای وضو، شیر آب را در حالی که خیس است، می‌بندند. آیا آبی که از شیر به دست می‌رسد، مضرّ به وضو است؟ آیا باید قصد آب وضو شود تا وضو صحیح باشد؟

ج- اگر تری و رطوبت شیر آب به قدری باشد که به کف دست منتقل شود و با همان قسمت که آب خارج دارد، مسح بکشد، آن مسح باطل است؛ اما اگر رطوبت کم باشد، به طوری که به دست منتقل نشود، وضو صحیح است و به هر حال، مسح باید با آب وضو باشد نه با آب خارج.

۷۶/۳/۳

﴿س ۲۹۷﴾ اگر در محل مسح قطره آبی وجود داشته باشد و روی آن مسح کشیده شود، اشکال دارد یا خیر؟

ج- اشکالی ندارد، چون مسح از جهت عرض، هر چند ناچیز هم باشد، کافی است.

۷۶/۱۰/۲۹

﴿س ۲۹۸﴾ قطرات آبی که قبل از شروع به وضو و یا در حین آن بر روی اعضای دیگر وضومی ریزد، آیا باید خشک شود یا نه؟ مثلاً اگر هنگام شستن دست‌ها یا صورت، قطرات آب بر روی محل مسح پا بریزد، باید این اعضا جهت ادامه وضو خشک شود، یا اینکه با توجه به اندک بودن آب، نیازی به خشک کردن نیست و می‌توان همان‌گونه ادامه داد؟

ج- اگر غیر از اعضای مسح، تر باشد مانعی ندارد، لیکن اعضای مسح باید خشک باشد.

۷۵/۹/۱۳

﴿س ۲۹۹﴾ اگر شخصی موقع وضو گرفتن، مسح سر را در وضوخانه انجام دهد و برای مسح پاها از وضوخانه تا شبستان مسجد حرکت کند حدود ده قدم

و در شبستان، جوراب‌هایش را در آورد و مسح پاها را انجام دهد، آیا وضویش صحیح است؟

ج- راه رفتن در بین وضو گرفتن، اشکال ندارد. پس اگر کسی بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.
۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۳۰۰﴾ شخصی دست راستش را بر اثر شکستگی گچ گرفته‌اند، لذا نمی‌تواند پای راست و سر خود را مسح کند. آیا می‌تواند مسح سر و پای راست را با دست چپ انجام دهد یا اینکه باید نایب بگیرد؟

ج- می‌تواند با دست چپ مسح نماید و مانعی ندارد.
۷۵/۲/۱۸

﴿س ۳۰۱﴾ اگر اعضای وضو چرب باشد، آیا وضو صحیح است؟

ج- اگر چربی دارای جرم نباشد، وضو با آن مانعی ندارد، هر چند در هنگام شستن به نحوی آب جا به جا می‌شود که آب دزدک به آن گفته شده، صرف آب دزدک، مانع از صحّت وضو نیست.
۷۷/۵/۱۲

﴿س ۳۰۲﴾ آیا لاک زدن روی ناخن‌های دست یا پا قبل از نماز و قبل از وضو، اشکال دارد؟ اگر با همین کیفیت وضو بگیرند و نماز بخوانند، چه حکمی دارد؟

ج- اگر روی ناخن‌های دست را لاک زده باشد، چون جرمیت دارد، باید قبل از وضو بر طرف گردد و نسبت به پاها هم در وضو، حدّ اقل یک ناخن یا کم‌تر از آن باید بدون مانع باشد تا مسح، صحیح باشد.
۷۹/۶/۲۴

﴿س ۳۰۳﴾ آیا وجود اثر خودکار در اعضای وضو، مانع از رسیدن آب است یا خیر؟

ج- چنانچه جرم داشته باشد، باید بر طرف شود.
۷۶/۱۱/۱۶

﴿س ۳۰۴﴾ شغل گروهی از افراد (مثلاً رنگ‌آمیزی یا میکائیکی، نجاری) طوری است که مدام با رنگ یا چسب یا گریس سر و کار دارند، و در موقع وضو هر چه وقت برای ازاله اجرام روی مواضع وضو صرف کنند، بعد از نماز اجرام ریزی را مشاهده می‌کنند، حال تکلیف چنین افرادی در مورد وضو چیست؟

ج- اگر مانع از رسیدن آب به پوست بدن نباشد، اشکال ندارد.
۷۷/۱۰/۲۶

﴿س ۳۰۵﴾ در مأموریت‌هایی که می‌رویم، دائماً با روغن‌های صنعتی که پاک کردن آن از روی دست، بدون مواد پاک‌کننده محال است، سر و کار داریم، و معمولاً هم در این مأموریت‌ها مواد پاک‌کننده در اختیار نیست و نمی‌توان با خود حمل نمود. در چنین مواقعی تکلیف وضو و غسل چیست؟

ج - در صورت اضطرار، در حکم جبیره است و وضوی با آن‌ها مانعی ندارد و درست است.
۷۵/۶/۱

﴿س ۳۰۶﴾ آیا زدن کتیرا به تمام سر، حتی جای مسح کشیدن برای وضو اشکال دارد؟
ج - اگر مانع از مسح کشیدن نباشد، مانعی ندارد و با بودن خود کتیرا مانع دارد؛ زیرا کتیرا دارای جرم است و جای مسح، باید مانع نداشته باشد.
۷۹/۱/۱۵

﴿س ۳۰۷﴾ آیا استفاده از روغن‌های طبیعی مثل روغن بادام برای مو که طبیعتاً روغن به پوست سر هم می‌رسد، در مسح سر مشکلی ایجاد می‌کند؟ در صورت داشتن اشکال، آیا باید نمازهایی را که در این حالت خوانده‌ام، قضا کنم؟

ج - اگر جرم آن که مانع از رسیدن آب است، باقی نماند، به نحوی که آب سریعاً از جایی به جایی دیگر برود، برای وضو و مسح، مانعی ندارد، هر چند محل چرب باشد؛ ولی اگر جرم باقی بماند، چون مانع رسیدن آب به پوست می‌شود، اشکال دارد و باید برطرف شود؛ وگرنه وضو باطل است. در مورد نمازهای خوانده شده، به نظر این جانب، اگر جاهل به مسئله بوده‌اید، حکم جاهل قاصر را داشته‌اید (یعنی کسی که دنبال احکام دینی و یادگرفتن حسب متعارف می‌رفته و در عین حال، متوجه نشده و یقین داشته است که وضو با این چربی درست است).
نمازهایی را که با این وصف خوانده‌اید، قضا ندارد.
۷۹/۵/۱۱

﴿س ۳۰۸﴾ آیا کسانی که بر بدن خود خالکوبی کرده‌اند، غسل یا وضوی آن‌ها اشکال دارد یا خیر؟

ج - خال‌ها و هر چیزی که زیر پوست قرار می‌گیرد، مانع از صحّت وضو و غسل نیست.
۷۶/۳/۷

﴿س ۳۰۹﴾ لطفاً حکم وضو یا غسل، با وجود سرمه چشم برای زنان را بیان فرمایید؟

ج - اگر مانع از رسیدن آب به بدن باشد، باید بر طرف شود. ۷۵/۹/۱۰

﴿س ۳۱۰﴾ زنی که از مواد آرایشی استفاده کرده و می خواهد وضو بگیرد یا غسل نماید،

چنانچه آن مواد را پاک کند ولی رنگ آن ها باقی باشد، حکم آن چیست؟

ج - اگر به صورت رنگ باقی باشد و جرم محسوب نگردد - همچنان که ظاهراً

مفروض سؤال هم همین است -، مانعی ندارد. ۷۰/۱۲/۱۹

﴿س ۳۱۱﴾ اگر چیزی بر اعضای وضو باشد و شک در جرم بودن (و مانعیت) آن باشد، آیا

وضو با آن صحیح است یا باید به وصول آب به بشره یقین داشت؟

ج - لازم است آن را از ازاله نمایند، تا اطمینان به رسیدن آب به پوست و محل وضو

حاصل شود. ۷۶/۳/۸

﴿س ۳۱۲﴾ اگر روی پای کسی نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد،

وظیفه اش چیست؟

ج - باید تیمم نماید. ۷۶/۶/۲۵

﴿س ۳۱۳﴾ معلولانی که باید از کفش های طبی به طور ثابت استفاده کنند، حکم

وضوی آن ها چگونه است؟

ج - روی همان کفش مسح نمایند و مسحشان درست است. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۳۱۴﴾ به علت سوختگی، موهای جلوی سرم سوخته و از موی مصنوعی استفاده

می کنم. حکم شرعی مسح و غسل موهای مصنوعی چیست؟

ج - در فرض سؤال، لازم است مسح و غسل، بر بشره (پوست بدن) باشد، و اگر حایلی

مانند موی مصنوعی، مانع گردد، مسح و غسل، باطل است. آری، اگر مو را در سر

کاشته اند، به نحوی که نمی توان آن را برداشت، یا برداشتن آن مشقت دارد، در

حکم جبیره است. ۷۵/۳/۳۰

﴿س ۳۱۵﴾ به دلیل ابتلا به عارضه ای تمام موهای بدنم از جمله سرم ریخته است

مدتی است که اقدام به کاشت موی مصنوعی کرده ام در این روش، موها روی یک شبکه

مشبک روی سر وصل می شود و با کنار زدن موها پوست سر هم پیداست. با توجه به این

که در آوردن این پوسته و نصب دوباره آن، مشقت بسیاری خواهد داشت، چگونه باید وضو بگیریم؟ شایان ذکر است که طبق دستور پزشک، هر پنج، شش روز یک بار باید این پوسته را بردارم تا سرم را شستشو دهم. آیا نمازهایی که با مسح بر روی آن خوانده‌ام، چه حکمی دارند؟ آیا باید قضای آن‌ها را به جا بیاورم؟

ج - در مفروض سؤال که برداشتن موها برای شما مشقت دارد، مسح کشیدن روی همان موها کفایت می‌کند و اسلام، دین سهولت است. بنابراین، نمازهای گذشته‌تان هم صحیح بوده و وضویتان درست انجام گرفته و نمازها احتیاج به قضا ندارند. آری، در روزهایی که برای شستن سر، موها را بر می‌دارید، تلاش کنید که وضو را در صورت عدم مشقت، در همان زمان بگیرید. ۷۹/۳/۷

﴿س ۳۱۶﴾ حدود پانزده سال است که پلک‌هایم دچار ناراحتی است و می‌بایست هر شب پلک‌ها را با پمادی مخصوص، درمان موقت کنم، و از طرفی حق استفاده از صابون برای شستن آن را ندارم، بلکه فقط می‌توانم با دستمالی آن را پاک کنم. در این صورت تکلیف وضویم چیست؟

ج - اگر با پاک کردن پماد و چربی جرم آن که مانع از رسیدن آب است، باقی نمی‌ماند، به نحوی که آب سریعاً از جایی به جای دیگر برود، برای وضو مانعی ندارد (هر چند محل آن چرب باشد)؛ ولی اگر جرم باقی بماند، چون در پاک کردنش احتمال ضرر وجود دارد، پاک کردنش حَرَجی است، و می‌بایست وضوی جبیره‌ای بگیرید، یعنی روی محل آب می‌ریزید و این وضوی جبیره‌ای، صحیح است، لیکن سزاوار است که یک تیمم به همراه هر وضو اضافه کنید، هر چند که این احتیاط واجب نیست. ۶۸/۸/۲۲

مبطلات وضو

﴿س ۳۱۷﴾ این جانب از جانبازان قطع نخاعی هستم، به دلیل وضعیتی خاص، بعد از وضو گرفتن و شروع به نماز خواندن، احتمال قوی می‌دهم که ادرار، به طور قطره قطره از من خارج می‌شود، اگر خروج آن را متوجه نشوم، حکم وضو و نمازم چگونه است؟

ج - تا یقین به خروج ادرار ندارید، وضو و نمازتان باطل نیست و ظن و احتمال قوی هم تأثیری ندارد. ۶۹/۱۰/۳

﴿س ۳۱۸﴾ فرد جانبازی هستم و بعد از هر بار دستشویی رفتن، بعد از مدتی مقداری نجاست از من خارج می‌شود و وضو را باطل می‌سازد. گاهی اوقات بعد از دستشویی رفتن و گرفتن وضو، احتمال می‌دهم که وضویم درست است و در نماز جماعت شرکت می‌کنم و دیگر بررسی نمی‌کنم. آیا این کار اشکال ندارد و نماز من صحیح است؟

ج- اگر در تمام اوقات نماز چنین حالتی را دارید، همان وضوی قبلی کافی است؛ وگرنه باید وقتی نماز بخوانید که چنین حالتی برای شما نباشد. به هر حال، اگر احتمال خروج نجاست بعد از وضو باشد، به آن احتمال اعتنا نکنید و تفتیش و تفحص هم لازم نیست؛ بلکه برای امثال شما ممنوع است و بر فرض، بعد هم معلوم شود، چون باز شک در زمانش وجود دارد و یقین حاصل نمی‌شود که حتماً قبل از نماز بوده، باز نماز صحیح است و به طور کلی، شما نماز را بعد از وضو همان طور که مرقوم داشته‌اید، بخوانید و به شک، بلکه به یقین هم اعتنا ننمایید و نمازتان هم درست است و آنچه در پاسخ نوشته شده، فقط برای بیان حکم کلی مسئله است؛ وگرنه نسبت به شخص شما، وظیفه، عدم اعتناست. ۷۸/۱۰/۶

﴿س ۳۱۹﴾ در من حالتی است که پس از ادرار، تا حدود بیست دقیقه یا نیم ساعت، احتمال زیادی دارد که قطره قطره، ادرار بیرون بیاید و این قابل درمان هم نیست. در مورد کیفیت نماز هم اگر به وقت نماز خیلی مانده باشد، خود را می‌شویم و تطهیر می‌کنم؛ ولی وقتی به وقت نماز خیلی کم مانده یا سرکار یا میهمانی هستم، تکلیفم چیست؟

ج- باید تلاش شود که نمازتان در زمانی خوانده شود که گرفتار قطره قطره آمدن بول نشوید؛ لیکن در جایی که وقت دیر شده و چاره‌ای نیست، برای هر نماز، یک وضو کافی است و در حدّ توان هم باید نجاست لباس و بدن را کم کنید؛ لیکن نباید خود را در زحمت و حرج و مشقت بیندازید. ۷۸/۱۰/۱۵

﴿س ۳۲۰﴾ آیا وضو هم مانند روزه، با قصد باطل نمودن، باطل می‌شود؟

ج- اگر قصد باطل نمودن بعد از تمام شدن وضو باشد، مضرّ نیست، و اما اگر در وسط وضو باشد، چون منافی با استدامهٔ یت است، مبطل و مضرّ است. ۷۱/۱۲/۶

﴿س ۳۲۱﴾ کسی که نمی‌تواند باد معده‌اش را کنترل کند و مثلاً گاهی نماز مغرب را می‌خواند و در وسط نماز عشا، وضویش باطل می‌شود، تلکیفش چیست؟

ج - کسی که نمی‌تواند نمازش را بر اثر مبطون بودن، با وضو تمام نماید، اگر می‌تواند نماز را ولو با اکتفا به واجبات (چه در اول وقت یا در وسط یا در آخر)، با وضو تمام کند، واجب است در همان زمان، نماز را بخواند؛ ولی اگر چنین توانی را ندارد، وضوی اول برایش کافی است؛ ولی اگر وضو گرفتن برای هر دفعه، برایش مشقت ندارد، احتیاط مستحب آن است که نماز را در جایی به جا آورد که بتواند بدون راه رفتن در وسط نماز، تجدید وضو نماید و نماز را با این کیفیت تمام کند.

۷۱/۹/۱۷

﴿س ۳۲۲﴾ شخصی بعد از اینکه وضو می‌گیرد، احساس می‌کند که بادی از او جدا شده و مرتب، وضو می‌گیرد، تا جایی که برای هر نماز، چند مرتبه وضو می‌گیرد. آیا این گونه مسائل و تلقین‌ها، باعث بطلان وضو نمی‌شود؟

ج - مبطل وضو نیست.

﴿س ۳۲۳﴾ با توجه به اینکه قطع نخاعی هستم و برای ادرار از سوند و کیسه استفاده می‌نمایم، و همیشه مقداری از مجرا آلوده به ادرار است. آیا برای من تیمم همراه با وضو واجب است یا وضو به تنهایی کفایت می‌کند؟ و آیا تیمم به تنهایی کفایت از وضو می‌کند یا خیر؟

ج - نیازی به تیمم نیست، و در صورت عذر از انجام وضو، تیمم کفایت می‌کند.

۶۹/۱۰/۳

﴿س ۳۲۴﴾ اگر در هنگام وضو گرفتن، آب وضوی صورت در آب وضوی دست بچکد، اشکال دارد یا نه؟ و اگر در کنار ماکسی در حال وضو گرفتن باشد و ترشح آب وضوی او به دست و صورت ما بخورد، اشکال دارد یا نه؟

ج - مانعی ندارد، چون آنچه در وضو معتبر است، مسح سر و پا با آب وضوست که چکیدن آب صورت، چکیدن آب وضوست و مضر نیست و وضو و مسح، درست است، کما این که ترشح هم به خاطر ناچیز بودن و استهلاک آن در آب وضوی شما مانعی ندارد.

۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۳۲۵﴾ اگر کسی هنگام وضو گرفتن، آب روی دستش بریزد و دستی که بر رویش آب ریخته شده را در زیر دست آب ریزنده حرکت دهد، آیا وضویش باطل است؟

ج - وضویش صحیح است. ۷۸/۱/۱۷

﴿س ۳۲۶﴾ به پا کردن کفش یا دمپایی دیگران هنگام وضو، آیا وضو را باطل می‌کند؟
ج - هر چند تصرف در کفش بدون احراز رضایت مالکش جایز نیست؛ ولی وضویی که با آن گرفته شده، باطل نمی‌شود. ۷۶/۴/۹

﴿س ۳۲۷﴾ اگر فرد وضو بگیرد یا غسل کند و سپس متوجه شود که یکی یا مقداری از ناخن‌هایش مانع دارد، آیا نمازی که خوانده باطل است یا خیر؟

ج - نسبت به وضو چون نشستن ناخن به خاطر غفلت و جهل بوده موجب بطلان نمازش نمی‌گردد و طهارت در صلاتش به حکم حدیث رفع به همان نحو می‌باشد. آری، بعد از توجه وضویش باطل و اما نسبت به غسل همانند جایی است که عمداً نشسته که شستن ناخن به نیت غسل کفایت می‌کند. ۸۵/۲/۵

﴿س ۳۲۸﴾ اگر کسی بعد از وقت نماز یا بعد از نماز بفهمد که روی اعضای وضویش مانعی برای رسیدن آب بوده و او نمی‌دانسته، و یا شک کند که این مانع، قبل یا بعد از وضو ایجاد شده، چه باید بکند؟

ج - با یقین به مانع در حال وضو، اگر شک کند که آب به پوست رسیده یا خیر، مثل صورت شک در این که مانع، قبل از وضو بوده یا بعد از وضو، در هر دو صورت، وضویش درست است. ۷۸/۱/۱۷

مسائل متفرقه

﴿س ۳۲۹﴾ وظیفه کسی که در داخل وقت نماز، نه آب برای وضو و غسل دارد و نه چیزی برای تیمم چیست؟

ج - احتیاط واجب آن است که نماز را بدون وضو و تیمم بخواند و بعداً قضا نماید. ۷۹/۷/۹

﴿س ۳۳۰﴾ اگر به واسطه عذری، داخل توالت وضو بگیرد آیا وضو باطل است یا خیر؟
ج - مانعی ندارد، لیکن ثواب وضو کم می‌شود. ۷۴/۷/۲۵

﴿س ۳۳۱﴾ لمس کردن آیات قرآن مجید بدون وضو که با خط پریل (مخصوص نابینایان) و یا خط لاتین و غیرعربی است، چه حکمی دارد؟

ج - اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگری ترجمه کنند، وضو برای مس آن لازم نیست، چون ترجمه قرآن در این جهت، حکم قرآن را ندارد. ۷۹/۷/۱۶

﴿س ۳۳۲﴾ آیا لوح فشرده حاوی قرآن کریم همانند کتاب قرآن کریم شامل لایمسه الالمطهرون می‌شود؟ و هر کلام دیگر کتاب قرآن کریم برای آن نیز صادق است؟

ج - آنچه حرام است مس کتابت قرآن کریم است بدون وضو و طهارت، و لوح فشرده یا CD کتابت نیست که مورد مس بدن قرار گیرد و لذا حکم قرآن را ندارد هر چند حفظ حرمت آن برای کسی که می‌داند قرآن در آن می‌باشد لازم است. ۸۳/۲/۷

﴿س ۳۳۳﴾ مس کردن القاب ائمه اطهار (مثل «رضا»، «جواد» و «هادی») بدون وضو، چه حکمی دارد؟

ج - مس آن‌ها بدون وضو، خلاف احتیاط است، هر چند حرام نیست. ۷۵/۱۲/۲۲
﴿س ۳۳۴﴾ آیا دست زدن بدون وضو به سگ‌های پنجاه ریالی و یکصد ریالی که به ترتیب تصویر حرم مطهر و ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بر روی آن‌ها حک شده است، جایز است؟
ج - جایز است. ۷۹/۷/۱۹

﴿س ۳۳۵﴾ در رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید آمده است که دست زدن به آیات قرآن کریم بدون وضو حرام است. آیا دست زدن به کتاب شریف نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و صحیفه سجادیه حضرت امام سجاد علیه السلام هم همین حکم را دارد؟ و اگر حرام نیست، آیا جایز است برای ادب و احترام به این دو کتاب شریف، وضو گرفت؟
ج - حکم قرآن را ندارد، مگر در جایی که اسم خداوند باشد، و جایی که اسم مبارک پیامبر اسلام و ائمه و حضرت زهرا علیها السلام باشد، بنا بر احتیاط مستحب با وضو به نام آنها دست زده شود. ۷۷/۴/۱

﴿س ۳۳۶﴾ وضو گرفتن بانوان در اماکن عمومی که در معرض دید نامحرم هستند، چه حکمی دارد؟

ج - پوشانیدن بدن برای زن، از دید نامحرم واجب است و به هر حال، وضو صحیح است.
۷۶/۳/۹

﴿س ۳۳۷﴾ اگر بعد از وضو یا غسل شک کند که بعضی از اجزای آن را انجام داده است یا نه، حکم وضو و غسلش چگونه است؟

ج - اعتنا نکند، چون مورد از موارد فراغ و تجاوز است.
۷۶/۳/۷

﴿س ۳۳۸﴾ بیماران قلبی که در استراحت مطلق به سر می‌برند و حتی دست‌هایشان را نمی‌توانند حرکت دهند، برای وضو چه وظیفه‌ای دارند؟
ج - اگر آب برایشان مانعی ندارد، باید از کسی بخواهند که آن‌ها را وضو بدهد.
۷۸/۸/۱۱

﴿س ۳۳۹﴾ کسی که به علت بیماری با دو وضو نماز می‌خواند، اگر از روی فراموشی با لباس نجس نماز خوانده باشد و بعد از اتمام نماز، متوجه شود که لباسش نجس بوده، آیا بعد از آن که لباس خود را عوض کند، باید مجدداً وضو بگیرد یا می‌تواند با همان وضو، نماز را اعاده کند؟

ج - اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد که نجس بوده، آن نماز را باید دوباره بخواند، و همان وضو اگر باطل نشده کفایت می‌کند؛ یعنی باید در این فاصله، قطره بولی از او خارج نشده باشد.
۷۹/۵/۱۶

﴿س ۳۴۰﴾ گاهی اوقات در اندام‌هایی که هنگام وضو شسته می‌شود، زخمی ایجاد می‌شود که با خونریزی همراه است. بعد از شستشو و آب کشیدن محل زخم، معمولاً مقداری خون باز خارج می‌شود. این خون خارج شده لخته می‌شود و بعد از چند روزی خشک شده، به رنگ قهوه‌ای و سیاه در می‌آید. آیا این زخم هم حکم خون را دارد و نجس است یا خیر؟ در صورت نجس بودن، با توجه به این که اگر زخم قید شده را باز کنیم، خونریزی می‌کند، برای وضو گرفتن و غسل چه باید کرد؟

ج - حکم جیره را دارد و باید بقیه مواضع وضو شسته شود و همان کفایت می‌کند و شستن محل زخم، لازم نیست؛ بلکه بی‌فایده هم هست؛ علاوه که ممکن است به

خاطر سرایت رطوبت نجس وضو را باطل نماید؛ چون آن خون خشک شده
و سیاه هم نجس است.

۷۸/۳/۲۵

﴿س ۳۴۱﴾ آیا وضو گرفتن اثرات منفی شیر دادن در حال جنابت را از بین می‌برد

یا خیر؟

ج - وضو گرفتن جنب، رافع کراهت خوردن و آشامیدن اوست، و اگر اثری بر شیر

۷۶/۲/۱۰

خوردن بچه مترتب باشد، با همان وضو از بین می‌رود.

احکام غسل

غسل

﴿س ۳۴۲﴾ آیا فردی که جُنُب نیست، می تواند استحباباً غسل جنابت نماید؟ آیا با این غسل می تواند نماز واجب را بخواند؟

ج - غسل جنابت نمی توان کرد، و اگر احتیاطاً غسل جنابت انجام دهد، برای خواندن نماز باید وضو بگیرد.

۷۵/۶/۳۰

﴿س ۳۴۳﴾ آیا غسل جنابت قبل از وقت نماز به قصد وجوب، صحیح است؟ و اگر کسی با چنین نیتی غسل کرده، آیا می تواند با آن غسل که به وضو نیاز ندارد، نماز بخواند؟

ج - اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد یا برای نماز وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است و پس از داخل شدن وقت، می تواند با همان وضو و غسل، نماز بخواند.

۷۹/۷/۶

﴿س ۳۴۴﴾ اگر شخص جُنُب در تنگی وقت که وظیفه اش تیمّم است عمداً غسل نماید. آیا با آن غسل می تواند نماز قضا یا نمازهای دیگرش را بخواند یا باید دوباره غسل کند؟

ج - غسل کسی که وظیفه اش تیمّم است، اگر در ضیق وقت غسل نماید، باطل است.

۷۶/۳/۴

﴿س ۳۴۵﴾ شخصی که بعد از نماز صبح جُنُب می شود و امکان غسل هم دارد، ولی تا ظهر غسل را به تأخیر می اندازد، آیا تأخیر آن حرام است یا خیر؟

ج - کار حرامی مرتکب نشده است. آری، هر چه زودتر خود را از حَدَث جنابت به وسیله غسل پاک نماید، کار خوبی انجام داده است.

۷۶/۶/۲۵

﴿س ۳۴۶﴾ در احکام غسل‌های مستحبی در توضیح المسائل حضرت‌عالی آمده است که: «از غسل‌های مستحبی، غسل زنی است که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده، و همچنین غسل کسی که در حال مستی خوابیده است». لطفاً بفرمایید غسل مستحبی را با چه نیتی باید انجام داد؟

ج - به نیت غسل مستحبی قربةً الی الله انجام دهد.

۷۵/۱۱/۱۴

﴿س ۳۴۷﴾ آیا ترتیب در غسل، واجب است؟

ج - در غسل ترتیبی، ترتیب لازم است، یعنی اول باید سر و گردن، بعد بقیه بدن را

۷۴/۷/۷

بشوید.

﴿س ۳۴۸﴾ آیا در موقع غسل ترتیبی شرط است که از بالا به پایین شسته شود؟

ج - شرط نیست؛ بلکه معیار، شستن هر طرف به طور کامل است.

۷۸/۵/۲۸

﴿س ۳۴۹﴾ آیا می‌شود در غسل ترتیبی سر و گردن را شست و چند ساعت بعد، طرف

راست و چپ را؟ و آیا با چنین غسلی می‌توان نماز خواند؟

ج - موالات عرفیه به معنای پی در پی بودن و یا عدم خشک شدن در غسل واجب

نیست. پس اگر کسی سر و گردن را در اول روز، و سمت راست را در وسط

روز، و سمت چپ را در آخر روز غسل دهد، صحیح است و وقتی غسل صحیح

باشد و در بین آن مبطلی از مبطلات وضو انجام نگرفته باشد، می‌توان با آن

۷۹/۷/۱۲

نماز خواند.

﴿س ۳۵۰﴾ اگر کسی در غسل ترتیبی، ترتیب را رعایت نمی‌کرده به این صورت که

اول طرف راست، بعد طرف چپ و بعد سر و گردن را می‌شسته است، آیا غسل

این شخص صحیح است یا خیر؟ اگر باطل است، در صورتی که نماز خوانده، آیا

باید اعاده و قضا نماید؟

ج - اگر ترتیب لازم و واجب (ترتیب سر و گردن و بقیه بدن) رعایت نشود، غسل،

باطل و اعاده و قضا هم لازم است، مگر در جاهل قاصر که اعاده و قضا لازم

نیست و غسلش صحیح است و به حکم حدیث رفع، شرطیت ترتیب، از او مرفوع

۷۹/۷/۸

است.

﴿س ۳۵۱﴾ اگر شخصی در غسل ترتیبی پس از شستن سر و گردن، گردن را به نیت واجب با سمت راست می شسته و همچنین باز گردن را به نیت واجب با سمت چپ می شسته، آیا غسلش اشکال داشته یا خیر؟

ج - غسلش صحیح است. منتها شستن گردن به نیت واجب با هر یک از طرفین، زیاده‌ای است که انجام گرفته و زیاده در مثل غسل هم مبطل نیست، مگر مضر برای قصد قربت باشد که آن هم در مثل مفروض سؤال، تحقق ندارد، چون به عنوان بدعت انجام نداده و در قصد قربت، همین قدر که عمل برای غیر خدا نباشد و خدا منظور در عمل است، کفایت می کند. به علاوه، قصد قربت معتبر است نه مقرّبت عمل، هر چند در امثال این موارد، مقرّبت به خاطر جهل و عدم مقرّبت زیاده محقق است. ۷۹/۹/۱۶

﴿س ۳۵۲﴾ اگر شخصی بعد از غسل جنابت، متوجه شود که هنگام غسل قسمتی از سمت راست یا چپ بدنش به جهت مانع شسته نشده است، آیا شستن همان قسمت کافی است، یا باید تمام بدن را غسل دهد؟ اگر با این غسل نماز خوانده و در این مدت حدّث اصغری از او سر زده باشد. تکلیف چیست؟

ج - شستن همان مقدار کافی است و بین سمت راست و چپ بدن ترتیبی نیست، ولی اگر در قسمت سر و گردن باشد باید بعد از شستن مقدار شسته نشده بقیه بدن را بشوید و نمازهایی که با آن غسل خوانده، به خاطر غفلت و جهل صحیح می باشد و طهارت در صلاتش به حکم حدیث رفع به همان نحو می باشد، لیکن اگر حدّث اصغر از او در هنگام غسل صادر شده، باقی مانده غسل اوّل را تمام و بنا بر احتیاط مستحب، غسل را نیز اعاده و برای نماز، به هر حال وضو هم بگیرد ۸۵/۲/۵

﴿س ۳۵۳﴾ در فصول گرم سال، قسمت‌هایی از بدن، مثل زیر بغل، عرق زیادی می کنند، بر روی موهای این نواحی رسوبات سفید رنگ چسبیده به مو دیده می شود. آیا برای انجام غسل، این موها حتماً باید چیده شوند یا نیازی نیست؟ یعنی آیا این رسوبات، مانع رسیدن آب هستند؟

ج - این رسوبات اگر جرم نباشد که ظاهراً هم نیستند و تنها یک گونه رنگ اند، مانع از رسیدن آب نیستند و غسل با آن موها صحیح است. آری، اگر جرم باشد و مانع از رسیدن آب به بدن و یا موها باشد، مضرّ به صحت غسل است. ۷۶/۷/۷

﴿س ۳۵۴﴾ آیا غسل جنابت، قبل از پاک کردن منی روی بدن، صحیح است؟

ج - هر عضوی از اعضای غسل که نجس باشد، قبل از غسل آن عضو باید اول نجاست را برطرف کرد و آن عضو را تطهیر نمود و بعد غسل کرد یا این که اول تمام بدن را اگر نجس است، تطهیر کرد و بعد غسل نمود.

۷۹/۳/۱۰

﴿س ۳۵۵﴾ کسی که تمام پا یا دست او گچ گرفته شده است و جنب شده، غسل را چگونه انجام دهد؟

ج - اگر می تواند غسل جبیره کند و حَرَجی هم نیست، باید غسل کند، وگرنه تیمّم.

۷۷/۳/۹

﴿س ۳۵۶﴾ قبل از غسل مانعی در بدن بوده که پس از غسل مشاهده نمی شود، حکم غسل چیست؟

ج - حکم به صَحّت، خالی از قوّت نیست، زیرا مشمول قاعده فراع است؛ هر چند به خاطر عدم توجه هنگام غسل، احتیاط در اعاده است که برخی از فقها - قدس الله سرار هم - آن را فتواً یا احتیاطاً شرط جریان دانسته اند.

۷۴/۳/۴

﴿س ۳۵۷﴾ گاهی بعد از غسل جنابت که به دقّت هم انجام می شود و پس از بیرون رفتن

از حمام، در کف پا و یا میان انگشتان دست یا پا ریزه کوچکی از قبیل تراشه چوب و یا برگ و امثال آن مشاهده می کنیم که به پوست چسبیده است و با توجه به این که چسبندگی آن ممکن است به واسطه رطوبتی باشد که در کف پا و انگشتان باقی مانده است که در خارج از حمام به آن چسبیده باشد؛ زیرا به محض دست زدن به آن می افتد. در عین حال، گاهی دچار وسواس می شوم که شاید در موقع غسل بوده و مانع از رسیدن آب به آن شده و غسل باطل بوده است و مجدداً غسل را تکرار می نمایم. با عنایت به این مسئله، تقاضا دارم بفرمایید حکم آن چگونه است؟

ج - مضرّ به صَحّت غسل و وضو نیست؛ چون مورد قاعده فراع است و همین که فرد

نمی داند قبل از غسل بوده یا بعد از غسل، محکوم به صَحّت است و نباید به شک،

اعتنا نمود؛ بلکه اگر یقین هم دارد قبل از غسل بوده، باز هم غسل درست است،

چون شاید خود به خود آب به پوست بدن رسیده باشد.

۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۳۵۸﴾ هنگامی که انسان غسل می‌کند، آیا هنگام پاک کردن نجاست قسمتی از بدن، می‌تواند همان قسمت را نیز غسل دهد؟

ج - اگر با همان یک بار ریختن آب، هم قصد پاک کردن نجاست و طهارت ظاهری و هم قصد غسل کردن را دارد، درست نیست؛ اما اگر مقداری از ریختن به قصد پاک شدن و بعد از آن مقداری به قصد غسل باشد، مانعی ندارد. ۶۱/۴/۶

﴿س ۳۵۹﴾ اگر پس از غسل دادن قسمتی از بدن (مثلاً سر و گردن و قسمت راست بدن)، بول و یارطوبتی از انسان خارج شود، آیا غسل باطل می‌شود و باید از اول شروع نماید یا خیر؟
ج - غسل باطل نمی‌شود، و نیاز به شروع مجدد نیست؛ ولی با آن غسل نمی‌تواند نماز بخواند و برای خواندن نماز، باید وضو بگیرد. ۷۴/۱۱/۱۲

﴿س ۳۶۰﴾ اگر در وسط غسل بدن نجس شود (مثلاً هنگامی که مشغول غسل دادن بدن است، قسمتی از طرف سر نجس شود)، آیا غسل باطل است؟

ج - نجس شدن اعضا در حین غسل مضرّ نیست، لیکن اگر عضو متنجّس را قبل از نجس شدن غسل نداده، باید اول محلّ متنجّس را پاک نماید و بعد غسل را ادامه دهد. ۶۸/۴/۱۲

﴿س ۳۶۱﴾ آیا منظور از داخل گوش، که در موقع غسل شستن آن واجب نیست، سوراخ گوش است؟

ج - منظور از داخل گوش، آن مقداری است که پیدا نیست. ۷۵/۱۰/۴

﴿س ۳۶۲﴾ در رساله توضیح المسائل حضرت عالی آمده است: «اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست». آیا فقط وضو این حکم را دارد یا اینکه در غسل هم لازم نیست آب به پوست برسد؟ چنانچه قسمتی از پوست صورت معلوم باشد، و قسمت دیگر معلوم نباشد، آیا لازم است قسمتی که معلوم نیست، شسته شود؟

ج - این حکم مخصوص وضو است و در غسل، بشره (پوست بدن) مطلقاً باید شسته شود و بنا بر احتیاط واجب، موها هم باید شسته شود، ولی ناگفته نماند چون آب جریان و سریان دارد، به حسب طبع، بشره با ریختن آب شسته می‌شود. ۷۴/۷/۹

جنابت

﴿س ۳۶۳﴾ اگر آمیزش رخ ندهد و دخول هم محقق نشود، و با ملاعبه و بازی کردن و بدون سستی بدن، منی خارج شود. حکم آبی که خارج می‌گردد، چیست؟ آیا پاک است یا نجس؟

ج - با علم و یقین صددرصد به منی بودن، غسل واجب است، و اگر مشکوک باشد، در مرد باید هر سه علامت (جستن، سستی بدن و شهوت) جمع باشد تا حکم به منی بودن و جنابت شود؛ و اگر بعضی بود و بعضی نبود، یا بودن بعضی مشکوک بود، حکم به منی و جنابت نمی‌شود و رطوبت مشتبهه پاک است؛ و در زن با فرض شک، محکوم به منی نیست و زن، جنب نمی‌باشد. ۷۲/۷/۲۰

﴿س ۳۶۴﴾ اگر آبی از انسان در حال خواب خارج شود، با توجه به اینکه انسان در حال خواب و یا بعد از بیداری، نمی‌تواند علایم سه گانه مربوط به محتلم شدن را تشخیص دهد، تکلیف چیست؟

ج - تا اجتماع علایم سه گانه احراز نشود، شخص، جنب نیست و تحقیق نیز لازم نیست. ۷۴/۷/۲۶

﴿س ۳۶۵﴾ اگر کسی در حالت خواب احساس کند که منی از جای خود حرکت کرده و از خواب بیدار شود، اما ببیند که مایعی خارج نشده، یا فقط یک قطره مایع، بدون سه شرط (شهوت، جستن و سست شدن بدن) خارج شده، و یا اینکه هنگام ادرار، قبل از خروج آن متوجه شود که مایعی در مجرا وجود دارد، تکلیف چیست؟ آیا باید غسل کند؟

ج - محکوم به جنابت نیست و غسل ندارد، و حتی ناقض وضو هم نیست. ۷۵/۱۲/۱۷

﴿س ۳۶۶﴾ چنانچه بعد از بول و یا در حین آن از مرد، مایع نسبتاً غلیظی بدون جستن، یا شهوت و یا سست شدن بدن خارج شود. آیا غسل واجب می‌شود یا نه؟

ج - اگر قبل از آن، جنابت و خروج منی اتفاق نیفتاده باشد، غسل ندارد، و گرنه مسئله

محتاج به تفصیل است. ۷۵/۴/۸

﴿س ۳۶۷﴾ اگر انسان شک داشته باشد که رطوبتی که از او بیرون می‌آید، منی است یا ادرار، حکم آن رطوبت چیست؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن، بدن سست شود، آن رطوبت، حکم منی را دارد؛ اما اگر هیچ یک از سه نشانه یا بعضی از این‌ها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد. اما در مورد بیمار، اگر با شهوت بیرون آمده باشد، در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود. ۷۷/۱۱/۱۸

﴿س ۳۶۸﴾ گاهی اوقات بر اثر ملاعبه با همسر و تماس بدنم با بدن او، بدون دخول جُنُب می‌شوم. آیا این کار از نظر شرعی حرام است یا خیر؟ در صورت حرمت، تکلیف اعمالی که بدین طریق در گذشته انجام شده است، چیست؟

ج - حرام نیست، زیرا ملاعبه با همسر می‌باشد که امری جایز است، و ربطی به استمنای محرم ندارد. آری، با خروج منی جُنُب می‌شوید، و همه احکام جنابت حلال بار می‌شود. ۷۶/۱/۳

﴿س ۳۶۹﴾ آیا غیر از منی که از انسان خارج می‌شود، آب دیگری هم وجود دارد که انسان را نجس کند و احتیاج به غسل جنابت داشته باشد؟

ج - غیر از منی، چیز دیگری که موجب جنابت و نجس باشد، نیست، مگر بعد از خروج منی و بدون آن که بول کرده باشد و بدون فاصله معتدبه، رطوبت مشتبهی خارج شود که در این صورت، محکوم به منی است و نجس و موجب غسل است. ۷۶/۵/۵

﴿س ۳۷۰﴾ این جانب از جانبازان قطع نخاعی هستم. هنگام نزدیکی با همسر - بدون آنکه دخول انجام شود، منی بدون جستن و سستی بدن خارج می‌شود. آیا خروج منی به این شکل موجب جنابت است یا خیر؟

ج - با فرض یقین به منی بودن، موجب جنابت است. ۶۹/۱۲/۲۰

﴿س ۳۷۱﴾ در بیمارستان‌ها، منی برادران جانباز قطع نخاعی برای آزمایش و یا تلقیح نمودن به همسرانشان جهت باروری (لقاح) با دستگاهی مخصوص گرفته می‌شود. آیا پس از گرفتن آن منی که در حالت بیهوشی انجام می‌شود، باید غسل نمایند؟

ج - اگر منی را ولو از مجرای طبیعی به وسیله آلتی خارج کنند، چه در حال بیهوشی و

چه در حال طبیعی، موجب جنابت نیست و غسل ندارد. ۸۰/۳/۱۰

﴿س ۳۷۲﴾ آیا برادران جانباز قطع نخاعی پس از جماع، با توجه به اینکه خارج شدن

منی در آنان مشهود نیست، باید غسل کنند؟

ج - اگر آمیزش حاصل و دخول محقق شده، و یا یقین به خروج منی در کار باشد، باید

غسل کنند. ۷۲/۷/۲۰

﴿س ۳۷۳﴾ از شخصی به علت بیماری، دائماً منی بیرون می آید و نمی تواند خود را

کنترل کند. آیا این شخص همیشه جنب است؟

ج - برای بار اول، جنب است و باید غسل کند، اما برای دفعات بعدی، غسل لازم نیست.

﴿س ۳۷۴﴾ مدتی است بی اختیار جنب می شوم و این امر، بسیار اتفاق می افتد، تا آن

جا که تقریباً هر روز پیش می آید، این مسئله، بیشتر پس از بول و هنگام استبراء اتفاق

می افتد. شایان ذکر است که بنده بسیار زود بالغ شدم و از سیزده، چهارده سالگی

صورت من از مو پر شده بود. آیا این امر، ربطی به آن مسئله دارد؟ در ضمن در مورد

خصوصیات آبهای وَدَى، وَدَى و مَدَى توضیحی بفرمایید.

ج - به آبی که بعد از ملاعبه و بازی کردن یا دیدن صحنه های مهیج از انسان بیرون

می آید که رنگ آن زلال و چسبنده است، «مَدَى» گویند و پاک است. نیز به آبی

که بعد از بیرون آمدن منی از انسان خارج می گردد «وَدَى» گفته می شود، و آبی که

بعد از بول خارج می شود و به رنگ منی و چسبنده است که به آن «وَدَى» می گویند،

اگر بول به آن نرسیده، پاک است، و اگر رطوبتی از مرد سالم خارج شود و نداند

منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از

بیرون آمدن، بدن سست شده، آن رطوبت، حکم منی را دارد، و اگر هیچ یک از

این سه نشانه یا بعض آنها را ندارد، حکم منی را ندارد و غسل، لازم نیست. در

خاتمه این که در سؤال آمده که تقریباً هر روز جنب می شوم، تمام نیست، چون

جنب شدن به محض بیرون آمدن مایع لَزْج و چسبنده نیست و همان طور که در

پاسخ بیان شد، این گونه رطوبت ها وَدَى است و حتی موجب وضو هم نیست، چه

رسد به غسل، و چه رسد به جُنُب شدن؛ و جُنُب شدن مرد، به همان نحو است که بیان شد که باید با شهوت و جستن و سست شدن بدن باشد. به هر حال، شک و شبهه به خود راه ندهید و خود را جُنُب ندانید که با وضع ذکر شده در سؤال حاصل نمی‌شود. به علاوه، اگر یقین حاصل شد، آنچه خارج شده منی است، یعنی منشأ پیدایش انسان و نطفه است (که معمولاً هم حاصل نمی‌شود)، چون هر روز و خارج از متعارف است، احکام منی را از حیث غسل ندارد و از همه گذشته می‌توان به جای غسل هم به خاطر زحمت و مشقت، تیمم نمود. ۷۹/۵/۱۱

﴿س ۳۷۵﴾ اگر زنی با همسرش ملاعبه کند (بدون اینکه دخول شود) و آبی از زن خارج شود. آیا این آب، در حکم منی است و مستوجب غسل جنابت است یا خیر؟

ج - نه موجب غسل است و نه منی، آری، اگر یقین به منی بودن آن در کار باشد، هم غسل دارد و هم نجس است. لیکن چنین یقینی معمولاً (بلکه مطلقاً) پیدا نمی‌شود.

۷۵/۱۱/۸

﴿س ۳۷۶﴾ منظورتان از خروج منی در زنان (با توجه به اینکه دستگاه تناسلی زنانه، اساساً قسمتی منی ساز ندارد) چیست؟ اگر منظور، ترشحات لغزنده ساز مهبل برای تسهیل جماع است، این ترشحات نه ترکیب منی را دارد، نه خروج آن دارای شرایط خروج منی است، و اگر منظور، حرکات متناوب عضلات اطراف مجرای تناسلی در هنگام ارضای زن است، در این حالت، خروج مایع از هیچ یک از قسمت‌های تناسلی زنانه به اثبات نرسیده است.

ج - زنها فقط با آمیزش جُنُب می‌شوند، و اگر به خروج منی خودشان یقین پیدا کنند، جُنُب می‌شوند، اما چنین یقینی معمولاً حاصل نمی‌شود. ۷۵/۱۲/۲۴

﴿س ۳۷۷﴾ شرایط جنابت در خانم‌ها چگونه است و لزوم غسل آنان در چه شرایطی

است؟

ج - زنها فقط به آمیزش جنب می‌شوند و در غیر این صورت، جنب نمی‌شوند، مگر با یقین به خروج منی خودشان؛ و با شک در منی بودن، محکوم به نبودن آن است و جنب نیستند، هر چند رطوبت با شهوت و لذت بردن و با سستی بدن هم باشد و این معنا، مقتضای جمع بین اخبار باب است، هر چند خلاف آن معروف است. ۷۸/۸/۲

﴿س ۳۷۸﴾ این جانب طیّ مدت یازده سال نمی دانستم که زن هم اگر خواب ببیند، جنب می شود و تمام نماز و روزه هایم را هم به جا آورده ام. تکلیف من چیست؟

ج - جنابت با صرف خواب دیدن، برای هیچ کس حاصل نمی شود. به علاوه که زن تا

یقین به خروج منی و یا آمیزش نکند، جنب نمی شود. ۷۴/۸/۵

﴿س ۳۷۹﴾ یکی از راه های تنظیم خانواده، استفاده از کاندوم (پوشش پلاستیکی) است که مردها از آن استفاده می کنند. بعد از عمل جماع، با فرض استفاده مرد از کاندوم (با توجه به اینکه منی مرد در رَحِم زن قرار نمی گیرد، بلکه در پوشش پلاستیکی جمع می شود)، آیا بر زن هم غسل واجب می شود؟

ج - آری، بر زن همانند مرد غسل جنابت واجب می شود و جنابت حاصل از آمیزش،

مشروط به انزال نیست، کما اینکه مشروط به نبودن پوشش پلاستیکی و امثال آن

هم نیست. ۷۱/۵/۲۰

﴿س ۳۸۰﴾ مایع سفیدچسبنده ای از دختران در حالت عادی خارج می شود. این مایع، دارای هیچ بویی نیست و بعضی مواقع به جامدن نزدیک می شود. این مایع، چه حکمی دارد؟ و در چه حالتی زن یا دختر بعد از شوخی با شوهر یا نامزد خویش نمی تواند نماز بخواند؟

ج - زن در صورتی جنب می شود که یا آمیزش و مجامعت برایش حاصل شود و یا

یقین کند که منی از او خارج شده، و ناگفته نماند که معمولاً چنین یقینی برای زن

حاصل نمی شود و محض شک، هر چند با شوخی و مزاح و خروج رطوبت و مایع

و علائم همراه باشد، سبب جنابت نمی گردد و آن رطوبت، چون نه منی است و نه

بول، محکوم به طهارت است. ۷۷/۹/۱۱

﴿س ۳۸۱﴾ آیا پس از جماع نمودن حتماً باید ادرار و بعد غسل کرد، یا اینکه بدون ادرار کردن هم می توان غسل نمود؟ (با توجه به اینکه جانباز هستم، و پس از جماع نمی توانم ادرار کنم).

ج - بول کردن بعد از جماع، شرط صحّت غسل نیست، بدون آن هم درست است،

زیرا بول کردن قبل از غسل امری مستحب است، که ثمره اش در رطوبت مشتبه

که بعد از غسل خارج شود، ظاهر می شود، بنابراین، شما در غسل جنابتی که

می کنید، تردیدی به خود راه ندهید. ۷۲/۲/۱۸

﴿س ۳۸۲﴾ آیا زن پس از نزدیکی شوهر با او و قبل از غسل، باید صبر کند تا منی مرد از رَحَم او خارج شود، یا خیر؟ و اگر فوراً بدون تطهیر رَحَم، غسل کند و آب یا رطوبتی مشکوک از او خارج شود، تکلیفش چیست؟

ج - شرط نیست، و رطوبت مشکوک هم محکوم به طهارت است. ۷۴/۱/۱۵

﴿س ۳۸۳﴾ چنانچه شخصی دو بار جنب شود، آیا باید دو بار غسل کند، یا یک غسل کافی است؟

ج - یک غسل جنابت کافی است. ۷۵/۹/۱

﴿س ۳۸۴﴾ اگر زنی که غسل جنابت بر او واجب شده است، دچار حیض شود یا در هنگامی که در حیض است (بدون عمل حرامی) دچار جنابت شود، می تواند قبل از تمام شدن حیض، غسل جنابت خود را انجام دهد؟ و اگر این کار را کرد، همانند غسل جمعه که می توان هنگام حیض هم انجام داد، از گردن او ساقط شده است؟

ج - غسل جنابت در حال حیض جایز است و مُسْقَط غسل جنابت است و بعد از پاک شدن از حیض، باید همان غسل حیض را به جا بیاورد، کما این که در زمان حیض

هم می توان غسل جمعه را انجام داد. ۷۸/۹/۱۱

﴿س ۳۸۵﴾ اگر انسان هنگام شب بدانند که صبح برای غسل کردن آب پیدانمی کند، در این صورت، آیا می تواند با همسر خویش نزدیکی کند یا خیر؟

ج - اگر می تواند تیمم نماید، جایز است و مانعی ندارد، ولی اگر مطمئن است که قدرت

بر تیمم ندارد و فاقد الطهورین می شود، نباید خود را جنب نماید. ۷۶/۵/۷

﴿س ۳۸۶﴾ اگر بعد از بیدار شدن از خواب بفهمیم که جنب شده ایم و به خاطر شرم و حیا از خانواده، شرایط مهیا نباشد تا به حمام برویم و غسل جنابت را به جا آوریم، آیا با عوض کردن لباس و شستن نجاست، اشکالی ندارد چند روزی دیرتر غسل کنیم؟ و در این شرایط، در مورد نماز خواندن تا هنگام غسل و در روزهای ماه رمضان و وضع روزه توضیحی بفرمایید.

ج - گرچه انسان باید تلاش نماید که نمازهایش با جنابت نباشد و همین طور قبل از

اذان صبح در ماه رمضان با جنابت عمدیه نباشد و با حالت پاکی وارد صبح شود و

حتماً باید برای پاک شدن از مثل جنابت به وسیله غسل پاک شود، لیکن اگر جهات ذکر شده در سؤال یا جهات دیگر همانند آنها مانع از غسل باشند، باید در آخر وقت نماز، یعنی زمانی که فقط به قدر نماز خواندن وقت است نه غسل کردن، یا شک دارد که آیا وقت هر دو را دارد یا وقت نماز را، تنها تیمم بدل از غسل جنابت بنماید و بدن و لباس خود را هم از نجاست پاک نموده باشد، نماز بخواند، نمازش درست و روزه اش صحیح است. ۷۸/۱۰/۲۵

﴿س ۳۸۷﴾ شخصی از ناحیه پا مجروح شده و جراحت و شکستگی او طوری است که آب برایش ضرر دارد. آیا این شخص می تواند پلاستیکی را مانند جوراب، برای ممانعت از اصابت آب حمام به پا کرده، غسل کند؟ آیا این غسل، صحیح است؟

ج - صحیح است و غسل جبیره ای محسوب می شود، لیکن نباید پلاستیک، زیادتر از موضع زخم و جایی که آب برای آن ضرر داشته، قرار بگیرد. ۷۷/۱۳/۳۱

﴿س ۳۸۸﴾ اگر کسی جنب شده باشد و به واسطه عذری چند روز نتواند غسل جنابت نماید، آیا می تواند در مسجد حضور پیدا کند؟

ج - اگر عذر، بیماری و امثال آن است، با تیمم، حضور در مسجد حرام نیست؛ لیکن اگر عذر، تنگی وقت باشد، وارد مسجد شدن، جایز نیست. ۷۶/۷/۱۲

﴿س ۳۸۹﴾ در رساله های عملیه آمده است که: «با غسل جنابت می توان نماز خواند و نباید وضو گرفت». آیا تأکید «نباید» به معنی حرمت است یا کراهت؟ اگر بعد از غسل جنابت، وضو بگیرد اشکال دارد؟ اگر غسل جنابت را که مستحب است، به همین نیت انجام دهد، آیا باز هم وضو لازم ندارد؟

ج - وضو گرفتن بعد از غسل جنابت، حرام است، و با غسل جنابت به نیت مستحبی، می تواند نماز بخواند. ۷۴/۴/۳۰

﴿س ۳۹۰﴾ چرا با غسل جنابت ولو بدون وضو، می توان نماز خواند، ولی با غسل های دیگر نمی توان و باید وضو گرفت؟

ج - اجزاء غسل از وضو در همه اغسال است و اختصاص به جنابت ندارد. ۷۸/۱۲/۱۰

استحاضه، حیض، نفاس

﴿س ۳۹۱﴾ آیا غسل حیض و نفاس و استحاضه، فی نفسه مستحب است؟

ج - مثل غسل جنابت است که وجوبش شرطی است؛ یعنی چون شرط نماز، طهارت است، فرد باید غسل کند؛ وگرنه به خودی خود، مستحب است. ۷۹/۷/۶

﴿س ۳۹۲﴾ اگر رحم زن برداشته شود آیا ممکن است زن خون حیض ببیند؟

ج - خیر، بلکه اگر خونی خارج شود خون قروح و جروح می‌باشد؛ چون خون حیض و استحاضه هر دو مربوط به رحم می‌باشد. ۸۰/۴/۱۷

﴿س ۳۹۳﴾ حداقل خون استحاضه (زماناً) و حداکثر آن چه مقدار است؟

ج - در هیچ یک از دو طرف، حدی ندارد.

﴿س ۳۹۴﴾ اگر مستحاضه قلیله بعد از گرفتن وضو، برای رفتن به نماز جمعه، مسافت

نیم ساعت را تا مکان نماز طی کند، آیا این مدت جزو مقدمات نماز محسوب می‌شود یا دوباره باید وضو بگیرد؟

ج - اگر خون تا هنگام خواندن نماز، بیرون نیاید، اشکال ندارد. ۶۹/۱۲/۲۲

﴿س ۳۹۵﴾ شرط نزدیکی با مستحاضه، انجام غسل است؟ آیا مستحاضه قلیله هم باید

غسل نماید، یا وضو کافی است؟

ج - در مستحاضه قلیله، غسل واجب نیست و برای نمازهایش وضو کفایت می‌کند،

و وضو، شرط جواز مجامعت نیست. فقط در مستحاضه متوسطه و کثیره، غسل

شرط جواز مجامعت است. ۷۴/۴/۱۴

﴿س ۳۹۶﴾ اگر خانمی که مضطربه است، خونش قطع شود و بعد از هفت روز، دوباره

خون ببیند، به صورتی که خون اول، هفت روز و خون دوم هم هفت روز و فاصله بین دو

خون هم هفت روز باشد، آیا بنا را در مرحله دوم بر چه بگذارد (البته بر فرض این که

خصوصیات هر دو خون، یکی است)؟

ج - خون دوم چون با فاصله کم‌تر از ده روز از خون اول است که حیض قرار داده

شده، محکوم به استحاضه است. ۷۹/۹/۲

﴿س ۳۹۷﴾ دختری که مستحاضه است و قدرت انجام دادن غسل‌های لازم را در ایام استحاضه ندارد، تکلیف او چیست؟

ج - هر مقدار که قدرت دارد، باید غسل‌ها را انجام دهد، وگرنه تیمم کند. ۷۷/۴/۹
 ﴿س ۳۹۸﴾ اخیراً برخی از پزشکان، با تجویز قرص‌هایی مخصوص برای بانوانی که به سن یائسگی رسیده‌اند، عادت ماهیانه آنان را به نحوی تنظیم می‌کنند که مثل قبل از یائسگی، در هر ماه در تاریخ معین و به مدت معین خون می‌بینند. به عبارت دیگر، برای جلوگیری از مشکلات و بیماری‌هایی که قطع عادت ماهیانه برای بانوان پیش می‌آورد، عادت ماهانه را استمرار می‌دهند. چنین خونی از نظر شرعی حکم حیض را دارد یا استحاضه؟

ج - در فرض مزبور که خون دیده شده با خون عادت ماهیانه قبل تفاوتی ندارد محکوم حیض است. ۸۶/۶/۲۳

﴿س ۳۹۹﴾ زن‌هایی که آمپول می‌زنند و تا سه ماه خون نمی‌بینند، فقط بعضاً لکه‌هایی را مشاهده می‌کنند و صاحب عادت عددیه و وقتیه بوده‌اند، لکه‌ها چه حکمی دارند؟

ج - اگر سه روز متوالی خون نبیند، حیض محسوب نمی‌شود، چون توالی در سه روز، شرط حیض است. بنابراین، اگر خون قروح و جروح نباشد، استحاضه محسوب می‌شود و به احکام استحاضه باید عمل شود. ۷۷/۱/۷

﴿س ۴۰۰﴾ با توجه به استفاده از قرص و مدت زمان حیض که در تاریخ معین هفت روز بوده است، عمل بستن لوله رحم را انجام داده‌ام. بعد از عمل مذکور، در تاریخ معین عادت ماهیانه شروع شد، ولی از هفت روز بیشتر شد و حدود دوازده روز ادامه پیدا کرد. آیا اضافه مدت که پنج روز است، محکوم به استحاضه است یا خونریزی قروح و جروح عمل؟

ج - مدت زمان بیش از عادت همیشگی، حکم استحاضه را دارد و باید به دستور آن عمل شود. ۷۵/۱۰/۲۶

﴿س ۴۰۱﴾ چندسالی است که قبل از پیروید (عادت ماهانه) لکه بینی دارم (اکثر آسه روز قبل و بعضاً دو هفته قبل هم بوده) و اکنون چند ماه است که بعد از عادت خود نیز تا ده روز لکه بینی داشته‌ام در ماه مبارک رمضان هم همین حالت را داشتم که بعد از پنج روز عادت ثابت ماهیانه خود، تا ده روز (روز ۶ و ۸ و ۱۰) روزه ام را با غسل و تیمم گرفتم ولی بعد از

ده روز، همه روزه‌هایم را گرفته‌ام. اما امکان اینکه هر روز طبق فتاوا به حکم استحاضه عمل کنم نبوده است به دو دلیل: ۱. چون در خانه برادرم زندگی می‌کنم هر روز یا دو بار در روز استحمام با وجود سه فرزند در خانه، سؤال برانگیز بوده و من خجالت می‌کشیدم؛ ۲. ترس از سرماخوردگی (از آن جهت که من همیشه آمادگی سرماخوردگی را دارم). لذا هر دو روزی یک بار غسل را انجام می‌دادم ولی در بقیه موارد، تیمم بدل از غسل و وضومی گرفتم (نمازهای خود را کلاً قضا نموده‌ام) آیا روزه و نماز من در این ایام به این ترتیب اشکال داشته یا خیر (در حالی که به علت ناراحتی معده روزه گرفتن هم کمی برایم مشکل است)؟

ج - خونی که قبل از شروع عادت ماهانه - یکی دو روز باشد - و متصل به ایام حیض و متوالیاً خارج شود - احکام حیض را دارد اما اگر پی‌در پی نبوده و به صورت لگه‌های مختصری است حکم حیض را ندارد. و اما خونی که بعد از سپری شدن ایام عادت دیده می‌شود اگر مطمئن باشید که قبل از ده روز قطع می‌شود - چون حد اکثر عادت ده روز است - محکوم به حیض است و در رابطه با انجام دادن غسل با فرضی که در سؤال بیان داشتید، برای همه غسل‌ها باید تیمم نمایید چون با احتمال ضرر و مشقت و مشکل بودن قطعاً به جای غسل باید تیمم نمود. ۸۲/۱۱/۶

﴿س ۴۰۲﴾ یک یا دو روز قبل از عادت شدن، لگه‌های قهوه‌ای رنگی از رحم زن خارج می‌شود. آیا در این صورت، می‌تواند نماز بخواند یا نه؟

ج - اگر خون بودن آن‌ها مورد شک است، آثار خون بر آن بار نمی‌شود؛ ولی اگر خون است و تا زمان عادت شدن ادامه دارد، محکوم به حیض است و نباید نماز بخواند. ۷۹/۵/۱۶

﴿س ۴۰۳﴾ قبل از عادت ماهانه، آبی از رحم من خارج می‌شود که زرد رنگ و بدون سوزش است و حتی با داخل کردن پنبه در رحم نیز هیچ چیز به پنبه برخورد نمی‌کند که حاکی از خون باشد و بعد از روز پنجم عادت ماهانه و قطع خونریزی، همین برنامه تکرار می‌شود. آیا این آب را باید جزو عادت ماهانه قرار داد؟ به علاوه، بعد از روز پنجم و قطع عادت، بنده چون خود را پاک نمی‌دانستم، نمازهایم را نمی‌خواندم. با توجه به اینکه بعضی اوقات روز پنجم و گاهی روز هفتم پاک می‌شوم، آیا نمازهایم قضا دارد؟ و آیا قبل از عادت که این آب می‌آید نزدیکی با شوهر، جایز است؟

ج - اگر در خون بودن آن آب و مایع شک باشد، محکوم به طهارت است و هیچ اثری

از آثار خون‌ها بر آن بار نمی‌شود، و اگر محرز شود که خون و قبل از عادت است، استحاضه است، و اگر بعد از زمان عادت خارج و تا ده روز قطع می‌شود، محکوم به حیض است، وگرنه اگر از ده روز تجاوز نماید، آنچه که بعد از عادت است، محکوم به استحاضه است، و در مورد آمیزش قبل از عادت، حکمش از مسائل قبل روشن می‌شود؛ زیرا اگر در خون بودن آن شک باشد، هیچ اثری بر آن بار نمی‌شود و بود و نبودش مساوی است، و اگر خون باشد، چون استحاضه قلیله است، آمیزش در آن زمان مانعی ندارد، و در مورد مسئله عادت، که بعضی از ماه‌ها پنج روز و بعضی از ماه‌ها هفت روز است، همه آن خون‌ها محکوم به حیض است و به طور کلی، هر گاه خون حیض از ده روز تجاوز نکند، همه آن‌ها حیض است. ۷۴/۳/۳۰

﴿س ۴۰۴﴾ با عنایت به این که در اکثر قریب به اتفاق رساله‌های عملیه، زن سیده در شصت سالگی و غیر سیده در پنجاه سالگی یائسه می‌شود، با توجه به موارد ذیل، حکم فوق چه صورتی پیدا می‌کند؟

۱. شروع خونریزی در تمام دختران از سن معینی شروع نمی‌شود و از نه الی هجده سالگی تغییر می‌کند. چگونه یائسگی را به طور حتمی شصت یا پنجاه سال منظور می‌کنیم؟
 ۲. در صورتی که هیچ‌گونه تغییری در فاصله زمانی دو خونریزی اش و مدت خونریزی اش و نوع خون و مقدار آن حتی پس از سنین فوق حاصل نشود، حکم چیست؟
 ۳. اگر مادر زنی سیده و پدرش غیر سید باشد، با عنایت به این که انسان بعضی از صفات را از پدر به ارث می‌برد و بعضی از صفات را به صورت غالب از مادر، آیا نمی‌توان فرض کرد که زنی که مادرش سیده است در این صفت (خون دیدن) به مادرش شبیه است و حکم سیده را دارد. حال با توجه به موارد فوق، همسر که مادرش سیده بوده، در هفده سالگی حائض شده و هنوز که پنجاه و یک سال دارد، هیچ‌گونه تغییری در نوع خون، فاصله زمانی و مقدار و مدت خونریزی او حاصل نشده، چه حکمی دارد و تکلیفش برای نماز و روزه و مسائل زن و شوهری چیست؟ باید به حکم حائض عمل کند یا مستحاضه؟
- ج - به طور کلی همه زنها خونی را که بعد از پنجاه سال قمری تا هر زمان می‌بینند اگر اطمینان داشته باشند که خون حیض است؛ یعنی همه نشانه‌های آن را دارد

- که در قسمت سوم سؤال به آن اشاره شده - محکوم به حیض بودن است و اما با شک در این که آیا آن خون، خون حیض هست یا نه؟ محکوم به استحاضه است و علی‌هذا، سن پنجاه سال قمری در همه زنان - چه سیده و چه غیر سیده، چه سیده از طرف پدر و مادر و چه از طرف پدر تنها یا مادر تنها و چه زنهایی که آغاز حیضشان قبل از هیجده سالگی باشد یا بعد از هیجده سالگی - اماره و حجت شرعی است بر حیض نبودن خونی که در آن زمان می‌آید و مشکوک است که حیض است یا نه. و الا در صورت اطمینان به حیض بودن، حکم حیض را دارد و اماره در مقابل علم و اطمینان، حجت نیست. ۸۵/۱۱/۱۶

﴿س ۴۰۵﴾ طبق مسئله ۴۴۳ از رساله امام علیه السلام، شب دوم و سوم حتماً باید خون زن قطع نشود تا حیض محسوب گردد و لازم نیست شب اول و چهارم را خون ببیند؛ ولی بعضی از خانم‌ها ادعا می‌کنند که مطمئن هستند که خونشان حیض است، ولی بر اثر خوردن قرص، شب دوم و سوم، خون حیض نمی‌بینند. حکم این خانم‌ها چیست؟
ج - در حیض، مشاهده سه روز متوالی و پی در پی خون، شرط است و اگر کمتر باشد، حیض نیست. ۶۹/۴/۳۰

﴿س ۴۰۶﴾ زنی بعضی از ماه‌ها روز پنجم و بعضی از ماه‌ها روز هفتم پاک می‌شود. اگر در روز پنجم خونش قطع شود، آیا باید تا روز هفتم صبر نماید، یا اینکه بلافاصله غسل کند؟ (با توجه به اینکه بعضی وقت‌ها غسل کرده و اتفاقی نیفتاده، و بعضی وقت‌ها غسل کرده و بعد از غسل، دوباره خون دیده است).

ج - باید بعد از روز پنجم، امتحان و اختبار کند. اگر مطمئن شد که خون (ولو در رجم) وجود ندارد، باید غسل نماید، و اگر خون آمد، دو مرتبه باید غسل کند، و ایام پاکی در وسط هم محکوم به حیض است. ۷۴/۳/۳۰

﴿س ۴۰۷﴾ بنده مدت بیست سال است که عادت ماهانه خود را ده روز می‌دانستم تا روز ششم یا هفتم، خونریزی و پس از آن، ترشح زردی می‌بینم که گاهی این زردی تا روز دهم یا پانزدهم و یا بیشتر، ادامه دارد. سپس ترشح، سفید می‌شود تا یک هفته به عادت منتهی می‌ماند که باز زردی می‌بینم. ضمناً گاهی تمام ماه را بین دو عادت، زردی می‌بینم. حال سؤال من این است که:

۱. مدت عادت خود را چند روز بدانم؟ اگر نباید ده روز بدانم، آیا تمامی این سالها نماز و روزه من قضا شده یا خیر؟
۲. آیا این زردی که چند روز قبل و بعد از قاعدگی و یا در سرتاسر ماه می بینم و تا به حال پاک می دانستم، پاک است یا خیر؟

ج ۱- اگر ترشحها از ده روز تجاوز نمی کند، همه مدت، محکوم به حیض است و با تجاوز، همان مدتی که شرایط حیض را دارد، حیض است و بقیه مدت استحاضه و نسبت به گذشته که ده روز را حیض قرار داده اید، چون نمی دانید ترشحها از ده روز تجاوز کرده یا نه، لذا نمازها قضا ندارد و روزههایی هم که خورده شده، قاعدتاً باید قضا شود.

ج ۲- اگر یقین دارید که خون رجم نیست؛ بلکه عفونت و چرک است، پاک می باشد.

۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۴۰۸﴾ خانمی که قبلاً عادت ماهیانه اش ده روز بوده و اکنون، مدتی است که پس از هفت روز، دیگر هیچ علائمی از خون نمی بیند و کاملاً پاک می شود، آیا عادت ماهیانه او از ده روز به هفت روز تقلیل پیدا کرده است؟ وظیفه او چیست؟

ج- هر زنی که ایام عادتش دو مرتبه مساوی باشد، صاحب عادت عدیده است و آن عدد، معیار است، چه در ابتدا و چه در تغییر عادت. بنابراین، در مفروض سؤال، هفت روز عادت محسوب می شود و عادت ده روز قبلی، بی اثر است. ۷۸/۱/۲۹

﴿س ۴۰۹﴾ زنی که در حین نزدیکی با شوهر، در غیر ایامی که حیض می بیند (مثلاً ده روز بعد از اینکه ایام حیض او تمام شده است، یا هنوز حائض نشده)، خونی می بیند که صفات خون حیض را دارد، حکم آن خون چیست؟ آیا امکان دارد که هنگام نزدیکی، خون به جهت زخم یا جراحت به وجود آمده باشد؟ چنانچه حیض باشد، حکم کفاره و غیره چیست؟

ج- اگر خروج خون در زمان عادت باشد و بداند که سه روز متوالی هم خواهد آمد، محکوم به حیض است، وگرنه چون مشکوک است که خون زخم است یا استحاضه، محکوم به استحاضه است، و کفاره دخول در حال حیض (که احتیاطاً مستحب است)، منوط به علم قبلی است؛ اما اگر بعد از آمیزش متوجه شود، قطعاً کفاره ندارد. ۷۵/۹/۲

﴿س ۴۱۰﴾ زنی عادت وقتیه ندارد، اما در مورد اینکه صاحب عادت عدیده است نیز تردید دارد، به این صورت که مدت خون دیدن وی هفت روز است و از هفت تا ده روز، ترشحاتی به رنگ زرد تیره می بیند. گاهی نیز در فاصله روز هفتم و دهم، لکه خون می بیند. وظیفه وی چیست؟ (با توجه به اینکه عادت خویشان وی، بنا بر قول خودشان، هفت روز است).

ج - همه ترشحات و انواع خون هایی که چند روز بعد از حیض بیرون می آید و از ده روز تجاوز نمی کند (همچنان که مفروض سؤال هم همین است)، محکوم به حیض است، و اگر از ده روز تجاوز کرد به مسئله ۴۷۸ «رسالة توضیح المسائل» این جانب مراجعه فرمایید. ۷۶/۱/۲

﴿س ۴۱۱﴾ زنی بعد از سپری شدن ایام عادت و پاک شدن، آب زرد رنگی می بیند و شک دارد که خون است یا نه و نمی داند تا ده روز ادامه دارد یا نه. تکلیف چیست؟
ج - اگر مطمئن است که قبل از ده روز قطع می شود، محکوم به حیض است؛ و اگر مطمئن است که از ده روز تجاوز می کند، آنچه که بعد از عادت خارج می شود، محکوم به استحاضه است؛ و اگر در تجاوز از ده روز شک دارد، ایام مشکوکه، ایام استظهار است. ۷۶/۳/۸

﴿س ۴۱۲﴾ زنی که اغلب مواقع بعد از شش روز پاک می شود، اگر بعضی مواقع در پایان چهار یا پنج روز پاک شود، می تواند غسل کند و عبادات خود را انجام دهد یا خیر؟
ج - معیار در صحت غسل و انجام دادن عبادات، همان اطمینان به پاک شدن است و هر زمان که اطمینان داشت، باید غسل کند و نماز بخواند. ۷۷/۶/۲۱

﴿س ۴۱۳﴾ اگر زنی پس از بلوغ، چه قبل از ازدواج و چه بعد از آن حائض نشده و هیچ وقت خون حیض نمی بیند، به احکام شرعی اش چگونه عمل نماید؟
ج - احکام مختص حائض، از قبیل ترک نماز و روزه و حرمت دخول در مساجد، مشروط به دیدن خون حیض است و کسی که خون نمی بیند، آن احکام بر او مترتب نیست، هر چند در سن «من تحيض» باشد. ۷۷/۴/۹

﴿س ۴۱۴﴾ شخصی عصر روز یکشنبه سوم ماه، حیض می شود و عادت او ده روز است. آیا عصر روز سه شنبه، دوازدهم ماه، عادت او تمام می شود یا عصر چهارشنبه سیزدهم

ماه؟ در هر حال، اگر بعد از انجام غسل، آب زردی از وی خارج شود، آن را حیض قرار دهد یا استحاضه؟ و آیا غسل بر او هست؟

ج - ملاک، ده روز است و در مفروض سؤال، پایان عادت، سیزدهم ماه است. اگر در خون بودن آن مایع زرد رنگ، شک باشد، محکوم به طهارت است و هیچ اثری از آثار خون‌ها بر آن بار نمی‌شود، و اگر یقین به خون بودن باشد، استحاضه است و احکام آن را داراست. ۷۷/۴/۹

﴿س ۴۱۵﴾ گاهی در مسجدی یک قسمت از آن به عنوان تکیه یا حسینیه ساخته شده و زنان تصور می‌کنند در ایام حیض می‌توانند در آن قسمت داخل بشوند، آیا چنین چیزی امکان دارد؟

ج - ورود و توقف زن حائض، در مسجد حرام است نه در غیر آن، مانند حسینیه و غیره. بنابراین، جواز و عدم جواز، تابع اطمینان به مسجد بودن و عدم اطمینان به آن است و محض گفتن افراد، نمی‌تواند سبب جواز ورود زن حائض شود، با فرض این که زن، آن جا را مسجد می‌داند و اطمینان به مسجد بودن آن دارد. ۷۹/۱/۲۱

﴿س ۴۱۶﴾ رفتن بانوان به حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام به قصد زیارت، به هنگام عادت ماهانه، آیا جایز است یا خیر؟

ج - احتیاط واجب در ترک است. ۷۳/۴/۱۵

﴿س ۴۱۷﴾ منظور از حرم در اماکن متبرکه و مزار ائمه اطهار علیهم‌السلام که دخول جنب و حائض در آن حرام است، چیست؟ آیا حرم امامزادگان هم مشمول این حکم هست یا خیر؟

ج - منظور از حرم، اطراف ضریح و زیر گنبد است، و شامل رواق‌ها و صحن‌هایی که مسجد نیست، نمی‌شود و دخول به حرم امامزادگان، اگر مسجد نباشد، حرمت ندارد، هر چند که احترام حرم امامزادگان نیز مطلوب است. ۷۶/۳/۴

﴿س ۴۱۸﴾ اگر فرضاً برای حرم ائمه علیهم‌السلام طبقات بالا و پایینی ساخته شود؛ آیا حکم حرمت توقف اشخاص جنب و حائض و نفساء در طبقات بالا و پایین مانند مساجد جاری است؟

ج - آری جاری است، چون حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام حکم مسجد را دارد؛ همان‌طور که مسجد عمق و ارتفاع آن کلاً مسجد است نه فقط سطح ظاهری آن، حرم ائمه علیهم‌السلام هم طبقاتی که روی آن‌ها ساخته شود یا زیر آن‌ها؛ حکم حرم را دارد. ۸۰/۵/۲۶

﴿س ۴۱۹﴾ جنب شبستان مسجد و نمازخانه، کتابخانه مسجد است و در آن، جلسه قرائت و تفسیر قرآن برگزار می‌شود و مسائل دین گفته می‌شود. آیا برای خانم‌هایی که عذر شرعی دارند و حرام است در مسجد توقف کنند، جایز است در حال عبور از مسجد، داخل آن کتابخانه بشوند و بعد از خاتمه جلسه از همان راه عبور، خارج شوند یا نه؟
 ج - آنچه جایز است، رفتن از یک در و بیرون آمدن از در دیگر مسجد است نه ورود و خروج از یک در که مرور بر آن صدق نمی‌کند.
 ۷۷/۵/۱۱

﴿س ۴۲۰﴾ در مواقع ضروری مثل مواقع امتحان دانش‌آموزان دختر که گاهی در مساجد از آن‌ها امتحان می‌گیرند، آیا دختران حائض می‌توانند به مدت طولانی در مسجدی توقف کنند؟

ج - اگر راه منحصر به رفتن در داخل مسجد باشد، به حکم ضرورت، جایز است و باید به حداقل از ضرورت، اکتفا شود.
 ۷۷/۴/۹

﴿س ۴۲۱﴾ در مورد زن حائض در بسیاری از فتاوی‌ای مراجع حق رفتن به داخل مساجد و توقف در آن را ندارد و حرام بوده. اگر حرام باشد پس زن مصیبت دیده داغدار که در حیض به سر می‌برد چگونه می‌تواند در مسجد توقف نماید و در مراسم شرکت نماید؟ اگر ورود زنان حائضه در بقاع متبرکه و قبور ائمه اطهار حرام است و اگر زنی برای زیارت عتبات عالیه و مکه مکرمه رفته و در آن جا حیض شود در صورتی که زمان هم محدود است حکمش چیست؟
 ج - اگر راه، منحصر به رفتن در داخل مسجد باشد، به حکم ضرورت جایز است، اما باید به حداقل از ضرورت، اکتفا شود. اما مکه و مسجد الحرام آداب مخصوص به خود را دارد.
 ۸۱/۷/۵

﴿س ۴۲۲﴾ آیا قرآن خواندن هنگامی که زن دارای عذر شرعی (حیض) است، حرام است؟
 ج - خواندن قرآن برای حائض و جنب، مکروه، اما جایز است؛ لیکن خواندن حتی یک حرف از سوره‌هایی که سجده واجب دارند، حرام است.
 ۶۸/۸/۲۱

﴿س ۴۲۳﴾ آیا همیشه کراهت در عبادت، به معنای «اقل ثواباً» است یا معنای دیگری هم دارد؟

ج - اگر عبادت دارای بدل است (مثلاً خواندن نماز در حمام)، در این‌گونه موارد، به معنای اقل ثواباً است؛ اما اگر بدون بدل است (مانند روزه روز عاشورا یا قرائت

قرآن در حال حیض، به معنای رجحان ترک است، و اینکه عنوان ارجحی مانند عدم تشبیه به بنی امیه، بر ترک آن مثلاً منطبق است، و به جا نیاوردن بهتر از انجام آن است.

﴿س ۴۲۴﴾ اگر زنی در مسجد حیض شود، تکلیف او چیست؟

ج - واجب است که از مسجد خارج شود. ۶۸/۱/۱۷

﴿س ۴۲۵﴾ آیا زن، پس از اتمام دوره قاعدگی و پیش از غسل حیض، می تواند با

شوهرش همبستر شود؟

ج - هر چند حرمت ندارد، لیکن احتیاط مستحب آن است که تا غسل نکرده، از

جماع با او خودداری شود. ۷۵/۱/۸

﴿س ۴۲۶﴾ غسل بعد از سقط جنین چیست؟ آیا غسل نفاس است، یا اینکه ذی روح

بودن جنین برای تحقق نفاس شرط است؟

ج - خونی که بعد از سقط جنین دیده می شود، غسل نفاس دارد، و ذی روح بودن

جنین، شرط تحقق نفاس نیست. ۷۴/۱/۱۸

﴿س ۴۲۷﴾ زنی که سزارین می شود و بچه را از پهلوئی او خارج می کنند، خونی که

می بیند، نفاس است یا استحاضه؟

ج - خونی که از مجرای طبیعی و به سبب ولادت بیرون می آید، محکوم به نفاس

است، هر چند طفل را با جراحی از پهلو خارج کرده باشند؛ و اما خونی که از

محل عمل به واسطه جراحی خارج می شود، نفاس نیست. ۷۶/۳/۵

مسائل متفرقه غسل

﴿س ۴۲۸﴾ آیا می توان یک غسل واجب و یک غسل مستحب (مثل جنابت و جمعه) را

با هم انجام داد و نیت جمع کرد؟ غسل واجب و غسل رجایی (مثل غسل توبه) را چگونه؟

غسل مستحب و رجایی را چگونه؟

ج - آری، مانعی ندارد و تداخل اغسال، مطلقاً جایز است. ۷۴/۸/۷

﴿س ۴۲۹﴾ آیا در انجام غسل‌های متعدد، ترتیب لازم است یا خیر؟ یعنی زنی که جنب است و بعداً حیض می‌شود و نیز غسل دیگری بر او واجب شده است، باید به ترتیب اول غسل جنابت کند و بعد غسل حیض و... یا اینکه ترتیب لازم نیست؟

ج - ترتیب لازم نیست و بایک غسل هم می‌تواند همه را نیت کند و مجزی هم هست.
۷۵/۱/۱۴

﴿س ۴۳۰﴾ آیا با غسل‌های مستحب، مانند جمعه و غیره یا غسل‌های واجب، غیر از جنابت می‌توان نماز خواند و مجزی از وضو است، و یا اجراء و عدم لزوم وضو اختصاص به غسل جنابت دارد همان طور که در مرسله ابن ابی عمیر آمده «کلّ غسل قبله وضوء الاّ غسل الجنابة» و یا در مرسله دیگرش آمده «في كلّ غسل وضوء الاّ الجنابة»؟

ج - اظهر اجزاء غسل از وضو در همه اغسال است و اختصاص به جنابت ندارد و همان طور که در صحیحه محمد بن مسلم آمده «الغسل یجزی عن الوضوء و ایّ وضوء اظهر من الغسل» غسل به خاطر اظهریتش در همه جا مجزی از وضو است و لسان مثل صحیحه به خاطر اظهریت بر لسان مرسله، مقدم است و ظاهر بر اظهر حمل می‌شود و با جمع عرفی، تعارض بر فرض تحقّق، بدوی می‌باشد.
۷۸/۱۲/۱۰

﴿س ۴۳۱﴾ کسی که علایم منی را نمی‌داند و فکر می‌کرده که هر آبی غیر از بول که از انسان خارج می‌شود، در حکم منی است و به جهت خروج یکی از آن‌ها مثل مَذی، غسل جنابت نموده و با آن غسل، نماز خوانده است. تکلیف نمازهایی که این شخص خوانده چیست؟ آیا باید قضا نماید یا خیر؟

ج - باید نمازهایی را که یقین دارد با چنین غسلی خوانده، قضا کند.
۷۶/۳/۴

﴿س ۴۳۲﴾ اگر شخص با وجودی که می‌داند تنها در صورت تیمّم، وقت برای نماز خواهد داشت غسل نماید، حکم غسل او چگونه است؟

ج - غسل کسی که وظیفه‌اش تیمّم است، اگر در ضیق وقت غسل نماید، باطل است.
۷۸/۱۱/۶

﴿س ۴۳۳﴾ آیا شخص جنب می‌تواند دعاهای مفاتیح را بخواند؟

ج - مانعی ندارد هر چند در دعا آیه‌ای باشد که در سوره‌های عزائم آمده اگر چه

احتیاط در ترک آن آیه در دعا می‌باشد، چون به قصد قرآنیت خوانده نمی‌شود، بلکه تضمین دعا با الفاظ قرآن است.

۸۶/۶/۲۵

﴿س ۴۳۴﴾ لمس کردن القاب معصومین علیهم‌السلام مثل رضا، کاظم و... برای شخص جنب و نیز شخص بدون وضو چه حکمی دارد؟ آیا لمس کردن پول منقش به القاب معصومین جایز است؟

ج - لمس آن‌ها برای جنب و نیز بدون وضو، خلاف احتیاط است، هر چند حرام نیست؛ اما آنچه منقوش است، مثل نقد رایج، حتی به مثل اسماء الله تعالی، جواز، خالی از قوت نیست.

۷۷/۱۱/۱۷

﴿س ۴۳۵﴾ آیا برای زن حائض جایز است گردنبندی را به گردن داشته باشد که اسم مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آن نقش شده است؟

ج - اگر نام مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با بدن تماس پیدا نکند، حرام نیست؛ وگرنه نباید به گردن آویزان نمود.

۷۶/۱۲/۲۴

﴿س ۴۳۶﴾ عده‌ای از بانوان برای پیشگیری از بارداری، از ابزارهای داخل رحمی (ای.یو.دی) استفاده می‌کنند، از نوع جدید این وسیله، معمولاً برای خانم‌هایی که عادت ماهانه سنگین دارند، برای کم کردن میزان خونریزی نیز استفاده می‌شود. حال سؤال این است که خانمی قبلاً دارای عادت ماهانه وقتیه و عددیه بوده، پس از کارگذاری این وسیله، عادت خود را از دست داده است، به این صورت که بیش از یک ماه کاملاً پاک است و بعد از آن، مدت پانزده تا بیست روز یا کمتر و بیشتر، فقط لک می‌بیند و هیچ‌گاه سه روز پشت سر هم خون نمی‌بیند، به این صورت که مثلاً یک روز خون می‌بیند (به صورت رگه‌های خونی در ترشح)، سپس یک یا دو روز پاک است، دوباره لک می‌بیند و سپس چند روز پاک است و دوباره لک می‌بیند و دقیقاً هم نمی‌داند چه زمانی کاملاً پاک خواهد شد. وظیفه این خانم از جهت انجام عبادات روزهایی که باید حیض حساب کند و یا احتیاط نماید و زمان مناسب برای غسل، چگونه است؟ آیا همه این روزها را باید حیض قرار دهد، یا باید در تمام این روزها احتیاط نماید و یا اصلاً هیچ کدام حیض محسوب نمی‌شوند؟ همچنین اگر فرضاً در وسط این دو یا سه روز، پشت سر هم لکه‌بینی داشته باشد،

و یا در صورتی که به فرض مجموع خون‌ها (به صورت مقدار کم و فقط لکه بینی، بدون اینکه سه روز اول پشت سر هم باشد) ده روز یا کمتر طول بکشد، چه حکمی دارد؟

ج - در حیض، دیدن سه روز متوالی خون در اول آن، شرط تعبدی است و تا هر زمان که این شرط حاصل نشود، محکوم به استحاضه است، و توالی خروج خون که شرط است، اعم است از اینکه خون از فَرْج بیرون آید، یا صرفاً از رَجِم به داخل فَرْج بیاید و به هر حال، باید توالی احراز شود و با شک هم محکوم به استحاضه است؛ ولی بعد از سه روز اول، توالی شرط نیست و خون حیض مدتش شرعاً از ده روز تجاوز نمی‌کند. پس اگر خروج خونی که شرایط و علائم حیض را دارد، از ده روز تجاوز نماید، مازاد بر عادت سابق و همیشگی استحاضه است، و اگر به ده روز ختم شود، همه آن محکوم به حیض است، و اگر زنی عادت زنانه ثابت ندارد، ولی شرایط و علائم حیض را در بیش از ده روز می‌بیند، باید هفت روز آن را حیض قرار دهد، به شرط آنکه عادت خویشان وی نیز هفت روز باشد، وگرنه باید به تفصیلی که در مسائل مضطر به «رسالة توضیح المسائل» این جانب آمده، مراجعه شود. ۷۵/۱۰/۲۳

﴿س ۴۳۷﴾ رَجِم زنی را طی یک عمل جراحی برداشته‌اند. خونی که از مجرای عادی

دفع خون خارج می‌شود، محکوم به حیض است یا استحاضه یا قروح و جروح؟

ج - نه حیض است و نه استحاضه؛ بلکه خون قروح و جروح است. ۷۶/۳/۷

﴿س ۴۳۸﴾ قبل از ازدواج، سه سال بود که عادت می‌شدم، ولی نمی‌دانستم که باید

غسل حیض انجام دهم. فقط زیر دوش می‌رفتم و صلوات بر محمد و آل او علیهم‌السلام

می‌فرستادم و روزه‌هایم را هم می‌گرفتم. آیا نماز و روزه‌هایم قضا دارد یا خیر؟

ج - هر چند ظاهراً غسل، به همان نحو که در سؤال آمده، میریء ذمه بوده (چون

قصد قربت، حاصل و جهل هم از راه قصور بوده که موجب سعه و رفع است)،

لیکن احتیاط کردن و قضای تدریجی نمازها به نحوی که در مشقّت و حَرَج قرار

نگیرید، خوب و مطلوب است، هر چند رعایتش لازم نیست؛ اما روزه‌ها قطعاً

درست است و قضا ندارد، چون بقای بر حیض، عمدی نبوده است. ۷۵/۱۰/۱۸

﴿س ۴۳۹﴾ در مواقعی که زن عادت ماهانه را می‌گذرانند و نزدیکی با او حرام و گناه است،

اگر انسان با همسر خود به معاشقه و ملاعبه بپردازد و انزال حاصل شود، آیا این عمل هم

محکوم به حرمت است یا نه؟ در صورت حرام بودن، آیا عَرَق ناشی از این عمل هم همان حکم عَرَق جُنُب از حرام را دارد؟

ج - غیر از نزدیکی در زمان حیض، بقیّه کارها مانند ملاعبه و معاشقه، هرچند باعث انزال منی باشد، جایز است و عَرَقش هم عَرَق جُنُب از حرام نیست، چون جنابت با ملاعبه و معاشقه با همسر، جایز است. آری، ملاعبه با همسر در حال حیض، از ناف به پایین تا زانو، مکروه است. ۷۶/۵/۲۲

﴿س ۴۴۰﴾ آیا زن‌ها می‌توانند برای جلوگیری از عادت ماهانه، قرص بخورند یا خیر؟ ج - جایز است. ۷۶/۳/۴

﴿س ۴۴۱﴾ آیا زن حائض می‌تواند موهای خود را حنا بگذارد یا رنگ کند و یا آرایش کند؟ ج - اشکالی ندارد، هر چند کراهت دارد. ۷۶/۳/۶

﴿س ۴۴۲﴾ آیا عرق بدن زن حائض، نجس است؟ ج - خیر. ۷۶/۳/۷

﴿س ۴۴۳﴾ خونی که دختر پس از شب عروسی به مدت یک یا دو روز مشاهده می‌کند، آیا غسل دارد یا خیر؟

ج - خیر، این خون غسل ندارد، و باید پس از آنکه غسل جنابت را انجام داد، خود را برای نماز تطهیر کند. ۷۶/۶/۴

﴿س ۴۴۴﴾ مقاربت زن و شوهر بعد از حیض و قبل از غسل حیض، چه حکمی دارد و نوزاد حاصل از این مقاربت چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد و تنها مکروه است، و فرزند هم حلال زاده و مانند بقیّه فرزندان است، و ولد حیض نیست. ۷۵/۶/۱

﴿س ۴۴۵﴾ شخصی بلافاصله پس از پاک شدن همسر خود از خون حیض با وی همبستر می‌شود و در اثنای دخول، لگّه خون می‌بیند. با توجه به این که مدت حیض زن یک هفته بوده، آیا کفّاره دادن در این جا واجب است؟ اگر کفّاره بر او واجب است، لطفاً مقدار آن را بیان فرمایید؟ و شخصی که با توجه به هفت روزه بودن حیض همسرش به تصور این که پاک شده است، دخول کند، و در اثنای دخول، لگّه خون ببیند، کفّاره او به چه صورت است؟

ج - دادن کفّاره واجب نیست، چون فکر می‌کرده که زن او در عادت نیست؛ اما اگر

عالم به حیض بودن زن باشد، مجامعتش حرام و معصیت و گناه و مخالفت با نهی صریح قرآن است و احتیاط در دادن کفّاره هم مطلوب است. ۷۶/۱۱/۱۷

﴿س ۴۴۶﴾ زنی حائض یا به خاطر جهل به مسئله و یا عمدأً، حائض بودن خود را به شوهر نمی‌گوید و بعد از جماع برای مرد یقین حاصل می‌شود که زن در حال حیض بوده است، آیا کفّاره دارد یا نه؟ و اگر دارد، بر عهده زن است یا مرد یا هر دو؟

ج - چون مرد نمی‌دانسته است، کفّاره‌ای بر او نیست، و زن هم که آگاه بوده و به مرد اطلاع نداده، معصیت کرده است، لیکن بر زن نیز کفّاره‌ای واجب نیست. ۷۳/۸/۷

﴿س ۴۴۷﴾ کسی که به مسئله غسل حیض و وجوب آن آشنایی نداشته و برای مدتی نماز و روزه‌اش را بدون غسل به جا آورده است، چه تکلیفی دارد؟

ج - چون غسل جنابت در هر زمان که انجام گرفت، مجزی از اغسال دیگر است (هر چند آن اغسال مورد جهل و فراموشی و عدم توجه انسان باشد)، بنابراین، بعد از زمان غسل جنابت تا زمان حدّث دیگر، نمازهایش درست بوده است و بقیه‌را که با حیض و حدّث خوانده، باید قضا نماید، چون از موارد لزوم اعاده و قضاست. ۷۱/۱۰/۷

﴿س ۴۴۸﴾ خانمی صاحب عادت عددیه است (عادتش همیشه هفت روز بوده است)، ولی در ماه مبارک رمضان، در روز هشتم نیز لک می‌بیند. این لک چه حکمی دارد؟ آیا حیض است یا استحاضه؟

ج - اگر مطمئن است که به ده روز نمی‌رسد، محکوم به حیض است، و اگر مطمئن است که از ده روز تجاوز می‌کند، استحاضه است، و اگر شک دارد، باید بین اعمال مستحاضه و تروک حائض، جمع‌کند، تا معلوم شود که تجاوز می‌کند یا نه. اگر تجاوز کرد، معلوم می‌شود که استحاضه بوده، و فرض هم این است که به وظایفش عمل نموده، و اگر تجاوز نکرد، معلوم می‌شود که حیض بوده و باید مجدداً غسل حیض را انجام دهد، و چون محرّمات حائض را ترک نموده، بازگنای بر او نیست. ۶۹/۴/۳۰

﴿س ۴۴۹﴾ هل اجرة الماء و تسخينه في غسل المرأة من الجنابة والحیض والنفاس والاستحاضه على زوجها؟

ج - الظاهر انه من الانفاق الذي تستحقه الزوجه اجرة الحمّام عند الحاجة سواء كان، للاغتسال أو للتنظيف اذا كان بلدها مما لم يتعارف الغسل والاعتسال أو يتعذر أو يتعسر وكذا اجرة التسخين ان احتاجت اليه. ۷۹/۶/۱۶

﴿س ۴۵۰﴾ این جانب محتمل شدم و از آن جاکه در صورت تیمم کردن هم فرصت کافی برای خواندن نماز نداشتم، غسل نمودم. آیا غسل بنده صحیح است؟ و اگر صحیح نیست، با توجه به این که بعد از آن چند بار دیگر محتمل شده‌ام و غسل جنابت انجام داده‌ام، حکم روزه‌هایی که در این حالت در ماه رمضان گرفته‌ام چیست؟ آیا کفاره لازم دارد؟

ج - با توجه به عدم فرصت برای نماز خواندن، در صورت تیمم کردن، غسل شما صحیح بوده است و کفاره‌ای لازم نیست.
۷۸/۱۱/۶

﴿س ۴۵۱﴾ اگر انسان در شب بداند که صبح برای غسل آب پیدا نمی‌کند، با این حال می‌تواند با همسر خویش نزدیکی کند یا خیر؟

ج - اگر می‌تواند تیمم نماید، جایز است و مانعی ندارد؛ ولی اگر مطمئن است که قدرت بر تیمم ندارد و فاقد الطهورین می‌شود، احتیاط در ترک است.
۷۶/۵/۷

﴿س ۴۵۲﴾ آیا محتمل شدن و استمنا برای فرد مذکر مجرد، گناه است؟

ج - محتمل شدن در خواب و یا بیداری از راه حلال، حرام نیست؛ لیکن استمنا (انسان با خود کاری کند که منی از او خارج شود)، حرام و معصیت است و باعث بیماری‌های روحی و عصبی و غیر آن می‌شود و باید به خدا پناه بُرد و با اراده جدی، خود را از این گونه معاصی که دارای ضرر دنیوی زودرس و عذاب اخروی است، نجات داد.
۷۹/۱/۲۹

﴿س ۴۵۳﴾ اگر کسی استمنا کند و از آمدن منی جلوگیری کند یا منی از او بیرون نیاید، این عمل چه حکمی دارد؟

ج - تا منی بیرون نیامده باشد، جنب نیست؛ ولی استمنا به هر نحو، حرام است و فرقی نمی‌کند که بعد از لذت بردن به وسیله استمنا منی بیرون بیاید یا نه.
۷۸/۸/۱۱

﴿س ۴۵۴﴾ استمنا چه حکمی دارد؟ اگر این امر، موجب آرامش فکری و پرهیز از انجام

دادن گناه در عرصه اجتماع شود، چه حکمی دارد؟

ج - حرام است و امور ذکر شده، مجوز آن نیست.

احکام تیمم

﴿س ۴۵۵﴾ تا چه حدّ می‌توان به جای غسل تیمم کرد؟

ج - تا زمانی که عذر برای غسل برطرف گردد، می‌تواند به جای غسل، تیمم نماید، و ناگفته نماند که غسل یا تیمم، به عدد هر مرتبه جنابت نمی‌باشد؛ بلکه یک غسل یا یک تیمم برای ده‌ها بار که جنب شده، کافی است. ۷۸/۱۱/۳۰

﴿س ۴۵۶﴾ اگر کسی جنب است و آب در دسترس ندارد و یا به دلیل دیگری برایش مقدور نیست که آب مصرف کند و تیمم بدل از غسل جنابت کند، آیا باید برای نماز، وضو هم بگیرد؟

ج - تیمم بدل از غسل جنابت، حکم خود غسل جنابت را دارد و لذا تا مُحَدِّث به حَدِّث اصغر نشده، احتیاج به وضو ندارد. ۷۷/۱/۲۶

﴿س ۴۵۷﴾ کسی که پایش شکسته است و هنگام وضو یا غسل، آب نه برای پای او، بلکه برای گچی که بر پای اوست، مضرّ است، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - معیار در جبیره یا تیمم، رسیدن ضرر به محلّ وضو یا غسل است، چه ضرر بلاواسطه باشد، و چه مع‌الواسطه و به هر حال، مناط، ضرر به بدن است. ۷۵/۷/۳

۷۵/۷/۳

﴿س ۴۵۸﴾ در زندان گاهی اوقات نیاز به غسل جنابت پیدا می‌شود و از طرفی امکان

غسل و استحمام هم وجود ندارد. در این صورت نماز و عبادات ما چه حکمی دارد؟

ج - باید نمازها را با تیمم بخوانند، و اگر آن هم مقدور نباشد، بنا بر احتیاط واجب، نماز را بدون غسل و تیمم بخوانند؛ و بعداً قضای آن را به جا آورند. ۷۲/۳/۴

۷۲/۳/۴

﴿س ۴۵۹﴾ شخصی به علت تنگی وقت، غسل جنابت را انجام نداده و با تیمم مشغول نماز شده است و در حین رکوع، منی از مجرا بیرون آمده است. تکلیف او چیست؟

ج - در صورت امکان، باید از بیرون آمدن منی جلوگیری کند، و چنانچه نتواند و منی خارج شود، باید غسل یا تیمم کند و نماز را از سر بگیرد. ۶۹/۲/۲۰

﴿س ۴۶۰﴾ کسی که به علت جراحات وارد شده به بعضی از اعضای وضو، مجبور است که تیمم نماید، آیا می تواند برای بقا بر طهارت (با اینکه وقت نماز نرسیده است) تیمم کند و با آن تیمم، نماز بخواند، یا اینکه باید دوباره تیمم کند؟

ج - تیمم به قصد بودن بر طهارت، که امری مرغوب فیه است، ظاهراً مانعی ندارد و با همان تیمم قبل از وقت، اگر عذر تا آخر وقت باقی باشد، می تواند نماز بخواند «فإن التراب أحد الطهورین، و یکفیک عشر سنین».

﴿س ۴۶۱﴾ اگر کسی عمداً تا وقت تنگ نشود، غسل نکند و نماز بخواند و در تنگی وقت، نماز را با تیمم (تیمم بدل از غسل) بخواند و برای نماز بعدی عمداً غسل نکند، نماز او چه حکمی دارد؟ آیا با همان تیمم، درست است؟

ج - تأخیر در نماز، عمداً و با تمکن از وضو و غسل تا تنگی وقت که فرد مجبور شود با تیمم آن را به جا آورد، گناه و معصیت است، و باید توبه نماید، هر چند نمازش صحیح است و این گونه تیمم ها که برای تنگی وقت است، برای نمازی که وقتش موع است، مفید نیست و نماز با آن باطل است، هر چند آن نماز را تا تنگی وقتش هم به تأخیر بیندازد که در این صورت، باز باید تیمم نماید و حکم سابق را دارد. ۷۰/۱۰/۲۷

﴿س ۴۶۲﴾ اگر کسی به خیال این که وقت ندارد، برای نماز صبح تیمم کرده و چون نسبت به وقت نماز مشکوک بوده (هوا ابری بوده)، نماز صبح را به قصد مافی الذمه خوانده و بعداً فهمیده که وظیفه او وضو بوده نه تیمم و نماز او ادا بوده نه مافی الذمه، نمازش چه حکمی دارد؟ و اگر بدون این که قضای نماز صبح را بخواند، نماز ظهر و عصر را بخواند، چه صورتی دارد؟

ج - چون بعد از خروج وقت متوجه شده، نمازش درست بوده است. خواندن نماز صبح یا قضای آن هم شرط صحت نماز ظهر و عصر نیست، مگر بر مبنای لزوم

تقدّم قضای واحد بر ادا که آن مبنا هم با فرض صحّت نماز صبح، همان طور که

بیان شد، در مسئله اثری ندارد. ۷۹/۶/۱۶

﴿س ۴۶۳﴾ در سفر زیارتی مشهد مقدّس، از آستارا تا مشهد، حدّ اقل سه روز راه می‌پیماییم تا به مقصد می‌رسیم. در این مدّت سه روز، اگر کسی جنب شود و به حمام و لباس پاکیزه دسترس نداشته باشد تا خود را تطهیر نماید، به چه صورتی باید نماز بخواند؟

ج - در فرض مذکور، وظیفه، تیمم است و در حال ناچاری نماز خواندن با لباس

نجس، مانعی ندارد. ۷۷/۱۰/۵

﴿س ۴۶۴﴾ کسی که در تنگی وقت، قبل از اذان صبح در شب‌های ماه مبارک رمضان،

در صورت عدم وجود آب و عدم غسل کردن تا طلوع آفتاب، تیمم می‌کند، آیا شرعاً می‌تواند با آن تیممی که کرده است، نماز بخواند یا باید باز هم تیمم کند؟

ج - تیمم در تنگی وقت، فقط همان نماز یا کاری را که برای آن تیمم کرده، مباح

می‌کند و برای نمازهای بعدی فایده ندارد. ۷۵/۳/۲۰

﴿س ۴۶۵﴾ زنی بعد از حیض برای غسل، عذری داشته و امکان طهارت برایش فراهم

نبوده و تیمم بدل از غسل کرده است. حال برای نماز تکلیفش چیست؟ آیا باید وضو بگیرد یا تیمم کند؟

ج - همان تیمم، کافی است و نیاز به وضو ندارد. ناگفته نماند که نظر اخیر این‌جانب،

بر کفایت هر غسل از وضوست. پس تیمم بدل از هر غسل مجزی از آن می‌باشد،

چون بدل است. ۷۹/۱۰/۲۱

﴿س ۴۶۶﴾ در مواردی که به دلیل استیجاب جبیره نسبت به اعضای متعدد وضو

و نجس بودن بعضی از زخم‌ها و شرایط خارجی از قبیل وصل بودن سِرْم و امثال آن، گرفتن وضوی جبیره، دارای حَرَج نوعی یا شخصی و یا احتمال ضرر برای زخم باشد، تکلیف چیست؟ به عبارت دیگر، آیا در مواردی که وضوی جبیره دارای حَرَج نوعی یا شخصی یا ضرر باشد، تیمم کافی است یا خیر؟

ج - تیمم، کافی است، چون همان طور که لزوم و شرطیت وضوی غیر جبیره‌ای با

حَرَج و مشقّت و خوف از ضرر، حتّی خوف از خشونت پوست و ترک خوردن آن

به نحوی که تحمّلش مشکل باشد، مرتفع و شرطیتش ساقط است، وضوی جبیره‌ای نیز همان حکم را دارد و لزومش مرتفع و شرطیتش ساقط است و نوبت به بدل از غسل و تیمّم می‌رسد. ۷۷/۱۱/۱۱

﴿س ۴۶۷﴾ فردی که غسل جنابت بر او واجب می‌شود، اگر به دلایلی نتواند غسل کند، در چه صورتی می‌تواند بدون غسل جنابت نماز بخواند و بعد غسل نماید؟

ج - اگر غسل برایش ضرر دارد، باید تیمّم نماید و نمازهایش را بخواند، و اگر آب برایش ضرر ندارد، ولی یافت نمی‌شود، باید تا آخر وقت صبر نماید. اگر آب پیدا نشد تیمّم کند و نمازش را بخواند و شرایط دیگر نماز، رعایتش لازم است؛ و اگر آب هم یافت می‌شود، اما به هر دلیلی نمی‌خواهد غسل کند، باید صبر کند تا وقت برای غسل تنگ شود، آن وقت تیمّم بدل از غسل نماید، چون جنابت بعد از اذان صبح برایش حاصل شده است. ۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۴۶۸﴾ آیا تیمّم به جای غسل مستحبّی صحیح است یا خیر؟

ج - فرقی بین تیمّم بدل از واجب و مستحب نمی‌باشد و با بودن شرایط، تیمّم بدل از مستحب مانعی ندارد. ۸۶/۷/۸

﴿س ۴۶۹﴾ آیا می‌توان با تیمّم بدل از غسل جنابت، وارد مسجد شد و در جماعت شرکت کرد؟

ج - مادامی که عذر (غیر از تنگی وقت) باقی است، مانعی ندارد. ۷۵/۳/۱۶

﴿س ۴۷۰﴾ اگر غسلی بر انسان واجب باشد و همه چیز برای غسل مهیاست، ولی آن یک یا دو روز، نماز را با تیمّم بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج - نمازش باطل است، چون تیمّم در جایی کفایت می‌کند که شرایط غسل برایش مهیا نباشد. ۷۸/۴/۱۳

﴿س ۴۷۱﴾ اگر در کف دست تیمّم کننده، خون خشک شده‌ای باشد و تطهیرش ممکن نباشد، آیا می‌تواند عین خون را بر طرف کرده، تیمّم کند، یا باید با پشت دست تیمّم کند؟

ج - به نظر اخیر این جانب، همان بر طرف نمودن خون در طهارت و پاک شدن مثل کف دست، کفایت می‌کند؛ ولی به هر حال، طهارت ماسح، گرچه شرط نیست، لیکن

احتیاط مستحب، طهارت ماسح است، و اگر تطهیر، ولو با زوال عین خون امکان ندارد، با همان کف دست تیمم کند، زیرا به پشت دست منتقل نمی‌شود. ۸۰/۱۲/۸

﴿س ۴۷۲﴾ فردی چشم‌هایش را عمل جراحی نموده و پزشک سفارش کرده که نباید سرت را تکان بدهی، چون برای چشم‌هایت ضرر دارد و نباید وضو بگیری و تیمم کنی و او بدون طهارت و بدون این که رو به قبله باشد، نماز خوانده. آیا نمازهای خوانده شده او صحیح است؟

ج - باید نمازهایش را دوباره قضا نماید. ۷۹/۹/۲۲

﴿س ۴۷۳﴾ سربازانی که نگهبان هستند و وضو ندارند، و امکان وضو گرفتن و یا تیمم کردن هم برای آنها وجود ندارد، آیا می‌توانند بدون وضو و یا تیمم نماز بخوانند؟ آیا نمازی را که به این شکل [بدون وضو و تیمم] خوانده‌اند، باید اعاده کنند؟

ج - در فرض سؤال بنا بر احتیاط واجب، نماز را بدون تیمم و وضو بخوانند و بعداً قضای آن را هم به جا آورند. ۷۵/۲/۸

﴿س ۴۷۴﴾ اگر کسی در اثنای تیمم شک کند که آیا تیمم را درست به جا آورده یا نه، باید برگردد و قسمت مشکوک را دوباره انجام دهد یا خیر؟

ج - در هر عضوی از اعضای تیمم اگر شک بعد از گذشت از آن جزء باشد، به شک خود اعتنا نکند، و مورد مجرای قاعده تجاوز و شک، بعد از محل است. ۷۶/۸/۱۴

﴿س ۴۷۵﴾ آیا تیمم بر موازئیک و سنگ فرش، صحیح است؟

ج - بر موازئیک درست نمی‌باشد، اما بر سنگ، ولو به صورت سنگ فرش باشد، مانعی ندارد. ۷۷/۱۰/۹

﴿س ۴۷۶﴾ آیا تیمم بر کاغذ جایز است یا خیر؟

ج - تیمم بر کاغذ مطلقاً جایز نیست، لیکن سجده بر آن جایز است. ۷۲/۹/۲۵

﴿س ۴۷۷﴾ برای تیمم در صورت نبودن خاک، سنگ و... آیا می‌توان از روی فرش، پارچه نخی یا گرد و خاک بسیار کم زیر فرش استفاده کرد یا خیر؟

ج - در صورت نبودن خاک و سایر چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است، تیمم بر گرد و غبار روی فرش، صحیح است. ۷۵/۷/۲۷

﴿س ۴۷۸﴾ آیا با خاک کوچه و باغچه می‌توان تیمم کرد یا خیر؟

ج - تیمم بر خاک کوچه و جاهای قدم، کراهت دارد. ۶۹/۹/۵

﴿س ۴۷۹﴾ آیا می‌توان بر ماسه‌هایی که در کنار دریا وجود دارد، تیمم کرد؟ اگر ماسه‌ها

خیس باشند، چطور؟

ج - مانعی ندارد.

احکام اموات

غسل مس میت و کفن میت

﴿س ۴۸۰﴾ در بسیاری از بیمارستان‌ها بخش‌های ویژه به گونه‌ای طراحی شده است که تخت‌های بیمارستان رو به قبله نیست و بسیاری از بیماران متأسفانه در شرایطی از دنیا می‌روند که رو به قبله نیستند و همین موضوع باعث شده است که بسیاری از افراد مایل نیستند که لحظات آخر عمر خود را در بیمارستان بگذرانند و چه بسا همین مسأله سبب عوارضی هم بشود. با عنایت به توصیه‌های اسلامی درباره بیماران بد حال و محتضر و با توجه به این که قرار دادن رو به قبله تخت‌های بیمارستانی بخش‌های ویژه کارچندان دشواری نمی‌باشد خواهشمند است حکم و توصیه دینی را در این باره اعلام فرمایید.

ج - امید است که مسئولین محترم و معزز بیمارستان‌ها در حد امکان و قدرت سعی و تلاش نمایند تخت‌های بخش ویژه رو به قبله قرار گیرد تا قطع نظر از آنکه به وظیفه واجب کفایی و همگانی روبه قبله قرار دادن محتضر عمل شده باشد به دستور رسول مکرم اسلام ﷺ نیز عمل گردد که در رابطه با محتضری که رو به قبله نبوده سفارش کردند او را رو به قبله نمایند تا فرشتگان رحمت به او توجه و برایش دعا نمایند و حق تعالی نیز نظر شفقت و رحمتش را متوجه او ساخته و مشمول رحمت الهی قرار گیرد.

۸۳/۸/۱۷

﴿س ۴۸۱﴾ آیا در غسل میت، بعد از سر و گردن، ترتیب بین راست و چپ بدن معتبر است؟

ج - در غسل ترتیبی، ترتیب بین سر و گردن و بقیه بدن لازم است، و ترتیب بین طرف راست و چپ شرط صحّت غسل نمی‌باشد و در این جهت تفاوتی بین غسل میت و دیگر غسل‌ها نیست.

۷۶/۱۲/۱۶

﴿س ۴۸۲﴾ میتی را به علت نبودن سدر و کافور، با آب خالص غسل می دهند. آیا غسل صحیح است و در صورت نبودن کافور، آیا حنوط ساقط می شود؟

ج - به جای سدر و به جای کافور باید با آب خالص غسل بدهند و سه غسل با آب خالص که انجام شد، کافی است و حنوط نیز ساقط می گردد. ۷۷/۱/۷

﴿س ۴۸۳﴾ ۱. زن حامله فوت کرده و بعد از اتمام غسل های سه گانه اش جنین او ولادت یافت آیا غسل نفاس برای او لازم است و غسل های قبلی به قوت خود باقیست و در رابطه با جنین چه باید کرد؟

۲. میتی که جنازه اش بعد از آن که مدتی در بیابان افتاده بوده و شدیداً بو گرفته و متلاشی شده به دست آمده و قابلیت غسل و تیمم ندارد، چه باید کرد؟ آیا کفن کامل برای او لازم است؟

ج ۱ - بعد از اتمام غسل های سه گانه دیگر هیچ غسلی برای او بر مکلفین نیست؛ و اما اگر جنین زنده بود حکم خاصی جز غسل مسّ میت بعد از بلوغ ندارد و اگر مرده به دنیا آمد و چهار ماه یا بیشتر داشته باشد باید او را غسل میت داده و کفن نموده و دفن نمایند.

ج ۲ - اگر جسد متلاشی شده و صورت ندارد و امکان غسل یا تیمم نیست غسل ساقط می شود و با فرض متلاشی شدن، آن را در يك پارچه باید پیچید و دفن کرد.

۸۲/۴/۲۲

﴿س ۴۸۴﴾ حدود يك هفته پیش همسرم که نوزاد ۲۳ (بیست و سه) هفته ای را باردار بود به دلیل مشکل ایجاد شده منجر به زایمان طبیعی زودرس و مرگ طفل شد. با توجه به این که در کشوری زندگی می کنیم که اکثریت قاطع ساکنان آن غیر مسلمان هستند در بیمارستان از پزشک مسیحی جویای جنازه طفل شدیم. پزشک توصیه نمود تا برای شناسایی علت وضعیت پیش آمده و جلوگیری از وضعیت مشابه در آبستنی های آینده آزمایشاتی را بر بدن طفل انجام دهند که این آزمایشات حداقل يك ماه و نیم به طول خواهد انجامید. در آن زمان به دلیل ندانستن مسایل شرعی مربوطه و همچنین وضعیت روحی ناگوار ناشی از حالت ایجاد شده، به امید پیشگیری از مشکلات احتمالی

در آینده اجازه آزمایشات را به پزشکان دادیم. اکنون با مراجعه به رساله حضرت عالی مشخص شد که نوزاد چهارماهه و بالاتر در صورت سقط نیاز به غسل و کفن و دفن دارد. لطفاً راهنمایی فرمایید که به عنوان پدر طفل در این شهر چه باید بکنم؟ آیا در صورت امکان دستور توقف آزمایشات را صادر و اگر جنازه تغییری نکرده است باید اقدام به غسل و کفن و دفن نمود و مراحل غسل و کفن و دفن کاملاً شبیه مراحل مربوط به یک فرد بالغ است یا نه. همچنین در این شهر قبرستان جداگانه ای برای مسلمانان وجود ندارد و اگر آن گونه که در رساله مرقوم فرموده اید برای غسل امکان دسترسی به سدر و کافور میسر نباشد چه باید کرد. اضافه بر آن اگر پس از انجام آزمایشات پزشکی تغییری در جنازه پیش آمد به گونه ای که امکان غسل دادن آن میسر نباشد چه باید کرد.

ج - فعلاً و در شرایط فعلی، شما هیچ وظیفه ای در رابطه با غسل و کفن و دفن آن نوزاد ندارید، کما این که نسبت به عمل به توصیه پزشک هم که برای خدمت به بشریت و سلامتی انسانها است نیز نه تنها مسئولیتی نداشته و ندارید بلکه با کمک به نیت و کار آنها به عنوان کمک به کار خیر علمی پزشکی و بهداشتی مأجور خواهید بود و ثواب اعانت به کار خیر را برده اید و ناگفته نماند که موافقت که با امید پیشگیری و جهات خیر بوده خود سبب سقوط تکلیف و وجوب غسل و کفن و دفن شده و شما را از زحمت آنها نجات داده و باید شکرگزار خداوند باشید که در انجام وظیفه کوتاهی ننموده اید و نسبت به زمان حال و آینده هم هیچگونه تکلیفی ندارید، یعنی نباید دنبال گرفتن جسد بروید و قضیه را از جهت دینی فراموش شده بدانید و هیچ گونه تکلیفی برای برگرداندن جسد ندارید و وجوب امور میّت چون حقّ الله است، به محض در اختیار نبودن جسد ساقط می شود و خداوند هم به همان تبت شما و احساس تکلیف ثواب می دهد. آری، اگر زمانی اعلام کردند که برای تحویل جسد بروید بعد که جسد را تحویل گرفتید باید مثل بالغ غسل داده و کفن شود و با دسترسی نداشتن به سدر و کافور به جای غسل با آنها با همان آب خالص غسل داده می شود و در قبرستان همان محل دفن می نماید و اگر بدن قابل غسل نباشد به جای آن سه غسل، سه

تیمم که با دست خودتان به صورت و دست‌هایش کشیده می‌شود و باز به عنوان حکم شرعی باید بدانید که اگر غسل دادن ولو با سه مرتبه با آب خالص برای شما زحمت دارد و مشکل است که به نظر می‌آید با شرایط زندگی شما چنین باشد، به همان کفن کردن با سه قطعه پارچه و تیمم و دفن نمودن می‌توانید اکتفا نمایید و خود را به زحمت نیندازید، کما این که مکرراً تذکر می‌دهم که شما هیچ‌گونه وظیفه‌ای برای دنبال کردن و گرفتن جسد نداشته و ندارید. ۸۲/۳/۲۶

﴿س ۴۸۵﴾ اگر کسی که نه مرد است و نه زن (خنثا)، بمیرد، چه کسی می‌تواند او را غسل دهد؟ مرد یا زن؟ شرایط را توضیح دهید؟

ج- اگر سنّ او کم‌تر از سه سال باشد که حکم مسئله سهل است و هریک از مرد و زن می‌توانند او را غسل بدهند؛ وگرنه اگر خنثای مشکل باشد، یکی از محارمش باید از زیر لباس، او را غسل دهد و با نبود محرم، احتیاطاً باید هر یک از مرد و زن او را غسل دهند، لیکن باز از زیر لباس. ۷۷/۲/۱۳

﴿س ۴۸۶﴾ هرگاه شوهر بمیرد و جسد او چند ماه در سردخانه بماند به حدّی که زن از عده خارج شود؛ آیا زن می‌تواند بعد از اتمام عده خود، شوهر خود را غسل میّت دهد یا خیر؟

ج- اگر شوهر کرده نمی‌تواند غسل دهد، چون با شوهر نمودنش عُلقه زوجیت با شوهر مرده او منقطع می‌شود. ۸۲/۸/۲

﴿س ۴۸۷﴾ آیا غسل میّت، طبق ضوابط و شرایط مقرر با دستگاه اتوماتیک، جایز است؟

ج- آری، جایز است؛ چون غسل میّت که مورد تکلیف است، مقید به این که حتماً با دست و مباشرت مستقیم مسلمان غسل دهنده باشد، نیست و مهم، اصل تحقّق غسل با شرایط است، هرچند با دستگاه اتوماتیک، شستن‌ها و آب ریختن و غیر آن‌ها که دخیل در غسل میّت است، تحقّق پیدا کند، و باید توجه داشت که اقدام به این نحو غسل میّت، سنّت حسنه‌ای است که پدید آورنده و مبتکر آن، در ثواب همه غسل‌های بعدی که چنین انجام می‌گیرد، به حکم «من سنّ سنّة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیمة من غیر ان ینقص من اجورهم شیئی»، شریک و سهیم است؛ و چگونه سنّت حسنه نباشد که علاوه بر سرعت در

امر غسل، در جاهایی که مُرده زیاد است و علاوه بر این که غَسَّال، مورد تنفّر دیگران، ولو به فکر غلط قرار نمی‌گیرد، نظافت و بهداشت، مخصوصاً در غسل میّت که خود در روایات مورد عنایت خاصّه بوده، مراعات می‌شود و در حدیث آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: «من دوست می‌دارم کسی که غسل میّت می‌دهد، دست خود را هنگام غسل دادن با پارچه‌ای بپوشاند» و این حدیث، گویای عنایت معصومین علیهم السلام به رعایت بهداشت و نظافت در غسل میّت و عدم شرطیت مباشرت با بدن است و در خاتمه باید توجه داشت که قصد قربت امری مستحب است به وسیله کسی که دستگاه اتوماتیک را در اختیار دارد، تحقّق پیدا کند.

۸۶/۶/۲۵

﴿س ۴۸۸﴾ شخصی در اثر آتش سوزی تمام اعضا و جوارحش سوخته و جان داده است، برای غسل میّت چه باید کرد (با توجه به اینکه خون هم از اعضای او جاری است)؟ و در صورت بند آمدن خون، وظیفه غسل است یا تیمّم؟ و آیا می‌توان میّت را تیمّم جیره‌ای داد یا خیر؟

ج - وظیفه، تیمّم است، و اگر آن هم ممکن نباشد اولی و احوط، تیمّم

۷۶/۱/۵

جیره‌ای است.

﴿س ۴۸۹﴾ میّتی را که سوختگی شدید داشته، به جای تیمّم غسل داده‌اند؛ ولی به علّت جراحات وارده و وضعیّت جسد، قسمتی از بدن او را نشسته‌اند. آیا این غسل، باطل است؟ و اگر شخص غَسَّال ضامن است، چگونه بری‌الذمه می‌شود؟

ج - در صورتی که میّت را تازه دفن کرده‌اند، باید نبش نموده و تیمّم بدهند

و در صورتی که چندین روز گذشته و بدن بو گرفته، نبش، جایز نیست و فقط

۷۷/۱/۷

استغفار کنند.

﴿س ۴۹۰﴾ اگر مرد امامی مذهبی وفات نماید و برای غسل او مماثل امامی پیدا

نشود و فقط محارم غیر مماثل موجود باشند و در ضمن در عین حال، مماثل اهل

کتاب و یا از اهل سنت وجود داشته باشد، کدام یک در امر غسل میّت مقدم‌اند:

محارم غیر مماثل که شیعه هستند یا افراد مماثل اهل کتاب و اهل سنت؟ همچنین

اگر زن امامیه فوت کند و مماتل موجود نباشد، جز محارم غیر مماتل و مماتل اهل کتاب و اهل سنت، کدام یک مقدّم اند؟

ج - در صورت عدم وجود مماتل شیعی و وجود مماتل غیر شیعی مسلمان، غیر شیعی مسلمان، بر اهل کتاب، مقدّم است و اگر مماتل مسلمان نبود و مماتل اهل کتاب وجود دارد، بر محارم غیر مماتل مقدّم اند، لیکن باید مسلمان غیر مماتل به او دستور دهد که چگونه غسل دهد.

﴿س ۴۹۱﴾ کسی که میتی را با دستکش غسل می دهد و کفن می کند، آیا غسل مسّ میت بر او واجب می شود یا خیر؟

ج - اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند، مس کند (یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند)، باید غسل مسّ میت کند، و در فرض سؤال، غسل مسّ میت واجب نیست، چون مس نشده است.

﴿س ۴۹۲﴾ آیا مسّ استخوان هایی که هم متعلّق به مسلم است و هم کافر، و هم عده ای که سال ها از فوت آن ها می گذرد و هم عده ای که تازه فوت کرده اند، و در اتاق های تشریح و آناتومی توسط دانشجویان پزشکی مورد استفاده قرار می گیرد، غسل مسّ میت دارد یا خیر؟

ج - عدم وجوب غسل مسّ استخوان میتی که حداقل یک سال از مرگ او گذشته باشد، خالی از قوّت نیست.

﴿س ۴۹۳﴾ با توجه به این که مسئولان دانشگاه می گویند جسدی که برای تشریح از آن استفاده می شود، قبل از تشریح غسل داده می شود، آیا دست زدن به جسد بدون دستکش اشکال دارد؟

ج - با فرض مسلمان بودن مسئولان و مبالغت و تعهدشان به احکام اسلام، می توان به قول آن ها اعتماد نمود؛ به علاوه که مسّ میت بدون دستکش، حرام نیست و تنها قبل از غسل، موجب غسل مسّ میت و نجاست مسّ کننده با شرایطش می شود.

۷۸/۲/۲۳

﴿س ۴۹۴﴾ در برخی از شکستگی‌ها، استخوان بیرون می‌زند، در حالی که از بدن جدا نشده. آیا مس آن نیاز به غسل دارد؟ انفصال استخوان مذکور چه طور؟

ج - اگر عضوی از بدن انسان زنده قطع شود و به صورت آویزان، متصل به بدن باشد، تا زمانی که اتصال دارد، هر چند فقط به وسیله پوست باشد، پاک است؛ اما اگر عضوی از بدن انسان زنده جدا شده باشد، در صورتی که دارای استخوان باشد، مس آن موجب غسل است و استخوان تنها (بدون گوشت، مثل دندان) که از بدن انسان زنده جدا شده، مس آن، موجب غسل نمی‌شود؛ ولی اگر از بدن انسان مُرده عضوی جدا شود، چه استخوان داشته باشد و چه نداشته باشد، مس آن موجب غسل است.

۷۷/۳/۹

﴿س ۴۹۵﴾ گاهی افراد، آگاهانه یا ناخودآگاه، تکه‌ای از پوست اطراف ناخن یا هر جای دیگر را می‌کنند. آیا تماس با تکه قطع شده، نیازمند غسل است؟

ج - قطعه‌های کوچک و ریز پوست، نجس نیست؛ برخلاف قطعه‌های بزرگ که نجس است، و اگر عضوی از بدن انسان جدا شده و دارای استخوان باشد، با تماس بدن با آن، غسل مس میّت نیاز دارد.

۷۷/۳/۹

﴿س ۴۹۶﴾ آیا بچه‌ای که پس از مرگ مادر متولد می‌شود، نیاز به غسل مس میّت در سنین بلوغ دارد؟

ج - بچه‌ای که بعد از مردن مادر به دنیا می‌آید، اگر بعد از سرد شدن مادر باشد، وقتی بالغ شد، واجب است غسل مس میّت کند.

۷۹/۱/۴

﴿س ۴۹۷﴾ آیا مس بچه‌ی مرده یا سقط شده چهار ماهه، نیاز به غسل مس میّت دارد؟ آیا علاوه بر مس کننده، این غسل بر مادر نیز واجب است؟

ج - برای مس بچه‌ی مرده، حتی بچه سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده، غسل مس میّت واجب است؛ بلکه بهتر است برای مس بچه سقط شده‌ای که از چهار ماه کم‌تر دارد، غسل کرد. بنابراین، اگر بچه چهار ماهه‌ای مرده، به دنیا بیاید، مادر او باید غسل مس میّت کند؛ بلکه اگر از چهار ماه کم‌تر هم داشته باشد، بهتر است مادر او غسل نماید.

۷۹/۱/۴

﴿س ۴۹۸﴾ گاهی اتفاق می افتاد که در یک روز پزشک یا پرسنل پزشکی بدن چندین مرده را مس کنند. آیا یک بار غسل مس میت، کفایت می کند یا برای هر میت غسل جداگانه ای باید انجام گیرد؟

ج - اگر کسی چند میت را مس کند یا یک میت را چند بار مس نماید، یک غسل کافی است.
۷۹/۱/۴

﴿س ۴۹۹﴾ آیا پارچه کفن باید حتماً سفید رنگ باشد، یا اینکه سفید بودن آن لزومی ندارد؟

ج - سفید بودن رنگ کفن مستحب است، و گفته شده که سیاه بودن، بلکه رنگ کردن آن مکروه است.
۷۳/۱۰/۲۵

﴿س ۵۰۰﴾ آیا می شود با لباس متوقفاً میت را کفن کرد؟

ج - آری، لیکن مستحب است که کفن، چرکین نباشد، کما این که مستحب است میت را در لباسی که با آن بیشتر عبادت می نموده کفن نمایند، و اگر پیراهن خودش را به جای پیراهن کفن قرار دهند، دُکمه هایش را باید بکنند، چون کفن نمودن در پیراهن دوخته شده با دکمه، کراهت دارد.

﴿س ۵۰۱﴾ یکی از مستحبات کفن، ران پیچ است، آیا باید ران ها را جدا جدا ببندند و یا

ران ها بر روی هم پیچیده شوند، یعنی ران ها را با هم بپیچند؟

ج - مستحب است از جای بستن لنگ (حقوین) شروع کنند و دو ران را با هم تا زانو بپیچند و بعد، سر پارچه را از زیر دو پا از سمت راست، خارج نمایند.

نماز و دفن میت

﴿س ۵۰۲﴾ نماز خواندن بر جنازه شخصی که اقدام به خودکشی کرده چه صورتی دارد؟

ج - نماز خواندن به جنازه مسلمان، مطلقاً واجب است.
۷۷/۵/۲۹

﴿س ۵۰۳﴾ آیا می توان بر چندین جنازه میت مرد و زن با یک نیت مشترکاً اقامه نماز

نمود؟ به چه صورت؟

ج - همه جنازه ها در صف واحد قرار داده شود و مصلی در وسط صف قرار گیرد

و مراعات نماید در دعا برای این‌ها بعد از تکبیر چهارم، یعنی اگر دو نفر هستند ضمائر را تثنیه بیاورد و اگر زیادتر بودند ضمائر را جمع بیاورد و بهتر آن است که به هریک نفر، يك نماز بخواند و تثنیه آوردن به همان است که بگوید «اللهم اغفر لهذين الميتين» و برای جمع آوردن بگوید «اللهم اغفر لهؤلاء الاموات».

۸۲/۱۰/۲۲

﴿س ۵۰۴﴾ در نماز میت، اگر کسی نتواند ادعیه را به عربی بگوید، آیامی تواند تنها به پنج تکبیر اکتفا کند؟ اگر قادر بر عربی خواندن ادعیه باشد، آیا اکتفا به پنج تکبیر جایز است؟

ج - اگر کسی پیدا شود که ادعیه را به فارسی (یعنی ترجمه آن را) بخواند، باید به همان نحو نماز میت خوانده شود، وگرنه همان تکبیرات را بگویند، و در هر حال، بنا بر احتیاط واجب، بعد از دفن، هر زمان کسی پیدا شد که بتواند نماز میت را صحیح بخواند، باید نماز بر قبر میت خوانده شود. ۷۴/۸/۱۸

﴿س ۵۰۵﴾ آیا نماز میت باید متصل به تدفین باشد، یا اگر منفصل هم باشد، مانعی ندارد؟ ج - آنچه که واجب است، خواندن نماز بر میت است و اتصال به دفن در نماز میت شرط نیست. ۷۵/۱۰/۵

﴿س ۵۰۶﴾ اگر مردی که بتواند نماز میت را بخواند نباشد، آیا زن می تواند نماز میت را بخواند؟

ج - مانعی ندارد. ۷۴/۸/۱۸

﴿س ۵۰۷﴾ آیا در دفن میت، مثل نماز، اذن ولی شرط است یا خیر؟

ج - در اعمال واجبه متعلقه به تجهیز میت، از قبیل غسل دادن، تکفین، نماز و دفن، اذن ولی شرط است. ۷۶/۳/۷

﴿س ۵۰۸﴾ اگر شخصی متوجه شود که نماز میتی که خوانده شده، صحیح نبوده، ولی اگر بخواهند دوباره بخوانند، نسبت به کسی که نماز میت را اشتباه خوانده، بی احترامی می شود و نمی توان بدون این که دیگران متوجه بشوند، نماز را خواند، در این صورت، تکلیف چیست؟ ج - اگر نشود به جسد میت نماز صحیح خواند، واجب است نماز میت صحیح به قبرش خوانده شود. ۷۸/۱/۲۵

﴿س ۵۰۹﴾ آیا بر میتی که در تابوتی بسته گذاشته‌اند، می‌توان نماز میت خواند؟

۷۹/۷/۶

ج - مانعی ندارد.

﴿س ۵۱۰﴾ چرامیت مرد را از طرف سر و میت زن را از طرف عرض بدن وارد قبر می‌کنند؟

۷۶/۱/۶

ج - در این زمینه روایت داریم و لذا مستحب است.

﴿س ۵۱۱﴾ زنی در منطقه ما مُرده بود، بعد از دو سال، هنگام عبور خیابان از قبرستان،

ناچار شده‌اند قبر را خراب کنند وقتی قبر شکافته شد، جسد آن زن هیچ تفاوتی با روز

اول دفن نکرده بود و سالم بوده، حال تکلیف چیست؟

ج - باید دو مرتبه دفن شود و اگر کفنش از بین رفته، دو مرتبه کفن نمایند و دفن کنند.

۷۸/۹/۶

﴿س ۵۱۲﴾ آیا میت مسلمان را می‌توان در زمین غصبی عمداً یا سهواً دفن نمود، و اگر

این عمل صورت گرفت و صاحب زمین راضی نبود، چه حکمی دارد؟

۷۷/۱۱/۱۱

ج - با عدم رضایت مالک، نبش قبر جایز بلکه واجب است.

﴿س ۵۱۳﴾ این جانب قبری را در بهشت زهرا برای خود خریداری نمودم ولی به علت

فوت یکی از نزدیکان قرار بر این شد که در ازای پرداخت پول قبر به من، شخص فوت

شده را در آن قبر دفن کنند. اکنون حدود سه سال از آن تاریخ می‌گذرد و هنوز پولی از

طرف متوفی به من داده نشده است، حال با این که من راضی نیستم متوفی در قبر

خریداری شده از من دفن گردد، آیا می‌توان نبش قبر کرد و قبر را به جای دیگر منتقل

کرد؟ یا می‌توان قبر دیگری جایگزین آن قبر به من داده شود؟

ج - حق مطالبه پول قبر یا قبر دیگری که قیمتش مساوی با همان قبر باشد و شما با آن

راضی باشید را دارید، اما حق نبش قبر و خالی کردن قبر را ندارید چون اجازه

دفن به شرط دادن پول، قرارداد لازمی است و قطعاً نبش قبر حرام است. ۸۰/۵/۲

﴿س ۵۱۴﴾ در بیابان استخوان انسانی پیدا شده که نمی‌توان تشخیص داد که آیا این

استخوان زن است یا مرد. کفن و دفن چگونه باید انجام گیرد؟

ج - استخوان پیدا شده، در قبرستان مسلمانان باید دفن شود و مرد و زن بودن، دخالتی

۷۸/۹/۶

در وجوب زیر خاک نمودن و دفن کردن آن ندارد.

﴿س ۵۱۵﴾ هنگام کندن قبر، جسدی پیدا می‌شود، در حالی که هنوز استخوان‌هایش کاملاً از بین نرفته است و قطعاتی کوچک به اندازه پنج تا ده سانتیمتر پیدا می‌شود، آیا می‌توان در آن قبر، مرده دیگری را دفن کرد؟

ج - ظاهراً نمی‌شود، چون هنوز حق آن میت نسبت به آن قبر باقی است، مگر آنکه با رضایت ورثه و اولیای آن میت باشد.

﴿س ۵۱۶﴾ اگر بچه‌ای را که نماز میت بر او واجب شده بخواهند دفن کنند، آیا باید تلقین بر او خوانده شود یا خیر؟

ج - تلقین به طور کلی مستحب است. ۷۷/۲/۴

﴿س ۵۱۷﴾ چیدن ناخن میت و موی سر و بدن او اگر بلند باشد، چه حکمی دارد؟ و اگر جدا کردند، آیا باید درون کفن میت قرار دهند یا خیر؟

ج - کراهت دارد، بلکه احتیاط مستحب در ترک آن است، و آنچه از میت جدا شده، باید با او دفن کنند. ۷۶/۳/۶

﴿س ۵۱۸﴾ در قبرهای چند طبقه‌ای که فضولات اجساد پس از متلاشی شدن به طبقه زیرین نفوذ می‌کند، آیا می‌توان زن و مرد اجنبی را دفن کرد؟

ج - مانعی ندارد، به خاطر این که بینشان حائل وجود دارد و اگر حائل هم نباشد، دفن زن و مرد اجنبی در يك قبر قطعاً کراهت دارد. ۸۰/۱۲/۲۲

نبش قبر

﴿س ۵۱۹﴾ در دین مبین اسلام نبش قبر حرام است، حال در قبرهای طبقه‌ای که در طبقه اول میت دفن شده برای دفن در طبقه دوم و سوم آیا مشکل حرمت نبش قبر صدق می‌کند؟

ج - نبش تا جنازه دیده نشود، صادق نیست و مجرد خاکبرداری و پیدا نبودن جنازه، نبش نیست، گرچه رعایت حق صاحبان مرده و خود مرده برای فاتحه خوانی و حضور بر سر مزار میت باید رعایت شود. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۲۰﴾ نبش قبر تا چند روز بعد از دفن حرام است؟

ج - تا زمانی که اطمینان به از بین رفتن میت و حتی استخوان، حاصل نشده است.

۷۷/۱۱/۲۵

﴿س ۵۲۱﴾ فرزندی در اثر تصادف در تهران کشته شده و چون شناسایی نشده بود، او را در بهشت زهرا دفن نموده‌اند و بعد از مدتی هویتش معلوم شده است. خودم در قوچان زندگی می‌کنم و در اثر کهولت سن، توان آمدن به تهران و فاتحه‌خوانی را ندارم. آیا می‌توانم جنازهٔ پسر را از تهران به محل زندگی‌ام انتقال دهم یا خیر؟

ج - چون دفن بدون رضایت و اجازهٔ اولیای میت (پدر) بوده، نبش آن جایز و بر

مسئولان قانونی است که اجازهٔ نبش بدهند تا حق اولویت پدر برای دفن که از

اولیای میت است، محقق گردد.

۷۷/۱/۲۰

﴿س ۵۲۲﴾ شخصی را در طبقهٔ زیرین قبری سه طبقه دفن کرده‌اند. بعد از دفن، یقین حاصل شده که غسلش باطل بوده. آیا نبش قبر برای خارج کردن آن میت واقع در طبقهٔ آخر، جایز است؟

ج - چون نبش قبر سوم، مستلزم نبش قبر دو میت دیگر می‌باشد، جایز نیست و نبش

قبر میتی که غسل داده نشده مربوط به جایی است که مستلزم نبش قبر دیگران

نباشد.

۷۶/۱۱/۲۹

﴿س ۵۲۳﴾ آزمایشات ژنتیک و نبش قبر برای اثبات نسب چه حکمی دارد؟

ج - برای اثبات نسب و امور مربوط به حقوق الناس، با درخواست مدعی و کسی که

می‌خواهد نسب را اثبات نماید، نه تنها قاضی می‌تواند سراغ امارات و قراین و

شواهد و آزمایشات ژنتیک برود که عادتاً موجب اطمینان و علم عادی است؛

بلکه تحقیق و تفحص و پیدا کردن شواهد و دستور آزمایش بر او به حکم وظیفهٔ

اجرای عدالت و احقاق حقوق، واجب است و در مورد نبش قبر نیز به حکم

احقاق حق، مانعی ندارد.

۷۶/۱/۲۴

﴿س ۵۲۴﴾ اگر دو یا چند میت را به غسلخانه‌ای جهت غسل میت ببرند و بعد از دفن کردن جسدها، کسی که غسل می‌داده (غسّال) اعلان کند که یکی از مرده‌ها را (به طور غیر معین) غسل نداده است، آیا باید تمام جسدها را از قبر بیرون آورند و غسل بدهند؟

ج - جواز نیش قبر برای ترک غسل میت در فرض سؤال به خاطر علم اجمالی، در همه مرده‌ها جریان دارد.
۷۶/۳/۴

﴿س ۵۲۵﴾ با ساخته شدن سدّ میرزای شیرازی در شمال شهر کوار و جنوب شیراز بر روی رودخانه قره آغاچ، متأسفانه مقبره دو امامزاده مکرم هنگام آبیگری سد، در بستر دریاچه پشت سدّ قرار خواهند گرفت، پیشنهاداتی در خصوص انتقال قبر به امامزاده مجاور شده است. خواهشمند است این اداره را ارشاد فرمایید.

ج - در صورتی که ماندن بارگاه و قبر امامزاده در پشت سد، هتک حرمت محسوب شود، نیش نمودن و انتقال جنازه و خاک آن به جای دیگر، مانعی ندارد، بلکه از موارد جواز نیش قبر است.
۷۵/۹/۲۳

﴿س ۵۲۶﴾ آیا نیش قبر به منظور تشریح بدن میت برای نجات فرد متهم به قتل یا شناخت قاتل و اصولاً اموری که مربوط به هتک حرمت است، جایز است؟

ج - اگر برای ثابت شدن حقی بخوانند بدن میت را تشریح نمایند، با رضایت ولی نمی‌توان گفت حرام است.
۷۹/۱/۴

﴿س ۵۲۷﴾ نظر جناب عالی در رابطه با نیش قبر و برداشتن قطعه‌ای از استخوان بدن میت، برای دانشجویان رشته پزشکی که مورد نیاز علمی آنهاست، چیست؟

ج - نیش قبر برای استفاده دانشجویان رشته پزشکی و برداشتن قطعه‌ای از بدن میت که مورد نیاز است، مانعی ندارد، لیکن هماهنگی با مسئولین قانونی برای نیش، آن هم مخفیانه و با حفظ ظاهر صورت قبر، کاری لازم است.
۶۸/۱۰/۱۸

﴿س ۵۲۸﴾ مقبره شخصی در کنار مسجد واقع شده است که محل مزار در آن قسمتی واقع شده که از پنجره رو به کوچه، محل شمع روشن کردن اهالی است. اکنون عده‌ای از اهالی محل با مشاهده کرامات و اجابت خواسته‌هایشان در صدد تعمیر و تبدیل آن

مقبره به مسجد شده‌اند و پیشنهاد می‌کنند چنان که مانع شرعی نداشته باشد، با نبش قبر، محل آن را تغییر دهند، و آن را به مسجد تبدیل کنند. آیا این کار جایز است؟

ج - به نظر این جانب جایز نیست؛ چون هر میّتی تا پوسیده و پودر نشده، نسبت به قبرش حق دارد و ورثه میّت نیز حق دارند؛ به علاوه که اگر زمین وقف برای قبر باشد، نمی‌توان آن را مسجد نمود که «الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها».

۷۹/۱۱/۴

﴿س ۵۲۹﴾ اگر کسی قبری را خریده باشد و وجه آن را پرداخت کرده باشد و جنازه یکی از فرزندانش را در آن دفن کرده باشد پس از مدّت شرعی (۳۳ سال)، صاحب آن قبر چه کسی است؟ و چه کسی را می‌توان در آن دفن نمود؟

ج - کسی که قبری را خریده و فرزندش را در آن دفن نموده است. قطعاً تا استخوان‌های آن میّت باقی است و سنگ قبری دارد که اقوام برای زیارت و فاتحه خوانی بر سر آن می‌آیند، دفن میّت دیگر به خاطر حرمت نبش، و به خاطر حقّ میّت قبلی به آن قبر، حرام است. آری، اگر نبش به استخوان نرسد و یا استخوان از بین رفته باشد و در دفن بعدی، رعایت نام قبلی روی قبر برای فاتحه خوانی بشود، چنین دفنی فی حدّ نفسه، حرام نیست، و اما از حیث بخشیده شدن به میّت و هبه به او، ظاهراً میّت دفن شده بیش از حقّ اصل دفن را ندارد؛ چون هنگام دفن در آن زمان، نفس دفن مطرح بود؛ به علاوه که ظاهر از اجازه دفن، همان است، مگر به خلاف آن تصریح شود. بنابراین، اگر قبر خریداری شده، ملک خریدار و یا حقّ الاختصاص برای او باشد، آثارش نسبت به خریدار باقی است. آری، اگر از اول قبر را برای کسی خریدند، حقّ همان شخص و ورثه است.

۷۷/۱۱/۱۱

﴿س ۵۳۰﴾ خواهرم قبل از فوت، وصیّت نموده که او را در قبرستان روستای محل تولّدش و کنار قبر پدرش دفن کنند، اما به هنگام مسافرت به مشهد فوت کرد و شوهرش او را در بهشت رضا علیه السلام دفن نمود. حال اعضای خانواده می‌خواهند جنازه را نبش و به قبرستان مورد وصیّت انتقال دهند. آیا نبش از نظر شرعی جایز است یا خیر؟

۷۴/۵/۴

ج - در مفروض سؤال، نبش جایز و عمل به وصیّت لازم است.

﴿س ۵۳۱﴾ میّت را قبل از انتقال به اماکن مشرفه، در روی زمین قرار داده و روی تابوت را به صورت خانه می پوشانند و بعداً او را خارج و منتقل می کنند. آیا این عمل جایز است یا باید در زمین دفن شود؟

ج - در صورتی که دفن در زمین ممکن باشد، قرار دادن میّت در بنا جایز نیست.

۷۴/۸/۱۸

﴿س ۵۳۲﴾ در روستای ما به علّت جریان سیل و موقعیت مکانی قبرستان، چند قبر از قبور شهدا در مسیر آب رودخانه و سیل قرار گرفته و تا به حال، تعداد زیادی از قبرها را نیز سیل همراه آب رودخانه تخریب کرده و از بین برده است. حال والدین و اقوام شهدا قصد دارند که جنازه شهدا را از این قبرستان به مکان دیگری منتقل کنند. آیا نیش قبر این شهدا جایز است؟

ج - چون یکی از موارد نیش قبر، جایی است که قبر در معرض سیل و آب رودخانه

قرار گیرد، بنابراین، نیش قبر در فرض سؤال، مانعی ندارد.

۷۵/۳/۳۰

﴿س ۵۳۳﴾ در جلوی شبستان مسجدی قبری قرار گرفته که مدت ۳۶ سال از بنای آن می گذرد، و حال قسمتی از حیاط مسجد تخریب و کنار آن، مسجد دیگری ساخته شده و قبر مذکور داخل معبر عام شده و کنار جاده قرار گرفته است. اکنون وارثان تصمیم گرفته اند که قبر را نیش نمایند و جسد را در قبرستان دیگری در همان محیط دفن کنند. برای حفظ جسد نامبرده که از سادات و روحانی نیز هست، آیا می توانند قبر را نیش و جسد را در قبرستان جدید همان محیط، دفن نمایند؟

ج - چنانچه جاده وسعت دارد و قبر هم در کنار جاده قرار گرفته است، اگر بتوان با

نرده یا سنگ، حرمت آن را حفظ نمود، نیش غیر جایز است؛ و چنانچه بودن قبر

در کنار جاده و یا جای دیگر موجب بی احترامی باشد، نیش کردن - اگر نگوئیم

واجب است - قطعاً جایز است، و باید او را به قبرستان مسلمین منتقل کرد.

۷۲/۱۰/۲

﴿س ۵۳۴﴾ قبرستان مخروبه ای وجود دارد که فعلاً در آن هیچ مرده ای دفن نمی شود،

و سند و مدرکی دال بر اینکه وقف یا ملک شخصی باشد، در دست نیست، ولی نظر اکثر

مردم بر این است که آن قبرستان از اراضی مراتع است، دولت در وسط این قبرستان، سه باب مدرسه احداث نموده است، و در بقیه آن در نظر دارد فضای آموزشی، تفریحی و غیره ایجاد کند، ولی در قسمتی از این قبرستان، آثار و علایمی از قبور کاملاً پیدا و نمایان است، هر چند مرده‌ای در آنجا دفن نمی‌شود، البته قرار است با ایجاد پارک و فضای سبز، تغییراتی در آن داده شود. با این توضیحات بفرمایید:

۱. آیا در چنین مکانی - با جلب موافقت مسئولین قانونی و اهالی محل - می‌توان مسجد بنا کرد یا خیر؟ در صورت منفی بودن پاسخ، راه شرعی چیست؟
۲. در قسمتی که برای احداث مسجد در نظر گرفته شده، چنانچه هنگام حفاری برای پی و اساس ساختمان مسجد، بقایای اجساد و یا استخوان مشاهده شود. تکلیف چیست؟

ج ۱ - جایی که اطمینان به پوسیده شدن میّت نباشد، هر چند تخریب شده باشد، اگر مستلزم نبش باشد، حرام است، لیکن اگر این عمل حرام انجام شد، ساختن مسجد در آن، مانعی ندارد.

ج ۲ - اگر استخوانی پیدا شود، باید دفن شود - ولو در جای دیگر-. ۷۴/۱۲/۲۲

﴿س ۵۳۵﴾ در سال ۶۷ فردی از یکی از روستاهای شهرستان دلفان در جبهه‌های حق علیه باطل به عنوان مفقود محسوب گردید و از طریق سپاه و بنیاد شهید و تشخیص و شناسایی خانواده، جسدی تحویل گرفته و به خاک می‌سپارند. بعد از مدتی اعلام شد که فرزند شما اسیر و آزاد شده و به واقعیت هم پیوست لذا مقبره شهید گمنام که در روستای محل زندگی آزاده دفن است مورد بی‌احترامی و بی‌اهمیتی قرار گرفته؛ چون که تنها شهید این منطقه است و ارزشی برای او قائل نیستند. آیا از نظر شرع مقدس حکم بر نبش قبر و دفن آن در گلزار شهدای شهرستان - که در شأن و مقام و منزلت شهداست - صادر می‌شود؟

ج - نبش قبر، در صورتی که بودن میّت مسلمان در آن قبر، موجب هتک گردد و انتقال آن میّت به جای دیگر مانعی ندارد، و تشخیص موضوع هم با خود مکلف است. ۸۲/۱۲/۵

﴿س ۵۳۶﴾ در یکی از قراء ملایر به علت گسترش جهت سکونت یا مسائل جنبی، گورستان عمومی مورد تعرض قرار گرفته به طوری که قبر بعضی از علما که مورد علاقه عموم بوده از بین رفته و حتی برای جاده آسفالته عبوری با دستگاه‌های مکانیکی بعضی را منهدم کرده اند که یکی از آن‌ها قبر شاعر و عارف روشن بینی است که با حفاظت بعضی از اهالی سالم مانده و با وضع موجود چه بسا به سرنوشت دیگران دچار شود با توجه به گذشت بیش از چهل سال از فوت آن مرحوم برای جلوگیری از هتك وی آیا می‌توان نبش قبر کرد و در محل مورد اطمینان با حفظ و رعایت شئون اسلامی قبری جدید جهت حفظ شئون نامبرده ساخت؟

ج - چنان چه جاده با وسعت است و قبر هم در کنار جاده قرار گرفته است، اگر بشود با نرده یا سنگ احترام آن را حفظ نمود؛ نبش، غیر جایز و چنان چه بودن قبر در کنار جاده یا جای دیگر موجب بی‌احترامی باشد؛ نبش کردن اگر نگوییم واجب، قطعاً جایز است و باید او را به قبرستان مسلمین منتقل کرد. ۸۰/۵/۲۹

مسائل متفرقة اموات

﴿س ۵۳۷﴾ چه زمانی احکام میّت (مانند ارث، وصیّت، عده و فات برای زوجه و...) بر میّت بار می‌شود؟ از زمان مرگ مغزی یا از زمان جدا کردن دستگاه‌های تنفسی و توقف ضربان قلب؟

ج - از زمانی که عرفاً بگویند شخص، مرده است و ضربان قلب و جریان خون، به طور کلی متوقف شود، احکام میّت بار می‌شود، و زمان مرگ مغزی، زمان بار شدن احکام میّت نیست، هر چند در مورد برداشتن عضو، مانند قلب، منشأ اثر باشد. ۷۳/۹/۲۰

﴿س ۵۳۸﴾ آیا به محض موت، بدن میّت نجس می‌شود؟ و آیا در صورت لمس آن با دست تر، دست، نجس می‌شود؟

ج - آری، نجس می‌شود، چون در نجاست میّت، تفاوتی بین سرد شدن و سرد نشدن بدن نیست و تفاوت، مربوط به غسل مس میّت است.

﴿س ۵۳۹﴾ اگر از پولی که مشکوک هستیم که حلال، شبهه ناک و یا مخلوط به حرام است، کفن یا قبر تهیه شود، حکم آن چیست؟

ج - ظاهراً اشکالی ندارد، ولی بهتر است که با مجتهد جامع الشرائط یا نماینده او مصالحه شود، و مراعات احتیاط در این دو مورد شاید مطلوب باشد؛ ولی در بقیة زندگی نباید به این نحو، کار را بر خود مشکل نمود، و احتیاط زیاد، نه تنها غیر مطلوب، بلکه مذموم است.
۷۴/۱۰/۲۷

﴿س ۵۴۰﴾ در مورد شهیدانی که اجساد آنان چندسال در منطقه جنگی بوده و بعداً آنها را به شهرستان انتقال می دهند و در آنجا دفن می کنند، چه زمانی فشار قبر رخ می دهد؟

ج - فشار قبر منحصر به زمین نیست، لذا اگر کسی بین هوا و زمین معلق و یا در دریا غرق شده باشد، فشار قبر او به وسیله هوا و دریاست؛ لیکن نسبت به شهید روایت داریم که از عذاب قبر ایمن است.
۷۵/۱/۱۴

﴿س ۵۴۱﴾ زنی فوت کرده و شوهرش هم نقصان عقل دارد. آیا مخارج تشییع جنازه، اطعام و مخارج دیگر این میت بر شوهر واجب است یا خیر؟

ج - مخارج ناهار، شام و امثال آنها بر هیچ کس واجب نیست؛ لیکن مخارج کفن و دفن و امور واجبه در تجهیز میت، به عهده شوهر است.
۷۴/۹/۲۳

﴿س ۵۴۲﴾ زن و شوهری در اثر تصادف فوت کرده اند. در ضمن مراسم تدفین و ترحیم هزینه هایی را در برداشته است، و شخص متوقاً نیز مقروض است. (با توجه به اینکه متوقاً دارای کودک نیز هست) تکلیف چیست؟

ج - مخارج ترحیم به عهده صغار نیست، و ورثه کبیر اگر بخواهند، می توانند از سهم الارث خودشان حساب نمایند. آری، مخارج اولیه (مانند کفن و دفن) از مال خود میت برداشته می شود، و دیون میت باید قبل از تقسیم ارث، پرداخت شود.
۷۱/۱۰/۷

﴿س ۵۴۳﴾ اگر شخصی از دنیا رفته باشد و اموالی هم نداشته باشد که پس از مرگ او صرف مراسم وی گردد، وظیفه فرزندان یا بستگان او چیست؟ آیا جایز است برای این گونه مراسم، قرض نمایند یا تکلیفی نیست؟

ج - چیزی بر عهده آنها نیست؛ لیکن اگر خودشان مایل باشند می توانند مراسم بگیرند و مخارج هم به عهده خودشان است.

﴿س ۵۴۴﴾ هئیت امنای قبرستانی تصمیم دارند در مقداری از زمین قبرستان - که در مسیر جاده اصلی روستا به شهر قرار دارد - تعدادی مغازه احداث نموده و درآمد حاصل از آن‌ها را صرف عمران و ساختمان سالن اجتماعات آن مکان نمایند. با توجه به اینکه با ایجاد مغازه‌ها هیچ‌گونه هتک حرمت و نبش قبری صورت نمی‌گیرد، و قبوری که در محل مغازه‌ها قرار دارد، دارای آثار و علائم نیست (به جز دو قبر که بیش از بیست سال از بنای آن گذشته) مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمایید؟

ج - تصرف در این گونه قبرستان‌ها که در وقفیت آن‌ها شک و تردید وجود دارد - بلکه ظاهر امر در مثل این موارد از روستاها و قبرستان‌های قدیمی، عدم وقفیت است -، مانعی ندارد و شرعاً جایز است؛ و مسئله نبش هم چون فرض بر عدم است، نیازی به پاسخ ندارد، لیکن آن هم با فرض پوشیده شدن میّت و نماندن چیزی از او، جایز است، و اگر نبش حرامی هم در این مورد محقق شود، مانعی از جواز تصرف نیست، و چه بهتر که مسلمانان از این گونه زمین‌ها برای امور خیریه استفاده کنند، تا هم مردگان ثوابی ببرند، و هم بازماندگان محترم و مسلمانان نفعی به دست آورند.

۷۰/۷/۱۷

﴿س ۵۴۵﴾ آیا می‌توان جنب دیوار قبرستانی که قبوری در آن وجود ندارد و حدود پنج الی شش متر از قبر مؤمنین فاصله دارد، جهت رفاه اشخاصی که برای قرائت فاتحه و غیره در قبرستان رفت و آمد می‌نمایند، دستشویی و توالت احداث نمود یا خیر؟ ضمناً چاه فاضلاب خارج از قبرستان است.

ج - در صورتی که وقفیت زمین برای قبرستان معلوم نباشد و هتک محسوب نشود، مانعی ندارد.

۷۵/۶/۱۲

﴿س ۵۴۶﴾ شهری است که به قبرستان احتیاج دارد و به همین منظور زمینی انتخاب شده است که بنا به نظر شهود محل، حداقل بیست و پنج سال و حداکثر سی سال است که کشت نشده ولی عده‌ای ادعای مالکیت آن را نموده‌اند. از بعضی افراد که در دسترس بوده‌اند، اجازه گرفته شده، ولی عده‌ای دیگر فعلاً در دسترس نیستند، بفرمایید تصرف نمودن در آن زمین و ساختن قبرستان، شرعاً چه حکمی دارد؟

ج - اگر مسئولین اجرایی شهر، قبرستان شدن زمین را لازم بدانند، قبرستان شدن آن

مانعی ندارد؛ لیکن باید هرگاه مالک حقیقی آن پیدا شد، قیمت عادلانه زمین، منهای آنچه که حکومت منشأ آن است (مثل آب، برق و غیره) را به او پرداخت؛ ناگفته نماند که مالک، طلبکار قیمت قبل از قبرستان شدن است، لذا اگر مالک ده سال دیگر آمد و قیمت زمین بالا رفت، حقی نسبت به قیمت افزوده ندارد، پس در حقیقت زمین در زمان قبرستان شدن، به حکومت منتقل شده است.

﴿س ۵۴۷﴾ در پی دفن دسته جمعی اجساد قربانیان حادثه بم عکس برداری نکردن از اجساد مجهول‌الهویه حادثه برای مأموران اجرایی - که قصد دارند با دفن فوری اجساد، مشکل بهداشتی منطقه را حل نمایند - مشکلاتی را ایجاد می‌کند و شناسایی بعدی میت را هم غیر ممکن می‌سازد. آیا در این صورت عکس برداری جایز است یا خیر؟

ج - عکس برداری از اجساد مردگان که مجهول‌الهویه می‌باشند فی حدّ نفسه - با توجه به این که عکس از صورت آنها و یا زیاده‌تر از آن اگر ضروری و لازم باشد که در سؤال هم به آن اشاره شده - منع شرعی ندارد و جایز می‌باشد، بلکه اگر عکس برداری نمودن موجب مشکلات بعد از دفن از حیث شناسایی قبر و یا امور دیگر گردد، عکس برداری لازم می‌باشد.

﴿س ۵۴۸﴾ در منطقه زابل قبرستانی وجود دارد که در آن، علف هرزه‌هایی که دارای ریشه بسیار قوی است و قابل کندن نیست، وجود دارد که بعضاً ارتفاع آنها به یک متر می‌رسد که به زبان محلی به آنها «کوته» می‌گویند. این بوته‌ها رفت و آمد به قبرستان و زیارت قبور مؤمنان را مشکل می‌کند. لذا گاهی اقدام به سوزاندن این گیاه می‌کنند. آیا این عمل، هتک قبور مؤمنان محسوب می‌شود؟

ج - سوزاندن و چیدن این گونه بوته‌ها که مجدداً سبز می‌شوند، چون برای رفع مشکل زیارت قبور مؤمنان است، جایز می‌باشد و هتک نیست و عمل به مستحب و فراهم نمودن مقدمات خیر و برّ است.

﴿س ۵۴۹﴾ آیا راه رفتن بر روی قبرهایی که نام میت، از اسامی چهارده معصوم علیهم‌السلام است، جایز است؟

ج - مانعی ندارد؛ زیرا به عنوان نام ائمه علیهم‌السلام نیست.

﴿س ۵۵۰﴾ آیا می‌شود از شخص میّت خون گرفت و به شخص بیماری که نیاز به خون دارد تزریق کرد؟ و بر فرض جواز آیا دیه هم دارد؟

ج - در مفروض سؤال اگر با اجازه اولیاء میّت باشد؛ مانعی ندارد و در هر صورت دیه ندارد ولی اولیاء می‌توانند در مقابل آن، پولی گرفته و صرف در امور خیریه برای میّت بنمایند.
۸۰/۵/۲۶

﴿س ۵۵۱﴾ کسی در حال احتضار، خدا و پیامبر و قرآن را انکار کرده است. آیا حکم ارتداد برای او صدق می‌کند و باید بدون غسل و کفن او را در گورستان کفار دفن کرد؟

ج - با احتمال عدم شعور و عدم درک و اختیار، محکوم به ارتداد نیست و محکوم به اسلام است و آثار اسلام هم قطعاً باید بار شود؛ چون سابقه اسلام دارد و کفر و ارتدادش مشکوک است.
۷۹/۱/۲۲

﴿س ۵۵۲﴾ در مورد اسباب و اثار میّت، مثل لباس‌ها و وسایل خواب، آیا می‌توان آن‌ها را نگهداری کرد یا نه؟ تکلیف چیست؟

ج - منعی ندارد؛ لیکن باید رضایت ورثه آن اثاثیه جلب شود، چون مثل بقیه اموال از آن ورثه است.
۷۹/۶/۷

﴿س ۵۵۳﴾ آیا افراد جوان هم می‌توانند برای خودشان کفن تهیه نمایند و بر روی آن، دعاهایی مثل معراج یا جوشن کبیر و... را بنویسند؟

ج - نه تنها می‌توانند، بلکه تهیه کفن بر هر کس قبل از موت، مستحب است و همین طور تهیه سدر و کافور، و در حدیث وارد شده کسی که کفن خودش را قبل از مرگ آماده کند، نامش جزو غافلان ثبت نمی‌شود و نوشتن جوشن کبیر و ادعیه دیگر هم که در باب مستحبات کفن آمده نیز مستحب است، لیکن بهتر و اوفق به احتیاط آن است که به جاهایی از کفن که مظنه نجاست است، چیزی نوشته نشود؛ بلکه به جاهایی مانند آنچه مثل سینه و سر را می‌گیرد، نوشته شود، و بهتر آن است که بر قطعه‌ای جداگانه نوشته شود و روی سینه‌اش گذاشته شود.
۷۹/۷/۵

﴿س ۵۵۴﴾ رفتن به سر قبر میّت مؤمن، چه حکمی دارد؟ در چه شرایط و زمانی بهتر است؟

ج - رفتن بر سر قبر میّت و زیارت اهل قبور، خود یکی از مستحبات است و میّت به زائر قبرش انس می‌گیرد. علامه^{رحمته} در آخر قواعد به فرزندش زیارت قبرش، به قدر امکان و خواندن مقداری از قرآن را وصیّت می‌نماید: «وَزُرُّ قَبْرِي بِقَدْرِ الْإِمْكَانِ وَ اقْرءْ عَلَيْهِ شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ»^۱.

۷۶/۹/۲۹

﴿س ۵۵۵﴾ این که شب‌های جمعه برای اموات قرآن خوانده می‌شود، آیا تأثیری هم بر روح آن‌ها دارد؟

ج - تمام اعمال خیر که برای اموات انجام می‌گیرد، به حال آن‌ها مفید است، البته اگر کار خیری در زمان بهتر، مثل شب جمعه و یا روز جمعه انجام گیرد، ثوابش زیادتر خواهد بود.

۷۸/۴/۲۵

﴿س ۵۵۶﴾ آیا زن می‌تواند بعد از مردن شوهر خود به سر قبر او برود و فاتحه بخواند؟ ج - نه تنها جایز است، بلکه به زیارت قبر همسرش رفتن برای او نسبت به دیگران اولویت دارد و درس صفا و وفا برای افراد است.

۷۷/۲/۱۳

﴿س ۵۵۷﴾ آیا تلاوت قرآن بر سر قبر میّت، از تلاوت قرآن در حرم ائمه^{علیهم‌السلام} یا مسجد به نیّت میّت، ثواب بیشتری دارد؟ و به طور کلی، آیا استحباب انجام دادن کار خیری برای میّت در سر قبر او موضوعیت دارد؟

ج - زیارت قبر، موضوعیّت دارد. همچنین هر کار خیری که انسان بتواند در آن جا انجام دهد، مثل قرائت قرآن و...، موضوعیّت دارد؛ اما هر چه مکان ثواب عمل را بیشتر کند، طبیعی است که ثواب زیادتری برای میّت دارد و در خاتمه، اعمال مستحب هر چند بعضی از آن‌ها نسبت به دیگری برتری دارد؛ اما نباید انسان به برتر بسنده نماید، چون هر مستحبی دارای اثر خاصّ است که انسان به آن آثار، نیاز دارد و این تذکّر را فقیه بزرگوار و محقق و متّبع عالی مقدار، مرحوم آقا شیخ محمد حسن نجفی^{رحمته} در جواهر بیان فرموده است.

۷۶/۹/۲۹

۱. قواعد، علامه حلّی، ص ۳۴۷.

﴿س ۵۵۸﴾ تلاوت کردن قرآن برای میّت و یا اجیر گرفتن برای خواندن قرآن، چگونه است و چه اهمّیتی دارد؟

ج - خواندن قرآن و اهدای ثواب آن به میّت، از مستحبّات است؛ چه خودش بخواند و چه اجیر بگیرد، و ثواب تلاوت قرآن، در نامه عملش ثبت می‌شود. ۷۹/۶/۷
﴿س ۵۵۹﴾ برای اهدای ثواب کار به اموات و شادی روح آنان چه کارهایی انجام شود، بهتر است؟ و آیا فاعل آن کار، خود هم ثواب می‌برد؟

ج - همه امور خیریّه و برّیه مانند نماز و روزه و زیارت و حج و عمره و کمک به افراد برای رفع مشکل‌ها و نیازهای آنها و معالجه بیمار و تهیّه دارو و... که برای زنده، مستحب و مطلوب است، می‌توان به نیابت از میّت هم انجام داد و یا برای خودش بیاورد و ثواب آنرا اهدا کند، و ناگفته نماند که در هر دو صورت، به عامل هم به خاطر انجام دادن معروف و خدمت به میّت مسلمان، ثواب داده می‌شود، چون خود اهدا و یا نیابت، برّ است و معروف، «وکل معروف صدقه»، لاسیما برّ به کسی که دستش از چاره کوتاه است که او همان مسلمانی است که از دنیا رفته و انتخاب کار خیر، بستگی به شرایط جامعه و زمان و مکان دارد، مانند این که گاهی تهیّه دارو، برای جامعه، انفع است و یا ساختن خوابگاه برای دانشجویان و گاهی امور دیگر؛ و باید توجه داشت که قرض الحسنه دادن، فی حدّ نفسه ثوابش دو برابر صدقه است و این که در حدیث آمده است که «یک درهم صدقه، ده حسنه دارد و یک درهم قرض الحسنه، هیجده حسنه»، برای آن است که خود یک درهم بایک حسنه برابزش به قرض دهنده بر می‌گردد و الباقی هیجده حسنه می‌ماند. ۷۶/۹/۲۹

﴿س ۵۶۰﴾ انسانی که می‌خواهد برای میّت پولی را هزینه کند، نیت صدقه کند یا ردّ مظالم؟ کدام بهتر است؟

ج - اصولاً ردّ مظالم، به معنای ردّ حقوقی است که از افراد به عهده انسان آمده و نه مبلغش معلوم و نه صاحبش معلوم است که در این صورت، حدّاقلی که یقین است، باید با اجازه مجتهد عادل برای صاحبش صدقه داد و همین طور اگر مبلغش

معلوم و صاحبش نامعلوم باشد. بنابراین، مقداری که انسان یقین دارد به عهدهٔ میّت بوده، باید به عنوان مظالم عباد (ردّ مظالم) برای صاحبانش صدقه بدهد؛ لیکن با اجازهٔ مجتهد همان طور که بیان شد؛ و امّا نسبت به مقدار مشکوک، بهتر است صدقه بدهد و ثوابش برای صاحبش از میّت یا کسان دیگری که به عهدهٔ میّت حق داشته‌اند؛ و ناگفته نماند که حقّ الناس بر حقّ الله مقدم است، چه یقینی از آن و چه مشکوک از آن.

﴿س ۵۶۱﴾ معمولاً رسم بر این است که پس از فوت کسی، بستگان دور و نزدیک میّت، دور هم جمع می‌شوند و چند روزی جهت صرف غذا از اموال میّت و یا پدر او خرج می‌کنند و هر چند بعضی توان مالی ندارند، لیکن مجبورند که زیر بار قرض بروند و خرج کنند. آیا این کار، جایز است؟

ج - خود و یا دیگران را به زحمت و مشقّت انداختن و گرفتار قرض نمودن که در نتیجه، باعث ضرر رسیدن به آبرو و شخصیت انسان و تضييع حقوق دیگران می‌گردد، نه تنها ممدوح نیست؛ بلکه مذموم و ناپسند و بعضی از مراتبش حرام است؛ کما این که تصرّف در مال دیگران که صاحبش از باب حیا و خجالت چیزی نمی‌گوید، حرام و غیر جایز است «الْمَأْخُذُ حَيَاءً كَالْمَأْخُذِ غَضَبًا».

﴿س ۵۶۲﴾ صرف غذا در خانه میّت چه حکمی دارد؟ خصوصاً اگر میّت طفل صغیر داشته باشد.

ج - اگر از اموال صغار نباشد، صرف غذا در خانهٔ آنها مانعی ندارد. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۶۳﴾ آیا شرکت کردن در مراسم فاتحه خوانی کسانی که خودکشی و خودسوزی می‌کنند، جایز است؟

ج - شرکت کردن در مراسم آنها برای تسلی دل بازماندگان، مانعی ندارد. ۷۷/۵/۲۵

﴿س ۵۶۴﴾ امام صادق علیه السلام فرمودند «کل ما جعل علی القبر من غیر تراب القبر فهو ثقل علی المیت» با توجه به این فرمایش نورانی آیا می‌توان گفت سنگ‌های گران قیمت با ارتفاع از زمین، مصداق این ثقل است؟

ج - سنگ گذاشتن برای علامت و نشانه قبر از موارد استثناء شده است. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۶۵﴾ استفاده از سنگ قبرگران قیمت چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۶۶﴾ سنگ فرش کردن قبر و دیواره‌های آن چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۶۷﴾ آیا می‌توان به جای اطعام در مراسم وفات اشخاص، این‌گونه مخارج را در حدّ توان و رضایت بازماندگان، صرف امور خیریه کرد یا خیر؟

ج - می‌توان صرف مخارج دیگری جهت شادی روح متوفاً نمود؛ ولی تشخیص چگونگی مراسم و مسئولیت تجلیل از متوفاً و بازماندگان او معمولاً با خود بازماندگان است. ۷۸/۷/۲۷

﴿س ۵۶۸﴾ اگر خرج مراسم عزاداری توسط متمکنین، باعث چشم و هم چشمی دیگران گردد و دیگران خصوصاً فقراء را برای مراسم عزاداری اموات خود به زحمت و مخارج بیهوده بیاندازد چه حکمی دارد؟

ج - خیرات کردن برای میّت، مستحب و مطلوب است و منعی ندارد و هر کس می‌تواند به اندازه قدرت مالی خودش خیرات نماید و مردم نباید با تحمیل مخارج بر بازماندگان میّت، فشار روحی و مصیبت آنان را افزایش دهند. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۶۹﴾ ایستادن و نماز خواندن در خانه میّت در هنگام برپایی عزاداری چه حکمی دارد؟

ج - این‌گونه تصرف‌ها که نه تنها ضرری برای صغیر ندارد بلکه به نفع آنها از جهت احترام و شخصیت اجتماعی صغار می‌باشد، مانعی ندارد، گر چه با اجازه و رضایت قیم یا ولی فرزندان صغیر باشد شاید اولویت دارد. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۷۰﴾ در مراسم عزاداری برای اموات استفاده از دسته‌گل، دوربین فیلم برداری، حجله و آلات موسیقی اجر اخروی دارد یا خیر؟

ج - هر کار و عملی که موجب تسلی صاحبان عزا گردد؛ مستحب و مطلوب است و ثواب تسلی دادن به صاحبان عزا را دارد. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۷۱﴾ اگر برپایی مراسم‌های عزاداری سبب اذیت همسایگان باشد چه حکمی دارد؟

ج - ایجاد مزاحمت برای دیگران که خارج از متعارف است جایز نمی‌باشد. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۷۲﴾ باصدای بلند گریه کردن و جیغ زدن و کندن موهای خود و پنجه به صورت خود کشیدن چه حکمی دارد؟

ج - بلند گریه کردن و جیغ زدن خارج از حد متعارف بنا بر احتیاط واجب حرام و بقیه امور ذکر شده نیز حرام است و برای زنها در کندن مو، کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان و در قیچی کردن مو، کفاره قسم واجب است. ۸۵/۸/۱۵

﴿س ۵۷۳﴾ پوشیدن پیراهن مشکلی برای عزای اموات وجه شرعی دارد یا خیر؟

ج - پوشیدن لباس سیاه در عزا، امری عرفی است که از طرف شرع منع نشده است و شاید کراهت پوشیدنش به خاطر اظهار مصیبت زده بودن صاحب عزا، مرتفع گردد. ۸۰/۱۲/۲

﴿س ۵۷۴﴾ کیفیت و مقدار حضور ما در مجالس عزا برای ادای استحباب آن چگونه باید باشد؟

ج - مرجع در مقدار حضور، عرف است و در ثواب حضور و ادای استحباب، دیدن صاحب عزا فرد را کفایت می‌کند ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه سرسلامتی دادن، مصیبت یادشان می‌آید؛ عدم حضور و ترك آن بهتر است. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۷۵﴾ نظر حضرت عالی در باره مجالس ختم، ایام ثلاثه، تهیه غذا و امثالهم برای میت چیست؟

ج - هر گونه کار خیر و برّ و نیکی برای میت مفید است، و مسئله سوم، هفتم، چهارم و سال، یادآوری میت و احترام به مسلمان و طلب مغفرت برای اوست، که عملی مطلوب و مرسوم است؛ لیکن به زحمت انداختن صاحبان عزا و مقروض نمودن آنها کاری بس نابجا و نادرست است، که مسلمانان، مخصوصاً در شرایط فعلی، باید از آن اجتناب کنند، و اعلام عزا و مصیبت هم به طریق معمول، در همه جا و به نحوی که دیگران اذیت نشوند، جایز است. ۷۰/۸/۲۷

﴿س ۵۷۶﴾ آیا در مجالس ترحیم و یادبود برای اموات، قرآن خواندن بهتر است یا موعظه کردن، منبر رفتن و مدّاحی نمودن که اکنون رایج است؟

ج - خواندن قرآن و اهدای ثواب آن به میت مستحب است، کما اینکه منبر رفتن،

موعظه کردن و مدّاحی اهل بیت - صلوات الله عليهم اجمعين - به صورت نظم و نثر هم مطلوب و مرغوب است، و اساساً رعایت همه امور مستحب و مطلوب، در حدّ ارزش هر یک، نیکوست. ۷۱/۱۱/۱۶

﴿س ۵۷۷﴾ برای اقامه مجلس عزا برای متوقفاً در هر عرف و محل، روش خاصی دارند. در مازندران، عده‌ای به عنوان هیئت مدیره محل، جهت گرفتن مراسم سوم برای میت، پول جمع آوری می‌کنند، به این صورت که به خانه‌های مردم مراجعه می‌کنند. عده‌ای راضی هستند و پول می‌دهند و عده‌ای از ترس آبرو و تهدید، پول پرداخت می‌کنند و عده‌ای اصلاً پول نمی‌دهند و اسامی افرادی را که پول نمی‌دهند، در مراسم عمومی اعلام می‌کنند، با توجه به مطالب فوق: آیا عملکرد این هیئت مدیره، مورد قبول شرع اسلام است و مراسم سوم گرفتن میت با جمع آوری این پول‌ها درست است و آیا این خیراتی که برای میت می‌دهند، سودی دارد؟ آیا از این خیرات می‌توان استفاده کرد و آیا این کار، تصرف در مال مردم نیست و آیا خرج کردن پولی که عده‌ای راضی‌اند و عده‌ای ناراضی‌اند و از ترس آبرو می‌پردازند برای میت، سودی دارد؟

ج - هرگونه کار خیر و برّ و نیکی برای میت، مفید است و مسئله سوم و چهلم و سال گرفتن که در عرف مرسوم است، یادآوری میت و احترام به مسلمان و طلب مغفرت برای اوست که عملی مطلوب است و پرداخت و گرفتن هر پولی که از ترس آبرویشان کمک می‌کنند، کاری بس نا به جا و نادرست و هرگونه گرفتن و مصرف نمودن آن حرام است و باید از آن اجتناب کرد؛ و آنچه مرقوم شد بیان حکم کلی مسئله است و از قضایای شخصیّه و موارد سؤال اطلاعی ندارم و هر کس باید خودش احکام اسلام را با وضعش تطبیق بدهد و تشخیص موضوع و مورد با فتوا و حکم شرعی کلی نیست. ۷۸/۱۱/۲۷

﴿س ۵۷۸﴾ آیا جایز است در مراسم ترحیم هم زمان با تلاوت جزءهایی از قرآن کریم از طرف حضار مسجد يك نفر به نام مداح مانع خواندن قرآن آنان شود؟ آیا در موقع تلاوت قرآن در مجالس ترحیم سکوت جایز است؟

ج - سکوت در حال نماز که امام حمد و سوره را قرائت می‌کند واجب است و در غیر

نماز، مطلوب است و به آن در قرآن امر شده و برخی از امور ذکر شده که ممکن است افراط در قضایا باشد، نامطلوب است.

۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۷۹﴾ آیا هفتم و چهارم و سالگرد برای اموات وجه شرعی دارد؟ حکم آن کدام یک از احکام خمسه است؟

ج - مانعی ندارد و آن چه در شرع، مطلوب و مستحب است کار خیر برای میت است و انتخاب نوعش به دست شخصی است که می خواهد از اموال خودش برای میت کار خیر انجام دهد.

۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۵۸۰﴾ ما حکم رش قبر المیت بالماء بعد مرور فترة زمنية طويلة كعام واحد مثلاً وهل هناك فترة زمنية يستحب فيها رش الماء على قبر المیت؟

ج - لا يخفى ان الرش مطلقاً لايبعد حسنه ومطلوبيته في حد نفسه على الاطلاق من دون تقييد بزمان دون زمان لكن الموارد في النص والفتوى استحباب الرش أربعين يوماً بل أربعين شهراً.

۸۱/۱۱/۷

احکام نماز

اهمیت نماز

﴿س ۵۸۱﴾ آیا نماز جزء ذات دین است و آیا نخواندن نماز، سبب خروج از اسلام می شود؟

ج - سبب خروج حکمی است نه آن که با ترک عمدی آن، انسان کافر گردد و از

غیرمسلمانان محسوب شود. ۷۸/۱/۲۸

﴿س ۵۸۲﴾ کسی که عمداً نماز را ترک کند و یا آن را سبک شمارد، چه حکمی دارد؟

ج - کسی که نماز را پست و سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی خواند، و کسی

که نماز را ترک کند، سزاوار عذاب آخرت است و سَقَر، جایگاه اوست. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۵۸۳﴾ نماز اولین سؤال در روز قیامت است. نماز ابراز نیاز به خداست. نماز کلید

بهشت است و ... از این صحبت ها در مورد نماز بسیار زیاد است. بعضی ها آن قدر به نماز

تعصب دارند که ایمان فرد را با نماز می سنجند. اما این نماز چیست؟ آیا رو به قبله ایستادن

و تعدادی سوره از قرآن کریم و تعدادی کلمات عربی را خواندن که عموماً از معنی آن هم

هیچ نمی فهمیم نماز است؟ من گاهی فکر می کنم که اگر این نماز مرسوم در جامعه را

نخوانم و با حس خودم و کلمات فارسی با خدا صحبت کنم بهتر است و شاید هم اگر آن نماز

را بخوانم حتی گناه داشته باشد. من در مورد خیلی دیگر از چیزها هم نظراتی شبیه دارم.

ج - اجمالاً فکر حضرت عالی قطعاً نادرست و خودتان با دقت مختصری به آن پی

می برید چون وقتی که انسان بنا است که با خدا صحبت کند و با او ارتباط پیدا

کند حتماً باید همراه با معصیت و مخالفت و سرپیچی از فرمان او نباشد و الا

نمی توان با مخالفت و خلاف دستور، آن هم مخصوصاً دستور کیفیت رابطه با

خدا و یا کسی دیگر ارتباط پیدا کرد و این فکر، وسوسه شیطان است که با عمل نکردن به دستور مسلم اسلام و خدا و قرآن می‌توان با خدا ارتباط پیدا کرد و اصولاً عقل اقتضا می‌کند اگر بناست ارتباط پیدا شود چرا با همان نماز که هزاران فلسفه دارد انجام نگیرد و آیا احتیاط در عبادت و رعایت عقل جمعی یعنی عمل میلیاردها مسلمان نمی‌تواند باعث ترجیح نماز و خواندن آن باشد. ۸۲/۲/۱۶

﴿س ۵۸۴﴾ به نظر من دلیل عربی بودن زبان نماز عرب بودن منطقه‌ای است که اسلام در آن جا آمده و این تلفظ هم تلفظ مردم عربستان است پس ما هم می‌توانیم با لهجه شیرین فارسی نماز مان را بخوانیم. آیا این برداشت صحیح است؟

ج - نماز به غیر عربی برای هیچ کس جایز نیست و باطل است و عربی خواندن آن و حدود آن دستور شارع و تعبد است و برای تقریب به ذهن می‌توان عربی خواندن نماز را تشبیه به سرودهای ملی ممالک نمود که با زبان‌های مختلفی که دارند سرودشان با یک زبان می‌باشد و مثلاً بگوییم نماز سرود اسلامی است پس باید به همان زبان عربی خوانده شود به علاوه که فرهنگ اسلام یعنی کتاب و سنت چون عربی است باید عقلاً آن فرهنگ ترویج شود و امروز هر مملکتی و جمعیتی برای عظمت دادن به مملکتش و فرهنگش زبان خود را ترویج مینماید و ناگفته نماند که عمده وجه در نماز همان مسأله تعبد و قرار الهی است و نماز بناء خداوند است و کیفیت آن را خود خداوند باید تعیین نماید چون ما کیفیت آن را به خاطر عظمتش و رحمانیتش و مهربان بودنش و سایر صفاتش نمی‌توانیم بدانیم و معین کنیم. ۸۱/۵/۲۱

﴿س ۵۸۵﴾ منظور از این که می‌گویند: نماز اساس دین است و بدون نماز هیچ عمل صالحی از انسان پذیرفته نمی‌شود چیست؟ آیا این با عدالت خداوند سازگار است؟

ج - تا حدی این گونه جملات از باب مبالغه است گرچه گفته می‌شود رعایت شرایط نماز سبب می‌شود که انسان بقیه واجبات مثل زکات و خمس را بدهد و حج را بیاورد و عدم رعایتش که موجب عدم صحت نماز است نیز سبب انجام ندادن آن‌ها و یا نادرست انجام دادن آن‌ها است و نتیجه عدم قبولی نماز خود به خود سبب عدم قبولی امثال آن اعمال است. ۸۱/۶/۱۷

﴿س ۵۸۶﴾ بعضی معتقدند که نماز و روزه حق الله است و سوره‌های قرآن با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می‌شود که گویای کرم و لطف و رحمانیت خداوند است پس خداوند کریم از حق خود می‌گذرد در این مورد توضیح بفرمایید.

ج - واجب کردن نماز و روزه از حقوق الله از همان باب مهربانی اوست که برای توجه انسان به حق و ارتباط با خودش آنها را واجب کرده و در ترکش، مجازات قرار داده تا انسان، ملزم به تکامل خودش و توجه به عدل و حق مطلق شود. البته اگر کسی از روی جهالت و نادانی به جا نیاورد و توبه کرد و آن واجب‌های ترک شده را قضا نمود؛ توبه‌اش ان شاء الله قبول می‌شود به علاوه اگر چه خداوند، رحمان و رحیم است و بسیار بخشنده است، اما این دلیل نمی‌شود که دستورات او نادیده گرفته شود بلکه رحمان و رحیمی خداوند باید مشوقی برای انجام تکالیف و واجبات و دستورات او باشد.

﴿س ۵۸۷﴾ آیا نمازی که ما می‌خوانیم همان نمازی است که پیامبر ﷺ و ائمه می‌خوانده‌اند؟

ج - مستفاد از ادله و سخنان معصومین علیهم‌السلام که اهل وحی هستند این است که نمازی را که ما می‌خوانیم از نظر کمی و کیفی به نحو همان نمازی است که پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌خوانده‌اند.

﴿س ۵۸۸﴾ چرا در موارد متعددی در قرآن نماز و زکات در کنار یکدیگر مطرح شده است؟

ج - نماز وسیله ارتباط محکم بین نمازگزاران و خدا است و اداء زکات برای همبستگی‌های اجتماعی است و برای پیروزی و تکامل انسان‌ها اسلام دو چیز را لازم دانسته: ۱. رابطه انسان‌ها با خدا؛ ۲. رابطه عاطفی و انسانی انسان‌ها با یکدیگر، و لذا قرآن به این دو مورد در آیات اشاره کرده و آنها را کنار هم قرار داده و برای تفصیل بیشتر مطالب مذکور می‌توانید به تفاسیر مراجعه نمایید.

۸۰/۱۲/۲۱

﴿س ۵۸۹﴾ علت و دلیل تعداد رکعت‌های نماز چیست و بر اساس چه اصول و قوانینی مقرر شده است؟

ج - از مسائل تبعدی است که در روایات به آن دستور داده شده و حکمت و فلسفه‌اش بر ما روشن نیست و اصولاً چون عبادات، ثناء خداوند است پس کیفیت ثناء برای او را خودش باید معلوم نماید و اصولاً ما خدا نیستیم بلکه يك مخلوق بسیار كوچك می‌باشیم که علم ما نسبت به اسرار و رموز عالم نیز محدود و بسیار ناچیز است و غرض از خلقت، همان تکامل بشر است که با اطاعت از دستورهای او محقق می‌شود نه با پیروی از فکر خودمان، و الا اطاعت از فکرمان می‌باشد نه از خدا و خالقمان. ۸۰/۱۲/۲۱

﴿س ۵۹۰﴾ آیا کسی که قبل از رسیدن به سن تکلیف، نماز می‌خواند، باید بعد از رسیدن به تکلیف، همچنان به همان نحوه نماز خواندن خود را ادامه دهد یا باید خودش با تحقیق به معنای واقعی پرستش برسد و خدا را عبادت کند؟

ج - ادامه به همان نحو، کافی است و دقت زیاد در مورد بندگی و عبودیت برای امثال شما و ما کاری نامطلوب است و همان قدر که نماز را غلط نخوانید، کافی است. ۷۸/۹/۱۱

﴿س ۵۹۱﴾ آیا کاهل نمازی فرزندان در یک خانواده، باعث تنگی زندگی و رزق و روزی برای پدر و مادر است یا خیر؟

ج - باعث تنگی در زندگی بر خود فرزندان است نه بر پدران و مادران. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».

﴿س ۵۹۲﴾ آیا به شخصی که کاهل نماز باشد و گاهی اوقات نمازش قضا شود، می‌توان توهین و اهانت کرد؟

ج - نمی‌توان و حرام است. ۷۷/۵/۲۳

﴿س ۵۹۳﴾ نماز خواندن در اول وقت در منزل بهتر است یا با کمی تأخیر در مسجد، به فرادا؟

ج - خود را مقید به هر یک نسازید؛ بلکه در بعضی از اوقات، اول وقت را رعایت کنید و در برخی از مواقع هم مکان و مسجد را ملحوظ دارید. نماز را در مسجد

به جا بیاورید، چون افضلیت هیچ یک از آن دو بر دیگری به طور کلی و با همه شرایط، معلوم نیست و مراعات عمل کردن به مستحبات مختلف، خود امری مطلوب است، چون هر مستحبی خصوصیت و اثر خاصی را می طلبد. ۷۷/۵/۲۵

﴿س ۵۹۴﴾ کسی که می داند (یا احتمال قوی می دهد) که به جهت شب نشینی، مطالعه، و

یا... نماز صبح او قضامی شود، آیا شرعاً مجاز است که کارهای فوق الذکر را انجام دهد؟

ج - بیدار ماندن در شب، برای کسی که می داند و مطمئن است که نماز صبح او قضا می شود، ممنوع و ترکش لازم است، و با فرض قضا شدن نماز، معصیت کرده و عمل او در حکم ترک عمدی واجب است. و ناگفته نماند که توجه دادن افراد به چنین یقینی (مانند توجه دادن به موضوعاتی که جنبه حق الله دارد)، غیر واجب بلکه نسبت به امور راجحه (مانند عزاداری ابا عبدالله الحسین علیه السلام) و یا مطالعه کتب دینی و اسلامی) نامطلوب، اگر نگوییم مذموم است. ۷۴/۶/۲۴

﴿س ۵۹۵﴾ پسری تازه به سن تکلیف رسیده و مقید به نماز است، اما خوابش بسیار سنگین است، به طوری که برای نماز صبح، گاهی یک ربع ساعت باید او را صدا کرد تا بیدار شود. آیا وظیفه پدر این است که به هر صورت ایشان را بیدار کند، یا چند بار صدا کردن کفایت می کند؟

ج - اگر خودش گفته که مرا بیدار کنید باید بیدارش کنند، وگرنه، با عنایت به اینکه خود مقید به نماز است و مسامحه در آن نمی کند، ظاهراً وجهی برای لزوم بیدار نمودن وجود ندارد، آری، بر انسانی که مطمئن است نمازش قضا می شود، لازم است که از دیگران بخواهد او را بیدار کنند، تا از ادای واجب - آن هم واجبی مثل نماز و درک وقت آن - محروم نماند. ۷۵/۲/۳

﴿س ۵۹۶﴾ بنده به عنوان یک دانش آموز بایدشش ساعت درس بخوانم و به هنگام ظهر هم باید فریضة نماز را به جا آورم. همزمان بودن وقت کلاس با وقت نماز باعث شده که وقت کلاس، کم و صرف نماز شود. آیا این عمل برای به جا آوردن نماز جایز است یا خیر؟

ج - باید توجه داشت که مرز میان اسلام و کفر نماز است، و اگر آن هم با وسوسه شیطانی - نعوذ بالله - ترک شود، چه نشانه ای از اسلام در انسان باقی می ماند. و چگونه انسان در مقابل این همه نعمت های خداوند خجلت زده و شرمسار نباشد.

باید توجه داشت که هم درس خواندن و هم نماز خواندن وظیفه ماست، و برکت در عمر، موفقیت در درس خواندن و غیره مربوط به ذات باری تعالی است. چه بسا انسان‌هایی که با وقت کم استفاده‌ها و افاده‌های علمی داشته‌اند و برعکس چه بسا، افرادی که با وجود وقت زیاد، به خاطر عدم تعهد به واجبات، ضرر و زیان دیده‌اند. این شهید مطهری است که با آنکه عمر مبارکش کمتر از شصت سال بوده است، این همه برکت داشته است. بنابراین، نماز را بخوانید و از خداوند استمداد بجوید و بدانید که نماز اول وقت، رضوان الله (باعث رضایت خداوند)، و نماز آخر وقت، غفران الله (سبب آمرزش) است. آری، اگر راجع به برنامه‌ریزی تهیه‌کنندگان، مشکلی دارید، تذکر دهید، جواز و عدم جواز کار آن‌ها مربوط به خودشان است.

۷۵/۳/۲۰

﴿س ۵۹۷﴾ معاشرت با کسی که نماز را عمداً ترک نموده، نسبت به محرم و نامحرم بی تفاوت است، حجاب را کنار گذاشته و امر به معروف هم در او تأثیری ندارد، چه حکمی دارد؟
ج - به هر نحو که ممکن است، باید چنین فردی را امر به معروف و نهی از منکر کرد، ولو با ترک مراوده.

۷۵/۲/۱

﴿س ۵۹۸﴾ به نظر جناب عالی، با کسانی که نماز نمی‌خوانند، روزه نمی‌گیرند و با اینکه یکی از این دو فریضه را انجام نمی‌دهند، با آنکه به آن‌ها سه مرتبه نصیحت شده ولی این عمل را ادامه می‌دهند، چگونه رفتار کنیم؟

ج - معاشرت با آنان، چنانچه ترک رفت و آمد، هیچ اثری در کم شدن گناه و ترک آن ندارد، و خود انسان هم تحت تأثیر آن‌ها قرار نمی‌گیرد، مانعی ندارد.^۱ ۷۴/۱۰/۲۷
﴿س ۵۹۹﴾ وقت کار بانک‌ها به نحوه‌ای است که ما در وقت نماز ظهر هم بنا به دستور، مجبور به رسیدگی به امور مشتریان هستیم. آیا این وضعیت به معنای بی‌احترامی و کوچک شمردن نماز است یا این که کار در وقت نماز، بلاشکال است؟
ج - باید به مقررات بانک عمل نمود و وقت کارمند در زمان کار و وظیفه اداری در اختیار محیط کار است و نمی‌توان در امر مستحب برای خود صرف نمود.

۷۷/۴/۲۴

۱. برای آگاهی بیشتر به «رسالة توضیح المسائل» مراتب امر به معروف و نهی از منکر مراجعه کنید.

﴿س ۶۰۰﴾ آیا کسانی که در مراکزی که باید به صورت ۲۴ ساعته در خدمت مردم باشند (مانند داروخانه‌های شبانه‌روزی) مشغول به کاری باشند می‌توانند برای ادای نماز اول وقت کار و مسئولیت خود را رها کرده و مردم را معطل و سرگردان کنند؟ آیا می‌توان کارکنان را ملزم کرد که نماز را در خانه بخوانند و یا در ساعات خلوت به جای آورند؟ آیا اساساً برای ادای نماز در محل کار نیازی به کسب اجازه و موافقت کارفرما و مسئولین مافوق وجود دارد؟

ج - اگر چه خواندن نماز در اول وقت دارای فضیلت بسیار است، اما رسیدگی به امور مراجعین که کارمندان به خاطر آن استخدام شده‌اند واجب و لازم است، لذا مدیریت و مسئول قسمت مربوطه می‌تواند با برنامه ریزی، هم فرصتی را برای نماز خواندن کارمندان قرار دهد و هم حقوق مراجعین محترم در نظر گرفته شود. به هر حال معیار و وظیفه در این‌گونه موارد با بخش نامه و آئین‌نامه‌های معتبر است و حکم شرعی کلی آن غیر از متابعت از قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌ها نمی‌باشد.

۸۱/۳/۱۷

وقت نماز

﴿س ۶۰۱﴾ با توجه به سیره نبوی و توصیه اکید حضرت علی علیه السلام به خواندن نمازهای یومیه در وقت‌های اصلی خود چرا ما شیعیان این را رعایت نمی‌کنیم و خواندن نمازهای پنجگانه را به سه قسمت خلاصه کرده‌ایم. لطفاً دلیل و مدرک قابل ارائه ابلاغ فرمایید.

ج - خواندن در پنج وقت یعنی وقت فضیلت هر کدام منعی ندارد تا نیاز به پاسخ باشد کما این که در سه وقت خواندن هم منعی ندارد و فوئش ثواب زیادتری از دست می‌رود پس سه وقت خواندن منعی ندارد و پنج وقت خواندن هم ملزمی ندارد و باید فکر و سؤال و جواب را مصرف مسائل اساسی اسلام نمود و از این گونه ایرادهای جزئی نادرست صرف نظر نمود و باید دانست که در سه وقت خواندن قطع نظر از مشروعیتش با وضع بشر امروز و کار و فعالیتش سازگارتر است و دلیلی هم بر منع در سه وقت خواندن که از نظر فقه شیعه تجویز شده، وجود ندارد.

۸۲/۴/۱۵

﴿س ۶۰۲﴾ نظر حضرت عالی در باره این که نماز را در وقت مخصوص به خود بخوانند ثواب بیشتری دارد، چیست؟ لطفاً وقت مخصوص نماز عصر و عشا را بیان کنید.

ج - استحباب ثابت نمی‌باشد، چون با هم خواندن در وقت مشترك از جهت این که امروز شعار شیعه است معلوم نیست که ثوابش کمتر از جدا خواندن باشد و وقت مخصوص هر يك را می‌توانید با مراجعه به مسأله ۷۱۲ و ۷۱۷ توضیح المسائل این جانب مطالعه فرمایید.
۸۲/۴/۱۱

﴿س ۶۰۳﴾ می‌خواستم نظر شما را در مورد نمازی که با تأخیر انجام می‌شود ولی با حضور قلب است و نمازی که در اول وقت است ولی با حضور قلب نیست بپرسم که کدام یک ارجحیت دارند؟

ج - نمازگزار باید حداکثر تلاش و کوشش را داشته باشد و نماز را با حضور قلب بخواند و موانع و چیزهایی که باعث عدم حضور قلب می‌شود قبل از نماز برطرف نماید و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار ناچیز ببیند و اگر انسان کاملاً به این مطلب توجه کند چه اول وقت چه آخر وقت از خود بی‌خبر می‌شود، لیکن در رابطه با نماز اول وقت بسیار سفارش شده و لذا از پیغمبر عالی قدر اسلام ﷺ وقتی سؤال می‌شود محبوبترین اعمال در پیشگاه خدا چیست؟ حضرت فرمودند: نماز اول وقت و سیره عملی اهل بیت هم دال بر این است که به نماز اول وقت اهمیت خاصی می‌دادند و چه نیکو است که انسان هم نمازش را اول وقت بخواند و هم حضور قلب را حتی الامکان رعایت کند.
۸۱/۵/۱۱

﴿س ۶۰۴﴾ اول وقت نماز، موقعی است که گفتن اذان شروع می‌شود یا باید بگذاریم اذان کاملاً تمام شود و آن وقت نماز را شروع کنیم؟

ج - معیار، اطمینان به دخول وقت است.
۷۷/۵/۳۰

﴿س ۶۰۵﴾ آیا در شهری مانند خوانسار که از چندین طرف در محاصره کوه‌هاست، وقت نماز صبح و وقت نماز مغرب مانند سایر مکان‌هاست (یعنی وقت نماز صبح، از پیدایش فجر صادق تا آشکار شدن قرص خورشید از پشت کوه، و وقت نماز مغرب، بعد از پنهان شدن قرص خورشید در پشت کوه و از بین رفتن حمرة مشرقیه است یا خیر)؟

ج - اوقات نماز در هر شهر تابع کوه‌ها و افق همان شهر است، و از این جهت هیچ فرقی بین شهرها نیست.

﴿س ۶۰۶﴾ به نظر حضرت عالی وقت نماز صبح در روزهای عادی و شب‌های مهتابی چیست؟ آیا اذان رادیو و تلویزیون برای دخول وقت نمازهای یومیه کفایت می‌کند؟

ج - ملاک، اطمینان به طلوع سپیده فجر و دخول وقت نماز صبح است (از هر راهی که پیدا شود)، و بعید نیست که اذان رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران جزو چیزهای اطمینان‌آور باشد.
۷۴/۷/۱۷

﴿س ۶۰۷﴾ رادیو و تلویزیون اذان مغرب را اکثراً دیرتر از وقت معین اعلام می‌کند، با توجه به اینکه شرط نماز وقت شناختن آن است، آیا مجازیم که موقع دخول وقت (قبل از اذان رادیو و تلویزیون) نماز را به جا آوریم؟ در مورد وقت نماز صبح چطور؟

ج - معیار، اطمینان خود انسان به دخول وقت است.
۷۳/۱۲/۲۹

﴿س ۶۰۸﴾ طی مشاهدات مکرر آسمان به هنگام اذان صبح در مناطق مختلف شهری، روستایی و بیابانی، یقین دارم که اذان صبح رادیو پیش از وقت نماز صبح گفته می‌شود. با این ترتیب، ملاک برای نماز و روزه من چیست؟ یقین خودم یا اذان رادیو؟

ج - ملاک در تشخیص اوقات نماز، خود مکلف است. بنابراین، یقین و اطمینان خودتان معتبر است؛ و ناگفته نماند که اعلام این نکته به دیگران در مورد اذان صبح و یا غیر آن از اوقات، بر شما واجب نیست؛ بلکه چون برای آنان که به صحّت آن اذان‌ها مطمئن هستند، قضای نمازهای گذشته باعث زحمت می‌شود، غیر مطلوب و مذموم است، و در آنچه مرقوم شد که معیار یقین و اطمینان خود مکلف است، فرقی بین فتاوا نیست.
۷۷/۳/۲۲

﴿س ۶۰۹﴾ آیا اوقات شرعی ای که توسط مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران اعلام می‌شود، و با وجودی که در شهرستان ما چندین جدول اوقات شرعی توسط روحانیان منطقه منتشر می‌شود و تفاوت‌های زیادی با هم دارند، معتبر است؟ و آیا به نظر جناب عالی، جدول اوقات شرعی مستخرج از مؤسسه مذکور، مورد تأیید است؟

ج - به هر کدام از نظر علمی و تحقیقی اطمینان زیادتری دارید، عمل نمایید و تشخیص وقت و قبله از شرایط و موضوعات مربوط به علم و اطمینان خود افراد است، نه فقیه و مرجع تقلید.

﴿س ۶۱۰﴾ کشورهای همانند مصر توقیت آن‌ها بر اساس فقه شیعه قابل اطمینان نیست. حال در خصوص وقت نماز می‌توان قدری صبر نمود تا وقت داخل شود (مانند مغرب که تقریباً هوا هنوز روشن است که وقت مغرب آن‌هاست)؛ ولی در خصوص ایام (به غیر از ماه رمضان) که فضیلت‌های خاصی دارند (مانند ۲۷ رجب و یا ۲۵ ذی‌قعدة)، یک روز از افق ایران جلوتر و یا عقب‌تر هستند، چگونه باید عمل کرد؟

ج - نسبت به وقت مغرب، همان غروب عرفی است که خورشید غروب می‌کند و در تحقّق مغرب، ذهاب حمرة مشرقیه (برطرف شدن سرخی طرف مشرق) لازم نیست. و اما نسبت به بقیه مورد سؤال، روزهای اول هر ماه، باید یقین حسب ضوابط شرعیه باشد؛ یعنی با رؤیت هلال و یا ثبوت آن برای انسان و یا گذشتن سی روز از ماه قبلی و یا اطمینان به اول ماه و رؤیت هلال از هر راهی که باشد؛ و ناگفته نماند که رؤیت هلال در هر مملکت برای مملکت دیگر که در شب مشترک باشند، اگر چه اشتراکشان در همه شب نباشد و مقدار کمی باشد، کفایت می‌کند. ۸۶/۷/۲۰

﴿س ۶۱۱﴾ آخر وقت نماز عصر چه زمانی است. اگر ده دقیقه به اذان مغرب مانده باشد، آیا باید نیت قضا کنیم یا ادا؟

ج - آخر وقت نماز عصر، همان غروب عرفی است که با استتار قرص (پنهان شدن خورشید) حاصل می‌شود. ۷۹/۱۲/۲۲

﴿س ۶۱۲﴾ نظر حضرت عالی در مسئله طلوع فجر در لیالی مقمره (شب‌های مهتابی) چیست؟ آیا طلوع فجر در این شب‌ها با شب‌های دیگر تفاوت دارد؟

ج - تفاوت ندارد.

﴿س ۶۱۳﴾ آیا در شب‌های مهتابی، واجب است که بعد از اذان صبح، به مقداری ادای فریضه را به تأخیر انداخت تا سپیده فجر بر نور ماه غلبه محسوس پیدا کند یا خیر؟

ج - فرقی بین شب‌های مهتابی و غیر آن نیست و اطمینان به طلوع صبح، کافی است، هر چند احتیاط مستحب، نخواندن نماز صبح، قبل از غلبه محسوس سپیده فجر و نیز امساک در صوم بعد از طلوع فجر و قبل از غلبه آن است. ۷۳/۱۰/۲۰

﴿س ۶۱۴﴾ وقت دقیق قضا شدن نماز مغرب و نماز عشا چه موقع است؟

ج - هنگام سپیده صبح، نماز مغرب و عشا، قطعاً قضاست و از اول مغرب تا نصف شب، هر دوی آنها اداست و از نصف شب تا سپیده صبح، قضا و ادا بودن آنها معلوم نیست و باید به تیت مافی‌الذمه به جا آورده شود. ۷۸/۲/۱

﴿س ۶۱۵﴾ بعضی از مراجع عظام، وقت نصف شب را یازده ساعت و ربع بعد از وقت اذان ظهر می‌دانند که آخر وقت نماز عشا است. نظر شما در این باره چیست؟

ج - چون به نظر این‌جانب از اذان صبح تا طلوع آفتاب جزو شب است، بنابراین، نصف شب را باید از اول غروب تا اول طلوع آفتاب حساب نمود نه تا سپیده صبح. ۷۵/۵/۳

﴿س ۶۱۶﴾ اگر نماز مغرب و عشا کمی دیرتر از اول وقت خوانده شود، آیا باز هم می‌توان نوافل بعد از آنها را خواند؟

ج - وقت نافله مغرب، بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقت از بین رفتن سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می‌شود و وقت نافله عشا، بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است، و بهتر است بعد از نماز عشا، بلافاصله خوانده شود. ۷۶/۴/۱۲

﴿س ۶۱۷﴾ آیا در تنگی وقت، جایز است در تشهد، فقط شهادتین و صلوات گفته شود و بقیه کلمات حذف گردد؟

ج - جایز نیست و در تنگی وقت، یک رکعت در وقت قرار بگیرد، کفایت در ادا می‌نماید، ولو بقیه رکعات در خارج وقت واقع شود.

﴿س ۶۱۸﴾ اگر آخر وقت نماز باشد و شخص یقین داشته باشد که به اندازه یک رکعت هم از نماز وقت ادا باقی نمانده، ولی نمازش را به نیت ادا شروع کند و بعد متوجه شود که به اندازه یک رکعت یا بیشتر وقت داشته، آیا نمازش صحیح است یا خیر؟

ج - نمازش صحیح است و ادراک یک رکعت، به منزله ادراک کل است. ۷۶/۱۲/۱۴

﴿س ۶۱۹﴾ این جانب در حال عزیمت به یکی از مناطقی هستم که شش ماه شب و شش ماه روز است. بفرمایید که وظیفه بنده نسبت به ادای نماز و روزه چگونه است و اوقات شرعی را چگونه محاسبه کنم؟

ج - در مکان‌هایی که تقریباً شش ماه شب و شش ماه روز است، یعنی روز و شبش بر خلاف متعارف است، وجوب روزه، علی الأقرب ساقط است، ولی نماز یک روز و یک شب در تمام سال، واجب است و طریق محاسبه اوقات شرعی به این صورت است که هنگامی که خورشید به انتها درجه ارتفاعش رسید، ظهر شرعی است و وقتی که به انتها درجه انخفازش رسید، نیمه شب است و نماز صبح، بعد از سپیده صبح تا قبل از طلوع خورشید، و نماز مغرب و عشا پس از غروب عرفی است و نتیجتاً در ظرف یک سال، بیش از پنج نماز بر شما واجب نیست و اگر بخواهید احتیاط کنید، می‌توانید شبانه روز را با ساعات متعارف از ایام محاسبه کنید، یعنی هر ۲۴ ساعت را یک شبانه روز قرار داده و نمازهای پنجگانه را بر حسب متعارف مکان‌های متعارف انجام دهید. ۷۶/۳/۱۰

﴿س ۶۲۰﴾ در برخی از مناطق این کره خاکی نواحی جغرافیایی وجود دارد که در برخی روزهای سال شاهد شبی به طول ۲۳ ساعت و سپیده ۱ ساعته می‌باشد و پس از ۶ ماه دارای روز ۲۳ ساعته و سپیده ۱ ساعته می‌باشد. در این مناطق چگونه اوقات شرعی را توضیح دهید؟

ج - وقت نمازها در آن بلاد با بقیه جاهای دیگر فرقی ندارد، چون به هر حال زوال شمس از نصف النهار و غروب آن و طلوع فجر صادق در آن بلاد وجود دارد. آری، اگر آن وقت‌ها وجود نداشته باشد توضیح دهید تا مجدداً جواب داده شود.

۸۳/۱/۲۰

﴿س ۶۲۱﴾ بنا بر جدول اوقات شرعی منتشره از سوی مسجد امام علی علیه السلام است که هم (وابسته به مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام) طلوع فجر در این ایام در این شهر مشخص نیست و توصیه مسجد آن است که نماز صبح، نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب اقامه شود. از آن جا که غروب آفتاب هم تا ساعت ۲۲:۵۴ پیش می‌رود و طلوع آفتاب هم تا ۳:۲۰ صبح (که نمازهای مغرب و عشا صبح خصوصاً برای تازه مکلفین بسیار مشکل می‌شود) لطفاً در موارد زیر فتوای آن مرجع محترم را بیان فرمایید:

۱. در مورد غروب آفتاب آیا می‌شود به شیوه اهل تسنن عمل کرد؟

۲. در مورد نماز شب چه زمانی افضل است؟ (طبق جدول مذکور، تشخیص نیمه

شب هم میسر نیست).

۳. در حالی که هوا پس از غروب آفتاب آن قدر تاریک نمی‌شود که سیاهی کامل همه جا را فرا بگیرد و طلوع فجر مشخص شود، آیا می‌توان مانند نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا، دخول به وقت نماز صبح را نیز همزمان با نمازهای مغرب و عشا دانست؟ لازم به ذکر است که آخرین روزی که طلوع فجر مشخص است، ۲۸ آوریل است که ۱۰:۱۰ بامداد است و می‌شود نماز صبح را در این زمان اقامه کرد، نیمه شب هم ۲۳:۷ است و غروب هم ۲۱:۱۵ و از ۲۹ آوریل با آن که روزها بلند تر می‌شود وقت نماز صبح دچار مشکل می‌شود (شاید بتوان گفت که گم می‌شود).

ج - چون معیار غروب و طلوع آفتاب و طلوع فجر و نصف شب هر جایی تابع زمان هر يك از آنها در آن محل می‌باشد نه تابع ایران یا عراق یا حجاز و یا سایر جاها، بنابراین هیچ مشکل شرعی در اوقات شهری که در آن سکونت دارید پدید نمی‌آید برای آن که هر زمان که آفتاب غروب نمود ولو از ساعت ۲۲:۵۴ هم بگذرد همان وقت نماز مغرب و عشا است، چون مغرب به نظر این‌جانب همان غروب آفتاب است و معیار شناختن نیمه شب گذشتن نصف از شب است، که از زمان غروب آفتاب تا طلوع آفتاب حساب می‌شود و حسب آن چه از سؤال استفاده می‌شود حتی اگر کل شب تقریباً ۴ ساعت الی ۵ ساعت باشد دو ساعت ونیم که از غروب آفتاب گذشت نصف شب می‌باشد

و وقت نماز صبح هم همان طلوع فجر صادق همان محلّ است هر چند مدت فاصله‌اش با غروب کم باشد، و ناگفته نماند که تا یقین به طلوع فجر صادق پیدا نشده نمی‌توان نماز صبح را خواند و لذا تأخیر تا نزدیکی‌های طلوع آفتاب آن جا جایز است این بود خلاصه جواب از سؤال‌های حضرت عالی و خود شما بهتر می‌توانید حسب قاعده گفته شده یعنی هر جایی طلوع و غروبش منطبق با همان جا باید باشد پاسخ سؤال‌های موردی را دریافت نمایید و مشکلی هم ظاهراً در کار نیست و شاید آقایان نظر فقهای مثل آقای خوئی را بیان می‌کنند به هر حال برای توضیح زیادتیر می‌توانید باز هم ما را مورد لطف قرار داده و سؤال فرمایید.

۸۲/۳/۲۰

﴿س ۶۲۲﴾ در آینده‌ای نزدیک، انسان به کره مریخ خواهد رفت. اگر در بین این افراد، مسلمان وجود داشته باشد در این حالت با توجه به این که شب و روز مفهومی ندارد؛ اوقات شرعی این افراد چگونه است؟ اگر این افراد را به خواب زمستانی ببرند و پس از ۷-۸ ماه بیدار نمایند، نماز و روزه آن‌ها چگونه است؟ با توجه به این که این افراد جای تحرک کمی خواهند داشت چگونه و به چه سمت نماز بخوانند؟

۸۳/۱/۲۰

ج - وقت نماز تابع زوال شمس و غروب آن در آن جا است.

﴿س ۶۲۳﴾ فضانوردان مسلمانی که به فضا می‌روند با توجه به این که هر ۹۰ دقیقه یک بار به دور زمین می‌گردند سمت و وقت نماز و کیفیت روزه آن‌ها چگونه است؟

ج - در کل شبانه روز (۲۴ ساعت) بیش از پنج نوبت نماز واجب نیست، اما باید

مراعات طلوع فجر و زوال ظهر، وقت مغرب و عشا را برای خواندن نمازها

۸۳/۱/۲۰

بنمایند.

﴿س ۶۲۴﴾ حکم نماز کارکنان آتش نشانی، هنگامی که در حال انجام مأموریت هستند، چگونه است؟ با توجه به این که گاهی مأموریت (خاموش کردن آتش، نجات افراد و...) ساعت‌ها طول می‌کشد.

ج - اگر مطمئن است که در وقت نمی‌تواند نمازش را با تمام شرایط بخواند، حمد و

۸۳/۳/۴

سوره را می‌خواند و رکوع و سجود را با اشاره به جا می‌آورد.

﴿س ۶۲۵﴾ ۱. حکم نماز و روزه در فضا (برای فضانوردان) چیست؟

۲. وقت شرعی چگونه تعیین می‌شود؟

ج ۱- اگر در مدار زمین در حرکت باشند و حرکت آنها هماهنگ با حرکت زمین باشد که نتیجتاً دائماً در یک وقت قرار خواهد داشت در چنین حالتی نماز و روزه آنها واجب نیست، و ناگفته نماند که اگر بر فرض محال عادی کسی برای ترک نماز خود را در چنین مواردی قرار دهد معصیت کار است و قضای نماز و روزه‌ها به عهده‌اش می‌باشد، و اما اگر حرکت آنها تندتر از حرکت زمین باشد به گونه‌ای که مثلاً در یک شبانه‌روز چندبار به دور زمین بچرخند ظاهر این است که نمازهای پنج‌گانه را نسبت به شبانه روز زمین بجا آورد و اما وقت نمازها را در هر یکی از گردش‌ها مواقع با نماز قرار دهید. بنابراین، نماز صبح را با یکی از طلوع‌ها و نماز ظهر و عصر را در هر یکی از گردش‌ها مواقع با نماز یکی از روزها و مغرب و عشا را با یکی از شب‌ها به جا آورد و اما اگر در کرات دیگری غیر از زمین باشد اوقات شرعی در آن جا تابع زوال و غروب خورشید در همان جا می‌باشد و برای روزه طلوع فجر تا هنگام غروب است.

ج ۲- از جواب اول معلوم است. ۸۱/۴/۳۰

﴿س ۶۲۶﴾ اگر شخصی پس از وارد شدن وقت نماز بخوابد و بعد از بیدار شدن از خواب،

نمازش را بخواند، چه وجهی دارد؟

ج- اگر وقت برای خواندن نماز بعد از خواب باشد و یقین نداشته باشد که اگر بخوابد،

برای نماز بیدار نمی‌شود تا نمازش قضا شود، اشکالی ندارد، و نمازی که بعد از خواب

می‌خواند، صحیح است؛ لیکن مطلوب شرع مقدّس، نماز اوّل وقت است. ۷۹/۵/۱۶

قبله

﴿س ۶۲۷﴾ اگر مرا به جایی ببرند که ندانم کجاست و کسی یا علامتی هم که قبله را به

من نشان دهد، نباشد، برای نماز باید چه کنم و به چه سمتی نماز بخوانم؟

ج- در صورت ندانستن قبله، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، بنا بر احتیاط مستحب

باید چهار نماز به چهار سمت (شمال، جنوب، مشرق و مغرب) بخوانید، اگر چه

به یک جهت نماز خواندن، خالی از وجه نیست. ۷۶/۱/۳

﴿س ۶۲۸﴾ اگر در بیابان هوا ابری باشد و امکان تشخیص و تحقیق سمت قبله هم نباشد و وقت نماز هم تنگ باشد. تکلیف چیست؟

ج - به هر طرفی که گمان دارد، نماز بخواند؛ وگرنه در صورت بودن وقت، بنا بر احتیاط مستحب به هر چهار طرف نماز بخواند.
۷۵/۴/۲۴

﴿س ۶۲۹﴾ اگر نتوانم جهت قبله را دقیقاً مشخص کنم به کدام سمت می توانم نماز بخوانم؟
ج - به همان سمت که احتمال قبله بودنش زیادتر است نماز بخوانید و اگر همه سمت ها از نظر احتمال مساوی است خواندن نماز به يك سمت كفايت می کند.
۸۲/۴/۴

﴿س ۶۳۰﴾ تا چه حد انحراف از قبله، نماز را باطل می کند؟

ج - انحراف از قبله با علم و عمد، مطلقاً نماز را باطل می کند؛ اما اگر بعد از تحقیق و تشخیص قبله، معلوم شود که انحراف به مقدار یمین یا یسار قبله نبوده است، مانعی ندارد.
۷۴/۱/۱۸

﴿س ۶۳۱﴾ فردی قبل از عزیمت به یکی از شهرهای آمریکا، توسط نقشه جغرافیایی، زاویه قبله را تعیین می کند و سپس از چند نفر عادل که قبلاً به آن شهر سفر کرده بودند، در مورد صحت زاویه تعیین شده سؤال می کند و آن ها هم تأیید می کنند، لذا در مورد صحت آن یقین حاصل می کند و چندین ماه نماز واجب و نماز قضا را به آن جهت می خواند، اما بعداً متوجه می شود که بعضی از مسلمانان در همین جهت و بعضی دیگر در جهتی دیگر نماز می خوانند، و بعد از تحقیق بیشتر متوجه می شود که چون این شهر تقریباً نقطه مقابل کعبه، در آن طرف کره زمین است، هم جهت اول جهت کعبه است و هم جهت دوم، منتها جهت دوم با طول مقداری کمتر به کعبه منتهی می شود. تکلیف نمازهای واجب و قضای خوانده شده در جهت اول چیست؟

ج - نمازهای خوانده شده، صحیح است.
۷۵/۴/۸

﴿س ۶۳۲﴾ در نیم کره غربی مناطقی است که به هر ۳ یا ۴ طرف که بایستید قبله است در این مناطق در چه جهتی باید اعمال شرعی را انجام داد؟

ج - بر فرض این که فاصله همه جهات به قبله به یک اندازه است، به هر کدام از آن جهات بایستد کفایت می کند.
۸۳/۱/۲۰

﴿س ۶۳۳﴾ به واسطه حواسپرتی، در وسط نماز، در رکعت اول یا دوم، متوجه شدم که رو به قبله نایستاده و اشتباهاً به سمت دیگری نماز خوانده‌ام. تکلیف چیست؟
 ج - موقعی که متوجه شدید، اگر پشت به قبله یا به یمن و یسار نبوده‌اید، نماز را رو به قبله تمام کنید در این صورت نماز شما صحیح است؛ اما اگر انحراف در جهت پشت به قبله یا سمت یمن و یسار باشد، نماز باطل است، و باید اعاده شود.

۷۵/۱۰/۱۶

﴿س ۶۳۴﴾ مسجدی از قبله حقیقی، تقریباً سی درجه انحراف دارد و امام جماعت مسجد اصرار به مراعات قبله مسجد دارد. عده‌ای از مأمومین با اقتدا به امام جماعت، به اندازه انحراف یاد شده صف می‌کشند، و عده‌ای دیگر از امام جماعت تبعیت نمی‌کنند. لطفاً بفرمایید آیا اقتدا به امام جماعت مانعی دارد یا خیر؟ تکلیف چیست؟

ج - اختلاف امام و مأموم در قبله، اگر کمتر از انحراف به یمن و یسار باشد، مضرّ به صحّت جماعت نیست و هر یک می‌توانند به وظیفه خود در باره قبله عمل کنند.

۷۳/۶/۲۹

﴿س ۶۳۵﴾ حالت قبله برای نماز در هواپیما و کشتی که در حالت تغییر وضعیت می‌باشد چگونه است؟

ج - تا می‌تواند قبله را تشخیص دهد ولو با گمان باید در حال حرکت هواپیما یا کشتی به طرف غیر قبله با سکوت خود را به طرف قبله بچرخاند و استقبال را حفظ کند و اگر نمی‌داند کدام طرف قبله است شرطیت قبله ساقط است و همان طور نماز بخواند.

۸۳/۹/۱۹

﴿س ۶۳۶﴾ شخصی است که اگر نماز را ایستاده بخواند، در حال رکوع و سجود از قبله منحرف می‌شود، ولی اگر نشسته بخواند، منحرف نمی‌شود، کدام یک مقدم است؟

ج - غیر از رکوع و سجود، بقیه اعمال را در حال قیام و آن دو را در حال نشسته انجام دهد، چون قدرت بر انجام آن دو را در حال قیام (به خاطر عدم تمکن از شرط صحّت که استقبال است) ندارد، و این مورد مانند کسی است که قدرت بر رکوع و سجود قائماً ندارد، ولی قدرت بر قیام در بقیه اعمال نماز را دارد.

﴿س ۶۳۷﴾ اگر زمانی انسان در کره ماه زندگی کند، چگونه باید وقت نماز را مشخص کند و چگونه رو به قبله نماز بخواند؟

ج - قبله در کره ماه، همان زمین است، یعنی ساکنین در آنجا رو به زمین که بایستند، رو به قبله بودن صدق می‌کند؛ اما نسبت به وقت نماز، تابع زوال شمس و غروب آن در آنجا هستند.
۷۲/۱۰/۱۲

﴿س ۶۳۸﴾ حکم قبله در فضا برای فضانوردان چیست؟

ج - اگر در فضا باشد و برایش امکان داشته باشد که در مکانی خود را محکم کند باید به گونه‌ای قرار بگیرد که پاهایش به طرف قبله باشد و اگر استقرار امکان ندارد، در صورت توانایی پاهایش را به طرف کره زمین قرار دهد و با عدم توانایی به هر صورت که می‌تواند نماز بخواند و در همه احوال جهت قبله و یا جهت نزدیک به آن را هم مراعات نماید و اگر در کرات دیگر باشد قبله در آن جا کره زمین می‌باشد که نتیجتاً قرار گرفتن در مقابل کعبه حاصل می‌شود.
۸۱/۴/۳۰

﴿س ۶۳۹﴾ نظر جناب عالی در باره استفاده از قبله‌نما جهت شناختن قبله چیست؟
ج - استفاده، مانعی ندارد، به شرط آن که مفید اطمینان باشد.
۷۷/۶/۸

بدن و لباس نمازگزار

﴿س ۶۴۰﴾ خون داخل بینی که بیرون نمی‌آید ولی با آینه دیده می‌شود، آیا برای نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج - برای نماز ضرری ندارد.
۷۴/۴/۱۷

﴿س ۶۴۱﴾ عده‌ای از کارگران معدن هستیم که از صبح تا غروب آفتاب در معدن مشغول به کار هستیم. تعدادی دستشویی در آنجا قرار دارد که فاقد آب است، و به همین دلیل بدن و لباسمان پاک نیست. بفرمایید تکلیف ما نسبت به ادای نماز چگونه است؟

ج - خواندن نماز با لباس یا بدن نجس از روی ناچاری، مانعی ندارد.
۷۵/۷/۱۴

﴿س ۶۴۲﴾ شخصی نزدیک صبح جُنُب شده و زمانی که از خواب بیدار می‌شود، می‌بیند که وقت غسل و تطهیر کردن ندارد، لذا تیمم بدل از غسل می‌کند تا نماز را به جا آورد. آیا می‌تواند در همان حال و با همان لباس نماز را به جا آورد؟

ج - اگر نتواند بدن را تطهیر و لباس را تعویض یا تطهیر کند اگر در بیابان است، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شده، نماز بخواند؛ و اگر نتواند برهنه نماز بخواند، نماز خواندن با آن حال، مانعی ندارد، ولی تا می‌تواند باید نجاست را کم کند؛ ولی اگر در غیر بیابان باشد، باید در همان لباس نماز بخواند، لیکن احتیاط مستحب آن است که نماز را در لباس پاک قضا نماید. ۶۹/۲/۱۷

﴿س ۶۴۳﴾ شخصی مبتلا به بیماری قارچ در ناحیه دستگاہ تناسلی می‌باشد که با خارش شدید همراه است و معمولاً لباس زیرین را به خون یا ترشحات زرد رنگ آلوده می‌کند. آیا می‌تواند با این لباس نماز بخواند؟

ج - خون زخم یا جراحت یا دُمَل که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دُمَل خوب نشده است، گرچه نجس می‌باشد، ولی می‌تواند با آن خون نماز بخواند. ۸۲/۷/۲۱

﴿س ۶۴۴﴾ کسی که کنترل ادرار خود را ندارد و نمی‌داند که چه ساعاتی می‌تواند خود را کنترل کند، اگر در حین نماز نجس شود، چه حکمی دارد؟ کسی که کنترل مدفوع خود را ندارد، چه طور؟

ج - چنین کسی قبل از هر نماز باید خود را تطهیر نماید و به وسیله‌ای از سرایت نجاست ادرار در حد امکان به جاهای دیگر بدن و لباس، خود را محفوظ بدارد و بیرون آمدن ادرار برای امثال موارد ذکر شده در سؤال که شخص وقت معینی را به قدر وقت نماز که در آن وقت ادرار بیرون نیاید، از خود سراغ ندارد، مضرّ به صحت نمازش نیست و اکتفا به یک وضو برای آن‌ها نسبت به دو نماز که پشت سر هم خوانده می‌شود، خالی از قوت نیست؛ لیکن احتیاط، در گرفتن یک وضو برای هر نماز است و در این حکم، فرقی بین مدفوع و ادرار نسبت به وضو و تطهیر نیست. ۷۷/۱/۲۳

﴿س ۶۴۵﴾ بدن برخی از بیماران بستری در بیمارستان به واسطه خونگیری و... نجس است و بعضی نیز لباسشان نجس است. در صورتی که امکان غسل و دسترسی به لباس پاک نباشد، برای ادای نماز چگونه باید عمل کنند؟

ج - در صورت ناچاری مانعی ندارد و صحیح است، به شرط آن که به مقدار توان، لباسهای نجس را کم کنند و سبک نمایند؛ چون تخفیف در نجاست، مانند اصل طهارت و پاک بودن بدن و لباس، شرط صحت نماز است. ۷۷/۵/۲۹

﴿س ۶۴۶﴾ اگر در دو جای بدن یا لباس لکه خون، هر کدام به اندازه حدوداً یک درهم باشد، آیا نماز خواندن با آنها اشکال دارد؟

ج - آن مقدار از خون لباس در نماز معفو است که اندازه آن کم تر از یک درهم باشد و در فرض سؤال، چون هر یک به قدر درهم است، معفو نیست؛ و ناگفته نماند که به مقدار درهم و مازاد، معفو نیست و نیز در خونهای متعدد و مختلف، معیار مجموع آنهاست نه هر یک جداگانه. بنابراین، اگر هر یک مستقلاً کم تر از یک درهم باشند، لیکن مجتمعاً به قدر یک درهم یا زیادتر باشند، معفو نیست. ۷۷/۵/۲۹

﴿س ۶۴۷﴾ در مواردی که در قسمتی از بدن شخص، زخمهای بزرگ و کوچک متعددی باشد، وضعیت فعلی درمان او چنین است که در انجام دادن کارهای درمانی از قبیل: بخیه، ضد عفونی کردن و پانسمان و غیر آن، منطقه‌ای که مشتمل بر آن زخم‌هاست، کلاً متنجس می‌شود و این نجس شدن، به وسیله خون خارج شده از زخم نیست؛ بلکه خون، با داروهای ضد عفونی غالباً زایل می‌شود؛ لیکن با آغشته کردن محل با مواد ضد عفونی و دارویی، کل قسمت مشتمل بر زخم‌ها متنجس می‌شود و حتی ممکن است به دلیل حال بد بیمار و ناحیه زخم، نجاست دیگری از قبیل بول و غائط نیز در این مسئله دخالت نماید. از طرفی به دلیل حرّجی بودن و ضرر داشتن، تطهیر امکان‌پذیر نیست و از طرفی رطوبت خارجیه مورد عفو نیست. با توجه به موارد گفته شده، در خصوص چند سؤال ذیل، نظر خود را اعلام فرمایید:

۱. آیا عفو از خون جروح و قروح، مواردی را که رطوبات خارجی وارد منطقه زخم

بشود، به طوری که ورود این رطوبات، لازمهٔ معالجه و درمان باشد و باعث متنجس شدن بخشی از بدن گردد و تطهیر آن حرجی باشد، شامل می شود یا خیر؟

۲. در سؤال فوق، اگر رطوبت خارجی به طور اتفاقی وارد شود و لازمهٔ درمان نباشد، مثل این که دارویی نشت کند یا مایعی روی زخم بریزد، عفو در نماز شامل آن می شود یا نه؟

۳. در مواردی که علاوه بر خون جروح، نجاست دیگری از قبیل بول و غائط در بخش مجروح بدن دخالت داشته باشد و تطهیر، حرجی باشد، عفو شامل می شود یا خیر؟

۴. در هر موردی از موارد فوق که از شمول معفو بودن خون قروح و جروح خارج باشد، ولی تطهیر بدن یا لباس به دلیل زخم یا بیماری دارای حرج شخصی یا نوعی یا دارای ضرر برای زخم باشد، تکلیف شخص از نظر نحوهٔ اقامهٔ نماز چیست؟

ج - در مسئلهٔ عفو از نجاست در نماز، دو عنوان مورد عفو است و هر کدام هم

مستقل است: ۱. خون کم تر از درهم بغلی (یعنی تقریباً به اندازهٔ یک اشرفی)؛

۲. خون قروح و جروح و لوازم آن و غیر لوازم که از الهاش حرجی باشد و نتوان

به سهولت آنرا تطهیر و یا مرتفع نمود، و موارد مرقومه (سؤالهای فوق) از

مصادیق عنوان دوم است که با حرج، معفو است. آری، در عنوان اول، همان قیود

و ضیقی که در عبارات اصحاب آمده، به خاطر اقتضای بر مورد نص، معتبر

شناخته شده و با بودن عنوان موسع دوم، ضیق عنوان اول برای افراد مشکلی به

وجود نمی آورد. «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر».

﴿س ۶۴۸﴾ اگر انسان احتمال دهد که هنگام شستن محل بول و غائط، آب به لباسش

ترشح نموده است، آیا نماز خواندن با آن لباس درست است یا خیر؟

ج - مانعی ندارد.

﴿س ۶۴۹﴾ با توجه به اینکه همهٔ هم سلولی های بنده در زندان کشور غیراسلامی، افراد

غیرمسلمان اند و محیط سلول نیز کوچک و بهره برداری از زمین، لباس و وسایل شخصی

طاهر برای ما غیرممکن است، در این صورت، نماز ما چه حکمی دارد و تکلیف چیست؟

ج - باید توجه داشت که اولاً یقین معتبر در نجاست زمین، فرش و لباس که مضرّ به

نماز باشد، معمولاً حاصل نمی شود؛ ثانیاً نماز در این گونه مکانها هر چند با

نجاست هم باشد، مانعی ندارد و صحیح است؛ لیکن تخفیف نجاست اگر مقدور باشد، مطلوب (بلکه لازم) است، بدین معنا که اگر چند لباس نجس پوشیده باشد و هنگام نماز بتواند تعداد کمتری از آنها را بپوشد، باید همین کار را انجام دهد.

۷۲/۶/۱۱

﴿س ۶۵۰﴾ برخی تاول و جوش‌های بدن، احیاناً باعث ایجاد لکه‌های خون در لباس می‌شوند. با این قبیل لباس‌ها نماز خواندن چه حکمی دارد؟

ج- اگر شخص یقین دارد که خون است نه زردآبه، اگر کم‌تر از درهم باشد (که تقریباً

به اندازه یک اشرفی می‌شود)، مانعی ندارد. ۷۹/۷/۲۴

﴿س ۶۵۱﴾ اگر انسان نداند که لباسش نجس است یا نه و بعد از آن هم نفهمد، نمازش

صحیح است یا نه؟

ج- نمازش درست است و آنچه موجب بطلان نماز است، یقین به نجاست در لباس و

بدن، و یا فراموش کردن آن است که بعد از نماز، هر وقت فهمید، باید نماز را

دوباره بخواند و جهل به نجاست، هر چند بعد از نماز هم بفهمد، موجب بطلان

نیست. ۷۸/۳/۱۷

﴿س ۶۵۲﴾ اگر در نجاست لباسی شک داشته باشیم، آیا نمازهایی که با آن خوانده‌ایم،

باطل است؟

ج- کسی که در پاک بودن بدن و لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از

نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نمازش صحیح است. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۶۵۳﴾ آیا اگر بعد از مدت حیض حمام کردیم؛ اما دوباره بعد از چند ساعتی بعد

خون دیدیم و حمام کردیم، اشکال دارد همان لباس‌های قبلی را بپوشیم؟ یعنی آیا

خواندن نماز با آن لباس‌ها اشکال دارد؟

ج- اگر لباس به خون یا نجاست دیگری آلوده نشده باشد، مانعی ندارد.

﴿س ۶۵۴﴾ مگر خداوند به زن‌ها نامحرم است که اگر چه در اتاق تنها باشد، باید

باحجاب نماز بخواند؟

۷۹/۷/۱۰

ج- نماز از واجبات است و اجزاء و شرایطش تعبدی است.

﴿س ۶۵۵﴾ آیا زن هنگام نماز واجب است حجاب را رعایت کند (حتی در نبود نامحرم)؟ در صورت مثبت بودن فلسفه و دلیل شرعی آن چیست؟

ج - آری، چون خود پوشش و حجاب برای زنان یک نحو ادب برای زن است، پس باید هنگام نماز مراعات شود و به هر حال یک قانون الهی است که در انجام دستوراتش، به همان نحو که خواسته باید انجام گیرد. ۸۲/۱۱/۳

﴿س ۶۵۶﴾ آیا پوشیدن چادر در نماز شرط است یا می توان نماز را با مانتو، روسری و مقنعه خواند؟ همچنین بفرمایید در این باره، بین نماز فرادا و جماعت، فرقی هست یا خیر؟

ج - آنچه که برای زن نمازگزار شرط است، پوشاندن کل بدن، غیر از وجه و کفین و پاها تا مچ است، لیکن چادر، بهترین وسیله پوشش برای بانوان است. ۸۶/۶/۲۵
﴿س ۶۵۷﴾ گاهی اوقات لباس زنان به گونه ای است که سایه ای از بدن یا موی آنها پیداست. آیا چنین حالتی برای نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر حجاب و ساتر به نحوی باشد که بدن دیده شود، کافی نیست. ۶۸/۱۱/۱۶
﴿س ۶۵۸﴾ ستر موی مصنوعی خانم ها در نماز و همچنین غیر نماز چه حکمی دارد؟ آیا پوشاندن آنها واجب است یا خیر؟ نگاه کردن به آنها چه صورتی دارد؟

ج - نگاه کردن به موی مصنوعی و یا لمس آنها که از اجزای بدن زن نیست، مانعی ندارد، کما این که پوشاندن آنها برای نماز هم غیر لازم است. آری، آنچه از سر و گردن که با موی مصنوعی پوشانده نشده، باید پوشانده شود. ۷۸/۲/۲۷

﴿س ۶۵۹﴾ در حال نماز اگر زیر چانه زن پوشیده نباشد، چه حکمی دارد؟
ج - زن باید موقع نماز، تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دست ها و پاها تا مچ لازم نیست؛ اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند. ۷۹/۷/۱۰

﴿س ۶۶۰﴾ در موقع نماز آیا باید کف پای زن پوشیده باشد یا خیر؟
ج - خیر، لازم نیست پوشیده باشد. ۷۱/۱۱/۱۷

﴿س ۶۶۱﴾ آیا چادر مشکی برای زن کراهت دارد؟ برای نماز چه طور؟

ج - یکی از چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است، پوشیدن لباس سیاه است، حتی برای خانم‌ها، مگر با ستر و عفاف در شأن آن‌ها منافات داشته باشد و فقه و شرع برای رنگ و کیفیت لباس، فی حدّ نفسه، نه نسبت به مردان و نه نسبت به زنان، حکم خاصی ندارد، «وکلّ شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» و اصل در همه اعمال، بر حلیت است. آری، عوارض جانبی، مانند به انحراف کشیدن جوانان و ترویج فرهنگ‌های مبتذل و یا خلاف حیای عمومی و امثال آن، جهات دیگری است که می‌تواند موجب منع عقلی و یا عقلایی یا شرعی گردد و عدم جوازش تابع همان منع است. ۷۹/۷/۱۰
 ﴿س ۶۶۲﴾ آیا نماز خواندن با لباس نقشدار (اعم از تصویر انسان یا حیوان) صحیح است یا خیر؟

ج - بودن عکس در لباس نمازگزار موجب بطلان نماز نیست، هر چند نبودنش مطلوب است. ۷۱/۱۱/۴

﴿س ۶۶۳﴾ پوشیدن لباسی که روی آن تمثال مبارک حضرت علی علیه السلام نقش بسته، برای نماز چه حکمی دارد؟
 ج - نماز باطل نیست. ۷۵/۷/۲۳

﴿س ۶۶۴﴾ آیا پوشیدن کفش طبی در حال نماز - در صورتی که هنگام سجده، مواضع سجده بر روی زمین قرار گیرد و شرایط دیگر هم رعایت شود -، اشکال دارد؟
 ج - اشکالی ندارد. ۷۶/۲/۵

﴿س ۶۶۵﴾ آیا پوشاندن دندان با طلا اشکال دارد؟ حکم پوشاندن آن با پلاتین چیست؟
 ج - استفاده از طلا به عنوان زینت برای مردان، حرام است؛ ولی استفاده از پلاتین و نقره در نماز، مانعی ندارد. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۶۶۶﴾ آیا استفاده از زیور آلات طلا که برای اطفال هدیه می‌آورند، برای طفل پسر، مانند مردان حرام است یا خیر؟

ج - انسان تا بالغ نشده، امثال استفاده از طلا در محرّمات، بر او حرام نیست و اصولاً غیر بالغ، تکلیف ندارد و مرفوع القلم است. ۷۶/۳/۶

﴿س ۶۶۷﴾ طلا و نقره برای مرد به عنوان زینت چه حکمی دارد؟

ج - نقره، مانعی ندارد، لیکن طلا به عنوان زینت، برای مردها حرام است.

۷۵/۱۲/۲۴

﴿س ۶۶۸﴾ آیا به دست کردن حلقه طلا برای چند لحظه در مجلس جشن، بدون قصد

زینت، حرام است یا خیر؟

ج - به دست کردن حلقه و انگشتر طلا برای مرد حرام است و فرقی بین مدت کوتاه

و طولانی نیست، و قصد زینت و عدم آن تأثیری در حرمت و یا رفع آن ندارد،

چون خود انگشتر و حلقه طلا در فتوا آمده است. ۶۹/۱۱/۱۷

﴿س ۶۶۹﴾ می‌خواستم علت حرام بودن زیورآلات طلا برای مردان را بدانم. لطفاً منابع

اخذ این حکم را ذکر فرمایید تا حدی که اگر کسی از ما سؤال کرد جواب ماقانع‌کننده باشد.

ج - شاید یکی از عللش آن باشد که گفته می‌شود از هورمون جنسی مرد با زینت

کردن خود به طلا کاسته می‌شود و در فرزند هم از حیث پسرشدن مؤثر است

و علل دیگر هم ذکر شده، اما همه آنها تحلیل است نه بیان فلسفه واقعی احکام،

و آن چه مهم است عقیده به این که خداوند قانونگذار در قانونگذاری اش نفع بشر

را همیشه و همه جا مراعات نموده و می‌نماید و اوست که به امور آگاه می‌باشد

«... إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَتَّصُّ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ»^۱، حق قانونگذاری و حرام

و حلال بودن کارها و اشیاء منحصرأ از آن خداوند است که حق را به طور کامل

از ناحق جدا می‌کند و عالم به آن است. ۸۲/۳/۲۴

﴿س ۶۷۰﴾ انگشترهای ساخته شده از طلای سفید که مخلوطی از طلای زرد و نقره

است، برای مردان چگونه است؟ نماز با آن چه حکمی دارد؟

ج - در حرمت استفاده از انگشتر طلا، فرقی بین طلای خالص یا ممزوج نیست و نماز

خواندن با آن نیز باطل است. ۷۱/۱/۲۵

﴿س ۶۷۱﴾ آیا استفاده از انگشتر پلاتین و نقره در حین نماز، اشکال دارد یا خیر؟

ج - استفاده از آنها در نماز، مانعی ندارد. ۷۵/۷/۲۷

﴿س ۶۷۲﴾ اگر مردی به قصد زینت از گردنبند طلا استفاده کند، آیا دوستی با او اشکال دارد؟

ج - طلا به عنوان زینت، برای مردان حرام است و در مفروض سؤال، امر به معروف و نهی از منکر لازم است، ولی دوستی با فرد مذکور اشکالی ندارد. ۷۵/۱۲/۱۷

﴿س ۶۷۳﴾ بعضی از طلافروشان و طلاسازان ادعا می‌کنند که پلاتین (به جهت خشک بودن آلیاژ آن) به تنهایی قابلیت ندارد که به صورت انگشتر در آید و باید آن را مثلاً با مقداری طلا آمیخته کرد. آیا استفاده از انگشتر پلاتینی که این چنین تهیه و ساخته شود، برای مرد (خصوصاً هنگام نماز) جایز است؟

ج - در صورتی که طلا باشد، نماز خواندن با آن باطل و استعمال آن حرام است؛ و اگر طلا نباشد، مانعی ندارد، یعنی اگر به آن طلا می‌گویند، حکم طلا را دارد، و استفاده از آن برای مردان حرام و نماز خواندن با آن باطل است؛ و اگر به آن طلا نمی‌گویند، بلکه به آن پلاتین و غیر آن گفته می‌شود، استفاده از آن برای مردان جایز و نماز خواندن با آن هم صحیح است، هر چند مقداری طلا برای قابلیت در آن مستهلک گردد. ۷۵/۷/۲۳

﴿س ۶۷۴﴾ شخصی که ۱۵ یا ۱۶ سال بیشتر ندارد و از اول بلوغ با انگشتری طلا نماز می‌خوانده حال که متوجه حرمت این عمل شده و توبه کرده است، حکم نمازهایی که خوانده چیست؟ آیا این شخص جاهل قاصر به شمار می‌رود یا جاهل مقصر لطفاً در هر دو صورت حکم را بیان بفرمایید.

ج - جاهل قاصر می‌باشد، چون اصلاً توجه به مسأله نداشته تا سؤال نماید و نمازهای گذشته او هم صحیح و میریء ذمه است. ۸۲/۱/۱۵

﴿س ۶۷۵﴾ اگر کسی در زمان حیات خود، لباسش را به دیگری که لباس پاک نداشته داده تا نماز بخواند و لباس را نبخشیده، و آن شخص فراموش کرده لباس را برگرداند و مدتی با آن نماز خوانده و فعلاً فوت نموده، تکلیف نمازهایی که با آن لباس خوانده چیست؟

ج - نمازهایش صحیح است؛ چون بر فرض که مال غیر هم بوده، جاهل به غصبت بوده، و نماز با جهل به آن صحیح است. ۷۸/۷/۲۷

﴿س ۶۷۶﴾ آیا خرید و استفاده از لباس یا کمربندی که تگّه کوچکی از چرم غیر ذبح شرعی در آن به کار رفته است، صحیح است؟ حکم نماز با این لباس، چگونه است؟
 ج - خرید و استفاده مانعی ندارد. لیکن اگر از حیوان حرام گوشت باشد، نماز با آن باطل است؛ چون یکی از شرایط لباس نمازگزار این است که از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن همراه نمازگزار باشد، نمازش باطل می‌شود.

۷۹/۶/۸

﴿س ۶۷۷﴾ کاشت دندان مصنوعی از عاج فیل چه حکمی دارد؟
 ج - کاشت آن گونه دندان‌ها چون از اجزای غیر مأکول‌اللحم است، موجب بطلان و نادرست بودن نماز می‌گردد و نباید کشت شود.

۸۲/۱/۱۵

مکان نمازگزار

﴿س ۶۷۸﴾ چنانچه شخصی ناچار باشد در محلی که غصبی است، نماز بخواند (چراکه در غیر این صورت نمازش قضا می‌شود) و صاحب محل نیز نارضایتی خود را اعلام کرده باشد، تکلیف چیست؟

ج - در صورت اضطرار، نمازش صحیح است، چون چاره‌ای غیر از آن ندارد.

﴿س ۶۷۹﴾ آیا نماز خواندن در مکانی که نجس ولی خشک است، جایز است؟
 ج - مانعی ندارد، لیکن محل سجده، مثل مهر، باید پاک باشد.

۷۴/۲/۹

﴿س ۶۸۰﴾ اگر کسی در جایی که می‌دانسته نجس است، ولی فراموش کرده، نماز بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج - نماز خواندن در جای نجس، اگر آن محل خشک باشد یا رطوبت مسریّه نداشته

باشد، صحیح است و فقط جای سجده باید طاهر باشد.

۷۷/۱۱/۳۰

﴿س ۶۸۱﴾ محلّ قدمین نماز شخصی غصبی ولی محلّ سجودش مباح است. نمازش

چه حکمی دارد؟

ج - نماز او باطل است، چون در مکان مصلّی شرط است که غصبی نباشد.

۷۸/۲/۲۷

﴿س ۶۸۲﴾ پدر خانواده‌ای فوت کرده و بچه‌ها هم بالغ نیستند. آیا می‌توان در آن خانه نماز خواند؟ آیا داماد این خانواده می‌تواند در آن خانه، نماز بخواند؟ سایرین چه طور؟

ج - رفت و آمد به خانهٔ صغیر و غیررشید، منوط به رعایت مصلحت صغار، به اجازهٔ قیم و ولی صغیر است.
۷۷/۲/۱۲

﴿س ۶۸۳﴾ اگر ملکی که مستأجر در آن زندگی می‌کند و یا مشغول کار است صاحب آن به مبلغ اجارهٔ تعیین شده راضی نباشد، نماز خواندن در آن مکان چه حکمی دارد؟

ج - عقد اجاره، از عقود لازمه است و اگر کسی ملکی را به دیگری اجاره بدهد و مدّت و مبلغ اجاره را به نرخ روز معین نماید و بعد به جهاتی قیمت اجارهٔ ملک در بازار بالا برود، موجر بیش از مقدار معین شده را طلبکار نیست، هر چند نمی‌دانسته که بازار، قیمت را بالا می‌برد؛ ولی اگر مدّت اجاره تمام شده و مالک تقاضای اجارهٔ بیشتر دارد و مستأجر، همان اجارهٔ قبلی را بیشتر نمی‌دهد، چون تصرفش تصرف عدوانی است. نماز خواندن در آن مکان، باطل است. ۷۹/۷/۲۴

﴿س ۶۸۴﴾ نماز خواندن در بناهایی که در قبرستان‌های متروکه ساخته می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج - تصرف در قبرستان‌های متروکه که معلوم نیست وقف بر قبرستان بوده یا زمین موات (با توجه به اینکه غالباً قبرستان‌های قدیمی و متروکه، از قسم دوم است)، مانعی ندارد، مخصوصاً بعد از آنکه ساختمان و بنا در آن به وجود آمده و مسئلهٔ نبش حل شده باشد و نماز هم مانند بقیّهٔ تصرفات جایز و درست است.

۷۳/۷/۱۴

﴿س ۶۸۵﴾ نماز خواندن در بانک‌ها و ادارات و مدارس که اغلب وضعیت ملکی آن‌ها مشخص نیست، چه صورتی دارد؟

ج - گرچه نمی‌توان گفت نماز در آن مکان‌ها به دلیل «اصالة الصحّة» و «قاعدة ید» باطل است؛ اما احتیاط در شبهات، مطلوب است.
۷۹/۱۰/۲۳

﴿س ۶۸۶﴾ فردی در مسجد برای نماز جماعت جاگرفته و بیرون رفته است و تا هنگام

اقامه جماعت، رجوع نکرده. آیا به محض منعقد شدن نماز جماعت، حق آواز آن مکان ساقط می‌شود و دیگری می‌تواند جای او را تصرف کند؟

ج - جای گرفته شده برای نماز که با سجاده و رحل و جانماز و امثال آن‌ها مشخص شده باشد و شخص، جا را گرفته تا برای وضو گرفتن و کارهای همانند آن که مربوط به نماز و مقدمات آن است، بیرون می‌رود، اگر تا قبل از رکوع نماز نیامده و کسی جای او را گرفت، بنا بر احتیاط واجب، آن شخص باید نمازش را اعاده و یا قضا نماید، ولی نسبت به بعد از رکوع، مانعی ندارد. ۷۹/۸/۲۷

﴿س ۶۸۷﴾ این جانب در حال حاضر در یک مؤسسه دولتی که قبلاً به چند نفر سرمایه‌دار تعلق داشته، کار می‌کنم، با توجه به اینکه به احتمال زیاد صاحبان آن از این امر راضی نیستند. نمازی که ما در این مؤسسه می‌خوانیم، چه حکمی دارد؟

ج - با فرض اینکه در جمهوری اسلامی در اختیار قرار گرفته و حکومت اجازه داده است، مانعی ندارد، و تصرف جایز و مباح است. ۶۹/۵/۲۷

﴿س ۶۸۸﴾ ما در یک کارخانه که از سوی دولت صادره شده است کار می‌کنیم. صاحبان اصلی آن چند شریک بوده‌اند که برخی از آن‌ها فوت کرده‌اند و فعلاً سازمان صنایع، مشغول واگذاری کارخانه به صاحبان اصلی و ورثه آنان است، حال تکلیف نمازهایی که خوانده‌ایم و یا اینک می‌خوانیم چگونه است؟

ج - نمازهای خوانده شده و نیز آنچه که هم اکنون می‌خوانید، همه‌اش درست است، مگر زمانی که مسئول و مدیر منع نماید. ۶۹/۸/۲۴

﴿س ۶۸۹﴾ در حدود سی سال قبل زمینی را با ظلم از کشاورزی غصب و بعد از مرگ غاصب، بین ورثه تقسیم شده است. عده‌ای از ورثه زمین را فروخته و مسجدی بنا کرده‌اند. وارثین مالک حقیقی این زمین می‌گویند زمین متعلق به ماست و راضی نیستیم. وظیفه ما نسبت به خواندن نماز در آن مسجد چیست؟

ج - در صورتی که احراز شود زمین غصب شده و بدون رضایت مالکین بوده است، نماز خواندن در آنجا باطل است. ۷۵/۱۱/۲۴

﴿س ۶۹۰﴾ نماز خواندن مرد بر روی فرشی که از ابریشم بافته شده، چه حکمی دارد؟

- ج - حرام نیست و نماز خواندن روی آن، صحیح است. ۷۷/۴/۱۴
- ﴿س ۶۹۱﴾ اقامه نماز بر روی موکت، زیلو و زیراندازهای منقوش به تصویر که اکثراً مردان و زنان را در حال تقبیل نشان می‌دهد، چگونه است؟
- ج - نماز خواندن بر فرش منقوش جایز است، لیکن نمازگزار باید آنچه را که باعث سلب توجه او می‌شود، از خود و مکان نماز دور کند، و عکس زنان اجنبیه اگر باعث فساد شود (که معمولاً عکس زن بدحجاب یا بی‌حجاب به صورت آشکار و ظاهر، باعث فساد هم خواهد بود)، حرام و اجتناب لازم است. ۶۹/۵/۲۵
- ﴿س ۶۹۲﴾ اقامه نماز در منزلی که رادیو و تلویزیون آن روشن است و ترانه‌های معمول که اکثراً رقص آور و مهیج‌اند، پخش می‌شود، چگونه است؟
- ج - نماز خواندن در مکانی که همراه با ارتکاب حرام باشد، غیر جایز و باعث عقوبت است. ۶۹/۵/۲۵
- ﴿س ۶۹۳﴾ اگر مادری جلوتر از پسرش که مشغول نماز خواندن است، نماز بخواند، نماز این دو نفر چه صورتی دارد؟ آیا نماز هر دو باطل است؟
- ج - تقدم زن بر مرد در نماز فرادا، هر چند موجب بطلان نماز مرد نیست، لیکن مکروه است زن و مرد مساوی یکدیگر بایستند و بنا بر احتیاط مستحب، جای سجده یکی از جای سجده دیگری، کمی عقب‌تر باشد.
- ﴿س ۶۹۴﴾ س ۱. ما هو الحكم الشرعی فی الصلاة مساویاً لقبر الإمام المعصوم علیه السلام أو مقدماً علیه؟
- س ۲. ما هو الدلیل علی ذلك؟
- س ۳. هل هناك مسافة معينة تجوز بعدها الصلاة إذا كان المصلی مساویاً أو مقدماً علی القبر الشریف؟
- س ۴. إذا كان القبر الشریف فی السرداب كما هو الحال بالنسبة إلى الإمام الحسين والإمام الرضا علیهما السلام فهل الاعتبار بالضريح المبنى فوق أم بأصل القبر الشریف؟
- س ۵. لو صلی جاهلاً بالحکم فما حکم صلاته؟

س ۶. لو صلی عامداً فهل صلاته باطلة؟

ج - علی الإنسان رعاية الأدب فلا یصلي متقدماً علی مرقد النبي ﷺ والإمام ﷺ وإذا كان في الصلاة هناك هتكاً لحرمتهم ﷺ حرمت إلا أن الصلاة صحيحة، ولا إشكال في الصلاة مع وجود حائل بين المصلي والمرقد كالحائط ونحوه بحيث لاتعد هتكاً لحرمتهم، لكن لا يكفي في الحائل الصندوق الشريف والضريح والقماش الموضوع عليه. نعم مع الهتك، الاظهر، البطلان وحرمة بل انجراره إلى الكفر من البديهيات للشیعة فضلاً من الفقهاء. ولا يخفى أنّ الجهل بالحکم بما أنّه عن قصور كما هو الغالب فليس بمبطل.

۸۳/۲/۷

احکام مسجد

﴿س ۶۹۵﴾ أريد أن استفسر عن مسألة وهي هل تقبل الصلاة في البيت علماً بأن جار البيت مسجد قريب جداً للبيت وأنا قد سمعت أنه لاصلاة لمن جاره مسجد فما أدرى ماهو الحكم علماً بأن سبب عدم الذهاب هو أمور نفسية أي الاستحياء اشكرکم علی إتاحة لی هذه الفرصة؟

ج - تقبل الصلاة في البيت ومقصود الرواية من (لا صلاة لجار المسجد إلا في المسجد) هو الكمال لا الصحة فيستحب الصلاة في المسجد مع عدم العذر كالمطر أو غيره.

۸۳/۱/۱۸

﴿س ۶۹۶﴾ شخصی مسجدی را نجس کرده و فرد دیگری جهت تطهیر، کف مسجد را که نجس شده، کنده است. خرج تعمیر مسجد به عهده کدام یک است؟

ج - به عهده نجس کننده است، زیرا سبب خرابی مسجد شده است.

۷۳/۱/۱

﴿س ۶۹۷﴾ اگر یک قسمت دیوار توالت مسجد به مسجد وصل شود، چه حکمی دارد؟

ج - اگر موجب نجاست دیوار مسجد نگردد، مانعی ندارد.

۷۴/۱/۱۶

﴿س ۶۹۸﴾ يك سيد عالمی مدت سی و شش سال در یکی از مساجد به شهر نماز جماعت و منبر و عظ و خطابه و تفسیر قرآن را عهده دار بوده و مخصوصاً برای طلبه های جوان زیاد زحمت کشیده است. حال میل دارد او را در بیرون کفشداری مسجد یا در

گوشه حیاط دفن نمایند. آیا جایز بوده یا خیر؟

ج - به طور کلی دفن میت در مسجد جایز نیست، اما درجایی از آن که مسجد نباشد و منع قانونی و یا منع از طرف تولیت و اهالی محل نباشد، مانعی ندارد و از قضیه شخصیته هم نه اطلاعی دارم و نه نظری دارم. ۸۱/۲/۲۷

﴿س ۶۹۹﴾ اگر نقطه‌ای از حیاط مسجد یا شبستان و یا یکی از قالی‌های فرش شده در شبستان نجس شود، آیا قبل از تطهیر آن نقطه، می‌توان در مسجد اقامه نماز کرد یا حتماً باید نماز را به بعد از تطهیر قسمت نجس موکول کرد؟

ج - چنانچه مورد نجاست، مسجد یا فرش مسجد است، باید برای نماز، اول نجاست را از بین ببرند، بعد نماز را اقامه نمایند، و چنانچه وقت تنگ است و نماز قضا می‌شود، اول نماز را اقامه نمایند، و بعد، از الة نجاست شود و به هر حال، اگر در فرض سعة وقت اول نماز آورده شده، معصیت شده، لیکن نمازشان صحیح است. ۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۷۰۰﴾ اگر افرادی با رعایت نکردن نظافت، باعث آلودگی محیط مسجد می‌شوند، آیا هیئت ائمه و متولیان مسجد یا حسینیه تکلیف شرعی از نوع وجوبی برای نظافت فرش‌های آلوده (بجز نجاسات معروف) و ظواهر مکان‌های مذکور را دارند یا خیر؟

ج - خودشان باید احساس مسئولیت شرعی نمایند و نظافت، فی حدّ نفسه، جنبه وجوب ندارد. آری، هر نوع تلاش ارشادی و اقتصادی برای نظافت مساجد، موجب ثواب فراوان است. ۷۸/۶/۶

﴿س ۷۰۱﴾ رعایت نکردن نظافت و بهداشت بعضی افراد در مساجد، باعث فرار برخی از جوان‌ها از چنین محیط‌های مقدّسی می‌شود. لذا خواهشمند است تکلیف شرعی را در خصوص افرادی که با لباس آلوده یا ظاهر نامرتّب به مساجد و حسینیه‌ها وارد می‌شوند، بیان فرمایید. ضمناً آیا شرعاً جوازی برای ممانعت از ورود افراد مذکور به اماکن مقدّس وجود دارد یا خیر؟

ج - باید با ارشاد و نصیحت و بالا بردن فرهنگ نظافت، و بیان ارزش مساجد، جلوگیری شود و منع الزامی و غیر ارشادی مجوّزی ندارد. ۷۸/۶/۶

﴿س ۷۰۲﴾ آیا حضور اهل کتاب و شرکت آنان در مراسمی که در مساجد برگزار

می شود، هتک مقام مسجد محسوب می شود یا خیر؟

٧٤/٧/٢٥

ج - هتک، محسوب نمی شود.

﴿س ٧٠٣﴾ مع الأسف الشديد نرى في كثير من البلدان الإسلامية ان الجانب من غير المسلمين يبنون المساجد والحسينيات وحتى ان المقاول هو مسلم شيعي. ولكن عماله من غير المسلمين وفيهم كفار كالسيخ والبانيان وهندوس وامثالهم واذا قلت له لا يجوز بناء المسجد والمآتم بيد هؤلاء وبعد النقاش الطويل يقول نحن نطهر ظاهر المسجد والحسينية فهل يجوز بناء المسجد والمآتم بيد هؤلاء وهل يطهر بغسل ظاهر المسجد ام لا؟ بينوا لنا حكم الله وشكراً لكم.

ج - بناء المسجد و المآتم بيد غير المسلمين في حدّ نفسه لا بأس به وإن كان بيد المسلمين أولى و أنسب والبناء بأيديهم لا تكون سبباً للنجاسة لكونهم غير نجس و إنّما النجاسة تكون لغير المسلم الكافر الجاحد للاسلام عن عناد لاعتقاد الاسلامي وذلك غير محقق في جمهور غير المسلمين هذا مع أنّ الشكّ في عنادهم كاف لعدم الحكم بالنجاسة.

٨١/١٢/٢٥

﴿س ٧٠٤﴾ احكام ورود كفار - اعم از اهل كتاب و غير اهل كتاب - به مسجد الحرام و

اماكن مقدسه و ساير مساجد چيست؟

ج - در صورتی که برای مصلحت اسلام و مسلمین و مملکت های اسلامی و یا جلب

٨٢/٩/١٤

محبت آنان و یا جهات مرّجّحه دیگر باشد، مانعی ندارد.

﴿س ٧٠٥﴾ مسألة طهارة أهل الكتاب مسألة خلافیه بین الفقهاء منهم من يرى طهارة أهل الكتاب ومنهم من يرى نجاستهم و منهم من يحتاط في المسألة احتياطاً وجوبياً على أنّهم نجسون السؤال هل يجوز دخولهم المساجد عند من يحكم بطاهرتهم والناس يختلفون في التقليد فمع فرض الجواز سوف يحدث أرباكاً في المسجد بين من يجوز ومن يرى خلاف ذلك أم أنه يجب الإحتياط في هذه المسألة فمنعهم من الأماكن المقدسة؟

ج - يجوز دخول غير المسلم المسجد على أن يكون له غرض عقلائي من قبيل الاشتراك

في مجالس الترحيم أو الحضور في المجالس الدينية، وحرمة دخولهم ترتبط بالقضية

على نحو الاطلاق ودون قيد وشرط ولا ينظر في الحرمة إلى الحالات الخاصة من قبيل

ما تقدّم. و لا يخفى أن حرمة دخولهم غير تابعة لطهارتهم و نجاستهم. نعم اختلاف المسلمين في قضية دخولهم المسجد تعدّ مسألة أخرى ينبغي حلها بالطرق السلمية، و بما أن هذه القضية موضع اختلاف فلا ينبغي إدخالهم المساجد، و من جانب آخر لا ينبغي أن يعكس تعاملنا معهم صورة عنيفة و غير مطلوبة عن الاسلام. ۸۱/۸/۳۰

﴿س ۷۰۶﴾ تزیین و زینت مساجد با نقاشی و کاغذ دیواری عکسدار، همچنین نصب قاب عکس و منظره در این مکان‌ها چه حکمی دارد؟

ج - نباید چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد، در مسجد نقش کنند و نقاشی چیزهایی مثل گل و بوته که روح ندارند، مکروه است. ۷۶/۵/۲۴

﴿س ۷۰۷﴾ آیا از نظر شرع مقدس اسلام ساده بودن مسجد و بی زرق و برق بودن آن بهتر است یا آن که هر چندسال بر زینت مسجد افزوده شود و مساجد به شکل مکان‌های زینتی در آید؟

ج - زینت و زیباسازی مسجد اگر سبب جذب مردم برای آمدن به مسجد و جماعات و سبب مکث زیاد افراد در مسجد برای عبادت شود، مانعی ندارد، بلکه هر کاری که سبب تعمیر معنوی گردد مطلوب می‌باشد. آری، اگر زینت‌ها به گونه‌ای است که موجب حواس پرتی عبادت‌کنندگان باشد یا تصویر و امثال آن باشد، ترکش مطلوب است. ۸۰/۱۲/۲۲

﴿س ۷۰۸﴾ بعضی از فرش‌های داخل مساجد، دارای نقوش ریزی مثل تصویر بعضی از پادشاهان، جانوران و پرندگان و این قبیل نقش‌هاست که توسط افراد خیر خریداری و جهت استفاده مسجد، وقف شده است. به جا آوردن نماز و دیگر فرایض الهی بر روی این نوع فرش‌ها چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد و واقفان، ان شاء الله مأجورند. ۷۸/۵/۹

﴿س ۷۰۹﴾ آیا شرعاً می‌توان قسمتی از بالکن مسجدی را که در آن از در اصلی مسجد جداست و در مواقع لزوم جهت مراسم ختم از آن استفاده می‌شود، به کتابخانه تبدیل کرد؟

ج - هرگونه استفاده عبادی و تغییر در ساختمان مسجد برای کار خیر که سبب خراب کردن نباشد (مانند اضافه کردن در و دیوار به بعضی از جاهای آن و نیز ساختن کتابخانه) با رعایت شرط مرقوم، ممنوع و حرام نیست، مگر آنکه مزاحم

نمازگزاران گردد، چون نماز خواندن در مسجد بر همه کارهای خیر مقدم است؛ و چه نیکوست، اگر نگوییم لازم، که برای این گونه امور از روحانی محل، کسب رضایت و با وی مصلحت‌اندیشی شود. ۶۸/۳/۶

﴿س ۷۱۰﴾ آوردن میز تنیس به مسجد یا فضای مسجد از قبیل حیاط، زیرزمین و... جهت انجام فعالیت‌های سالم فرهنگی - ورزشی، در کنار آموزش تعالیم دینی (آموزش قرآن، احکام و عقاید)، چه حکمی دارد؟

ج - هر چند عمل و کار خیر در مسجد که مزاحم نمازگزاران نباشد، جایز است، لیکن لازم است در این گونه امور رضایت امام جماعت مسجد جلب شود. ۷۴/۴/۲۹

﴿س ۷۱۱﴾ خوردن و آشامیدن در مساجد و کف زدن در جشن‌های انقلاب اسلامی و میلاد ائمه معصومین علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟ همچنین آیین بندی مساجد، آیا برای نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج - اتباع از نظر امام جماعت مسجد در این گونه امور، مطلوب - بلکه لازم - است. ۷۴/۳/۲۴

﴿س ۷۱۲﴾ آیا پخش فیلم‌های آموزشی و غیر آموزشی (نظیر فیلم سینمایی) در مساجد جایز است؟ آیا از مساجد می‌توان جهت برپایی کلاس‌های تابستانی دانش‌آموزان استفاده کرد؟

ج - انجام هر کار خیری در مسجد که مزاحم نماز و نمازگزاران نباشد، مانعی ندارد؛ لیکن رعایت جلب نظر و رضایت امام جماعت محل، لازم است. ۷۴/۴/۱۸

﴿س ۷۱۳﴾ دایر کردن بانک نوار قرآن، سخنرانی و سرودهای مجاز در مسجد و همچنین نصب عکس شهدا، بریده روزنامه‌ها و جراید در تابلوی اعلانات داخل مسجد، چه حکمی دارد؟

ج - جایز و مطلوب است. ۷۴/۳/۵

﴿س ۷۱۴﴾ زیرزمین مسجدی قبل از تجدید بنای ساختمان مسجد، به عنوان مسجد بوده، ولی در تجدید بنا به علت ناهموار بودن زمین، به صورت دو طبقه ساخته شده است. آیا حکم مسجد را دارد؟ آیا می‌توان از این مکان برای اجرای نمایش که شامل صدا

با پخش موسیقی و سرود می‌باشد، استفاده نمود؟

ج - فرقی بین زیرزمین مسجد و روی آن نیست و همه آن‌ها مسجد است؛ و انجام هر کار خیر، بلکه مباح، که مزاحمتی برای نمازگزاران نباشد، جایز و حلال است.
۷۴/۳/۲۴

﴿س ۷۱۵﴾ زمینی وقف مسجد گردیده و مردم به نیت ساختمان مسجد کمک نموده‌اند، چندین سال در زیرزمین مسجد نماز برگزار شده و اکنون که طبقه همکف آماده شده، از آنجا برای نگهداری وسایل مسجد استفاده می‌شود، و در ایام محرم و صفر به عزاداران اباعبدالله علیه السلام غذا می‌دهند، و افرادی که عذر شرعی دارند، وارد آن نمی‌شوند. آیا می‌توان از این زیرزمین برای ورزش جوانان و نوجوانان استفاده و درآمد حاصل از آن را صرف بنای همان مسجد کرد؟

ج - انجام هرگونه کار خیری در مسجد که مزاحم نمازگزاران نباشد، مانعی ندارد؛ لیکن گرفتن اجرت برای آن، جایز نیست؛ و زیرزمین مسجد که به عنوان مسجد ساخته و نماز هم در آن خوانده شده، با قطع نظر از جهات دیگر، جزو مسجد است.
۷۴/۴/۱۴

﴿س ۷۱۶﴾ مسجدی قدیمی به طول نه متر و عرض هفت متر در کاشان به منظور توسعه و بازسازی، تخریب و با خرید دو باب مغازه و دو باب منزل مسکونی، مسجد جدیدی در چهار طبقه با مشخصات ذیل ساخته شده:

۱. طبقه همکف به منظور مسجد با مساحت ۳۵۰ متر مربع؛
۲. طبقه فوقانی به منظور مسجد زنانه و حسینیه.

طبقه همکف اول تحتانی، جهت احداث در مانگاه در نظر گرفته شده است و طبقه دوم تحتانی، جهت کتابخانه و سالن مطالعه. با این توضیح که راه مسجد و در مانگاه جداست، آیا دایر نمودن در مانگاه در طبقه اول تحتانی که طبق نیت و نظر بانی ساخته شده جایز است؟

ج - فرقی بین زیر زمین مسجد و روی آن نیست و همه آن‌ها مسجد است، انجام دادن هر کار خیر، بلکه مباح که مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشد، جایز و غیر حرام است. شایان ذکر است که رعایت احکام مسجد نسبت به مقدار مسجد

قدیمی در همه طبقات لازم است؛ چون هر کجا مسجد شده است، از عمق زمین تا ارتفاع بالا، همه و همه مسجد است.
۷۹/۷/۱

﴿س ۷۱۷﴾ آیا برگزاری جشن عروسی در داخل مسجد، جایز است یا خیر؟

ج - این گونه امور را به مسجد نکشانند که مفسده دارد.
۷۸/۵/۹

﴿س ۷۱۸﴾ فعالیت اقتصادی در مسجد جهت رونق امور آن، چه صورتی دارد؟ برای مثال، ما در آشپزخانه وسیع و مجهز مسجد، اقدام به پخت غذا برای مراسم مختلف مؤمنان می‌نماییم و درآمد حاصل را پس از پرداخت اجرت آشپز، صرف امور جاری مسجد می‌نماییم. این کار چه صورتی دارد؟

ج - در صورتی که با برنامه‌های اصلی مسجد نیز منافات نداشته باشد و امام جماعت

مسجد هم موافق باشد، چون این گونه اموال، اموال مسجد است، برای هر کاری

که نفع مسجد را متضمن باشد، جواز استفاده، بعید نیست.
۷۶/۱۰/۱

﴿س ۷۱۹﴾ معمولاً در روستاها از قدیم تا کنون رسم بوده و هست که در ایام

سوگواری‌ها از جمله ماه محرم، در داخل مساجد، به اصطلاح خرج می‌دهند. نظرتان را در این خصوص بیان فرمایید؟

ج - عمل به این گونه سنت‌های حسنه، نه تنها هیچ مانعی ندارد؛ بلکه مستحب و جزو

مصادیق عزاداری و تعظیم شعائر است. خداوند به ساعیان و بانیان و

دست‌اندرکاران، توفیق زیادتری عنایت فرماید.
۷۶/۸/۲۲

﴿س ۷۲۰﴾ آیا می‌توان برای تأمین کردن هزینه‌های مسجد (از قبیل هزینه آب، برق،

مستمری خادم و...) قسمتی از زیرزمین مسجد را که جنب خیابان است، به عنوان مغازه تجاری به افراد اجاره داد؟

ج - چون خلاف وقف است، جایز نیست.
۷۲/۷/۳

﴿س ۷۲۱﴾ چنانچه مشخص شود که در میان کمک‌های مردمی به مسجد، مبالغی

غیرمخمس وجود دارد. آیا می‌توان چنین پولی را خرج مسجد نمود؟

ج - بدون اجازه مجتهد جامع‌الشرائط، جایز نیست.
۷۱/۴/۲۹

﴿س ۷۲۲﴾ هیئت امنای مسجدی برای تأمین کردن هزینه‌های مسجد (از قبیل پول

آب، برق، گاز، مستمري خادم و...) اقدام به چاپ قبض مراسم ترحيم نموده و از كسانى كه براى اموات خود مراسم ترحيم برگزار مى‌كنند، مبلغى با قبض‌هاى فوق دريافت مى‌كنند. آيا گرفتن اين پول جايز است يا خير؟

ج - گرفتن اين گونه پول‌ها، براى امثال امورى كه در سؤال ذكر شده، به شرط رضایت امام جماعت مسجد، مانعى ندارد.

۷۴/۳/۳۰

﴿س ۷۲۳﴾ خدّام و هيئت امنای مساجد، تا چه ميزان مى‌توانند در برگزاري مراسم و برنامه‌ها و عدم آن، دخالت كنند؟

ج - شرعاً هيچ كس نمى‌تواند مانع كار خيرى كه مزاحم نمازگزاران نباشد، گردد.

۷۸/۸/۲۱

﴿س ۷۲۴﴾ روستايى داراي مسجدى است كه بيش از دو قرن قدمت تاريخى داشته و تخریب شده است. جهت تجديد بنا، اهالى، قبض‌هاى را تهيه نموده‌اند و از اين طريق، كمك‌هاى نقدى از مردم جمع‌آورى نموده‌اند و از طرفى پول‌هاى جمع شده به نام مسجد تخریب شده و حتى وسايل موجود مسجد قبلى، توسط عده‌اى جهت بنا و ساخت و ساز مسجد جديد ديگرى به كار رفته است. حال كمك‌هاى نقدى و غير نقدى مسجد تخریب شده و وسايل موجود آن كه در ساخت و ساز مسجد جديد به كار برده‌اند، چه حكمى دارند؟ و نماز خواندن در اين مسجد، چه حكمى دارد؟

ج - محض صرف مصالح مسجدى كه مخروبه باشد، در ساختن و تعمير مسجد ديگر، چه به عينه و چه به قيمت، مانعى ندارد و بايد توجه داشت هر پولى كه براى كار خير از كسى گرفته مى‌شود، اگر از اول براى كار معينى نباشد، صرفش در هر كجا كه خير باشد، مانعى ندارد؛ و اما اگر براى كار خاصى باشد، اگر بعد راضى شوند نيز مانعى ندارد؛ چون هر چند قبل از رضایت درست نبوده و كسى كه مصرف نموده ضامن است، ليكن بعد از رضایت، چون برائت ذمه ضامن حاصل مى‌شود و يا نسبت به عين اگر ضمانت نبود، با اجازه جواز حاصل مى‌شود و به هر حال، مانعى ندارد.

﴿س ۷۲۵﴾ دو مسجد در داخل يك روستا وجود دارد كه مردم به يكي از اين دو مسجد

کمک زیادتری می‌کنند. آیا می‌توان درآمد این مسجد را برای مسجد دیگر که نیمه‌کاره است، خرج کرد؟

ج- اگر پولی که پرداخت می‌شود، برای مسجد معینی باشد نه مطلق مساجد، نمی‌توان

در غیر آن مسجد مصرف نمود. ۷۸/۲/۲۷

﴿س ۷۲۶﴾ ما اهالی روستایی توانسته‌ایم به برکت انقلاب و با کمک و یاری جهادسازندگی و با همت و اتحاد مردم روستا، مسجدی را از نو بنا کنیم. اکنون که مسجد آماده است همه اهالی در ساخت آن سهیم هستند، و بین کسانی که کمک کرده‌اند یقیناً می‌دانیم کسانی هستند که اهل دادن زکات و خمس اموالشان نیستند، ولی به هر صورت، کمک‌های نقدی کرده‌اند و بعضی بودند که قیّم (صغیر) بودند و از مال یتیم کمک نمودند. لذا خواهشمندیم که نظر خود را در صرف پول‌های داده شده مرقوم بفرمایید؟

ج- صرف پول‌هایی که افراد برای کار خیر می‌پردازند، در کار خیر، چه ساختمان

مسجد و چه غیر آن از امور خیریه دیگر، جایز است و استفاده از آن‌ها مانعی

ندارد و دهندگان وجه هم ان شاء الله مأجورند، و در مورد مسئله ندادن خمس،

چون پول‌های پرداخت شده معلوم نیست که نزد صاحبش متعلق خمس شده

باشد و خمس آن‌را پرداخته باشد یا متعلق خمس نشده و قبل از رسیدن سال و

گذشت یک سال بر آن، صرف در کار خیر نموده، تصرف در آن‌ها مانعی ندارد و

محض این که شخصی حساب سال ندارد و خمس نمی‌پردازد، نمی‌تواند سبب

حرمت تصرف در پول‌هایی باشد که به مصرف خیر می‌رساند و همان طور که

ذکر شد، مشکوک است و سبب عدم جواز تصرف نیست. آری، نسبت به اموال

یتیم، اگر مطمئن باشید که از مال آن‌هاست، باید به مقدار مصرف شده از مال

آن‌ها برگردانده شود؛ یعنی مصرف کنندگان ضامن‌اند. ۷۷/۱۰/۱۹

﴿س ۷۲۷﴾ به اطلاع می‌رساند که دو سال قبل در روستایی مسجدی بنا شده است که

چون بودجه مسجد برای ساختمان مسجد کفایت نمی‌کرد، از مردم درخواست شد که

در صورت داشتن زکات، آن‌را تحویل مسجد دهند تا برای احداث مسجد مصرف شود.

لذا افراد، داوطلبانه اسامی خود را در لیست افرادی که قول دادند زکات خود را به

مسجد بدهند نوشتند تا بعداً نسبت به پرداخت زکات خود اقدام کنند. این افراد، بعداً زکات خود را پرداخت نمودند و بعضی از افراد هم شاید مبلغی کم‌تر از آنچه قول داده بودند پرداخت کردند و به طور کلی باید گفته شود که مبلغی بالاجبار از افراد گرفته نشده است. با این حال، شخصی از اهالی روستا، آگاهانه یا ناآگاهانه، اظهار می‌دارد که چند تن از افرادی که زکات خود را به مسجد داده‌اند، برای این که در مقابل مردم خجل نشوند، بالاجبار و ناخواسته، زکات خود را به مسجد داده‌اند. بنابراین، نماز خواندن در این مسجد جایز نیست و با نشر این سخن، در مردم ایجاد شک نموده است. همچنین این شخص از ذکر نام افرادی که بالاجبار پول خود را به مسجد داده‌اند، خودداری می‌کند تا این که وجوهشان به آن‌ها برگردانده شود. لذا استدعا داریم با توجه به این نکته که این مسجد تنها مسجد این محل است که در تمام طول سال نماز جماعت در آن بر پا می‌شود، این مسئله را برای ما حل نمایید. ضمناً بفرمایید تا چه اندازه‌ای زکات را می‌توان به مصرف مخارج مسجد رساند، در صورتی که فقیر در روستا باشد؟

ج - مصرف نمودن زکات در مسجد، مانعی ندارد و از مصادیق فی سبیل الله است و بودن فقیر، مانع از صرف در آن نیست؛ لیکن رعایت حال فقرا امری مطلوب است، چون آن‌ها نماز می‌خوانند و مسجد جای نماز است و در مورد مسئله خجالت، اگر ثابت شود که افرادی زکات را بدون قصد قربت پرداخت نموده‌اند، باید پولشان به نحوی برگردانده شود؛ لیکن تا معلوم نشوند و مطالبه نمایند، نه مشکلی از جهت ردّ پول آن‌ها وجود دارد، و نه از جهت مسجد و نماز خواندن در آن، و محض گفتن‌ها نباید مانع از رفتن به مسجد و عبادت در آن بشود.

۷۷/۶/۱۸

﴿س ۷۲۸﴾ هیئت امنای مسجد، ماهیانه مبلغی را از مردم دریافت می‌کند. آیا می‌توان مبالغ مذکور را که در جهت مسجد و امور آن دریافت می‌شود، به افرادی که بی‌بضاعت و نیازمند هستند، وام داد؟ و آیا می‌توان بابت تأسیسات دیگر چون مدرسه و حمام و جاده‌سازی و... صرف نمود؟ و در حالی که مبالغ مذکور، برای خرج در امور مسجد

جمع‌آوری می‌شود و شاید اهالی روستا راضی نباشند، آیا می‌توان به عنوان قرض، صرف کفن و دفن و سایر امورات متوقّایی کرد؟

ج - پولی که برای مسجد گرفته می‌شود، در همان مسجد باید خرج گردد، و اگر برای تعمیر مسجد باشد، حتماً باید صرف ساختمان و تعمیر آن شود. آری، اگر هیئت امناء موقع جمع کردن پول اعلام کنند این کمک را می‌گیریم و به هر مورد خیر که صلاح دانستیم مصرف می‌نماییم، در آن صورت، صرف در غیر مسجد، مانعی ندارد.

﴿س ۷۲۹﴾ مسجدی با بیش از چهل سال سابقه ساخت و عدم رعایت اصول فنی ساختمان‌سازی بنا بر اظهار نظر کارشناسان ساختمانی، فاقد مقاومت لازم در برابر حوادث احتمالی است و با توجه به نداشتن امکانات تأسیساتی، در حال حاضر، به هیچ وجه قابل استفاده برای فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، و... نیست. اکثر اهالی مؤمن و متدین نمازگزار و هیئت امنای محترم با بررسی‌های همه جانبه، تصمیم به تخریب مسجد و ساخت مجدد آن با طراح‌ی مطلوب گرفته‌اند. لذا استدعا داریم در مورد سؤالات ذیل، راهنمایی لازم را بفرمایید:

۱. تخریب بنای موجود با توجه به موارد فوق چگونه است؟

۲. آیا دفع ضایعات ساختمانی و فروش بعضی اقلام ساختمانی که نمی‌توان در مسجد جدید از آن‌ها استفاده نمود و صرف درآمد ناشی از فروش آن‌ها در ساختمان جدید مسجد، اشکالی دارد؟

ج ۱- بلا مانع است.

ج ۲- پس از تخریب مسجد، اقلام ساختمانی آن، اگر قابل استفاده در خود آن مسجد باشند، باید در خود آن مسجد به کار برده شود، وگرنه در مسجدی دیگر؛ و اگر باز قابل استفاده در مسجد دیگری نبود، اگر قابل فروش است، بفروشند، و برای مصالح خود آن مسجد مصرف کنند، و اگر ممکن نبود، برای مسجدی دیگر به مصرف برسانند.

﴿س ۷۳۰﴾ آیا در صورت عدم امکان گسترش ساختمان یک مسجد، می‌توان مسجد

را در محل دیگری غیر از مکان مسجد فعلی بنا نهاد یا خیر؟

ج - باید سعی نمایید تا همان مسجد گسترش یابد و تخریب آن برای گسترش و جذب جمعیت زیادتر و مکان بیشتر که تعمیر معنوی مسجد است جایز می‌باشد و معلوم است که گسترش همان مسجد از صرف کردن کارهای دوباره جلوگیری می‌نماید؛ اما اگر نتوان گسترش داد، گرچه تخریب حرام است؛ اما ساختن مسجد در جای دیگر، مانعی ندارد.

۷۸/۸/۱۳

﴿س ۷۳۱﴾ چند سال قبل، در یکی از روستاهای تابع ساوجبلاغ، به ساختن مسجدی اقدام کردیم. با توجه به اینکه مسجد در کنار خیابان و مدخل ورودی روستا و محل رفت و آمد وسایل نقلیه قرار دارد و احتمال خطر تصادف برای عابرین وجود دارد؛ لذا هیئت امنای مسجد در نظر دارند در فاصله دورتر از مسجد فعلی، مسجدی را بنا کنند و مسجد مذکور را به مغازه و تأسیسات مستقل تبدیل کنند و درآمد حاصل از آن را به مخارج مسجد دوم و امور فرهنگی و تبلیغی اختصاص دهند. آیا شرعاً مجاز به انجام این کار هستند یا خیر؟

ج - با قطع نظر از جهات ذکر شده در سؤال که بعید نیست خود آن‌ها مجوزی برای تبدیل و تخریب آن مکان باشد، با مجوزی که داده می‌شود، اگر چه وقفیت هم ثابت گردد، با فرض اینکه ظاهراً در آن مکان به عنوان مسجد، نمازی خوانده نشده است، وقفیت تمام نیست و هیئت امنای مجازند.

۷۴/۱۱/۱۰

﴿س ۷۳۲﴾ در صورت تخریب مسجد به هر علت ممکن، آیا زمین آن، حکم مسجد را دارد یا خیر؟

ج - خروج زمین از مسجدیت، مشکل است، مگر با گذشت زمان از مسجدیت بیفتد.

۷۸/۸/۱۳

﴿س ۷۳۳﴾ هیئت امنای مسجدی در نظر دارند شبستان آن را به علت قدیمی بودن، تخریب و بازسازی نمایند تا فضای مسجد اضافه گردد. تعدادی از اهالی محترم محل به دلیل این که مسجد، معجزاتی داشته و از بیم احتمال جا به جا شدن محراب و این که ممکن است در ساخت و ساز جدید، هزینه آن از راه درآمد نامشروع باشد، معترض‌اند.

حکم شرعی مسئله را بیان فرمایید.

ج - تعمیر و نوسازی مساجد با فرض خراب بودن آن و یا برای تعمیر معنوی، یعنی آمدن جمعیت زیادتر، هر دو مشمول آیات و روایات مُرغبه به تعمیر مساجد می‌باشد و جایز است، کما این که هر پولی که در دست افرادی است که کار حلال دارند، گرچه کار حرام هم داشته باشند، به حکم ید، محکوم به حلّیت است و نباید مانع کمک آن‌ها در اعمال خیریه شد؛ اما به هر حال، توجّه به اثر باستانی بودن یک مسجد و این که نوسازی موجب اختلاف بین نمازگزاران و مردم محل نگردد، لازم است و این گونه امور مهمّه لازم را نمی‌توان نادیده گرفت و به دنبال یک امر مستحب رفت و در خاتمه، از قضیه شخصیّه اطلاع نداریم و از قضاوت هم معذوریم، و آنچه بیان شد، حکم کلی مسئله است و ناگفته نماند نظر روحانی مسجد، به هر حال باید جلب شود که «یری الشاهد ما لا یری الغائب».

۷۹/۱/۱۵

﴿س ۷۳۴﴾ مسجدی متروکه و مخروبه در یکصد متری مسجد جامع روستایی قرار دارد. آیا مرمت این مسجد با وجود اینکه در کنار مسجد جامع قرار دارد، جایز است؟ و آیا نذوراتی که در جهت تعمیر این مسجد در نظر گرفته شده یا می‌شود، صحیح است؟ آیا این احتمال که در صورت تعمیر مسجد متروکه، اهالی نسبت به تعمیر مسجد جامع (در صورت لزوم) کمتر رغبت نشان خواهند داد، و به آن مسجد لطمه خواهد خورد، تعمیر مسجد متروکه، شرعاً جایز است؟

ج - هرکسی بر مال خود مسلط است و هیچ کس را از عملی که خودش خیر می‌داند و

۷۴/۴/۱۸

منشأ فساد نیست، نمی‌توان منع کرد.

﴿س ۷۳۵﴾ مهندس طراح، نقشه مسجد را به گونه‌ای طراحی نموده که شبستان مسجد رو به قبله باشد و به همین دلیل مقداری زمین اضافی در قسمت عقب و کنار مسجد به وجود آمده که وی می‌خواهد از این قسمت استفاده کرده، اتاقی را برای برگزاری کلاس‌های قرآن و عقاید و... و اتاق دیگری را برای کتابخانه و مطالعه اختصاص دهد بدون اینکه از فضای شبستان کم شود. آیا این کار جایز است یا خیر؟ و اگر بلامانع است، از بودجه‌ای که مردم

برای ساختمان مسجد اهدا کرده‌اند، آیا می‌توان برای ساخت کتابخانه و... هزینه نمود یا خیر؟ آیا می‌توان در قسمت زیرزمین مسجد برای ترغیب جوانان و نوجوانان به ورزش و پر نمودن اوقات فراغت آنان، کلاس‌های ورزشی برگزار کرد یا خیر؟

ج - همه موارد ذکر شده در سؤال جایز است و حرمت شرعی ندارد، چون اتناق برای مسجد ساخته شده و اگر امور ذکر شده که در آن انجام می‌گیرد، مزاحم نمازگزاران نباشد (چنانچه فرض سؤال بر آن است) جایز است؛ و پولی که مردم برای مخارج مسجد می‌دهند، غرض آن‌ها خرج در مسجد است، و قرار دادن امثال میز تنیس و کارهای دیگر که در مسیر توجه امت به اسلام و ارزش‌های اسلامی است (همان‌طور که در سؤال مفروض است)، کاری خیر است مثل همه امور خیریه دیگر و مزاحمتی هم که برای نمازگزاران ندارد، پس جایز است، لیکن جلب نظر امام جماعت محترم مسجد در این‌گونه امور، بلکه همه امور، مطلوب و برای پیشرفت کارها لازم است. ۷۲/۷۳۰

﴿س ۷۳۶﴾ مالکان زمینی به مساحت حدود سه هزار متر مربع، قسمتی از آن را که حدود ۱۲۰۰ متر مربع است، برای مسجدی اختصاص داده‌اند. حدود پنج متر مربع از آن زمین که بین مسجد مذکور و بقیه ملک قرار دارد، برای ساختن گلدسته در نظر گرفته شده بود؛ اما به علت مسائل مختلفی مانند عقب نشینی، عدم موافقت شهرداری و هزینه سنگین و غیر لازم بودن آن، موضوع ساخت گلدسته منتفی شده است. مالکان آن تکه زمین که واقفان زمین مسجد مذکور نیز هستند، به زمینی که برای ساختن گلدسته در نظر گرفته شده بوده، احتیاج دارند. تکه زمین مذکور، به وسیله دیواری از مسجد مورد بحث جدا شده و تصرف آن توسط مالکان مذکور، ضرر یا نقصانی برای مسجد ندارد. آیا تصرف مالکان که همان واقفان مسجد هستند نسبت به تکه زمینی که برای گلدسته اختصاص داده شده بوده، به خاطر احتیاجی که به آن برای تکمیل سهم اختصاصی شان دارند، از نظر شرعی جایز است؟

ج - اگر مکانی که برای مناره مسجد وقف شده، جزو زمین مسجد نیست و جدای از زمین مسجد بوده، چنانچه از ظاهر سؤال هم استفاده می‌شود و بنای مناره را هم شروع نکرده‌اند و یا متولی وقف یا مجتهد جامع الشرائط و یا نماینده او هم وقف

را تصرف نکرده باشند، آن ملک به ملکیت واقف بر می‌گردد، چون قبض در صحّت یا لزوم وقف شرط است. ۷۹/۵/۱۱

﴿س ۷۳۷﴾ در حدود ده سال قبل، در محلی که سابقاً قبرستان بوده، مسجدی بنا شده بود و اینک جهت تعمیر و بنای جدید، تخریب کرده‌اند، و در حین حفاری مسجد، استخوان مرده پیدا شده است. آیا احداث مسجد در آن محل اشکال دارد؟

ج - پیدا شدن استخوان، حکم جواز احداث یا تجدید بنا را در این گونه از قبرستان‌ها که زمین موات بوده و مرده در آن دفن می‌کرده‌اند (ولی زمین، وقف قبرستان نبوده یا اینکه وقف، مشکوک است)، تغییر نمی‌دهد؛ و ساختمان مسجد در آن و یا تعمیر، جایز است و استخوان‌ها را باید در جای دیگری از قبرستان مسلمین دفن کرد. ۷۳/۳/۳

﴿س ۷۳۸﴾ در حدود بیست و پنج سال قبل، مسجدی کوچک از خشت و گل در وسط آبادی ساخته‌ایم، که در حال حاضر باگسترش روستا و افزایش جمعیت آن، مسجد قبلی نیز ویران شده است. حال اهالی قصد دارند مسجدی بزرگ و در خور شأن جامعه اسلامی بسازند، مستدعی است بفرمایید:

۱. آیا می‌توان زمین مسجد قبلی را فروخت و خرج مسجد جدید کرد؟
۲. در غیر این صورت، آیا می‌توان زمین مسجد را به خانه روحانی یا کتابخانه یا مراکز فرهنگی - هنری تبدیل نمود؟
۳. آیا می‌توان فعلاً دور زمین مسجد قبلی را حصار کشید و در جای دیگری، مسجد بزرگ که گنجایش جمعیت را داشته باشد، ساخت؟
۴. آیا می‌توان همان مسجد قبلی را بازسازی کرد، ولی چون زمین آن کوچک است و گنجایش جمعیت را ندارد، در جای دیگر هم مسجدی ساخت؟

ج ۱- علی‌الاحوط، جایز نیست.

ج ۲- آری، اما باید احکام مسجد رعایت و احترام آن حفظ شود.

ج ۳- مانعی ندارد.

ج ۴- بازسازی مسجد، مطلوب و ساختن مسجد دیگر بلامانع است. ۷۵/۲/۱۷

﴿س ۷۳۹﴾ مسجدی است که فرسوده شده و احتیاج به تجدید بنا دارد، اهالی قصد دارند سقفش را به تیرآهن تبدیل کنند. آیا فروش چوب‌های سقف و در و پنجره مسجد، و تبدیل آن به تیرآهن، جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که مسجدی در آن اطراف باشد، باید مصالحی را که برای خود آن مسجد مورد نیاز نیست، در مسجد دیگر مصرف کنند؛ و در صورت بی‌نیازی مساجد دیگر، می‌توانند بفروشند و پول آن را خرج مسجد کنند. ۷۵/۱۰/۲۳

﴿س ۷۴۰﴾ مسجدی متروکه و کوچک را تخریب نموده و مسجد جدیدی به جای آن ساخته‌ایم. منبر جدیدی نیز تهیه شده و منبر قدیمی را در مسجدی دیگر گذاشتیم. این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج - با فرض اینکه دیگر در آن مسجد قابل استفاده نبوده است، مانعی ندارد.

۷۴/۱۱/۱۶

﴿س ۷۴۱﴾ آیا جایز است برای حفاظت اموال متعلق به مسجد، در داخل آن خوابید؟

ج - حرام نیست و گاهی اوقات، لازم است. ۷۸/۵/۹

﴿س ۷۴۲﴾ شخصی که مالک بوده با کمک ساکنین محل، مسجد آنجا را توسعه داده و مقداری از زمین‌های اطراف را برای صحن مسجد، در نظر گرفته و دیوارکشی نموده است. به علت کم بودن جا برای نماز، دو سال قبل این صحن را به مسجد ضمیمه کردیم و از اول تصمیم بر این بود که قسمت زیرزمین برای اتاق خادم، توالت و وضوخانه اختصاص یابد، لازم به تذکر است که یک قسمت از صحن مسجد وضوخانه بود و فعلاً راهرو و آبدارخانه شده است. نظر به اینکه معلوم نیست مالک که از دنیا رفته، به قصد مسجد بودن این زمین را جزو صحن قرار داده یا خیر. آیا می‌توانیم در قسمت زیرزمین این محل یا قسمت زیر آبدارخانه و راهرو، توالت و یا وضوخانه بنا کنیم؟

ج - با فرض عدم علم به کیفیت وقف که در سؤال آمده، تصرّفات مذکور جایز است.

۷۳/۱۰/۲۹

﴿س ۷۴۳﴾ کسی که از شهرداری، پروانه ساختمان گرفته و به مقررات هم عمل کرده، آیا جایز است که به وسیله شیلنگ و لوله برای ساختن آن ساختمان، به طور موقت از آب مسجد استفاده کند و هزینه آن را بپردازد؟

ج - در فرض مذکور جایز است، به شرط آنکه مزاحم وضوگرفتن نمازگزاران و کارهای خود مسجد نشود، لیکن رعایت جلب نظر و کسب رضایت امام جماعت محل، لازم است. ۷۵/۷/۳۰

﴿س ۷۴۴﴾ استفاده شخصی همسایگان مسجد از آب لوله کشی مسجد و نیز از آب سردکن آن، جایز است یا خیر؟

ج - اگر وقف، مختص مسجد باشد، جایز نیست؛ ولی اگر وقف عموم باشد، مانعی ندارد. ۷۵/۶/۲۰

﴿س ۷۴۵﴾ قبلاً در روستایی زندگی می کردیم که دارای مسجدی بود و هم اکنون همه اهالی از آنجا مهاجرت کرده اند، و روستا به صورت مخروبه درآمده است به گونه ای که هر روز قسمتی از آن را جهت کشت و زراعت خاکبرداری می کنند، به طوری که تا یکی دو سال آینده، دیگر آثاری از آن باقی نخواهد ماند. تکلیف زمین مسجد چیست؟

ج - اگر کسی در آنجا نماز نمی خواند و احتمال اینکه بعداً در آن نماز بخوانند، نیست، می توانند زمین مزبور را با رعایت احکام مسجد برای زراعت اجاره داده و مال الاجاره را در مسجد دیگر صرف نمایند؛ و اگر به مقدار کمی اجاره می کنند و یقین هم حاصل است که کسی در آن نماز نمی خواند و روستا هم به آنجا برنمی گردد، فروش و صرف پول آن در مسجد دیگر که به آن مسجد نزدیک است، مانعی ندارد. ۸۱/۱۲/۲۵

﴿س ۷۴۶﴾ زمینی که قبلاً مسجد بوده آیا بعد از خراب کردن آن، کسانی که غسل جنابت بر عهده آن هاست می توانند در آن زمین رفت و آمد کنند؟

ج - اگر خراب کردن در مسیر ساختمانی مجدد و برای نوسازی مسجد نباشد - نمونه اش مساجدی که خراب می شود و جزء معابر و شوارع قرار می گیرد و یا مخروبه ای بیش نیست که رها شده و به صورت زمین موات افتاده - چون عنوان مسجد بر او صادق نیست، مانعی ندارد. ۸۲/۱۰/۴

﴿س ۷۴۷﴾ مسجدی که دارای يك بناى قدیمی بوده، بازسازی و گسترش داده شده است. ولی دیوار قدیمی در سمت راست مسجد وجود دارد که عرض آن حدود ۵۰ سانتی متر و طول آن ۱۰ متر می باشد، و چون دیوار جدید مسجد در پشت آن ساخته شده است هنگام بارندگی آب در بین دو دیوار جمع می شود و در درون مسجد نفوذ می کند و احتمال تخریب گچ کاری درونی مسجد وجود دارد و از طرفی چون این دیوار قدیمی است و عرض آن زیاد است. قسمت زیادی از فضای کوچه را که محل عبور و مرور مردم می باشد اشغال کرده است، خواهشمنداست اعلام فرمایید آیا شهرداری می تواند دیوار فوق الذکر را تخریب نماید و جزء کوچه قرار دهد یا خیر؟

ج - هر دیواری که قابل استفاده برای مسجد نباشد و تعریض کوچه نیازمند به آن باشد شهرداری یا مردم محترم می توانند قیمت زمین وقفی (دیوار) را خرج مسجد و یا خرید ملك موقوفه دیگری که با نظر واقف سازگار باشد بنمایند. آنچه مرقوم شد بیان حکم کلی مسأله است و از قضیه شخصیّه اطلاع ندارم. ۸۰/۵/۱۲

﴿س ۷۴۸﴾ قسمتی از سجده گاه مسجدی توسط شهرداری به حکم ضرورت و مصلحت عامه با تعریض خیابان مجاور به آن به پیاده رو تبدیل گردیده، آیا با علم به این که پیاده رو یاد شده جزئی از مسجد بوده، شخص جنب می تواند در محل مذکور بساط کسب را پهن نموده و با استقرار در آن به کسب و کار مشغول گردد؟

ج - قسمتی از مسجد که به خاطر ضرورت در شارع و خیابان واقع شده از عنوان مسجد بودن خارج می شود؛ بنابراین احکام مترتب بر مسجد برآن قسمت بار نمی شود. ۸۰/۴/۲۵

﴿س ۷۴۹﴾ مقداری از مسجدی در طرح قرار دارد و می توان با خرید زمین های کنار آن، مسجد را توسعه داد و ساختمان فعلی نیز خراب می شود و جزء حیاط مسجد نوساز قرار می گیرد. آیا این عمل جواز شرعی دارد یا خیر؟

ج - تعمیر و نوسازی مساجد با فرض خراب بودن آن و یا برای تعمیر معنوی؛ یعنی آمدن جمعیت زیادتر، هر دو مشمول آیات و روایات مرغبه به تعمیر مساجد می باشد و جایز است، لیکن خروج زمین از مسجدیت، مشکل است مگر این که با گذشت زمان، خود به خود از مسجدیت بیفتد. ۸۱/۷/۵

﴿س ۷۵۰﴾ آیامی توان مسجد یا حسینیه‌ای را که وقف است، ولی بنای آن قدیمی است و با گاهگل ساخته شده، خراب کرد و در همان جا با آجر و مصالح جدید درست کرد؟

ج - اگر تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند؛ بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده است، برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند. ۷۴/۹/۱۰

﴿س ۷۵۱﴾ آیا حسینیه هم حکم مسجد را دارد یا خیر؟ مثلاً شخص جُنُب می‌تواند وارد حسینیه شود یا خیر؟

ج - حسینیه حکم مسجد را ندارد و جُنُب می‌تواند وارد آن شود. ۷۵/۱۰/۲۴

﴿س ۷۵۲﴾ آیا می‌توان طبقه زیرین ساختمان حسینیه یا تکیه را وضوخانه مسجد قرار داد یا خیر؟

ج - جایز است، مگر آنکه مزاحم عزاداری باشد. ۷۴/۱۱/۱۶

﴿س ۷۵۳﴾ حکم زیرزمین مساجد چیست؟ اگر کتابخانه در زیرزمین مسجد باشد، آیا زن حائض می‌تواند در آنجا توقف کند؟ اگر کتابخانه در طبقه فوقانی باشد و بعداً ساخته شده باشد، چطور؟

ج - اگر اول مسجد بوده و بعداً کتابخانه را در زیرزمین آن درست کرده‌اند، جزو مسجد است و تمام احکام مسجد بر آن بار می‌شود؛ اما اگر اول کتابخانه را در طبقه زیرزمین ساخته‌اند و روی آن را برای مسجد وقف نموده‌اند، زیرزمین حکم مسجد را ندارد. ۷۵/۱۰/۲۳

﴿س ۷۵۴﴾ حسینیه‌ای در طرح قرار گرفته و در حال حاضر در جای دیگر ساخته می‌شود. آیا آهن‌آلات حسینیه مزبور را می‌توان به کسی هدیه داد یا باید در حسینیه جدید به کار برد؟ بقیه مصالح باقی مانده از حسینیه قبل را چه باید کرد؟

ج - باید در حسینیه جدید، مصرف شود. ۷۵/۶/۲۰

﴿س ۷۵۵﴾ آیا می‌توان زیر ساختمان ابوالفضلیه را وضوخانه مسجد قرار داد؟

ج - جایز است، مگر آنکه مزاحم عزاداری باشد. ۷۴/۱۱/۱۶

﴿س ۷۵۶﴾ آیا می‌توان یک قسمت از دیوار مسجد را به ابوالفضلیه متصل کرد؟

ج - ظاهراً محض وصل کردن، مانعی ندارد. ۷۴/۱۱/۱۶

﴿س ۷۵۷﴾ رفتن به مساجد دیگر مذاهب با توجه به نبودن مسجد شیعیان و همچنین رفتن به کلیسا فقط از نظر این که آن جا نیز قابل احترام است، چگونه می باشد؟

ج - رفتن به مساجد مسلمانان از هر فرقه ای که باشند، سفارش می شود و رفتن به کلیسا در صورتی که موجب گرمی بازار آن و یا تشویق و تقویت روحی اهل آن شود، جایز نیست.

۷۸/۱۱/۱۶

﴿س ۷۵۸﴾ اگر بفهمیم که شخصی که به مسجد می آید، برای هدف نا صحیح خود به مسجد می آید، وظیفه امام جماعت و من نمازگزار چیست؟

ج - هیچ کس حق جلوگیری از مسلمانان برای آمدن به مسجد را ندارد و ان شاء الله با حضور در مسجد و جمع مؤمنان اصلاح خواهد شد.

۷۹/۹/۸

﴿س ۷۵۹﴾ مسجدی واقع در یکی از محله های تهران، در سال ۱۳۴۵ شمسی توسط شخصی احداث و به نام مسجد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وقف گردیده است و می توان گفت که این مسجد از قدیمی ترین مساجد واقع در آن محدوده نیز می باشد. در حال حاضر با توجه به این که در محدوده مزبور مسجد جامع وجود ندارد، برای سهولت در تردد طولانی مردم برای انجام فرایض دین مبین و حنیف اسلام، آیا حضرت عالی اجازه شرعی می فرمایید که این مسجد به نام مسجد جامع حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نامگذاری شود؟ انجام این امر منوط به حکم مبارک آن مرجع عالیقدر است. آیا اعتکاف در این مسجد، صحیح است و مسجد فوق، جامع می باشد؟

ج - مسجد جامع، مسجدی عمومی است که محل اجتماع عامه مردم است و اختصاص به اهل یک محله یا گروهی خاص یا زمانی خاص نداشته باشد و ممکن است در یک شهر چندین مسجد جامع وجود داشته باشد و تشخیص موضوع با خود مکلفین است و به طور کلی تغییر نام مسجد، چون نحوه تغییری در وقف و غرض واقف است، ترک آن لازم می باشد و ثواب مسجد جامع را بردن، دائر مدار نام جامع نیست، بلکه دائر مدار اجتماع توده های مردم است که بیان شد.

۸۲/۴/۲۹

﴿س ۷۶۰﴾ به نظر جناب عالی پخش کردن اذان از بلندگوهای مسجد در صورت عدم رضایت ساکنین محل (بدون عذر شرعی) اشکال دارد یا خیر؟

ج - رسیدن صدای اذان در وقت ادای فریضه مانعی ندارد، بلکه به عنوان حفظ شعایر مذهبی در بعضی از مواقع واجب است، اما نباید به گونه‌ای باشد که موجب آزار و اذیت دیگران باشد.
۸۲/۴/۲۹

﴿س ۷۶۱﴾ مستدعی است نظر مبارک خود را در خصوص مسائل ذیل بیان فرمایید.
۱. پخش اذان صبح از طریق بلندگو در صورتی که تعداد معدودی از ساکنین اطراف ناراضی باشند، شرعاً جایز است یا خیر؟

۲. شائبه وجود ناراضی دارای چه حکمی است؟

۳. پخش اذان ظهر و مغرب در صورت وجود ناراضی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج ۱- اذیت کردن و ناراضی نمودن مردم، حرام و غیر جایز است و در حرمت آن فرقی بین علل و اسباب نمی‌باشد، بلکه حرمتش اگر از راه اعمال مستحبّه همچون اذان و غیره باشد شدیدتر است.

ج ۲- چون باب، باب حقوق‌الناس است در مورد شکش هم باید احتیاط کرد و احتیاط نمودن واجب و لازم است.

ج ۳- از جواب یک روشن می‌باشد.
۸۰/۵/۲۱

﴿س ۷۶۲﴾ آیا استفاده از بوق بلندگوهای مسجد و حسینیه‌ها که در تمام روز تشکیل مراسم متعدد می‌دهند (با این که محدوده مسکونی واقع شده است) جایز است یا خیر؟

ج - صدای بلندگوی مساجد و تکایا در هنگام ایراد سخنرانی و مداحی و غیر آن ولو از امور مذهبی که باعث ناراحتی و اذیت افراد باشد نباید به بیرون مسجد و تکیه برسد و حرام می‌باشد و انصاف نیز همین را اقتضا می‌نماید.
۸۰/۴/۱۲

﴿س ۷۶۳﴾ چنان که استحضار دارید خوابگاه‌های دانشجویی، منزل و محل استراحت دانشجویان است با توجه به این که سیستم آمپلی فایر جهت پیام رسانی دانشجویان وجود دارد، عده‌ای از ساکنین، پخش اذان را سه نوبت واجب می‌دانند و تعدادی دیگر

به خصوص دختران معذوریت داشته و تقاضای عدم پخش به ویژه در صبح را دارند. لذا از آنجا که اذان یومیه از بلندگوهای مسجد نیز پخش می‌شود نظر حضرت عالی چیست؟

ج - به طور کلی آنچه از اذان در هر جایی به خاطر اظهار شعائر اسلامی باید گفته شود همان مقدار است که برداشت نشود که در محلی افراد نمی‌توانند اذان بگویند و این شعار اسلامی بین آن‌ها تحقق پیدا نمی‌کند و زاید از آن مخصوصاً با فرض عدم رضایت و اذیت شدن برخی از افراد آن محل که صدای اذان به گوششان می‌رسد نه تنها مطلوب نیست، بلکه نامطلوب و مذموم است و با کار نادرست، عبادت محقق نمی‌شود و اگر به صورت اذیت جدی در آید حرام هم می‌باشد. این بود حکم کلی مسأله و نسبت به مورد سؤال تشخیص خود افراد مهم است یعنی یک اذان که در مساجد و اماکن عمومی گفته می‌شود می‌توان آن را کافی دانست و زیاده بر آن را که غیر لازم تشخیص داده می‌شود ترک نمود که مطابق احتیاط هم هست. به هر حال آنچه در اسلام مهم است حفظ اصلی شعائر و اذیت نشدن مردم است. ۸۲/۴/۱۸

﴿س ۷۶۴﴾ پخش دعا‌های ندبه، عاشورا، توسل، کمیل، آهنگ‌های انقلابی و جنگی و سایر آهنگ‌های مجاز از بلندگوهای مساجد و در مجامع عمومی؛ نظیر پارک‌ها به نحوی که منجر به ایجاد مزاحمت برای مردم گردد چه حکمی دارد؟

ج - ایجاد مزاحمت و ایدای افراد در همه جا حرام است و باید از آن اجتناب کرد و فرقی بین اماکن نمی‌باشد. این بود حکم کلی مسأله و از قضیه‌های شخصیه و خارجیه اطلاع ندارم. ۸۱/۴/۲

واجبات و مستحبات نماز

اذان و اقامه

﴿س ۷۶۵﴾ آیا اذان و اقامه برای نمازگزاری که می‌خواهد خود به فرادان نماز بخواند، واجب است یا مستحب؟ اگر در حال حرکت و کاری باشد و اذان و اقامه بگوید، چگونه است؟

ج - اذان و اقامه، در نمازهای واجب مستحب است و همچنین مستحب است در وقت گفتن اقامه بی‌حرکت باشد. ۷۸/۳/۱۷

﴿س ۷۶۶﴾ اگر کسی بدون اذان و اقامه، نماز ظهر را شروع کند و هنوز به رکوع نرسیده برایش یقین حاصل شود که اذان و اقامه را نگفته است. باید نماز را بشکند و اذان و اقامه بگوید و نماز را دوباره بخواند یا این که بدون گفتن اذان و اقامه نمازش را ادامه بدهد؟

ج - با وسعت وقت، اگر نمازگزار پیش از رسیدن به رکوع یادش بیاید که اذان و اقامه را نگفته، می‌تواند نماز را رها کند و اذان و اقامه را بگوید و نماز را از سر بگیرد.

۷۷/۲/۴

﴿س ۷۶۷﴾ آیا گفتن اذان و اقامه در اول نماز واجب است یا خیر؟

ج - گفتن اذان و اقامه قبل از شروع نمازهای واجب یومیه، مستحب است. ۷۵/۱۱/۸

﴿س ۷۶۸﴾ گفتن اذان و اقامه در نمازهای مستحبی، به قصد قربت چگونه است؟ در نمازهای قضا شده یومیه، نماز آیات و وحشت چگونه؟

ج - گفتن اذان و اقامه برای خواندن نمازهای واجب یومیه و قضای آنها، مستحب و برای نمازهای مستحبی، حرام است و در نماز آیات به جای اذان و اقامه، گفتن سه مرتبه «الصلوة» به قصد امید ثواب، مستحب است. ۷۴/۱۱/۱۲

﴿س ۷۶۹﴾ اگر مأمومی در نماز جماعت، بعد از تمام شدن نماز اول برسد و نماز اول خودش را با نماز دوم امام بخواند. آیا برای نماز دوم خودش که باید فرادا بخواند، اقامه (چه مأومین مشغول ذکر باشند و چه نباشند) لازم است یا خیر؟

ج - اقامه در مورد سؤال، ساقط می‌شود. ۶۹/۹/۵

﴿س ۷۷۰﴾ گفتن شهادت ثالثه «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» در اذان چه حکمی دارد؟

ج - جزو اذان و اقامه نیست، لیکن گفتن آن به قصد قربت، بعد از شهادت ثانیه در اذان، مانعی ندارد. ۷۵/۱۱/۲۶

﴿س ۷۷۱﴾ آیا جایز است در اذان به جای «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ»، یک مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ

عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» و یک مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا حُجَّةَ اللَّهِ» گفته شود؟

ج - بهترین شهادت نسبت به حضرت علی عليه السلام، شهادت به امیرالمؤمنین بودن آن

حضرت است؛ یعنی انسان بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيُّ اللَّهِ».

﴿س ۷۷۲﴾ نماز شخصی به علتی باطل می‌شود، در اعاده نماز، آیا باید اذان و اقامه را مجدداً بخواند یا اذان و اقامه قبلی کفایت می‌کند؟

ج - گرچه مورد از موارد سقوط اذان و اقامه نیست، ولی همان اذان و اقامه قبلی، کفایت می‌کند.
۷۸/۱۰/۲۸

نیت و تکبیرة الاحرام

﴿س ۷۷۳﴾ گفتن کلمه «ادا» در نیت نماز، چه حکمی دارد؟

ج - به زبان آوردن نیت، لازم نیست.
۷۵/۱۰/۴

﴿س ۷۷۴﴾ اگر انسان در نیت خود شک کند که نیت را درست گفته است یا نه، آیا جایز است نماز را بشکنند؟

ج - همین که مشغول نماز هستید، نماز و نیت درست است و نیت، چیزی غیر از دنبال عمل رفتن برای خدا نیست که آن هم با خواندن نماز و شروع در آن، محقق می‌شود.
۷۷/۳/۲۶

﴿س ۷۷۵﴾ در مسئله هشتم العروة الوثقی چنین آمده است: «یشترط فی نیتة الصلاة - بل مطلق العبادات - الخلوص عن الرياء، فلو نوى بها الرياء بطلت». بنابراین، آیا باید نمازهایی را که به سبب ریا باطل شده، قضا کرد، یا اینکه غرض از بطلان، آن است که پاداش و ثواب ندارد؟
ج - بطلان به معنای عدم اجزاء است و باید نمازهایی را که با ریا خوانده است، قضا نماید.
۷۳/۷/۲۴

﴿س ۷۷۶﴾ ما هو حکم قراءة النیة فی الصلاة، بأن يقول بعد الإقامة؛ أصلي صلاة الظهر أو العصر مثلاً؟

ج - غیر لازم و إن لم يكن مضرّاً بالصلاة.
۱۹ ربیع الأول ۱۴۱۶

﴿س ۷۷۷﴾ آیا نماز گزار مجاز است که در نماز واجب، نیت خود را به نماز قضا یا به نماز مستحب برگرداند؟

ج - در حال خواندن نماز واجب، برگرداندن نیت به نماز مستحب جایز نیست، اما برگرداندن نیت به نماز قضا اگر ممکن باشد، مانعی ندارد؛ مثلاً اگر وقت نماز ادا

وسعت داشته باشد، انسان می‌تواند در بین نماز تیت را به نماز قضا برگرداند، ولی باید برگرداندن تیت به نماز قضا، ممکن باشد مثلاً اگر مشغول نماز ظهر است، در صورتی می‌تواند تیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم نشده باشد.

۸۱/۲/۲۵

﴿س ۷۷۸﴾ آیا قبل از گفتن تکبیرة الاحرام نماز واجب و مستحب، گفتن شش تکبیر به قصد ورود یا رجاء مستحب است؟

۸۳/۶/۱۰

ج - مستحب است.

قیام و قرائت

﴿س ۷۷۹﴾ آیا ایستادن به اندازه گفتن تکبیرة الاحرام برای قیام متصل به رکوع، کافی است؟

۷۵/۱۰/۴

ج - کافی است.

﴿س ۷۸۰﴾ اگر پزشک به کسی توصیه کند که به علت نرم بودن استخوان زانو و درد پا نمازش را روی صندلی بخواند و بعد از یک هفته به توصیه پزشک عمل کردن، خودش تشخیص دهد که دیگر لزومی ندارد که نماز را روی صندلی بخواند و درد پا ندارد و می‌تواند ایستاده بخواند و دسترسی به پزشک نداشته باشد، چه باید بکند؟

ج - باید به عدم ضرر نسبت به آینده هم یقین داشته باشد تا بتواند از دستور پزشک،

۷۸/۱/۱۷

تخلّف نماید.

﴿س ۷۸۱﴾ بیماری که ایستاده نماز می‌خواند و ناگاه در بین نماز احساس سرگیجه و عجز می‌کند، آیا می‌تواند بقیة نماز را به حالت نشسته یا خوابیده بخواند؟

ج - مانعی ندارد؛ لیکن اگر بتواند با تکیه کردن به چیزی ایستاده نماز بخواند، بر

۷۷/۵/۲۹

نشسته، مقدّم است، کما این که نشسته بر خوابیده مقدّم است.

﴿س ۷۸۲﴾ درباره طمأنینه در نماز توضیح بفرمایید.

ج - طمأنینه و آرامش در حال نماز، یعنی بی‌حرکت بودن در حال قرائت و یا مثلاً در

حال ذکر رکوع، بدن بی‌حرکت باشد؛ یعنی همان نحوی که متعارف است و مردم

نمازشان را می‌خوانند، و نباید در این گونه مسائل، شک و شبهه راه پیدا کند؛ چون آرامش و استقرار در نوع اعمال ما که لرزش بدن نداریم و در حال ورزش هم نیستیم، حاصل است. ۷۹/۳/۲۰

﴿س ۷۸۳﴾ تجویدی که از نظر شرع در قرائت، معتبر است، کدام است؟

ج - خواندن حمد و سوره و قرآن به همان نحوی که مسلمانان می‌خوانند، مجزی است. ۷۴/۱/۱۱

﴿س ۷۸۴﴾ تکلیف شخصی که قدرت فراگیری نماز صحیح را ندارد (مثلاً معلّم هر چه تلاش می‌کند، شاگرد به علت عدم قدرت فراگیری، در نماز اشتباهاتی دارد و نمی‌تواند تلفظ صحیح را فراگیرد)، از نظر صحت نماز و یا مسائل شرعی مربوط به آن چیست؟
ج - صحت قرائت به مقدار قدرت و توان، کافی است و زیادتر از آن، لازم نیست.

﴿س ۷۸۵﴾ مادر این جانب کلمات نماز را درست تلفظ نمی‌کند، یا در جایی از نماز حرفی را بدون عمد، اضافه یا کم می‌کند، و یاد گرفتن هم برای او مشکل است. تکلیف چیست؟

ج - اگر به وظیفه خود در یاد گرفتن قرائت عمل می‌کند و یاد نمی‌گیرد، نمازش صحیح است و تکلیف به غیر مقدور هم، منتفی است. ۷۵/۱۰/۴

﴿س ۷۸۶﴾ تکلیف کسی که دچار بیماری زخم دهان است به طوری که قادر نیست قرائت را صحیحاً ادا کند چیست؟

ج - همان طور که می‌تواند کفایت می‌کند. ۸۱/۷/۵

﴿س ۷۸۷﴾ برای تلفظ حرف «ض» در کلماتی مثل «المغضوب»، «الضالین» و غیره، آیا درست است که زبان به سمت کنار دندان‌های پایین چرخانیده شود؟

ج - ان شاء الله درست است. ۷۵/۴/۲۰

﴿س ۷۸۸﴾ ما الفرق فیها بین السین و الصاد فی کیفیت صناعه ادائهما، و این یکون مخرج کل منهما من الفم و کذا الضاد و الطاء. افتونا، جزیتم خیراً؟

ج - مخرج حرف الصاد و السین واحد و هو طرف اللسان و ان تفاوتت کلّ منهما بالجهر و الهمس و الشده و الرخاوة و غیرها من الأوصاف؛ ولكن مخرج الضاد

والظاء متفاوتة و لايجب أن يعرف مخارج الحروف على طبق ما ذكره علماء التجويد بل لايلزم اخراج الحرف من تلك المخارج، بل المقدار، صدق التللفظ بذلك الحرف و ان خرج من غير المخرج الذي عَيَّنوه فالمناط الصدق في عرف العرب.

۷۹/۷/۱۲

﴿س ۷۸۹﴾ اشخاص غیر عرب که تلقظ نماز به زبان عربی برایشان دشوار است، آیا مجازند تا زمان یادگیری نماز به زبان عربی، ترجمه آن را به زبان خودشان بخوانند و پس از یادگیری، قضای ماقبل را به جا آورند یا خیر؟ کیفیت نماز این گونه افراد را بیان فرمایید؟

ج - خواندن نماز به غیر از زبان عربی برای هیچ کس، جایز نیست و باطل است؛ و در زمان یاد گرفتن هم باید به عربی، به همان نحو که برایش مقدور است، بخواند و افزون بر این تکلیفی ندارد.

۷۱/۱۰/۷

﴿س ۷۹۰﴾ عده‌ای از قاریان قرآن مجید موقع تلاوت، آیات شریفه را بر اساس اختلاف قرائت می‌خوانند و این امر گاهی اوقات باعث تغییر معنا نیز می‌شود. آیا خواندن قرآن به این سبک در نماز اشکال دارد؟ در غیر نماز چطور؟

ج - قرائت بر طبق قرائت قراء سبعة، مانعی ندارد؛ و قرائت به صورت‌های دیگر جایز نیست.

۷۵/۳/۶

﴿س ۷۹۱﴾ اگر در سوره بعد از حمد، «بسم الله» یا کم‌تر یا مقداری بیشتر از آن گفته شود و در همین حین، انتخاب سوره صورت گیرد، اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر فاصله بین حروف یا یک کلمه با کلمه دیگر از حد متعارف بیشتر باشد، جزء «بسم الله» محسوب نمی‌شود و باید تکرار شود. البته گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» برای خواندن سوره، اگر چه در هنگام گفتن آن سوره را معین نکرده باشند، کفایت می‌کند و قصد و نیت سوره معینی نمودن، لازم نیست. آری، اگر «بسم الله» را به نیت سوره معینی گفته باشد، جزء همان سوره است و نمی‌توان برای سوره دیگر به آن اکتفا نمود.

۷۶/۱۰/۲۲

﴿س ۷۹۲﴾ اگر انسان نماز خود را سریع بخواند و یا یکی از حرکات نماز را رعایت نکند و یا کلمه‌ای را از روی عادت نتواند درست تلفظ کند، نمازش چگونه است؟

ج - سریع خواندن نماز، اگر موجب تغییر عمدی در قرائت و کلمات و حروف و حرکات آن نشود، موجب بطلان نیست؛ و اما آنچه را از الفاظ و حرکات و حروف و غیر آن‌ها نتواند درست بخواند، همان نحو که می‌تواند انجام وظیفه نماید که «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا».

۷۸/۳/۱۷

﴿س ۷۹۳﴾ بنده به علت لکنت زبان، قادر به تلفظ صحیح حرف «راء» و بعضی حروف دیگر نیستم. قرائت نماز چه صورتی دارد؟ و اگر امامت جماعت را به عهده داشته باشم، وظیفه من و مأمومین چه خواهد بود؟

ج - خواندن حمد به مقدار مقدور در ادای کلمات و خواندن حمد و سوره و غیر آن‌ها از اذکار نماز، در إسقاط تکلیف کفایت می‌کند. «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ و امامت کسی هم که حمد را به قدر قدرتش صحیح می‌خواند، برای دیگران مانعی ندارد؛ چون ادای وظیفه امام جماعت، کافی در صحت اقتداست. آری، مأموم نسبت به حمد و سوره، هر کجا را که دید امام نمی‌تواند صحیحش را ادا کند، احتیاط آن است که مأموم، صحیح آن جمله را قرائت نماید. ۷۸/۱۰/۱۲

﴿س ۷۹۴﴾ مدتی است بعد از پایان سوره اخلاص، یک بار «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا» می‌گفتم و فکر می‌کردم در رساله این طور آمده؛ اما اخیراً دیدم که این ذکر سه بار باید گفته شود. تکلیف نمازهایم چیست؟

ج - نمازهای گذشته، صحیح است و قضا ندارد و نسبت به آینده، سعی شود مستحبات را همان طور که وارد شده مراعات فرمایید.

۷۸/۷/۱۴

﴿س ۷۹۵﴾ تکلیف نمازهای خوانده شده کسی که نمی‌دانسته است که دو سوره فیل و قریش در نماز یک سوره به حساب می‌آید، چیست؟

ج - چون نمی‌دانسته که دو سوره فیل و قریش یکی هستند، نمازهای خوانده شده او صحیح است.

۷۱/۱۱/۴

﴿س ۷۹۶﴾ چرا بعضی نمازها را بلند و بعضی نمازها را آهسته می‌خوانیم؟

ج - از مسائل تبعیدی است که در روایات به آن دستور داده شده و حکمت و فلسفه‌اش برما روشن نیست و اصولاً چون عبادات، ثنای خداوند است پس کیفیت ثناء برای او را خودش باید معلوم نماید.
۸۰/۱۲/۲۱

﴿س ۷۹۷﴾ اگر نمازهای صبح، مغرب و عشا را بلند نخوانیم، آیا نماز باطل است؟ اگر

فقط حمد و سوره را بلند بخوانیم، کافی است؟

ج - اگر مرد عمداً حمد و سوره را در نمازهای صبح، مغرب و عشا بلند نخواند، نمازش باطل و نسبت به بقیه اذکار مخیر است، اما تسبیحات اربعه در همه نمازها باید آهسته خوانده شود.
۷۵/۴/۲۴

﴿س ۷۹۸﴾ منظور از بلند خواندن حمد و سوره در نمازهای جهریه و آهسته خواندن

آن دو، در نماز ظهر و عصر چیست؟ آیا گذراندن از قلب، کافی است؟

ج - منظور از بلند خواندن حمد و سوره در نمازهایی که باید بلند خوانده شود، این است که تن و جوهره صدا، آشکار شود، برخلاف نمازهایی که باید آهسته خوانده شود که نباید جوهره صدا ظاهر شود، و از قلب گذراندن هم کافی نیست.
۷۵/۱۰/۴

﴿س ۷۹۹﴾ در نمازهایی که باید در آنها حمد و سوره آهسته خوانده شود (مانند نماز

ظهر)، اگر سهواً یک حرف یا کلمه با صدای بلند، خوانده شود، آیا تکرار و خواندن آن حرف یا کلمه با صدای آهسته، واجب است؟

ج - در صورتی که شخص قصد و توجه نداشته باشد، لازم نیست که دوباره خوانده شود؛ و اگر عمداً در جایی که می‌بایست آهسته بخواند، حمد و سوره را بلند بخواند، نمازش باطل است و باید در وقت، آن را به صورت ادا و خارج از وقت، قضای آن را به جا آورد.
۶۸/۳/۲

﴿س ۸۰۰﴾ گفتن ذکر «بحول الله وقوته أقوم وأقعد» و همچنین «سمع الله لمن حمده» برای

کسی که نشسته نماز می‌خواند، چه حکمی دارد؟

ج - در ذکر «سمع الله لمن حمده»، فرقی بین کسی که ایستاده یا نشسته نماز می‌خواند، نیست؛ اما ذکر «بحول الله وقوته أقوم وأقعد»، از روایات استفاده می‌شود که

مخصوص کسی است که نمازش را ایستاده می‌خواند؛ چون در روایات گفتن ذکر، مقید شده به این که در حال قیام و برخاستن باشد.

۷۹/۶/۷

﴿س ۸۰۱﴾ همان طور که معلوم است در قرائت نماز، حمد و سوره در نماز ظهر و عصر باید آهسته خوانده شود و در نماز صبح و مغرب و عشا باید بلند خوانده شود، آیا واجب، احتیاط واجب، احتیاط مستحب یا مستحب است که انسان صدایش را بلند کند تا صدای خود را بشنود، یا این که لزومی ندارد که انسان، صدای خود را بشنود؟

ج - آنچه معتبر است، صدق خواندن و قرائت است و محض حرکت زبان، مانند حرکت و قرائت در قلب و دل، کفایت نمی‌کند و شنیدن و نشنیدن، فی حدّ نفسه، دخالتی ندارد.

۷۸/۱۰/۲۵

﴿س ۸۰۲﴾ بلند خواندن قرائت حمد و سوره نماز ظهر روز جمعه (برای مرد یا زن) چه حکمی دارد؟

ج - جهر در قرائت نماز ظهر روز جمعه، نه تنها جایز، بلکه علی‌الاقوی مستحب است.

۷۹/۶/۳۱

﴿س ۸۰۳﴾ منظور از «وقف به حرکت» یا «وصل به سکون» چیست؟ معیار برای عدم تحقق وصل به سکون چیست؟ آیا مکث یک ثانیه‌ای یا ذره‌ای نفس کشیدن کافی است؟

ج - معنای وقف به حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش یا پس آخر کلمه‌ای را بگوید، بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد و مثلاً بگوید: «الرحمن الرحیم» و میم «الرحیم» را زیر بدهد و بعد، قدری فاصله دهد و بگوید: «مالک یوم الدین»؛ و معنای وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش یا پس کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند، مثل آن که بگوید: «الرحمن الرحیم» و میم «الرحیم» را زیر ندهد و فوراً «مالک یوم الدین» را بگوید و معیار صدق عرفی بر وقف یا وصل است.

۷۸/۱۱/۲۰

﴿س ۸۰۴﴾ وصل به سکون و وقف به حرکت در حمد و سوره و اذکار مستحبی و واجب و تشهد و سلام، چه حکمی دارد؟

ج - احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون نمایند.

۷۸/۱۱/۲۰

﴿س ۸۰۵﴾ در نماز، در قرائت یا غیر قرائت، هر جا که صورت امری دارد، مانند «اهدنا»، «ربنا آتنا» و «تَقَبَّلْ شَفَاعَتَنَا» و امثال این‌ها، اگر کسی قصد انشا کند، درست است یا نه؟

ج - آنچه در قرائت حمد و سوره معتبر است، قصد قرأت است؛ لیکن گذراندن معانی در ذهن، مضرّ به صحّت آن نیست و نباید حمد و سوره را به قصد انشای دعا خواند. آری، قصد انشای دعا در ادعیه نماز، مثل دعاها، صحیح و درست است.

﴿س ۸۰۶﴾ اگر کسی نمی‌دانست که نمازش را باید حتماً با تلفّظ صحیح بخواند و بعد از پنج، شش سال بفهمد، تکلیفش چیست؟ و اگر بداند که باید با تلفّظ صحیح بخواند و یاد هم گرفت و بعد از چند سال فهمید که چند حرف را اشتباه متوجّه شده و تلفّظ می‌کرده، و یا این که یاد گرفته، ولی یادش رفته که باید آن را درست تلفّظ نماید، چه باید بکند؟

ج - نمازهای خوانده شده، محکوم به صحّت است و قضا ندارد و نسبت به آینده هم زیادتر از متعارف و قدرت تکلیف ندارد.

﴿س ۸۰۷﴾ در نماز، تسبیحات اربعه را چند مرتبه باید خواند؟ آیا هنگامی که عجله داریم، می‌توانیم یک مرتبه بخوانیم؟

ج - یک مرتبه خواندن کافی است و نماز نیز صحیح است.

﴿س ۸۰۸﴾ اگر تسبیحات اربعه، کمتر یا بیشتر از سه مرتبه گفته شود، چه حکمی دارد؟

ج - یک مرتبه خواندن، کفایت می‌کند و خواندن سه مرتبه، مستحب است و خواندن مازاد بر آن، به قصد ذکر مطلق، بلا اشکال است.

﴿س ۸۰۹﴾ چنانچه شخصی در نماز، عمداً تسبیحات اربعه را بیش از سه بار تکرار کند، آیا اشکالی دارد؟

ج - در صورتی که به قصد ورود نباشد، مانعی ندارد.

﴿س ۸۱۰﴾ شخصی به تصور اینکه تکرار تسبیحات اربعه، بیش از سه بار در رکعت سوم و چهارم مستحب است، چنین نماز خوانده است. تکلیف او نسبت به نمازهای قبلی چیست؟

ج - نمازهای گذشته او صحیح است.

﴿س ۸۱۱﴾ اگر شخص در حالی که حکم را نمی‌داند، تسبیحات اربعه را بلند بگوید، آیا پس از آگاه شدن باید نمازهای قبلی را اعاده کند یا خیر؟

ج - نمازهای قبلی اعاده و قضا ندارد، چون جهلش از روی تقصیر و بی‌مبالاتی به دین نبوده و چنین جهلهایی مرفوع و بی‌اثر است.

۷۶/۱۰/۲۲

﴿س ۸۱۲﴾ اگر در نماز شک کنیم که چه تعداد تسبیحات اربعه گفته‌ایم، چه باید بکنیم؟ ج - چون یک مرتبه کافی است، شک در زیاده از آن، بی‌اثر است.

۷۸/۱/۱۷

رکوع و سجده

﴿س ۸۱۳﴾ اگر فردی بعد از خواندن حمد و سوره، بدون رفتن به رکوع، به سجده رود و وقتی که به سجده اول رفت، بفهمد که به رکوع نرفته است، چه کار باید بکند؟

ج - اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین رسید، یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند، و بنا بر احتیاط مستحب آن را دوباره بخواند.

۷۵/۳/۲۱

﴿س ۸۱۴﴾ سربازانی که از اول اذان صبح تا طلوع آفتاب، در پست نگهبانی‌اند، و معمولاً به دلیل ندانستن مسئله، نمازهایشان را قضا می‌کنند، چگونه باید نماز بخوانند؟ رکوع و سجود را چگونه به جا آورند؟ در صورتی که باید ایستاده نماز بخوانند، آیا باید برای رکوع طبق معمول خم شوند؟ اگر نتوانند سجده کنند، در سجده به چه مقدار باید خم شوند؟ آیا باید سنگ یا مهر در دست خود داشته باشند، و همراه با اشاره به سجده، آن را بر پیشانی بگذارند یا لازم نیست؟

ج - اگر بتوانند، باید به صورت معمولی نماز بخوانند، و در صورت عدم امکان، باید نماز را هر طور که برایشان مقدور است - ولو با اشاره و ایما - بخوانند.

۷۵/۲/۸

﴿س ۸۱۵﴾ آیا نماز گزار در هنگام خواندن نماز (اعم از قرائت حمد و سوره یا اذکار دیگر نماز) می‌تواند برای توجه بیشتر به عبارت و کسب حضور در نماز آیه ای از حمد و سوره یا ذکری دیگر از نماز را چند بار تکرار نماید؟

ج - اگر چه گفته شده که جایز است، اما ترکش احوط و اولی است.

۸۱/۲/۲۵

﴿س ۸۱۶﴾ شخصی که مشغول نماز واجب است و تلفن زنگ می‌زند یا در حیات را می‌زند آیا می‌تواند در بین نماز به قصد ذکر بگوید الله اکبر که بعد بخواند بفهماند که در حیات را می‌زند یا تلفن زنگ می‌زند؟

ج - گفتن الله اکبر برای مقصد ذکر شده چون ذکر است، مانعی ندارد. ۸۲/۱۱/۲۰
 ﴿س ۸۱۷﴾ در نمازهای یومیه در رکوع یا سجود، اگر ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» یک مرتبه بگوییم، آیا نماز صحیح است یا خیر؟ اگر یک بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوییم چطور؟

ج - یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» گفتن، در ذکر رکوع و سجده، کفایت نمی‌کند، و باید سه مرتبه باشد؛ ولی یک مرتبه گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و یا «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» کفایت می‌کند. ۷۳/۹/۷

﴿س ۸۱۸﴾ اگر کسی عمداً در رکوع یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» و در سجده یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، آیا نمازش صحیح است؟

ج - در ذکر رکوع و سجده، یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» کافی نیست و اگر کسی با علم به حکم مسئله یک مرتبه بگوید، نمازش باطل است. ۷۹/۱۰/۲۱

﴿س ۸۱۹﴾ جا به جا گفتن ذکر رکوع و سجده چه حکمی دارد؟

ج - ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» را که ذکر خاص سجده است، نمی‌توان در رکوع گفت، کما این که ذکر خاص رکوع، یعنی «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» را هم که ذکر خاص رکوع است، نمی‌توان در سجده گفت. آری، ذکر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» را در هر یک از آنها می‌توان گفت، کما این که اگر جا به جا گفتن دو ذکر مخصوص از روی جهل به مسئله و یا از روی فراموشی انجام بگیرد، مانعی ندارد و به نماز، ضرری وارد نشده است. ۷۹/۸/۲۵

﴿س ۸۲۰﴾ اگر در رکوع و سجود، افزون بر ذکر واجب، دعا و ذکر غلط خوانده شود، آیا مبطل نماز است؟

ج - ذکر غلط، اگر به قصد ورود و عمداً در رکوع و سجده خوانده شود، مبطل نماز است. ۷۵/۱۱/۱۸

﴿س ۸۲۱﴾ فردی که شست پایش باندپیچی شده است، آیا هنگام سجده باید همان انگشت باند پیچی شده را بر زمین بگذارد یا سایر انگشتان پا را؟

ج - گذاشتن شست پا، ولو باندپیچی شده بر روی زمین، کافی است. ۷۵/۲/۸

﴿س ۸۲۲﴾ در رساله آمده که یکی از واجبات سجده، نهادن کف دست‌ها بر روی زمین است. آیا انگشتان دست هم شامل کف دست می‌شوند؟ اگر انگشتان دست به طور کامل روی زمین قرار نگیرند، آیا سجده باطل است؟

ج - آری، انگشتان هم جزو کف دست است و گذاشتن کف دو دست به مقداری که مسمای گذاشتن کف - ولو به گذاشتن بعضی انگشتان - صدق کند، کفایت می‌کند.

﴿س ۸۲۳﴾ اگر کف دست بر روی زمین قرار گیرد، در حالی که لبهٔ دو فرش در زیر دست باشند، و مقداری هم فاصله داشته باشند و در این صورت، باریکه‌ای از کف دست بر زمین نخواهد بود، آیا این مسئله، نماز را باطل می‌کند؟

ج - باطل نمی‌کند. ۷۶/۱۰/۲۹

﴿س ۸۲۴﴾ اگر کسی در حال سجود نتواند تنها انگشت بزرگ خود را روی زمین بگذارد (یعنی همراه با انگشت بزرگ، چند انگشت کناری هم با زمین تماس داشته باشد). آیا نمازش باطل است یا خیر؟

ج - نمازش صحیح است. ۷۵/۴/۲۴

﴿س ۸۲۵﴾ اگر در هنگام سجده، موی سر مانع از رسیدن به مهر شود، نماز باطل می‌شود یا نه؟

ج - باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کنند، چیزی نباشد. پس اگر موی جلوی سر مانع رسیدن پیشانی به مهر باشد، سجده باطل است و باطل بودن سجده، موجب بطلان نماز است.

﴿س ۸۲۶﴾ بعضی اوقات در سجدهٔ اول، پیشانی دو بار به مهر می‌خورد، آیا دو سجده حساب می‌شود؟

ج - یک سجده محسوب می‌شود، چون برگشت قهری بوده و برگشت بدون اختیار، کالعدم است و سجده محسوب نمی‌شود. ۷۴/۲/۲۷

﴿س ۸۲۷﴾ نماز خواندن بر روی دو مُهر چه حکمی دارد؟

ج - اگر دو مُهری که می‌گذارند، قطرشان بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد، مانعی ندارد؛ چون جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد، مگر عذری داشته باشند که لازم باشد زیر مُهر چیزی بگذارند یا چند مهر روی هم بگذارند.
۷۹/۵/۱۶

﴿س ۸۲۸﴾ شخصی که درد گردن دارد و نمی‌تواند سر بر مُهر بگذارد و بر روی چهار پایه و یا کتل هم نمی‌تواند نماز بخواند، آیا می‌تواند مُهر را بر پیشانی خود بگذارد؟

ج - در صورت امکان، مُهر را روی بلندی بگذارد و سر را روی آن قرار دهد و در صورت عدم امکان، مُهر را به پیشانی بگذارد.
۷۶/۱۱/۲۴

﴿س ۸۲۹﴾ آیا نشستن بین دو سجده، باید به مقدار گفتن «استغفرالله ربی واتوب الیه»

باشد؟

ج - نشستن بعد از سجده اول واجب و به مقدار گفتن «استغفرالله ربی واتوب الیه»، مستحب است.
۷۵/۱۱/۲۶

﴿س ۸۳۰﴾ حکم نماز خواندن بر روی مُهری که بر اثر زیادی سجده کردن بر آن، سیاه

شده است، چگونه است؟

ج - سیاهی مضر نیست؛ مگر آن که به صورت جرم باشد که سجده روی مُهر، صدق نکند.
۷۸/۷/۲۷

﴿س ۸۳۱﴾ سجده کردن بر مُهری که دارای آینه است، چه حکمی دارد؟

ج - اگر کسی پیشانی را بر روی خود مُهر (مایصَح السجود علیها) قرار دهد، نمازش باطل نیست؛ لیکن بهتر است که سجده بر روی مُهری انجام شود که نقش و نگار و آنچه موجب حواس پرتی است، نداشته باشد.
۷۸/۱۱/۵

﴿س ۸۳۲﴾ مقدار چیزی که سجده بر آن صحیح است، چقدر است؟ اگر به اندازه سکه

یک ریالی باشد، آیا درست است یا خیر؟

ج - مقدار لازم محل سجده در پیشانی، قدر مسما است، یعنی آن مقدار که گفته شود پیشانی را بر چیزهایی که سجده بر آن صحیح است قرار داده و ظاهراً به قدر سکه یک ریالی هم، کافی است.
۶۹/۸/۵

﴿س ۸۳۳﴾ گاهی در پیشانی انسان جوش‌هایی پیدا می‌شود که هنگام سجده درد می‌گیرد. آیا می‌توان در سجده، پیشانی را کج روی مهر گذاشت؟ و اگر بعد از برداشتن سر از سجده، مهر به خون جوش‌ها آلوده شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج - در سجده لازم نیست تمام پیشانی روی محل سجده و چیزهایی که سجده بر آن صحیح است، باشد، بلکه مقداری از پیشانی هم کفایت می‌کند؛ اما غیرپیشانی کفایت نمی‌کند. بنابراین، کج گذاشتن پیشانی مانعی ندارد؛ و اما نسبت به آلوده شدن مهر، بعد از نجس شدن، نمی‌توان روی موضع نجس سجده نمود، چون یکی از شرایط سجده و نماز، پاک بودن محل سجده است و خون جراح که کمتر از یک درهم است، به حکم معفو بودن کمتر از یک درهم، مبطل نماز نیست؛ ولی اگر در سجده بعدی محل سجده را نجس می‌کند، نمی‌توان با آن نماز خواند، به جهت اینکه محل سجده باید پاک باشد. ۷۶/۲/۲۷

﴿س ۸۳۴﴾ مهری است به نام مهر امین، که موجب رفع شک است. آیا می‌توان در شکایات به آن اعتماد کرد؟ ضمناً هنگام گذاشتن سر، مهر مقداری فرو می‌رود، آیا نماز خواندن با آن اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر اطمینان و اعتماد پیدا کند و قرار گرفتن پیشانی روی مهر به قدر ذکر سجده حاصل شود، نماز، صحیح است. ۷۴/۷/۹

﴿س ۸۳۵﴾ سرگذاشتن بر مهری که با بارگاه واسم جلاله منقش شده، چه حکمی دارد؟ ج - نماز، باطل نیست، لیکن بهتر است که سجده بر روی مهری انجام شود که نقش و نگار نداشته باشد. ۷۴/۹/۱۳

﴿س ۸۳۶﴾ در مقام ضرورت، سجده کردن به اسکناس به عنوان کاغذ چه حکمی دارد؟ ج - سجده به انواع کاغذ، هر چند از چیزی مانند پنبه هم ساخته شده - که سجده بر آن صحیح نیست -، جایز است و مانعی ندارد. ۷۸/۲/۲۷

﴿س ۸۳۷﴾ اگر در بین نماز، چیزی که سجده بر آن جایز است، مفقود شود، و برای سجده چیزی پیدا نشود، آیا می‌توان به ناخن سجده کرد؟

ج - اگر وقت و ساعت دارد، باید نماز را قطع کرد و چیزی که سجده بر آن صحیح است پیدا کرد، و نماز را دو مرتبه خواند، و اگر وقت، تنگ است و یا با قطع کردن نماز

هم چیزی که سجده بر آن صحیح است، پیدا نشود تا بر آن سجده کرد، در این صورت، باید به مراتبی که در مسئله ۱۰۶۱ «رسالة توضیح المسائل» آمده، مراجعه و عمل شود. ۷۴/۴/۳۰

﴿س ۸۳۸﴾ آیا سجده بر سیمان خالص، جایز است یا خیر؟ سجده بر سیمان مخلوط با ماسه چطور؟

ج - صحیح نیست. ۷۵/۶/۲۰

﴿س ۸۳۹﴾ حکم سجده کردن بر سیمان، موزائیک، کاشی، آهک و گچ پخته و همچنین تیمم بر آنها چیست؟

ج - سجده کردن بر سیمان، موزائیک، کاشی و همانند آنها که در اثر تغییر و تحوّل‌های زیاد، ظاهراً زمین بر آنها صدق نمی‌کند، درست نیست؛ اما آهک، گچ پخته شده و مانند آنها مثل آهک و گچ خام، سجده بر آنها جایز است و تیمم بر موارد ذکر شده، حکم سجده بر آنها را دارد. ۷۶/۲/۲۸

﴿س ۸۴۰﴾ آیا سجده بر تسبیح، جایز است؟

ج - اگر تسبیح از مایض علیهِ السجود باشد و سجده بر آن صدق کند، جایز است.

۷۴/۱۱/۲۶

﴿س ۸۴۱﴾ آیا سجده بر هسته خرما، جایز است یا خیر؟

ج - اگر عرفاً جزء مأکولات نباشد، جایز است. ۷۵/۶/۲۰

﴿س ۸۴۲﴾ کانت مکلفه تصلی فترة والجلباب حائل بین جبهتها و بین التریة، مع أنّها

کانت جاهلة بالحکم، فما هو حکم صلواتها السابقة تلك؟

ج - إن کانت جهالتها قصوراً صحت صلواتها الماضية. ۷۵/۱/۵

﴿س ۸۴۳﴾ با توجه به کمبود آب و نبود وسیله‌هایی که تیمم بر آن صحیح باشد و یا

بتوان بر آن سجده کرد، این افراد چگونه وضو سازند و چگونه سجده گذارند؟

ج - با فرض نبود آب و آنچه تیمم بر آن صحیح است، باید نماز را اداء بخواند و بعداً

هم با پیدا کردن آب یا آنچه که تیمم بر آن صحیح است نماز را قضا نماید و در

صورت نبودن چیزی که سجده بر آن صحیح است باید بر لباسش اگر از پنبه یا

کنان است سجده کند و اگر از چیز دیگری است بر همان چیز سجده کند و اگر آن هم ممکن نیست باید بر پشت دست و چنان چه آن هم ممکن نباشد به چیز معدنی؛ مانند انگشتر عقیق سجده نماید. ۸۳/۱/۲۰

﴿س ۸۴۴﴾ شنیدن آیه سجده واجب از رادیو و تلویزیون در برنامه‌هایی که به طور مستقیم بخش می‌شود، چه حکمی دارد؟ و اگر غیرمستقیم باشد، چه حکمی دارد؟
ج - اگر کسی قرآن می‌خواند و رادیو و تلویزیون مستقیماً پخش می‌کند و به عنوان آلت پخش است، مثل بلندگو، سجده واجب است؛ ولی اگر از نوار استفاده می‌کنند، سجده واجب نیست.

﴿س ۸۴۵﴾ کسی که سجده بر او واجب است (مثلاً پس از قرائت آیات سجده دار) باید یک سجده به جا آورد یا دو سجده؟ و آیا باید پس از آن، تشهد و سلام بخواند؟
ج - سجده‌های قرآن، یکی است نه زیاده‌تر، و هرگاه کسی در سجده واجب قرآن، پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگر چه ذکر نگوید، کافی است و گفتن ذکر، مستحب است؛ و تشهد و سلام ندارد. ۷۹/۹/۸

﴿س ۸۴۶﴾ آیا می‌توان در رکوع و سجود، پس از ذکر واجب، به فارسی دعا کرد؟ در قنوت چطور؟

ج - دعا کردن به نحو مرقوم در سؤال، جایز است، لیکن نمی‌توان در قنوت به آن اکتفا کرد. ۷۵/۱۱/۱۸

تشهد و سلام و قنوت

﴿س ۸۴۷﴾ آیا ذکر شهادت ثالثه «اشهد انّ علیاً ولیّ الله» در تشهد، جایز است؟
ج - نماز و تشهد را، به همان نحو که متعارف است، باید به جای آورد و اضافه کردن چیزی به نماز، موجب بطلان آن است. ۷۵/۱۱/۲۵

﴿س ۸۴۸﴾ بنا بر حدیثی که گفته بعد از شهادت به رسالت، شهادت به ولایت داده شود، آیا در اذان و تشهد هم باید شهادت به ولایت داده شود؟
ج - وضع نماز را نباید با این زیاد نمودن‌ها به هم زد و نباید چیزی به تشهد اضافه شود. ۷۸/۱۰/۱۳

﴿س ۸۴۹﴾ اگر شخصی در رکعت سوم نماز، هنگامی که در رکوع است و یا بعد از آن، متوجه شود که در رکعت دوم، تشهد را نخوانده است، چه کار باید بکند؟

ج - بعد از اتمام نماز، بدون اینکه روی از قبله بگرداند، ابتدا باید قضای تشهد را بخواند و بعد از قضای تشهد، دو سجده سهو هم به جا آورد. ۷۶/۲/۲۰

﴿س ۸۵۰﴾ ۱. با توجه به نص صریح قرآن (احزاب ۳۳) به صلوات و درود تنها بر پیامبر ﷺ امر شده است به چه دلیل در تشهد نماز بر آل محمد ﷺ نیز صلوات فرستاده می شود. ۲. اگر شخصی با توجه به آیه ذکر شده به این دیدگاه رسیده باشد که در هنگام تشهد نماز - که به قول آیه الله خمینی رحمته، سمبلیک و نمادین می باشد و صورتی است که دلالت بر معنی خاص می کند - تنها می باید بر پیامبر صلوات فرستاد آیا می تواند این گونه عمل نماید؟

ج - صلوات فرستادن در تشهد بر محمد و آل محمد ﷺ واجب است و اگر کسی عمداً آن را نگوید، نمازش باطل است؛ و اما بحث از ادلة احکام جای خود را می طلبد و از حوصله یک سؤال و جواب فقهی خارج است. ۸۲/۵/۶

﴿س ۸۵۱﴾ اگر در تشهد نماز به آل محمد ﷺ صلوات نفرستد و تنها به پیامبر ﷺ صلوات بفرستد، آیا نسبت به شیعه مرتد است؟

ج - مرتد نمی باشد ولی اگر عمداً نگوید، نمازش قطعاً باطل است. ۸۲/۵/۶

﴿س ۸۵۲﴾ شخصی مدت ها در آخر سلام نماز، به جای «السلام علیکم ورحمة الله و برکاته» به اشتباه، «برکاته» را «برکاة» تلفظ کرده، است. حال با عنایت به اینکه در سلام آخر، بعد از تشهد، فقط باید بگوید: «السلام علیکم» تا از نماز خارج شود و بقیه آن، یعنی «و رحمة الله و برکاته»، طبق فتوای جناب عالی، احوط استحبابی است. آیا نمازهایی که خوانده شده، صحیح است؟

ج - صحیح است. ۷۵/۶/۶

﴿س ۸۵۳﴾ اگر شخصی تشهد نماز را فراموش کند. آیا بعد از قضای تشهد، سلام نماز را هم باید بگوید یا لازم نیست؟

ج - سلام، لازم نیست. ۷۴/۴/۱۵

﴿س ۸۵۴﴾ آیا جایز است کسی در زمانی که عجله دارد، در تشهد فقط شهادتین را بگوید و صلوات بفرستد؟

ج - جایز نیست. آری، در تسبیحات اربعه، چون یک مرتبه زیادتراً واجب نیست، می‌تواند عجله را با آن رفع نماید.

﴿س ۸۵۵﴾ آیا بعد از نماز خواندن، شعارهای انقلابی بدهیم بهتر است یا تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوییم؟

ج - آنچه در روایات و فتاوا آمده، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است و بر آن تأکید هم شده و ثواب فراوان هم برای آن مقرر شده است. ۷۹/۱۰/۲۳

﴿س ۸۵۶﴾ اگر کسی در هر نماز واجب و مستحب، قنوت نماز را عمداً بعد از رکوع به جا آورد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر فراموش کرده که قبل از رکوع به جا آورد، مانعی ندارد؛ ولی در غیر آن، جایز نیست.

﴿س ۸۵۷﴾ آیا نماز کسی که قنوت را به خاطر گریز از مسخره کردن یا اذیت دیگران می‌خواند، اشکالی پیدا می‌کند؟

ج - باید خواندن قنوت، با قصد قربت باشد. ۷۵/۱۰/۵

﴿س ۸۵۸﴾ اگر کسی در رکعت چهارم نمازهای چهار رکعتی، قنوت بخواند، چه حکمی دارد؟ آیا صورت عمد و سهو آن فرق می‌کند؟

ج - در صورت عمد، مبطل نماز است، لیکن در صورت سهو، مانعی ندارد. ۷۵/۱۱/۲۶

﴿س ۸۵۹﴾ آیا پس از دادن سلام نماز، چرخاندن سر به راست و چپ، گفتن الله اکبر، و بالا بردن دست تا مرز گوش لازم است، لطفاً مرجع را بفرمایید آیا در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود داشته؟ آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست بسته نماز می‌خواند یا دست باز (راویت آن سنی است یا شیعه؟)

ج ۱- هیچ یک از آنها لازم نیست، بلکه سر را به راست و چپ گرداندن مستحب هم نمی‌باشد و سؤال نسبت به مرجع زمان رسول صلی الله علیه و آله ابهام دارد و نیاز به توضیح دارد.

ج ۲- پیامبر اکرم همان طور که بوسیله نزدیکان معصوم آن حضرت و عدّه زیاد

دیگری به ما رسیده و روایات فراوان آن را بیان داشته با دست باز نماز می خواندند، و اصولاً با دست بسته نماز خواندن و دو دست را روی سینه گذاشتن ترویج فرهنگ مجوس و جباران و زمامداران سلطه گر می باشد و اسلام آمده تا تمام مظاهر ستمکاری را از بین ببرد. ۸۲/۳/۷

﴿س ۸۶۰﴾ اغلب، مشاهده می شود که عده ای از نمازگزاران - خواه در نمازهای جماعت و خواه در نماز فرادا، قبل از قنوت و در حین خواندن آن - خود را مقید می دانند که انگشتی را در انگشتان بچرخانند و طبعاً حواس و توجهشان به این امر، معطوف است و این مورد آن چنان بین بعضی از مؤمنین، عمومیت و تکلف ایجاد کرده است که گویا از ضروریات و یا از مستحبات مؤکد است و علاوه بر این برخی دیگر پس از قنوت، کفین را به صورت خود می کشند و یا به طور کلی دو دست را به صورت چسبانده قنوت می خوانند. مستدعی است ارشاد فرمایید آیا در موارد مذکور، روایت و یا حدیث یا دستوری مبنی بر استحباب یا استحسان وارد شده است یا این که از سلائق و بدعت های فردی رایج است و از اضافات؟

ج - کشیدن دست بر صورت، بعد از اتمام قنوت، مکروه است و اما گرداندن انگشت و غیر آن در دست به قصد استحباب، وجهی ندارد. ۸۳/۳/۴

﴿س ۸۶۱﴾ بعضی ها به هنگام قنوت سمت نگین انگشت عقیق خود را به طرف صورت می گیرند، آیا این عمل مستند است و آیا ثوابی دارد؟

ج - به دست کردن انگشت عقیق برای نماز مستحب است و برای نگاه به آن در قنوت وجهی ندارد. ۸۱/۶/۱۷

﴿س ۸۶۲﴾ هل التختم بالیمین مستحب؟ وهل یختص بالرجال فقط؟ وهل العقیق افضل ما یتختم به؟ وهل استحباب لبس الخاتم فی الخنصر فقط ام كذلك یستحب فی البنصر؟ وهل دوران الخاتم فی القنوت من المستحبات؟

ج - مستحب - ولا یختص بالرجال بل للنساء أيضاً مستحب - والدعاء والقنوت مع الکف الذي فيه العقیق مستجاب إن شاء الله تعالى. وللخاتم مع الفیروزج ایضاً خواصاً فی الأخبار ویكون مورداً للترغیب ولا خصوصية لأصبع من أصابع اليد للتختم فيه كما ان اداره الخاتم ودورانه لا دلیل علیه بل لا بد من تركه لشبهه التشریح المحرم. ۸۲/۳/۳۱

﴿س ۸۶۳﴾ آیا جایز است که در قنوت نمازهای واجب و مستحب، دعای الهی عظم البلاء و برح الخفاء... الخ خواند یا خیر؟

ج - آری، جایز است، لیکن همه دعا خوانده شود تا دعا و انشای آن صدق کند و الاً ظاهراً جمله الهی عظم البلاء و بعضی از جملات همانند آن، اخبار از يك واقعیت است گرچه از جهت زبان حال می‌توان گفت دعا است، لیکن به هر حال خواندن دعاهاى مأثوره در قنوت اولی می‌باشد.
۸۱/۹/۱۹

مبطلات نماز

﴿س ۸۶۴﴾ اگر کسی در اثنای نماز قصد شکستن نماز نماید و با همان نیت، برخی از اجزای نماز را بخواند و بعد منصرف شود و از قصد خود برگردد. نمازش چه صورت دارد؟
ج - نمازش درست است، مگر آن که منافی مبطل نماز به جا آورده باشد. ۸۲/۱۱/۲۰
﴿س ۸۶۵﴾ شخصی وضو گرفته و نماز می‌خواند، ولی بعد از نماز یادش می‌آید که جُنُب بوده است، نمازش چه حکمی دارد؟

ج - نمازش، به خاطر آنکه طهارت نداشته است، باطل است. ۷۴/۷/۹
﴿س ۸۶۶﴾ اگر موقع گفتن تکبیرة الاحرام یا قیام متصل به رکوع، بدن حرکت اندک و بسیار کمی داشته باشد، آیا مبطل نماز است؟

ج - موقع گفتن تکبیرة الاحرام، باید بدن آرام باشد و اگر کسی عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیرة الاحرام را بگوید، نمازش باطل است، و چنانچه سهواً حرکت کند، بنا بر احتیاط مستحب، باید اوّل عملی که نماز را باطل می‌کند، انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید؛ و احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کند و دوباره اعاده نماید. ۷۸/۱۰/۵

﴿س ۸۶۷﴾ تکان دادن دست به هنگام قیام متصل به رکوع و هنگام تکبیرة الاحرام، چه حکمی دارد؟

ج - اگر موجب حرکت بدن نشود، مانعی ندارد. ۷۸/۶/۱۸

﴿س ۸۶۸﴾ آیا در تشهد جایز است که بعد از گفتن «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» «وعجل فرجهم» را اضافه کنیم؟

ج - نباید اضافه نمود و حدود نماز باید مراعات شود؛ وگرنه در آینده نه چندان دور، نماز محدود و معین شرعی ممکن است باقی‌نماند و همه ما مسئول باشیم. ۷۹/۱۰/۲۰
﴿س ۸۶۹﴾ آیا ذکر صلوات و «وعجل فرجهم» بعد از ذکر رکوع و سجود «وعجل فرجهم» بعد از صلوات تشهد، جایز است و یا اشکال دارد؟

ج - در تشهد نباید اضافه نمود و جایز نیست، اما در رکوع و سجده بعد از صلوات مانعی ندارد. ۸۲/۴/۱۳

﴿س ۸۷۰﴾ هل یصح هذا الذکر «اللهم صل وسلم علی محمد و آل محمد»؟ وهل هو منصوص علیه بهذه کیفیة؟

ج - جایز لکنه لیس بمنصوص، والاولی رعایة المعروف المنصوص بل رعایتة فی الصلاة لازمة وواجبة. ۸۲/۷/۱۵

﴿س ۸۷۱﴾ هل يجوز قول وسلم فی الصلاة علی محمد أثناء التشهد كأن أقول: «اللهم صل وسلم علی محمد و آل محمد» أفتونا جزاکم الله خیراً.

ج - تغییر اذکار الصلاة بالاضافة (ولو بنحو ماذکرت) او بالنقیصة غیر جایز و موجب للاختلال فی العبادات والوظائف الشرعية المقررة. ۸۲/۴/۱۵

﴿س ۸۷۲﴾ جواب سلام در نماز، چطور است؟ چه نوع سلامی، مبطل نماز نیست؟ مثلاً گاهی می‌گویند: سلام علیکم، گاهی بدون تنوین می‌گویند و گاهی «علیک» را با «الف» - نه با «عین» - تلفظ می‌کنند.

ج - ظاهراً پاسخ سلام به نحو اول و دوم، واجب است، اما جواب دادن به نحو اخیر که غلط است، غیر جایز و مبطل نماز است. ۷۴/۱/۱۸

﴿س ۸۷۳﴾ آیا می‌توان در نمازهای واجب، آیاتی از قرآن را قبل از حمد و بعد از سوره، رجائاً خواند؟ آیاتی که بعد از ذکر رکوع و سجده در نمازهای واجب، اذکار و دعاهای فارسی غیر از ذکر رکوع و سجده خواند؟ ترجمه فارسی ذکر رکوع و سجود را در نمازهای واجب، چه طور؟

ج - باید از این‌گونه اعمال، قطع نظر از آن که بعضی از آنها مبطل نمازند، جداً پرهیز نمود تا عبادیت نماز به شکل عادی خود باقی بماند و دست‌خوش تحویل و تحوّل قرار نگیرد. ۷۷/۱/۲۶

﴿س ۸۷۴﴾ آیا مادر در حین نماز می تواند طفل شیرخوارش را در بغل بگیرد؟ و همچنین سوار شدن بچه ها بر پشت نمازگزار با آنکه رعایت طهارت و نجاست رانمی کنند، چه حکمی دارد؟
ج - اشکالی ندارد، می تواند او را بغل کند تا آرام شود، لیکن باید از حالت نمازگزار خارج نشود و سوار شدن آنها بر پشت نمازگزار، هر چند در طهارت و عدم طهارت آنها شک دارد، نماز را باطل نمی کند. ۷۴/۶/۱۴

﴿س ۸۷۵﴾ آیا اشاره کردن به بچه در حین نماز و نیز نوازش کردن او، مبطل است؟ همچنین آیا بلند کردن صدا هنگام قرائت تا دیگری متوجه مطلبی شود، اشکال دارد؟
ج - اشاره کردن به بچه و نوازش او، مبطل نیست، مگر آنکه آن قدر زیاد باشد، و به نحوی انجام گیرد که محو کننده صورت نماز باشد؛ بلند کردن صدا هم مانعی ندارد، مگر در جایی که قرائت آهسته حمد و سوره، واجب باشد. ۷۵/۱۲/۱۹

﴿س ۸۷۶﴾ آیا می توان در وسط نماز مستحبی حرف زد؟
ج - نمی توان و در این جهت، فرقی بین نماز واجب و مستحبی نیست. ۷۷/۱/۱۷
﴿س ۸۷۷﴾ آیا صدایی که در حال عطسه کردن شنیده می شود، مبطل نماز است یا خیر؟
ج - حرفی که از عطسه کردن پیدا می شود، مبطل نماز نیست، ولی اگر عمداً باشد، مبطل است.

﴿س ۸۷۸﴾ حق مؤمن بر مؤمن دیگر این است که اگر عطسه کرد، مؤمن دیگر بگوید: «یرحمک الله». حالا اگر در حال نماز، مؤمنی عطسه کرد و ما در حال خواندن حمد و سوره بودیم. آیا در این جا نیز باید این ذکر را حتماً بگوییم؟

ج - بنا بر احتیاط واجب، در حال نماز، «یرحمک الله» را نباید گفت، هر چند در غیر نماز، گفتنش مستحب است. ۷۹/۷/۹

﴿س ۸۷۹﴾ آیا می توان برای تقرب به خدا و دفع شیطان، نماز را با سوز و همراه با گریه خواند؟ اگر گاهی اوقات برای جلب توجه و عمداً نماز ظهر و عصر مقداری بلند، و نمازهایی که باید بلند خوانده شود، آهسته خوانده شود، حکم چیست؟

ج - باید مانند دیگران نماز خواند و تخلف عمدی در نمازهایی که بلند یا آهسته خواندن آنها واجب است، موجب بطلان است؛ و حالت خوف و خشوع که موجب محو صورت نماز نباشد، مانعی ندارد. ۷۴/۷/۲۵

﴿س ۸۸۰﴾ اگر کسی در نماز «السلام علیک یا ابا عبدالله» و یا «یا علی» و یا امثال اینها بگوید و یا در نماز، برای اهل بیت و مظلومیت آنها گریه کند، نماز او چه طور است؟ اگر در نماز به یاد اهل بیت باشد، چه طور؟

ج - این گونه امور را در نماز اضافه نکنید و نماز را به همان نحو که دیگران انجام می دهند، انجام دهید و به هر حال، آنچه در رساله ها به عنوان مستحبات نماز نیامده، اضافه ننمایید.
۷۸/۱۲/۴

﴿س ۸۸۱﴾ مدتی در قنوت نماز، از روی ناآگاهی و نیز علاقه شدید به امام حسین (علیه السلام)، به ایشان سلام می گفتم، ولی بعد متوجه شدم که این کار، اشتباه است. حکم آن نمازها چیست؟
ج - مانعی ندارد و نماز صحیح است.
۷۴/۲/۶

﴿س ۸۸۲﴾ شخصی در اثنای نماز، جهت پاک کردن سینه و باز کردن صدا، عمداً چند مرتبه سرفه می کند و یا صدای شبیهه به سرفه از خود ظاهر می کند که موجب پیدایش دو حرف به بالا می شود. نماز او چه حکمی دارد؟

ج - با علم یا احتمال تکلم به حروف، نمازش باطل است.
۷۶/۱۲/۲

﴿س ۸۸۳﴾ اگر کسی در حال گفتن ذکر سجده، انگشت ابهام پا را عمداً حرکت دهد، نمازش چه صورتی دارد؟

ج - اگر در حال ذکر باشد باید ذکر را تکرار نماید و حرکت دادن انگشت پا در حال ذکر اگر از روی عمد و علم باشد، بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان نماز است.
۸۵/۲/۵

﴿س ۸۸۴﴾ اگر برای کسی در نماز ضرورتی پیش آید که جلوتر برود، آیا می تواند در حال نماز، چنین کاری را انجام دهد؟

ج - در صورتی که از حالت نمازگزار خارج نشود یا این که از طرف قبله برنگردد، مانعی ندارد.
۷۹/۸/۱۷

﴿س ۸۸۵﴾ اگر کسی اذکار مستحبی نماز را عمداً و یا سهواً غلط بخواند یا از مخرج ادا نکند، نمازش چه صورتی دارد؟

ج - نباید به نحوی غلط خوانده شود که غلط فاحش باشد و موجب تغییر معنا گردد؛ وگرنه مبطل است.
۷۶/۴/۱۱

﴿س ۸۸۶﴾ اگر کسی خود را هیپنوتیزم کند، آیا می‌تواند در آن حال، نماز بخواند و روزه بگیرد؟

ج - چنانچه به حکم مغمی علیه باشد، نماز و روزه او صحیح نیست. ۷۷/۱۲/۲۵
﴿س ۸۸۷﴾ نماز خواندن با حالت دست بسته، چه حکمی دارد؟

ج - اگر در حال تقیه نباشد، نماز باطل و فعل حرام است. ۷۵/۲/۲۶
﴿س ۸۸۸﴾ سربازانی که از اول اذان صبح تا طلوع آفتاب، در پست نگهبانی‌اند و معمولاً به دلیل ندانستن مسئله، نمازهایشان قضا می‌شود، چگونه باید نماز بخوانند؟ آیا با پوتین می‌توانند نماز بخوانند؟

ج - نماز خواندن با پوتین در صورتی که بیرون آوردن آن، امکان نداشته باشد، مانعی ندارد. ۷۵/۲/۸

﴿س ۸۸۹﴾ آیا صدای ترانه‌ای که به گوش می‌رسد، موجب بطلان نماز می‌شود؟

ج - موجب بطلان نماز نمی‌شود. ۷۵/۱۲/۱۶

﴿س ۸۹۰﴾ اگر کسی عمداً یا سهواً مشروبات الکلی مصرف نماید و بعد توبه کند، و دهان خود را آب بکشد. آیا واقعاً چهل روز اعمال دینی از جمله نماز او، باطل است یا خیر؟
ج - نماز، باطل نیست، لیکن باید از خداوند درخواست کند تا عملش مقبول درگاه حق شود. ۷۴/۷/۲۵

﴿س ۸۹۱﴾ هل يعتبر مضغ العلك اثناء الصلاة مبطلاً لها؟

ج - الظاهر أنه مبطل لها لأنه فعل ماح لصورة الصلاة عرفاً. ۸۲/۵/۶

سلام و جواب آن در نماز

﴿س ۸۹۲﴾ اگر کسی تکبیر زیادی دارد، آیا می‌توان در نماز جواب سلام او را نداد تا بفهمد که دارد اشتباه می‌کند؟

ج - نمی‌توان و جواب سلام، واجب است. ۷۹/۷/۲۷

﴿س ۸۹۳﴾ آیا سلام کردن به خانم‌های جوان از مستحبات شمرده می‌شود، در حالی که در کافی از امام صادق علیه السلام روایتی داریم که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به خانم‌ها سلام می‌کرد

و جواب سلام آن‌ها را می‌گفت و در باره امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «کان یکره ان یسلم علی الشایبة متّهن و یقول: أتخوف أن یعجینی صوتها فیدخل علیّ اکثر ممّا اطلب من الأجر»؟

ج - سلام کردن مرد اجنبی به زن اجنبیه و بالعکس، اگر ریه یا فساد در بین نباشد، علی‌الاقوی جایز است، چون صوت زن، فی حدّ نفسه، عورت نیست، لیکن سلام کردن به زن اجنبیه جوان، به خاطر جوانی و منشأیت برای اتهام، کراهت دارد. ۷۸/۱۲/۴

﴿س ۸۹۴﴾ بعضی سلام می‌کنند و می‌دانیم که این سلام کردن برای عمل به وظیفه اسلامی

نیست. بنده هم در جواب آن‌ها می‌گویم: «والسلام علی من اتّبع الهدی». آیا کافی است؟

ج - جواب سلام واجب است، هر چند بخاطر عمل به وظیفه اسلامی نباشد و مناط در وجوب جواب انسانی بودن تحیت می‌باشد چه اسلامی باشد و چه نباشد و قران پاسخ به همه تحیتها را به طور مطلق واجب کرده است. ﴿وَإِذَا حُیِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا﴾ (نساء، آیه ۸۶). ۸۵/۲/۵

﴿س ۸۹۵﴾ اگر انسان به قصد یک شخص خاصی سلام کند و طرف جواب ندهد، آیا بر فردی که کنار این شخص و مشغول نماز است و مقصود سلام کننده نبوده، واجب است پاسخ سلام او را بدهد؟

ج - واجب نیست، چون به او سلام نشده تا جواب آن برایش واجب باشد؛ بلکه جواز آن هم مشکل و ممنوع است و مشروع نیست. ۷۹/۶/۲۷

شکایات

﴿س ۸۹۶﴾ اگر شخصی بعد از سر برداشتن از سجده، شک کند که سجده اول است یا سجده دوم، اما یکی از دو طرف را بیشتر احتمال دهد، حکمش چیست؟

ج - باید بنا را بر اقل بگذارد. ۶۸/۳/۲

﴿س ۸۹۷﴾ چنانچه بعد از سر برداشتن از سجده اول یا دوم، شک کنیم که موهای سر و یا چیز دیگری، مانع از رسیدن پیشانی به مهر بوده است یا خیر، چه باید کرد؟

ج - نباید به شک خود اعتنا کرد. ۷۵/۴/۸

﴿س ۸۹۸﴾ اگر کسی در تشهّد، شک کند که سجده دوم را به جای آورده است یا خیر، تکلیفش چیست؟

ج - به شک خود اعتنا نکند، چون شک بعد از محل است و اعتبار ندارد.

۶۸/۱۱/۱۸

﴿س ۸۹۹﴾ آیا کسی که در همه افعال و اعمال خود کثیرالشک شده، می تواند به ظن عمل کند؟ آیا ظن برای افرادی از این قبیل، حجّت است؟

ج - در این گونه موارد، ظن، حجّت نیست و نمی توان به آن عمل کرد. ۶۸/۹/۲۷

﴿س ۹۰۰﴾ بنده در اکثر نمازها، به دلیل حواسپرتی، بین رکعات یک، دو، سه یا چهار، شک می کنم. آیا کثیرالشک هستم؟

ج - به شک خود اعتنا نکنید و بنا را بر دلخواه و نفع خود بگذارید. ۶۹/۱۲/۲۲

﴿س ۹۰۱﴾ کسی که در مسائل عبادی و غیر عبادی مبتلا به شک های مختلف است (حتّی گاهی برایش شکی پیش می آید که سابقه نداشته است)، وظیفه اش چیست؟

ج - نباید به شک خود اعتنا کند. ۷۴/۴/۶

﴿س ۹۰۲﴾ بنده بین رکعت های سه و چهار نماز، زیاد شک می کنم، و کثیرالشک هستم. گاهی به وظیفه کثیرالشک عمل می کنم، ولی شیطان مرا وسوسه می کند و احتمال سه رکعت را بیشتر می دهم و ناراحتم که یک رکعت کم خوانده باشم؛ و گاهی برعکس عمل می کنم، ولی باز هم وسوسه می شوم. آیا می توانم به وظیفه کثیرالشک عمل کنم، و بنا را بر چهار بگذارم و نمازم را تمام کنم و بعد یک رکعت نماز احتیاط هم به جا آورم؟

ج - چون شک شما به خاطر کثرت، از حکم شک خارج است، لذا بنا را بر همان

طرفی بگذارید که نماز با آن صحیح است و جبران نمی خواهد، یعنی در فرض

سؤال، بنا را بر چهار بگذارید و لازم نیست نماز احتیاط هم بخوانید.

﴿س ۹۰۳﴾ ما حکم من فرغ من الصلاة واخبره شخص بان صلاته ناقصة رکعة فهل

يعول علی کلامه؟

۸۲/۲/۲۷

ج - التعويل غير لازم إلا مع الأطمینان والوثوق بقوله.

﴿س ۹۰۴﴾ اگر کسی در نماز خود زیاد شک می‌کند. مثلاً در نماز شک می‌کند که آیا در رکعت سوم است یا چهارم، یا مثلاً شک می‌کند که به سجده یا رکوع رفته یا نه، حکمش چیست؟
 ج - اگر کسی در یک نماز، سه مرتبه شک کند یا در سه نماز پشت سر هم، مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شک کند، کثیرالشک است و چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد، به شک خود اعتنا نکند. ۷۸/۱۱/۵
 ﴿س ۹۰۵﴾ فردی کثیرالشک برای نگه داشتن شماره رکعات نماز، آن را ضمن نماز می‌نویسد یا تسبیحی را در جانماز، جا به جا می‌کند. آیا این کار اشکالی دارد؟

ج - اشکالی ندارد. ۷۱/۱۲/۶
 ﴿س ۹۰۶﴾ آیا احکام مربوط به سهو و شک و احتیاط در خصوص نمازهای مستحبی به همان شکلی که در نمازهای واجب مطرح است، مجزی است یا خیر؟ اگر کیفیت به گونه‌ای دیگر است، لطفاً مرقوم فرمایید در خصوص جهر و اخفات، چه طور؟

ج - حکم شک در رکعات نمازهای مستحبی، مطلقاً چه یک رکعتی باشد، چه زیادت، تخیر بین بنای بر اقل یا اکثر است، مگر آن که بنای بر اکثر، موجب بطلان نمازش گردد که در این صورت، بنا را بر اقل می‌گذارد و افضل، بنای بر اقل است، مطلقاً؛ و اما شک در افعال آن، حکم شک در افعال نماز واجب را دارد که اگر در محل است، به جا می‌آورد و اگر از محلش تجاوز نموده، اعتبار ندارد و نمازش صحیح است؛ و اما حکم نسیان و فراموشی اجزای آن، اتیان و به جا آوردن آن است، گرچه موجب زیادی رکن شود؛ چون زیادی رکن در نماز مستحبی، موجب بطلان نیست، لیکن نقصان رکن در آن، موجب بطلان است، کما این که زیاد شدن یک رکعت هم در آن، موجب بطلان است؛ و ناگفته نماند که نمازهای مستحبی، سجده سهو ندارند، نه برای فراموشی سجده و تشهد، و نه برای مثل کلام بیجا و بقیه اسباب آن. آری، تشهد و سجده فراموش شده نماز مستحبی، همانند واجب، قضا دارد. ۷۹/۹/۱

﴿س ۹۰۷﴾ من در نماز، بسیار شک می‌کنم. راه از بین رفتن شک در نماز چیست؟
 ج - به شک خود اعتنا ننمایید و همیشه بنا را بر صحیح بودن بگذارید و بینی شیطان را با اعتنا نکردن و بنا را بر صحت گذاشتن، به خاک بمالید و با کار در منزل و تفریح‌های سالم، می‌توانید مشکل شک زیاد را از خود دور نمایید. ۷۹/۹/۱

نماز احتیاط و سجده سهو

﴿س ۹۰۸﴾ در شکیات نماز که بعد از نماز، بلافاصله و بدون برگرداندن صورت از قبله باید نماز احتیاط خوانده شود به اشتباه روی از قبله برگردانده و سپس نماز احتیاط خوانده‌ام. آیا نمازهایی که خوانده‌ام، قضا دارد یا خیر؟

ج - اگر روی گرداندن، مختصر بوده و انحراف به سمت یمن و یسار رخ نداده است، قضا ندارد.
۷۴/۹/۷

﴿س ۹۰۹﴾ اگر نماز گزار پس از سلام نماز، سه بار تکبیر گفته، سپس نماز احتیاط یا سجده سهو را به جا آورد، آیا نمازش اشکال دارد؟ اگر چنین است تکلیف نمازهای قبلی چیست؟

ج - نسبت به گذشته که متوجه نبوده است، اشکالی ندارد ولی برای بعد نسبت به نماز احتیاط، واجب است که چیزی، ولو سه مرتبه الله اکبر، فاصله نشود. ۷۵/۵/۵

﴿س ۹۱۰﴾ با عنایت به مسئله سجده سهو، آیا در تشهد سجده سهو باید به مقدار واجب اکتفا کرد یا خیر؟ و اگر کسی از روی ندانستن مسئله یا سهواً قبل از تشهد، «الحمد لله» و یا «بسم الله و بالله» یا هر دو را می‌گفته، حکم سجده‌های سهو او و نمازهایش چیست؟

ج - اکتفا به قدر واجب، کافی است و قدر واجب، همان تشهد معروف است و گفتن «الحمد لله» یا «بسم الله و بالله و خیر الأسماء لله» که در تشهد نمازهای واجب گفته می‌شود، مانعی ندارد.
۷۸/۷/۱۴

﴿س ۹۱۱﴾ اگر انسان فراموش کند و سجده سهو را انجام ندهد، نقل شده است که هر وقت یادش آمد، باید آن را به جا آورد. آیا منظور این است که در هر حالتی که بود (مثلاً بی وضو یا بدون چادر و یا بدون سجده گاه صحیح)، می‌تواند آن را به جا آورد؟ سجده سهو چند تا است؟

ج - شرایط نماز و سجده در سجده سهو، معتبر نیست، لذا فرد می‌تواند بدون وضو هم آن را انجام دهد؛ اما احتیاط در مراعات است؛ و سجده سهو، در همه جا دو سجده است.
۶۸/۱۱/۱۶

﴿س ۹۱۲﴾ آیا ذکر سجده سهو واجب است؟

ج - احوط مستحبی در سجده سهو، ذکر مخصوص است.
۶۸/۱۱/۲۹

﴿س ۹۱۳﴾ آیا در موقع خواندن سجده سهو فقط باید نیت کرده، بدون خواندن حمد و سوره به سجده رفت و بعد از آن بدون تشهد، تمام کرد؟

ج - سجده سهو، حمد و سوره ندارد؛ اما تشهد و سلام دارد و می‌توان به یک سلام از سلام‌های واجب، اکتفا کرد. برای توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل، مراجعه فرمایید.
۷۸/۷/۲۷

﴿س ۹۱۴﴾ آیا بعد از تشهد سجده سهو، هر سه سلام را باید گفت، یا فقط سلام آخر را؟
ج - سلام آخر، کافی است.
۷۵/۱۰/۵

﴿س ۹۱۵﴾ اگر کسی تشهد و سلام سجده سهو را عمداً و یا از روی ندانستن مسئله و یا سهواً نگوید، آیا سجده سهو او صحیح است؟
ج - اگر عمداً نگوید باطل است و باید مجدداً به جا آورد، اما اگر سهواً نگفته مانعی ندارد و نماز و سجده او صحیح است.

﴿س ۹۱۶﴾ اگر نمازگزار در نماز، هنگامی که باید سلام بدهد، از روی فراموشی (نه از روی شک در رکعات) بلند شود، نمازش چه حکمی دارد؟

ج - نشستن به جای ایستادن و بالعکس، اگر از روی فراموشی باشد، مضرّ به نماز نیست، لذا نمازش درست است، اما احتیاط در هر نشستن و ایستادن بی‌جا، به جا آوردن سجده سهو است.
۷۰/۱۰/۲۷

﴿س ۹۱۷﴾ اگر در یک نماز، دو مورد سجده سهو پیش آید، آیا یک سجده سهو کفایت می‌کند؟
ج - هر کدام، سجده سهو جداگانه دارند.
۷۵/۸/۲۵

﴿س ۹۱۸﴾ اگر کسی از کاری را به قصد ذکر مطلق، قبل از تشهد سجده سهو بگوید، چه طور است؟ در صورت مبطل بودن، اگر کار او از روی ندانستن مسئله بود، چه طور؟
ج - سجده سهوهای گذشته، صحیح است؛ ولی نسبت به آینده، همان گونه که تشهد در نماز خوانده می‌شود، بخوانید.
۷۸/۷/۱۴

﴿س ۹۱۹﴾ در نمازهای واجب دو یا سه رکعتی، اگر در یک رکعت آخر که باید سلام بدهیم، سهواً به حالت تجافی می‌خواهیم که بلند شویم، ولی یادمان می‌آید که باید سلام نماز را بدهیم و نماز را سلام می‌دهیم. آیا این گونه نماز، صحیح است؟ و آیا سجده سهو لازم است؟
ج - نماز، صحیح است و نیازی به سجده سهو نیست.
۷۷/۹/۱۲

احکام نمازهای مستحبی

﴿س ۹۲۰﴾ از آن جاکه در نمازهای مستحبی، هر نماز به جهت آیات و دعاها کیفیت و اجرای خاصّ خود را دارد، آیا می‌توان به علّت ناآشنایی و اشکال در اجرای آن آیات و دعاها، به نیت نماز مورد نظر، فقط به صورت دو رکعتی اجرا نمود؟

ج - آن نماز مخصوص، حتماً باید با همان کیفیت خاص انجام گیرد؛ امّا نمازهای مستحبی به طور کلی دو رکعتی هستند و به حمد تنها هم می‌توان اکتفا کرد. ۷۶/۵/۶

﴿س ۹۲۱﴾ آیا نمازهای مستحبی که اسماً به آن‌ها نافله گفته نمی‌شود (مثل غفيله، نماز اول ماه و نمازهای دیگر)، چنانچه در وقت خوانده نشود، می‌توان بعداً آن‌ها را قضا کرد؟

ج - نمازهای مستحب که مقید به وقت است (مثل نماز اول ماه، نماز غفيله و مانند آن‌ها) قضا ندارد، چون آنچه بعداً به جا آورده می‌شود، به سبب نداشتن قید، قضا محسوب نمی‌شود و بین امر مقید و غیر مقید، تضادّ و تباین وجود دارد، آری، در نوافلی که وقت، ظرف آن‌هاست (مانند نوافل یومیه)، قضای آن‌ها صحیح و مشروع است. ۷۵/۱۲/۱۱

﴿س ۹۲۲﴾ در رساله توضیح المسائل (وقت نافله‌های یومیه)، درباره وقت نافله عشا آمده است: «بهتر آن است که بعد از نماز عشا، بلافاصله خوانده شود» آیا منظور از بلافاصله، آن است که قبل از تعقیبات و متصل به نماز عشا باشد، یا بعد از تعقیبات؟ و کدام یک افضل است؟

ج - عبارت مسئله قصور دارد و مُراد آن است که فاصله زیاد نشود؛ و امّا نسبت به تعقیب‌ها و غیر آن از مستحبّات بعد از نماز، باید توجّه داشت که مستحبّ است که نافله عشا، در خاتمه آن‌ها قرار بگیرد. ۷۷/۳/۱۹

﴿س ۹۲۳﴾ خواندن نماز غفيله در حالت نشسته چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد، امّا در حال اختیار ثواب آن کمتر است. ۸۱/۳/۱۷

﴿س ۹۲۴﴾ آیا تمام نمازهای مستحب، حتی نماز شب را می‌توان در حال حرکت

خواند؟ کیفیت رکوع و سجده در این گونه نمازها چگونه است؟

ج - جایز است همه نمازهای مستحبی (مثل نماز شب) را در حال حرکت بخواند و رکوع و سجده را با اشاره انجام دهد. ۷۵/۵/۵

﴿س ۹۲۵﴾ آیا ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» بعد از حمد، قبل از آیه «اذْهَبْ...» و آیه «وعنده مفاتيح الغيب...» لازم است یا نه؟ اگر لازم نباشد جایز است کسی به قصد فاصله انداختن بین حمد و آیه بسم الله بگوید؟

ج - جواز آن معلوم نیست و احوط، اگر نگوییم اقوی، ترک است. ۸۱/۳/۱۷

﴿س ۹۲۶﴾ اگر نمازگزار در نماز نافله، بعد از حمد، بخواند سوره‌ای بخواند، آیا باید یک سوره کامل بخواند، یا بخشی از آن را هم می‌تواند بخواند؟

ج - قرائت قسمتی از یک سوره در نوافل و نمازهای مستحب، کافی است، مگر آنکه نحوه خاصی در آن نماز معتبر باشد، مانند نماز اول ماه که در رکعت اول سی مرتبه سوره «توحید» و در رکعت دوم سی مرتبه سوره «قدر» وارد شده است.

۷۵/۱۰/۵

﴿س ۹۲۷﴾ در روز جمعه، نافله ظهر و عصر بیست رکعت است. طریقه خواندن آن چهار رکعت چگونه است؟ یعنی آن چهار رکعت را با نافله ظهر باید خواند یا نافله عصر؟ آیا می‌توان بین نافله ظهر و عصر تقسیم کرد؟

ج - دو رکعت از آن به نوافل ظهر و دو رکعت نیز به نوافل نماز عصر، اضافه می‌شود؛ ترتیب دیگری نیز دارد که برای آگاهی بیشتر، می‌توانید به کتب مفصله فقهی مراجعه کنید. ۷۴/۲/۳۰

﴿س ۹۲۸﴾ در جواب استفتایی از حضرت عالی آمده است که از چهار رکعت نماز نوافل اضافی روز جمعه، دو رکعت را به نوافل نماز ظهر و دو رکعت را به نوافل نماز عصر اضافه می‌کنیم. دلیل این فتوا را مرقوم فرمایید.

ج - مدرك آن چه در استفتاء مذکور آمده اولاً بیش از بیان جواز که در سؤال سائل آمده نبوده که آن هم از اولویت در تفریق که مورد نظر همه اصحاب است مستفاد می‌گردد و ثانیاً آن جواز مورد صحیحه علی بن یقطين عن ابی الحسن علیه السلام که در وسائل حدیث ۴، باب ۱۱، ابواب صلاة الجمعة و آدابها آمده می‌باشد و سند روایت، سند قبلی حدیث است و صحیح می‌باشد و ظاهر از تهذیب الأخبار علامه مجلسی رحمته الله علیه که او را مرسله و دو حدیث ندانسته صحیح بودن سند نزد ایشان

می‌باشد به علاوه که صاحب وسائل برای او و برای حدیث قبلی، سند دیگری بیان فرموده که آن سند نیز صحیح است و شبهه ارسال، قطع نظر از آن چه ذکر شد وجود ندارد و نظر صاحب وسائل مربوط به وجدان و اخبار به سند می‌باشد و آنچه در پاورقی آمده عدم وجدان است که عدم الوجدان لیس بقابل للمعارضه مع الوجدان مثل ما يقال فی تعارض المطلق و العموم انّ لسان العام بما انه بیان مقدم علی لسان المطلق حیث انه لایبان، والبیان مقدم علی السکوت و عدم البیان هذا مع انّ المتن لمثل صاحب الوسائل الخریّت والمتخصّص المتتبع فی نقل الاحادیث و اسنادها و الذیل ممن لایکون بتلك المرتبة من الاحاطة فمع التعارض، الترجیح مع المتن قاعدةً و اعتباراً كما لا یخفی.

۸۲/۱۲/۵

﴿س ۹۲۹﴾ نافله‌های روزانه که قبل از هر نماز خوانده می‌شود، مخصوصاً نماز شب در مسافرت، چه حکمی دارد؟ و اگر بخشی از آن باید خوانده شود و ما موفق به انجام آن نشدیم، قضا دارد یا خیر؟

ج - نوافل ظهرین و همین طور نافله عشا (وتیره) که خودشان قصر می‌شوند، از مسافر، ساقط است و نباید بخوانند؛ ولی بقیة نوافل، به استحباب خود باقی است.

۷۸/۹/۲۵

﴿س ۹۳۰﴾ با توجه به اینکه دو رکعت نماز نشسته نافله عشا (نماز وتیره)، بدل از یک رکعت ایستاده است، آیا می‌توان این نماز را به صورت یک رکعت ایستاده خواند یا خیر؟ ج - بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خواند و ایستاده خواندن کفایت نمی‌کند و ناگفته نماند که نمازهای مستحبی باید دو رکعت باشد، مگر در صلاة الوتر نماز نافله شب.

۸۵/۲/۵

﴿س ۹۳۱﴾ نماز یک رکعتی آخر نماز شب (نماز وتر) آن را چگونه بخوانیم که برای عموم، راحت‌تر باشد؟

ج - آنچه در یک رکعت وتر مسلم است، استغفار و طلب عفو به همان نحو است که در مفاتیح آمده؛ اما طلب مغفرت برای چهل مؤمن، جزء امور لازمه نماز وتر نیست و به هر نحو، فارسی یا عربی هم انجام گیرد، کفایت می‌کند.

۷۸/۹/۱۱

﴿س ۹۳۲﴾ در قنوت نماز وتر، آیا همه آنچه را که وارد شده باید خواند یا تا هر جایی که بخوانیم، کفایت می‌کند؟ آیا قنوت اصلاً لازم است؟

ج - خواندن تمام آنچه که در باب قنوت نماز وتر وارد شده، موجب تقرّب و فضیلت بیشتر است، و سزاوار نیست کسی که نماز شب می‌خواند، قنوت نماز وتر را ترک کند، چون قنوت، مستحب مؤکّد است؛ اما قنوت، شرط صحّت نماز شب نیست.

۶۸/۳/۲

﴿س ۹۳۳﴾ نماز امام زمان (عج) و نماز امیرالمؤمنین علیه السلام چگونه به جا آورده می‌شوند؟

ج - نماز امام زمان علیه السلام، دو رکعت است. در هر رکعت، سوره حمد را تا «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین» می‌خوانیم و چون به این آیه می‌رسیم، صد مرتبه آنرا می‌گوییم و سپس، حمد را تمام می‌کنیم و سوره توحید (قل هو الله أحد) را یک بار می‌خوانیم و چون از نماز فارغ می‌شویم دعای «اللهم عظم البلاء» را می‌خوانیم، اما نماز امیرالمؤمنین علیه السلام، چهار رکعت است؛ یعنی دو تا دو رکعتی و در هر رکعت، «حمد»، یک مرتبه و «قل هو الله»، پنجاه مرتبه و بعد از نماز، دعای مخصوص دارد که در مفاتیح الجنان بعد از اعمال روز جمعه آمده است. ۷۹/۵/۱۶

﴿س ۹۳۴﴾ آیا در نماز علی بن ابی طالب علیه السلام که در مفاتیح مذکور است، بعد از رکعت دوم

به سبک نمازهای واجب، تشهد خوانده می‌شود یا خیر؟

ج - تشهد لازم دارد، مثل نماز واجب، و این توضیح، لازم است که همه نمازهای مستحبی دو رکعتی هستند، به غیر از نماز وتر و اعرابی. ۷۹/۹/۱

﴿س ۹۳۵﴾ آیا خواندن نماز امام زمان علیه السلام، مخصوص مسجد مقدّس جمکران است یا

این که در مکان‌های دیگر هم می‌شود خوانده شود؟

ج - نماز امام زمان (عج) که کیفیت آن در کتاب مفاتیح الجنان آمده، اختصاص به مکان خاصی ندارد. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۹۳۶﴾ آیا نوافل را باید به جهر خواند یا به اخفات؟

ج - به هر نحو در مستحبات بخوانید، کافی است، اما برای زن، آهسته خواندن بهتر است. ۶۸/۱۱/۱۶

﴿س ۹۳۷﴾ آیا انسان می‌تواند در نمازهای مستحبی، مانند نماز شب و...، برای خدا و یا با عشق به ائمه اطهار و خصوصاً امام زمان علیه السلام سرود یا شعر بخواند؟

ج - بعد از دعا به عربی خواندن اشعاری که متضمن دعا و ذکر است، مخصوصاً آنچه منسوب به ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - است، مانعی ندارد، هر چند بهتر این است که در ادعیه و قنوت‌ها روش جدیدی به وجود نیاوریم و به سنت‌های اسلاف صالحین و ادعیه اولیای مخلصین، بسنده نماییم. ۷۶/۹/۲۴

﴿س ۹۳۸﴾ آیا دست دادن بعد از نماز، مستحب شرعی است؟ و اگر احتمال بدعت بدهیم، بهتر نیست در آینده ترک شود؟

ج - چون مصافحه همه جا ولو با فصل کوتاه هم، مستحب است، نباید جلوگیری کرد.

﴿س ۹۳۹﴾ بعضی اوقات دیده شده که عده‌ای نماز فریضه را به جای نافله می‌خوانند؛ مانند این که در شب‌های قدر در ماه رمضان، به جای صد رکعت نافله وارد شده، شش شبانه روز نماز قضا می‌خوانند. اکنون آیا نماز قضا آنان، مجزی از آن نافله‌ها هست یا نه؟ یا امید است ثواب نافله وارد شده را نیز داشته باشد؟

ج - قضای نمازی که برایش واجب است، ثواب نماز واجب را دارد که زیادتر از نماز مستحب است؛ لیکن آثار و فواید نوافل را ندارد و انسان باید تلاش کند که نوافل را به جا بیاورد تا از فیض نمازهای وارد شده در لیالی ماه مبارک رمضان و لیالی قدر، محروم نماند. ۷۶/۱۲/۱۶

﴿س ۹۴۰﴾ اگر نافله ظهر و عصر بعد از فوت در وقت در همان روز خوانده شود، آیا اشکال دارد؟

ج - مستحب است در قضای نوافل، تعجیل شود و افضل آن است که قضای نوافل شب را در شب و روز را در همان روز یا روزهای دیگر به جا بیاورند. ۷۷/۶/۱۱

﴿س ۹۴۱﴾ در نمازهای جماعت بلافاصله پس از اقامه نماز ظهر نماز عصر شروع می‌شود و وقتی برای ادای نافله عصر نمی‌ماند، حتی بعضی اوقات دو رکعت از نافله عصر را خوانده که نماز جماعت عصر شروع می‌شود و فرد مجبور می‌شود آن را رها کند و به نماز جماعت برسد حال بفرمایید برای این که هم به فضیلت نماز جماعت رسید و هم ثواب نافله را بتوان برد چگونه باید عمل نمود؟

ج - می‌توان نوافل را بعد از نماز جماعت بجا آورد. ۸۲/۲/۸

مسائل متفرقه نماز

﴿س ۹۴۲﴾ آیا زن می‌تواند بدون اجازه شوهر، روزه و نماز خود را به جا آورد؟

ج - در باره نماز و روزه واجب، اجازه شوهر، لازم نیست، «لاطاعة لمخلوق في

معصية الخالق».

۷۵/۱۲/۱۹

﴿س ۹۴۳﴾ چنانچه پدری فرزند خود را بدون دلیل از رفتن به مسجدی خاص جهت

اقامه جماعت و فعالیت‌های فرهنگی منع کند و حتی اعلام عدم رضایت کند و در مقابل،

او را به رفتن به مسجد یا مساجد دیگر دعوت نماید، تکلیف فرزند چیست؟ و نماز او چه

حکمی دارد؟

ج - اطاعت، لزوم اخلاقی دارد نه شرعی و قدر متیقن از ادله حرمت، ایذای

آنهاست نه اطاعت مطلقه. آری، احسان مطلوب است و باید توجه داشت که

پدران و مادران، همانند بزرگسالان دیگر، غالباً تجربه زیادتری در مسائل

اجتماعی دارند و لذا از تجربه‌های آنها که در اختیار انسان می‌گذارند، باید

استفاده نمود و تجربه‌هایشان را مورد کسر و انکسار قرار داد و احسن آنرا

انتخاب نمود.

﴿س ۹۴۴﴾ آیا برای شرکت فرزند (دختر یا پسر)، در نماز و کارهای مستحبی و نیز

شرکت در مراسم شعایر اسلامی، رضایت والدین شرط است یا نه؟

ج - اعمال مستحبی اولاد، اگر سبب اذیت پدر و مادر یا جد شود، جایز نیست؛ بلکه

اگر سبب اذیت آنان نشود، ولی او را از گرفتن مثل روزه مستحبی منع کنند،

احتیاط مستحب آن است که روزه نگیرند.

۸۶/۶/۲۶

﴿س ۹۴۵﴾ آیا می‌توان هم حجره‌ای را برای نماز شب و نمازهای مستحبی و نماز اول

وقت، بیدار کرد، در صورتی که او راضی نیست؟

ج - با فرض عدم رضایت، جایز نیست.

۷۸/۱/۳۰

﴿س ۹۴۶﴾ نیابت در مستحبات در حال حیات هم جایز است. آیا در کل مستحبات،

مثلاً حتی غسل جمعه یا نافله شب هم چنین است؟ قاعده و معیار چیست؟

ج - نیابت در همه اعمال مستحبی، مانعی ندارد.

۷۸/۲/۲۷

﴿س ۹۴۷﴾ آیا بعد از استماع آیه شریفه سورة مبارکه احزاب: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی...»، که معمولاً به عنوان دعای بعد از نماز خوانده می شود، فرستادن ذکر شریف صلوات، واجب است؟ و اگر کسی در حال نماز باشد، آیا ذکر صلوات، بر او هم لازم است یا خیر؟

ج - واجب نیست، کما این که ترکش در نماز هم مضر نیست. ۷۶/۱۲/۱۰

﴿س ۹۴۸﴾ فردی مدت طولانی عملی را در نماز، به تصور اینکه ایرادی ندارد، انجام می داده است، ولی حالا متوجه اشکال آن شده است. وضعیت نمازهای او چگونه است؟
ج - به نظر این جانب نمازهایش به خاطر غفلت و جهلش صحیح بوده، مگر آنکه کاری که انجام می داده برگردد به زیاده یا نقیصه در ارکان نماز که باید قضا نماید. ۸۵/۲/۵
﴿س ۹۴۹﴾ آیا این درست است برای این که در نماز حواسمان را کاملاً جمع کنیم و به چیزی فکر نکنیم، باید از تربت کربلا جهت مَهْر استفاده کنیم؟ و آیا در صورتی که سایر شرایط نماز را رعایت کنیم نمازمان صحیح است؟

ج - ثابت نیست و جمع بودن حواس، جزو شرایط صحت نماز نیست. ۷۸/۱/۱۷

﴿س ۹۵۰﴾ هل يجب علی الشخص الذی نومه ثقیل أن یشتری أدوات الاستيقاظ کالمنبّهة أو أن یوصی شخصاً یوقظه؟

ج - يجب علی الشخص الذی نومه ثقیل یقظة من النوم للصلاة بأی وجه و طریق ممکن من اشتراء أدوات الاستيقاظ و الوصية للأشخاص.

﴿س ۹۵۱﴾ بستن چشمها جهت کسب حضور قلب در نماز چه حکمی دارد؟

ج - بستن چشمها در نماز، مکروه است. ۷۹/۹/۳۰

﴿س ۹۵۲﴾ آیا همیشه کراهت در عبادت، به معنای «اقلّ ثواباً» است یا معنای دیگری هم دارد؟

ج - اگر عبادت دارای بدل است (مثلاً خواندن نماز در حمام)، در این گونه موارد، به معنای اقلّ ثواباً است؛ اما اگر بدون بدل است (مانند روزه روز عاشورا یا قرائت قرآن در حال حیض)، به معنای رجحان ترک است، و اینکه عنوان ارجحی مانند عدم تشبه به بنی امیه، بر ترک آن مثلاً منطبق است، و به جا نیاوردن بهتر از انجام آن است.

﴿س ۹۵۳﴾ اگر شخصی نماز واجب خود را بخواند و بعد از نماز فکر کند که نماز را بهتر ادا کند و قبل از آنکه وقت همان نماز بگذرد، نماز یا نمازها را دوباره به جا آورد. با توجه به اینکه به جا آوردن واجب، روی واجب است، آیا این کارش صحیح است یا خیر؟
ج - اگر به صورت وسواس باشد، جایز نیست.
۷۵/۴/۲۰

نماز مسافر

﴿س ۹۵۴﴾ برای صدق مسافر، باید دقیقاً چند کیلومتر از محل اقامت دور شد؟ اگر کیلومتر شمار وسیله نقلیه، مقدار مسافت را نشان دهد، آیا برای شکسته شدن نماز، کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - اطمینان به طق مسافت، لازم است و باشک در اینکه مقداری که قصد پیمودن آن را دارد، مسافت است یا خیر، نباید نماز را شکسته بخواند (البته بعد از تحقیق و باقی ماندن در شک در مقدار مسافت که در «رسالة توضیح المسائل» این جانب مسئله ۱۲۴۶ بیان گردیده است).
۷۴/۱۰/۲۷

﴿س ۹۵۵﴾ با توجه به این که نقل و انتقالات و مسافرت‌ها، امروزه به طور تقریباً سریع انجام می‌شود آیا می‌بایست هنوز، نماز، شکسته خوانده شود، چرا؟

ج - سریع بودن مسافرت‌ها و کند بودن مسافرت‌ها در حد و اندازه، فرقی ایجاد نمی‌نماید و الا حد معین شده حد و اندازه نمی‌باشد و ناگفته نماند که گرچه امروز مسافرت‌ها سریع تر انجام می‌گیرد، اما باید به کمی فرصت‌ها و وقت‌ها توجه نمود و باید دانست که ﴿ان الحکم الا لله یقض الحق و هو خیر الفاصلین﴾، «سوره انعام، آیه ۵۷» یعنی قانونگذاری از آن خداوند است که حق را از باطل جدا می‌کند و بهترین جدا کننده است.
۸۱/۱۰/۱۵

﴿س ۹۵۶﴾ ۱. چرا احکام مسافر از گذشته تاکنون علیرغم تغییر وسایل سفر تغییر و کم شدن رنج سفر تغییر نکرده است؟

۲. آیا یک مسلمان می‌تواند علیرغم خارج شدن از حد ترخص و علیرغم آن که طبق احکام شرعی مسافر محسوب می‌شود، نماز را کامل بخواند و روزه بگیرد؟

ج ۱- نماز و روزه در حال سفر مثل حال حضر و وطن عبادت و بندگی است و کیفیت

بندگی خداوند و ثناء او را ما نمی‌دانیم و این خداوند است که خصوصیات آن را بیان می‌فرماید، بناءً علی هذا عدم تغییر روشن است به علاوه که امروز گرچه سفرها آسان و سریع انجام می‌گیرد اما وقت‌ها هم ارزشی فوق العاده دارد و لذا قصر نماز با طی مسافت معینه موافق با این اعتبار هم می‌باشد.

ج ۲- بطلانش واضح است، چون خلاف مقرر الهی است. ۸۲/۱/۲۳

﴿س ۹۵۷﴾ از نظر شما مسافر چه کسی است؟ نظر شما در مورد تغییر وسایل مسافرت که باعث کاهش زمان شده و این که در قرآن تنها مسافر ذکر شده و نه مسافت که گفته می‌شود چیست؟

ج - مسافر از نظر شرعی که احکام مسافر مانند شکسته شدن نماز و افطار روزه را دارد کسی است که قصد رفتن هشت فرسخ یا قصد رفت و برگشتی که جمعاً هشت فرسخ باشد را دارد و چون مسافت حدّ است، لذا باید در شرع به فرسخ و کیلومتر معین باشد و سنت و عترت که در کنار قرآن قرار دارد برای بیان این گونه حدودها و قوانین دیگر اسلام است هم چون قوانین عادی در مقابل قانون اساسی که در قرآن اصول و کلیات بیان شده و بیان احکام و جزئیات و حدود با سنت و عترت است و باید توجه داشت که قطع نظر از موازین فقهی که مبین مسافت است و خود یک بحث تخصصی است، اصولاً کمتر بودن مسافت شرعی از سیر یک روز و یا کمتر و یا زیادتر با کمی وقت و فرصت‌ها انطباق است، یعنی کسی که با هواپیما مسافرت می‌نماید وقتش بسیار کمتر از مسافرت با ماشین است پس مناسب با زمان آن است که بگوییم نمازش با رفتن هشت فرسخ که بسیار مدت‌ش کمتر از یک روز و نصف روز است، شکسته شود. ۸۰/۹/۲۲

﴿س ۹۵۸﴾ با توجه به اینکه علّت جواز شکسته شدن نماز، به نظر می‌رسد که مسافرت‌های سخت و مشکل در گذشته همچون سفر به وسیله چارپایان بوده است، ولی امروزه که این مشکلات، با وسایل نقلیه پیشرفته مانند قطار و هواپیما برطرف شده است، آیا باز هم لزومی به شکسته بودن نماز می‌بینید؟

ج - معیار مسافت، همان هشت فرسخ است، و مسئله صعوبت مسافرت، یکی از

صدها، بلکه هزارها، نکته‌ای است که آفریننده جهان و خالق انسان در این حکم ملحوظ داشته، نه علت اصلی و فلسفه انحصاری؛ لذا باید تعبد به احکام خدا را مورد توجه قرار داد، که هزار نکته باریک‌تر از مو اینجاست. ۷۴/۷/۷

﴿س ۹۵۹﴾ اگر کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، نماز را شکسته بخواند و بعداً بفهمد که مسافت، هشت فرسخ نبوده است، چگونه باید نماز را به جا آورد؟

ج - در فرض سؤال، نمازش صحیح است لیکن بنا بر احتیاط مستحب است آن را چهار رکعتی به جا آورد و اگر وقت گذشته قضانماید. ۸۶/۶/۲۵

﴿س ۹۶۰﴾ مسافری که می‌خواهد ده روز قصد کند، آیا باید قصد داشته باشد که ده روز تمام، از طلوع فجر بماند یا از طلوع آفتاب کفایت می‌کند. مثلاً اگر ظهر رسیده، قصد کند تا ظهر روز یازدهم بماند و نمازش را تمام بخواند؟

ج - به نظر این جانب، بین الطلوعین، جزو شب است و ده روز آفتابدار کفایت می‌کند. ناگفته نماند که آنچه در سؤال آمده، قطعاً کفایت می‌کند و مسئله بین‌الطلوعین، در او اثری ندارد. ۷۸/۸/۱۱

﴿س ۹۶۱﴾ مسافر بعد از قصد ده روز، یک نماز چهار رکعتی خوانده است و از قصد اقامه، عدول کرده؛ ولی نمی‌داند که آیا عدول، قبل از خواندن نماز چهار رکعتی بوده یا بعد از آن. وظیفه این فرد نسبت به نمازهای آینده چیست و در ضمن، اگر شک داشته باشد که عدول، قبل یا بعد از خواندن نماز چهار رکعتی بوده، وظیفه‌اش چیست؟

ج - باید نمازهای بعد را شکسته بخواند، چون شرط در تمام خواندن نمازها بعد از رجوع از قصد، خواندن یک نماز چهار رکعتی کامل قبل از رجوع از قصد است و در مفروض سؤال، چون خواندن نماز قبل از رجوع، مشکوک است، شرط، محقق نشده است. آری، نماز چهار رکعتی را که خوانده است، صحیح است و از نماز ظهر، کفایت می‌کند، چون شک بعد از وقت است. ۷۹/۸/۲۷

﴿س ۹۶۲﴾ فاصله وطن شخص تا اول شهری که قصد رفتن به آن را دارد، به اندازه سفر شرعی (۲۲/۵ کیلومتر) نیست، اما وی قصد رفتن به محل خاصی در داخل همان شهر را دارد که مسافت آن نقطه تا وطن، بیش از سفر شرعی است. وظیفه‌اش نسبت به ادای نماز و روزه چیست؟

اگر قصد رفتن به شهر فوق را داشته باشد، اما مکان خاصی مورد نظرش نباشد و در عین حال، بیش از سفر شرعی را در داخل شهر طی کند، آیا حکمش نسبت به مسئله فوق، متفاوت است؟

ج - در فرض سؤال، مسافت طی شده، مسافت شرعی است و نماز، قصر می‌شود؛ اما در

فرض دوم سؤال، نماز تمام است. ۷۶/۱/۶

﴿س ۹۶۳﴾ برای کسی که از شهری به شهری دیگر مسافرت می‌کند، ابتدای سفر از کجاست؟

همچنین انتهای سفر که در صورت صدق مسافت شرعی، نمازش، شکسته می‌شود، کجاست؟

ج - ابتدای مسافت، بیرون شهر است (یعنی جایی که خارج شهر محسوب می‌شود) و

آخر مسافت، جای معین شهر است، اگر مقصد همان جا باشد. مثلاً اگر در

بیمارستان شهر کار داشته باشد، آخر مسافت، همان بیمارستان است، و اگر

می‌خواهد به شهری (مثلاً به قم یا مشهد برای زیارت و سیاحت) برود، آخر

مسافت، اول شهر مقصد است. ۷۵/۲/۱۳

﴿س ۹۶۴﴾ در جاده تهران کرج، کارخانه جات و پادگان‌های نظامی به طور تقریباً مداوم

و پشت سر هم (که کم‌تر از حدّ ترخص است) قرار گرفته‌اند. آیا این اماکن، جزو شهر

تهران محسوب می‌شوند و باید نماز را تمام خواند؟ این را نیز می‌دانیم که اگر این اماکن

نبودند، به حدّ ترخص می‌رسیدیم و همچنین اگر در این مسیر زنجیر مانند، به شهر یا

مکانی برسیم که متعلق به شهر کرج است باز هم نماز تمام و روزه به قوت خود باقی

است؟ و اگر نماز؛ جمع است، حکم روزه چیست؟

ج - جزو تهران محسوب نمی‌شوند؛ لیکن اگر با تهران کم‌تر از چهار فرسخ فاصله

داشته باشند، نماز تمام است و آخرین خانه‌های شهر، ملاک اول و آخر شهر

بودن است؛ یعنی در جایی که انسان مسافر شد، نماز شکسته است و اگر مسافر

محسوب نشد، نماز تمام و روزه هم صحیح است. ۷۶/۷/۱۴

﴿س ۹۶۵﴾ انسان به جایی مسافرت می‌کند که نمی‌داند در آن جا به حدّ ترخص رسیده

یا نه، آیا باید نمازش را در آن جا شکسته بخواند یا کامل؟

ج - باشک در رسیدن به حدّ ترخص، نماز را باید تمام خواند و تمام خواندن به

وجوبی که حالت سابقه است، باقی می‌باشد.

﴿س ۹۶۶﴾ اگر شخصی علم اجمالی و یا تفصیلی دارد که سفر به اروپا، ملازم است با ارتکاب برخی از معاصی، آیا قصد این سفر، مصداق عنوان سفر معصیت و ترتب احکام آن، از جمله اتمام نماز می‌شود؟

ج - در فرض سؤال، نماز شکسته است و معیار در تمامیت نماز در سفر معصیت، سفر برای گناه و معصیت است، مثل مسافرت برای خیانت کردن. ۷۸/۳/۹

﴿س ۹۶۷﴾ نماز و روزه در شهرک‌هایی که جزو تهران‌اند؛ ولی در خارج آن واقع شده‌اند و فاصله آن‌ها از تهران، کم‌تر از مسافت شرعی است، چگونه است؟

ج - چون به حد مسافت شرعی نیست، نماز تمام است. ۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۹۶۸﴾ شخصی از وطنش حرکت کرده و به مکانی در خارج شهر می‌رود. بعد از آن جا به مکان دیگری می‌رود که این دو مسافت روی هم ۲۴ کیلومتر یا چهار فرسخ می‌شود؛ ولی مکان دوم از وطن اصلی کم‌تر از ۲۴ کیلومتر فاصله دارد. در ضمن، در راه رسیدن به مکان دوم از حدود یک کیلومتری حومه شهر عبور کرده، ولی داخل شهر نیامده، آیا در مکان دوم روزه‌اش ساقط و نمازش قصر است؟

ج - شرط قصر در سفر، قصد طئ مسافت است از اول امر. بنابراین، اگر کسی از اول

قصد رفتن به دو مکان را دارد که تا مکان دوم مسافت است، هر چند تا مکان

اول مسافت نیست، نمازش با رسیدن به حد ترخص، قصر است. ۷۶/۱۱/۲۹

﴿س ۹۶۹﴾ در مأموریت اداری به دستور فرمانده، چنانچه از حد ترخص خارج شویم،

نماز کامل است یا خیر؟

ج - اگر از اول بدانید که بناست به مسافت شرعی، یعنی حداقل هشت فرسخ رفت

و برگشت یا رفتن تنها بروید، نمازتان شکسته و روزه هم غیر صحیح است.

خلاصه در حکم سفر، انگیزه و دستور، سبب تغییر نیست. ۷۶/۱۱/۲۴

﴿س ۹۷۰﴾ آیا زیارت حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام باعث شکسته شدن نماز و روزه افراد

ساکن تهران می‌شود یا خیر؟

ج - چون جزو تهران است، نماز شکسته نمی‌شود. ۷۸/۱۰/۱۲

﴿س ۹۷۱﴾ آیا رفتن به زیارت امام خمینی علیه السلام، باعث شکسته شدن نماز و روزه افراد ساکن تهران می شود یا خیر؟

ج - چون از تهران تا حرم امام خمینی - سلام الله علیه - مسافت نیست، نماز تمام است.

﴿س ۹۷۲﴾ در بعضی از شهرها، قبرستان در فاصله نسبتاً زیادی از شهر قرار دارد. با این حال، آیا قبرستان جزو شهر محسوب می شود؟

ج - اگر قبرستان متصل به خانه های شهر باشد و یا بعداً متصل شده که به حسب عادت جزو شهر محسوب می گردد، آثار جزو شهر بودن بر آن بار می گردد؛ وگرنه حکم خارج شهر را دارد.

﴿س ۹۷۳﴾ مسافری که قصد اقامت کرده، اگر قبل از ده روز، مثلاً در روز هفتم منصرف شود، و بعد بخواهد روز نهم به وطن باز گردد، روزه روز هشتم را بگیرد یا نه؟ و نیز اگر مسافر بعد از قصد اقامت به حد مسافت به اطراف برود و قبل از ظهر برگردد، حکم روزه آن روزش چیست؟

ج - پس از تحقق قصد ده روز و خواندن یک نماز چهار رکعتی با قصد ده روز اقامت، اگر انسان از قصد اقامه ده روز برگردد، تا زمانی که در آن مکان است، باید نماز را تمام بخواند و روزه را به جا آورد و برگشتن از قصد، بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی مضر نیست؛ کما این که رفتن و برگشتن به اطراف محل اقامت که کم تر از مسافت شرعی است نیز مضر برای آن نیست، به شرط آن که حد اقل برای خوابیدن شب به آن محل برگردد؛ و اما رفتن به حد مسافت، یعنی هشت فرسخ رفت و برگشت، مضر برای اقامت است و فرد بعد از مراجعه به محل اقامت، نمازش شکسته است، چون سفر به مسافت، قصد را به هم می زند.

۷۸/۱۰/۱۸

﴿س ۹۷۴﴾ اگر شخصی از محلی که در آن قصد ده روزه کرده است، بیش از مسافت شرعی خارج شود، آیا پس از برگشت به محل مذکور، باید دوباره قصد ده روز کند؟

یعنی از زمان برگشت، باید دوباره برای مدت ده روز دیگر، قصد کند یا می‌تواند در زمان باقی مانده به پایان ده روز، نمازش را کامل بخواند؟

ج - سفر به بیش از حد مسافت، قاطع قصد اقامه است و با بازگشت از سفر شرعی به محل اقامه قبلی، نماز شکسته می‌شود، مگر قصد اقامه، مجدداً تحقق پیدا کند. ۷۷/۵/۶

﴿س ۹۷۵﴾ مسافر در حالی که نماز ظهر و عصر را نخوانده، وارد شهری می‌شود که می‌خواهد در آن محل، قصد اقامه نماید. در صورتی که از وقت نماز بیشتر از چهار رکعت نمانده باشد، آیا می‌تواند قصد اقامه ده روز نماید؟ و در صورتی که اگر بخواند چنین قصدی بنماید، نماز ظهرش قضا می‌شود، تکلیفش چیست؟

ج - قصد اقامه، اختیاری نیست و همین که می‌داند ده روز یا بیشتر می‌خواهد در محلی بماند، خود، قصد اقامه است. بنابراین، مورد سؤال، وجهی ندارد و طبعاً بعد از ورود به شهری که می‌داند ده روز یا بیشتر در آن می‌ماند، باید به وظیفه‌اش که خواندن نماز تمام است، عمل کند و در مفروض سؤال، چون وقت مختص به عصر است، باید نماز عصر را بخواند و نماز ظهر را قضا کند. آری، اگر در وقت ورود، مرّد است بین این که ده روز و بیشتر بماند یا خیر، در این صورت، اگر قصد اقامه برایش ضروری نباشد، احتیاط واجب این است که قصد اقامه ننماید و نماز ظهر و عصر را ادا بخواند. ۷۹/۸/۲۷

کسی که محل کارش غیر از وطن است

﴿س ۹۷۶﴾ کسی که از منزل قصد مسافرت دارد، ولی می‌خواهد از محل کارش که با منزل حدود بیست کیلومتر فاصله دارد، به سفر برود، نماز و روزه‌اش به چه صورتی است؟ همچنین اگر از مسافرت، قبل از این که به منزل برود، به محل کار خود مراجعه کند، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج - چون محل کار کم‌تر از مسافت شرعی است، بحث کثیرالسفر بودن یا شغل در سفر، مطرح نیست. لذا در مورد سؤال، اگر شخصی از محل سکونت خود قصد مسافت شرعی داشته باشد، ولو در ضمن مسافت بخواند کار روزمره خود را

انجام دهد، نماز و روزه او شکسته است و موقع بازگشت نیز تا به وطن خود نرسد، نماز و روزه او شکسته است. ۷۷/۱۲/۱۱

﴿س ۹۷۷﴾ نماز و روزه کسی که در غیر وطن خود سکونت دارد و از محل سکونت تا محل کارش، کمتر از مسافت شرعی تردد می نماید، و نمی داند که آیا طول ده روز، از مسافت شرعی خارج می گردد یا خیر، با توجه به اینکه اختیارش در دست اداره مربوط است، چه حکمی دارد؟
ج - نماز کسی که بین محل سکونت و محل کارش، در مسافتی کمتر از مسافت شرعی تردد می کند، تمام است، اما سفر به میزان مسافت شرعی، موجب قصر است. ۷۲/۱۱/۱۲

﴿س ۹۷۸﴾ نماز و روزه کسی که مدتی در غیر وطن خود ساکن شده و هر روز مسافتی کمتر از ۲۲/۵ کیلومتر را طی می کند، چگونه است؟ نماز و روزه اش، اگر فاصله دو محل از مسافت شرعی بیشتر باشد، چگونه است؟

ج - در هر صورت، نماز و روزه او تمام است، چون اگر مسافت، کمتر از مسافت شرعی باشد، مسافر نیست و احکام مسافر بر او بار نمی شود و محل سکونت برای او در حکم وطن است، و اگر بیش از مسافت شرعی باشد، در حکم کثیرالسفر است و نماز و روزه او تمام است. ۷۵/۶/۳

﴿س ۹۷۹﴾ معلّمانی که در محل کار خود نماز را کامل می خوانند و محل کار، برایشان حکم وطن را دارد، از محل کار می توانند به فاصله کم تر از ۲۴ کیلومتری مسافرت نمایند و نمازشان کامل باشد یا این که فقط در محل کار، نمازشان کامل است؟

ج - نماز در محل مسکونی که بناست مدتی در آن جا بمانند، مانند طلاب حوزه های علمیه و یا دانشجویان و یا مأموران به خدمت از طرف دولت یا غیر آنها، تمام است، و روزه هم باید بگیرند؛ چون این گونه محل های مسکونی در حکم وطن است و نسبت به محل های تدریس که فاصله آنها کم تر از حد مسافت به محل مسکونی است، نماز نیز تمام است و روزه باید گرفته شود؛ به علاوه که اگر به قدر مسافت هم باشد، چون مسافرت به آن جاها زیاد است، به حکم کثیرالسفر، نمازشان تمام است و روزه هم گرفته می شود. بنا بر آنچه گفته شد، در تمام چهار مورد ذکر شده، نماز تمام است و روزه گرفته می شود و حکم سفر، مترتب نیست. ۷۸/۱۰/۲۶

﴿س ۹۸۰﴾ فردی نظامی هستم که در تهران متولد شده‌ام، در حال حاضر در اطراف کرج، در منزل سازمانی سکونت دارم. با این توضیح بفرمایید آیا بنده می‌توانم کرج را وطن دوم خودم حساب کنم؟ آیا خانواده‌ام نیز می‌تواند کرج را وطن دوم خود قرار دهد؟ فاصله بین محل کار و محل سکونت جدید، حدود سی کیلومتر است، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارد (همین طور اگر به تهران، برای انجام کاری، مسافرت نمایم)؟ در مأموریت‌هایی که از طرف اداره به بنده واگذار می‌شود، حکم نماز و روزه‌ام چگونه است؟

ج - جایی که انسان بنا دارد مدتی در آنجا بماند (مثل قم و نجف برای محصلین حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها برای دانشجویان و محل کار برای کارمندان مأمور موقت)، در حکم وطن است، لذا خانه سازمانی اطراف کرج، در مفروض سؤال، برای شما در حکم وطن است، و نماز و روزه شما در آنجا مثل نماز و روزه در وطن اصلی، تمام است، و نیازی به قصد اقامه ندارد، اما هنگام تردد شما بین محل سکونت جدید و بین محل کار و بین محل سکونت جدید و تهران و مسافرت‌های دیگر، چون شما کثیرالسفر می‌باشید، به حکم کثیرالسفر، نمازتان تمام است و روزه هم باید بگیرید؛ و ناگفته نماند که اتخاذ وطن، تابع شرایط زندگی و تصمیم و قصد در آنجاست.

۷۴/۱۱/۵

وطن و اعراض از آن

﴿س ۹۸۱﴾ این جانب به دلیل ادامه تحصیل و علاقه و سایر جهات، شهر مقدس قم را برای اقامت و به عنوان وطن دوم خود اختیار کرده‌ام و قصد دارم بقیه عمر را در این شهر سپری کنم. با این توضیحات بفرمایید آیا این‌گونه، قصد توطن محقق می‌شود یا خیر؟ و با فرض تحقق قصد اقامه، چه مدت برای اطلاق وطن بودن، کافی است؟ آیا سته اشهر متوالیاً یا صدق عرفی؟ آیا مسافرت‌های یک یا چند روزه، موجب انکسار توالی می‌گردد؟

ج - اگر شما بنای ماندن در قم به عنوان وطن را دارید، همین مقدار کافی است و شش ماه ماندن یا توالی در صدق عرفی، شرط نیست.

۷۲/۱/۱۲

﴿س ۹۸۲﴾ با عنایت به اینکه محل تولد و زندگی قبلی خود را هنوز هم وطن خود می‌دانم، تکلیف نماز در سفر بین وطن اصلی و محل سکونت فعلی چیست؟
 ج - اگر مسافت بین وطن اصلی و محل سکونت (وطن اتّخاذ شده) کمتر از هشت فرسخ باشد، نماز در بین راه تمام و اگر بیش از هشت فرسخ باشد، نماز در بین راه شکسته است.
 ۷۵/۸/۲

﴿س ۹۸۳﴾ آیا طلبی که در قم به قصد مدت غیر معین می‌ماند، اگر هفته‌ای یک مرتبه مسافرت کنند، قصد اقامه آن‌ها به هم می‌خورد، یا آنکه این اشخاص چون قصد ماندن در قم در طی مدتی غیر معین نموده‌اند، این شهر وطن آن‌ها محسوب می‌شود و نماز آنان تمام است؟

ج - هر جایی که انسان بنا دارد برای مدتی در آن بماند، در حکم وطن است و همه آثار وطن بر او بار می‌شود. بنابراین، روحانیون حوزه علمیه، دانشجویان، کارمندان و غیر آنان، هرگاه بنا باشد مدتی در مکانی برای تحصیل یا مأموریت بمانند، برای تمام خواندن نماز و گرفتن روزه، نیازی به قصد اقامه ندارند، زیرا مسافرت، مضرّ به آن نیست.
 ۷۴/۱۰/۲۲

﴿س ۹۸۴﴾ در محلی زندگی می‌کنم که زادگاه من و وطن دوم پدر و مادرم است. وقتی که پدر و مادرم به وطن اولیه خود که زادگاهشان است، می‌روند، نمازشان تمام و روزه آنان نیز صحیح است. حال نماز و روزه من که تازه به سن تکلیف رسیده‌ام، هنگام رفتن همراه پدر و مادرم به وطن اولیه آنان چیست؟

ج - فرزندان تا خود نسبت به وطن و محل سکونت خود، تصمیم نگرفته‌اند و به دنبال پدر و مادر در حرکت و سکون هستند و هنوز نمی‌دانند که در آینده کجا زندگی خواهند کرد، نسبت به وطن، تابع پدر و مادر هستند و در این جهت، فرقی بین قبل از بلوغ و بعد از آن نیست، کما این که فرقی بین وطن اصلی پدر هم نیست و به هر حال، وطن پدر، وطن آنهاست.
 ۷۸/۱۰/۱۲

﴿س ۹۸۵﴾ آیا زن در وطن، تابع شوهر است؟

ج - تابع نیست؛ اما معمولاً قصد زن و مرد از حیث مکان زندگی یکسان است. ۷۶/۴/۹

﴿س ۹۸۶﴾ زنی اهل شهری، و همسر او اهل شهری دیگر، و محل زندگی آن‌ها، شهر سومی است. حکم نماز و روزه این زن در شهر و وطن همسرش چگونه است؟ آیا رفتن این زن به شهر دیگر به تبعیت از همسر، اعراض از وطن خودش محسوب می‌شود یا خیر؟

ج - چون بر حسب جریان عادی، بناست با همسرش و در محل زندگی او، زندگی کند، لذا اگر نسبت به محل زندگی شوهر قصد توطن کند، وطن او محسوب می‌شود، و اگر قصد توطن نکند و بناست بعد از مدتی و یا در آینده‌ای نامعلوم، به جای دیگر بروند، چنین محلی (که مدتی بنا دارد در آنجا زندگی کند)، برای آنان در حکم وطن است، اما محل زندگی قبلی، که بر حسب طبع برای زندگی به آنجا بر نمی‌گردد، هرچند علاقه و حبّ برگشتن داشته باشد، از وطن بودن خارج است و دوست داشتن مراجعت، غیر از برنامه‌ریزی برای مراجعه است؛ اما در وطن اصلی همسرش، نمازش شکسته است. ۷۶/۲/۸

﴿س ۹۸۷﴾ زنی اهل آبادان با شخصی اهوازی ازدواج کرده است. وقتی از زن می‌پرسند که شما از آبادان اعراض کرده‌ای، می‌گوید: خیر، اگر شوهرم مرا طلاق بدهد یا شوهرم بمیرد، به آبادان بر می‌گردم، آیا در این صورت، عدم اعراض صدق می‌کند؟

ج - چون این فرض‌ها، فرض‌های احتمالی غیر عادی است و تنها گویای حبّ به وطن است، مانع از صدق و تحقّق اعراض نیست. ۷۷/۲/۸

﴿س ۹۸۸﴾ زنی وطن اصلی او تهران بوده و با یک فرد اصفهانی ازدواج کرده و فعلاً محلّ زندگی آن‌ها اصفهان است؛ ولی ایشان قلباً از وطن اصلی خود اعراض نکرده است. تکلیف نماز و روزه او در موارد زیر، چگونه است:

۱. وقتی در اصفهان ساکن است و به مدّت کم‌تر از ده روز به تهران می‌رود؟
 ۲. وقتی در اصفهان ساکن است و مثلاً از تهران به اصفهان می‌آید و قبل از ده روز، اصفهان را ترک می‌کند؟
 ۳. وقتی که برای مدّت موقّتی، مثلاً چند سال، جهت ادامه تحصیل شوهر، ساکن تهران می‌شود، ولی قصد برگشت مجدد به اصفهان را دارد، و در طول این مدّت، به اندازه کم‌تر از ده روز به اصفهان مسافرت کند؟
- ج - اصفهان به خاطر محلّ سکونت و زندگی بودن، در حکم وطن اوست و نمازش در

تمام صور ذکر شده در سؤال، تا در آن جا سکونت دارد، تمام است، لیکن با ترک سکونت سفر به آن جا موجب قصر است و زادگاه اصلی و وطن قبلی انسان در زمانی که متعارفاً و عادتاً بنای زندگی در آن جا را ندارد، از وطن بودن خارج شده و حُبّ قلبی، مانع از اعراض نیست. ۷۶/۵/۲۸

﴿س ۹۸۹﴾ مدتی است که به عنوان پزشک، در منطقه‌ای واقع در شانزده کیلومتری محلّ تولّد مشغول به کار هستم که طبق تعهد می‌باید پنج سال در آن جا باشم. وضعیت به این قرار است که محلّ سکونت من در شهر مشخص شده و هر روز صبح، به روستایی واقع در شش کیلومتری عزیمت می‌نمایم و پس از معاینه بیماران، بعد از ظهرها طبق برنامه از پیش تعیین شده، به ترتیب روزهای خاصی در هفته، به روستاهای تحت پوشش می‌روم و پس از معاینه بیماران به محلّ سکونت در شهر بر می‌گردم و غالباً پس از دو هفته اقامت در محل، یکی دو روز آخر هفته، جهت سرکشی به وطن اول بر می‌گردم. نماز و روزه من در آن جا چه صورتی دارد؟

ج - شهری که محلّ سکونت فعلی شماست، ولو قصد ماندن همیشگی در آن را ندارید، برای شما در حکم وطن است و نماز و روزه‌تان تمام و صحیح است، و اگر فاصله بین محلّ سکونت و اطراف، مسافت شرعی است، چون مرتباً سفر می‌کنید، در حکم دایم‌السفرید و نماز و روزه شما تمام و صحیح است و اگر کم‌تر از مسافت شرعی باشد، نمازتان تمام است، چون در این فرض، مسافر نیستید. ۷۹/۶/۴

﴿س ۹۹۰﴾ اهل کاشان هستم قبلاً از آن جا اعراض کرده بودم و نماز را شکسته می‌خواندم. اکنون تصمیم گرفته‌ام به آن جا بر گردم و از اعراض عدول کرده‌ام. دو سه روزی به وطنم رفتم و نمازهایم را درست خواندم. آیا وظیفه‌ام را به جا آورده‌ام یا خیر؟

ج - محض علاقه داشتن به رجوع و برگشت به وطن قبلی، کافی نیست و برگشت عملی لازم است، یعنی ماندن در آن جا باید محقق شود تا احکام وطن، بار گردد.

۷۸/۷/۱۲

﴿س ۹۹۱﴾ نقل شده است که: «هرگاه کسی در محلی قصد اقامت کند و آن محل، وطن او شود، اگر به مسافرت برود و به محل برگردد، نماز او درست خواهد بود». آیا این مطلب، منوط به مالک خانه بودن در آن محل است یا خیر؟

ج - مطلب فوق، منوط به قصد زندگی دایم در آن محل است، چه مالک باشد چه مستأجر.
 ۶۸/۳/۲

﴿س ۹۹۲﴾ چنانچه فردی دو وطن داشته باشد (یکی محل تولد و دیگری محل زندگی)، اما بنا بر مصلحت شغلی، چندین سال در شهر دیگری، زندگی کند و وضعیت کاری او به گونه‌ای باشد که نتواند قصد ده روز کند و مشخص هم نباشد که چه زمانی به وطن خود بازمی‌گردد. تکلیف نماز و روزه او چیست؟

ج - در هر سه شهر، نمازش تمام است، چون وطن در دو محل قرار گرفته است، و محل اشتغال هم در حکم وطن است.^۱
 ۷۳/۱۱/۱۹

﴿س ۹۹۳﴾ بین بیلاق و قشلاق، شش فرسخ فاصله است. در بیلاق، خانه خود را فروختم؛ ولی سه هکتار زمین زراعتی دارم. ده سال است به آن جا نرفته‌ام؛ ولی باز هم آرزوی ساختن یا خریدن خانه در آن جا را دارم. اکنون اگر بروم و چند روز در آن جا بمانم، نماز و روزه من چه صورتی دارد؟

ج - آرزو، فایده‌ای در بقای وطنیت ندارد و اعراض عملی، موجب خروج از وطن است، آری، اگر دنبال تهیه کردن منزل در بیلاق هستید، با فرض این‌که هنوز زمین هم آن جا دارید و قبلاً وطن بیلاقی‌تان بوده، وطنیت باقی است.
 ۷۶/۵/۳۱

﴿س ۹۹۴﴾ این جانب متولد و ساکن تهران هستم و همسرم متولد منطقه لاریجان (۹۵ کیلومتری تهران) است. حسب الارث پدری قطعه زمینی به ایشان رسیده که اقدام به ساخت بنا در آن نموده‌ایم و تابستان‌ها به دلیل هوای خنک و مساعدی که دارد، چند روزی را در آن جا به سر می‌بریم، اینک بفرمایید تکلیف نماز و روزه این جانب و فرزندانم و همچنین همسرم در آن منطقه، در زمانی که قصد اقامت کم‌تر از ده روز

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، می‌توانید به «رسالة توضیح المسائل»، احکام نماز مسافر مراجعه کنید.

داریم، به چه صورتی است؟ شایان یادآوری است که بنده، در صورت جمیع شرایط و تأمین مادی، حاضر به زندگی در آن منطقه هستم و به آن جا علاقه دارم.

ج - چون محلّ ساخته شده، به قصد وطن و خانه و زندگی دایم ساخته نشده، بلکه برای چند روز تابستان تهیّه شده، نماز و روزه شما و فرزندانان به حکم مسافر بودن، شکسته است؛ بلکه نماز همسرتان هم شکسته است، چون عملاً اعراض نموده و می‌خواهد با شما در تهران زندگی کند و مسئله علاقه داشتن که در ذیل سؤال آمده، سبب وطن بودن و عدم اعراض نیست. ۷۹/۸/۲۳

﴿س ۹۹۵﴾ شخصی در روستا زندگی می‌کرده و اکنون در تهران ساکن شده و زندگی می‌کند. برای رفع امورات ملک و املاک خود و دیدار با خویشاوندان، سالی چند روز به روستا می‌آید. آیا این روستا وطن او محسوب می‌شود یا خیر؟ و اگر ایشان نمازها و روزه‌های خود را به طور کامل به جا می‌آورده است، وضع او چگونه است؟

ج - در امثال مفروض در مورد سؤال که انسان بنای عادی بر عدم مراجعت و سکونت در وطن اصلی و زادگاه را دارد، اعراض محقق شده و آن جا از وطنیت خارج است و در موقع مراجعتش به آن جا مسافر است و داشتن ملک و املاک و رفت و آمد و دیدار با خویشاوندان و سر زدن و امثال آنها، موجب بقای بر وطنیت نیست؛ اما در مورد نمازها و روزه‌هایی که در آن جا به طور تمام انجام داده، احتیاط در قضای تدریجی آنها نسبت به مقدار یقینی و حدّ اقل است؛ یعنی نمازها را شکسته قضا نماید و روزه‌ها را هم بگیرد؛ البته به تدریج و اکتفا به حدّ اقل و بدون آن که خود را در زحمت فوق‌العاده قرار بدهد. ۷۸/۱۰/۲

﴿س ۹۹۶﴾ شخصی از زادگاهش اعراض می‌کند و پس از دو ماه منصرف می‌شود (با توجه به اینکه قصد بازگشت به زادگاه و سکونت در آنجا را نداشته است)، آیا اعراض او محقق می‌شود یا خیر؟

ج - آری، اعراض، محقق می‌شود و علاقه به محل غیر از قصد توطن است.

﴿س ۹۹۷﴾ این جانب از زادگاه خویش (دهق) به شاهین شهر عزیمت کرده و آنجا را فعلاً وطن خود قرار داده‌ام، و در آینده نیز قصد مراجعت به وطن اصلی خویش را ندارم (مگر اینکه شرایط زمان، باعث مراجعت به وطن اصلی شود). حال تکلیف نماز و روزه من چیست؟ با توجه به اینکه اکثراً جهت کار اداری و غیره، به اصفهان که در سی کیلومتری شاهین شهر قرار دارد، تردد می‌کنم. وضعیت نماز و روزه‌ام در اصفهان چگونه است؟

ج - چون شما برای همیشه قصد ماندن در شاهین شهر را دارید، شاهین شهر وطن شماست، و اگر اطمینان به عدم مراجعت به زادگاه را دارید، از وطنیت خارج است و در آنجا، مثل سایر جاها، مسافرید، اما اصفهان چون نه وطن اصلی است و نه وطن جدید، در آنجا مسافرید، مگر آنکه کنیرالسفر باشید (یعنی ده روز در یک جا نمانید و به اندازه مسافت شرعی، مسافرت کنید)، که در این صورت، نماز و روزه شما به هر کجا که بروید، تمام و صحیح است.

﴿س ۹۹۸﴾ این جانب از اهالی هویزه بودم و بر اثر جنگ، به شهر بهبهان مهاجرت کردم و با خانواده‌ام تصمیم گرفتم که برای همیشه در آنجا ساکن شوم و خانه هم ساختم. ولی اینک بعد از ده سال که شرایط دیگری به وجود آمده است، به هویزه برگشته‌ام، آیا بهبهان وطن دوم ما محسوب می‌شود یا خیر؟ تکلیف ما نسبت به نماز و روزه در آنجا چگونه است؟

ج - الان، هویزه، وطن شما محسوب می‌شود، چون بنای اقامت دایم را در آن دارید؛ اما بهبهان، اگر بنا دارید هر سال چند ماهی در آنجا به عنوان سکونت و وطن بمانید، وطن شماست، وگرنه در آنجا مسافر هستید. ۷۰/۹/۶

﴿س ۹۹۹﴾ این جانب برای کارورزی به مدت پانزده ماه به آلمان اعزام شده‌ام و محل کار و منزل مسکونی‌ام نزدیک یکدیگرند؛ اما با شهر سی کیلومتر فاصله دارند و معمولاً آخر هفته به شهر می‌روم. وضعیت نماز من چگونه خواهد بود؟

ج - نماز شما در منزل مسکونی، چون در حکم وطن است و در محل کار که کم‌تر از ۲۲/۵ کیلومتر، یعنی کم‌تر از مسافت شرعی است، به خاطر آن که سفر به مسافت

نیست، در هر دو جا تمام است و نسبت به شهر و سفر به آن جا که در حدّ مسافت است، تا زمانی که مرتّب هر هفته یک سفر بدان جا دارید، به حکم کثرت سفر نماز شما در آن شهر، بلکه در سفر به شهرهای دیگر هم تمام است، مگر آن که ده روز در یک جا بمانید و سفر به مسافت در وسط آن تحقّق پیدا نکند که در این فرض، سفر اوّل بعد از آن، نماز شکسته و سفر دوم به بعد، باز به حکم کثرت سفر، تمام است.

۷۸/۱۲/۴

قصد اقامت

﴿س ۱۰۰۰﴾ کسی که جهت مأموریتی بیست روزه، به شهر دیگری می‌رود و می‌داند که مأموریتش تمدید می‌گردد. اگر از ابتدا نمازهای خود را تمام بخواند و پس از مدت تمدید نیز نداند که در آن شهر می‌ماند یا می‌رود. تکلیف نمازش چگونه است؟

ج - معیار در تمام بودن نماز، اطمینان به ماندن ده روز به بالا است و همین قدر که انسان مطمئن به ماندن در آن مدت باشد، نمازش، تمام است.

۷۶/۱/۶

﴿س ۱۰۰۱﴾ شخصی قصد اقامه پنج روز در محلی داشته، ولی هنگام ورود به آن محل به کلی فراموش کرده و جداً قصد ده روز نموده است، آیا قصد اقامه اش محقق می‌شود؟

ج - آری، این چنین قصد اقامه، چون محقق شده، معتبر است.

﴿س ۱۰۰۲﴾ آیا قصد رفتن به اطراف، در مسیر مادون مسافت (کمتر از چهار فرسخ)، مضرّ به قصد اقامه ده روز است یا خیر؟

ج - مضرّ نیست و تحقّق قصد اقامه، به قصد ماندن و محلّ توقف قرار دادن یک محل و یا یک شهر است. آری، بنا بر احتیاط واجب، ماندن شبها در غیر محلّ اقامه، مضرّ به قصد اقامه است؛ ولی رفت و آمد به مادون مسافت، به هر نحوی که باشد، موجب شکسته شدن نماز نمی‌شود، بنابراین، کسانی که بنا دارند در ماه رمضان در جایی بمانند که برای تبلیغ و یا کار دیگر به اطراف هم باید بروند، به شرط آنکه بُعد آنجا کمتر از مسافت باشد، نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است.

﴿س ۱۰۰۳﴾ آیا خارج شدن از حدّ ترخّص، مضرّ به قصد اقامه است یا خیر؟ یعنی اگر کسی مثلاً می‌خواهد در قم، ده روز بماند و می‌داند که روزها برای چندین مرتبه به جمکران می‌رود (اما خوابگاه و محل اقامتش قم است)، آیا قصد اقامه‌اش صحیح است یا خیر؟

ج - خروج در مسیری که مادون مسافت شرعی (کمتر از چهار فرسخ) باشد، مضرّ به اقامه نیست، لیکن اگر قصد دارد ولو یک شب را در خارج از محلّ قصد اقامت بماند، قصد اقامه‌اش محقّق نمی‌شود.

﴿س ۱۰۰۴﴾ نماز و روزه سربازان وظیفه که دو سال بیشتر در خدمت نظام نیستند و در هر جایی معلوم نیست چند روز یا چند ماه یا چند سال می‌مانند، چه حکمی دارد؟

ج - هر کجا که افراد نمی‌دانند ده روز یا بیشتر می‌مانند یا کم‌تر، مسافر هستند و نمازشان در آن جا شکسته است؛ اما اگر در جایی می‌دانند ده روز یا زیادتر می‌مانند، نمازشان به حکم قصد اقامه، تمام است و خود دانستن، قصد است و نیاز به قصد اضافه ندارد، و ناگفته نماند اگر کسی یک ماه به طور موقت ماند، از آن به بعد تا در آن جا هست، نمازش تمام است.

۷۸/۸/۲۲

کثیرالسفر

﴿س ۱۰۰۵﴾ کثیرالسفر به چه کسی گفته می‌شود؟ همچنین اگر کثیرالسفر، ده روز در جایی یا در وطن خود بماند، نمازش چگونه است؟

ج - «کثیرالسفر» کسی است که زیاد مسافرت می‌کند، به گونه‌ای که حداقل قبل از ده روز، یک مسافرت شرعی داشته باشد. چنین کسی اگر ده روز در جایی بماند، سفر اول، نماز او شکسته و سفر دوم، تمام است.

۷۳/۴/۱۵

﴿س ۱۰۰۶﴾ با چند بار سفر کردن در ماه مبارک رمضان، شخص کثیرالسفر می‌شود؟

ج - در صورتی که مرتباً قبل از ده روز، یک سفر چهار فرسخی برود و ده روز در یک جا نماند و این عمل حداقل بناء است، سه ماه ادامه یابد، نماز و روزه چنین شخصی در سفر و حَضَر، تمام است.

۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۰۰۷﴾ آیا اشخاصی که به مدت یک ماه فقط برای کارآموزی از وطن به محل کار رفت و آمد می کنند و یا منبر می روند، مصداق کثیرالسفر هستند یا خیر؟

ج - تحقّق ملاک کثیرالسفر در این گونه موارد، مشکوک است و حکم سفر بر آن بار می شود. آری، اگر هر روز می روند و بر می گردند، بعید نیست که احکام کثیرالسفر بر آنها بار شود.

۷۸/۱۰/۳

﴿س ۱۰۰۸﴾ آیا معیار کثرت در کثیرالسفر مسافرت در رابطه با شغل اوست، یا اینکه شغل مطرح نیست و فقط کثرت سفر، کافی است؟

ج - معیار، همان کثرت سفر است، چه در رابطه با شغل باشد، یا غیر شغل.

۷۴/۱۱/۱۲

﴿س ۱۰۰۹﴾ کسانی که همیشه باید هفته ای یک بار یا بیشتر یا کم تر به جایی که بیش از هشت فرسخ است، مسافرت کنند، مانند محصل و معلّم و سبزی کار و باغدار و میوه فروش، که مسافرت، لازمه شغل آنان است، آیا نسبت به نماز و روزه، مانند کسانی اند که سفر، شغل آنهاست و وظیفه شان تمام است یا باید مثل دیگر مسافران، نماز را شکسته بخوانند و روزه بگیرند؟ بنا بر شقّ اول، اگر اتفاقاً ده روز در وطن یا جای دیگر ماندند، در سفر چندم تکلیفشان تمام است؟ و اگر راننده برای راه انداختن ماشینش با وسیله دیگر از وطن خود یا از غیر وطن برای خرید لوازم به هشت فرسخی برود، تکلیفش نسبت به قصر و اتمام چیست؟

ج - یکی از مناطها و معیارهای تمام بودن نماز و صحّت روزه در سفر، زیادی سفر و کثرت آن است و این معنا با این که انسان بنا داشته باشد برای مدّتی نسبتاً طولانی، حدّ اقل قبل از ده روز یک مسافرت کند، محقّق می شود و در این جهت، فرقی بین سفر شغل و غیر شغلی نیست.

۷۸/۱۲/۲

﴿س ۱۰۱۰﴾ حکم نماز و روزه طلبی که در هر هفته، سه شبانه روز در محدوده چهل کیلومتری برنامه تبلیغی دارند، چیست؟

ج - اگر مسافرت آنها معمولاً قبل از ده روز است، چه در رابطه با شغل یا غیر آن، کثیرالسفر محسوب می شوند.

۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۰۱۱﴾ حکم نماز و روزهٔ سربازان در وطن یا غیر وطن چگونه است؟ اگر اینها بعد از مدّت آموزشی در همان جا به سمت رانندگی مشغول شدند، چگونه است؟ دانشجویان تربیت معلّم و بورسیه‌ها که هر ماه از دولت حقوق دریافت می‌نمایند و کلاً در مدّت تحصیل، هزینه‌شان با دولت است و از شروع تحصیل در استخدام دولت هستند، حکم نماز و روزه‌شان چگونه است؟ اگر بر خلاف نظریهٔ شما عمل نموده باشند، حکم اعمال گذشته‌شان چگونه است؟ باید قضا نمایند یا خیر؟

ج - همهٔ کسانی که بنا دارند برای مدّتی، ولو به مدّت سه ماه، مثلاً حدّ اقل قبل از ده روز یک مسافرت داشته باشند، نمازشان به حکم کثیرالسفر، همه جا تمام است و نسبت به اعمال گذشته هم اگر مطابق با فتوای کسی که آن زمان از او تقلید می‌نموده نباشد، قضا نمودن آن‌ها مطابق با احتیاط و مطلوب است. ۷۸/۷/۲۳

﴿س ۱۰۱۲﴾ ما کارکنان اقماری (۱۴ روز کار - ۱۴ روز استراحت) هستیم. وضعیت کاری ما این گونه است که از وطن خود برای مدّت چهارده روز به محلّ کار می‌رویم و هر کدام از ما از یک شهرستان هستیم. در محلّ کارمان استراحتگاهی وجود دارد که روزانه از آن جا تا محلّ کار که بیش از بیست تا پنجاه کیلومتر مسافت است، در رفت و آمد هستیم. نیز در مدّت چهارده روز کار، پیش می‌آید که ما به مأموریت تا مسافت صد کیلومتر نیز برویم و در آن محل برای مدّت یک یا دو روز، اقامت کنیم. حکم نماز و روزهٔ ما چگونه است؟

ج - اگر در مدّت استراحت، قبل از ده روز یک سفر به مسافت شرعی داشته باشید، در غیر سفر اوّل، در تمام محل‌هایی که مسافرت می‌کنید، نمازتان تمام است؛ ولی اگر چهارده روز استراحت را در وطن هستید و قبل از ده روز مسافرت نمی‌کنید، نمازتان شکسته است و به شما کثیرالسفر نمی‌گویند؛ زیرا کثیرالسفر به کسی می‌گویند که حدّ اکثر ده روز در یک جا نماند. ۷۸/۱۱/۸

﴿س ۱۰۱۳﴾ سربازانی که نمی‌توانند قصد ده روز کنند (چون قبل از ده روز یک بار به بیشتر از مسافت شرعی می‌روند و مجدداً به پادگان محلّ اقامت خود برمی‌گردند)، در صورتی که می‌دانند سه ماه بیشتر در این پادگان مستقر نیستند،

حکم نماز و روزه آنان چگونه است؟ حداقل چند ماه مسافرت برای صدق کثرت سفر، کافی است؟

ج - در صورتی که مرتباً قبل از ده روز، یک سفر چهار فرسخی بروند و ده روز در یک جا نمانند، کثیرالسفرند و نماز و روزه آنان تمام و صحیح است، هر چند مدت اقامت در محل و مسافرت سه ماه باشد؛ و تقریباً سه ماه (با فرض آنکه سفرهای متعدد دارند) برای صدق کثرت سفر، کافی است.

﴿س ۱۰۱۴﴾ تکلیف نماز و روزه معلّمانی که در هر هفته، سه یا چهار روز در محدوده‌سی کیلومتری تدریس دارند، چیست؟ مأموران دولت که در هفته چهار یا پنج روز برای بازرسی سفر می‌کنند، چطور؟

ج - نماز و روزه آنها چون کثیرالسفرند، تمام و صحیح است، مگر اینکه ده روز در جایی بمانند، که با این فرض، در سفر اول، نماز آنها شکسته، و در سفرهای بعدی تمام است، به شرط آنکه مأموران دولتی در هر سفر، مقدار مسافت شرعی را طی کنند.

﴿س ۱۰۱۵﴾ در هر سال، جمع کثیری از دانشجویان غیر بومی وارد دانشگاه مشهد می‌شوند. برخی از آنان از شهرهای دیگر استان خراسان هستند که معمولاً هر هفته به وطن خود برمی‌گردند، و فاصله محل تحصیل تا وطن آنها هم بیش از مسافت شرعی است، و در دوران تحصیل این رفت و آمد هر هفته ادامه دارد. تکلیف نماز و روزه آنان چگونه است؟ به نظر حضرت عالی، آیا وظیفه کسی که شغل او سفر است، با کسی که شغل او در سفر است، فرق می‌کند؟

ج - یکی از مناطها و معیارهای تمام بودن نماز و صحت روزه در سفر، زیادی سفر و کثرت آن است و این معنا، با اینکه انسان بنا داشته باشد برای مدتی نسبتاً طولانی حداقل قبل از ده روز، یک مسافرت شرعی کند، محقق می‌شود، و در این جهت فرقی بین سفر شغلی و غیر شغلی نیست. بنابراین، دانشجویان عزیز مشهدی و دیگران، چون هر هفته در طول مسافت شرعی مسافرت می‌کنند، نمازشان تمام است.

﴿س ۱۰۱۶﴾ این جانب حدود سی سال در تهران ساکن بودم، ولی در حال حاضر به علت تهیّه و خرید مسکن، در یکی از شهرک‌های اسلامشهر ساکن هستم و قصد اقامت دائمی در اینجا را ندارم. با توجه به اینکه محل کارم در تهران است و هر روز فاصله محل سکونت و محل کار را طی می‌کنم، حکم نماز و روزه در این دو مکان را بیان فرمایید؟

ج - شهرکی که محل سکونت فعلی شماست، ولو قصد ماندن همیشگی در آن را ندارید، برای شما در حکم وطن است و نماز و روزه، تمام و صحیح است، و اگر فاصله بین محل سکونت تا تهران، مسافت شرعی باشد، چون مرتباً سفر می‌کنید، در حکم کثیرالسفرید و نماز و روزه، تمام و صحیح است؛ و اگر کمتر از مسافت شرعی هم باشد، نمازتان تمام است، چون مسافر نشده‌اید. ۷۵/۹/۱۰

﴿س ۱۰۱۷﴾ شخصی که شغلش رانندگی در بیش از مسافت شرعی است، اگر برای تهیّه لوازم بدکی وسیله نقلیه خود یا گرفتن مدارک و اسناد مورد نیازش، چه با وسیله خودش یا وسیله نقلیه عمومی، به بیش از مسافت شرعی، مسافرت نماید. حکم نمازش چگونه است؟

ج - کسی که بنا دارد برای مدت طولانی، قبل از ده روز، یک بار به سفر چهار فرسخی برود، نماز و روزه اش تمام و صحیح است، چه در رابطه با شغل و چه غیر شغل (مثل زیارت، سیاحت و دید و بازدید)، مسافرت کند، چون معیار در تمام شدن نماز، کثرت سفر است، نه شغل بودن سفر و نه شغل در سفر. ۷۵/۲/۱۳

﴿س ۱۰۱۸﴾ شخصی که شغلش در سفر است، اگر پانزده روز به مسافرت شغلی نرود، ولی برای دیدار دوستانش به مسافرت عادی برود. آیا بعد از سپری شدن این ایام و شروع مسافرت شغلی، نماز را باید تمام بخواند یا شکسته؟

ج - اگر ده روز در یک جا نماند، نماز او تمام است، چون حکم کثیرالسفر بر او بار می‌شود. ۷۵/۲/۱۸

﴿س ۱۰۱۹﴾ شخصی که قبلاً راننده برون شهری بوده، ولی اکنون در محدوده شهر به کار رانندگی اشتغال دارد، اگر بخواهد بعضی مواقع در خارج از حد ترخیص رانندگی کند، تکلیفش در مورد نماز و روزه چیست؟

ج - اگر بنا دارد کمتر از سه ماه، به اندازه مسافت شرعی سفر کند یا بین سفرهای او، بیش از ده روز فاصله شود، در سفر، نمازش شکسته است. ۶۹/۷/۱۱

﴿س ۱۰۲۰﴾ تکلیف نماز و روزه تجاری که اکثر ماه‌های سال چه در داخل و چه خارج از کشور مشغول تجارت هستند، چیست؟
 ج - به طور کلی، اگر مسافرت آن‌ها معمولاً قبل از ده روز، چه در رابطه با شغل یا غیر آن باشد، کنیرالسفر محسوب می‌شوند.
 ۷۴/۱۲/۲۴

مسائل متفرقه نماز مسافر

﴿س ۱۰۲۱﴾ به نظر جناب عالی، ملاک شکسته شدن نماز مسافر چیست؟ آیا فرقی بین بلاد کبیره و غیر کبیره در باره نماز مسافر هست یا خیر؟
 ج - هر کسی که مسافرت او زیاد باشد، به نحوی که حدّ اقل ده روز در یک جا نمی‌ماند، حتی در سفری که مربوط به سفرهای قبلی و کارهای آن نباشد، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است، و بلاد کبیره (اگر محقق شود) حکمش با سایر بلاد متفاوت است، لیکن تهران بزرگ هم از بلاد کبیره نیست و بین آن و شهرهای دیگر ایران، تفاوتی از حیث وطن بودن و غیر آن نیست.
 ۷۴/۷/۴

﴿س ۱۰۲۲﴾ در رساله توضیح المسائل، در باره بلاد کبیره بودن تهران، مرقوم فرموده‌اید: «فرقی بین تهران و سایر بلاد ایران نیست». آیا این عدم فرق در موضوع بلاد کبیره است یا در حکم؟ به بیان دیگر آیا تهران موضوعاً بلاد کبیره نیست، یا اینکه از بلاد کبیره است و در حکم، فرقی با سایر بلاد ندارد؟

ج - عدم فرق، در موضوع حکم شرعی است، یعنی تهران، هر چند عرفاً از بلاد کبیره است و به آن تهران بزرگ گفته می‌شود، لیکن به حدی از بزرگی نرسیده است که موجب عدم تحقق قصد اقامه در مکان واحد، و صدق مسافرت در رفتن از جایی از تهران به جای دیگر آن شود.
 ۷۴/۱۱/۱۶

﴿س ۱۰۲۳﴾ مبدأ سفر برای ساکنین تهران، محل سکونت است یا کل شهر تهران؟
 ج - مبدأ سفر، آخرین خانه‌های تهران است.

﴿س ۱۰۲۴﴾ خواهشمند است نظر مبارک خود را در خصوص مسئله نماز مسافر در مکه و مدینه قدیم و جدید مرقوم فرمایید.

ج - مسافر در مکه و مدینه، مسجد الحرام و مسجد النبی، بین شکسته و تمام خواندن مخیر است، و در این حکم فرقی بین مسجد قدیم و جدید و مکه و مدینه قدیم و جدید نیست، هر چند احتیاط مستحب، شکسته خواندن در همه اماکن جدیده است.
۷۵/۷/۴

﴿س ۱۰۲۵﴾ آیا مسافر می تواند نماز ظهر و عصر را به طور شکسته، در اول وقت و در حال سفر به جا آورد، یا اینکه باید نماز را به تأخیر بیندازد و در وطن، به طور تمام بخواند؟

ج - اگر در حال سفر، شکسته بخواند، مانعی ندارد، و افضلیت اول وقت را هم درک کرده است.

نماز قضا

﴿س ۱۰۲۶﴾ مقداری نماز قضا دارم، ولی تعداد آن ها را نمی دانم و حتی در مورد تعداد آن ها دچار وسواس می شوم. چه وظیفه ای دارم؟

ج - مقدار یقینی و حداقل را قضا کنید.
۷۳/۲/۶

﴿س ۱۰۲۷﴾ شخصی که نسبت به خواندن نماز مقید نبوده و نماز را بدون ترتیب خوانده است (مثلاً یک روز نماز ظهر و عصر را نخوانده، و روز دیگر نماز صبح را). برای قضای این نمازها چگونه باید عمل کند؟

ج - هر مقدار را که یقین دارد قضا شده، باید قضا کند و قضای مشکوکها را لازم نیست به جا آورد، هر چند مطابق با احتیاط است و ترتیب هم ندارد؛ لیکن هرگاه خواست چندین نماز ظهر و عصر را قضا کند، باید پشت سر هم قضا کند، یعنی یک نماز ظهر و عصر را با هم بخواند و نمی تواند چندین ظهر را جداگانه و بعد چندین عصر را جداگانه بخواند، و نماز مغرب و عشا هم همین حکم را دارد.
۶۹/۷/۱۱

﴿س ۱۰۲۸﴾ اگر کسی تعداد زیادی از نمازهای یومیهایش قضا شده باشد و نداند تعداد آنها چندتا است، چه باید بکند؟

ج - به قضای حدّ اقل معین می‌توان اکتفا نمود و قضای زیادتر از آنچه یقینی است، لازم نیست؛ یعنی اگر نمی‌داند ده نماز از او قضا شده یا پانزده نماز، می‌توان به قضای همان ده نماز اکتفا کرد، چون نسبت به بقیه، اصل، برائت ذمه است. ۷۸/۱/۱۰

﴿س ۱۰۲۹﴾ طریقه خواندن نماز قضا چگونه است؟ آیا می‌توان سوره آن را حذف کرد یا خیر؟

ج - نمی‌توان، و همان طور که خواندن سوره در نماز واجب ادا، شرط و لازم است و بدون آن باطل است، در قضا نیز لازم است و تفاوت ادا و قضا فقط در وقت و خارج از وقت است. «بقضی ما فاتہ کما فات».

﴿س ۱۰۳۰﴾ نیت نماز قضا، مثلاً نماز ظهر، چگونه است؟

ج - همان قدر که بداند چه نمازی را قضا می‌کند، کافی است؛ یعنی در هنگام قضا نمودن باید متوجّه باشد که قضای ظهر است یا عصر یا مغرب. ۷۸/۳/۱۷

﴿س ۱۰۳۱﴾ آیا می‌توان در نماز از نیت قضا به قضا عدول کرد؟

ج - عدول، جایز نیست، مگر آن که دو یا چند نماز قضا داشته باشد و شروع به خواندن دومی، قبل از اوّلی کند که در این صورت، عدول از دومی به اوّلی، اگر مترتّبین باشد، مثل ظهر و عصر و مغرب و عشا، واجب است و اگر غیر مترتّبین باشد، مثل صبح و ظهر، احتیاط واجب در عدول از ظهر به صبح است؛ بلکه لزوم در این صورت، خالی از وجه نیست. ۷۹/۸/۱۷

﴿س ۱۰۳۲﴾ حمد و سوره را در نمازهای قضای صبح و مغرب و عشا با صدای بلند باید بخوانیم یا با صدای آرام؟

ج - شرایط نماز قضا از حیث جهر و اخفات، مانند نماز اداست. ۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۰۳۳﴾ اگر کسی متوجّه شود که مدتی از بلوغ او گذشته و نماز و روزه‌اش را در این مدت به طور کامل انجام نداده، آیا باید قضا کند؟ و آیا در روزه، کفّاره لازم است یا خیر؟

ج - قضای نماز و روزه‌هایی که به جا نیاورده، واجب است و کفّاره ندارد؛ چون افطار، عمدی نبوده؛ لیکن اگر تا ماه رمضان بعد قضای آنرا نگرفته؛ برای هر

روز، علاوه بر قضا، یک مدّ طعام هم بپردازد، و اگر در مقدار آن شک دارد، به اقل اکتفا کند.

۷۹/۸/۱۷

﴿س ۱۰۳۴﴾ آیامی توان بر فرض، یک سال فقط قضای نماز صبح خواند، سال بعد قضای نماز ظهر و... تا پنج سال؟ آیا این پنج سال به حساب یک سال نماز قضاست، گرچه ترتیب، رعایت نشده است؟

ج - قضای یک سال نماز صبح، مانعی ندارد، اما نسبت به نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا که باید به ترتیب خوانده شوند، رعایت ترتیب لازم است؛ یعنی یک سال ظهر و عصر بخواند و یک سال مغرب و عشا که ترتیب لازم بین آنها مراعات شده باشد. پس خواندن یک سال نماز ظهر و یک سال عصر و یک سال مغرب و یک سال عشا، درست نیست.

۷۴/۳/۳۰

﴿س ۱۰۳۵﴾ تعدادی نماز قضا داشتیم که موقع به جا آوردن، ترتیب آنها را رعایت ننموده‌ام. بدین صورت که مثلاً ده بار نماز ظهر خوانده‌ام و سپس ده بار نماز عشا را خوانده‌ام و همین طور دیگر نمازهایم را و هیچ ترتیبی را رعایت نکرده‌ام تا این که چندی قبل متوجه شدم که باید ترتیب حاصل شود. در نمازهایی که این چنین خوانده‌ام، تکلیف من چیست؟

ج - باید دو مرتبه به تدریج، به نحوی که در زحمت نباشید، به جا آورید، و آنچه از ترتیب لازم است، ترتیب بین ظهر و عصر و مغرب و عشا است؛ یعنی همیشه باید اول نماز ظهر و بعد، نماز عصر خوانده شود، مثل زمان ادا، و همین طور نماز مغرب و عشا، و غیر از این، ترتیب دیگری شرط نیست؛ یعنی می‌توان نماز قضاها را صبح را یک جا خواند و بعد سراغ نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا رفت.

۷۹/۱۰/۲۲

﴿س ۱۰۳۶﴾ شخصی نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را می‌خواند و بعد از اتمام هر دو نماز، متوجه می‌شود که نماز اولی (ظهر یا مغرب) باطل بوده است. آیا لازم است هر دو نماز را اعاده یا قضا نماید؟

ج - فقط نماز باطل را باید اعاده و یا قضا نماید و ترتیب بین ظهرین و عشاءین، شرط ذکر است نه واقعی.

۷۸/۸/۵

﴿س ۱۰۳۷﴾ یک نماز چهار رکعتی از من فوت شده. نمی‌دانم نماز ظهر یا عصر یا عشا بوده، آیا لازم است به نیت هر یک، سه نماز چهار رکعتی را قضا کنیم؟ یا فقط یک نماز چهار رکعتی به نیت مافی‌الذمه بخوانم؟ و در صورت اخیر، باید نماز را جهری یا اخفاتی قضا کنیم؟

ج - یک نماز به قصد مافی‌الذمه در مثل ظهر و عصر که هر دو واجب است آهسته خوانده شود، کافی است و یکی هم به قصد عشا، احتیاطاً، چون باید قضایش مثل ادایش بلند خوانده شود.

﴿س ۱۰۳۸﴾ اگر شخصی دو سال نماز بدهکار باشد و یک سال آن را بخواند و بعد از مدتی بفهمد که نماز سال اول او صحیح بوده و نیاز به قضا نداشته، آیا می‌تواند نماز قضایی را که خوانده برای سال دوم منظور نماید؟

ج - همان یک سال خوانده شده کفایت می‌کند؛ چون به مقدار نمازهای قضا شده است.
۷۷/۵/۲۶

﴿س ۱۰۳۹﴾ در مورد نمازهای صبحی که قضا می‌شود، آیا می‌توان همان روز قبل یا بعد از نمازهای ظهر و عصر خواند، یا صبح روز بعد، قبل از نماز صبح باید خواند؟

ج - قضای نماز را هر موقعی که انسان بخواند، صحیح است و منوط به وقت معینی نیست.
۷۶/۸/۸

﴿س ۱۰۴۰﴾ اگر کسی نماز قضای صبح داشته باشد چه موقع آن را به جا آورد که صحیح باشد؟ می‌توان روز بعد به جا آورد؟

ج - کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.
۸۲/۱/۲۲

﴿س ۱۰۴۱﴾ اگر شخصی در رکعت سوم و چهارم نماز، عادت به گفتن تسبیحات داشت، ولی سوره حمد به زبانش آمد، در این جا فتوای برخی علما این است که باید حمد را رها کند و تسبیحات را بخواند. سؤال این است اگر شخصی این کار را نکرده و حمد را ادامه داده، نمازش چگونه است؟ آیا قضا دارد؟

ج - اگر از روی عمد و علم نباشد، نمازش قضا ندارد.
۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۰۴۲﴾ یکی از برادران اهل سنت در زمانی که سنی بوده، یک سال نمازش را موافق مذهب شیعه خوانده و بعداً مجدداً مدتی به مذهب خود نماز خوانده. حال که بعد از چند سال مُستبصر شده، آیا آن یک سال نماز موافق مذهب شیعه اش درست است، یا قضا دارد؟
 ج - قضا ندارد، چگونه قضا داشته باشد، حال آن که با استبصار، نمازهایی که بر وفق مذهب اهل سنت قبل از آن خوانده، قضا ندارد با این که خلاف مذهب شیعه بوده و خلاف واقع، چه رسد به آنچه که در آن زمان، حسب مذهب شیعه و مطابق با واقع خوانده شده.
 ۷۸/۲/۲۷

﴿س ۱۰۴۳﴾ این جانب در هشتاد و سه سالگی به علت بادفتق و پروستات و پوسیدگی استخوان، نمازهای یومیه را روی صندلی انجام می‌دهم. تقریباً نیمی از سنین بلوغم را نماز و روزه عقب افتاده در گردن دارم نه خود توان انجامش را دارم و نه وجهی برای خرید آن بعد از فوتم، و نه روی آن را دارم که برای وارثانم چنین تکلیف شاقی را بگذارم، تکلیف بنده چیست؟
 ج - با فرض این که نمازهای ادا روی صندلی انجام می‌گیرد و چاره‌ای هم جز آن ندارید، نمازهای قضا شده را نیز به همان نحو، در حدّ قدرت و توان قضا نمایید، لیکن خود را به زحمت زیاد نیندازید و همین که از عمل گذشته پشیمان هستید و قضا هم می‌نمایید، بقیه را خداوند، ان شاء الله می‌بخشد و در عین حال، وصیت کنید که اگر کسی خواست تبرّعاً برای من نماز قضا به جا بیاورد، خدمتی به من نموده است. ۷۷/۱/۲۵
 ﴿س ۱۰۴۴﴾ اگر کسی حتماً نمازش را باید روی صندلی بخواند، آیا می‌تواند نمازهای قضایش را به همان حالت بخواند؟

ج - اگر اطمینان دارد که دیگر بهبود نمی‌یابد، می‌تواند به همان حالت نماز قضا را هم بخواند.
 ۷۸/۱/۱۷

﴿س ۱۰۴۵﴾ پدرم پنج سال پیش سگته کرده است. به دلیل بیماری، ایشان گاهی اوقات قادر به کنترل خود نیست و احتمال می‌دهیم که پاکی و نجسی را کاملاً رعایت نکند. آیا نمازها و اعمالی که در حال حاضر انجام می‌دهد، قضا دارد یا خیر؟

ج - قضا ندارد و خداوند، بیش از قدرت و توان افراد، تکلیف نمی‌نماید و تکلیف او و شما و دیگران که توجّه زیاده‌تری دارید، متفاوت است. «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا».

﴿س ۱۰۴۶﴾ شخصی دچار سکتۀ مغزی شده و به کلی اختلال حواس پیدا کرده، به طوری که خوب و بد و کم و زیاد را درست تشخیص نمی‌دهد. این فرد، نمازهایش را که می‌خواند، گاهی در رکعت دوم سلام می‌دهد و گاهی بعد از اتمام نماز، دوباره شروع به خواندن حمد و سوره می‌کند و درست نمی‌تواند نمازهایش را بخواند، و بعد از چهار سال که در این وضع به سر می‌برد، فوت می‌کند. آیا نماز و روزه‌هایش را باید برای او قضا کرد یا خیر؟

ج - نماز و روزه، با اختلال حواس، واجب نیست و تکلیف، ساقط است، چون شرط تکلیف، سلامت حواس است، و چون بر خودش واجب نبوده است، قضایش هم بر ورثه واجب نیست.
۷۱/۱۱/۴

﴿س ۱۰۴۷﴾ شخصی در ده سالگی یا کم‌تر به رسالۀ امام علیه السلام عمل می‌کرده و برداشت او در آن زمان از مسئله غسل، اشتباه بوده است؛ یعنی او این‌گونه عمل می‌کرده که اوّل نصف سر و سمت راست بدن و بعد نیمۀ چپ و سر و سمت چپ بدن را می‌شسته و تا سه‌الی چهار سال بعد از سنّ تکلیف به این نحو عمل می‌کرده است، اینک او باید در مورد نمازها، خصوصاً روزه‌های این چند سال چه کند؟

ج - روزه‌ها قضا ندارد و نمازهایی که یقین دارد به این صورت خوانده، باید قضا نماید و اکتفا به حدّ اقل که یقینی است مانعی ندارد.
۷۶/۷/۱۸

﴿س ۱۰۴۸﴾ فردی که اصلاً احکام محتلم شدن و جنابت را نمی‌دانسته و با حال جنابت، نماز و قرآن می‌خوانده و وارد مساجد و حرم ائمه اطهار علیهم السلام هم می‌شده است و اکنون آگاهی پیدا کرده، نمازهای قبلی او چه حکمی دارند؟

ج - اعمال گذشته، چون از روی جهل بوده و تقصیری در یاد گرفتن نداشته، گناه و معصیت نبوده، اما نمازهایی که با حال جنابت خوانده شده، باید قضا شود. آری، باید توجّه داشت که هر زمانی که غسل جنابت انجام داده، نمازهای بعد از آن تا احتلام و جنابت بعدی صحیح است، چون هر جنابتی با غسل جنابت بعد از آن مرتفع می‌شود، گرچه غسل‌کننده متوجّه سبب آن نباشد.
۷۹/۲/۱۸

﴿س ۱۰۴۹﴾ فردی که نمی‌دانسته با عمل استمنا، غسل جنابت بر او واجب می‌شود، تکلیف او در مورد نماز و روزه چگونه است؟ (مدت دو سال استمنا نموده و غسل هم نکرده، فقط در مواقعی که محتمل شده، غسل کرده است).

ج - اگر کسی به وسیله استمنا جُنُب شود (منی از او خارج شود)، غسل بر او واجب است، و چنانچه مدتی در حال جنابت باقی بوده، و مسئله را نمی‌دانسته، نمازهای او قضا دارد، چون طهارت، شرط واقعی نماز است؛ لیکن روزه صحیح است، چون عمداً در حال جنابت باقی نمانده، در هر صورت از زمانی که غسل جنابتی انجام داده، جنابت حاصل از استمنا مرتفع گشته، و از آن کفایت می‌کند. ۷۵/۸/۱۰

﴿س ۱۰۵۰﴾ اگر کسی خواب بماند و نماز صبح او قضا شود، آیا کار حرامی انجام داده یا خیر؟ ج - قضای آن نماز را که در اثر خواب به جا نیاورده بخواند، و همین قدر که به فکر بیدار شدن برای نماز صبح باشد، ان شاء الله مغفرت و آمرزش خداوند، شامل حالش می‌شود و معصیت نموده است. ۷۸/۴/۱۳

﴿س ۱۰۵۱﴾ مردی در حین سفر، نماز را با انگشتر طلا خوانده است. حکم نماز او چگونه است؟ اگر قرار است قضا کند، آیا به همان صورت شکسته بخواند (با توجه به اینکه حکم حرمت طلا بر مرد را می‌دانسته، و عمداً با آن نماز خوانده است)؟

ج - نمازش باطل است و اگر تا آخر وقت نماز در سفر بوده و وقت نماز گذشته، قضای آن قصر است، لیکن اگر در آخر وقت به وطن یا جایی رسیده که نماز در آنجا تمام بوده و قضا شده است، قضای آن تمام است. به هر حال، معیار در قضا، آخر وقت است و باید طبق وظیفه در آن مکان، قضا کند. ۷۵/۹/۲

﴿س ۱۰۵۲﴾ کسی که وظیفه‌ای داشته و انجام نداده یا درست انجام نداده است. آیا برای قضای آن، باید وظیفه قبلی را انجام دهد یا فعلی را؟ مثلاً وظیفه کسی تیمم بوده، ولی آن را صحیح انجام نداده است، حال برای قضا، باید نمازش را با وضو بخواند یا با تیمم؟ معیار کلی این زمینه را بیان فرمایید؟ آیا مثل نماز قصر مسافر است که اگر نخواند، در حضر، باید قصر را قضا نماید؟ ج - قضای نماز در قصر و اتمام، تابع کیفیت اصل است. بدین معنا که اگر وظیفه‌اش به عنوان ادا قصر بوده، قصراً قضا نماید، ولو در وطن و اگر وظیفه‌اش تمام بوده تماماً

قضا نماید، ولو در سفر؛ و از نظر طهارت میزان حال فعلی است. بنابراین، در هنگام به جا آوردن اگر عذر بر طرف شده باید وضو بگیرد، هر چند در وقت قضا شدن وظیفه اش تیمم بوده است. ۶۹/۹/۵

﴿س ۱۰۵۳﴾ در باب قضای نمازهایی که حکمش قصر بوده ولی تمام به جا آورده شده یا بالعکس، وظیفه چیست؟

ج - نمازهایی که تمام بوده ولی فرد آنها را قصرأً به جا آورده است باید قضا نماید؛ ولی نمازهایی که قصر بوده ولی آنها را تماماًً به جا آورده، در صورتی که جاهل به اصل حکم بوده یعنی نمی دانسته که در سفر نماز شکسته است، قضا ندارد؛ ولی اگر اصل حکم را می دانسته ولی به جزئیات آن جاهل بوده است نمازهای خوانده شده قضا دارد. ﴿س ۱۰۵۴﴾ آیا کسی که می خواهد طبق وصیت میت برای او نماز بخواند یا روزه بگیرد، باید خود نماز و روزه قضا نداشته باشد؟

ج - مانعی ندارد و با داشتن نماز و روزه قضا می توان برای دیگری نماز و روزه انجام داد. ۷۹/۹/۱۳

﴿س ۱۰۵۵﴾ اگر مادری نماز و روزه قضا دارد و توانایی بدنی برای قضای آن را ندارد و توانایی مالی برای اجیر گرفتن نیز ندارد، حکم قضای نماز و روزه او به چه صورت است؟ ج - نمازهای قضا را به هر نحو که می تواند ولو نشسته باید قضا نماید و برای روزه های قضا اگر توان ندارد، استغفار نماید و برای بعد از مرگ وصیت نماید که از ماترک او اجیر بگیرند. ۷۹/۷/۱۹

نماز استیجاری

﴿س ۱۰۵۶﴾ آیا غیر بالغ ممیز که نماز او صحیح است و روزه درستی می گیرد، می تواند اجیر دیگران باشد؟ یا می تواند به عنوان فرزند بزرگ قضای نماز و روزه پدر را انجام دهد؟ ج - اگر بدانند که صبّی ممیز، اعمال را به طور صحیح و رعایت تمام اجزا و شرایط انجام می دهد صحت استیجار و نیابت او و کفایت عمل تبرّعی او از میت بعید نیست. ۷۹/۶/۳۱

﴿س ۱۰۵۷﴾ اگر برای نماز استیجاری وقت تعیین کنند، آیا می توان در غیر آن وقت هم نماز خواند. مثلاً تعیین شده از نه صبح تا دوازده ظهر آیا می توان در غیر این ساعات نماز استیجاری خواند یا نه؟

ج - نمی توان و خلاف اجاره است. ۷۷/۵/۲۹

﴿س ۱۰۵۸﴾ اگر کسی روزه و نماز استیجاری بگیرد، آیا می تواند به غیر بدهد تا او را در انجام دادن آن ها کمک کند؟

ج - نمی تواند به غیر بدهد، مگر آن که در متن اجاره نامه آمده باشد یا بعد از آن اذن و اجازه از استیجار کننده گرفته شود؛ و ناگفته نماند که به هر حال نمی تواند بیش از آنچه حق و اجرت گرفته از دیگری بگیرد. ۷۷/۵/۲۹

﴿س ۱۰۵۹﴾ بنده نمازی را از طرف میّتی اجیر شده ام و بیشتر آن را انجام داده ام و فی الحال به علّت کهولت سن و مشکلات دیگر معذورم که به طور ایستاده آن را انجام دهم آیا نشسته می توانم انجام دهم؟

ج - نمی توان نشسته انجام داد چون اولاً خلاف اجاره است و ثانیاً تکلیف میّت قیام بوده. بنابراین باید نسبت به باقی مانده با مستأجر حلّ و فصل گردد. ۷۷/۱/۲۶

﴿س ۱۰۶۰﴾ اگر کسی در سال ۱۳۷۲ فرضاً ده هزار تومان برای یک سال نماز استیجاری گرفته است. الان که سال ۱۳۷۷ است و به طریق اولی، حق الزحمه بیشتر شده است، اگر بخواهد قیمت آن را پرداخت کند، آیا باید قیمت همان سال ۱۳۷۲ را پرداخت کند یا قیمت سال ۱۳۷۷ را؟ و اگر نتواند آن را پرداخت کند، تکلیف چیست؟ همچنین اگر برایش مقدور نباشد به جا بیاورد، چه باید بکند؟

ج - یک سال نماز بدهکار است. لذا باید قیمت فعلی را بپردازد و به هر حال، باید با استیجار کننده صحبت کند و رضایتش را با فرض عدم عمل به اجاره و تأخیر زمانی جلب نماید. ۷۷/۵/۲۹

﴿س ۱۰۶۱﴾ شخصی در زمان حیات خود وصیّت نموده که از محلّ ثلث ماترک خود، شصت سال نماز و ۱۲۰ ماه روزه گرفته شود و زمان مرگ، ۵۹ سال داشته است و سه نفر از فرزندان او را به عنوان وصیّ معین کرده است. در مراجعۀ حضوری فرمودید که ۴۵

سال نماز و ۴۵ ماه روزه برای او بگیرد. اینک متصدیان ثلث، تقاضای مشخص شدن وضعیت می نمایند. تکلیف چیست؟

ج - کسانی که مثل مورد سؤال، وصیت به استیجار نماز به زیادت از زمان تکلیفشان می نمایند، عمل به وصیت نسبت به زمان زیادت لازم نیست؛ چون وصیت به یک امری است که از راه شرعی، مجوز ندارد. آری، اگر وصیت کننده، عالم به مسائل اسلامی باشد، وصیتش به زیاده بر زمان تکلیف، بر می گردد به استیجار مجدد برای احتمال خلل و اشکال در نماز اجیر قبلی که در این جا عمل به وصیت، لازم است؛ لیکن این گونه صحبت ها و احتمالات در مثل مورد سؤال که موصی جزو علمای محتاط نبوده و یک مؤمن و مسلمان عادی مانند توده مسلمانان است، راهی ندارد و نتیجتاً عمل به وصیت نه تنها نسبت به زمان زاید غیر لازم، بلکه غیر جایز است.

﴿س ۱۰۶۲﴾ پدر این جانب، پنج سال است که سکتۀ مغزی کرده و مشاعر خود را از دست داده و کم کم بهبود نسبی پیدا کرده و وصیت کرده، که سه سال نماز برایش بخوانند و سه ماه روزه برای او بگیرند. سؤال این است که آیا در زمان حیات ایشان می توان نسبت به انجام دادن واجبات قضا شده اقدام کرد یا خیر؟ و آیا بعد از فوت پدرم بنده به عنوان پسر ارشد می توانم انجام دهم؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا باید به صورت مستمر باشد یا می توانم به صورت مقطعی انجام دهم؟

ج - نماز و روزه واجب در حال حیات قابل نیابت نیست و شخص دیگری نمی تواند برای او انجام دهد و نیابت برای آنها مربوط به بعد از مرگ است. و نماز و روزه مورد وصیت، اگر با فرض استیجار باشد، یعنی مثلاً وصیت کند که فلان مبلغ از اموال من صرف استیجار نماز و روزه ام شود یا مثلاً پنج سال نماز و روزه برای من استیجار نمایید، در هر دو صورت، اگر مبلغ و اجرت کم تر از ثلث اموال میت باشد، باید به وصیتش عمل شود و وصی می تواند هر کسی را که نماز را درست می خواند و روزه می گیرد و اطمینان به عمل به اجاره دارد، برایش استیجار نماید و فرقی بین اولاد او و غیر آن نیست. حتی خود وصی هم می تواند

اجیر شود و بخواند، مگر آن که در وصیّت؛ قید خاصی شده باشد و با فرض این‌گونه وصیّت، بر پسر بزرگ چیزی واجب نیست؛ و اما اگر وصیّت ننموده یا وصیّت به مجتّبت نموده و وصیّ عمل نمی‌کند، آن مقدار از عبادت‌های قضا شده او که با عذر بوده، مثل این که مثلاً خوابش برده یا در بیماری و امثال آن از او قضا شده، به عهده پسر بزرگ است؛ و اما نماز و روزه را که به عنوان معصیت و بی‌مبالاتی ترک نموده، قضایش بر پسر بزرگ‌تر واجب نیست و در قضای نماز، ولو نیابتاً، استمرار شرط نیست؛ بلکه باید به نحوی نباشد که گفته نشود اعتنا به قضای نمازها و روزه‌ها ندارد.

۷۸/۸/۱۸

﴿س ۱۰۶۳﴾ اگر به فردی مبلغی بدهند که برای خواندن نماز و حشت، کسانی را اجیر کند و حال، عمداً و یا سهواً این کار را انجام ندهد، تکلیف شرعی او چیست؟

ج - چون وقت معین برای نماز استیجاری تمام شده، اجیر مدیون اجرت مأخوذه است و باید به ورثه میّت برگرداند و در صورتی که آنها را نمی‌شناسد و یا دسترسی به آنها ندارد، از طرف آنها صدقه دهد و احتیاطاً چند رکعت نماز مستحبی هم برای میّت بخواند.

۷۹/۸/۲۳

﴿س ۱۰۶۴﴾ آیا خواندن نماز استیجاری یا گرفتن روزه استیجاری در سفر، جایز است؟

ج - خواندن نماز استیجاری در سفر مانعی ندارد؛ ولی گرفتن روزه استیجاری در سفر مانند بقیّه روزه‌هاست که باطل و غیر جایز است.

۷۴/۱۱/۱۵

﴿س ۱۰۶۵﴾ در مورد شهدای عزیزی که دیون عبادی از جمله نماز و روزه و... بر ذمه داشته‌اند، و اینک به علت فقر ورثه قادر به پرداخت هزینه اجاره اشخاص جهت ادای دیون مزبور نیستند حکم چیست؟

ج - اگر وصیّت به مثل نماز و روزه کرده باشد، از ثلث ماترک او خارج می‌شود و اگر وصیّت نکرده باشد، انجام آنها بر ورثه (غیر از ولد اکبر) واجب و لازم نیست، و تمکن مالی و فقر تأثیری در حکم شرعی مسئله ندارد.

۷۱/۱۱/۲۴

﴿س ۱۰۶۶﴾ در فرضی که برای میّت نماز استیجاری می‌گیرند اگر در مدت عمرش اصلاً نماز آیات نخوانده باشد چه مقدار باید برایش نماز آیات بخوانند؟ آیا برای هر سال چهار

نماز آیات به نحو احتیاط واجب است یا احتیاط مستحب؟ آیا در نیت دو تا را خسوف و کسوف و بقیه را زلزله نیت کند؟

ج - کسی را که برای نماز استیجاری میّت اجیر می‌کنند، اگر بخواهد میّت قطعاً بری‌الذمه شود، باید حداکثری که می‌داند از او نماز آیات قضا شده برایش قضا کند، یعنی آن قدر نماز آیات برایش با استیجار یا تبرّع خوانده شود که مطمئن شود که قضای نمازهای آیاتی که بر عهده‌اش بوده خوانده شده است و نماز آیاتی که مشکوک است باید به نیت قضای احتیاطی انجام شود، اما اگر بخواهد به وظیفه واجب خود نسبت به میّت عمل کند اکتفا به حدّ اقل و قدر متیقن کافی است. ۷۰/۳/۲۳

﴿س ۱۰۶۷﴾ آیا مردی که برای نماز قضای زن اجیر شده، باید قرائت نمازها را همانند زن‌ها آهسته بخواند یا باید به وظیفه خود عمل نماید؟

ج - نایب در مثل نماز باید به وظیفه خود عمل کند نه به وظیفه منوب‌عنه.

۷۱/۱۱/۲۷

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

﴿س ۱۰۶۸﴾ اگر ولد اکبر در حین فوت پدر جنون داشته باشد، قضای نماز و روزه پدر بر گردن چه کسی است؟

ج - وقتی که عاقل شد باید نماز و روزه پدر را قضا کند و چنانچه پیش از عاقل شدن بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

﴿س ۱۰۶۹﴾ نماز و روزه قضای پدر که بر پسر بزرگ واجب است، آیا منظور موقع فوت پدر است یا اولین پسر متولد شده؟

ج - ملاک ولد اکبر، موقع فوت پدر است.

﴿س ۱۰۷۰﴾ پدری حدود پنجاه سال اصلاً نماز نخوانده و روزه هم نگرفته و پسر بزرگ آشکارا به او اعلام می‌کند که من بعد از فوت شما قضای نماز و روزهات را انجام نخواهم داد. آیا پسر بزرگ‌تر بعد از فوت پدرش می‌تواند به گفته خودش عمل نماید یا خیر؟

ج - قضای نماز و روزه‌ای که پدر یا مادر از روی نافرمانی خداوند سبحان عمداً ترک کرده‌اند، مطلقاً بر فرزند واجب نیست.

۸۵/۲/۵

﴿س ۱۰۷۱﴾ می‌دانم که مرحوم پدرم به دلیل ابتلا به بیماری در زمان حیات خویش نماز و روزه خود را به جانیاورده است. قضای این مدت پس از فوت ایشان به عهده چه کسی است؟
 ج - قضای آنچه که از نماز پدر فوت شده، بر عهده ولد اکبر است؛ لیکن در روزه‌های فوت شده به خاطر بیماری شرط است که پدر تمکن قضای آن را تا رمضان دیگر داشته باشد ولی به جا نیاورده، بنابراین چنانچه نامبرده می‌توانسته قضای روزه‌های سال فوت شده را تا رمضان دیگر به جا آورد، قضای آن بر ذمه ولد بزرگتر است وگرنه قضا ندارد. ۷۰/۲/۳۰

﴿س ۱۰۷۲﴾ اگر پدری فوت کند و وصیت هم نکند و پسر بزرگتر نیز متشرع نباشد. آیا پسر کوچک‌تر که بالغ و عاقل است، می‌تواند در مورد مسائل مربوط به نماز و روزه متوقی اقدام کند؟

ج - گرچه نماز و روزه‌ها بر پسر کوچک‌تر واجب نیست، ولی می‌تواند از طرف پدر به جا آورد. ۶۹/۷/۱۱

﴿س ۱۰۷۳﴾ شخصی که پدرش مرحوم شده و نمازش از حیث مخارج حروف غلط داشته. آیا قضای نمازهایش بر پسر بزرگ‌تر واجب است؟

ج - قضا واجب نیست، مگر آن که فرزند بزرگ مطمئن باشد که پدرش نمازهایش باطل بوده؛ یعنی با توجه به این که حمدش غلط است و حمد غلط خواندن موجب بطلان نماز است و قدرت بر یاد گرفتن هم داشته و در عین حال، یاد نگرفته است در این صورت قضا بر او واجب است، گرچه به نظر این جانب بطلان نمازش چون طغیاناً بوده، قضایش بر او واجب نیست به هر حال قضا نمودن نماز برای او احتیاطاً کار خیر و مطلوبی است نه واجب. ۷۸/۲/۲۷

﴿س ۱۰۷۴﴾ اگر پسر بزرگ که نماز قضای پدر و مادر بر او واجب است، نداند چه مقدار نماز و روزه بدهکار هستند، تکلیف چیست؟

ج - بیش از حدّ اقل بر او واجب نیست. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۰۷۵﴾ پدری دارم که از نظر عقلی بسیار ضعیف است و در انجام دادن واجبات مثل نماز و روزه و... قصور فراوان دارد. آیا با این اوصاف که ایشان از نظر عقلی ضعیف است و حتی با تلقینات مکرر هم توان یادگیری را ندارد، آیا بنده به عنوان فرزند ارشد

ایشان می‌باید واجبات او را بعد از فوت انجام دهم یا خیر؟

ج - چیزی بر شما واجب نیست؛ ولی می‌توانید از طرف پدر به جا آورید. ۷۹/۹/۱۵
 ﴿س ۱۰۷۶﴾ پدر من نمازش را با عجله می‌خواند به طوری که برای مثال حتی سوره حمد را ناقص می‌خواند و سوره توحید را در مواقعی اصلاً نمی‌خواند. بنده بارها تذکر داده‌ام که نماز شما باطل است؛ ولی اهمیتی قائل نمی‌شود و به همان صورت می‌خواند. آیا نماز ایشان بعد از فوت بر من که پسر بزرگ خانواده‌ام واجب می‌شود یا خیر؟
 ج - قضا بر شما واجب نیست به جهت این که ایشان به تکلیف خویش عمل نموده و نمازهایش قضا ندارد تا بر شما که وُلد اکبر هستید با فرض شرایط دیگر واجب باشد. ۷۷/۱/۲۵

﴿س ۱۰۷۷﴾ اگر فردی از دنیا برود و وصیت کند که نمازهای قضا شده‌اش و روزه‌های قضا شده‌اش را به جا آورند؛ اما فرزندان وی اعتنا نکنند و سرمایه‌ی شخص را مصرف کنند، در این صورت این مال چه حکمی دارد؟ و آیا فرزندان وظیفه‌ای دارند یا خیر؟

ج - نماز و روزه میّت که معلوم است به عهده‌اش بوده چه از راه وصیت معلوم گردد و یا از راه دیگر اگر وُلد اکبر دارد بر عهده اوست؛ وگرنه به مالش چیزی تعلق نمی‌گیرد و به عهده کسی هم نیست چون نماز و روزه نه دین است، نه در حکم دین تا از اصل مال خارج شود. آری، اگر میّت وصیت نماید که برای من از اموال نماز و روزه بگیرد از ثلث مال خارج می‌شود و نسبت به ثلث نافذ است و وُراثت تا وقتی که به وصیت عمل ننموده‌اند، حق تقسیم اموال را ندارند چون مال مشاع است. ۷۹/۶/۱
 ﴿س ۱۰۷۸﴾ مادرم از پنجاه و پنج سالگی به بیماری آسم مبتلا گردید و به علت بیماری در ادای نمازش اختلالی به وجود آمد و به جهت استفاده از داروهای مختلف نیز توانایی روزه گرفتن را نداشت. با این توضیحات نمی‌دانیم وی تا چه حد نماز و روزه خود را به جا آورده است و می‌خواهیم دینی که بر ذمه اوست ادا کنیم. اگر قضای نماز و روزه را پسر بزرگتر انجام ندهد، آیا می‌توان این کار را بین فرزندان ایشان تقسیم کرد یا خیر؟

ج - انجام قضای نماز و روزه مادر که از روی نافرمانی ترک نکرده (آن چنان که قضای اعمال پدر بر پسر بزرگتر واجب است)، واجب می‌باشد و فرزندان دیگر هم می‌توانند قضای آنها را به جا آورند، اگر چه بر آنها واجب نمی‌باشد. ۸۵/۲/۵

احکام نماز جماعت

﴿س ۱۰۷۹﴾ اذان گفتن اطفال ممیز در مساجد برای جماعات چه صورتی دارد؟

ج - فرقی بین اذان و اقامه ممیز غیر بالغ با بالغ در احکام نیست و همان طور که استماع اذان و اقامه از بالغ کفایت می‌کند، از غیر بالغ ممیز هم چنین است.
۷۸/۲/۲۷

﴿س ۱۰۸۰﴾ نیت نمازهای جماعت به چه صورت است؟ منظور این است که به چه کسی،

چگونه و در چه شرایطی می‌توان اقتدا کرد؟

ج - همین قدر که انسان بداند نمازش را با جماعت می‌خواند، کافی است، هر چند امام جماعت را به اسم و رسم نشناسد؛ اما باید به عدالت او مطمئن باشد و هنگام اقتدا باید متوجه باشد که امام جماعت مسجد محلّه‌شان است که معمولاً این گونه توجه‌ها هست.
۷۸/۹/۱۱

﴿س ۱۰۸۱﴾ آیا عدم شرکت در نماز جماعت یا جمعه، بدون عذر، گناه است یا خیر؟

ج - خواندن نماز جماعت مستحب است و نماز جمعه، با وجود همه شرایطش، واجب تخییری است؛ ولی احتیاط در خواندن نماز ظهر است.
۷۱/۳/۳

﴿س ۱۰۸۲﴾ خواندن نماز فرادا توسط معدودی افراد در مسجد، همزمان با برپایی نماز

پرشکوه جماعت، به جهت اختلافات شخصی با امام جماعت که موجب ایجاد تفرقه و جدایی بین مأمومین و امام جماعت، و از بین رفتن ارزش و بهای نماز جماعت گردد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر نماز فرادا تفسیق عملی امام باشد، نماز، علی‌الاحوط، باطل است؛ و به هر حال، با بودن نماز جماعت، نباید انسان خود را از فیض بزرگ آن محروم کند.
۷۵/۱۱/۱۳

﴿س ۱۰۸۳﴾ آیا برپایی نماز جماعت در خانه، در صورت عدم توانایی بقیه اعضای

خانواده بر شرکت در نماز جماعت مسجد، افضل است یا اینکه سرپرست خانواده در مسجد نماز بخواند و بقیه در خانه به صورت فرادا نماز را اقامه نمایند؟

ج - با تحقق شرایط، مانعی ندارد، گرچه نماز در مسجد افضل است.
۷۵/۲/۱۲

﴿س ۱۰۸۴﴾ کسانی که قرائت نمازشان غلط است، با قدرت بر تصحیح قرائت، آیا حضور آنها در جماعت بدون حَرَج لازم است؟

ج - تصحیح قرائت بر آنها واجب است، نه حضور در جماعت، لیکن اگر نمی‌روند قرائتشان را تصحیح کنند، عقلاً لازم است که نماز را با جماعت بخوانند، تا اعاده و قضا بر عهده آنان نیاید.

۷۶/۲/۲۸

﴿س ۱۰۸۵﴾ اگر زنی با وجود منع شوهر از حضور او در نماز جماعت، در نماز شرکت کند، آیا نمازش صحیح است یا خیر؟

ج - نمازش صحیح است.

﴿س ۱۰۸۶﴾ آیا می‌توان نماز مؤخر را به نماز مقدم امام، با جماعت خواند؟ (مثلاً امام جماعت، مشغول نماز ظهر باشد و ما نماز عصر را با او بخوانیم).

ج - اقتدای هر نماز واجب به نماز واجب دیگر، که احتیاطی نباشد، مانعی ندارد.

۶۹/۱۲/۲۲

﴿س ۱۰۸۷﴾ حکم نمازی که امام جماعت، نماز قضا و مأمومین نماز ادا را به او اقتدا می‌کنند، چگونه است؟ اگر امام جماعت، نماز قضای دیگران را بخواند، چطور؟

ج - اگر نماز امام، قضای یقینی باشد، چه برای خود و چه برای دیگری، مانعی ندارد.

۷۵/۶/۳

﴿س ۱۰۸۸﴾ شخصی به نماز جماعت حاضر می‌شود. بعد از نماز متوجه می‌شود که امام جماعت، آن امام جماعت همیشگی نیست و ایشان موقتاً به جای او آمده؛ اما این شخص از اول نماز به خیال این که امام جماعت دایمی است، اقتدا کرده است. اگر در حین نماز متوجه این امر شود، چه حکمی دارد؟

ج - اعاده ندارد و نماز جماعت، درست بوده و ثواب برده و آنچه معتبر است، عدالت

امام جماعت است.

﴿س ۱۰۸۹﴾ آیا انسان هر روز می‌تواند نمازش را در جاهای مختلف و به امامت امام جماعت حاضر در مسجد بخواند؟

ج - در صورتی که امام جماعت را عادل بداند، مانعی ندارد.

۷۹/۷/۱۴

﴿س ۱۰۹۰﴾ آیا کسی که نمازش را با جماعت می خواند، ولی صدای امام جماعت را نمی شنود، خواندن سوره حمد بر او واجب است یا خیر؟

ج - اگر مأوم در رکعت اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشا صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را بخواند، ولی باید آهسته بخواند، و چنانچه سهواً بلند بخواند، اشکال ندارد؛ اما به هر حال، خواندن حمد و سوره بر مأوم، واجب نیست. ۷۹/۷/۱۴

﴿س ۱۰۹۱﴾ در نمازهای یومیه، به جز نمازهای ظهر و عصر (که امام حمد و سوره را بلند می خواند، ولی مأوم صدای امام جماعت را نمی شنود)، آیا نمازگزار باید حمد و سوره را خودش هم بخواند؟

ج - اگر مأوم در نمازهایی که باید حمد و سوره را بلند بخواند، صدای امام را نشنود، مستحب است که حمد و سوره را بخواند. ۷۴/۱۱/۱۰

﴿س ۱۰۹۲﴾ آیا می توانیم در نماز جماعت، بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، قصد فرادا کنیم یا بعد از خواندن یک رکعت باید قصد فرادا کرد؟

ج - خواندن یک رکعت، لزومی ندارد و قصد فرادا، به طور کلی جایز است. ۷۲/۱/۳۰
 ﴿س ۱۰۹۳﴾ اتصال صفوف در نماز چهار رکعتی با شکسته بودن نماز مأومین مسافراز بین می رود و بعد، با خواندن نماز دیگری از جانب مسافران، درست می شود. برای کسانی که نمازشان تمام بوده است، تا آخر نماز، حکم جماعت محفوظ است یا خیر؟
 ج - اگر سریعاً اقتدا کنند، نماز جماعت صحیح است، یعنی جماعت دیگران هم صحیح است. ۷۴/۸/۷

﴿س ۱۰۹۴﴾ در خیلی از موارد دیده می شود که صف اول به وسیله یک یا دو نفر که نمازشان شکسته است، قطع می شود. بفرمایید مقدار فاصله ای که باعث ضرر به جماعت می شود، چقدر است؟

ج - اگر بین جای سجده مأوم و جای ایستادن امام به قدر یک قدم متعارف فاصله باشد، اشکال ندارد و نیز اگر بین انسان و مأومی که جلوی او ایستاده و انسان به وسیله او به امام متصل است به همین مقدار فاصله باشد، نمازش اشکال ندارد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأوم با جای کسی که جلوی او ایستاده، هیچ فاصله نداشته باشد.

﴿س ۱۰۹۵﴾ ایستادن دانش‌آموزان مدارس ابتدایی در صف جماعت، چه حکمی دارد؟

ج - اگر ممیز باشند، نمازشان محکوم به صحت است. ۷۴/۷/۴

﴿س ۱۰۹۶﴾ امام جماعت، مشغول به نماز جماعت می‌شود و صفوف نماز هم تشکیل شده و امام جماعت، نیت و تکبیر می‌گوید. حال سؤال این است که پس از امام جماعت بلافاصله شخصی که با امام جماعت پنج نفر فاصله دارد، نیت و تکبیر می‌گوید و پس از آن، دیگران می‌گویند. حال نماز این شخص صحیح است یا خیر؟

ج - همین که مأمومین آماده برای خواندن نماز با جماعت باشند، کفایت می‌کند.

۷۶/۹/۲۸

﴿س ۱۰۹۷﴾ مسجدی دو طبقه و تازه ساز و در حال تکمیل است، به نحوی که هیچ‌گونه ارتباطی بین دو طبقه آن نیست و فضایی که در مساجد دیگر مرسوم است که افراد پایین از بالا و بالعکس قابل رؤیت هستند، وجود ندارد و قرار است که خانم‌ها، در طبقه اول و آقایان در طبقه دوم مستقر شوند و جایگاه امام جماعت جهت اقامه نماز، در طبقه دوم است. اولاً، در فرض مذکور، نماز خانم‌ها صحیح است یا خیر؟ در صورت عدم صحت، تکلیف نمازهای خوانده شده چیست؟ ثانیاً، با توجه به عدم وجود روزنه و محل ارتباط و اتصال بین دو طبقه، اشکالی برای نماز جماعت ایجاد می‌شود یا خیر؟ ثالثاً، در صورت پوشیده بودن سقف طبقه اول و بودن امام جماعت در آن که محل استقرار خانم‌هاست، نماز آقایان چه صورتی دارد؟ رابعاً، در صورت ایجاد روزنه و محل رؤیت بین دو طبقه، انتقال خانم‌ها به طبقه اول، چه حکمی دارد؟

ج - نماز خانم‌ها در طبقه پایین، حکم جماعت را ندارد و جماعتشان هم باطل است، چون امام جماعت، بالاتر از مأمومین است؛ لیکن با جهل به مسئله و اینکه در جماعت شرط است امام، بالاتر از مأموم نباشد، نمازشان در حکم فرادا و صحیح است، مگر آنکه رکنی کم یا زیاد کرده باشند، که نمازشان باطل است و اعاده و قضا هم دارد و به هر حال، نماز جماعت مردان در طبقه فوقانی، که امام جماعت هم در همان طبقه بوده، صحیح است، و اگر در طبقه فوقانی که بدون روزنه است، خانم‌ها نماز جماعت بخوانند و مأموم باشند، مانعی ندارد، چون وجود حایل بین زن‌ها و مردها، مضرّ به جماعت نیست؛ ولی اقتدای مردان در

طبقه فوقانی، به خاطر وجود حایل و نبود رؤیت و دید، باطل است و خلاصه در نماز جماعت، نبودن حایل برای مردان و بالا نبودن موقف امام جماعت از مأمومین، مطلقاً (چه مأمومین مرد باشند یا زن) شرط است. ۷۴/۱۰/۷

﴿س ۱۰۹۸﴾ اگر مرد وزن محرم، در یک صف واحد نماز جماعت بخواند. مثلاً در خانه، پدر به عنوان پیش نماز و همسر و بچه‌های دختر و پسر به عنوان مأموم اقتدا کنند، نماز چه حکمی پیدا می‌کند؟

ج - مانعی ندارد و نماز و جماعت، صحیح است و آنچه در مورد تقدّم زن بر مرد آمده، به نظر می‌رسد که یک نهی ارشادی است؛ یعنی نهی از تقدّم زن یا پهلوی هم بودن به خاطر آن است که حواس در نماز، جمع‌تر باشد و این جهت، در مورد سؤال تحقّق ندارد. ۷۹/۱/۳۱

﴿س ۱۰۹۹﴾ از قدیم در مساجد و غیر مساجد، بین زنان و مردان، پرده‌ای حایل بوده و هست. اکنون عده‌ای می‌گویند پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن، لزومی ندارد. آیا این درست است؟

ج - اگر امام، مرد و مأموم، زن باشد، چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسطه او به امام متصل شده است، پرده و مانند آن نباشد، اشکال ندارد؛ لیکن رعایت عفاف و ستر، برای زن لازم است و هر امری که سبب از بین رفتن مستوری و عفیفه بودن گردد، نباید انجام گیرد. ۷۹/۷/۱۰

﴿س ۱۱۰۰﴾ در صف جماعت پنج نوجوان نابالغ اماممیز کنار هم ایستاده‌اند. آیا نماز فرد بالغی که توسط این چند نفر به جماعت وصل می‌شود، صحیح است؟ و آیا به طور کلی ایستادن چند غیر بالغ ممیز در کنار هم خللی در اتصال ایجاد نمی‌کند؟

ج - نمازشان صحیح است و حکم بالغ را دارند. ۷۷/۸/۶

﴿س ۱۱۰۱﴾ بنا بر جواز تقدّم زن بر مرد در حال نماز، اگر مرد اتصالش به صف جماعت به وسیله زن در حال مساوی بودن محل یا متأخر بودن، تحقّق یابد، آیا نماز مرد صحیح است یا خیر؟

ج - نماز و جماعتش صحیح است. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۱۰۲﴾ اگر نمازگزاران در طبقه فوقانی در حالت قیام، صف جلورامی بینند ولی در حالت سجده نمی بینند، برای مردها آیا نماز صحیح است یا خیر؟

ج - آنچه در صحت نماز در طبقه فوقانی معتبر است، آن است که گفته شود با هم نماز می خوانند، ولو با باز بودن مقداری از سقف مُشرف به طبقه اول، وگرنه بدیهی است که طبقه دوم، از جهت جای پا و محل ایستادن، با طبقه اول حایل دارد، و آنچه مضر است، حایل بین افراد در طبقه دوم نسبت به همدیگر است.

۷۷/۱/۲۶

﴿س ۱۱۰۳﴾ اگر مأموم در رکعت سوم یا چهارم در حالی که امام آماده رفتن به رکوع است، اقتدا کند، آیا نمازش صحیح است یا خیر؟ اگر قبل از آنکه امام به رکوع برسد (یعنی در بین راه باشد) مأموم اقتدا کند، نمازش چه حکمی دارد؟ آیا واجب است که صبر کند تا امام به رکوع برسد و بعداً اقتدا کند یا خیر؟

ج - اقتدا از زمانی که تکبیر برای رفتن به رکوع گفته می شود، درست است. ۷۴/۷/۱۰

﴿س ۱۱۰۴﴾ کسی که در نماز جماعت، در رکعت دوم، اقتدا می کند ولی به رکوع امام نمی رسد، منظور از اینکه گفته شده نمازش به طور فرادا صحیح است، چیست؟ آیا مراد این است که باید از آن حالت برگردد، و بعد از تکبیرة الاحرام به بعد را ادامه دهد یا اینکه همان را رکعت اول قرار دهد؟

ج - اگر به رکوع امام نرسید، می تواند حمد و سوره را بخواند و فرادا نماز خود را تمام کند، و یا صبر کند تا امام به رکعت بعدی برسد و با جماعت بخواند، یعنی رکعت سوم امام و اول مأموم که باز حمد و سوره را می خواند، اما آهسته و با قصد نماز جماعت و اگر به رکوع رفت، در حالی که امام سر از رکوع برداشته، یا شک دارد که به رکوع امام رسیده یا خیر، نمازش به صورت فرادا درست است و یک رکعت محسوب می شود. ۷۱/۶/۱۸

﴿س ۱۱۰۵﴾ امام جماعتی قنوت را فراموش می کند و بعد از رکوع، قنوت را می خواند. آیا می توان در این حال به او اقتدا کرد؟

ج - اقتدا در این رکعت، به خاطر آنکه رکوع را درک نمی کند، صحیح نیست. ۷۴/۷/۹

﴿س ۱۱۰۶﴾ اگر قنوت شخصی در رکعت دوم نماز جماعت، طولانی شود، به طوری که به رکوع امام نرسد، آیا رسیدن به سجده، کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - اگر عمداً قنوت را طول دهد تا امام از رکوع بلند شود، معصیت کرده؛ و اگر عمدی نباشد، معصیت نشده و در هر صورت نماز و جماعتش، صحیح است. ۷۳/۴/۳

﴿س ۱۱۰۷﴾ آیا اعاده نماز جماعت با جماعتی غیر از جمعیت اول و یا با جماعتی بیشتر از بار اول، تا سه مرتبه، جایز است؟

ج - مانعی ندارد و اعاده نماز جماعت، با اختلاف مأمومین و یا امام، مطلقاً مستحب است. ۷۶/۲/۲۸

﴿س ۱۱۰۸﴾ آیا امام جماعت می‌تواند در یک وعده، سه بار نماز ظهر و عصر را در یک محل و با نیت ادا بخواند؟ (البته مأمومین در هر نماز عوض می‌شوند).

ج - مانعی ندارد. ۷۵/۲/۸

﴿س ۱۱۰۹﴾ آیا شخصی می‌تواند در نماز عید سعید فطر یا قربان بیش از دو بار امام جماعت واقع شود؟

ج - مانعی ندارد و اعاده نماز با اختلاف مأمومین و یا امام مطلقاً، مستحب است. ۷۸/۱۱/۲۶

﴿س ۱۱۱۰﴾ گفته شده که اگر امام جماعت، نماز جماعت را برای عده دیگری اعاده کند، مشروط به این که اعضای جماعت قبلی در این نماز نباشد، بلا اشکال است. حال سؤال این است که آیا چند تن از مأمومین نماز قبلی می‌توانند نماز قضای احتمالی را در این جماعت بخوانند؟

ج - خارج از مورد نص و دلیل است و نمی‌توانند اقتدا نمایند و به همان مورد بدون اشکال، باید اکتفا شود. ۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۱۱۱۱﴾ در نماز جماعت، اگر مأموم بعد از نماز فهمید که به جهتی، نماز امام باطل بوده، آیا نماز مأموم صحیح است؟ چنانچه مأموم به قصد متابعت از امام، رکن اضافه به جا آورده باشد و بعد بفهمد که نماز امام باطل بوده، چه حکمی دارد؟

ج - چون جماعتش صحیح است، لذا مانند بقیه جماعتها، زیاد کردن رکن مُتَغَفَّر است و موجب بطلان نیست. ۷۳/۱۰/۲۹

﴿س ۱۱۱۲﴾ اقتدای مسافر مکروه است. سؤال این است که ملاک، مسافرت است یا شکسته بودن نمازش؟ یعنی فقط اقتدا به نمازهای چهار رکعتی مکروه است یا اقتدا به نماز مغرب و صبح هم مکروه است؟

ج - ملاک، شکسته بودن نماز و اختلاف امام و مأوم است در قصر و اتمام. ۷۶/۱۱/۲۶
 ﴿س ۱۱۱۳﴾ اگر مأوم در نماز مغرب و عشا یک رکعت از امام عقب است، در رکعت دوم نمازش (که رکعت سوم امام جماعت است)، آیا باید قرائت نمازش را به تبعیت از امام، آهسته بخواند یا قرائت (حمد و سوره) نمازش را بنا بر اصل، بلند بخواند؟

ج - باید حمد و سوره و بسم الله را آهسته بخواند، به صورتی که تن و جوهره صدا آشکار نشود. ۷۹/۱/۲۶

﴿س ۱۱۱۴﴾ اگر مأومین در نماز جماعت، اذکار را بلند بگویند که باعث اختلال حواس امام جماعت بشود، در این صورت آیا جایز است یا خیر؟

ج - مکروه است که مأوم، ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود. ۷۸/۱/۲۵
 ﴿س ۱۱۱۵﴾ آیا در نماز جماعت می توان ذکرها را زودتر از امام جماعت گفت یا خیر؟
 ج - می توان و جایز است، هر چند بعد از گفتن امام، بهتر است. ۷۶/۱۰/۲۹

﴿س ۱۱۱۶﴾ حکم زودتر از امام جماعت، سلام دادن و نماز را تمام کردن چیست؟
 ج - سلام دادن مأوم قبل از امام در نماز، گرچه عمداً هم باشد، نمازش صحیح است؛ لیکن احتیاط مستحب آن است که پیش از امام، سلام ندهد. ۷۹/۱۰/۱۹

﴿س ۱۱۱۷﴾ اگر کسی قبل از امام به رکوع رود یا قبل از امام سر از سجده بردارد، آیا نمازش صحیح است؟

ج - آری، نمازش صحیح است؛ اما نباید این کار را بکند. ۷۸/۲/۹
 ﴿س ۱۱۱۸﴾ امام جماعت، تکبیرة الاحرام می گوید و هنوز سوره حمد را آغاز نکرده، متوجه می شود که تکبیر را اشتباه گفته یا موقع گفتن، تعادل نداشته است. لذا به مأومین می رساند که تکبیر نگویند تا، مجدداً آن را اعاده کند. آیا مأومینی که قبل از اشاره امام تکبیر گفته اند، می توانند آن را بشکنند و مجدداً اعاده کنند؟

ج - آری، می توانند، بلکه باید چنین کاری را انجام دهند، چون گفتن تکبیرة الاحرام، قبل از آن که امام جماعت، تکبیرة الاحرام صحیح را بگوید، موجب بطلان جماعت و نماز مأوم است. ۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۱۱۱۹﴾ در نماز جماعت، امام سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع می‌رود، در این مورد، تکلیف مأمومین چیست؟
 ج - باید نماز را فرادا بخوانند، چون نه خودشان حمد خوانده‌اند و نه امامشان.

۷۷/۸/۶

﴿س ۱۱۲۰﴾ در موارد جواز عدول تا کجای نماز جایز است که عدول صورت بگیرد؟ و در کجا دیگر عدول، جایز نخواهد بود؟
 ج - عدول، قبل از گفتن سلام آخر، یعنی «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین»، جایز است.

۷۸/۲/۲۷

﴿س ۱۱۲۱﴾ اگر کسی در یکی از رکعت‌های نماز چهار رکعتی که امام در حال رکوع است، به رکوع امام رسید و به امام اقتدا کرد و امام، بعد از دو سجده از جا برخاست، اگر مأموم که تازه به رکوع امام رسیده، نمی‌داند این رکعتی که امام جماعت در حال حاضر می‌خواند، رکعت دوم است و یا رکعت چهارم؛ ۱. آیا مأموم باید حمد و سوره یا حمد را به تنهایی بخواند یا نه؟ چه طور مأموم بداند که رکعت دوم و یا چهارم امام جماعت است؟ ۲. اگر مأموم بعد از نماز فهمید که رکعت دوم نماز بوده، ولی سهواً حمد و سوره یا حمد تنها را خوانده، آیا نماز مأموم صحیح است؟

ج ۱- نماز صحیح است، اما باید حمد و سوره را به قصد قربت مطلقه بخواند تا اگر وظیفه‌اش بوده، عمل به وظیفه شده، وگرنه قرآنی خوانده شده و مضر به نماز نبوده است.

ج ۲- آری، نماز مأموم، صحیح است و قرائت سهوی، مضرّ صحت نماز نیست؛ کما این که ترک قرائت، سهواً نیز مضرّ نیست.

۷۸/۲/۹

﴿س ۱۱۲۲﴾ در یکی از رکعات جماعت، امام به شکمی افتد که یک سجده انجام داده یا دو سجده. برخی مأمومین هم در شک هستند. بعد از اتمام نماز، هم برای امام و هم برای مأمومین، یقین حاصل می‌شود که یک سجده انجام شده. حال تکلیف امام و مأمومینی که با شک، با یک سجده قیام کرده‌اند، چیست؟ تکلیف مأمومینی که با اطمینان به انجام شدن یک سجده، همراه جماعت، نماز را با یک سجده تمام کرده‌اند، چیست؟

ج - اگر شگشان قبل از تجاوز بوده، وظیفه، اعتنای به شک بوده، و اگر بعد از تجاوز

از محلّ است، وظیفه، عدم اعتنا به شک است؛ لیکن اگر در فرض اعتنا، وظیفه که سجده بوده به جا نیآورده‌اند، به خاطر جهل به مسئله، نمازشان صحیح است؛ لیکن سجده را باید قضا نمایند.

۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۱۱۲۳﴾ آیا مأموم می‌تواند در اثنای نماز جماعت، مثلاً در قنوت، قصد فرادا کند و ادامه نماز را سریع‌تر از امام بخواند و نماز دوم خودش (مثلاً نماز عصر یا عشا) را به نماز اوّل امام، اقتدا کند؟

ج - انسان در بین نماز جماعت می‌تواند نیت فرادا کند، ولی اگر پیش از تمام شدن

حمد و سوره، نیت فرادا نماید، باید مقداری را که امام نخوانده بخواند. ۷۹/۱/۲۶

﴿س ۱۱۲۴﴾ آیا شخصی که مشغول نماز واجب است و نماز جماعت برپا می‌شود و می‌ترسد اگر نماز را تمام کند؛ به جماعت نمی‌رسد می‌تواند سر دو رکعتی سلام دهد تا به جماعت برسد؟

ج - می‌تواند، لیکن باید نیت نماز مستحب نماید. ۸۲/۱۱/۲۰

﴿س ۱۱۲۵﴾ اگر در مدرسه شبانه روزی طلاب، جهت شرکت در نماز جماعت صبح، اجباراً طلاب را بیدار نمایند و در صورت عدم شرکت افراد در جماعت، در نمره انضباط طلاب تأثیر دهند، این کار، چه حکمی دارد؟ آیا حرام است یا شرعاً جایز است؟

ج - گرچه تا شخصی راضی نباشد، نمی‌توان او را برای نماز بیدار نمود؛ لیکن شرکت

در نماز جماعت، مطلوب و بحث نمره انضباط هم تابع مقررات مدرسه است.

۷۹/۱/۱۵

﴿س ۱۱۲۶﴾ اگر امام جماعت بگوید: «راضی نیستم به من اقتدا کنید»، آیا حرفش اعتبار دارد یا خیر؟ شخصی (واجد شرایط امامت) در حال خواندن نماز واجب خودش است، ما بدون این‌که او بفهمد، به او اقتدا می‌کنیم و یا ممکن است وقتی که اقتدا کردیم، متوجه شود. آیا این جماعت صحیح است؟

ج - اقتدا به امام جماعتی که راضی به اقتدا نیست، مانعی ندارد؛ چون نیت جماعت

و رضایت امام به جماعت، شرط تحقق جماعت در حقّ مأموم نیست. ۷۹/۱/۲۶

﴿س ۱۱۲۷﴾ اگر کسی در رکعت دوم نماز اقتدا کند، آیا واجب است با تشهّد امام تشهّد بخواند یا مستحبّ است؟

ج - خواندن تشهّد از حیث متابعت، مستحبّ است نه واجب. ۷۸/۷/۱۴

﴿س ۱۱۲۸﴾ اگر کسی در نماز جماعت به تشهّد رکعت آخر رسید و برای درک ثواب، «الله اکبر» گفت و نشست، آیا در این حال، تجافی کند یا معمولی بنشیند؟ در موقع سلام امام چه طور؟

ج - تجافی نماید و تا آخرین سلام، صبر کند. ۷۹/۷/۱۴

﴿س ۱۱۲۹﴾ کسی که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار یا باد معده جلوگیری نماید، آیا می تواند در صف اول نماز جماعت بایستد؟

ج - آری، می تواند، چون نمازش که حسب وظیفه خودش عمل می نماید، صحیح و درست است و صحّت نماز مکلف نزد خودش در صحّت قرار گرفتن در صف جماعت، کفایت می کند. ۷۹/۵/۱۶

احکام و شرایط امام جماعت

﴿س ۱۱۳۰﴾ با عنایت به اینکه عدالت، یکی از شرایط امام جماعت است، معیار شناخت عادل چیست؟

ج - معیار، اطمینان خود شخص به عدالت و حسن ظاهر یا شهادت عدلین و یا شیعار و اشتهار موجب اطمینان یا اقتدای عده ای از اهل محل است که باعث اطمینان شود. ۷۵/۶/۱۲

﴿س ۱۱۳۱﴾ با توجه به این که این جانب هجده سال دارم، آیا می توانم اقامه نماز جماعت کنم؟

ج - پس از رسیدن به تکلیف، کمی سن، نقصی برای امام جماعت نیست؛ لیکن لازم است بقیه شرایط امامت جماعت را دارا باشید که در توضیح المسائل ذکر شده است. ۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۱۱۳۲﴾ امام جماعتی که از حیث عدالت، مورد تأیید مومنین است، در صورتی که به عیان، عدم عدالت ایشان برای برخی محرز گردد، حکم ادامه اقتدا به ایشان چگونه است؟
 ج - اگر عدم عدالت شخصی بر کسی محرز گردد، فقط همان شخص نمی تواند به او اقتدا نماید؛ ولی حق گفتن و اظهار کردن به دیگران را ندارد و حرام و غیبت است و نماز دیگران، قطعاً صحیح است. ۷۸/۷/۲۷
 ﴿س ۱۱۳۳﴾ اگر دیگران انسان را عادل بدانند، اما فرد، خود را عادل نداند، آیا می تواند پیش نماز آنان شود؟

ج - معیار، اطمینان کسانی است که می خواهند اقتدا کنند. ۷۹/۲/۲۶
 ﴿س ۱۱۳۴﴾ اگر چند بار دیده شود که امام جماعتی، مشغول غیبت است. آیا می توان به او اقتدا کرد؟

ج - چنانچه قبلاً او را عادل می دانستید، الآن هم او را عادل بدانید، چون شاید مورد غیبت، از مواردی بوده که برای غیبت کردن مجوز داشته، و از مواردی بوده که به نظرش غیبت، جایز است. آری، اگر شک برگردد به شک به عدالت از اول و نسبت به گذشته، چون شک، شک ساری است، نمی توان اقتدا کرد. ۷۳/۲/۱۷
 ﴿س ۱۱۳۵﴾ اقتدا به امام جماعتی که انسان وی را نمی شناسد (به عادل بودن یا نبودن وی واقف نیست)، چه حکمی دارد؟ ملاک، برای عدالت امام جماعت چیست؟ آیا امام جماعتی که غیبت نمودن برای وی آسان است، می تواند عادل باشد؟

ج - اطمینان به عدالت و حسن ظاهر، ملاک تشخیص است؛ ولی کسی که غیبت نمودن برایش آسان باشد، نمی توان او را عادل دانست. ۷۱/۱۲/۶

﴿س ۱۱۳۶﴾ دروغ گفتن امام جماعت ایشان را از عدالت ساقط می کند یا خیر؟ به عبارت دیگر خواندن و اقتدا کردن نماز به امام جماعتی که دروغ می گوید جایز است یا خیر؟
 ج - حکم کلی این گونه مسائل روشن است چون دروغ گفتن بدون مجوز مسقط عدالت است و دروغ با مجوز یعنی مصلحت آمیز مسقط عدالت نمی باشد، لیکن هر مکلفی باید به تشخیص خود عمل نماید و حق گفتن تشخیص خود را به دیگران ندارد، چون آبروی افراد مخصوصاً امام جماعت، محترم و از بین بردنش حرام است. ۸۱/۲/۲۵

﴿س ۱۱۳۷﴾ منظور از این که اقتدای عده‌ای ظاهرالصلاح به امام جماعت، موجب احراز عدالت او می‌شود، چیست؟ ظاهرالصلاح به چه کسی می‌گویند؟

ج - معیار، اطمینانی است که از اقتدای آنان حاصل می‌شود و حصول این اطمینان، منوط است به این که آن افراد، اهل همان محل و به مسائل شرعی و شرطیّت عدالت و حقیقت آن، آشنا باشند و خودشان هم افراد مذهبی و متعهدی باشند و نسبت به امام جماعت، شناخت داشته باشند؛ اما اگر هر کس جلو ایستاد، به او اقتدا می‌کنند، حضور آن‌ها باعث اطمینان نیست. ۷۶/۱۱/۱۹

﴿س ۱۱۳۸﴾ نماز خواندن پشت سر امام جماعتی که مأوم او را به عدالت قبول ندارد، ولی از روی مصلحت به او اقتدا می‌کند، چه حکمی دارد؟

ج - نماز او به جماعت صحیح نیست؛ لیکن اگر برای حفظ وحدت جامعه اسلامی اقتدا کند، مطلوب است و باید نمازش را اعاده کند. ۷۵/۲/۱

﴿س ۱۱۳۹﴾ اگر هنگام نماز به مسجد یا محلی برسیم که یک روحانی، به عنوان امام جماعت، حضور دارد و در حال قرائت نماز است. آیا می‌توان بدون تحقیق به او اقتدا کرد؟

ج - تحقیق لازم نیست، و همین که عده‌ای از مؤمنین و اهالی محل اقتدا می‌کنند و از اقتدای آنان به عدالت امام جماعت اطمینان حاصل شود، کافی است.

﴿س ۱۱۴۰﴾ إمامة الراتبه هل توجب حقاً للإمام الراتب حتى لا يجوز لغيره أن يؤم الناس إلا بإذن الإمام الراتب، كما يشاع ذلك؟

ج - حلّ أمثال هذه المسائل بيد الإمامين (أى الراتب و غيره) أولى من حلّه بيد المأمومين، و تقديمهم أحدهما على الآخر، ولو حسب الموازين الشرعيّة والأصول الأخلاقية المذكورة في الكتب الفقهية، مرجوح و غير مطلوب، لأنّ الجماعة شرّعت لحفظ الاتّفاق و الاتّحاد بين المسلمين و غيرها من المصالح، و مع تدخّل المأمومين يحتمل قوياً حصول شيء من الاختلاف في قلوب أئمة الجماعة، و معه كيف يكون التدخّل منهم راجحاً، و لزيادة التوضيح فيما ذكرناه نقل عبارة

الروض و الذکری علی ما فی الجواهر من أنه لو بعد منزله و خافوا فوت وقت الفضیلة، قدّموا من یختارونه، ولو حضر بعد صلوتهم استحبّ إعادتها معه، لما فیہ من اتّفاق القلوب، مع تحصّل الاجتماع مرّتين، و لا بأس به، بناءً علی استحباب إعادة الفریضة جماعة.

۷۳/۹/۲

﴿س ۱۱۴۱﴾ آیا می شود امام راتب را از امامت منع کرد؟

ج - به طور کلی کسی حقّ منع کسی را از مسجد و نماز خواندن در آن، اماماً یا مأموماً، فی حدّ نفسه ندارد. این بود حکم کلیّ مسأله و از قضیه شخصیّه و خصوصیات آن اطلاع ندارم و رفع این گونه مشکلها با مسأله و حکم کلیّ الهی نمی باشد.

۸۱/۱۱/۷

﴿س ۱۱۴۲﴾ همان طوری که استحضار دارید یکی از شرایط مهم امام جماعت عدالت می باشد و این عدالت نیز معنی وسیع و گسترده ای دارد، مورد سؤال این است: شخصی است که در اذهان عموم کاملاً حسن نیت دارد و هدفش هم کسب مقام و قدرت و ثروت نیست ولی به زعم خودش به خاطر این که مردم دستورات دین را عمل نمی کنند عصبانی می شود و نسبت ها و القاب زشتی را به مردم می دهد و هنگام عصبانیت روی منبر یا جاهای دیگر مردم را نادان می داند و هم چنین به حیوانات تشبیه می کند و دیگران نیز به خاطر سادات بودن و دلسوز بودن او چیزی نمی گویند یا جرأت نمی کنند بگویند. عدالت ایشان چگونه است، آیا شرط امام جماعت را دارد یا خیر؟

ج - به هر حال مسائل ذکر شده در سؤال که معصیت و گناه بودن آنها معلوم نیست اگر نگوییم که چون با قصد خیر و هدایت همراه است، گناه نمی باشد، مضر به عدالت و امامت جماعت بودن نمی باشد.

۸۲/۲/۱۸

﴿س ۱۱۴۳﴾ امام خمینی در کتاب شریف «تحریر الوسیله» در شرایط امام جماعت

می فرماید:

الاحوط اعتبار الاجتناب عن منافیات المروءة و ان كان الاقوی عدم اعتباره.

اولاً: آیا با نظر مبارك امام راحل موافق هستید و چنان چه نظر دیگری دارید آن را مرقوم فرمایید.

ثانیاً: مراد از مروّت به نظر حضرت عالی چیست؟

ج - اجتناب از منافیات مروّت در حسن ظاهر که کاشف از عدالت باشد معتبر است، و اما در حقیقت عدالت، معتبر نیست و منظور از منافیات مروّت آن کارهایی است که مرتکب آن‌ها نسبت به دین، بی‌مبالات شمرده می‌شود. ۸۲/۳/۲۸

﴿س ۱۱۴۴﴾ اگر امام جماعت و جمعه را قبول نداشتیم، آیا می‌توانیم به نماز جمعه و یا جماعت نرویم؟

ج - حضور در نماز جماعتی که انسان امام جماعتش را عادل نمی‌داند، درست نیست و در این جهت، فرقی بین نماز جمعه و بقیّه نمازهای واجب نیست؛ چون اگر بخواهد اقتدا بکند، که خلاف شرع و تشریح عملی است و اگر اقتدا نکند و مانند بقیّه نماز جماعت گزاران، خود را اقتدا کننده و نماز جماعت خوان نشان دهد، آن هم دروغ عملی و گناه است. آری، تقیّه‌ای که در نماز جماعت با برادران سنی وجود دارد، حسابش با نماز جماعت‌های شیعه که بدون تقیّه مذهبی است، جداست. ۷۸/۱۰/۲۳

﴿س ۱۱۴۵﴾ در صورتی که انسان از شخصی که عدالت برای او لازم و واجب است (امام جمعه، امام جماعت و...) دروغی یا کتمان حقیقتی را مشاهده کند و بر آن، یقین نماید، آیا حق دارد بنا به مصالح اجتماعی یا توصیه دیگران، بر آن شخص اقتدا نماید؟

ج - حق ندارد و در احکام اسلام نمی‌توان به امثال جهات ذکر شده در سؤال، تصرّف نمود و خدای مصلحت‌اندیش، وقتی عدالت را شرط دانسته، یعنی اقتدا به غیر عادل، مفسده دارد و نباید انجام گیرد و هیچ مصلحت‌اندیشی مجوّز آن نیست.

۷۹/۲/۲۴

﴿س ۱۱۴۶﴾ عده‌ای بدون مشورت با علمای شهر و بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای امام جماعت راتب را از مسجد بیرون کرده‌اند و بر خلاف میل مأمومین، امام جماعت

جدیدی را آورده‌اند و با این عمل خود، باعث تفرقه بین مأمومین و خلوت شدن مسجد شده‌اند. خواندن نماز جماعت با امام جدید که به عنوان تفسیق عملی امام قبل است، چه صورتی دارد؟ آیا با این وصف، ما مکلفیم در جماعات شرکت کنیم یا خیر؟

ج - اقتدا به افرادی که موجب هتک روحانیت و ضربه زدن به اجتماع مسلمین می‌شوند، غیر جایز است و نماز گزاردن با آنها باطل است و آنچه مرقوم شد، بیان حکم کلی مسئله است و از قضیه شخصی اطلاعی ندارم و هر کس باید به تکلیف و تشخیص خود عمل نماید.

﴿س ۱۱۴۷﴾ آیا می‌توان به کسی که به مسلمانی تهمت می‌زند، در نماز جماعت اقتدا کرد؟

ج - تهمت و افترا از معاصی کبیره است و موجب فسق و عدم عدالت است.

۷۷/۵/۲۵

﴿س ۱۱۴۸﴾ اگر اعمال خلاف قانون و مقررات و حتی خلاف شرع امام جماعت مشخص باشد، آیا می‌توان در نماز به او اقتدا کرد؟

ج - نمی‌توان اقتدا نمود، چون عدالت با انجام شدن خلاف شرع و خلاف مقررات، از بین می‌رود و باید از این‌گونه افراد که با لباس روحانیت گناه می‌کنند، فاصله گرفت.

۷۹/۱۱/۶

﴿س ۱۱۴۹﴾ اگر امام جماعتی طبق قوانین و مقررات مجرم شناخته شود و مجازات شود، در صورتی که اکثر مأمومین از موضوع فوق اطلاع داشته باشند، حکم اقتدا به ایشان چگونه است؟

ج - اگر ارتکاب جرمش محرز گردد به حکم آنکه تخلف از مقررات و قوانین که برای حفظ امنیت جامعه و رعایت مصالح جامعه قرار داده شده موجب خروج از عدالت است، گرچه گناه شرعی هم نباشد چه رسد به آنکه گناه شرعی هم باشد؛ و ناگفته نماند که احراز قانونی حجت شرعی بر ارتکاب نمی‌باشد چون ممکن است محکمه حکمش ناشی از اشتباه یا غیر آن باشد.

۸۴/۲/۵

﴿س ۱۱۵۰﴾ با توجه به این که حضرت عالی تراشیدن ریش را حرام نمی دانید، اگر کسی ریش خود را بتراشد، آیا می تواند امام جماعت راتب باشد؟

ج - چون عمل، ولو حرام نیست، اما خلاف مروّت است، مضرّ به عدالت است و نمی توان به کسی که اعمال خلاف مروّت و بزرگواری انجام می دهد، اقتدا نمود، گرچه گناه نکرده است. ۷۸/۱۲/۲۴

﴿س ۱۱۵۱﴾ اگر امام جماعت، در نماز با وسعت وقت، عمداً بعد از حمد هیچ سوره ای نخواند، آیا نماز باطل است؟

ج - خواندن سوره در نماز، واجب است و ترک عمدی آن، مُبطل نماز است.

۷۹/۱۰/۲۱

﴿س ۱۱۵۲﴾ اگر کسی بیماری دارد و بعد از ادرار، قطره های بول از او خارج می شود و حبس آن امکان ندارد و برای کیسه بستن هم عُسر و حَرَج دارد، برای نماز چه باید بکند؟ در فرض مسئله، آیا با بستن کیسه ای برای مدّت کوتاه (ده روز یا یک ماه)، آیا می تواند امام جماعت قرار گیرد؟

ج - کسی که به وظیفه خود نسبت به نجس شدن و خروج بول به طور قطره قطره عمل می نماید، می تواند امام جماعت شود و در صحّت امامت، صحّت نماز به حسب وظیفه خودش کفایت می کند. ۷۸/۲/۲۶

﴿س ۱۱۵۳﴾ گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت، در نماز، سوره سجده دار را می خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت، به سجده می روند و بر می خیزند. اگر کسی عمداً یا سهواً سجده را ترک کند، نمازش چه حکمی دارد؟ و اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفت و دوباره به قیام برگشت، تکلیف چیست؟

ج - تکلیف اولی، عمل بر وفق تقیّه است، اما با قطع نظر از آن، هرگاه نمازگزار آیه سجده دار را شنید، با اشاره با سر، سجده می نماید و بعد از نماز سجده درست انجام می دهد، اما ترک آن مضرّ به نماز نیست و تنها تخلف از وظیفه است؛ لیکن اضافه نمودن رکوع، مبطل نماز است، چون رکوع جزء ارکان نماز است و کم و زیاد کردن آن عمداً و سهواً، موجب بطلان است. ۷۵/۱۲/۸

﴿س ۱۱۵۴﴾ هرگاه برای تحبیب قلوب و وحدت مسلمین در نماز جماعت برادران اهل سنت شرکت کنیم که قهراً فاقد جزء یا شرط یا همراه با مانع باشد، با فرض این که اضطرار و ضرورتی نیست و می توان در مکان دیگر یا زمان دیگر، بدون هیچ اشکالی نماز به طریق شیعه خواند، آیا این نماز، صحیح است و نیازی به اعاده یا قضا ندارد؟ و همچنین در تقیّه در موضوعات مثل وقوف در عرفات در روزی که قاضی عامّه حکم کرده، با این که شک داریم یا یقین به خلاف داریم، آیا وقوف با برادران اهل سنت، مجزی است؟ و آیا شرکت در نماز جماعت اهل سنت، اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد یا در مورد مساجد دیگر هم جاری است؟

ج - تقیّه، همه جا موجب اجزاء است، و دائر مدار تنگی وقت نیست و نماز تقیّه‌ای در وسعت وقت هم صحیح است و فرقی هم بین جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی و مساجد دیگر مکه و مدینه نیست و حکم قضات عامّه نسبت به عرفه و عید، از باب تقیّه متّبع است، اگرچه یقین به خلاف هم باشد. ۷۶/۱۰/۱۴
﴿س ۱۱۵۵﴾ در صورت عدم زمینه تقیّه، اقتدا به ائمه جماعت اهل سنت، مجزی است یا خیر؟

ج - اگر زمینه تقیّه، هر چند مداراتی، فراهم نباشد، طبیعی است که اقتدا غیر جایز و نماز باطل است. ۷۷/۱/۱۷

﴿س ۱۱۵۶﴾ همان گونه که مستحضرید اقامه نماز جماعت در مراکز مختلف، مستلزم حضور امامان جماعت در آن مراکز می باشد. از همین رو این سؤال برای برخی از آحاد جامعه مطرح است که آیا اصولاً دریافت اجرت برای اقامه نماز جماعت صحیح است؟

ج - اخذ اجرت برای حضورش در محل معین و صدمه‌ای که برای رسیدن به آن محل بر او وارد می شود، قطعاً مانعی ندارد و اما گرفتن اجرت برای خود امامت و برای جماعت که امر عبادی می باشد، گرچه از باب داعی بر داعی می توان آن را تصحیح نمود، اما ترکش بهتر و نیکوتر است تا خدای ناخواسته خلاف احترام و بندگی به وجود نیاید. ۸۴/۲/۵

﴿س ۱۱۵۷﴾ هل يجوز لامام الجماعة أن يستلم راتب مقابل صلاته من قبيل دائرة الأوقاف التابعة للحكومة؟

ج - اخذ الراتب من الحكومة بما أنه يصير سبباً لضياع استقلال اهل العلم و ائمة الجماعات و الهدايه و صيرورتهم تدريجاً عمالاً للحكومة بدل كونهم عمالاً للاسلام غير جايز و حرام نعم فيما لم يكن الاخذ كذلك و يعلم قطعاً بعدم الأنجرار فالظاهر عدم البأس به.
۸۱/۱۱/۳۰

امامت جانبازان و معلولان

﴿س ۱۱۵۸﴾ آیا اقتدا کردن به امام جماعتی که در ناحیه کمرش خمیدگی دارد، جایز است؟ آیا می توان به وی اقتدا کرد یا خیر؟

ج - مانعی ندارد و جایز است.
۷۳/۱۰/۲

﴿س ۱۱۵۹﴾ کسی مادر زاد، هر دو پایش به داخل خم شده، به طوری که در حال سجده، هیچ کدام از انگشتان پاهایش به زمین نمی رسد، بلکه روی پاها به زمین می آید و در راه رفتن هم روی پا به زمین می آید و راه می رود. به علاوه، در حال قیام هم بدنش استقرار ندارد و حرکت می کند و بدون تکیه به دیوار یا عصا نمی تواند ایستاده نماز بخواند. آیا این شخص، می تواند امام جماعت شود و مردم به او اقتدا کنند یا خیر؟

ج - صحّت اعضا و عدم نقص، شرط امامت و جماعت نیست؛ لیکن باید امام جماعت بتواند ایستاده نماز بخواند، چون امامت کسی که نشسته نماز می خواند، برای کسی که ایستاده می خواند، جایز نیست.
۷۸/۱۲/۳

﴿س ۱۱۶۰﴾ آیا کسی که در نماز باید به چیزی تکیه کند، می تواند برای دیگران امام جماعت شود یا خیر؟

ج - مانعی ندارد، چون ایستادن، صدق می کند.
۷۴/۱۱/۱۵

﴿س ۱۱۶۱﴾ اقتدا به کسی که در حال قرائت نماز، به عصا تکیه می کند، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد و همین که ایستاده می خواند، ولو با تکیه بر عصا، اقتدا به او جایز است.
۷۹/۹/۳۰

﴿س ۱۱۶۲﴾ اشخاصی که نقص عضوی در یکی از اعضا (دست یا پا) دارند، به نحوی که قادرند ایستاده نماز بخوانند، آیا می‌توانند امام جماعت شوند یا خیر؟

ج - ظاهراً جایز است و اقتدا به آنان، مانند اقتدا به بقیه افرادی است که واجد شرایط امامت در نمازند، چون نماز امام، بر حسب وظیفه خودش صحیح است و صحت برای او به طور کلی در اقتدا، و صحت جماعت کافی است.

﴿س ۱۱۶۳﴾ روحانی جانبازی که یک پایش از زیر زانو قطع شده است و الآن با پای مصنوعی به طور معمول، نماز می‌خواند. آیا امامت جماعت، خواندن نماز استیجاری و نیابت در حج، تبرّعاً یا به صورت اجیر شدن، توسط چنین شخصی جایز است یا خیر؟

ج - همه آنها جایز است و مانعی ندارد، آری، اگر نداشتن پا سبب گردد که نمازش را نشسته بخواند، امامت او و نماز استیجاری برایش جایز نمی‌باشد و در نماز طواف حج هم اگر نشسته می‌خواند احتیاط کند و نایب بگیرد تا او نماز طواف را بخواند.

﴿س ۱۱۶۴﴾ جانباز قطع عضوی که امام جماعت است، آیا لازم است که وضعیت

جانبازی خود را به مأمومین اطلاع دهد؟

ج - چون صحت نماز امام برای خودش و بر حسب تقلیدش مفروض است و اعلام موضوع هم لازم نیست، بنابراین، الزامی به بیان وضع و حال خود ندارد و مأمومین هم اگر بعداً فهمیدند، اعاده لازم نیست.

﴿س ۱۱۶۵﴾ این جانب طلبه جانباز هستم و دست چپم از مرفق به پایین، قطع شده

است. آیا می‌توانم امام جماعت شوم یا خیر؟

ج - آری، می‌توانید و نباید خود و دیگران را از فیض جماعت محروم سازید، در مسئله ۲۰ از کتاب عروة (صلاة الجماعة) آمده است که اولی، ترک امامت ناقص برای کامل، و کامل برای اکمل است؛ ولی این اولویت، یک نوع اولویت عقلایی اعتباری است که با فرض نیاز جامعه و اثر داشتن امامت جماعت در تبلیغ، ساقط است، اگر نگوئیم که در شرایط خاص فعلی و در زمان نیاز شدید به فرهنگ غنی اسلام و ارزش‌های اسلامی، اولی، اقدام به امامت جماعت است.

﴿س ۱۱۶۶﴾ آیا اقتدا به امام جماعتی که کفش طَبّی پوشیده، جایز است یا خیر؟ آیا آن شخص می‌تواند عهده دار امامت جماعت شود؟

ج - امام جماعت شدن کسی که کفش طَبّی دارد، با رعایت سایر شرایط، مانعی ندارد و اقتدا به او جایز است.

۷۴/۱۱/۱۵

﴿س ۱۱۶۷﴾ نقل شده که طبق فتوای حضرت عالی اقامه جماعت اشخاص جانباز، اشکال ندارد. آیا این فتوا شامل معلولان مادرزاد هم می‌شود یا خیر؟

ج - بین معلولان محترم مادرزاد و جانبازان عزیز جنگ، از جهت صحت امامت برای نماز جمعه و جماعت، با فرض اینکه بتوانند ایستاده نماز بخوانند (تا مصداق امامت قاعد برای قائم نباشد)، فرقی نیست و اقتدا به هر دو دسته، صحیح و جایز است.

۷۴/۱۱/۲۱

امامت غیر روحانی

﴿س ۱۱۶۸﴾ در برخی از اجتماعات کوچک، شرایط اقامه نماز جماعت فراهم می‌شود، ولی در آن اجتماع فرد روحانی وجود ندارد. اگر فرد عادل غیر روحانی در آنجا باشد، آیا می‌توانند به او اقتدا کنند یا بهتر است نماز را فرادا بخوانند؟

ج - خواندن فرادا، بدون شبهه است.

۷۵/۲/۱۲

﴿س ۱۱۶۹﴾ امامت غیر روحانی در مساجد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر به صورت امامت راتب باشد (یعنی امام جماعت رسمی مسجد باشد)، ممنوع است و نباید چنین جماعتی تحقق پیدا کند؛ اما اگر با اجازه امام راتب روحانی مسجد، به طور موقت و مقطعی باشد، مانعی ندارد.

۷۵/۹/۴

﴿س ۱۱۷۰﴾ در صورتی که در بعضی از مساجد، روحانی اقامه جماعت می‌کند آیا اقتدا به امام غیر روحانی (شخصی) در بعضی از مساجد یا مکان‌های دیگر شهر اشکال دارد؟ البته در حالی که امامت فرد شخصی اصلاً باعث وهن و زیر سؤال رفتن و هتک حرمت روحانیت نشود؟

ج - در مفروض سؤال اگر به صورت امام راتب نباشد بلکه به صورت موقت و یکی چند روز باشد، مانعی ندارد.

۸۲/۲/۷

اختلاف وظیفه امام و مأموم

﴿س ۱۱۷۱﴾ امام جماعت، مقلد مجتهدی است که غسل جمعه را از جنابت مجزی می‌داند، آیا دیگران که مجزی نمی‌دانند، اجتهاداً یا تقلیداً، می‌توانند به او اقتدا کنند؟
ج - جایز است، چون نماز امام به عقیده خودش صحیح است و صحت در نظر او برای اقتدا، کافی است، هر چند مقلد حجت بر خلاف آن داشته باشد.

﴿س ۱۱۷۲﴾ افرادی مدت طولانی نماز جماعتی خوانده‌اند که از نظر حضرت عالی صحیح نیست. مثلاً امام و مأموم، هر دو، کثیرالسفر بوده‌اند، ولی یکی کامل و دیگری شکسته خوانده است (چون هر کدام از مرجع تقلید جداگانه‌ای تقلید می‌کنند)، عدم صحت نماز جماعتی که این‌گونه برگزار می‌گردد، به چه معناست؟ آیا به معنای بطلان و عدم کفایت است؟ آیا باید نمازهای گذشته قضا شود یا خیر؟

ج - نمازشان، صحیح است، چون در اقتدا و جماعت، صحت نماز امام بر حسب وظیفه‌اش، کفایت می‌کند، و اگر وظیفه مأموم، خواندن حمد و سوره بوده و خوانده، اگر جاهل مقصر نباشد که معمولاً هم نیست، نمازش صحیح است. ۷۵/۶/۳

نماز جمعه

﴿س ۱۱۷۳﴾ آیا در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام نماز جمعه واجب است یا مستحب؟
ج - در زمان غیبت ولی عصر (عج)، «نماز جمعه» با وجود همه شرایطش، واجب تخییری است؛ ولی احتیاط در خواندن نماز ظهر است. ۷۵/۱۰/۲۹

﴿س ۱۱۷۴﴾ نماز جمعه در زمان غیبت کبرای امام عصر (عج) چه حکمی دارد؟ و کسانی که قربه‌الی الله و به قصد این که فرمان خدا را به جا آورند، شرکت می‌کنند، آیا ثواب حج فقیران برای آخرت آن‌ها نوشته می‌شود یا خیر؟

ج - واجب تخییری است، اما باید توجه داشت که نماز جمعه، برای خدمت به اسلام و مسلمین و مرکز تقوا و هدایت به تقواست و هرگاه نماز جمعه‌ای، نعوذ بالله، محل غیبت و بدگویی پشت سر افراد شود و یا از اجتماع آن برای کوبیدن افراد و یا اصولاً جناحی و خطی غیر از خط اسلام و حاکمیت مردم، یعنی جمهوری اسلامی سوء استفاده شود، نباید در آن نماز جمعه شرکت نمود، و اگر نگوییم که

از باب تقویت ظلم و اعانه بر اثم حرام است، که هست، قطعاً انتخاب نماز ظهر که آن هم واجب تخییری است، متعین است و باید در آن صورت، نماز ظهر را تنها خواند و در چنان نماز جمعه‌ای شرکت نکرد تا برائت ذمه قطعی حاصل شود و خدای ناخواسته، گرفتار معصیت و تزییع حقوق افراد و جامعه نشود. ۷۹/۶/۴

﴿س ۱۱۷۵﴾ در حدیثی آمده است که اگر مسلمانی سه هفته پشت سر هم به نماز جمعه نرود، منافق است؛ ولی مراجع حضور در نماز جمعه را واجب نمی‌دانند. لطفاً تکلیف این امر را روشن کنید.

ج - نرفتن به نماز در زمان غیبت ولی عصر (عج)، مشمول حدیث نیست. ۷۹/۷/۱۷

﴿س ۱۱۷۶﴾ فضیلت و زمان نماز جمعه، تا چه وقت از روز است؟

ج - نماز جمعه یک وقت بیشتر ندارد، و مثل نماز ظهر که دو وقت دارد، وقت اجزاء و وقت فضیلت، نیست. ۷۶/۳/۶

﴿س ۱۱۷۷﴾ در برخی از شهرها موقع اذان ظهر روز جمعه، با اینکه هنوز نماز جمعه اقامه نشده، در برخی مساجد نماز جماعت برپا می‌شود، اگر شخصی بنا بر عذر موجهی، نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، آیا می‌تواند در این جماعت‌ها حاضر شود؟ یا اینکه باید صبر کند تا پس از وقت نماز جمعه (یا به صورت فرادا یا به جماعت) نماز ظهر و عصر را بخواند؟

ج - با فرض مرسوم بودن و عدم قصد بی‌احترامی به نماز جمعه، نمی‌توان گفت که مانعی دارد. ۷۵/۶/۱۲

﴿س ۱۱۷۸﴾ آیا می‌توان در هنگام ایراد خطبه‌های نماز جمعه، نماز ظهر و عصر را به فرادا خواند؟

ج - احتیاط در ترک آن است؛ بلکه اگر خواندن نماز، مانع از استماع خطبه‌ها که واجب است، بشود، قطعاً حرام است. آری، اگر خواندن نماز ظهر و عصر در غیر محل نماز جمعه مقارن ایراد خطبه‌ها باشد، به خاطر وجوب تخییری نماز جمعه، صحیح است. ۷۷/۵/۲۵

﴿س ۱۱۷۹﴾ آیا می‌توان نماز ظهر را به نماز جمعه اقتدا کرد یا خیر؟

ج - آری، جایز است، چون واجب تخییری است.

﴿س ۱۱۸۰﴾ اقامه نماز در کشورهای اسلامی که امام جمعه از طرف ولی فقیه منصوب نشده، مجزی است یا خیر؟

ج - کفایت می نماید و مجزی است و در زمان غیبت نصب، شرطیت و موضوعیت ندارد.
۷۷/۷/۲۵

﴿س ۱۱۸۱﴾ با توجه به شرایط امروزی جامعه اسلامی، آیا به صرف اینکه فردی با تحقیق از منابع موثق، امام جمعه شهری را عادل نداند، آیا می تواند در نماز جمعه شرکت نکند؟ یا اینکه به خاطر اهمیت نماز جمعه، باید شرکت کند؟

ج - در نماز جمعه، جماعت شرط است و در جماعت، باید امام جماعت عادل باشد.
۷۵/۲/۱۲

﴿س ۱۱۸۲﴾ اگر امام جمعه ای - نعوذ بالله - از عدالت ساقط شود، آیا می توان به او اقتدا نمود یا خیر؟ همچنین نرفتن به نماز جمعه سه هفته پی در پی با این عذر، آیا نفاق می آورد یا خیر؟ اصلاً حدیث مورد نظر مربوط به زمان امام معصوم علیه السلام است یا در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام هم معتبر است؟

ج - نمی توان اقتدا کرد، لیکن در عدالت نباید وسوسه کرد و ظاهر امر، کافی است؛ و حدیث شریف ظاهراً مربوط به زمان حضور امام معصوم علیه السلام است.
۷۵/۲/۱

﴿س ۱۱۸۳﴾ اگر امام و مأموم بخواهند پس از نماز جمعه، نماز ظهر را احتیاطاً به جا آورند، می توانند آن را به جماعت برگزار نمایند یا خیر؟ اگر می توانند، آیا مأمومی که در نماز جمعه شرکت نکرده، می تواند به نماز احتیاطی اقتدا کند یا خیر؟

ج - افرادی که مانند خود امام می خواهند همان نماز ظهر را با احتیاط بخوانند، می توانند اقتدا کنند؛ ولی افرادی که در نماز جمعه شرکت نکرده اند، نمی توانند به نماز ظهری که از روی احتیاط آورده می شود، اقتدا کنند.
۷۶/۶/۱۲

﴿س ۱۱۸۴﴾ مسافة الفرسخ المعتبرة بین الجمعین، هل تكون بلحاظ الطرق المسلوكة أم تكون بلحاظ الخطّ المستقیم الفرضی؟ و کیف یستفاد ذلك من الأدلة؟

ج - مسافة الفرسخ المعتبرة بین الجمعین إنما هی بالنظر إلى الطريق المسلوک، لأنّ الموضوعات و العناوین ظاهرة فی الفعلیة.
۷۳/۹/۲

﴿س ۱۱۸۵﴾ در نماز جمعه، امام، سهواً در رکعت دوم دورکوع به جای آورد و مأموم بدون توجه، متابعت کرد و رکوع اضافه به جا آورد و بعد از نماز متوجه شد. آیا این نماز را می‌تواند به جای نماز ظهر حساب کند یا خیر؟

ج - نماز جمعه‌اش باطل است و به جای ظهر محسوب نمی‌شود، و مشمول ادلة اغتفار در جماعت بودن مثل این مورد، بعید و محل تأمل است. ۷۳/۱۰/۲۹

﴿س ۱۱۸۶﴾ کسی که نماز جمعه نخوانده، می‌خواهد نماز ظهر بخواند. آیا قرائت را باید جهر (بلند) بخواند یا اخفات (آهسته)؟ آیا اصلاً جهر، جایز است یا خیر؟

ج - جهر در قرائت نماز ظهر روز جمعه، نه تنها جایز، بلکه علی‌الاقوی مستحب است. ۷۵/۱۰/۵

﴿س ۱۱۸۷﴾ اینکه بعد از نماز جمعه، نماز ظهر خوانده می‌شود، با چه نیتی است؟ به قصد احتیاط مستحب یا احتیاط مطلق؟

ج - اگر به قصد رجا و احتیاط مستحبی، بعد از نماز جمعه به جا آورده شود، مانعی ندارد. ۶۹/۹/۵

﴿س ۱۱۸۸﴾ نقل شده که در نماز جمعه، انسان حتماً باید قبل از رکوع اقتدا کند و در حال رکوع نمی‌تواند مثل سایر نمازها اقتدا کند، آیا این مسئله درست است؟

ج - نماز جمعه، در این گونه احکام مثل نمازهای یومیّه است، لذا در حال رکوع هم می‌توان اقتدا کرد. ۶۹/۹/۵

﴿س ۱۱۸۹﴾ اگر انسان در نماز جمعه موفق به درک خطبه‌ها نشده باشد، آیا از نماز ظهر کفایت می‌کند؟

ج - آری، کفایت می‌کند. ۷۳/۱۱/۱۹

﴿س ۱۱۹۰﴾ آیا نرسیدن به خطبه‌های نماز جمعه، اشکال دارد یا خیر؟

ج - باید سعی کنند به خطبه‌ها برسند و اگر نرسیدند و به نماز برسند، نماز صحیح است.

﴿س ۱۱۹۱﴾ اگر کسی تمامی خطبه‌های عیدین و نماز جمعه را گوش نکند (یعنی مثلاً وسط خطبه برسد یا اینکه صحبت کند به طوری که خطبه‌ها را آن طوری که باید

بفهمد، متوجه نشود)، آیا نماز جمعه کفایت از نماز ظهر می‌کند؟ آیا نماز عیدین وی صحیح است یا خیر؟

ج - نماز جمعه و عیدین صحیح‌اند، و نماز جمعه، کفایت از ظهر می‌کند.

﴿س ۱۱۹۲﴾ در وقت خطبه‌های نماز جمعه، اگر شخصی در منزل نماز ظهرش را بخواند، آیا باطل است؟
ج - مانعی ندارد.

۷۴/۱/۱۸

نماز آیات

﴿س ۱۱۹۳﴾ در زمان‌های گذشته علل بسیاری از رویدادهای طبیعی مشخص نبود و مردم در اثر وقوع حادثه‌ای، به وحشت افتاده، آن را به علت‌های واهی و خرافی نسبت می‌دادند. حال آیا می‌توان دلیل وجوب نماز آیات را در مسئله خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی همین ترس مردم از حوادث طبیعی که علت آن را نمی‌دانستند، دانست، که در آن صورت به دستور پیامبر ﷺ برای اینکه مردم در چنین حالی، ترس خود را با یاد خداوند تسکین دهند، چنین نمازی واجب شد؟ اگر چنین باشد، آیا امروزه این دستور، لغو نمی‌شود؟ در آن صورت، آیا می‌توان حکم نمود که نماز آیات امروزه واجب نیست؟

ج - قطعاً در ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی، مسئله ترس دخالت نداشته و ظاهراً مسئله نسبت به ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی، پرستش و اعتقاد غلط آن‌ها بوده و یک نوع پرستش و سنت نابجا وجود داشته و با اعتقادات غلط و با سنت‌های نابجا همیشه باید مبارزه نمود و خداپرستی را در مقابل دیگر پرستی به یاد آورد. از آن گذشته، هنوز مسائل اسرارآمیز کره خاکی برای بشر حل نشده و هنوز بشر برای گذراندن قانون، صدها فکر و فلسفه و علت را به کار می‌برد، و با گذشت مدت کوتاه، از آن برمی‌گردد. بنابراین، چگونه می‌توان به علل قوانین خدا به طور کلی راه یافت، با توجه به اینکه آن قوانین، شاید به همه جهان هستی مرتبط باشد. و آنچه گفته و شنیده می‌شود از علل احکام مأخوذ و گرفته شده از کتاب و سنت

و یا عقل، ناقص است و یکی از هزاران فلسفه و رمز آفرینش است. آری، آنچه را از کتاب و سنت بیابیم و به زمان و مکان و مسائل آن عارف باشیم، تا لوابس و اشتباهات هجمه نکند (العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس)، حجّت شرعی است و با جهان تکوین هم مطابق است، و عقل ما به بعضی از آن‌ها دسترسی دارد، و به برخی هم نه، همچنین عقل ما هیچ‌گاه نمی‌تواند باور کند که نبی مکرم اسلام ﷺ و یا عترت و ائمه معصومین علیهم‌السلام اشتباه کرده‌اند، و حال آنکه نسبت دانستنی‌های بشر به مجهولاتش، همچون قطره‌ای و سر سوزنی بلکه کمتر، نسبت به اقیانوس بزرگی است.

﴿س ۱۱۹۴﴾ کسی بر حسب قرائن و اخبار منجمین، یقین دارد که امشب مثلاً ماه می‌گیرد (به صورت قرص کامل)، آیا واجب است بیدار بماند تا نماز آیاتش قضا نشود یا می‌تواند بخوابد؟

ج - سزاوار است که اگر برای او مشقّتی ندارد نخوابد، لیکن اگر خوابید، ظاهراً معصیت نکرده است.

﴿س ۱۱۹۵﴾ آیا خواندن نماز آیات برای رعد و برق، واجب است؟ آیا می‌توان نماز آیات را به جماعت خواند؟

ج - رعد و برق و هر آیت از آیات آسمانی و زمینی که موجب خوف و ترس در جامعه شود، سبب وجوب نماز آیات است؛ و نماز آیات را می‌توان با جماعت خواند.

﴿س ۱۱۹۶﴾ آیا پس لرزه‌های بعد از زلزله، سبب واجب شدن نماز آیات می‌شوند یا خیر؟ و آیا شدت و ضعف آن‌ها تأثیری در حکم دارد؟

ج - اگر زلزله، عرفاً مستقل حساب نشود، نماز آیات ندارد؛ اما اگر مستقل حساب شود و فاصله آن‌ها کم باشد که گفته شود مرتّب زلزله می‌شود، هرچند احتیاط در خواندن نماز آیات برای هر یک است، اما عدم وجوب آن به خاطر قصور ادلّه نماز زلزله و حرّج نوعی و شخصی، خالی از وجه، بلکه قوّت نیست و یک نماز برای اوّلی آن، کافی است.

﴿س ۱۱۹۷﴾ مسافرانی در هواپیما و در حال عبور از فضای منطقه‌ای هستند و در آن ساعت، در آن منطقه زلزله رخ می‌دهد و بعد از رسیدن به مقصد، متوجه می‌شوند که در آن ساعت و در آن منطقه زلزله رخ داده است. آیا نماز آیات بر آنها واجب است یا خیر؟
ج - نماز آیات بر آنها واجب نیست.
۷۹/۷/۹

﴿س ۱۱۹۸﴾ در نماز آیات، قرائت را باید بلند خواند یا آهسته؟
ج - حکم تخییر است.
۷۶/۸/۱۸

احکام روزه

رؤیت هلال

﴿س ۱۱۹۹﴾ از آن جاکه در حال حاضر با استفاده از فرمول‌های محاسبات علم هیئت و نجوم، می‌توان با دقتی در حد یک صدم ثانیه، زمان وقوع قران نیرین (هم راستا شدن ماه و خورشید از دید ناظر زمینی) را محاسبه نمود، چنانچه برای ما اثبات شود که حلول ماه جدید اتفاق افتاده است، آیا این اطمینان، برای انجام دادن تکالیف شرعی، حجیت دارد یا خیر؟ و آیا رؤیت هلال اول ماه، تنها وسیله‌ای برای اثبات حلول ماه نو است یا این‌که خود هلال ماه و رؤیت آن، موضوعیت دارد؟

ج - آنچه معتبر است، تحقّق حلول در هر ماه است که سبب اهله است و این تحقّق باید محرز شود؛ چه با حجّت شرعی که عبارت از شهادت عدلین است به رؤیت، تا شهادت آن‌ها، شهادت عن حس باشد نه عن حدس (چون شهادت عن حدس در ثبوت هلال، به خصوص، هر چند یقینی و نزدیک به حس هم باشد، حجّت نیست) و چه با علم و یقین، هرچند از راه‌ها و محاسبه‌های علمی باشد؛ و آنچه منشأ اشکال و سبب عدم حجّت قول منجمان است، عدم حصول علم از گفته آن‌هاست، نه آن‌که برای رؤیت، موضوعیت باشد. لذا ظنّ حاصل از قول آن‌ها و یا از راه مثل بالا بودن ماه که نشانه ظنی بر دوم بودن آن است، برای کسانی که از تحصیل علم و حجّت شرعی ناتوان‌اند، مانند اسیر و محبوس، معتبر است و کفایت می‌کند، با این‌که رؤیت هلال، محقّق نشده و ظنّ و گمان، متعلّق به حلول ماه جدید است نه رؤیت آن، کما این‌که گذشتن سی روز تمام از

ماه قبل هم یکی از طرق شرعی برای ثبوت اول ماه بعدی است؛ با این‌که رؤیت هلال هم در کار نیست.

۷۶/۱۰/۱۶

﴿س ۱۲۰۰﴾ آیا دیدن ماه با ابزار و وسایل و چشم مسلح و یا با محاسبات علمی که توسط منجمین انجام می‌شود، حجّت شرعی برای اثبات اول ماه می‌باشد؟

ج - اول ماه با رؤیت خود انسان، با چشم غیر مسلح و یا مسلح، همانند دوربین‌های دوچشمی متعارف و یا شهادت دو عادل به رؤیت هلال (در صورتی که در صفات هلال متفق باشند) و یا آنکه یقین و اطمینان به رؤیت دیگران حاصل شود، ثابت می‌شود. و ناگفته نماند که اگر با محاسبات علمی دقیق، کسی اطمینان پیدا کند که ماه قابل رؤیت می‌باشد لیکن مثل غبار و ابر و غیر آنها مانع رؤیت شده باشند باید به اطمینانش عمل کند و در حکم رؤیت هلال است.

۸۶/۶/۲۰

﴿س ۱۲۰۱﴾ چنانچه برای ماه به طور قطع و یقین (از طریق محاسبه) مشخص شود که در روز بیست و نهم ماه قمری، هلال ماه در زمان غروب خورشید، زیر افق بوده و قابل رؤیت نیست، اگر تعدادی شهود عادل بر اثر خطای چشم شهادت بر رؤیت هلال دهند، آیا این شهادت می‌تواند حجیت شرعی داشته باشد یا می‌باید شهادت شهود با اطلاعات به دست آمده از محاسبه تطابق داشته باشد؟

ج - شهادت به رؤیت برای کسانی که اطمینان و یا علم به خطای شاهد دارند، حجّت نیست؛ بلکه با ظنّ شخصی به خطا هم احتیاط در ترک عمل به آن است.

۷۶/۱۰/۱۶

﴿س ۱۲۰۲﴾ آیا اخبار مربوط به رؤیت هلال از سوی مراکز خبری و صدا و سیمای کشورهای اسلامی غیر از ایران، حجّت است؟

ج - معیار، اطمینان و وثوق است، که در موضوعات از هر راهی حاصل شود، حجّت است.

۷۷/۱/۱۷

﴿س ۱۲۰۳﴾ افرادی که برای کار به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌روند، اگر در اواخر ماه مبارک رمضان به آن جا سفر نمایند، با توجه به این‌که روزه را یک روز دیرتر از آن جا شروع کرده‌اند، تکلیف اتمام روزه آنان باید بر مبنای کدام محل باشد؟

۷۶/۱۰/۱۳

ج - مبنای محلّی است که هلال، رؤیت می‌شود.

﴿س ۱۲۰۴﴾ اگر شخصی که از حضرت عالی تقلید می‌کند، روز اول ماه مبارک رمضان را طبق حکم حاکم شرع، روزه نگرفته باشد، آیا باید روزه آن روز را قضا کند یا خیر؟

ج - حکم حاکم^۱ در مورد هلال ماه، نفوذ ندارد و قضا و عدم آن، منوط به یقین مکلف نسبت به اول ماه یا آخر ماه است.
۷۷/۱۰/۹

﴿س ۱۲۰۵﴾ ۱. اگر برای بعضی از مراجع تقلید، اول شوال ثابت شود و عید فطر را اعلام نمایند ولی حاکم شرع (ولی فقیه جامع‌الشرایط) اول ماه را اعلام نکند وظیفه مقلد چیست؟

۲. آیا اعلام عید فطر مخصوص حاکم شرع (ولی جامع‌الشرایط) است یا مراجع تقلید نیز می‌توانند اعلام فطر نمایند؟

۳. به نظر مبارک شما، شبی که در آن ماه و صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) دلیل و ملاک شرعی برای ثابت شدن اول ماه قمری می‌باشد تا از این راه وضعیت یوم‌الشک معلوم شود؟

ج ۱ و ۲ و ۳ - ثبوت عید فطر یا اول رمضان و امثال اینها تابع نظر خود مکلف و یقین به رؤیت - یا رؤیت خودش یا شهادت دو نفر از افراد مورد وثوق به رؤیت - می‌باشد و به نظر این جانب مسأله رؤیت هلال و ثبوت آن، ارتباطی به حکومت و حاکم و دولت فی حد نفسه ندارد.

﴿س ۱۲۰۶﴾ در صورت رؤیت هلال در ایران و حکم حاکم شرعی به ثبوت رؤیت هلال و اعلام عید در سراسر ایران، با در نظر داشتن این که چه بسا هلال در مناطق غربی ایران رؤیت می‌شود، آیا ما می‌توانیم طبق همین حکم حاکم، در افغانستان، حکم به ثبوت اول ماه شوال نماییم؟

ج - گرچه حکم حاکم نسبت به اول ماه و هلال، نفوذ ندارد، لیکن حسب مبنای اخیر این جانب رؤیت هلال در هر مملکت برای مملکت دیگر که در شب مشترک باشند اگر چه اشتراکشان در شب، در همه شب نباشد و در مقدار کمی مشترک باشند، کفایت می‌کند.
۸۷/۴/۱

۱. کسی که از قبل حکومت شرعی منصوب شده است.

﴿س ۱۲۰۷﴾ در ماه مبارک رمضان سال قبل، روز به اصطلاح پیشواز را به عنوان روزه قضا روزه گرفته بودم، ولی بعداً ماه مبارک رمضان، بیست و نه روز اعلام شد و گویا روز پیشواز هم جزو آن قرار گرفته بود. تکلیف چیست؟

ج - مانعی ندارد و اگر رمضان بوده، جزو روزه محسوب می شود. ۷۶/۱۰/۶

﴿س ۱۲۰۸﴾ در برخی از مناطق کره زمین شرایط جغرافیایی طوری است که ماه تاشب ۱۴ دیده نمی شود؛ در این مناطق در چه موقعی ماه مبارک رمضان شروع و تمام می شود؟

ج - باید معیار را رؤیت هلال نزدیک ترین نقطه به آن جا قرار داد. ۸۳/۱۲/۲۰

نیت

﴿س ۱۲۰۹﴾ نیت روزه ماه مبارک رمضان چگونه است؟

ج - همین مقدار که می داند فردا ماه رمضان است، و می خواهد برای خداوند قربةً الی

الله روزه بگیرد، کافی است. ۷۶/۲/۶

﴿س ۱۲۱۰﴾ اگر کسی اول ماه مبارک رمضان نیت کند، آیا لازم است که برای هر روز،

هنگام سحر هم نیت کند؟

ج - انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند، و بهتر

است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید. ۷۵/۱۲/۱۹

﴿س ۱۲۱۱﴾ شخصی یادش نیست که نیت روزه کرده یا نه و روزه اش را با شک و تردید

در صحت و عدم صحت کامل کرده، آیا این روزه صحیح است یا خیر؟

ج - همین که سحری خورده و می خواسته روزه بگیرد، نیت روزه است، چون لزومی

ندارد که نیت به زبان جاری شود یا از قلب گذرانده شود. ۷۵/۱۰/۴

﴿س ۱۲۱۲﴾ این جانب مقدار چربی خونم بالاست و روزه برایم مفید است، لذا علاوه بر

روزه ماه مبارک رمضان، روزه مستحبی نیز می گیرم. بفرمایید کسی که روزه برای سلامتی او

مفید است، اگر روزه مستحبی بگیرد، آیا ثواب اخروی دارد؟ چگونه باید نیت کند؟

ج - این گونه اغراض مضرّ به قصد قربت معتبره در صحت عبادت نیست، بلکه معلوم

نیست که حتی به قصد اخلاص هم مضرّ باشد، گرچه مضرّ بودنش موجب بطلان

نیست، و چگونه می‌تواند مضرّ به اخلاص در قصد باشد با اینکه همان سلامتی را هم از جانب خداوند می‌داند، و فکر می‌کند او که مسبّب الأسباب است، این آثار را در روزه قرار داده است. ۷۴/۱۱/۲۳

چیزهایی که روزه را باطل می‌کند

﴿س ۱۲۱۳﴾ در آستانه ماه شریف و مبارک رمضان و با توجه به توسعه شهر ما و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر، خواهشمند است نظر شریف خود را در مورد زمان امساک برای روزه و اقامه نماز صبح بیان فرمایید.

ج - معیار در اذان صبح، طلوع فجر صادق است و در مغرب، همان غروب عرفی است که استتار قرص می‌باشد و در تحقق مغرب احتیاج به برطرف شدن سرخی طرف مشرق (حمره مشرقیه) نیست و هرگاه اطمینان به آن‌ها حاصل شود، ولو از اذان مؤذنان، کفایت می‌کند، کما این‌که از هر راه دیگر اطمینان حاصل شود، کافی است و با فرض عدم اطمینان، نماز صبح و مغرب را باید تا حصول اطمینان، تأخیر انداخت؛ و اما نسبت به روزه، افطار قبل از اطمینان به وقت مغرب، حرام است و موجب کفاره و قضاست و نسبت به طلوع صبح، احتیاط در نخوردن، با شک در طلوع صبح، مطلوب است. ۷۷/۱۰/۶

﴿س ۱۲۱۴﴾ در باب مفطرات ماه رمضان، اگر کسی باکتابت، کذبی را به ائمه و یا انبیا علیهم‌السلام نسبت دهد، آیا از مفطرات است؟

ج - مبطل است و حکم لفظ را دارد. ۷۷/۶/۳

﴿س ۱۲۱۵﴾ آیا شخص روزه‌دار می‌تواند در موقع اذان مغرب، در وسط اذان افطار کند؟ یا در میان اذان صبح چیزی بخورد یا بیاشامد؟

ج - اذان، وسیله اطمینان به صبح و مغرب است. بنابراین، به محض شروع، احکام مغرب و صبح، بار می‌شود. آری، اگر از اول اذان اطمینان ندارد، باید تا حصول اطمینان، صبر کند، چه وسط اذان اطمینان حاصل شود و چه آخر آن. ۷۸/۱۱/۵

﴿س ۱۲۱۶﴾ اگر در کشوری برای افطار روزه، اذان یک شهر بزرگ آن کشور را ملاک قرار دهند و از صدا و سیمایش پخش کنند، آیا برای همه کسانی که آن اذان را می‌شنوند، جایز است افطار نمایند؟

ج - هر کسی مکلف است که وقت را خود، آن هم نسبت به شهر خودش تشخیص دهد. آری، اطمینان به دخول وقت، ولو از اذان دیگری حاصل شود، کفایت می‌کند.
۷۸/۱۰/۱۳

﴿س ۱۲۱۷﴾ آیا در ماه مبارک رمضان، می‌توان به ساعاتی که برای افق صبح، از طرف بعضی مراکز برای اصفهان اعلام می‌شود، یا به تقویم‌های نوشته شده، عمل کرد؟

ج - رعایت احتیاط در روزه نسبت به سپیده صبح، مطلوب است، یعنی تا اطمینان به طلوع فجر پیدا نشده، هر چند خوردن و آشامیدن جایز است، لیکن احتیاط کردن در امساک در زمان شک، نیکوست؛ اما نسبت به مغرب، تا اطمینان به دخول وقت پیدا نکرده، باید امساک کند و خوردن و آشامیدن باشک در دخول وقت، افطار عمدی است و نسبت به نماز هم اطمینان به دخول وقت لازم است و تقویم یا غیر آن، حکمش تابع حصول اطمینان مکلف است.
۷۴/۲/۳۰

﴿س ۱۲۱۸﴾ اگر شخصی در ماه مبارک رمضان از خواب بیدار شود و غذا بخورد، سپس متوجه شود که از وقت اذان صبح گذشته است، آیا روزه این فرد صحیح است؟

ج - چنانچه در ماه رمضان، بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد و بعد معلوم شود که صبح بوده؛ و نیز اگر بعد از تحقیق، با اینکه گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می‌کند؛ انجام دهد و بعد معلوم شود که صبح بوده، قضای آن روزه بر او واجب است؛ ولی اگر بعد از تحقیق با نگاه کردن، گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود که صبح بوده، قضا واجب نیست؛ بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد، بعد معلوم شود که صبح بوده، قضا واجب نیست، و اما اگر تحقیقش از راه دیگری بوده، باید روزه آن روز را قضا نماید.
۷۶/۱۱/۱۷

﴿س ۱۲۱۹﴾ قصد مُفطر، روزه را باطل می‌کند یا خیر؟

۷۹/۳/۱۶

ج - قصد مُفطر، فی حدّ نفسه، روزه را باطل نمی‌کند.

﴿س ۱۲۲۰﴾ کسی که در ماه مبارک رمضان روزه دار است، اگر به علّت فراموشی یا غفلت

چیزی بخورد یا بیاشامد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود یا خیر؟

ج - فراموشی و غفلت سبب بطلان هیچ نحو روزه‌ای، چه روزه ماه مبارک رمضان،

و چه روزه قضا و چه روزه مستحب و غیر آنها نیست، چرا که نسیان و خطا،

۷۶/۲/۱۰

مرفوع است.

﴿س ۱۲۲۱﴾ اگر انسان روزه‌دار در ماه رمضان یکی از مُبطلات روزه را فراموش کند و یا

شک کند که عملی روزه را باطل می‌کند یا نه و آن عمل را انجام دهد، آیا روزه‌اش باطل

است؟ و آیا کفّاره نیز باید بدهد؟

ج - انجام دادن مُبطلات و مُفطرات، مطلقاً همراه با نسیان و فراموشی، چه

فراموشی در حکم و چه در موضوع، موجب بطلان روزه نیست و نسیان، به

حکم حدیث رفع، مرفوع است و همه آثارش از تکلیفیّه و وضعیه برداشته

شده است؛ و اما انجام دادن آنها همراه با شک و تردید، در حکم افطار است

و قضا و کفّاره دارد؛ چون حدّ اقل به حکم عقل، می‌بایست احتیاط می‌کرد

۷۸/۱۲/۵

و انجام نمی‌داد.

﴿س ۱۲۲۲﴾ اگر خلطی در گلوئی کسی باشد و آن را فرو دهد، آیا روزه او باطل

می‌شود؟

ج - تا زمانی که در فضای دهان داخل نشده باشد، فرو بردن آن مبطل روزه نیست.

۷۵/۱۱/۱۲

﴿س ۱۲۲۳﴾ آیا نسوار یا ناس (توتون و آهک مخلوط شده) که افراد آن را زیر زبان قرار

می‌دهند و بعد از مدتی آن را بیرون می‌ریزند، روزه را باطل می‌کند یا خیر؟

ج - چشیدن مزه اشیاپی که ذائقه آن را درک می‌کند (مانند چشیدن شوری و شیرینی

غذا)، مبطل روزه نیست؛ اما هرگاه خوردن و آشامیدن صدق کند، روزه باطل

۷۴/۱/۱۶

می‌شود، و حکم مورد سؤال تابع تشخیص مکلف است.

﴿س ۱۲۲۴﴾ در ماه رمضان برای تمیز کردن ظروف، از وایتکس استفاده می‌کردم که ناگاه ته حلقم تلخ شد. آیا روزه‌ام باطل است؟ اگر در وقت رنده کردن پیاز یا خرد کردن سبزی، ته حلق سوزش پیدا کند، چطور؟ همچنین اگر در وقت شکستن قند، ته حلق شیرین شود، آیا روزه باطل است یا خیر؟

ج - در فرض سوالات، روزه باطل نیست؛ چون علاوه بر آنکه به عمد نبوده، خوردن و آشامیدن هم محسوب نمی‌شود.
۷۰/۳/۶

﴿س ۱۲۲۵﴾ برخی از افراد در ماه مبارک رمضان ساز می‌نوازند و تعدادی از این سازها به گونه‌ای است که زیر زبان رفته و در آورده می‌شود و مجدداً به داخل دهان می‌رود. لازم به تذکر است که فرصتی برای پاک کردن رطوبت ساز، و همچنین امکان بیرون ریختن آب دهان مخلوط شده با رطوبت خارج از لوله ساز نیست و به ناچار باید آن را فرو برد. دسته‌ای دیگر از سازها را باید روی لب گذاشت و مدام باید زبان زد و بعد از برداشتن از لب و گذاشتن مجدد بر لب، آب داخل لوله آن‌ها در نتیجه دم و بازدم، به داخل دهان آمده، فرو بردن آن اجتناب‌ناپذیر است، و امکان دور ریختن آن هم نیست. آیا در این گونه موارد رطوبتی که از ساز داخل دهان می‌شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج - با توجه به اینکه رطوبت خارج شده از دهان، هر چند ناچیز و باقی مانده بر روی وسیله‌ای است که در دهان قرار داده شده، یا به وسیله زبان زدن پیدا شده، دو مرتبه به دهان بر می‌گردد و بیرون ریخته نمی‌شود، موجب بطلان روزه است، لذا اگر این عمل از روی عمد و اختیار باشد، موجب قضا و کفاره است؛ و به هر حال، روزه‌دار در ماه مبارک رمضان هر چند روزه‌اش به جهات ذکر شده یا به جهات دیگر باطل شود، واجب است که امساک کند، و همچنان روزه‌دار باقی بماند، وگرنه گناه کرده است، مضافاً بر اینکه کفاره هم فی‌الجمله بر عهده او می‌آید؛ و نباید انسان مسلمان در ماه مبارک رمضان، چنین گناهان بزرگی را مرتکب شود، کما اینکه اجبار دیگران و ابطال روزه آنان هر چند که به نحو ذکر شده در سؤال باشد، از معاصی کبیره، بلکه نابخشودنی است؛ و هیچ قانون و دستوری نمی‌تواند مجوز خلاف شرع و حرام باشد، کما اینکه هیچ مسئولی هم

به بهانهٔ مسئولیت و مأموریت نمی‌تواند از فرمان خدای بزرگ، تخلف کرده، مرتکب حرام شود. چرا که «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق».

﴿س ۱۲۲۶﴾ اگر روزه دار توسط رطوبت زبانش، لب خود را مرطوب کند و پس از آن که با هوا

تماس گرفت دوباره لب خود را زبان بزند و رطوبت آن را فرو برد آیا روزه اش باطل است؟

ج- اگر رطوبت، زیاد باشد و آب خارجی محسوب شود مبطل است و الا اگر رطوبت،

کم باشد مبطل روزه نیست و به خود، وسواس راه ندهد.

۸۲/۹/۱۴

﴿س ۱۲۲۷﴾ مسواک زدن برای روزه دار چه حکمی دارد؟

ج- در صورتی که در هنگام مسواک زدن، چیزی فرو نبرد، مانعی ندارد.

۷۸/۱۱/۵

﴿س ۱۲۲۸﴾ روزه گرفتن در شهرهایی که درجهٔ آلودگی آن‌ها بالاست و مرتب، موقع

تنفس، آلودگی به دهان وارد می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج- روزه بر اهالی آن شهرها همانند بقیهٔ بلاد، واجب است و باید در مراکز

آلودگی‌های زیاد که آلودگی آن‌ها همانند غبار غلیظ و دود باشد، از رسیدن آن

آلودگی‌ها به دهان و گلو به وسیله‌ای مانند ماسک‌های مخصوص، تحفظ نمود و

روزه صحیح است، و بالجمله، آلودگی‌های زیاد هوا و زیست محیطی، حکم غبار

۷۷/۱/۱۷

غلیظ و دود را دارند.

﴿س ۱۲۲۹﴾ کشیدن سیگار، تنباکو و غیره برای شخص روزه دار چه حکمی دارد؟

۸۶/۶/۲۵

ج- دود سیگار، تنباکو و مانند آن، مبطل روزه است.

﴿س ۱۲۳۰﴾ آیا استفاده از دستگاه بخور جهت معالجه، روزه را باطل می‌کند؟

ج- اگر غلیظ نباشد، مانعی ندارد؛ و اما اگر بخار غلیظ باشد، بنا بر احتیاط واجب،

نباید وارد حلق شود، و اما ورود آن به بینی و فضای دهان، فی حدّ نفسه، منعی

ندارد؛ لیکن اگر بخارها به صورت آب در دهان جمع شود، نباید فرو ببرد، چون

۷۸/۱۰/۸

آب خارج و مبطل روزه است.

﴿س ۱۲۳۱﴾ آیا استحمام به روش امروزی موجب بطلان روزه است؟

ج- حمام رفتن، موجب بطلان روزه نیست و تنها اگر باعث ضعف شود، مکروه است

و آنچه موجب بطلان است، فرو بردن تمام سر در آب است؛ مثل این که کسی تمام

۷۸/۱۱/۱۴

سر را عمداً در حوض آبی فرو ببرد.

﴿س ۱۲۳۲﴾ اگر انسان در ماه مبارک رمضان و در حال روزه، به حمام برود، آیا اشکال دارد یا خیر؟ در صورتی که هوا سرد و حمام پر از بخار آب باشد، آیا این بخارها در حال تنفس، حکم آب را دارد؟

ج - بخار حمام مبطل روزه نیست، لیکن احتیاط واجب آن است که روزه‌دار، بخار غلیظ را به حلق نرساند.
۷۶/۱/۳

﴿س ۱۲۳۳﴾ آیا استنشاق به هنگام وضو در ماه رمضان، روزه را باطل می‌کند یا خیر؟
ج - در فرض سؤال مزبور، اگر آب استنشاق را عمداً فرو ببرد، روزه‌اش را باطل می‌کند، و اگر قهراً باشد و عمل به استحباب کند، روزه‌اش قضا ندارد، وگرنه احتیاط در قضا کردن است.
۷۳/۴/۱۵

﴿س ۱۲۳۴﴾ آیا گازی که از راه حلق بیرون می‌آید، مانند گازی که بعد از خوردن نوشابه خارج می‌شود، باعث باطل شدن روزه می‌گردد؟

ج - آروغ زدن، مبطل روزه نیست؛ ولی اگر بدون اختیار چیزی در گلو یا دهان انسان بیاید، باید آنرا بیرون بریزد، و اگر بی‌اختیار فرو برد، روزه‌اش صحیح است.
۷۸/۱۱/۵

﴿س ۱۲۳۵﴾ آیا استفادهٔ بیماران تنفسی و ریوی از اسپری‌ها، مضرّ به روزه‌شان است؟
ج - ظاهراً مبطل نیست و خوردن و آشامیدن محسوب نمی‌شود.
۷۶/۱/۱۵

﴿س ۱۲۳۶﴾ بیماران قلبی کپسول‌های زیر زبانی استفاده می‌کنند که از حلق عبور نمی‌کند و دارو توسط رگ‌های خاصی در زیر زبان جذب می‌شود، آیا این داروها مبطل روزه است؟

ج - ظاهراً مبطل است، چون عرفاً خوردن و آشامیدن است.
۸۱/۱۱/۷

﴿س ۱۲۳۷﴾ آیا شخص روزه‌دار بیمار، می‌تواند در ماه مبارک رمضان، سرم یا آمپول تقویتی تزریق کند؟

ج - نسبت به آمپول، احتیاط، در ترک است، هر چند نمی‌توان آن را مبطل دانست و صدق اکل و شرب بر آن، محلّ تأمل، بلکه منع، است، لیکن بنا بر احتیاط واجب، باید از سرمی که به جای غذا استفاده می‌شود، اجتناب نماید.
۷۶/۲/۱۸

﴿س ۱۲۳۸﴾ هل توجب الأمور التالية إفتاراً أم لا؟

(أ) وضع الدم لبدن الإنسان أو أخذ الدم منه؟

(ب) ابرة الفيتامين؟

(ج) فحص المرأة الداخليّ بواسطة اليد أو بالآلة (والمراد بالفحص الداخليّ هو

وضع «اللؤلؤ» في رحمها، لمنع الحمل أو وضع جهاز في رحمها لمعرفة

أمراض الرحم)؟

ج - هذه الأمور كلّها لا توجب إفتاراً. ۷۵/۱/۵

﴿س ۱۲۳۹﴾ آیا ریختن دارو (مانند قطره) در چشم به هنگام روزه گرفتن، موجب باطل

شدن روزه است؟

ج - روزه باطل نیست، بلکه اگر بو یا مزه آن به حلق برسد، مکروه است. ۷۶/۲/۲۰

﴿س ۱۲۴۰﴾ آیا معاینه زن حامله در حال روزه توسط ماما یا پزشک زنان، در صورتی که

به ناچار باید دست را داخل فرج بیمار کنند، روزه را باطل می کند یا خیر؟

ج - آنچه که مبطل روزه است، جماع است، نه داخل کردن مثل دست در

فرج زن. ۷۱/۱۱/۴

﴿س ۱۲۴۱﴾ آیا می توان به علت ضعفی که در اثر روزه گرفتن به انسان دست می دهد،

روزه نگرفت؟

ج - روزه گرفتن، موجب ضعف است، و اگر ضعف انسان که ناشی از روزه است قابل

تحمل و متعارف باشد، باعث خوردن روزه نمی شود. ۶۸/۱۱/۷

﴿س ۱۲۴۲﴾ نزدیکی با زن در ماه مبارک رمضان، همچنین به هنگام بارداری، چه

حکمی دارد؟

ج - جماع در ماه مبارک رمضان برای مرد و زنی که هر دو یا یکی از آنها روزه دار

است، حرام و مبطل روزه است؛ و آمیزش با زن باردار، مانعی ندارد، آری،

آمیزش در مواردی که باعث ضرر و زیان و اذیت و آزار می شود، باید ترک شود.

۶۹/۱۱/۱

﴿س ۱۲۴۳﴾ همسر این جانب با روزه گرفتن من مخالف است و از من می‌خواهد که در ماه رمضان، روزه نگیرم؛ چون وقتی که روزه هستم با او هیچ‌گونه رابطه زناشویی ندارم. آیا می‌توانم روزه نگیرم و مسئولیت شرعی آن را به عهده شوهرم بگذارم؟ در این صورت آیا قضای روزه‌ها بر من واجب است یا نه؟

ج - زوجه، مانند همه مسلمانان، باید در ماه مبارک رمضان، روزه را (که فرض بزرگ الهی است) بگیرد؛ لیکن اگر مردی همسر خودش را در ماه مبارک رمضان مجبور به مجامعت نماید، کفاره آن روز، به عهده مرد است و زن در این جهت، معصیت کار نیست و لازم است که امساک نماید و همانند بقیه روزه‌داران، روزه را بگیرد و به اتمام رساند و تنها بر زن به خاطر جنابتش، غسل واجب است.

۷۷/۹/۱۵

﴿س ۱۲۴۴﴾ آیا در روز ماه رمضان، خوابیدن با همسر خود که باعث خروج آب از انسان می‌شود، روزه را باطل می‌کند؟

ج - اگر منی نباشد، موجب بطلان و کفاره نیست؛ لیکن نفس عمل اگر به ملاحظه برگردد، مکروه است، و اگر منجر به خروج منی گردد، حرام و موجب بطلان روزه است و کفاره دارد.

۷۷/۲/۱۳

﴿س ۱۲۴۵﴾ وظیفه شخصی که بی‌اختیار از او منی خارج می‌شود، در نماز و روزه ماه مبارک رمضان چیست؟

ج - هر چند این‌گونه منی‌ها نجس‌اند؛ اما موجب غسل نیست و شخص تا بیرون آمدن آن با اختیار، جُنُب نمی‌شود.

۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۲۴۶﴾ اگر انسان هنگام غسل برای جنابت، صدای اذان را نشنود، ولی بعد بدانند که قسمتی از غسل یا تمام آن بعد از اذان واقع شده، حکم روزه او چگونه است؟ همچنین اگر هنگام غسل، صدای اذان صبح را بشنود، چه حکمی دارد؟

ج - چون عمداً با جنابت وارد صبح نشده، در فرض اول، روزه صحیح است و در فرض دوم هم روزه صحیح است و قضا ندارد، چون قبل از اذان، مشغول غسل شده است.

۷۹/۷/۱

﴿س ۱۲۴۷﴾ کسی که برای غسل عذر دارد و نمی‌تواند غسل کند و باید در ماه مبارک رمضان، قبل از اذان صبح، تیمم کند و با تیمم روزه بگیرد، اگر تیمم او قبل از اذان صبح، به وسیله حدّث اصغر باطل شود، آیا باید دوباره قبل از اذان صبح تیمم کند یا می‌تواند بدون تیمم روزه بگیرد؟

ج - روزه اش درست است و حدّث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل جنابت، حکم حدّث اصغر بعد از غسل جنابت را دارد که مُبطل و ناقض غسل نیست. ۷۷/۱۲/۸

﴿س ۱۲۴۸﴾ در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان که برای سحری خوردن بیدار شده بودم، جنب بودم، ولی گذاشتم تا وقت تنگ شود و با تیمم روزه بگیرم؛ اما موقع اذان را درست احتساب نکرده بودم و قبل از این که تیمم کنم، اذان گفته شد. تکلیف روزه آن روز چیست؟

ج - چون عمداً با جنابت وارد صبح نشده‌اید، روزه تان صحیح است. ۷۶/۱۰/۶

﴿س ۱۲۴۹﴾ اگر کسی قبل از اذان صبح در ماه مبارک رمضان، خودش را جنب کند و عمداً غسل نکند، و بعد از خوردن سحری و قبل از اذان، در حالی که وقت برای غسل تنگ است، تیمم کند و بعد از اذان غسل کند، روزه اش صحیح است یا خیر؟

ج - اگر چه معصیت کرده، ولی روزه اش صحیح است. ۷۵/۱۰/۴

﴿س ۱۲۵۰﴾ اگر کسی در ماه مبارک رمضان، قبل از اذان صبح، از خواب بیدار شود، در حالی که در خواب محتلم شده و امکان غسل کردن هم نداشته باشد، حکم روزه اش چگونه است؟

ج - در ضیق وقت باید تیمم کند و روزه اش صحیح است. ۷۴/۱۱/۲۹

﴿س ۱۲۵۱﴾ شخصی که جنب شده، اگر به خاطر دور بودن حمام یا باز نبودن آن، قبل از اذان تیمم کند و بعداً غسل کند، آیا روزه اش صحیح است یا خیر؟

ج - چنانچه در ضیق وقت تیمم کند و با تیمم وارد صبح شود، روزه اش صحیح است. ۷۵/۱۰/۴

﴿س ۱۲۵۲﴾ در روزه ماه مبارک رمضان، اگر قبل از اذان صبح، وقتی برای غسل جنابت نباشد و انسان، با تیمم آن روز را روزه بگیرد، چه وقت مجاز است که غسل را انجام بدهد؟ آیا بعد از اذان ظهر هم می‌تواند غسل کند؟

ج - غسل برای خواندن نماز، لازم است و فرقی بین پیش از ظهر و بعد از ظهر نیست و

روزه‌ای که با انجام وظیفه و طهارت با تیمم باشد، صحیح است. ۷۷/۷/۲

﴿س ۱۲۵۳﴾ اگر کسی در ماه مبارک رمضان، جُنُب شود و شب به عِلّت سرما و باران و ترس، غسل نکند و یقین داشته باشد که قبل از اذان صبح بیدار می‌شود و تا اذان صبح بیدار نشود و قبل از اذان ظهر آن روز، غسل کند، روزه او چه حکمی دارد؟

ج - چون تصمیم برخاستن داشته و احتمال بیدار شدن می‌داده، چه رسد که یقین داشته، روزه اش صحیح و چیزی از قضا و کفّاره بر او نیست. ۷۸/۴/۱۳

﴿س ۱۲۵۴﴾ در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان، وقتی که برای خوردن سحری بیدار شدم، متوجه شدم که محتلم شده‌ام. از قبل می‌دانستم که اگر تا اذان صبح در این حالت بمانم، روزه‌ام باطل است؛ ولی آن زمان، به کلی این مسئله را فراموش کردم و با خود گفتم بعد از اذان که وقت هست و دیگران هم کم‌تر متوجه می‌شوند، به حمام می‌روم و غسل می‌کنم؛ اما بعد از اذان یادم آمد که ممکن است روزه‌ام باطل باشد. با توجه به این که مسئله را بدون عمد فراموش کردم و بلافاصله، غسل کردم و نماز صبح را خواندم و آن روز، روزه‌ام را گرفتم، آیا روزه‌ام باطل است و قضا و کفّاره دارد یا خیر؟

ج - قضای آن روز، واجب است و باید دانست که فراموشی جنابت در ماه رمضان تا طلوع صبح، قضا دارد؛ و اما با جهالت، قضا ندارد، و فرق بین جهالت و نسیان، نصّ و تعبّد است؛ و گرنه در فراموشی هم علی‌القاعده قضا نداشته؛ چون بقای بر جنابت عمدی، مضرّ به روزه ماه مبارک رمضان و مُبطل آن است، نه آن که طهارت در آن شرط باشد و شرطیت طهارت، مربوط به نماز است. ۷۸/۲/۲۵

﴿س ۱۲۵۵﴾ اگر کسی بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتلم شده است، آیا برای روزه آن روز ضرر دارد یا خیر؟

ج - برای هیچ روزه‌ای اعم از روزه واجب ماه رمضان و یا روزه نذر و یا روزه مستحب و غیره مضرّ نیست، و برای نماز صبح باید تحصیل طهارت کند. آری، تنها در روزه قضای رمضان به شرط وسعت و به شرط علم به اینکه جنابت قبل از اذان صبح حاصل شده، مضرّ می‌باشد، یعنی باید روزه آن روز را رها کرده و روز دیگر، قضای آن را به جا آورد.

﴿س ۱۲۵۶﴾ در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان، بعد از نماز صبح، در اثر تماس شکمم با رختخواب به شدت تحریک شدم و علی‌رغم این‌که می‌دانستم ادامه این حالت، به جُنُب شدنم می‌انجامد، به همان حالت باقی ماندم و انزال صورت گرفت؛ ولی به علت این‌که کاملاً هوشیار و بیدار نبودم، به طور کلی فراموش کرده بودم که این کار، خلاف فرمان خدا و حرام است. تکلیف روزه‌ام چیست؟ و آیا بر من کفاره واجب است؟

ج - چون از روی عمد و علم صد در صد نبوده، سبب بطلان روزه نیست و همان احتمال در بیداری و خواب، مانع از تحقق عمد و علم است و اسلام، دین سهولت است، نه زحمت و مشقت.

۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۱۲۵۷﴾ در ماه مبارک رمضان، قبل از اذان صبح محتمل شدم، ولی از آن جاکه از اهل خانه خجالت می‌کشیدم، تصمیم گرفتم چند دقیقه قبل از اذان صبح، تیمم کنم. در حین فراهم کردن مقدمات تیمم، اذان گفته شد؛ ولی با وجود این، تیمم کردم و روزه آن روز را گرفتم و اکنون نمی‌دانم آیا فقط قضای آن و یا کفاره بر من واجب است یا نه؟

ج - چیزی بر شما نیست؛ چون بقای بر جنابت عمدی محقق نشده و به جای غسل هم در تنگی وقت روزه، تیمم انجام گرفته و با طهارت، وارد صبح شده‌اید.

۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۱۲۵۸﴾ چنانچه زن روزه‌دار، در ماه مبارک رمضان اندکی قبل از غروب آفتاب، حیض شود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج - روزه‌اش باطل می‌شود، چون زن اگر قبل از افطار و غروب آفتاب، ولو برای یک لحظه، عادت زنانه شود، روزه آن روزش باطل است.

۷۰/۱۲/۱۹

﴿س ۱۲۵۹﴾ قبل از ازدواج، سه سال بود که عادت می‌شدم، ولی نمی‌دانستم که باید غسل حیض انجام دهم. فقط زیر دوش می‌رفتم و صلوات بر محمد و آل او علیهم‌السلام می‌فرستادم و روزه‌هایم را می‌گرفتم. آیا نماز و روزه‌هایم قضا دارد یا خیر؟

ج - هر چند ظاهراً غسل، به همان نحو که در سؤال آمده، مبریء ذمه بوده (چون قصد قربت، حاصل و جهل هم از راه قصور بوده که موجب سعه و رفع است)، لیکن احتیاط کردن با به جای آوردن قضای تدریجی نمازها، و به نحوی که در مشقت و حرج قرار نگیرید، خوب و مطلوب است، هرچند رعایتش لازم نیست؛ اما روزه‌ها قطعاً درست است و قضا ندارد، چون بقای بر حیض عمدی نبوده است.

۷۵/۱۰/۱۸

﴿س ۱۲۶۰﴾ اگر زنی در حال گرفتن روزه نذر معین، حیض شود، حکم او چیست؟

ج - روزه اش باطل است و قضا دارد. ۷۶/۱۲/۲۴

﴿س ۱۲۶۱﴾ تکلیف زنی که روزه نذر معین او در ایام حیضش واقع می شود چیست؟

ج - روزه گرفتن بر حائض حرام است و بعداً باید قضا کند. ۷۶/۱۰/۲۴

﴿س ۱۲۶۲﴾ خانمی به علت بیماری های رَحْمی در ماه مبارک رمضان به غیر از

خونریزی ای که هر ماه دارد، خونریزی می کند. آیا این گونه خونریزی ها که منشأ رَحْمی دارند، مُبطل روزه هستند؟

ج - آنچه مُبطل روزه است، خون حیض و نفاس است و خونی که در اثر زخم شدن

رَحْم از آن بیرون می آید، مُبطل روزه نیست؛ و اما خون مورد سؤال که به خاطر

بیماری های غیر عفونی است و موجب زخم شدن رَحْم و یا چرکین شدن است

و در اثر غده، خارج می شود، ظاهراً محکوم به استحاضه است. ۷۹/۳/۸

﴿س ۱۲۶۳﴾ اگر کسی به ظرفی که به سر چسبیده نیست سر را مانند غواصان بپوشاند

و در ماه رمضان به زیر آب رود، آیا موجب بطلان روزه می شود؟

ج - در امثال این موارد که سر، مستقیماً زیر آب نمی رود، روزه باطل نمی گردد.

۷۶/۱۰/۲۷

﴿س ۱۲۶۴﴾ از آن جا که شغل این جانب غواصی است و مجبورم برای انجام دادن کار به

زیر آب بروم، از ماسک هایی استفاده می کنم که چشم ها و ابرو و بینی را می پوشاند و آب

به داخل حلق نمی رسد. روزه من چگونه است؟

ج - در فرض مذکور، روزه باطل است و ملاک، رسیدن و عدم رسیدن آب به حلق

نیست؛ بلکه نفس فرو بردن سر به زیر آب، مُبطل است. ۷۷/۱۰/۱۷

﴿س ۱۲۶۵﴾ دستگاه های غواصی طوری طرح ریزی شده که هوای فشرده را در زیر

آب در اختیار غواص قرار می دهد و به هنگام غواصی، تمام اعضای بدن زیر آب قرار

داشته و با آب در تماس مستقیم است به غیر از صورت - که زیر ماسک غواصی قرار

می گیرد که شامل پیشانی، گونه ها و بینی غواص می شود - و از آنجا که نظامی

هستیم بنا بر اوامر فرمانده مافوق، به صورت ضرورت یا عملیاتی و یا حالت عادی

علی رغم میل باطنی خود، سر به زیر آب برده و عملیات غواصی را انجام می‌دهیم و در بعضی مواقع بسته به شرایط (عمق آب و درگیری فیزیکی غواص در زیر آب) مقداری آب، ناخواسته وارد دهان فضای ماسک غواصی می‌گردد حال با توجه به این توضیح بفرمایید:

۱. آیا غواصی نمودن در ماه رمضان، موجب ابطال روزه می‌گردد؟

۲. در صورت ابطال، آیا کفاره هم بر ذمه انسان می‌باشد؟

۳. حکم روزه‌های قبل (که مجبور به غواصی بوده) در حالی که حکم شرعی آن را

نمی‌دانسته چیست؟

ج - اگر به صورت محفظه‌ای باشد که سر در آن قرار می‌گیرد، روزه باطل نمی‌شود

و روزه‌های قبلی حتی اگر غواصی در آن به نحوی بوده که موجب بطلان روزه

می‌شده به خاطر اجبار و اکراه، ضرری برای روزه نداشته است. ۸۲/۱۰/۴

﴿س ۱۲۶۶﴾ حکم روزه کارکنان آتش نشانی، زمانی که مشغول امداد رسانی در حین

انجام مأموریت هستند چگونه است؟ با توجه به این که گاهی مجبور می‌شوند برای

نجات جان شخص غریق به زیر آب رفته و او را از غرق شدن نجات بدهند و یا در

محل حریق، مجبورند در محوطه دود و گرد و خاک غلیظ وارد شده و ساعت‌ها

مشغول اطفای حریق و نجات مصدومین باشند. در این صورت آیا روزه آن‌ها باطل

است یا خیر؟ و چنان چه روزه آن‌ها باطل باشد، به غیر از قضای روزه آن روز، کفاره

نیز واجب می‌شود یا خیر؟

ج - بر فرض آنکه نمی‌تواند از ماسک و امثال آن استفاده نماید روزه اش قضا دارد ولی

کفاره ندارد، و چون ماه رمضان خصوصیت دارد، تعبداً باید امساک نماید

و چیزی هم نخورد. ۸۳/۳/۴

﴿س ۱۲۶۷﴾ آیا مصرف شیاف‌های رکتال و کرم‌های واژینال، مُبطل روزه است؟

ج - جایز است و مانعی ندارد و آنچه مُبطل روزه است آکل و شُرب است، ولو از راه

غیر متعارف، که در چنین مواردی تحقق نمی‌یابد. ۷۹/۳/۸

مواردی که قضا و کفاره یا فقط قضای روزه واجب است

﴿س ۱۲۶۸﴾ اگر فرد روزه دار قبل از اذان ظهر، با همسر خود جماع کند، تکلیف او چیست؟ آیا چنین شخصی علاوه بر اینکه روزه اش باطل می شود، باید روزه را افطار کند، یا اینکه حق خوردن روزه را ندارد، اگر این عمل بعد از اذان ظهر واقع شود، حکمش چیست؟

ج - روزه اش باطل است، ولو اینکه بعد از ظهر هم انجام بگیرد و موجب قضا و کفاره است، و امساک واجب و خوردن و آشامیدن هم حرام و غیر جایز است. ۷۳/۱۲/۱۵

﴿س ۱۲۶۹﴾ اگر شخص روزه دار در طول روز با همسرش ملاعبه کند و به تصور اینکه روزه اش باطل شده است آن را افطار کند، تکلیفش چیست؟ آیا فقط باید قضای روزه اش را بگیرد، یا علاوه بر قضای روزه، کفاره نیز بر او واجب می شود؟ آیا یک کفاره کافی است، یا کفاره جمع باید بدهد؟

ج - قضا واجب است و یک کفاره، کافی است. ۷۳/۱۲/۱۵

﴿س ۱۲۷۰﴾ نظر جناب عالی در باره کسی که به سبب گرسنگی یا تشنگی، عمداً افطار نماید، چیست؟ آیا بر او قضا واجب است؟

ج - در صورتی که مضطر نباشد، قضا و کفاره دارد؛ وگرنه قضا کافی است. ۷۶/۱۲/۲۴

﴿س ۱۲۷۱﴾ دختری تا پانزده، شانزده سالگی در قید نماز و روزه نبوده است. البته بعضی اوقات، نماز و روزه را به جای آورده؛ اما نه به طور دایم و کامل که می بایستی انجام می داده است. اگر بخواهد کفاره روزه هایش را بگیرد که زیاد است و چون بیماری معده دارد، در توانش نیست. اگر هم بخواهد پولش را بدهد، وضع مالی چندان خوبی ندارند. حال تکلیف نماز و روزه های قضا شده اش چیست؟

ج - آنچه از نماز و روزه که یقین دارد از او فوت شده، ولو تدریجاً باید قضا کند و کفاره روزه ها باید پرداخت شود و چنانچه برایش ممکن نباشد، باید استغفار کند و هر وقت برایش میسر شد، کفاره را بدهد. ۷۷/۱/۲۷

﴿س ۱۲۷۲﴾ شخص مسافری که قصد کرده ده روز در ماه مبارک رمضان در جایی روزه بگیرد، در شب چهارم یا پنجم، عمداً خود را جنب کرده و چون تا اذان صبح به آب دسترس نداشته و حکم تیمم را نیز نمی دانسته، روزه آن روز را

افطار کرده است. حکم قضا و کفاره در مورد این شخص، چگونه است؟

ج - افطار عمدی، موجب بطلان روزه و کفاره است، مگر در جاهلِ قاصر که عدم بطلان، خالی از قوت نیست؛ اگرچه احوط، بطلان است و بر جاهل مقصر غیر ملتفت هم کفاره واجب نیست. ۷۸/۱۱/۲۰

﴿س ۱۲۷۳﴾ إذا كانت فترة أيام جهلها وأول سن بلوغها وتكليفها تاركة للصوم، فهل تجب عليها كفارة الإفطار العمدى. مع القضاء أم يجب القضاء خاصة من دون كفارة؟ وأيضا لو كانت تصوم، لكنها كانت تتناول المفطر أحيانا، جهلا بالكفارة، فما هو حكمها الآن؟

ج - القضاء واجب، أما الكفارة فمبنيّة على الاحتياط، بل على الأقوى في الجهل عن تقصير بالكفارة مع العلم بالمفطرية. ۷۵/۱/۵

﴿س ۱۲۷۴﴾ در زمان تحصیل در دبیرستان و دانشگاه، به علت ضعف، عدم آشنایی با مسائل واحکام و اینکه در صورت گرفتن روزه، درس خواندن و موفقیت در امتحانات برایم میسر نبود، از روزه گرفتن خودداری کردم و قضای آن را نیز به جانیاوردم. اینک بعد از حدود ده سال، در صدد جبران روزه‌های قضا شده (که حدود پانزده سال می‌شود) هستم. لطفاً بفرمایید (با توجه به عدم قدرت و توانایی مالی) چگونه باید قضا و کفاره روزه‌ها را بگیرم؟

ج - قضای همه روزه‌ها قطعاً بر شما واجب است و باید به تدریج در ایام سال بگیرید، و برای اینکه تأخیر در قضا شده، باید برای هر روز ۷۵۰ گرم گندم یا نان به فقیر بدهید، و دادن پول آن به فقیر کفایت نمی‌کند، مگر آنکه وکیل در خرید باشد، و اطمینان داشته باشید که با آن پول، نان می‌خرد؛ لیکن، احتیاط آن است که در صورت توان، کفاره افطار عمدی را هم بپردازید (یعنی برای هر روز شصت فقیر را غذا بدهید)، اما چون قدرت ندارید، ساقط است؛ لیکن هر گاه و بی‌گاه چند نفر فقیر را نهار یا شام بدهید یا به هر فقیر ۷۵۰ گرم گندم بدهید، ولی آنچه که مسلم است، همان دو امر قبلی است. ۶۹/۵/۲۴

﴿س ۱۲۷۵﴾ کسی که در سال اول بلوغ، به سبب ندانستن یا عدم قدرت، روزه نگرفته است، حال وظیفه او چیست؟ آیا قضای آن کافی است، یا کفاره هم لازم است؟ در صورت علم و قدرت، حکم آن چیست؟

ج - در صورت داشتن علم و قدرت، باید کفاره بدهد؛ اما در صورت ندانستن یا عدم قدرت، قضا واجب است. آری، کفاره تأخیر قضا برای هر روز، یک مُد طعام واجب است.

﴿س ۱۲۷۶﴾ در سال اول تکلیف، در ماه رمضان مسافرتی برایم پیش آمد. می دانستم که روزه مسافر صحیح نیست و باید افطار کند ولی نمی دانستم که باید بعد از گذشتن از حدّ ترخص باشد. لذا قبل از رسیدن به حدّ ترخص، روزه خود را باطل کردم. آیا قضا و کفّاره دارد یا فقط باید قضا کنم؟

ج - فقط قضا دارد و احتیاط در دادن کفّاره است. ۶۹/۹/۲۲

﴿س ۱۲۷۷﴾ فردی در اوایل سنّ تکلیف، قبل از اذان صبح محتلم شده، ولی باتأخیر عمدی، به علت خجالت از پدر و مادر، و جهل به مسئله و وجوب کفّاره، تا اذان صبح، غسل نمی کند و به خاطر جهالت تیمّم هم نکرده است. وظیفه او نسبت به روزه آن روز چیست؟

ج - در فرض سؤال، چون جاهل به مسئله بوده و جهلش هم به حساب اوایل تکلیف بودن، جهل عن قصور محسوب می شود، ظاهراً زیاده تر از قضا بر او واجب نیست.

۷۵/۱۲/۱

﴿س ۱۲۷۸﴾ در یکی از ماه های رمضان سال گذشته، چند روز از روزه های خود را خورده ام و مطمئن نیستم که در آن زمان به سنّ تکلیف رسیده بوده ام یا نه. اگر هم بخوام به سال قمری حساب کنم، چون تاریخ تولّد ثبت شده در شناسنامه ام با تاریخ حقیقی تولّدم مطابقت ندارد، نمی توانم حساب کنم که به سنّ تکلیف رسیده بودم یا نه؛ تکلیف من چیست؟

ج - قضای مشکوک، لازم نیست، هر چند قضا نمودن آن ها مطابق با احتیاط، مستحبّ است. ۷۹/۸/۱۷

﴿س ۱۲۷۹﴾ دختری هستم که در خانه پدری به گفته خانواده، گاهی اوقات تا پایان پخش اذان از رسانه های خبری، در سحرهای ماه رمضان، سحری می خورده ام. آیا این روزه هایم قضا دارد یا خیر؟ و اگر دارد، آیا با توجه به جهل، کفّاره بر ذمه ام می باشد؟

ج - چون یقین به طلوع فجر نداشته اید و کشف خلاف هم نشده، روزه ها صحیح اند و قضا ندارند. ۷۶/۱۱/۲۹

﴿س ۱۲۸۰﴾ شخصی در اوایل و ابتدای بلوغ خود، روزه ماه مبارک رمضان می گرفته است ولی عملی را با این که می دانسته کار قبیحی است، انجام می داده؛ امّا احتمال مبطل بودن را هم نمی داده است. لطفاً تکلیف وی را بفرمایید.

ج - قضای آن ها را علاوه بر کفّاره تأخیر در قضا (یعنی ۷۵۰ گرم گندم یا نان برای هر

روز که به فقیر داده می‌شود و عین جنس باید باشد و پول آن کفایت نمی‌کند، مگر وکیل در خرید باشد و وثوق به این داشته باشد که همان جنس را می‌خرد) باید به جای آورد.

﴿س ۱۲۸۱﴾ شخصی در ماه رمضان، قبل از اذان صبح، یقین داشت که وقت برای غسل دارد، ولی تا برای غسل آماده شد، اذان گفته شد، روزه او چه حکمی دارد؟

ج - روزه اش صحیح است و باید قضای آن را هم بگیرد و همان زمان که اذان می‌گویند، باید یک تیمم نماید، چون شاید هنوز صبح، طالع نشده باشد.

﴿س ۱۲۸۲﴾ فردی مدتی خیال می‌کرده که فرو بردن اخلاط سر و سینه، ولو این که به فضای دهان نرسیده باشد، روزه را باطل می‌کند و چون وضع جسمانی او طوری بوده که ترشح اخلاط، بسیار بیش از حد عادی بوده و بعضاً بدون اختیار نیز بدون رسیدن به فضای دهان از راه حلق فرو می‌رفته است، روزه نمی‌گرفته؛ زیرا روزه گرفتن در این فرض برای وی بسیار متعذر و حتی شاید ناممکن بوده است؛ زیرا عملاً نمی‌توانسته جلوی فرورفتن اخلاط را بگیرد. بعد از مدتی به مسئله پی برده و قضای روزه‌ها را گرفته است. آیا باید کفاره شصت روز، روزه برای هر روز را هم بگیرد؟ همچنین فردی در سال‌های اولیة بلوغ به علت کمی سن و تحت تأثیر بعضی گروه‌های الحادی، دین و ایمان درستی نداشته و روزه نمی‌گرفته و بعداً قضای تمام روزه‌ها را گرفته است، آیا کفاره بر ذمه وی است؟

ج - همان قضا کفایت می‌کند؛ لیکن برای تأخیر قضاها برای هر روز آن، به عدد ایام قضا، یک مد، یعنی ۷۵۰ گرم گندم یا نان و امثال آن‌ها باید به فقیر، با فرض قدرت، داده شود.

﴿س ۱۲۸۳﴾ اگر دختری تازه به سن بلوغ رسیده، ولی توانایی گرفتن همه روزه‌های ماه مبارک رمضان را ندارد و در اثر ضعف بیش از حد، پدر و مادر به او اجازه خوردن دادند، یا خودش در اثر مورد ذکر شده روزه‌اش را باز کرده، تکلیف چیست؟ به جا آوردن قضای آن کفایت می‌نماید یا کفاره هم واجب است؟

ج - اگر مقلد این جانب است که بلوغ دختران را از جهت سنی سیزده سال می‌دانم و در عین حال، احتمال ضرر می‌دهد، اگر تا سال آینده، فرصتی برای قضای روزه‌هایش پیدا کرد، یعنی احتمال ضرر نداد، باید قضا نماید؛ وگرنه فقط فدیة نگرفتن روزه، یعنی برای هر روز ۷۵۰ گرم نان یا مواد خوراکی دیگر را باید به فقیر بدهد.

﴿س ۱۲۸۴﴾ اگر پسر یا دختر بالغ توان روزه گرفتن را نداشته باشد یا اگر روزه بگیرد مانع تحصیلات او می شود، روزه از او ساقط می گردد یا خیر؟

ج - اگر توان روزه گرفتن را ندارد روزه ساقط می شود. بعداً اگر توان پیدا کرد باید قضا نماید، اما تحصیلات، مسقط روزه نیست.
۸۲/۳/۲۰

﴿س ۱۲۸۵﴾ فردی روز معینی را نذر کرده که روزه بگیرد؛ اما در آن روز مسافرتی ضروری برایش پیش آمده است با توجه به این که از حد ترخص هم گذشته است، تکلیفش چیست؟
ج - باید قضایش را بگیرد.
۷۸/۹/۶

﴿س ۱۲۸۶﴾ این جانب در دوران جنگ تحمیلی به دلیل حضور در جبهه روزه های ماه مبارک رمضان را نگرفته ام و بعد از پایان جنگ هم به دلیل ناراحتی های دستگاه گوارشی و استفاده از دارو، موفق به انجام دادن قضای آن روزه ها نشده ام و فقط توانسته ام روزه های ماه مبارک رمضان را بگیرم که البته عوارضی هم در پی داشته و مدتی است دچار زخم معده و زخم اثنا عشر شده ام و الان، پزشک معالج روزه گرفتن را برایم منع کرده است. وظیفه ام نسبت به روزه های خورده شده چیست؟ و کفاره آن ها را چگونه و چه مقدار باید پرداخت نمایم؟

ج - قضای روزه هایی که به دلیل مسافرت و بودن در منطقه عملیاتی خورده شده، واجب است و اگر توانستید، خودتان بگیرید، و اگر نتوانستید، وصیت کنید برایتان بگیرند و در صورت تأخیر تا ماه رمضان دیگر، یک کفاره تأخیر هم باید پردازید و کفاره تأخیر برای هر روز، یک مُد، یعنی ۷۵۰ گرم گندم و یا جو و امثال آن است که به فقیر داده می شود. آری، کسی که به خاطر بیماری روزه را افطار نموده و بیماری اش تا رمضان دیگر طول کشیده، قضا ندارد، لیکن برای هر روز باید یک مُد طعام به فقیر بدهد.^۱
۷۶/۱۰/۲۰

﴿س ۱۲۸۷﴾ اگر عمداً روزه نذری معین را بخورم، آیا علاوه بر کفاره، قضای آن هم واجب است؟

ج - قضا واجب است.
۷۴/۱۱/۳۰

۱- برای توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل مراجعه فرمایید.

کفّاره روزه

﴿س ۱۲۸۸﴾ کفّاره افطار عمدی یک روز ماه رمضان، چقدر است؟

ج - کفّاره افطار عمدی روزه ماه رمضان، یکی از این سه چیز است:

۱. آزاد کردن یک بنده؛ ۲. روزه گرفتن دو ماه، که سی و یک روز آن، باید بی در بی باشد؛ ۳. اطعام شصت مسکین.

۶۹/۴/۳۰

﴿س ۱۲۸۹﴾ در این زمان که بنده برای آزاد کردن وجود ندارد، آیا ساقط می‌شود؟

۷۵/۱۱/۲۶

ج - ساقط می‌شود.

﴿س ۱۲۹۰﴾ با توجه به این که یکی از کفّارات مقرر در شرع مقدّس اسلام، بنده آزاد

کردن است و در حال حاضر، این امر معمول نیست و از طرف دیگر، عده‌ای به دلیل اتّفاقات ناخواسته، نظیر تصادف و یا بدهی یا دیه و امثال آن در زندان‌ها به سر می‌برند و خانواده‌هایشان پربیشان و مستأصل هستند، آیا اجازه می‌فرمایید به جای بنده آزاد کردن، افرادی که کفّاره به ذمه دارند، یک یا چند نفر از زندانیان بی‌گناه را آزاد نمایند؟

ج - در مفروض سؤال که بنده برای آزاد کردن موجود نیست، تکلیف نسبت به آن

ساقط است و لذا نیازی به بدل ندارد؛ اما پرداخت بدهی بدهکاران و آزاد نمودن

آنها از گرفتاری، امری مطلوب و پسندیده است.

۷۹/۱۰/۲۵

﴿س ۱۲۹۱﴾ در دوران نوجوانی ام برای چهار سال متوالی، در مورد روزه‌هایم، کفّاره

جمع بر من واجب شده است. با توجه به اینکه فعلاً شاغل نیستم و درآمدی ندارم، چگونه باید بپردازم؟

ج - کسی که کفّاره روزه ماه رمضان بر او واجب شده، باید آن را بپردازد، و چنانچه

برایش ممکن نباشد، باید استغفار کند و هر وقت برایش میسر شد، کفّاره را

۷۵/۴/۳

بپردازد.

﴿س ۱۲۹۲﴾ کسی که کفّاره روزه ماه رمضان بر او واجب است، آیا حتماً باید دو ماه روزه

بگیرد؟ اگر شصت فقیر پیدا نشود، آیا می‌تواند به هر نفری که پیدا کرد، بیشتر از ده سیر گندم یا جو بدهد؟ و اگر پول گندم را بدهد، چه طور؟

ج - مخیر است که شصت روز، روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهد و در کفّاره

روزه، عدد شصت فقیر موضوعیت دارد و اگر به کم‌تر از شصت نفر داده شود،

مبوء ذمه نیست و در کفارات، منحصرأ باید به فقیر نان یا گندم و امثال این دو از اطعمه داده شود و بدل، کفایت نمی‌کند، مگر آن پول را به فقیر یا کسی که برای فقرا مصرف می‌کند، بدهد که او وکالتاً طعام تهیّه کند و وثوق به تهیّه هم حاصل باشد. ۷۹/۷/۱

﴿س ۱۲۹۳﴾ در مورد کفاره جمع، آیا می‌توان به جای دو ماه روزه گرفتن یا به شصت فقیر طعام دادن، پول معینی را هم داد تا کفاره برطرف شود؟

ج - پول، کفایت از کفاره اطعام نمی‌کند، کما اینکه اطعام شصت مسکین هم در کفاره جمع، کفایت از دو ماه روزه پی در پی نمی‌کند، و باید دانست که اگر سی و یک روز از دو ماه را پی در پی روزه گرفت، بقیه را می‌تواند به طور متفرّق بگیرد.

۷۵/۱۱/۷

﴿س ۱۲۹۴﴾ اگر کسی در روزه ماه مبارک رمضان، استمنا کند، آیا کفاره جمع واجب می‌شود؟

ج - آری، کفاره جمع واجب می‌شود. ۷۵/۱۱/۲۶

﴿س ۱۲۹۵﴾ اگر بر کسی که نان خور پدرش است و خودش استطاعت مالی ندارد، کفاره روزه واجب شود، چه باید بکند؟

ج - کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب شده باید آنرا بپردازد، و چنانچه برایش ممکن نباشد، باید استغفار کند و هر وقت برایش میسر شد، مستحب است کفاره را بدهد. ۷۸/۱۱/۶

﴿س ۱۲۹۶﴾ شخصی که نسبت به پرداخت یا عدم پرداخت کفاره روزه سال قبل تردید دارد، چه وظیفه‌ای دارد؟ با توجه به اینکه قبلاً مقلّد امام بوده، معیار محاسبه چه سنی است؟

ج - آن مقدار از کفاره که در پرداخت آن شک دارد، باید پرداخت شود، تا یقین به برائت ذمه حاصل شود و معیار در بلوغ، زمان تقلید است، یعنی کسی که قبلاً مقلّد امام بوده، اگر دختر است باید به مبنای نه سال (اگر در آن زمان نه سال داشته)، عمل کند. ۷۴/۷/۲۳

﴿س ۱۲۹۷﴾ کسی که قبلاً مقلد امام خمینی علیه السلام بوده و کفاره جمع در روزه بر عهده‌اش آمده و آن موقع، قدرت پرداخت کفاره را نداشته و حالا توان پرداخت آن کفاره را دارد و از حضرت عالی تقلید می‌کند. با توجه به این که شما در پرداخت کفاره بعد از توان، احتیاط مستحب نموده‌اید، آیا این شخص می‌تواند کفاره را ندهد؟ و آیا این احتیاط مستحب، شامل کفاره جمع نیز هست؟

ج - در مسائلی از قبیل مسئله مورد سؤال، گرچه در زمان سابق، بنا به نظر مبارک حضرت امام، مکلف به عمل به احتیاط واجب آن نسبت به زمان قدرت بوده است؛ اما رجوع به این جانب، فعلاً که احتیاط مستحب دارم، مانعی ندارد و فرقی بین کفاره جمع و غیر آن نیست.
۷۸/۹/۲۴

﴿س ۱۲۹۸﴾ در باب کفاره روزه ماه مبارک رمضان، آیا به جای طعام دادن به شصت فقیر، می‌توان به آنان پول داد یا فقط باید اطعام کرد؟

ج - در کفارات منحصرأ باید به فقرا نان، گندم و امثال این دو از اطعمه داده شود و بدل کفایت نمی‌کند؛ مگر آنکه پول را به او بدهد که او وکالتاً، طعام تهیه کند و وثوق به تهیه نیز حاصل باشد.
۷۶/۲/۲۱

﴿س ۱۲۹۹﴾ این جانب طبق محاسبه، مبلغ ۲۵ هزار تومان از زمان تکلیف نسبت به فریضه روزه، کفاره داشته‌ام و در زمان رسیدگی به حساب، از امام خمینی علیه السلام تقلید می‌نمودم و اطلاعی هم نداشتم که باید این کفارات، حتماً به خرید نان اختصاص داشته باشد و فکر می‌کردم به صرف این که به فقیری برسانم، دین خودم را ادا نموده‌ام. بنابراین، طبق فواصلی این مبلغ را به فقیر می‌رساندم. لطفاً بفرمایید آیا من باید دوباره کفاره روزه‌ها را بپردازم و هنوز در ذمه من است؟

ج - در حدّ قدرت، باید دو مرتبه بپردازید و یا نان و گندم و خوراکی برای هر کفاره ۷۵۰ گرم تهیه کنید و به فقرا بدهید و یا پولش را به آنها بدهید که صرف خرید نان نمایند و اطمینان به مصرف نمودن آن پول در نان و طعام هم باشد. به هر حال، هر یک از دو نوع، کفایت می‌کند و دادن محض پول، مُبرء ذمه نیست.
۷۷/۷/۲۲

﴿س ۱۳۰۰﴾ با توجه به این که کفاره افطار روزه عمدی، شصت روز روزه یا شصت مدّ طعام است، علی الظاهر باید این مقدار بین شصت فقیر؛ جداگانه تقسیم گردد. سؤال این است که بعضی از مؤسّسات خیریه، مثل کمیته امداد امام خمینی علیه السلام که کفاره روزه را جمع آوری می کنند، می تواند در این مورد، عمل کند یا خیر؟ و چون معلوم نیست به چه افرادی می دهند، آیا می توان کفاره را به کمیته امداد داد؟

ج - باشک در مصرف کفاره در محلّ شرعی، برائت ذمه حاصل نمی شود و خود مکلف یا دیگری باید به مستحق بپردازد و اطمینان به آن حاصل شود.

۷۹/۱۰/۲۱

﴿س ۱۳۰۱﴾ آیا نفقه زن که به گردن شوهر است، شامل غذا و پوشاک و مسکن است و چیزهای دیگر از قبیل مسافرت بردن همسر یا کفاره روزه های زن را شامل می شود یا خیر؟ و آیا زن، کفاره روزه های خود را از مال خود باید بپردازد؟

ج - کفاره روزه و مخارج سفر، جزو نفقه نیست.

۷۹/۸/۱۷

﴿س ۱۳۰۲﴾ خانم این جانب، به دلیل بیماری نمی تواند روزه بگیرد. اگر ایشان خود، کفاره هر روز را ندهد، آیا بر من واجب است که کفاره روزهایی را که نمی تواند بگیرد، بپردازم؟ چون ایشان خانه دار است و از خود پولی ندارد، مگر از بنده پولی بگیرد، آیا لازم است که به ایشان بگویم می خواهیم کفاره ات را بپردازم؟

ج - مانعی ندارد و می توانید بپردازید و اعلام، واجب نیست.

۷۷/۴/۲

﴿س ۱۳۰۳﴾ اگر کفاره تأخیر قضای ماه رمضان را نپردازد، آیا بعد از گذشت چند سال به آن اضافه می شود یا همان کفاره اول کافی است؟

ج - یک مدّ از طعام کافی است.

﴿س ۱۳۰۴﴾ کفاره تأخیر در حال حاضر، چقدر است؟

۷۴/۱/۱۱

ج - ۷۵۰ گرم گندم یا نان.

احکام روزه قضا و روزه استیجاری

﴿س ۱۳۰۵﴾ از سال‌های قبل، روزه قضا دارم و چند روز هم از امسال. آیا می‌توانم اول روزه‌های قضای امسال را بگیرم یا باید به ترتیب گرفته شوند؟

ج - ترتیب شرط نمی‌باشد، مگر این که به اندازه روزه‌های قضای امسال بیشتر وقت نباشد، که در این صورت، اول باید قضای روزه‌های امسال را بگیرد.

﴿س ۱۳۰۶﴾ کسی که روزه قضا دارد، آیا می‌تواند روزه مستحبی بگیرد؟

ج - نمی‌تواند و این حکم، مخصوص روزه است؛ وگرنه در نماز، با فرض داشتن نماز قضا می‌توان نماز مستحبی خواند. ۷۸/۹/۲۹

﴿س ۱۳۰۷﴾ زنی که بچه شیر می‌دهد و نمی‌تواند روزه بگیرد، آیا همسرش می‌تواند

قضای روزه‌هایش را بگیرد یا نصف آن‌ها را خودش بگیرد و نصف دیگر را همسرش؟
ج - باید خودش بگیرد و قضای عبادت‌های واجب در حال حیات، با خود انسان است و انجام گرفتن آن توسط دیگری، حرام و باطل است.

﴿س ۱۳۰۸﴾ شخصی که تمام ماه مبارک رمضان دیوانه بوده است. آیا رفع قلم، قضای

روزه را از وی بر می‌دارد، یا مثل زن حائض و بیمار باید قضای روزه را بگیرد؟
ج - چون مکلف به تکلیف فعلی نبوده و رفع قلم شده، قضا ندارد؛ ولی حائض مکلف است، لیکن عذر ندارد نه رفع حکم، به علاوه که مسئله در آنجا مورد نص است.

۷۶/۲/۲۸

﴿س ۱۳۰۹﴾ روزه‌هایی را که انسان به علت غفلت در ایام نوجوانی و آغاز تکلیف نگرفته،

به خصوص اگر تعداد دقیق آن‌ها را نداند، به چه شکل باید جبران کند؟

ج - باید قضای آن‌ها را بگیرد و برای تأخیر در قضا باید برای هر روز، ۷۵۰ گرم گندم، برنج یا نان هم به فقیر بدهد و احتیاطاً هر مقدار هم که می‌تواند به عنوان کفاره افطار عمدی، فقرا را اطعام کند (یعنی برای هر یک روز، شصت نفر)؛ لیکن نباید خود را در این امر به زحمت بیندازد، بلکه به مقداری که برایش سهل و بدون مشقت است، انجام دهد، خداوند، غفار، بخشنده و مهربان است و نسبت به مقدار روزه‌ها که گرفته نشده، می‌تواند به حداقل (یعنی آنچه که به آن یقین دارد)، اکتفا کند. ۷۱/۱۲/۱۶

﴿س ۱۳۱۰﴾ این جانب در سال ۱۳۵۴ بیمار شدم و تاکنون که حدود چهارده سال می‌گذرد، موفق نشده‌ام که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرم، تکلیف بنده چیست؟

ج - در صورتی که بیماری شما از ماه رمضان به ماه رمضان دیگر رسیده، روزه آن ماه رمضان، قضا ندارد، اما اگر از ماه رمضان تا رمضان دیگر، بهبودی پیدا کرده‌اید و می‌توانستید قضا را به جا آورید، قضا واجب است، و برای نگرفتن روزه، به خاطر بیماری ممتد، باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهید. ۶۸/۴/۲۸

﴿س ۱۳۱۱﴾ دختر بچه‌ای دوازده ساله، از مرجعی که سنّ بلوغ را نه سالگی می‌دانسته، تقلید می‌کرده و در آن زمان، به دلیل بیماری، تعدادی از روزه‌های خود را نگرفته است. حال پس از رحلت آن مرجع، از شما تقلید می‌کند، با توجه به نظر حضرت‌عالی در باره سنّ تکلیف دختر، آیا باید قضای روزه‌های نگرفته را بگیرد، یا از گردن او ساقط است؟

ج - اگر بیماری‌اش تا رمضان دیگر ادامه پیدا کرده، قضا ندارد، وگرنه باید قضا کند، و فتوای این جانب، از زمان تقلید به بعد برای او حجت است. ۷۴/۱۲/۱۴

﴿س ۱۳۱۲﴾ این جانب از اوایل سنّ تکلیف (حدود یازده تا بیست و نه سالگی) در ایام قاعدگی روزه نگرفته‌ام و یادم نیست که چه مقدار از روزه‌ها را قضا کرده‌ام، در مجموع حدود ۱۳۳ روز، روزه قضا دارم و حالا هم به علت ناراحتی معده، نمی‌توانم روزه بگیرم. همچنین برای تدریس، به روستاهای اطراف شهرمان می‌رفتم به این نحو که صبح می‌رفتم و عصر بر می‌گشتم و نمی‌دانم که نمازم را چگونه می‌خواندم. تکلیف بنده چیست.

ج - تمام آنچه را که از شما قضا شده (یعنی ۱۳۳ روز روزه که در سؤال آمده)، هر زمان که توانستید باید قضا کنید، مگر مقداری که مطمئن هستید قضای آن را به جا آورده‌اید، راجع به گذشته، تمام نمازها محکوم به صحّت است. ۶۹/۱۱/۱۷

﴿س ۱۳۱۳﴾ این جانب از سال ۱۳۵۹ که مکلف شدم تا مدت سه سال، وقتی روزه می‌گرفتم بیمار می‌شدم. لذا گاهی با مسافرت به حدّ ترخص یا بدون رفتن به مسافت شرعی، روزه‌ام را افطار می‌کردم. در دوران خدمت نظام وظیفه نیز بعضی از روزها، روزه

گرفتم و بعضی از اوقات با سفر به حدّ ترخّص یا بدون رفتن به مسافت شرعی روزه‌ام را افطار نمودم. بدین ترتیب تا سال ۶۷ توانایی گرفتن تمام روزه‌ها را به طور کامل نداشتم ولی از سال ۶۸ به بعد توانستم روزه ماه مبارک رمضان را بگیرم. با توجه به اینکه تعداد روزه‌های قضا شده در سنین بعد از تکلیف تا سال ۶۴ را نمی‌دانم، اکنون برای تدارک روزه‌های قضا شده، چگونه باید اقدام کنم؟

ج - اگر بیماری، ناراحتی و احتمال ضرر و بیمار شدن در اثر روزه، از ماه رمضان تا رمضان سال بعد ادامه داشته، قضا ندارد، ولی برای هر روز باید یک مُدّ طعام به فقیر بدهید، و روزه آخرین رمضان را که بعد از آن بهبودی حاصل شده، اگر تا رمضان بعدی نگرفته‌اید، باید قضا کنید، و برای هر روز هم یک مُدّ طعام (یعنی ۷۵۰ گرم نان یا گندم) به عنوان کفّاره تأخیر قضا باید بپردازید؛ اما روزه‌هایی که عمداً و بدون سفر و یا بدون عذر افطار کرده‌اید، علاوه بر قضا و کفّاره تأخیر قضا، کفّاره افطار عمدی هم دارد؛ و اگر با رفتن به مسافرت باطل کرده باشید، فقط قضا دارد، و نسبت به روزهایی که شک دارید، بنا را بر قدر متیقّن و حداقل بگذارید.

﴿س ۱۳۱۴﴾ شخصی در ماه رمضان به علت بیماری روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان، اول ماه ذی القعدة فوت کرده است، آیا بر ورثه او فدیة واجب است یا خیر؟

ج - با فرض ادامه بیماری، نه قضا واجب است نه فدیة و با فرض خوب شدن، به اندازه روزه‌هایی که توان قضا را داشته، قضا واجب است، لیکن چون قضا تا رمضان دیگر به تأخیر نیفتاده، کفّاره ندارد. ۷۵/۲/۱۳

﴿س ۱۳۱۵﴾ شخصی به خاطر بیماری زخم معده، از هجده سالگی تا سی و شش سالگی، به تشخیص پزشک روزه نگرفته، و کفّاره ده سال آن را داده است و بقیه را بدهکار می‌باشد، دو سالی نیز هست که می‌تواند روزه بگیرد. آیا کفّاره این روزها را باید پرداخت کند؟ آیا قبل از سفر حج باید بگیرد یا بعد از آن؟

ج - فدیة و کفّاره ایام بیماری را تلاش کند تا قبل از سفر حج بپردازد، تا هنگامی که به زیارت خانه خدا می‌رود، حقّ الله بر ذمه اش نباشد.

﴿س ۱۳۱۶﴾ کسانی که به دلایلی مانند سفر، بیماری یا غیر آن‌ها، روزه نگرفته‌اند و تا ماه رمضان دیگر قضای آن را به جا نیاورده‌اند، آیا کفاره‌ای به عهده آن‌هاست یا خیر؟

ج - آری، و کفاره هر روز هم مُدّی از طعام (۷۵۰ گرم گندم، نان یا برنج) است، و دادن قیمت آن به فقیر کفایت نمی‌کند، مگر آنکه او را در خریدن طعام، وکیل کند و مورد وثوق هم باشد.

﴿س ۱۳۱۷﴾ تکلیف دخترانی که سال‌های اول بلوغ (به دلیل اینکه والدین، آنان را منع می‌کرده‌اند و می‌گفته‌اند که شما قدرت بر روزه ندارید)، و این افراد اکنون به خاطر ندارند که آیا در آن موقع، قدرت داشته‌اند یا نه، و آیا مسئله وجوب روزه و کفاره را می‌دانسته‌اند یا خیر؟ آیا علاوه بر قضا، کفاره هم باید بپردازند؟ در صورت لزوم کفاره، آیا باید به ترتیب باشد، یا اینکه حتی با داشتن قدرت بر روزه کفاره (حتی اگر بسیار مشقت‌آور هم باشد)، می‌توانند پرداخت کفاره مالی را انتخاب کنند؟

ج - با فرض شک در اینکه روزه برایشان باعث ضعف مفرط و زیاده از حدّ متعارف می‌شده یا نه، ظاهراً قضا ندارد، مگر روزه ماه رمضان که تا ماه رمضان دیگر مطمئن بوده‌اند که در این مدت، زمانی بوده که می‌توانسته‌اند روزه بگیرند و نگرفته‌اند که در این صورت، قضا دارد؛ امّا کفاره افطار عمدی، تعلق نمی‌گیرد، چون عمد در افطار روزه واجب از ماه رمضان برای ایشان، ثابت نیست، لیکن احتیاط در دادن یک مُد طعام است. ۷۱/۱۱/۴

﴿س ۱۳۱۸﴾ این جانب روزه قضا دارم، آیا می‌توانم ابتدا روزه پدرم را قضا کنم؟

ج - در جایی که قضای روزه پدر بر پسر بزرگ واجب باشد، مانعی ندارد. ۷۶/۲/۱۵

﴿س ۱۳۱۹﴾ آیا شخصی که روزه قضا دارد، می‌تواند برای میّت اجیر شود؟

ج - مانعی ندارد و می‌تواند. ۷۵/۵/۵

﴿س ۱۳۲۰﴾ کسی که روزه استیجاری گرفته و بعد از ظهر عمداً روزه خودش را باطل

کرده است، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - باید به جای آن روز، یک روز دیگر روزه بگیرد و کفاره هم ندارد. ۷۳/۴/۱۵

﴿س ۱۳۲۱﴾ اگر در روزه استیجاری نام میّت را نداند یا فراموش کند، آیا می تواند به قصد همان کسی که برایش اجیر شده (ولو اسمش را نمی داند)، نیت کند، یا دانستن اسم لازم است؟

ج - همین که روزه را جهت نیابت از ماجر می گیرد، کافی است، و دانستن اسم او لازم نیست.
۷۵/۱۰/۴

احکام روزه مسافر

﴿س ۱۳۲۲﴾ آیا در قصر و اتمام نماز و گرفتن روزه و نگرفتن آن تفاوتی وجود دارد؟
ج - مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و مسافری که نمازش را تمام می خواند (مثل کسی که زیاد مسافرت می کند و کثیرالسفر است، و مسافرت برای او امری سهل و عادی است یا سفر او سفر معصیت است)، باید در سفر روزه بگیرد.

﴿س ۱۳۲۳﴾ این جانب عازم خدمت سربازی هستم و چند روز از ماه رمضان گذشته و نمی دانم که بقیه روزه هایم را چگونه باید بگیرم، با توجه به این که دیگر در وطن خود نخواهم ماند و نمی دانم که در کجا به خدمت سربازی مشغول خواهم شد، تکلیف چیست؟

ج - اگر به جایی اعزام شدید که با وطنتان هشت فرسخ فاصله دارد، شما در آن جا مسافرید و نمازتان شکسته، و روزه ها را هم باید افطار کنید، مگر آن که مطمئن باشید که ده روز به بالا در یک جا می مانید، یا سی روز تمام، مردّد مانده باشید که در این صورت، نمازتان پس از سی روز، تمام است و روزه را هم باید بگیرید.
۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۱۳۲۴﴾ مدت یک سال است که جهت انجام کار به بیش از مسافت شرعی رفت و آمد می کنم، و ماهانه تنها یک روز مرخصی دارم و در ایام دیگر نیز قبل از ظهر به مقصد (وطن) نمی رسم، آیا می توانم روزه بگیرم یا خیر؟
ج - در فرض مرقوم، روزه صحیح است.
۶۹/۴/۲۵

﴿س ۱۳۲۵﴾ این جانب هر روز از شهرستان زرنند تا مرکز استان کرمان، به فاصله ۷۵ کیلومتر، برای انجام کار رفت و آمد می‌کنم، و تاکنون نماز و روزه خود را به طور کامل گرفته‌ام، چون کرمان را محل کار خود قرار داده‌ام. اگر در یک روز تعطیل برای گردش و یا انجام امور شخصی به کرمان بروم، حکم نماز و روزه بنده چگونه است؟

ج - نماز و روزه شما در کرمان و در همه مسافرت‌ها تمام است و فرقی بین سفر شغلی و غیر شغلی نیست؛ و کسی که کثیرالسفر است، تا ده روز در یک‌جا نمانده، باید نماز را تمام بخواند، و اگر ده روز ماند، نماز او در سفر اول شکسته و در سفر بعدی تمام است. ۷۵/۶/۶

﴿س ۱۳۲۶﴾ در ماه مبارک رمضان به مدت چهار یا پنج روز، مسافرت می‌کنم و روزه هم می‌گیرم، روزه‌ام چه حکمی دارد؟

ج - چنانچه شغل شما مسافرت نباشد، یا کثیرالسفر نباشید، روزه شما باطل است. ۷۳/۹/۷

﴿س ۱۳۲۷﴾ آیا شخصی که باید در ماه رمضان نماز را شکسته بخواند، می‌تواند روزه نذری بگیرد یا خیر؟

ج - در ماه رمضان نمی‌تواند هیچ روزه دیگری بگیرد. ۷۵/۲/۸

﴿س ۱۳۲۸﴾ آیا در مسافرت می‌توان روزه در سفر نذر کرد؟

ج - نذر روزه مستحبی در سفر به قید سفر، درست است، چه شخص در حَضَر نذر کند و چه در سفر. ۷۸/۸/۹

﴿س ۱۳۲۹﴾ کسی که نذر کرده هر هفته روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه را روزه بگیرد، در هنگام سفر باید چگونه عمل کند؟ و در هنگامی که مثلاً مجبور است برای تحصیل یا تدریس در دو روز مذکور، از شهر کرج به تهران برود، تکلیف چیست و چگونه باید عمل کند؟

ج - می‌تواند به مسافرت برود، ولو این که سفر ضروری هم نباشد؛ ولیکن قضای آنرا باید گرفت و کفاره هم ندارد. ۷۶/۸/۸

﴿س ۱۳۳۰﴾ آیا ملاک در درست بودن روزه برای کسی که بعد از ظهر به مسافرت می‌رود، بیرون رفتن بعد از ظهر از خانه است یا بیرون رفتن بعد از ظهر از شهر؟

ج - ملاک، محل سکونت و شهر است، یعنی هنگام زوال ظهر باید در محل زندگی و شهر باشد، نه در حدّ ترخّص و در مسیر سفر، تا روزه آن روزه درست باشد.

﴿س ۱۳۳۱﴾ مسافری که بعد از ظهر وارد محل سکونت خود می‌شود، ولی در سفر روزه خود را افطار نکرده است، آیا می‌تواند در وطن افطار کند؟ یا حقّ افطار ندارد و روزه را باید تمام کند؟

ج - گرفتن روزه بر او جایز نیست، و روزه اش هم باطل است، و قضا دارد، لیکن امساک از مفطرات، مستحب است. ۷۵/۱۱/۱۴

﴿س ۱۳۳۲﴾ سربازی در پایگاه محل خدمت خود در ماه مبارک رمضان، بیست روز روزه می‌گیرد، پس از بیست روز به او گفته می‌شود در صورتی می‌توانستید روزه بگیرید که قبل از ماه رمضان سی و یک روز در این محل ساکن باشید، لذا از فردای آن روز، روزه را افطار کنید و نمازتان را هم شکسته بخوانید، و قضای روزه‌ها را نیز باید به جا آورید. با توجه به اینکه مدت ده روز قصد کرده بوده. آیا این روزه‌ها را باید قضا کند؟

ج - با فرض اینکه مطمئن بوده ده روز به بالا در آن محل می‌ماند، روزه و قصدش هر دو درست است. ۷۱/۱۰/۹

﴿س ۱۳۳۳﴾ اگر فرد روزه دار پیش از ظهر به مکانی برود که فاصله آن تا وطنش بیش از چهار فرسخ است، و تا پیش از ظهر به وطن خود برسد، روزه اش چه حکمی دارد؟

ج - چنانچه افطار نکند و به وطن خود یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برگردد، روزه او صحیح است. ۷۶/۱/۴

﴿س ۱۳۳۴﴾ شخصی که قبل از ظهر در ماه مبارک رمضان، مسافر بوده، اگر قبل از اذان به جایی رسیده که اذان شهر را می‌شنود و دیوارهای آن را می‌بیند، ولی هنوز وارد شهر نشده، آیا روزه آن روزش صحیح است یا خیر؟

ج - ظاهراً روزه اش درست نیست و حقّ افطار دارد، هر چند احتیاط مستحب در گرفتن روزه و قضای آن است، و احوط و اولی برای کسی که مطمئن است یا شک دارد که قبل از ظهر وارد شهر می‌شود یا خیر، آن است که روزه خود را در همان حال سفر، افطار کند.

﴿س ۱۳۳۵﴾ در صورتی که تکلیف مکلف در بعضی موارد، جمع بین قصر و اتمام باشد، آیا می‌تواند روزه بگیرد یا خیر؟ و اگر گرفت و در ماه رمضان بود، آیا لازم است بعداً آن را قضا کند یا خیر؟

ج - مواردی که احتیاطاً بین نماز قصر و اتمام، جمع می‌شود، نسبت به روزه هم جمعش به گرفتن روزه و قضای آن است.
۷۵/۲/۱۳

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

﴿س ۱۳۳۶﴾ این جانب دختری هستم که ده سال شمسی سن دارم و در نه سالگی بنا به توصیه پدرم حضرت عالی را به عنوان مرجع خود، انتخاب نمودم. لطفاً بفرمایید امسال روزه بر من واجب است یا خیر؟ و کلاً از چه سنّی می‌باید نماز و روزه خود را به جا آورم؟

ج - تا قبل از سیزده سالگی تمام قمری (که هنوز نسبت به شما محقق نشده)، چون بالغه نیستید، چیزی از واجبات برای شما واجب نیست که ترکش معصیت و گناه باشد؛ لیکن تا حدّی که اذیت نشوید، انجام دادن آنها مطلوب است، و ناگفته نماند که هر دختری هر زمان، ولو قبل از سیزده سالگی عادت زنانه بشود و یا موی درشت، بالای محلّ زنانه‌اش برآید، بالغه و مکلفه است که همه واجبات را باید انجام دهد، و مثل بزرگسالان است؛ وگرنه همان تمام شدن سیزده سال قمری است؛ و نیز ناگفته نماند که هر سال شمسی، ده روز بیش از قمری است.

۷۶/۹/۳۰

﴿س ۱۳۳۷﴾ پیرزنی که در شصت سالگی به علت بیماری، ضعف بدن و توصیه پزشکان روزه نگرفته است، و از این پس هم روزه گرفتن برایش ضرر دارد، تکلیفش چیست؟ آیا کفّاره بر او لازم است؟

ج - روزه بر پیر مرد و پیر زن اگر طاقت روزه گرفتن نداشته باشند، و یا روزه برای آنها مشقّت داشته باشد، واجب نیست، و در صورتی که طاقت روزه گرفتن نداشته باشند، کفّاره هم ندارد.
۷۱/۹/۱۷

﴿س ۱۳۳۸﴾ با توجه به این که بنده از نظر جسمانی خیلی ضعیف هستم و در سر بازی به سر می‌برم و روزه برایم دشوار است، آیا باید همه روزه‌ها را بگیرم؟

ج - اگر احتمال ضرر و زحمت در روزه گرفتن برای کسی باشد، می‌تواند روزه‌اش را افطار نماید و معیار در خوردن روزه، همان احتمال مشقت و زحمت و بیماری است و احتیاج به اطمینان ندارد. ۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۱۳۳۹﴾ اگر انسان فکر کند که نمی‌تواند در ماه رمضان روزه بگیرد، آیا این برای روزه نگرفتن کافی است؟

ج - در فرض سؤال، اگر انسان احتمال بدهد که روزه گرفتن برایش ضرر دارد، نباید روزه بگیرد و باید برای هر روز، یک مُد طعام به فقیر بدهد. ۷۸/۷/۲۹

﴿س ۱۳۴۰﴾ این جانب ۵۲ سال دارم و در تمام عمرم بجز یکی دو سال نتوانسته‌ام روزه بگیرم چرا که سر درد و حالت تهوع می‌گرفته‌ام. تکلیف من چیست؟ اگر وظیفه‌ام دادن کفاره باشد، آیا می‌توانم تمام پول کفاره را به مادر زنم که بی‌سرپرست و بی‌بضاعت است، بدهم تا به طور روزمره امرار معاش کند؟

ج - تنها آنچه بر عهده امثال شماست که نتوانسته‌اید به خاطر سر درد و حالت تهوع، روزه بگیرید و همیشه این حالت را داشته‌اید، ادای فدیة است؛ یعنی برای هر روز، ۷۵۰ گرم گندم یا نان بدهید، و می‌توانید برای هر چند روز، گندم بخرید و به مادر زن‌تان که مستحق است، بدهید، او بعد از مالک شدن، می‌تواند آن‌ها را بفروشد و از پولش زندگی خود را اداره نماید؛ اما دادن خود پول برای مخارج، کفایت نمی‌کند. ۷۸/۸/۲۰

﴿س ۱۳۴۱﴾ مادری دارم که از نعمت سواد، بی‌بهره است و به علت بیماری‌ای که بر او عارض شده، نتوانست چند روزی را روزه بگیرد. به همین علت، می‌خواهد روزه برادر کوچک‌ترم را که هشت ساله است و روزه بعضی از روزها را تماماً می‌گیرد، در قبال پاداش از او بگیرد. آیا این کار ممکن است یا این که باید خودش قضای آن را به جا آورد؟

ج - کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد و از ماه رمضان تا رمضان دیگر هم بیماری‌اش ادامه پیدا کرده، قضا بر او واجب نیست و تکلیف، ساقط است و نباید خود و یا

فرزندان را به زحمت روزه بیندازد که خداوند، اراده آسان گرفتن دارد نه مشکل گرفتن، و به هر حال، کار و روزه دیگری در مفروض سؤال، هیچ ارتباطی به مادر پیدا نمی‌کند. آری، اگر مادر، توان مالی داشته باشد، باید برای هر روز، یک مُدّ از طعام به فقیر بپردازد.

۷۸/۱۰/۱۷

﴿س ۱۳۴۲﴾ آیا افرادی که دچار بیماری سنگ کلیه هستند، در ایام ماه رمضان می‌توانند روزه بگیرند و به میزانی که کلیه‌شان دچار مشکل نشود و سنگ نسازد، آب بنوشند؟

ج - در فرض سؤال، اگر روزه گرفتن برای انسان ضرر داشته باشد و یا این که انسان، احتمال ضرر هم بدهد (احتمال عقلایی) بر چنین شخصی روزه واجب نیست، و اگر روزه بگیرد و بعد معلوم شود که برایش مضرّ بوده، صحتش محلّ اشکال است؛ ولیکن اگر کسی عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، ولو یک قطره یا حبه باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۷۷/۱۰/۱۹

﴿س ۱۳۴۳﴾ اگر فردی در طول ماه مبارک رمضان، به دلایلی مدّتی از روزه، بیهوش شود و دوباره به هوش آید و ممکن است در هنگام بیهوشی حرفی بزند و یا عملی انجام دهد که باعث ابطال روزه گردد، آیا روزه آن روزش صحیح است یا خیر؟

ج - روزه بر فرد بیهوش، ولو در قسمتی از روز، واجب نیست؛ لیکن اگر قبل از بیهوشی تیت روزه کرده، احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند.

۸۷/۱۰/۵

﴿س ۱۳۴۴﴾ پدر این جانب چند سال است که سگته کرده و به همین دلیل؛ پزشک، ایشان را از روزه گرفتن به صورت یک ماه کامل، منع نموده و گفته است گاهی اوقات می‌توانید یک روز یا دو روز در میان، روزه بگیرید. حال با توجه به شرایط مذکور، تکلیف روزه‌های ایشان چیست؟

ج - روزه‌هایی که نمی‌تواند بگیرد و معذور است، قضا ندارد، مگر آن که قبل از رسیدن به ماه رمضان سال بعد، سالم شود، به نحوی که بتواند روزه بگیرد. در این صورت، قضایش واجب است.

۷۸/۸/۱۸

﴿س ۱۳۴۵﴾ فرد بیماری که باید در طول روز قرص‌های آرام‌بخش مصرف کند، با توجه به این که توانایی روزه گرفتن را دارد، حکم روزه‌اش چگونه است؟

ج - روزه بر او واجب نیست. ۷۹/۲/۲۶

﴿س ۱۳۴۶﴾ پزشکان گفته‌اند وزن‌گیری جنین، وابسته به تغذیه و اضافه وزن مادر در دوران بارداری است. حال اگر خانم حامله‌ای روزه بگیرد، حکم روزه‌اش چگونه است؟

ج - اگر احتمال بدهد که روزه برای جنین یا خودش ضرر دارد و احتمالش هم عقلایی و متعارف باشد، روزه بر او واجب نیست و باید افطار نماید و بعد از وضع حمل و رفع عُذر، قضای روزه‌هایش را بگیرد، و ناگفته نماند که همان نظر پزشکان در عقلایی و متعارف بودن، قطعاً کفایت می‌کند. ۷۹/۳/۸

﴿س ۱۳۴۷﴾ با عنایت به این که در بعضی تحقیقات بعضی کشورها اعلام شده که روزه گرفتن باعث بدتر شدن زخم معده می‌شود و در ایران هم تا به حال، نتیجه خاص قابل‌اجرایی به دست نیامده است، لطفاً بفرمایید حکم روزه بیمارانی که خوف بدتر شدن بیماریشان را از آینده دارند، چیست؟ نیز حکم روزه بیماری که مبتلا به بیماری گوارشی است و با مصرف قرص ضد درد می‌تواند درد ناشی از بیماری فوق‌را کاهش دهد، ولی اگر روزه بگیرد، از نیمه روز دردش شروع می‌شود و یا بیماری که اگر روزه نگیرد، زودتر بهبود می‌یابد، چیست؟

ج - احتمال بدتر شدن و درد کشیدن و دیرتر بهبود یافتن، همه این‌ها مجوز نگرفتن روزه است؛ یعنی اگر در روزه گرفتن، احتمال بیماری، دیر بهبود یافتن یا درد کشیدن وجود داشته باشد، روزه گرفتن بر او واجب نیست و افطار برای همان احتمال، جایز است، چه رسد به اطمینان به آن گرفتاری‌ها و بیماری‌ها. ۷۹/۳/۸

﴿س ۱۳۴۸﴾ جوانی هشتم بیست و یک ساله که مدت یک سال و نیم است که به بیماری تومور استخوانی مبتلا شده‌ام و درد شدیدی را تحمل می‌کنم که راه درمان آن، عمل جراحی و تنها راه تسکین آن در حال حاضر، مصرف آسپرین (A.S.A) است. تأثیر تسکینی این قرص بر روی بدن من حدود هشت ساعت است و باید حتماً بعد از هشت الی ده ساعت، این قرص را مجدداً مصرف کنم، وگرنه درد زانو برای من غیر قابل تحمل

است. با توجه به این که روزه‌های ماه رمضان، بیشتر از ساعت ذکر شده است، تکلیف روزه‌هایم چیست؟ و آیا دادن کفاره هم بر من واجب است؟

ج - شخصی که بیمار است و احتمال ضرر می‌دهد، نباید روزه بگیرد، و اگر عذرش از ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر ادامه پیدا کند، قضا نیز ندارد؛ لیکن برای هر روز، یک مُدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم یا جو) به فقیر بدهد. ۷۸/۱۱/۹

﴿س ۱۳۴۹﴾ اگر روزه گرفتن، موجب ناراحتی چشم نباشد، لیکن قدرت بینایی چشم را مقداری کم کند، آیا باز هم واجب است؟

ج - نباید روزه گرفت، چون روزه با احتمال ضرر هم ساقط است، چه رسد به اطمینان به ضرر؛ مگر آنکه کم شدن قدرت بینایی چشم به قدری کم باشد که مورد اعتنا قرار نگیرد و ضرر به حساب نیاید. ۷۵/۱/۴

﴿س ۱۳۵۰﴾ شخصی که به ناراحتی معده و ورم روده مبتلاست و در اثر ضعف و عدم قدرت و توانایی، نمی‌تواند روزه بگیرد، تکلیفش چیست؟

ج - شخصی که بیمار است و احتمال ضرر می‌دهد، نباید روزه بگیرد، و برای هر روز، باید یک مُدّ طعام به فقیر بدهد. ۷۱/۱۲/۶

﴿س ۱۳۵۱﴾ این جانب به علت ضعف در ناحیه پا، که به تأیید پزشک، ناشی از کم خونی است و به جهت ترس از شدت یافتن بیماری، نتوانستم روزه‌های ماه رمضان را بگیرم. تکلیف بنده چیست؟

ج - هر زمان که احتمال ضرر داده‌اید و می‌دهید، روزه بر شما واجب نیست، و اگر عذرتان از ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر ادامه پیدا کند، قضا نیز ندارد؛ لیکن باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهید. ۶۸/۱۱/۷

﴿س ۱۳۵۲﴾ دختری که به حد بلوغ رسیده است و به واسطه ضعف بنیه نمی‌تواند در ماه مبارک رمضان روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان تا سال دیگر نیز نمی‌تواند قضا کند، حکمش چیست؟

ج - دختری که بالغه شده، تکلیفش مانند بقیه مکلفین است. لذا اگر از ماه رمضان تا رمضان دیگر نتوانست به خاطر ضعف مفرط بنیه، روزه‌اش را قضا کند، قضا از او ساقط است؛ لیکن برای هر روز باید یک مُدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم) به فقیر بدهد. ۷۵/۱/۱۴

﴿س ۱۳۵۳﴾ این جانب به ضعف اعصاب مبتلا هستم و به درستی نمی‌دانم که روزه گرفتن واقعاً برایم ضرر دارد یا نه؛ لیکن مقداری مشقت به همراه دارد و در حین روزه داشتن وضعیت عصبی‌ام خراب می‌شود. آیا روزه بر من واجب است؟

ج - خوف از ضرر و احتمال ضرر موجب جواز افطار است، لذا روزه گرفتن بر شما واجب نیست؛ و اگر روزه بگیرید و بعد معلوم شود که برایتان مضر بوده، صحتش محل اشکال است. ۷۱/۱۲/۶

﴿س ۱۳۵۴﴾ آیا احتمال ضرر و بیماری، مجوز افطار است، یا اطمینان به ضرر و بیماری هم لازم است؟ میزان در مقدار ضرر چیست؟

ج - احتمال عقلایی به ضرر و بیماری مجوز است و اطمینان لازم نیست، و معیار، خوفِ ضرر و بیماری است؛ و میزان، مقداری است که به طور متعارف تحمّل نمی‌شود و باید غیر از ضرری باشد که بر حسب طبع، در اثر روزه برای همه روزه داران محقق می‌شود. ۷۵/۱۰/۴

﴿س ۱۳۵۵﴾ آیا افطار کردن روزه ماه مبارک رمضان و نگرفتن آن به خاطر بیماری، منوط به اجازه پزشک است یا اینکه خودش احتمال عقلایی در باره ضرر بدهد؟

ج - معیار، تشخیص خود مکلف و خوف از ضرر است، به این معنا که اگر خودش احتمال دهد که روزه برایش ضرر دارد و احتمالش هم عقلایی و متعارف باشد، مانند اینکه با استناد به گفته پزشک یا با تجربه حال خود احتمال دهد، روزه بر او واجب نیست و باید افطار کند.

﴿س ۱۳۵۶﴾ گرفتن روزه برای کسی که ترس از شدت یافتن بیماری‌اش در پایان ماه رمضان دارد، چه حکمی دارد؟

ج - واجب نیست. ۷۴/۱۰/۲۷

﴿س ۱۳۵۷﴾ روزه‌هایی که انسان گرفته و بعداً فهمیده که برایش ضرر داشته است، و موجب شدت یافتن بیماری وی شده و در نتیجه قضای آن‌ها هم برایش ضرر داشته است، چه حکمی دارد؟

ج - قضا ندارد و چیزی هم بر او نیست. ۷۱/۱۲/۶

﴿س ۱۳۵۸﴾ اگر کسی به علت ترس از ضرر، روزه نگیرد، و در نظر مردم هم ترس او به جا باشد، ولی بعداً بفهمد که شاید می‌توانسته است که روزه بگیرد. تکلیف او در مورد روزه‌های سال گذشته چیست؟

ج - اگر ترس از ضرر، از ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر ادامه داشته، روزه‌های آن ماه رمضان قضا ندارد و فقط فدیة دارد، یعنی باید برای هر روز ۷۵۰ گرم گندم یا برنج بدهد. آری، قضای ماه رمضان که قبل از رسیدن ماه رمضان دیگر متوجه شده که برایش ضرر ندارد، بر او واجب است و باید قضای آن را بگیرد. ۶۸/۴/۶

﴿س ۱۳۵۹﴾ اگر زن باردار به حدی ضعیف باشد که در صورت روزه گرفتن، در ماه‌های اولیه احتمال آسیب رسیدن به جنین یا خود او در بین باشد، آیا گرفتن روزه بر او واجب است؟

ج - با احتمال ضرر و آسیب به جنین در رَجْم و یا به مادر از ناحیه روزه، خوردن روزه، جایز، بلکه واجب است و گرفتن جنین روزه‌ای مسقط تکلیف نیست. ناگفته نماند که محض احتمال ضرر، برای خوردن روزه کافی است و نیازی به اطمینان و حجّت شرعی نیست، البته در صورتی که ضرر برای بچه باشد، برای هر روز، باید یک مُدّ طعام کفّاره بپردازد، و اگر ضرر برای خود او بوده بنا بر احتیاط واجب، یک مُدّ طعام کفّاره بدهد. ۸۶/۶/۱۰

﴿س ۱۳۶۰﴾ زنی که به بچه شیر می‌دهد، و شیر او کم است و دایه‌ای هم نیست تا برای این طفل بگیرد، و خودش هم اگر روزه بگیرد، برای طفلش ضرر دارد، آیا باید روزه بگیرد یا خیر؟

ج - روزه بر او واجب نیست؛ ولی برای هر روز، اگر ضرر برای بچه بوده نه خود او، باید یک مُدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم، جو و مانند این‌ها) به فقیر بدهد و اگر تا سال آینده نگرفت، باید برای تأخیر قضای روزه هم برای هر روز، یک مُدّ طعام، از باب کفّاره تأخیر به فقیر بدهد. ۸۶/۶/۱۰

﴿س ۱۳۶۱﴾ خانم‌هایی که به علت حاملگی یا شیر دادن بچه، روزه نمی‌گیرند، آیا روزه‌هایی را که نگرفته‌اند، باید قضا کنند؟

ج - روزه‌های فوت شده قضا دارد و برای هر روز هم، اگر ضرر برای بچه بوده نه خود آنها، باید یک مُدّ طعام بدهند؛ و همچنین اگر ضرر برای خود او بوده نه

بچه، بنا بر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید. و اگر قضا به تأخیر افتد، باید یک مُدّ هم به عنوان کفّاره تأخیر بدهند. ۶۸/۳/۴

﴿س ۱۳۶۲﴾ زنی که به خاطر بارداری یا شیر دادن به بچه، روزه خود را افطار نموده و بعد از ماه رمضان آن‌ها را قضا کرده است، آیا کفّاره نیز باید بپردازد؟

ج - اگر ضرر برای بچه بوده نه خود او، برای هر روز باید مُدّی از طعام بپردازد، و اگر ضرر برای خود او بوده، بنا بر احتیاط واجب یک مُدّ طعام کفّاره بپردازد، کما اینکه اگر روزه را تا رمضان دیگر نگرفت، باید برای هر روز، علاوه بر اینکه قضا بر عهده‌اش است، دو مُدّ طعام بپردازد. ۸۶/۶/۱۰

روزه‌های مستحب، مکروه و حرام

﴿س ۱۳۶۳﴾ بنده در روز بیست و پنجم ذی‌القعدة (یوم دحوالأرض)، نظر به استحباب مؤکّد روزه، نیت روزه کردم، ولی متأسّفانه قبل از اذان صبح که بیدار شدم، محتلم شده بودم، و چون در سرکار کشیک بودم، به حمام دسترسی نداشتم، لذا تیمّم بدل از غسل کرده، خوابیدم و بعد از اذان هم وضو گرفتم و با توجه به ضیق وقت، با همان لباس‌ها نماز خواندم و آن روز را روزه گرفتم، آیا روزه و نماز من صحیح بوده است؟

ج - در روزه مستحبّی، بقا بر جنابت، ولو عمداً، تا اذان صبح، موجب بطلان روزه نیست و با فرض تیمّم برای روزه مستحبّی و بقای عذر و گرفتن وضو، نماز هم صحیح است، و تطهیر بدن و لباس برای نماز به هر مقداری که ممکن است، واجب، و در غیر صورت امکان، نماز به همان نحو صحیح است. ۷۵/۶/۳

﴿س ۱۳۶۴﴾ آیا مرد برای گرفتن روزه مستحبّی، باید رضایت همسرش را کسب کند؟

ج - گرفتن روزه مستحبّی از باب تسلط انسان بر نفس خود و عمومیت ادلّه صوم مندوب، نیاز به اجازه ندارد بلکه با منع دیگری هم جایز است و زوجیت سبب عبودیت و رقیّت نمی‌باشد. آری، اگر روزه مستحبّی مخالف و منافی حقّ استمتاع

هر یک از دیگری باشد نیاز به اجازه دارد و بدون رضایت و اجازه، غیر جایز و حرام است، چون منکر بوده و خلاف معاشرت با معروف است چنانکه خداوند در قرآن کریم فرمود: «وعاشروهن بالمعروف»، «ولهن مثل الذي عليهن» و فرقی در این مورد بین زن و شوهر نمی‌باشد. ۸۴/۱۰/۲۴

﴿س ۱۳۶۵﴾ اگر زن روز مستحبی بگیرد و شوهر او ناراضی باشد، روزه او چه حکمی دارد؟ ج - اگر مانع حق استمتاع شوهر گردد، روزه اش باطل است. ۷۸/۹/۲۹

﴿س ۱۳۶۶﴾ روزه مستحبی فرزند، بدون اجازه پدر و مادری که منظورشان از منع فرزند، دلسوزی است، و نیز روزه مستحبی زن، بدون اجازه شوهر، چه حکمی دارد؟

ج - روزه مستحبی اولاد، اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود، جایز نیست؛ بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود، ولی او را از گرفتن روزه مستحبی منع کنند، احتیاط مستحب آن است که روزه نگیرد، اما زن اگر به واسطه گرفتن روزه مستحبی، حق شوهرش از بین برود، نباید روزه بگیرد؛ همچنین اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی (نه برای اذیت کردن) منع کند، بنا بر احتیاط مستحب، باید خودداری کند. ۷۸/۷/۱

﴿س ۱۳۶۷﴾ روزه روز عاشورا و روز عید قربان چه حکمی دارد؟

ج - روزه گرفتن در روز عید قربان حرام، ولی روزه گرفتن در روز عاشورا، مکروه است. ۷۵/۱۲/۲۴

﴿س ۱۳۶۸﴾ اگر دوستی سفیه یا دوستانی دیگر برای اینکه ما را به خوردن روزه مستحبی مجبور کنند، چیزی را تعارف کنند، آیا باز مستحب است که اجابت کنیم و روزه استحبابی را بخوریم یا خیر؟

ج - استحباب دارد. ۷۴/۱۱/۳۰

﴿س ۱۳۶۹﴾ شخصی روزه استحبابی می‌گیرد و دوستش به او شکلاتی تعارف می‌کند، آیا می‌تواند بگیرد و مصرف کند؟ آیا این فرض هم از موارد استحباب اجابت برادر مؤمن است؟

ج - اگر اجابت کند، ثواب بیشتری کسب کرده است. ۷۴/۱۱/۳۰

مسائل متفرقه روزه

﴿س ۱۳۷۰﴾ اگر زن برای اینکه روزه‌های ماه رمضان را بگیرد، قرص بخورد تا عادت نشود، آیا روزه‌اش درست است؟

ج - این کار جایز و روزه‌اش صحیح است.

﴿س ۱۳۷۱﴾ اگر زن در ماه مبارک رمضان خود را آرایش کند، اشکالی دارد؟

ج - بلامانع است. ۶۹/۱۲/۲۰

﴿س ۱۳۷۲﴾ کسی که در غیر ماه رمضان نماز مغربش را بخواند و نماز عشا را فراموش

کند، فردای آن شب، روزه بر او واجب است یا نه؟

ج - روزه‌اش واجب نیست؛ هر چند احتیاط مستحب در گرفتن آن است. ۷۶/۱۰/۲۷

﴿س ۱۳۷۳﴾ طرح افطاری آموزش و پرورش به این صورت است که مدیران مدارس،

مبلغی پول یا مقداری برنج تعیین می‌کنند که دانش‌آموزان به مدارس بیاورند تا در یک شب ماه مبارک رمضان به دانش‌آموزان، افطاری بدهند. مدیر مدرسه، معلمان را هم دعوت می‌کند تا مراسم افطاری را به کمک آن‌ها به پایان برساند، همچنین در اردوهای دانش‌آموزان، تعدادی از معلمان به عنوان همراه و سرپرست در این اردو شرکت می‌کنند و از ناهاری که از پول دانش‌آموزان تهیه شده است، به این معلمان هم داده می‌شود. خوردن این غذاها برای آن‌ها چه حکمی دارد؟

ج - اگر ظواهر حال، دال بر رضایت کسانی است که پول را برای افطاری یا اردو

داده‌اند، مانعی ندارد که معمولاً هم چنین است؛ یعنی کسی که پول را برای افطاری

یا اردو و بچه‌ها می‌دهد، اگر به او گفته شود که آیا معلمان هم مثلاً می‌توانند از

این افطاری و غذای اردو بخورند و استفاده نمایند، استقبال می‌کند و خود این

استقبال تقدیری، برای جواز کفایت می‌کند. ۷۷/۲/۶

﴿س ۱۳۷۴﴾ آیا سفر در ماه مبارک رمضان برای زیارت عتبات عالیات (مانند نجف

اشرف، کربلای معلی و غیره) مستحب است یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال مستحب است. ۸۲/۱۱/۶

﴿س ۱۳۷۵﴾ آیا روزه به نیت لاغری، حرام است؟ همان طوری که می‌دانید روزه باعث دفع و آب کردن چربی‌های اضافه بدن می‌شود و افرادی روزه را برای لاغری می‌گیرند، آیا حرام است؟

ج - اگر به قصد قربت باشد یعنی می‌خواهد ثواب هم ببرد، مانعی ندارد. ۸۱/۱۲/۹

﴿س ۱۳۷۶﴾ اهدای خون در ماه مبارک رمضان چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد، بلکه چون هرکار خیری در ماه مبارک رمضان ثوابش از بقیه وقت‌ها زیادتر است؛ ثواب اهدای خون هم در آن ماه قطعاً زیادتر خواهد بود. چگونه نباشد و حال آن که اهدای خون فی حدّ نفسه خدمت به جان و زنده ماندن انسان‌هاست. آری، اگر گرفتن خون در روز برای روزه دار باعث ضعف او شود؛ چه نیکو که در روز انجام ندهد. ۸۱/۸/۱۱

﴿س ۱۳۷۷﴾ این که موقع افطار ماه مبارک رمضان سفره غذا آماده و خانواده منتظر باشند لازم است که انسان اول افطار کند سپس نماز بخواند. آیا این مسأله در غیر ماه رمضان مثلاً نماز ظهر هم صحت دارد در حالی که خانواده منتظر نهار هستند و موقع نماز هم هست کدام یک مقدم است؟ نماز یا غذا؟

ج - بهتر، افطار نمودن است و مستحب می‌باشد و ثواب افطار نمودن و در انتظار قرار ندادن دیگران بیش از نماز اول وقت می‌باشد و فرقی بین روزه و ماه رمضان و غیر آن نیست. ۸۳/۸/۱۴

احکام اعتکاف

﴿س ۱۳۷۸﴾ شرایط صحیح بودن اعتکاف چیست؟

ج - شرط صحت اعتکاف عبارت است از:

۱. عقل؛ ۲. نیت؛ ۳. روزه گرفتن در ایام اعتکاف؛ ۴. کمتر از سه روز نباشد و سه روز هم از طلوع فجر روز اول تا غروب آفتاب روز سوم محقق می‌شود؛ ۵. در یکی از مساجد اربعه باشد (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجد بصره) و در غیر از این مساجد از مساجد جامع باید به قصد رجا و امید ثواب و احتمال استحباب معتکف شود؛ ۶. اذن کسی که اذنش معتبر است مانند مستأجر نسبت به اجیر خاصش؛ ۷. ماندن تمام ایام اعتکاف در مسجد و خارج نشدن از مسجد، مگر برای ضرورت و کارهای مطلوب و مرغوب شرعی. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۷۹﴾ آیا «ایمان» از شرایط اعتکاف است یا «اسلام»؟

ج - اسلام کفایت می‌کند. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۸۰﴾ آیا در اعتکاف شرط بلوغ لازم است یا خیر؟

ج - بلوغ شرط صحت اعتکاف نیست، بنابراین اعتکاف غیر بالغ ممیز صحیح می‌باشد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۸۱﴾ آیا اعتکاف کودک ممیز صحیح است؟

ج - اقوی، صحت اعتکاف کودک ممیز است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۸۲﴾ آیا در اعتکاف نیازی به قصد نمودن عبادات دیگر (علاوه بر نیت اعتکاف)

هم هست؟

ج - آنچه برای اعتکاف شرط است، نیت کردن خود اعتکاف است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۸۳﴾ آیا در اعتکاف واجب و مستحب، قصد وجوب یا استحباب لازم است؟

ج - همین که نیت اعتکاف می‌کند کفایت می‌کند، بلکه نیت وجوب برای اعتکاف

۸۲/۵/۸

معنا ندارد.

﴿س ۱۳۸۴﴾ اگر از روی اشتباه برای اعتکاف واجب، نیت استحباب نماید (یا بالعکس)

تکلیف چیست؟

۸۲/۵/۸

ج - ضرری به اعتکاف نمی‌زند و صحیح است.

﴿س ۱۳۸۵﴾ آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف مستحب، لازم است؟

ج - تجدید نیت لازم نیست اگر چه بهتر آن است که در روز سوم، نیت را تجدید کند.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۸۶﴾ زمان نیت اعتکاف چه وقتی می‌باشد؟ آیا اول شب می‌شود نیت کرد؟

ج - وقت نیت، قبل از فجر است و اما اگر از اول شب هم اعتکاف را شروع می‌کند

۸۲/۵/۸

می‌تواند نیت کند.

﴿س ۱۳۸۷﴾ بهترین وقت اعتکاف در روایات وارده دهه آخر رمضان است و این که

مرسوم شده در «ایام البیض» شهر رجب، عده‌ای اعتکاف می‌نمایند، تا چه حد در روایات

و اخبار، وارد شده است؟ و آیا «ایام البیض» ماه رجب، خصوصیتی دارد؟

ج - در روایات دیگر نسبت به «شهر حرم» هم آمده و رجب، هم از «شهر حرم»

۷۸/۸/۱۶

است، و «ایام البیض» رجب برای اعتکاف، خصوصیتی ندارد.

﴿س ۱۳۸۸﴾ مستحبات اعتکاف چیست؟

۷۸/۸/۱۶

ج - عبادت، دعا و ذکر است.

﴿س ۱۳۸۹﴾ آیا اعتکاف را به نیابت از کسی که مرده است و یا به نیابت از کسی که زنده

است می‌توان انجام داد؟

۸۲/۵/۸

ج - آری، می‌توان انجام داد.

﴿س ۱۳۹۰﴾ آیا زن‌هایی توانند معتکف شوند؟ و اگر در روزهای عادت، قرص بخورند (تا

از حالت عادت خارج شده و روزه آن‌ها صحیح باشد) و معتکف شوند چه صورت دارد؟

۸۲/۵/۸

ج - فی حدّ نفسه مانعی ندارد.

﴿س ۱۳۹۱﴾ ۱. آیا هرگونه روزه ولو استیجاری و ... برای اعتکاف کافی است؟

۲. اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود؛ آیا می‌تواند در همان ایام، روزه نذری یا استیجاری را که بر عهده او می‌باشد در همان اعتکاف به جا آورد؟ اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد، آیا کفایت از روزه نذری یا اجاره‌ای می‌کند؟

ج ۱- آری، کفایت می‌کند و آنچه در اعتکاف معتبر است گرفتن روزه در ایام اعتکاف است نه روزه برای اعتکاف.

ج ۲- آری می‌تواند، اما اگر اعتکاف را نذر کرده باشد - با این قصد که روزه برای اعتکاف باشد - کفایت از نذر و اجاره نمی‌کند.

﴿س ۱۳۹۲﴾ اعتکاف در چه موقعی واجب و چه موقعی مستحب است؟ (موارد و وجوب و استحباب)؟

ج - اعتکاف به خودی خود مستحب است و بخاطر مواردی چون نذر و عهد و قسم و اجاره و غیر آنها واجب می‌شود.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۹۳﴾ آیا اعتکاف مسافر صحیح است؟

ج - چون یکی از شرایط صحت اعتکاف گرفتن روزه می‌باشد، بنابراین اگر بتواند در سفر روزه بگیرد مثل اینکه نذر کرده باشد که روزهای مشخصی را در سفر روزه بگیرد، اعتکاف صحیح می‌باشد، چون اعتکاف در سفر همانند حضر صحیح است.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۹۴﴾ آیا نذر روزه در سفر، جهت صحت اعتکاف، نذر اعتکاف هم حساب می‌شود که اعتکاف واجب عینی شود یا خیر؟

ج - نذر روزه در اعتکاف، نذر اعتکاف نیست. بنابراین، اگر تخلف نمود، کفاره حث روزه را باید بپردازد و روزه آن را اگر معین بوده، باید قضا نماید.

۷۷/۸/۹

﴿س ۱۳۹۵﴾ آیا انسان می‌تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد؟

۸۲/۵/۸

ج - آری می‌تواند.

﴿س ۱۳۹۶﴾ کسی که نذر کرده است که در «ایام البیض»، در مسجد مقدّس جمکران معتکف شود، آیا با فرض مسافر بودن او و این که نذر کرده که در صورت مسافر بودن هم روزه بگیرد، آیا نذرش منعقد شده است یا خیر؟ آیا درحالی که مسافر است، اعتکافش صحیح است؟

ج - نذر روزه مستحبّی در سفر، اگر به قید سفر باشد، صحیح است؛ یعنی اگر نذر کرده که «ایام البیض» رجب را در سفر، روزه بگیرد و در مورد اعتکاف همین قدر که بتواند در سفر روزه بگیرد، اعتکافش هم درست می‌شود، چون اعتکاف در سفر، همانند حَضَر، صحیح است.
۷۷/۸/۹

﴿س ۱۳۹۷﴾ آیا در حین مسافرت می‌شود روزه در سفر را نذر کرد؟

ج - آری می‌تواند.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۳۹۸﴾ شخصی نذر کرده که در ایام البیض ماه رجب، در مسجد مقدّس جمکران معتکف شود و نذر کرده که در فرض مسافرت روزه هم بگیرد؛ آیا نذرش منعقد شده است؟ آیا اعتکاف او صحیح است (هرچند مسافر باشد)؟

ج - اگر نذر کرده که در سفر روزه بگیرد؛ از این حیث نذرش صحیح است. ۸۲/۵/۸
﴿س ۱۳۹۹﴾ شخصی برای درک فضیلت اعتکاف در مشهد مقدّس، بعد از رسیدن به مشهد و بدون قصد اقامت، نذر کرده سه روز روزه بگیرد. آیا چنین نذری صحیح است؟
ج - از این حیث، نذرش صحیح است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۰﴾ آیا زن باید برای اعتکاف از شوهرش اجازه بگیرد؟ اگر معتکف شدن او با حقّ شوهر منافات نداشته باشد، چطور؟

ج - اگر منافات با حقّ استمتاع شوهر داشته باشد، باید از شوهر اجازه بگیرد.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۱﴾ آیا فرزند باید برای اعتکاف از والدین خود اجازه بگیرد؟ اگر معتکف شدن او موجب اذیت و آزار یا زحمت آن‌ها باشد، چطور؟

ج - اگر مستلزم اذیت و آزار آن‌ها باشد؛ باید اجازه بگیرد و الاّ اذن آن‌ها معتبر نیست.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۲﴾ آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب باشد؟

ج - مانعی ندارد اما اگر پنج روز شد؛ روز ششم واجب است و همین طور هر دو روز که گذشت روز سوم واجب می‌شود.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۳﴾ آیا نذر اعتکاف کمتر از سه روز و همچنین نذر اعتکاف معینی که روز سوم آن عید قربان یا عید فطر باشد منعقد می‌شود؟

ج - منعقد نمی‌شود و اعتکاف کمتر از سه روز باطل است.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۴﴾ منظور از روز در اعتکاف چیست؟ آیا پایان روز غروب آفتاب است یا مغرب؟

ج - وقت مغرب، همان غروب عرفی است که خورشید غروب می‌کند. بنابراین با استتار قرص خورشید، مغرب محقق شده و روز تمام می‌شود.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۵﴾ اگر کسی نذر کند سه روز منفصل اعتکاف کند؛ آیا نذرش منعقد می‌شود؟

ج - چون از شرایط اعتکاف، اتصال ایام است، بنابراین نذر منعقد نمی‌شود.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۶﴾ آیا در تحقق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

ج - کفایت نمی‌کند و باید حداقل سه روز پی‌درپی باشد.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۷﴾ در چه مساجدی می‌توان اعتکاف نمود؟

ج - در مساجد اربعه می‌توان معتکف شد و نیز در هر مسجدی که رفت و آمد در آن زیاد باشد به حیث که مسجد جامع محسوب گردد به قصد رجا و امید ثواب و احتمال استحباب می‌توان معتکف شد.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۰۸﴾ آیا اعتکاف در مسجد جامع صحیح است؟ اعتکاف در غیر مسجد جامع

چگونه است؟

ج - اعتکاف در غیر مساجد جامع، جایز نیست و رجائاً تنها در مساجد جامع جایز

۸۲/۵/۸

است، نه مساجد محلّه و امکانه معینه دیگر.

﴿س ۱۴۰۹﴾ تعریف مسجد جامع چیست؟ ملاک در تعیین مسجد جامع چیست؟ آیا

ممکن است تعداد مساجد جامع یک شهر یا روستا متعدد باشد؟ آیا مساجد جامع ممکن است به هم خیلی نزدیک باشد؟ آیا در تهران بزرگ در مسجد جامع هر محلّه

می‌توان اعتکاف کرد؟ آیا با حکم حاکم، جامع بودن مسجد معلوم می‌شود؟

ج - مسجد جامع مسجدی عمومی است که محلّ اجتماع عامّه و توده مردم است و اختصاص به اهل یک محل یا گروهی خاصّ یا زمانی خاصّ نداشته باشد و ممکن است در یک شهر چندین مسجد جامع وجود داشته باشد. ۸۲/۵/۸
 ﴿س ۱۴۱۰﴾ در رساله‌های عملیه، مساجد جامع و یا مسجدی که مردم زیاد در آن آمد و شد می‌نمایند، به عنوان محلّ اعتکاف آمده، در حالی که امروزه، مساجد مختلفی در محله‌های مختلف به عنوان محلّ اعتکاف، استفاده می‌شود که شکّ در جامعیت آن‌هاست. حکم این مسئله چیست؟

ج - باشکّ در جامعیت، اعتکاف در آن‌ها صحیح نیست. ۸۲/۵/۸
 ﴿س ۱۴۱۱﴾ آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاه‌ها، رجائاً اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحّت، احکام اعتکاف، از قبیل ترک محرّمات اعتکاف بر آن‌ها جاری می‌شود یا خیر؟

ج - جایز نیست و رجائاً تنها در مساجد جامع جایز است، نه مساجد محل و امکانه معینه دیگر. ۷۷/۸/۹

﴿س ۱۴۱۲﴾ ممکن است بر اثر شرایط به وجود آمده، مثل توسعه و پیشرفت محل و بزرگی مساجد، رجوع عامّه مردم در زمان‌های مختلف به مساجد، کم و زیاد شود. مثلاً در برهه‌ای از زمان، رجوع عامّه مردم به مسجدی بوده، چون وسعت بیشتر داشته و در وسط محل بوده و به مرور زمان، مسجد دیگری در آن محل، ساخته می‌شود که بنا به دلایلی رجوع عامّه مردم به مسجد جدید بیشتر است، آیا این شرایط، باعث می‌شود مسجد جامع به مسجد جدید اطلاق شود یا مسجد جامع، همان مسجد قدیمی خواهد بود؟

ج - ملاک، جامعیت مسجد است نه جامعیت برای شهر یا محله. اگر هر دو مسجد، محلّ رفت و آمد و اجتماع مردم آن محله با محله‌های دیگر هستند، هر دو مسجد جامع‌اند و اگر یکی از جامعیت به این معنا خارج شده، مسجد دیگر که دارای وصف مذکور است، مسجد جامع است و باید توجه داشت که مسجد جامع بودن و نبودن، تنها در مسئله اعتکاف اثر دارد، نه در بقیه احکام مساجد. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۴۱۳﴾ اگر اعتکاف در زیر زمین مسجد جایز و صحیح باشد، در صورتی که بین طبقه پایین و بالا در ورودی داشته باشد، اگرچه زیر زمین به عنوان طبقه پایین مسجد تلقی شود، می‌توان اعمال را در طبقه بالا انجام داد و طبقه پایین، محل آسکان و خواب و استراحت باشد یا خیر؟ آیا هر دو محل باید در یک مکان باشند؟

ج - هر مسجدی که رفت و آمد در آن زیاد باشد، به حیث این که مسجد جامع محسوب گردد، اعتکاف در همه جای آن درست است و تغییر مکان و تحوّل ذکر شده در سؤال مضرّ به اعتکاف نیست.
۷۷/۸/۹

﴿س ۱۴۱۴﴾ آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟

ج - با فرض مطلوبیت، مانعی ندارد.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۱۵﴾ اگر آجر و خاک مسجد یا لباس معتکف غصبی باشد، اعتکاف چه حکمی دارد؟

ج - اعتکاف صحیح است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۱۶﴾ اگر جای کسی را که معتکف بوده غصب کند فرموده اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود ولی حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد، آیا کفاره هم دارد یا خیر؟ اگر کسی را که زودتر از او وارد مسجد شده، بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟

ج - اعتکاف با عوض کردن محل - بر فرض بطلان آن با غضبیت محلّ قبلی در مسجد - صحیح است، گرچه مرتکب تضييع حق و غضب شده باشد.
۷۷/۸/۹

﴿س ۱۴۱۷﴾ آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می‌شود؟

ج - ایجاد حق نمی‌کند.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۱۸﴾ اگر اعتکاف واجب خود را در مسجدی به جا آورد و بعداً بفهمد که اعتکاف در آنجا صحیح نبوده است؛ اعتکاف او چه حکمی دارد؟

ج - اعتکافش باطل است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۱۹﴾ آیا این عبارت صحیح است؟ «پشت بام و سرداب و محراب مسجد، و هر چه به سبب توسعه مسجد بر آن افزوده شده جزء مسجد به حساب می آید، مگر آنکه بدانیم جزء مسجد نیست. یعنی در صورت شک، چنین جاهایی، حکم مسجد را دارد».

ج - آنچه که از سطح مسجد و سرداب و محراب، جزء مسجد بوده تا مادامی که علم به خارج شدن آن‌ها از مسجدیت نباشد، حکم مسجد را دارد، اما آنچه اضافه شده تا یقین به جزء مسجد شدن آن‌ها نباشد، حکم مسجد را ندارد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۰﴾ جایی را که انسان نداند جزو مسجد است یا از متعلقات آن، آیا حکم مسجد را دارد؟

ج - برای اعتکاف، حکم مسجد را ندارد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۱﴾ آیا فرض اولیه بر این است که قسمت‌های مختلف مسجد، حکم مسجد را دارند یا آنکه باید مسجد بودن آن‌ها ثابت شود؟

ج - باید یقین به جزء مسجد بودن داشته باشد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۲﴾ اعتکاف در مکان‌های که شک داریم جزء مسجد است (مثل بام، سرداب، حیاط و مقداری که به مسجد افزوده شده) چه حکمی دارد؟

ج - باید یقین به جزء مسجد بودن داشته باشد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۳﴾ آیا اعتکاف در دو مسجد متصل به هم (به طوری که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند) جایز است؟

ج - اگر هر دو مسجد، مسجد جامع باشند؛ طبق ملاکی که گذشت، مانعی ندارد و الا جایز نیست. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۴﴾ اگر مسجدی در کنار جاده‌ای در بیابان باشد و هر شب جمعه، جمعیت زیادی برای مراسم دعای کمیل از شهرهای اطراف به آن جا بیایند، آیا آن مسجد حکم مسجد جامع را دارا می‌باشد؟

ج - حکم مسجد جامع را ندارد. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۴۲۵﴾ حکم حیاط مسجد برای معتکف چیست؟ آیا حکم خارج از مسجد را دارد یا حکم مسجد را؟

ج - حیاط مسجد، اگر مسجد بودن آن احراز نشود، حکم مسجد را ندارد. ۷۷/۸/۹

﴿س ۱۴۲۶﴾ اگر اعتکاف به سبب پیش آمدن مانعی به هم بخورد:

۱. آیامی توان همان اعتکاف را بعد از برطرف شدن مانع در همان مسجد به پایان برد؟

۲. آیا می توان آن را در مسجد دیگری ادامه داد؟

ج ۱ و ۲- بر فرض بطلان اعتکاف، از سرگرفتن اعتکاف مجدد تابع شرایط خودش

می باشد و اعتکاف در مسجد جامع دیگر، رجائاً مانعی ندارد.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۷﴾ در چه مواردی معتکف می تواند از مسجد خارج شود؟

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد جهت کارهای مطلوب و مرغوب شرعی

- که متوقف بر خروج از مسجد است -، مانعی ندارد.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۸﴾ در چه مواردی واجب است که معتکف از مسجد خارج شود؟ اگر در

مواردی که واجب است خارج شود ولی خارج نشود؛ آیا به اعتکاف او ضرری

می زند؟

ج - برای مواردی که انجام آنها در مسجد ممکن نیست نظیر بول و غائط کردن و

غسل جنابت و غسل استحاضه و مانند اینها و اگر در مسجد جنب شود خروج

بر او واجب است و اگر خارج نشود، اعتکافش باطل است.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۲۹﴾ خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل، چه حکمی دارد؟

۱. برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن؟

۲. جهت تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف؟

۳. رفتن به بیرون مسجد و حیاط آن؟

ج ۱- مانعی ندارد، چون حاجت شرعی است، هر چند ضروری نیست.

ج ۲ و ۳- باید توجه داشت که جواز خروج از مسجد، منوط به مطلوبیت و مرغوبیت

شرعیه است نه هر امری، ولو حاجت دنیویه هم باشد، چه رسد که آن هم نباشد،

و باید بین اعتکاف در مسجد و یا ماندن در خانه و زندان، فرق باشد، و حکمت

اعتکاف، دور شدن از مسائل زندگی و ارتباط داشتن بیشتر با خالق است.

۷۷/۸/۹

﴿س ۱۴۳۰﴾ در هنگام خروج در موارد مجاز یا خروج ضروری از محل اعتکاف:

۱. آیا می‌توان زیر سایه راه رفت؟ آیا می‌توان در سایه نشست؟

۲. آیا انتخاب نزدیک‌ترین مسیر واجب است؟

ج ۱- راه رفتن زیر سایه مانعی ندارد، اگر چه بهتر این است که زیر سایه راه نرود اما نشستن زیر سایه در صورت امکان، جایز نیست.

ج ۲- احتیاط این است که نزدیک‌ترین طریق را انتخاب نماید. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۱﴾ در موارد زیر اگر عمداً و از روی اختیار در غیر موارد مجاز، از مسجد بیرون

رود، اعتکاف او چه حکمی دارد؟

۱. اگر جاهل به حکم باشد.

۲. اگر به سبب فراموشی یا اکراه از مسجد خارج شود.

ج ۱- اگر جاهل به حکم باشد، اعتکافش باطل است.

ج ۲- اگر به سبب فراموشی یا اکراه از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نیست.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۲﴾ اگر کسی در مسجد جنب شد، آیا می‌تواند در مسجد غسل کند؟ وظیفه

او چیست؟

ج - نمی‌تواند، بلکه واجب است از مسجد خارج شود. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۳﴾ اگر در مسجد الحرام و مسجد النبی جنب شود، وظیفه او چیست؟

ج - واجب است که تیمم نماید و برای غسل کردن خارج شود. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۴﴾ توقف با حال جنابت در مسجد آیا ضروری به اعتکاف می‌زند؟

ج - اعتکاف را باطل می‌کند. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۵﴾ خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف) برای وضو؛ ب) غسل مستحبی و مسواک زدن؛ ج) جهت دیدار با خانواده در بیرون از محدوده مسجد؛ د) جهت تلفن زدن به خانواده در موارد ضروری و امور متعارف؛ ه) برای شرکت در دروس حوزه و دانشگاه.

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد جهت کارهای مطلوب و مرغوب شرعی

- که متوقف بر خروج از مسجد است -، مانعی ندارد؛ اما باید توجه نماید که بیش

از حاجت بیرون نماند و بیرون ماندن به قدری طول نکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد مثل این که نصف روز بیرون بماند. ۸۲/۵/۸
 ﴿س ۱۴۳۶﴾ با توجه به غسل مستحبی روز سوم اعتکاف و عدم وجود محل استحمام در داخل مسجد، وظیفه معتکفان چیست؟

ج - اگر می‌تواند بیرون مسجد، غسل را انجام دهد، خارج شدن از مسجد جهت غسل، مانعی ندارد، چون خروج برای امری مطلوب است؛ لیکن نباید بیش از حاجت بیرون بماند و نباید به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، مثل این که نصف روز بیرون بماند. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۷﴾ معتکف در روز سوم اعتکاف برای غسل مستحبی از مسجد خارج می‌شود. آیا اعتکاف باطل می‌شود یا خیر؟ بر فرض بطلان، تنها قضا لازم است یا کفاره هم لازم می‌باشد؟
 ج - خارج شدن از مسجد جهت غسل مستحبی مانعی ندارد، چون خروج برای امری مطلوب است، لیکن نباید بیش از حاجت بیرون بماند. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۸﴾ با توجه به این که محل سعی (بین صفا و مروه) جزء مسجد نیست، اگر شخصی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد. آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در مسجد تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد؟

ج - خیر نمی‌تواند. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۳۹﴾ در حین اعتکاف، رفتن به حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر مسجد، و دیگر قسمت‌ها و صحبت کردن و خندیدن چه حکمی دارد؟

ج - هر مسجدی که در آن اعتکاف صحیح است و همه مکان‌های ذکر شده اگر جزء مسجد باشد تغییر مکان و تحوّل ذکر شده در سؤال، مضر به اعتکاف نیست؛ و خندیدن و صحبت کردن، اگر جدال و مباحثه برای کوبیدن طرف نباشد، مبطل اعتکاف نیست. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۰﴾ آیا شخص معتکف می‌تواند برای شرکت در نماز جمعه از مسجد محلّ اعتکاف خارج شود؟

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد جهت کارهای مطلوب و مرغوب شرعی - که متوقف بر خروج از مسجد است - مانعی ندارد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۱﴾ با توجه به مشکلاتی که صرف غذا در مسجد دارد، آیا صرف غذا در سالن غذا خوری که در محوطه مسجد است برای معتکفین جایز است؟

ج - هر مسجدی که در آن اعتکاف صحیح است و همه مکان‌های ذکر شده اگر جزء مسجد باشد تغییر مکان و تحوّل ذکر شده در سؤال، مضر به اعتکاف نیست. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۲﴾ آیا روحانی‌ای که معتکف شده می‌تواند برای امامت جماعت به مسجد دیگری و یا برای منبر رفتن به محل دیگر برود و به محل اعتکاف برگردد؟

ج - برای امام جماعت مانعی ندارد، اما منبر رفتن اگر عرفاً ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد و الا نباید برود. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۳﴾ آیا کارمندان و معلمین می‌توانند معتکف شوند و سرکلاس و محل کار رفته و سپس به مسجد برگردند؟

ج - خیر نمی‌توانند. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۴﴾ چه چیزهایی بر معتکف حرام است؟ و کدام یک از آن‌ها باطل‌کننده اعتکاف است؟

ج - پنج چیز بر معتکف حرام است؛ لیکن احتیاط مستحب در ترک همه محرّمات احرام است: ۱. امور شهویه مربوط به زنان، مانند آمیزش و لمس کردن و بوسیدن؛ ۲. استمنا؛

۳. استشمام بوهای خوش و یا گیاهان خوش بو و لذت بردن از آن‌ها؛

۴. خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، بنا بر احوط؛

۵. مجادله و مباحثه برای کوبیدن کسی و غلبه بر او.

و محرّمات ذکر شده، همان طور که معصیت و گناه است، اگر عمداً انجام گیرد، موجب بطلان اعتکاف نیز هست. ۷۷/۱۱/۱۷

﴿س ۱۴۴۵﴾ آیا در حال اعتکاف بوییدن عطریات و گیاهان خوشبو «برای لذت بردن» حرام است یا اگر لذت هم نبرد جایز نیست؟

ج - اگر برای لذت بردن باشد، حرام است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۶﴾ اگر در اعتکاف معامله‌ای انجام دهد، آیا آن معامله صحیح است؟

ج - معامله صحیح است، اگر چه اعتکافش هم باطل می‌شود. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۷﴾ آیا در صورت نیاز و ضرورت می‌توان در اعتکاف خرید و فروش کرد؟ آیا در این امور توکیل یا نقل به غیر بیع، لازم است (یعنی به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر خرید و فروش، مثلاً با قرض یا بخشش، نقل و انتقال کند؟)

ج - اگر ضرورت عرفی برای نفس اعتکاف باشد و توکیل و یا نقل به غیر بیع ممکن نباشد، مانعی ندارد، اما اگر ضرورت برای غیر اعتکاف باشد، این ضرورت مجوزی برای ارتکاب آن نمی‌باشد.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۸﴾ اشتغال به امور دنیوی مثل خیاطی و... در زمان اعتکاف چه حکمی دارد؟
ج - اگر برای امور دنیوی باشد باید ترك شود، و باید بین اعتکاف در مسجد با ماندن در خانه و زندگی فرق باشد و حکمت اعتکاف دور شدن از مسائل زندگی و ارتباط زیادتر با خالق است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۴۹﴾ حکم موارد زیر برای زن و شوهر در حال اعتکاف چگونه است؟ لمس، بوسه، نگاه از روی شهوت و صحبت تلفنی از روی شهوت؟

ج - همه موارد حرام است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۵۰﴾ آیا استمناء از محرّمات اعتکاف می‌باشد؟

ج - از محرّمات اعتکاف است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۵۱﴾ چه کارهایی باعث باطل شدن اعتکاف می‌شوند؟

ج - ترك شروط ذکر شده در جواب سؤال اول فصل اعتکاف موجب بطلان اعتکاف است؛ همچنین انجام بعضی از محرّمات مانند جماع، لمس و بوسیدن با شهوت هم باعث فساد و بطلان اعتکاف است.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۵۲﴾ کدام یک از موارد زیر به صحت اعتکاف ضرر می‌زند؟

الف) غصب کردن جای معتکفین دیگر، ب) در حال اعتکاف لباس غصبی پوشیدن، ج) غصبی بودن زمین مسجد، د) غصبی بودن فرش مسجد.

ج - در کلیه موارد به صحت اعتکاف ضرر نمی‌رسد.
۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۵۳﴾ ارتکاب کدام یک از محرّمات اعتکاف، اعتکاف را باطل می‌کند؟ اگر یکی از

محرّمات اعتکاف را سهواً مرتکب شود، آیا به صحت اعتکاف ضرری وارد می‌کند؟ حکم جماع چگونه است؟

ج - همه محرّمات اگر عمداً انجام گیرد، موجب بطلان اعتکاف نیز هست، اما اگر

سهواً انجام گیرد احتیاط در اتمام و قضای اعتکاف، واجب معین است و از سر گرفتن در غیر واجب معین، اگر در دو روز اوّل باشد و اتمام و از سرگرفتن اعتکاف است، اگر در روز سوم باشد.

۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۵۴﴾ اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند تکلیفش چیست؟ اعتکاف

او چه حکمی دارد؟

۸۲/۵/۸

ج - باید به اعتکافش ادامه دهد و اعتکافش صحیح است.

﴿س ۱۴۵۵﴾ حکم طلاق و ازدواج در حال اعتکاف چیست؟

۸۲/۵/۸

ج - فی حد نفسه مانعی ندارد.

﴿س ۱۴۵۶﴾ آیا در اعتکاف انصراف و رجوع جایز است؟

ج - اگر واجب معین باشد نمی‌توان رجوع کرد، اما اگر واجب موسع باشد یا مندوب

و مستحب باشد، رجوع قبل از اکمال دو روز اوّل جایز است، اما روز سوم رجوع

۸۲/۵/۸

جایز نیست.

﴿س ۱۴۵۷﴾ آیا انسان می‌تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر برایش اتفاقی

افتاد یا مشکلی پیش آمد مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد اعتکاف را رها کند؟ حتی در روز

سوم؟ آیا لازم است اتفاق یا مشکل خاصی را در نظر بگیرد؟

۸۲/۵/۸

ج - آری، می‌تواند و لازم نیست عارض خاصی را در نظر بگیرد.

﴿س ۱۴۵۸﴾ آیا در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند

که اگر مانعی پیش آمد اعتکافم را رها می‌کنم؟

۸۲/۵/۸

ج - آری می‌تواند.

﴿س ۱۴۵۹﴾ آیا معتکف مجاز است که در هنگام نیت شرط کند که «هر وقت خواست»

(حتی در روز سوم) از اعتکاف برگردد؟ اگر بعد از نیت، حکم شرط خود را ساقط نمود،

آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟

ج - معتکف می‌تواند هنگام نیت، چنین شرطی را متذکر شود اما اگر بعداً آن شرط را

ساقط کرد، ظاهر این است که این شرط ساقط نمی‌شود، اگر چه احتیاط در

۸۲/۵/۸

ترتیب آثار سقوط چنین شرطی در اکمال دو روز اوّل است.

﴿س ۱۴۶۰﴾ اگر در حال اعتکاف واجب سهواً یا عمداً جماع کند، در مورد قضا یا اعاده اعتکاف تکلیف چیست؟ اگر اعتکاف مستحب باشد، حکم چگونه است؟

ج - اگر عمداً جماع کند، اعتکافش باطل است و اگر واجب معین باشد، باید قضا کند و اگر واجب غیر معین باشد، باید اعتکاف را از اول آغاز نماید؛ اگر اعتکاف مستحب باشد و بعد از اكمال دوروز اول باشد، باید قضا نماید و اما اگر قبل از اتمام دوروز اول باشد نباید قضا نماید و اما اگر سهواً جماع نماید از جواب سؤال ۱۴۵۵ معلوم شد. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۱﴾ اگر یکی دیگر از محرّمات اعتکاف غیر از جماع را عمداً یا سهواً انجام دهد و نیز در مورد لمس کردن و بوسیدن با شهوت که از روی سهو باشد، در هر یک از موارد زیر حکم چیست؟ الف) اگر اعتکاف واجب معین باشد، ب) اگر اعتکاف واجب غیر معین باشد، ج) اگر اعتکاف مستحب باشد و در دو روز اول مرتکب یکی از محرّمات مورد سؤال شود، د) اگر اعتکاف مستحب باشد و در روز سوم مرتکب یکی از محرّمات مورد سؤال شود.

ج - فرقی بین جماع و غیر آن از محرّمات نیست و تفصیل آن از جواب های قبل معلوم می شود. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۲﴾ در اعتکاف مستحب اگر روز سوم یکی از مفسدات اعتکاف از شخص سرزنند، آیا قضای آن را بایستی به جا آورد؟

ج - با فرض افساد در روز سوم، قضای آن واجب است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۳﴾ آیا واجب است که قضای اعتکاف را فوراً به جا آورد؟

ج - واجب نیست. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۴﴾ اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید، آیا قضا بر او واجب است؟

ج - آری، قضا بر او واجب است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۵﴾ اگر کسی اعتکاف را نذر نکرده و مستحبی به جا آورده و در روز سوم، بیمار شد یا ضرورتی برایش پیش آمد، می تواند اعتکاف را به هم بزند؟ و آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج - کفاره ندارد؛ اما باید آن اعتکاف را قضا نماید. ۷۷/۸/۹

﴿س ۱۴۶۶﴾ اگر شخص معتکف در اثنای اعتکاف واجب (به نذر یا مثل آن) بمیرد، آیا قضای آن بر ولی او واجب است؟

ج - قضای اعتکاف بر ولی واجب نیست. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۷﴾ اگر اعتکاف واجب یا مستحب را با جماع باطل کند، آیا کفاره بر او واجب است؟ آیا ارتکاب این عمل در شب یا روز، فرقی در حکم ایجاد می‌کند؟ اگر در دو روز اول یا روز سوم باشد، چطور؟

ج - آری، در اعتکاف واجب، کفاره بر او واجب می‌شود، اما اگر در ماه مبارک رمضان و یا قضای روزه رمضان باشد و بعد از زوال باشد، دو کفاره بر او واجب می‌شود و اما اگر اعتکاف مستحب باشد و قبل از اتمام دو روز اول باشد، کفاره واجب نیست، اگر چه احتیاط مستحب در دادن کفاره است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۶۸﴾ آیا برای ادای کفاره، اولویتی در موارد کفاره (آزاد کردن برده، دو ماه روزه گرفتن، شصت فقیر را اطعام کردن) وجود دارد؟ (یعنی بهتر باشد که مثلاً شصت روز روزه بگیرد و اگر نتوانست مورد دیگر را انجام دهد)؟

ج - اگر چه در کفاره مخیر است، اما احتیاط مستحب در ترتیب کفاره است. ۸۲/۵/۸
﴿س ۱۴۶۹﴾ آیا باطل کردن اعتکاف به وسیله جماع و سایر محرمات، کفاره دارد؟ و اگر کفاره دارد، آیا مثل کفاره ماه مبارک رمضان است؟

ج - فقط افساد اعتکاف با جماع، کفاره دارد و کفاره آن مانند کفاره ماه رمضان است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۷۰﴾ اگر نذر کند در ماه مبارک رمضان معتکف شود، سپس در ماه مبارک رمضان روزه خود را باطل کند، چند کفاره بر او واجب می‌شود؟

ج - سه کفاره بر او واجب می‌شود. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۷۱﴾ اگر روزه قضا را در هنگام اعتکاف واجب بگیرد و سپس روزه خود را بعد از ظهر باطل کند، چند کفاره بر او واجب است؟ اگر اعتکاف مستحب باشد، حکم چگونه است؟

ج - اگر با جماع باطل کند دو کفاره و با غیر جماع یک کفاره و در اعتکاف مستحب، فقط یک کفاره است. ۸۲/۵/۸

﴿س ۱۴۷۲﴾ صحبت با تلفن همراه در داخل مسجد به منظور تماس با خانواده در مدت اعتکاف چه حکمی دارد؟

ج - تماس تلفنی مضر به اعتکاف نبوده و مانعی ندارد، گرچه تماس با همسر به عنوان لذت، ترکش مطلوب و مناسب با اعتکاف است. ۸۲/۵/۸

خمس

درآمدهای کسبی

﴿س ۱۴۷۳﴾ خمس از ضروریات مذهب شیعه است یا از ضروریات دین اسلام یا هیچ کدام؟ و منکر آن چه حکم دارد؟

ج - خمس از ضروریات دین اسلام است و از واجباتی است که خداوند آن را برای پیامبر اکرم ﷺ و ذریه آن حضرت در عوض زکات قرار داده است و انکار آن اگر به تکذیب نبی ﷺ برگردد، موجب کفر است. ۸۰/۵/۲

﴿س ۱۴۷۴﴾ ماهو الفرق بین الخمس والزكاة من مختلف الواجه ولماذا يتم تركيز الخطباء وبعض العلماء على الخمس أكثر من الزكاة والله يحفظكم ويرعاكم ودمتم سالمين؟

ج - الفرق بينهما هو أنّ الزكاة تتعلّق بالزراعة وتربية الأغنام والأبقار والابال والخمس متعلّق بأرباح المكاسب، والظاهر ان التركيز المذكور في السؤال يكون من جهة أنّ مافي البلاد غالباً ماهو المتعلّق للخمس وهو أرباح المكاسب. ۸۲/۷/۱۵

﴿س ۱۴۷۵﴾ مدتی است که می خواهم خمس مال خود را حساب نمایم؛ اما مطلبی مرا از آن باز داشته است. این جانب در سال، به دولت اسلامی تحت نظر ولیّ فقیه و مراجع، مالیات پرداخت می نمایم و اگر اشتباه نکرده باشم، امام خمینی رحمته الله در رساله اقتصادی خود (رساله نوین)، مالیات را همان خمس بیست درصد می داند. معتقدم هزینه انجام شده در شرایط فعلی توسط دولت و ولیّ فقیه، به مقدار زیاد، مساوی و موازی است با نحوه هزینه خمس توسط مرجع تقلید و این جانب، تنها باید مبلغ مانده احتمالی مابه التفاوت بین پرداخت مالیات و بیست درصد درآمد را به مرجع تقلید خود تقدیم

نمایم؛ و در طول تاریخ اسلام، همواره حاکمان ظالم و ستمکار از مردم مالیات می‌گرفتند و مخارج دربار خود را تأمین می‌کردند و نیز در زمان شاه معدوم، مردم هر چند از دادن مالیات فرار می‌کردند و یا کم می‌دادند، ولی خمس خود را پرداخت می‌نمودند؛ اما در نظام اسلامی، اگر هر دو عمل (پرداخت مالیات و خمس) را انجام دهیم، باید جمعاً سی و پنج الی چهل درصد درآمد را تقسیم نمایم، چون مالیات هم بعد از کسر کلیه هزینه‌ها بر درآمد، اخذ می‌شود و خمس هم همین‌طور. لطفاً در این زمینه مرا راهنمایی فرمایید.

ج - مالیات، جزء مؤنه است و خمس، بر مازاد آن و بقیه مخارج سالانه تعلق می‌گیرد و پرداخت مالیات در هر کشوری وجود دارد و به خاطر تأمین مخارج مملکت، امنیت، بهداشت و اقتصاد مردم است و اختصاص به مملکت اسلامی و غیر آن ندارد، یعنی در حقیقت، مالیات‌دهنده برای این‌که بتواند درآمدی داشته باشد، چاره‌ای جز پرداخت مالیات ندارد؛ وگرنه اگر امنیت و بهداشت و اقتصاد و سایر شرایط لازمه مملکت نباشد، بدیهی است که راهی برای درآمد، وجود ندارد. پس پرداخت مالیات، در حقیقت مثل کرایه ماشین و کشتی است، بلکه بالاتر از آن‌هاست و نباید فکر کنیم که از درآمد ما گرفته شده؛ بلکه خرجی است برای درآمد، و ناگفته نماند که بحث، مربوط به مالیاتی است که وضع و خرجش روی حساب و عدل باشد. اما مسئله: اولاً خمس یک امر عبادی است و قصد قربت، در آن معتبر است و برای رضایت خداوند و اطاعت او پرداخت می‌شود؛ ثانیاً به کسی تعلق می‌گیرد که چیزی اضافه بر مؤنه سال داشته باشد؛ یعنی خانه و لوازم خانه در حد متعارف و نیاز، دارد و با کسب و تجارتش مقداری سود و استفاده می‌برد و بعد از آن‌که مخارج سالش را تأمین نمود، فرض کنیم مبلغ ده هزار تومان اضافه دارد که جهت زندگی یک ساله به آن نیاز ندارد. در این‌جاست که یک پنجم از مازاد درآمد زندگی را به عنوان خمس به مرجع تقلیدش می‌پردازد تا خرج اسلام و بیان حقایق اسلامی و فرهنگ غنی اسلام بشود و در حقیقت، یک پنجم را برای تأمین سعادت خود و فرزندان جامعه‌اش می‌پردازد و چهار پنجم، برای خودش می‌ماند و این نحو از احکام اسلامی، مانند بقیه احکام آن، هم عدل است از طرف خداوند و هم احسان.

﴿س ۱۴۷۶﴾ آیا به پولی که کارمندان و کارگران از طریق کارکردن در قسمت‌های مختلف ادارات و مؤسّسات دولتی کنار گذاشته‌اند و پس انداز نموده‌اند، خمس تعلق می‌گیرد؟
 ج - در صورتی که برای تهیّه لوازم زندگی کنار گذاشته نشده باشد، خمس دارد و خمس بر درآمد که مازاد بر مئونه سال است، بر همه مکلفین واجب است و اختصاص به کاسب و بازاری ندارد و کارمندان هم مثل بقیّه مکلفین، مشمول تکلیف هستند.
 ۷۶/۱۱/۲۹

﴿س ۱۴۷۷﴾ چند برادر با هم کار می‌کنند و از منفعت آن، یک میلیون روپیه به دست می‌آورند، و با آنکه خانه هم داشته‌اند، برای سود بیشتر خانه دیگری ساخته‌اند، آیا به این خانه که مازاد بر احتیاج است، خمس تعلق می‌گیرد؟
 ج - به منافی که انسان از راه کسب به دست می‌آورد، و مازاد بر هزینه زندگی است، خمس تعلق می‌گیرد، اگر چه خانه باشد، بنابراین، خمس خانه مذکور را باید پردازند.
 ۷۰/۹/۲۵

﴿س ۱۴۷۸﴾ برادرم از ژاپن پول‌هایی فرستاده است، آیا تنها همان پول‌هایی که در بانک مانده و نزدیک به سال شده را باید حساب کرد و خمس آن را پرداخت، یا باید صبر کرد تا وقتی که خودش بیاید، سرمایه‌ای برای مغازه‌اش بر دارد و باقی مانده را حساب کند؟

ج - درآمد کسب، پس از این که سال بر آن گذشت، متعلق خمس است.

﴿س ۱۴۷۹﴾ این جانب در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارم و هر شش ماه، از طرف وزارت علوم، مبلغی به عنوان مقرّری ارزی به حسابم واریز می‌شود. این مقرّری در مقابل تعهدی است که به وزارتخانه مربوط داده‌ام تا پس از فراغت از تحصیل، دو برابر مدت تحصیل در اختیار آن‌ها باشم. آیا مبلغ اضافی این پول، متعلق خمس است؟

ج - آنچه که به عنوان ارز به حساب شما واریز می‌شود، اگر به عنوان وام تحصیلی باشد، فعلاً خمس ندارد؛ ولی اگر به عنوان بورسیه باشد، مازاد بر مئونه خمس دارد.
 ۷۰/۱۲/۳

﴿س ۱۴۸۰﴾ این جانب از دانشجویان دانشکده علوم قضایی و بورسیه دادگستری هستم. این دانشکده، ماهیانه مبلغی را به عنوان کمک هزینه به دانشجویان خود می‌پردازد. حال اگر از این پول مقداری پس‌انداز نمایم، آیا خمس دارد یا نه؟

ج - اگر درآمد کسبی نیست، و یا کمک بلا عوض است، مطلقاً خمس ندارد و اگر بناست که بعد از تمام شدن تحصیل در مقابل آن‌ها کار کند، فعلاً متعلق خمس نیست. آری، بعد از تمام شدن تعهد در فرض اخیر، در حکم درآمد کسبی همان سال است. ۷۷/۱۲/۲۵

﴿س ۱۴۸۱﴾ این جانب مجرد هستم و تا کنون از طریق کارگری در تابستان، مقداری پول پس‌انداز نموده و یک فرش نیز خریده‌ام. آیا باید خمس آن و نیز پولی را که پس‌انداز کرده‌ام بپردازم؟ ضمناً پدرم مقداری پول به بنده کمک کرده است. آیا تخمیس آن هم لازم است؟

ج - فرش خریداری شده، خمس ندارد، و پول موجودی شما، آنچه که از کارکرد خودتان است و برای لوازم زندگی کنار گذاشته‌اید، خمس ندارد؛ همچنین پولی را که پدرتان کمک کرده است، خمس ندارد. ۷۳/۱۲/۱۸

﴿س ۱۴۸۲﴾ پولی را که شوهر بابت مخارج خانه، در اختیار زن قرار می‌دهد، و اجازه دخل و تصرف کامل را به او واگذار می‌کند، چنانچه زن مقداری از آن پول را پس‌انداز کند و بعد از مدتی مقداری پول که به عنوان قرعه کشی برنده شده به آن پول بیفزاید و مجموعاً دوازده هزار تومان شود، در صورتی که این پول را برای مخارج برگشت از سفر حج پس‌انداز کند، آیا به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - پول شوهر که زن آن را پس‌انداز می‌کند، به اصل آن خمس تعلق می‌گیرد، چون شوهر خمس آن را نداده است، و باید خمس جایزه را هم اگر سال بر آن بگذرد و مازاد بر مئونه باشد، بپردازد. ۷۲/۱/۱۵

﴿س ۱۴۸۳﴾ این جانب سال قبل در استخدام دولت بودم. لذا مقداری مابه‌التفاوت حقوق طلب دارم که امسال پرداخت خواهد شد، و از طرفی امسال بیکارم و نیاز مالی دارم. خواهشمند است، بفرمایید آیا پرداخت خمس این پولی که دریافت خواهم کرد، بر من واجب است یا خیر؟

ج - این پول جزو درآمد سال وصول است. پس اگر تا آخر سال به مصرف زندگی و هزینه‌های آن نرسد و مازاد بر مئونه باشد، خمس دارد. ۷۱/۶/۲۱

﴿س ۱۴۸۴﴾ در رساله توضیح المسائل جناب عالی در بحث خمس آمده است که: «اگر به واسطه قناعت کردن و سخت گرفتن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، ادای خمس آن واجب نیست». مراد از قناعت و حد آن چیست؟ بنده مبلغ یکصد هزار تومان وام گرفتم و با قناعت، اقساط آن را پرداخت نمودم و پولش را صرف درختکاری کردم. آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - مراد از قناعت، سختگیری در زندگی و مخارج است و این امر را هر کس به فراخور حال خودش می‌تواند تشخیص دهد. راجع به مبلغ مرقوم نیز، اگر اقساطش از راه قناعت پرداخت شده (یعنی اگر با صرفه جویی در هزینه‌های متعارف زندگی باشد)، خمس تعلق نمی‌گیرد.
۷۵/۵/۲۹

﴿س ۱۴۸۵﴾ با قناعت و آینده‌نگری، طی چندین سال، از درآمد حاصله چندین قطعه زمین خریدم، آیا به این زمین‌ها خمس تعلق می‌گیرد؟ به قیمت خرید یا قیمت فعلی؟
ج - متعلق خمس است، چون مازاد بر مئونه سال است، و با تعیین قیمت فعلی و قبلی، خمس آن باید با مصالحه معلوم شود.
۷۵/۹/۱۱

﴿س ۱۴۸۶﴾ شخصی که شغل اصلی او کاسبی نیست ولی گاهی منفعت کسب دارد. آیا می‌تواند درآمدهای مختلفی را که به دست می‌آورد، جداگانه محاسبه کند و اگر مازاد بر مئونه سال بود، خمسش را پردازد یا اینکه حتماً باید سال خمسی داشته باشد؟
ج - اگر درآمدها بر حسب نوع، مختلف باشد، می‌تواند برای هر کدام، سال خمسی معینی قرار دهد.
۷۴/۸/۷

﴿س ۱۴۸۷﴾ برای ساختن منزل مسکونی، مقداری از سرمایه‌مغازه را هزینه کردم، ولی بعداً به علت کمی سرمایه نتوانستم مغازه را باز کنم، لذا اجناسش را فروختم و مقداری از آن را برای منزل و بقیه را برای مایحتاج زندگی هزینه کردم و قسمتی از اجناس مغازه نیز موجود است؛ به علاوه چند سال قبل از تعطیل مغازه، حساب سال داشتیم و بعد به علت ندانستن مسئله و تصور اینکه فرد بدهکار، خمس ندارد، حساب مغازه را نکردم، حال تکلیف چیست؟
ج - آنچه از سرمایه که خمس آن را پرداخت کرده‌اید، دیگر خمس ندارد، و در باقی چون اگر خمس آن را می‌دادید، نمی‌توانستید کاسبی کنید، آن هم خمس

ندارد؛ لیکن اگر مقدار مخمس و غیر مخمس مشکوک باشد، چه بهتر که به مرجع تقلید یا نماینده او مراجعه و با مصالحه مشکوک، قضیه را حل کنید.

۷۱/۷/۱۹

﴿س ۱۴۸۸﴾ دستمزدی که شخص مسلمان از افراد غیر مسلمان (مسیحی، زرتشتی و...)، یا مسلمانی که خمس نمی پردازد، می گیرد، چه حکمی دارد؟

ج - برای گیرنده حلال و تصرف در آن، جایز است، لیکن اگر پرداخت کننده دستمزد، مسلمان باشد، و گیرنده بداند که عین این مال متعلق خمس است، ولی خممش را نپرداخته، باید گیرنده خممش را بپردازد.

۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۴۸۹﴾ وراثت و مورث هر دو کافر هستند. مورث مالی را از مسلمان خریده است، آیا وارث او بابت این مقدار از سهم الارثش مکلف به پرداخت خمس است یا خیر؟ اگر وارث مسلمان و مورث کافر باشد و مورث مالی را از مسلمان خریده باشد که به مسلمان به ارث رسیده، چطور؟ ضمناً خمس را به چه کسی باید بپردازد؟

ج - خمس زمینی که کافر ذمی (یعنی اهل کتاب) از مسلمان خریداری کرده است، باید پرداخت شود، و اگر خود خریدار نپرداخت، وارث او چه مسلم باشد و چه کافر، باید به مجتهد جامع الشرائط بپردازد.

۷۳/۲/۱

﴿س ۱۴۹۰﴾ به پولی که یک بار خمس آن داده شده و تا سال خمسی بعد مجدداً استفاده نشود، آیا دوباره خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج - پولی که خمس آن داده شده، مجدداً متعلق خمس نمی باشد.

۸۲/۹/۲۷

﴿س ۱۴۹۱﴾ پول حاصل از کار دانشجویی دانشجویی مشمول حکم خمس می باشد یا خیر؟

ج - هر درآمدی که مازاد بر مئونه سال باشد، متعلق خمس می باشد.

۸۲/۹/۲۷

﴿س ۱۴۹۲﴾ به سود بانکی در صورتی که اصل پول، فاقد خمس باشد خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ در صورتی که اصل پول خمس داشته باشد چه؟

ج - در صورتی که سود، مازاد بر مئونه سال باشد خمس تعلق می گیرد و اصل پول هم

۸۲/۹/۲۷

اگر خمس آن داده نشده؛ متعلق خمس می باشد.

﴿س ۱۴۹۳﴾ آیا به دختر مجردی که تحت تکفل پدر می‌باشد و به مدت کمتر از ده ماه جهت گذراندن دوره طرح بعد از تحصیل، حقوق ماهیانه دریافت می‌کند و آن پول را به قصد خریدن موبایل یا ماشین در آینده در بانک پس انداز می‌کند، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - پولی که برای تهیه ماشین کنار گذاشته می‌شود، در صورت نیاز، متعلق خمس نمی‌باشد و همچنین دارنده موبایل اگر تشخیص دهد که از نظر مردم جزء لوازم زندگی اوست، خمس ندارد و الا متعلق خمس است. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۴۹۴﴾ این جانب تعدادی سهام در یکی از شرکت‌های خصوصی مرغداری (شرکت سهامی خاص) دارم که مدیرعامل آن پدرم است. شرکت مزبور در آخر سال ۷۶ مبلغ دو میلیون و پانصد هزار ریال به عنوان سود سهام به این جانب پرداخت کرد که ده میلیون ریال باقی مانده را در همان شرکت باقی گذاشتم تا با آن پول، کار کنند. پدر این جانب اعلام داشته که کلیه وجوهات شرعی مترتب بر مبالغ سرمایه‌گذاری شده تا سال ۱۳۷۲ پرداخت شده و از آن زمان به بعد، اگر تعلق گرفته، پرداخت نشده است. با توجه به این که درآمد این جانب ماهیانه هشتاد هزار تومان است و اصل سهام هم هدیه پدرم است، آیا خمسی به درآمد تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و در صورت تعلق گرفتن بخشی از سود سهام که صرف هزینه‌های ضروری زندگی شده، خمس دارد یا خیر؟

ج - اصل سرمایه، از آن جهت که هبه است و خمس آن از طرف پدرتان پرداخت گردیده، متعلق خمس نیست؛ اما درآمدهای حاصل از سهام، متعلق خمس است و آنچه که خرج هزینه زندگی شده است، جزو مئونه زندگی است و متعلق خمس نیست. ۷۷/۲/۲۷

﴿س ۱۴۹۵﴾ اداره ما از سرمایه خود، مبلغی را برای پرسنل خود سرمایه‌گذاری نموده و با آن پول در کارهای بازرگانی کار می‌کند و هر چند ماه یک بار، سودی را به پرسنل می‌دهد. آیا با توجه به این که پرسنل، از خود سرمایه‌ای را نگذاشته‌اند و این سود، حالت بخشش یا هدیه را دارد، آیا باز هم به آن در آخر سال، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - آری، خمس بدان تعلق می‌گیرد. ۷۷/۱۰/۱۹

﴿س ۱۴۹۶﴾ در اوایل سال جاری، مقداری کندوی زنبور عسل خریدم. مقداری از عسل تولید شده تا پایان سال خمسی به فروش نرسیده. آیا خمس مقدار باقی مانده را باید در سال خمسی بپردازم، یا اگر در سال بعد به فروش رفت، جزو درآمد آن سال به حساب بیاورم؟
ج - جزو درآمد سال خمسی است؛ لیکن مجاز در تأخیر ادای خمس آن تا زمان فروش هستید.
۷۶/۱۲/۴

﴿س ۱۴۹۷﴾ سرمایه‌ای در بانک به عنوان سپرده هست و سود حاصل از آن در موارد خیریه صرف می‌گردد. آیا اصل سرمایه و سود، خمس دارد؟
ج - صرف پول در امور خیریه در وسط سال خمسی، جزو مؤنه است و خمس ندارد؛ و اما اصل سرمایه و سود آن که صرف در امور خیریه نشده، مانند بقیه سرمایه‌ها و سودهاست.
۷۷/۹/۱

﴿س ۱۴۹۸﴾ طبق فتوای حضرت امام علیه السلام حقوق بازنشستگی برای بازنشسته، مشمول خمس است. آیا به نظر حضرت عالی نیز حقوق بازنشستگی مشمول خمس است؟
ج - حقوق بازنشستگی، مانند بقیه درآمدهاست که اگر مازاد بر مخارج باشد، خمس دارد.
۷۶/۱۰/۲۴

﴿س ۱۴۹۹﴾ مبالغی را که از حقوق اصلی کارمند هر ماه کم می‌کنند، در موقع بازنشستگی، همان رقم را به عنوان پس انداز او یک جا پرداخت می‌کنند. همچنین حقوق ده سال آینده کارمند بازنشسته را در نظر می‌گیرند و نصف آن را، یک جا همان موقع بازنشستگی (به عنوان پاداش خدمت) به او پرداخت می‌کنند. مثلاً حقوق یک ملازم بازنشسته، ماهیانه یکصد تومان است که نصف حقوقش پنجاه تومان می‌شود و برای ده سال آینده شش هزار تومان به او پرداخت می‌کنند. آیا خمس مبالغ فوق، واجب است؟
ج - چنین پول‌هایی که قبلاً در اختیار نبوده، تا فایده محسوب گردد، جزو درآمد سال وصول است و چون فایده‌ای است که در مقطعی خاص و به نحوه‌ای خاص به دست آمده، می‌تواند خمسش را تا سال آینده در همان زمان محاسبه کند؛ یعنی اگر تا سال آینده در همان زمان، خرج زندگی نشد، خمس دارد، کما این که می‌تواند مانند بقیه درآمدهایش از حیث سال خمسی محسوب نماید.
۷۷/۲/۱۴

﴿س ۱۵۰۰﴾ شخصی برای انجام دادن کاری اجیر شده است و طبق قرارداد، پس از چند سال که کار تمام می‌شود، اجرتش را دریافت می‌کند. آیا اجرت همه سال‌های قرارداد، متعلق خمس است یا فقط خمس اجرت سال آخر به عهده اوست؟

ج - اجرت همه سال‌ها که در سال آخر به او داده می‌شود، جزو منافع سالی است که به او پرداخت می‌گردد. پس اگر از مخارج آن سال زیاد بیاید، متعلق خمس است نه سال‌های قبل که در اختیارش نبوده تا غنیمت محسوب گردد. ۷۷/۱۱/۷

﴿س ۱۵۰۱﴾ منزلی مسکونی دو طبقه جهت سکونت دارم و جزو دارایی‌های شخصی است. یک طبقه از آن، جهت استفاده خودم و طبقه دیگر به اجاره واگذار شده است. به مبلغ دریافتی از بابت اجاره مذکور، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - مال الاجاره طبقه دوم مانند بقیه درآمدها متعلق خمس است و طبقه دوم را اگر برای سکونت خود ساخته‌اید و مورد احتیاج است، لیکن به خاطر شرایط زندگی و حاجت اجاره داده‌اید، متعلق خمس نیست. ۷۶/۱۲/۱۰

﴿س ۱۵۰۲﴾ طبقه بالای منزلمان را که با گرفتن وام ساخته‌ایم، برای کمک خرج، اجاره داده‌ایم. آیا اجاره آن، کسب محسوب می‌شود یا نه؟ اگر همان اجاره را برای پسرانمان بگذاریم، چه حکمی دارد؟ چون پسر در دانشگاه شبانه مشغول به تحصیل است و در شهر دیگری برایش خانه اجاره کرده‌ایم و مخارج و شهریه دانشگاه او هم هست، اگر به منظور تأمین مخارج او پول اجاره را پس‌انداز کنیم، چه حکمی دارد؟

ج - اجاره، جزو درآمد است و متعلق خمس است و اختصاص دادن آن به هزینه فرزندان، سبب عدم تعلق خمس نیست؛ وگرنه اساساً با فرض چنین استثنایی، موردی برای خمس نمی‌ماند. آری، آنچه از آن پول، خرج فرزندان می‌شود یا برای اجاره ماهیانه آن‌ها باید کنار گذاشته شود، جزو مئونه است و متعلق خمس نیست. ۷۸/۵/۹

﴿س ۱۵۰۳﴾ آیا استخراج‌کنندگان نمک، شامل احکام معدن هستند و باید یک پنجم تولیدات خود را به عنوان خمس پرداخت نمایند یا خیر؟

ج - نمک هم مشمول احکام معادن از حیث خمس و غیره است؛ لیکن ناگفته نماند که اگر کسی کار و حرفه‌اش استخراج از معادن است، خمس ارباب مکاسب را بدهکار است، نه خمس معدن را. ۷۶/۷/۳۰

﴿س ۱۵۰۴﴾ اگر شخصی در بین سال از ارباح مکاسب خود، سگّه طلا بخرد و چندین سال نیز خمس و زکات خود را نپرداخته باشد و حال توفیق تأدیه پیدا نموده است، آیا باید اوّل خمس سگه‌های خریداری شده را بپردازد، یا زکات مقدّم است؟

ج - امثال سگّه بهار آزادی که نقد رایج نیست، زکات ندارد و تنها به عنوان مازاد بر مئونه، از باب ارباح مکاسب، متعلّق خمس است.
۷۸/۲/۲۷

﴿س ۱۵۰۵﴾ درآمد ناشی از کار همسر انسان، از جهت خمس چه حکمی دارد؟ آیا هیبه نمودن آن به مرد برای رفع احتیاجات، جایز است؟

ج - خمس بر هر مازاد مئونه سال، از ارباح مکاسب تعلق می‌گیرد و در این جهت، فرقی بین اموال مرد و زن نیست. آری، زن و هر کسی که خرج و برّجش را دیگری می‌دهد، چون مئونه سال ندارد، به محض به دست آوردن فایده، باید خمس آنرا بپردازد و هر کسی که درآمد خود را به دیگری، چه همسر و چه غیر آن، قبل از تعلق خمس می‌بخشد، نه بر هبه‌کننده، خمس است نه بر گیرنده آن، مگر آن‌که هیبه برای فرار از دادن خمس باشد که خمس آن باید پرداخت شود و زن و شوهر، اگر درآمدها را با هم خرج می‌کنند، یک تاریخ برای هر دو کفایت می‌کند.

۷۶/۷/۱۴

﴿س ۱۵۰۶﴾ آیا کسانی که حقوق ماهیانه دریافت می‌کنند (مانند معلمان)، باید برای هر حقوق یک سال خمسی قرار دهند، مثلاً اگر حقوق فروردین ماه آن‌ها تا فروردین سال آینده خرج نشد، خمس آن را بپردازند و همین طور بقیه ماه‌ها و یا باید فقط یک سال خمسی قرار دهند؟

ج - نمی‌توانند، چون همه آن‌ها یک قسم درآمد است.
۸۰/۵/۲۹

﴿س ۱۵۰۷﴾ آیا خمس به قالی‌ای که زن خانه‌دار می‌بافد، تعلق می‌گیرد؟ و چنانچه تعلق می‌گیرد، زن باید خمس آن را بپردازد یا مرد؟

ج - قالیبافی مانند بقیه کارهای تجاری است که زن بافنده، اگر برای مخارج خود به آن احتیاج ندارد، و همه خرج و برّج او را شوهر می‌پردازد، به محض فروش باید خمس آنرا بدهد؛ اما اگر پولش مورد نیاز باشد، خمس ندارد، مگر مازاد بر مخارج سال او باشد.
۷۷/۷/۲۳

﴿س ۱۵۰۸﴾ اگر کسی اجازه دهد همسرش تحصیل کند و کارمند بشود و در عوض دادن اجازه بگوید که باید به خرج خانه کمک بکند، آیا این شرط، مشروع است؟ اگر شوهر، مازاد بر مئونه‌ای از قبیل کمک همسرش داشته باشد، می‌تواند آن مقدار کمک شده را از مازاد، کسر کند و بقیه مازاد را مشمول خمس نماید؟

ج - در صورتی که بیرون رفتن و تحصیل کردن زن، منافعی با حق استمتاع شوهر باشد، مرد می‌تواند در مقابل اسقاط حق خود، شرط قرار دهد. همچنین در صورتی که پول گرفته شده از همسر، در مقابل اسقاط حق باشد، جزو درآمد سال محسوب می‌گردد و در صورتی که از مخارج سال زیاد بیاید، متعلق خمس است. ۷۹/۷/۲۵

﴿س ۱۵۰۹﴾ تشویقی‌ای که مدیران کل، بر حسب تشخیص خود از کارکرد فوق العاده و بیش از معمول بعضی از پرسنل به آن‌ها می‌دهند، آیا خمس دارد یا خیر؟ گاهی اوقات، اداره، لوازم خوار و بار مثل برنج، روغن و ... تحت عنوان بُن (بدون این‌که پرسنل پولی بدهند) به آن‌ها می‌دهد. آیا اگر این لوازم در آخر سال اضافه بیایند، خمس دارند یا خیر؟

ج - احتیاط در پرداخت خمس آن‌هاست. ۷۷/۱۰/۱۹

﴿س ۱۵۱۰﴾ اگر برای درخت، بعضاً قیمت اضافی در نظر گرفته شود، ولو در طی سال مالی به فروش نرود باید قیمت اضافی حساب شود؟ اعم از درختان میوه یا درختانی که چوب و ... آن‌ها به فروش می‌رسد، آیا برای ملک مغازه، کارخانه و ... که بر اثر تورم یا طول زمان، قیمت آن افزایش یافته است باید قیمت برداشت شده برای خرید حساب شود یا به نرخ روز ارزیابی شود و خمس آن حساب شود، هرچند آن ملک مذکور تا فروش نرود، سودی عاید صاحب ملک نخواهد شد؟

ج - قیمت اضافی درختانی که برای فروش است، تا موقعی که زمان فروش آن نباشد، جزو درآمد سال محسوب نمی‌شود و اضافه قیمت مغازه و درختان میوه تا فروش نرفته‌اند، درآمد محسوب نمی‌گردد و خمس به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. آری، بعد از فروش، جزو درآمد سال فروش است. ۷۹/۹/۲

﴿س ۱۵۱۱﴾ با علم به این که پول، اعم از مسکوکات، اسکناس و چک، به تنهایی هیچ ارزش مالی ای ندارند و ارزش آن‌ها به اعتبار آن‌هاست، که در نهایت، می‌توان با آن‌ها مالک شد یا خریداری کرد و این صدق عرفی مُحَرَّری دارد، حکم مسئله فوق چگونه است؟

ج - چک‌های تضمینی و اسکناس و غیره چون اعتبار مالی دارند، خمس به خود آن‌ها تعلق می‌گیرد.

۷۹/۶/۲۰

باغ، زمین کشاورزی و محصولات آن‌ها

﴿س ۱۵۱۲﴾ در صورتی که از پول مخمس، باغ یا ملکی خریداری شود، چنانچه آن را نفروشند، آیا باز متعلق خمس است یا خیر؟

ج - ارتقای قیمت و سود اضافه بر خرید، جزو ارباح مکاسب است که اگر مازاد بر مئونه سال باشد، خمس به آن تعلق می‌گیرد. آری، اگر برای تجارت باشد، قیمت اضافه شده در هر سال، جزو درآمد همان سال است، و اگر برای تجارت نباشد، معیار، زمان فروش است.

۷۴/۴/۱۴

﴿س ۱۵۱۳﴾ عده‌ای زمینی زراعی خریده‌اند که زمان خرید، خمس به آن تعلق نمی‌گرفته است. آیا فعلاً که فروخته‌اند، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا این که منتظر حول باشند؟

ج - اگر از پول‌های درآمد کسبی تهیه شده، از زمانی که توان پرداخت خمس آن‌را پیدا کرده‌اند، متعلق خمس شده و با گذشت یک سال از آن وقت، خمس آن‌را باید حساب کرد و پرداخت نمود، لیکن نسبت به قیمت بالا رفته و ارتقای قیمت نیز آنچه بعد از گذشت سال بوده، باید پرداخت شود و نسبت به مازاد بر آن‌ها منوط به حول است.

۷۷/۲/۴

﴿س ۱۵۱۴﴾ این جانب در سال ۱۳۵۹ مقدار ۳۷۰۰ متر زمین را احیا کرده‌ام که حدوداً از یک چهارم آن برای درختکاری و از بقیه برای کشت جو و گندم استفاده می‌کنم. نه از ابتدا قصد فروش آن را داشتم و نه در حال حاضر. با توجه به (مسئله ۱۷۶۵) رساله توضیح المسائل حضرت عالی، آیا این زمین متعلق خمس است؟

ج - به قیمت فعلی آن خمس تعلق می‌گیرد؛ لیکن ترقی قیمت در سال‌های بعد خمس ندارد، مگر موقع فروش.

۷۲/۱۲/۲۹

﴿س ۱۵۱۵﴾ اگر کسی باغی دارد که هم از میوه آن برای نیازمندی‌های خود استفاده می‌کند و هم با درآمد آن کسب و تجارت می‌نماید، خمس آن را چگونه محاسبه نماید؟
 ج - سؤال، ابهام دارد، ولی اگر مورد سؤال، درآمد باغ است که حکم بقیه درآمدها را دارد و آخر سال، هرچه از پول میوه، مزاد بر مئونه‌اش شده، باید خمس آن پرداخت گردد، و اگر سؤال از خمس خود باغ است، باید نسبت‌سنجی شود. به نسبت مورد احتیاج و مئونه‌اش خمس ندارد و بقیه، متعلق خمس است؛ یعنی مثلاً دو دانگ باغ برای خودش کافی است و خمس قیمت چهار دانگ باید پرداخت گردد.
 ۷۸/۹/۶

﴿س ۱۵۱۶﴾ عده‌ای از کشاورزان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اجازه سازمان اراضی، زمین‌هایی را در حومه شهر، آباد کرده‌اند. با توجه به اینکه آنان در صد پرداخت وجوهات شرعی هستند و نیز با عنایت به مرغوبیت اراضی کشاورزی، کیفیت پرداخت آن را مرقوم فرمایید؟

ج - چون خمس به عین مال تعلق می‌گیرد، لذا اولاً باید عین آباد شده، قیمت‌گذاری شود، و بعد مجتهد جامع‌الشرائط یا نماینده او که وجوهات را اخذ می‌کند، می‌تواند یک پنجم زمین را با هر قیمت که صلاح دانست، به مؤدی خمس بفروشد، باید توجه داشته باشد که قیمت یک پنجم مشاع و زمینی که نمی‌توان به دیگری فروخت، کمتر از کل است.
 ۷۱/۲/۱۰

﴿س ۱۵۱۷﴾ عده‌ای از کشاورزان مالک زمینی به وسعت چهل جریب یا بیشتر شدند. لیکن درآمد کشاورزی برای آنان به خاطر وجود هزینه، به اندازه مخارج زندگی است. آیا تخمیس این زمین‌ها واجب است؟

ج - همه آنچه که تأمین معیشت، متکی به درآمد حاصل از آن است، سرمایه است و متعلق خمس می‌باشد.
 ۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۵۱۸﴾ شخصی که شغل او معلمی است، قطعه‌ای زمین کشاورزی خریده و آن را اجاره داده است. آیا خمس این زمین واجب است؟
 ج - خمس آن واجب است.
 ۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۵۱۹﴾ کشاورزی بذری که خمسش را نداده، کشت کرده است. در صورت فرا رسیدن سال خمسی، آیا خمس بذر را باید بپردازد یا زراعت را؟ اگر خمس بذر را داده باشد، حکم چیست؟

ج - بذر، چون از درآمد سال گذشته بوده، خمس دارد؛ لیکن تا حاصل به دست نیاید، درآمد محسوب نمی‌شود و خمس ندارد. ۷۵/۵/۳

﴿س ۱۵۲۰﴾ آیا این مطلب درست است که بگوییم خمس و زکات مالیات‌های شرعی هستند؟ و چون بر یک مال، دو مالیات در یک سال تعلق نمی‌گیرد در نتیجه در صورت دادن زکات گندم و زیاد آمدن از مئونه سال، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد.

ج - به نظر این جانب اگر عین گندم یا جو یا... که متعلق زکات است و زکات آن پرداخت گردیده و یا پول آن تا سال دیگر بماند در صورتی که قیمت آن تفاوت نکرده باشد و سودی هم نیاورده باشد، اگر چه مازاد بر مئونه باشد خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، چون قدر متیقن از اخبار و اجماعاء بقیه ارباب مکاسب است و این گونه ربح را شامل نمی‌گردد. ۸۱/۶/۸

درآمدهای غیر کسبی (مهریه، بخشش و ارث)

﴿س ۱۵۲۱﴾ آیا به مهریه‌ای که بعد از چند سال، همسر به بنده پرداخت می‌کند، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - خمس به مهریه تعلق نمی‌گیرد، لیکن اگر شوهر آن را از درآمد سال‌های قبل که خمس آن را نداده، پرداخت کند، باید خمس آن را بپردازد. ۷۴/۵/۱۱

﴿س ۱۵۲۲﴾ زنی مهریه‌اش منزلی بوده به قیمت یکصد هزار تومان. بعد از مدتی آن را به سیصد و شصت هزار تومان می‌فروشد و با این پول، منزلی به قیمت هفتصد هزار تومان می‌خرد و منزل را بعد از چند سال به دو میلیون تومان می‌فروشد. با این پول، یک ماشین سواری به مبلغ یک میلیون و ششصد هزار تومان و منزلی از طریق یکی از ارگان‌ها می‌خرد که ششصد هزار تومان آن را نقد و بقیه را قسطی می‌پردازد و قیمت

فعلی منزل موجود، چند برابر شده است و شوهرش از وضع مالی خوبی برخوردار است و منزلی دارد که آن را اجاره داده و در منزل همسرش زندگی می‌کند و خمس خانه را شوهرش داده. سؤال این است که با توجه به این که مهریه بعد از چند سال تفاوت قیمت پیدا کرده، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه؟ و منزلی که زن، قسطی خریده و مقداری نیز شوهرش به او کمک کرده، اگر خمس دارد، قیمت اول را بدهد یا قیمت فعلی را که ترقی کرده است؟ و وضعیت ماشین سواری او از نظر خمس چه طور است؟

ج - مهریه را وقتی فروخت، متعلق خمس نیست؛ و اما اگر آن را به کسب زد، منافع آن کسب، متعلق خمس است که آخر سال مالی باید پس از کسر مؤنه خمسی، مابقی منافع را پرداخت نماید و آنچه در قسط منزل که شوهر در اختیار همسرش گذاشته، اگر هبه بوده، خمس ندارد؛ ولی آنچه از اقساط منزل که زن پرداخت می‌نماید و ترقی منزل، چون جزو درآمد سال اوست، متعلق خمس است. ۷۸/۷/۲۸

﴿س ۱۵۲۳﴾ بابت پرداخت مهریه همسرم قصد دارم با صرفه جویی از حقوق ماهانه ام پس انداز نمایم و آن را ان شاء الله یک جا بپردازم. آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - مقداری که از بابت مهریه همسر با فرض مطالبه اش پس انداز می‌شود که اگر پردازد و پس انداز ننماید باعث مشکل در زندگی می‌شود و به فضای آن لطمه می‌زند خمس ندارد و مازاد بر مؤنه نمی‌باشد و الا محض خواست خود شوهر و با این که زوجه هیچ ناراحتی در پرداختن مهریه ندارد، مانع از تعلق خمس به پس انداز برای آن نمی‌شود و متعلق خمس می‌باشد. ۷۹/۱۱/۲۵

﴿س ۱۵۲۴﴾ شخصی منزلی را به عنوان هبه به همسرش تملیک می‌نماید. آیا این منزل، خمس دارد یا خیر؟ و آیا بر این شخص لازم است که خمس این منزل را بپردازد و سپس آن را هبه کند یا خیر؟

ج - اگر منزل، زاید بر مورد احتیاج خودش نبوده، یعنی مؤنه و جزو مایحتاج زندگی است، به خاطر مؤنه بودن، به زوج، خمس تعلق نمی‌گیرد و به زوجه هم تعلق نمی‌گیرد، به خاطر هبه و بخشش. آری، اگر منزل اضافه است و زاید بر مؤنه، باید زوج، خمس آن را بپردازد. ۷۷/۴/۲۴

﴿س ۱۵۲۵﴾ همسر من ماهیانه، مبلغی از من می‌گیرد یا به او می‌دهم و او پس‌انداز می‌نماید. آیا خمس دارد؟

ج - در صورتی که هبه و بخشش باشد، خمس ندارد. ۷۸/۲/۵

﴿س ۱۵۲۶﴾ طبق فتوای حضرت امام علیه السلام، هرگونه دریافت غیر از حقوق و دست‌مزد، مانند عیدی یا پاداش طی سال، مشمول خمس نیست. نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

ج - عیدی و پاداش‌ها که هبه و بخشش‌اند و در مقررات مالی دولت یا شرکت، الزام پرداخت در آنها نیست، متعلق خمس نیستند؛ اما اگر الزام باشد و باید حتماً بپردازند که تقریباً جزو مقررات استخدامی می‌باشد، در حکم درآمد کسب هستند. ۷۹/۹/۲

﴿س ۱۵۲۷﴾ گاهی به افراد، مبلغی عیدی، تشویقی یا هدیه پرداخت می‌شود. اگر فرد قناعت کند و سال خمسی‌اش برسد، چه حکمی دارد؟

ج - خمس به هبه، هدیه و عیدی تعلق نمی‌گیرد؛ اما تشویقی که به حساب کار است، جزو ارباح مکاسب است و اگر اضافه بر مئونه سال باشد، خمس به آن تعلق می‌گیرد. ۷۴/۳/۱۱

﴿س ۱۵۲۸﴾ اگر شخصی برای همسرش از درآمد سال طلا و جواهرات بخرد و آن جواهرات، در شأن آنها باشد و دو سال بعد جواهرات را بفروشد و مجدداً جواهراتی خریداری نماید، آیا باید خمس جواهراتی را که فروخته، پرداخت نماید یا خیر؟

ج - تبدیل آنچه از مئونه است به مئونه دیگر، بلکه حتی به صورت پول در آوردن برای سرمایه و بنا را بر نداشتن آن مئونه قرار دادن، با وجود احتیاج، مورد تعلق خمس نیست. آری، اگر پولش را دارد و آن مئونه از جای دیگر تهیه شده، به آن خمس تعلق می‌گیرد. ۷۶/۷/۱۴

﴿س ۱۵۲۹﴾ مقداری طلای متعلق به خود و دخترم را به مبلغ پنجاه هزار تومان فروختم و پول آن را به شرکتی دادم که با آن کار کند و ماهیانه، مبلغ هزار و پانصد تومان به من بپردازد، در حالی که طلاهای دخترم هدیه بود، ولی طلاهای خود را به مرور

خریده و استفاده کرده بودم. حال با توجه به این مطالب بفرمایید:

۱. آیا به این پنجاه هزار تومان، خمس تعلق می‌گیرد؟

۲. آیا پس‌انداز مبالغ دریافتی در هر ماه، سر سال، خمس دارد؟

۳. اگر قبل از اینکه سال تمام بشود، با این پس‌اندازها طلا یا چیز دیگری بخرم،

خمس دارد؟

ج ۱- مقداری که هدیه بوده، خمس ندارد، و آن مقدار که به مرور خریده شده، اگر از

پول کسب و درآمد بوده، خمس دارد، و اگر هبه شوهر بوده، خمس ندارد.

ج ۲- تمام سود حاصل از آن، اعم از پول طلای هدیه‌ای و غیر هدیه‌ای، اگر تا سال

خمس جزو مئونه نباشد، خمس دارد.

ج ۳- اگر جزو مئونه باشد و حالت سرمایه پیدا نکند، خمس ندارد.

﴿س ۱۵۳۰﴾ پولی را که از پدر و مادرم دریافت می‌کنم و در بانک پس‌انداز می‌کنم، اگر

یک سال بر آن بگذرد، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - پدری که پول را به فرزندش هبه کرده، چون هبه است، خمس ندارد، مگر آن‌که

فرزند، یقین داشته باشد که پول پدر، متعلق خمس شده و خممش را نداده که در

این صورت، بر فرزند واجب است خممش را بپردازد؛ لیکن این، محض فرض

است و متعارفاً چنین یقینی حاصل نمی‌شود.

﴿س ۱۵۳۱﴾ آیا مبالغی که در عروسی‌ها به عنوان هدیه جمع می‌شود، متعلق خمس

است یا خیر؟

ج - مبلغ جمع شده، چون هدیه است، خمس ندارد. آری، اگر از راه کسب با آن پول،

درآمدی به دست آید، جزو درآمد سال حصول است. لذا اگر تا آخر سال مصرف

نشود، به عنوان مازاد بر مئونه متعلق خمس است. ۷۰/۱۲/۲۰

﴿س ۱۵۳۲﴾ چنانچه هدایا و کادوها به پول نقد تبدیل شود و به عنوان سرمایه مورد

استفاده قرار گیرد، آیا متعلق خمس است، یا حکم سرمایه مخمس را دارد؟

ج - حکم سرمایه مخمس را دارد. ۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۵۳۳﴾ شوهر زنی اهل خمس دادن بوده است و مقداری پول به حساب اوقاف برای حج خود و همسرش واریز نموده است و طبق یادداشتی که وجود دارد، خمس آن را نداده. آیا مبلغی که متعلق به زن است، مشمول خمس است یا نه؟

ج - سهم خودش خمس دارد، نه همسرش؛ چون نسبت به او هبه کرده است. ۷۶/۱۰/۲۴

﴿س ۱۵۳۴﴾ بنده مبلغ پانصد هزار تومان پول نقد دارم که یکصد هزار تومان آن از فروش طلاهایی است که شوهرم به من هدیه کرده است. مقداری هم طلا دارم که به بنده هدیه شده است، آیا به این پول و طلا خمس و زکات تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - به طلاهای اهدایی و آنچه که برای زینت مورد نیاز است، خمس تعلق نمی‌گیرد، و

مورد تعلق زکات هم نیست، چون نقد رایج نیست. لیکن مبلغ چهار صد هزار تومان

که از غیر فروش طلاهای اهدایی به دست آمده، متعلق خمس است. ۷۵/۱۱/۷

﴿س ۱۵۳۵﴾ دختر مجردی که پدر، خرج او را می‌دهد اگر او مقداری از این پول را

پس‌انداز کند، آیا به این مبلغ، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - به خاطر بخشش بودن و به خاطر قناعت نمودن، متعلق خمس نمی‌باشد. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۵۳۶﴾ اگر یکی از اطرافیان، مثلاً برادر، پولی به انسان بدهند، البته نه به صورت

مستمر، آیا آن نیز شامل خمس می‌شود؟

ج - خمس ندارد؛ و هبه و بخشش است. ۷۷/۳/۳۱

﴿س ۱۵۳۷﴾ آیا پس‌انداز نمودن برای فرزندان از آغاز طفولیت (اعم از دختر و پسر)،

مشمول خمس است یا خیر؟ و اگر در این اثنا مورد استفاده قرار بگیرد، آیا جایز است؟

و در صورت سود کردن، چه حکمی دارد؟

ج - اگر بخشش باشد، اصل آن خمس ندارد و سود آن، خمسش بر کسی واجب نیست تا

بچه‌ها بالغ شوند و خود، خمس بدهند؛ و لیکن اگر بخشش نباشد، خمس به اصل و

سود آن در صورتی که از مؤنه اضافه بیاید، تعلق می‌گیرد. ۷۶/۷/۱۴

﴿س ۱۵۳۸﴾ آیا به پولی که به بچه به عنوان جایزه داده می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - جوایزی که جنبه کسبی دارد (مانند جوایز بانک)، خمس دارد، وگرنه خمس

ندارد. ۷۴/۴/۱۲

﴿س ۱۵۳۹﴾ این جانب پس از تهیه مبلغی، آن را به پدر و مادرم دادم که برای حفظ آبرو، بعد از تولد فرزندم برایم کادویی تهیه کنند و آن‌ها برایم النگو خریدند. پس از چند سال، من آن‌ها را فروختم. آیا به این مبلغ، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - خمس، تعلق نمی‌گیرد. ۷۷/۱۰/۲۲

﴿س ۱۵۴۰﴾ شخصی ملکی را خریده و مالک مقداری از حق خودش را به او بخشیده است، خریدار نیز می‌داند که وی، خمس این زمین را نداده است. با توجه به اینکه مقدار بخشش، هدیه است، آیا بر خریدار لازم است خمس آن مقدار را بپردازد؟ اگر نداند، چگونه؟

ج - اگر زمین یا چیز دیگری، به هر نحوی، در اختیار کسی قرار بگیرد و ملک او شود، و او یقین داشته باشد که آن شیء به خصوص متعلق خمس بوده، و مالک قبلی خمس آن را نداده است، باید خمس آن را بپردازد؛ ولی اگر شک دارد که متعلق خمس بوده یا نه، هر چند بداند که صاحبش، خمس اموال خود را نمی‌داده، خمس بر او واجب نیست. ۷۳/۳/۵

﴿س ۱۵۴۱﴾ پول نذری و هدایایی که نزد انسان باقی مانده و هنوز به علت بُعد مسافت، به صاحبانش داده نشده است، آیا با فرا رسیدن سال خمسی، متعلق خمس است؟

ج - متعلق خمس نیست. ۷۴/۲/۳۰

﴿س ۱۵۴۲﴾ این جانب طلبه‌ای هستم که حقوق خود را به صورت شهریه می‌گیرم. اگر مقداری از آن را پس انداز کنم با آن که به آن نیاز مندم، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - متعلق خمس نیست.

﴿س ۱۵۴۳﴾ با توجه به اینکه نظام هماهنگ پرداخت حقوق بنیاد شهید، غالباً پس از گذشت یک سال، مبالغی را تحت عنوان معوقه حقوق به خانواده‌های مکرّم شاهد پرداخت می‌کند، مستدعی است بفرمایید آیا به معوقه مابه‌التفاوت حقوق سال‌های قبل، که توسط بنیاد شهید به طور یک‌جا، به خانواده‌های معظم شاهد پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - خمس ندارد و مانند غیر معوقه است، و چون درآمد کسبی نیست، متعلق خمس هم نیست. ۷۵/۳/۱

﴿س ۱۵۴۴﴾ مطابق قانون مصوب مبنی بر پرداخت حقوق و مستمری به بازماندگان شهدا و مفقودین معظم، به نحوی که اشتغال آنان فرض می‌شود، بخشی از مستمری پرداختی، مازاد بر مئونه سال می‌شود، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - این گونه مبالغ، چون درآمد کسبی نیست، و جنبه تقدیمی به خانواده‌های معظم شهدا و مفقودین دارد، متعلق خمس نیست.
۷۳/۴/۱۶

﴿س ۱۵۴۵﴾ همسر شخصی کارمند دولت بوده و فوت کرده است و اکنون حقوق و وظیفه یا مستمری دریافت می‌کند. آیا این حقوق، متعلق خمس است یا ارث محسوب می‌شود؟ و اگر دولت، مقداری بر آن بیفزاید، آیا به آن زیادی (اگر سال بر آن بگذرد) خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - حقوق و وظیفه (چه رسد به مستمری جزء) که به خاطر فوت دیگران به انسان می‌پردازند، متعلق خمس نیست و تعلق نگرفتن خمس به آنچه که دولت آن را اضافه کرده است، روشن‌تر و واضح‌تر از اصل است.
۷۰/۸/۲۲

﴿س ۱۵۴۶﴾ اگر شخصی ارثیه‌ای را که به وی رسیده (مانند زمین و ...) به چند برابر قیمت یوم‌الارث بفروشد، آیا به مازاد قیمت، خمس تعلق می‌گیرد؟ و آیا بین این که آن را برای اضافه شدن قیمت یا غیر آن نگه داشته باشد، تفاوتی وجود دارد؟

ج - در فرض سؤال، به قیمت مازاد یوم‌الارث، در صورتی که مازاد بر مئونه سال باشد، خمس تعلق می‌گیرد.
۷۸/۲/۲۱

﴿س ۱۵۴۷﴾ پدری فوت کرده و مبلغی پول نقد که با آن معامله می‌کنند و یک موتورسیکلت (که الان وسیله ایاب و ذهاب آن‌هاست) و دو باب مغازه که در یکی از آن‌ها امرار معاش می‌کنند و دیگری را اجاره داده‌اند (مغازه‌ای که در آن امرار معاش دارند، سرقفلی است) و دو قطعه زمین، و یک واحد مسکونی که خانواده او در آن، سکونت دارند به ارث رسیده است. پدرشان خمس آن‌ها را نداده و می‌خواهند خمس آن‌ها را بدهند. آیا باید خمس تمام وسایل زندگی، از قبیل یخچال، فرش، تلویزیون، ماشین لباسشویی و ... را بپردازند، یا باید فقط خمس پول نقد را بدهند؟

ج - خمس مازاد بر مئونه، یعنی خمس پول نقد و سرمایه سرقفلی و قیمت مغازه و دو قطعه زمین را باید بپردازند؛ اما خانه و لوازم زندگی، متعلق خمس نیست و چون خمس به نحو شرکت است، لذا قبل از ادا تصرفات در مال که متعلق خمس است، غیر جایز و حرام است.
۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۵۴۸﴾ اگر شخصی فوت کند، آیا بعضی از فرزندان متوقفاً می‌توانند بدون اجازه وراثت دیگر، بدهی وی بابت خمس را از ماترکش بپردازند؟

ج - دیون میت که از جمله آنها خمس است، باید پرداخت شود. ۷۶/۴/۲۴

﴿س ۱۵۴۹﴾ پدر این جانب فوت نموده و می‌دانم که هرگز خمس پرداخت نکرده است، آیا می‌توانم سهم الارث خود را جهت ازدواج هزینه کنم و بدهی بابت خمس خود را به صورت اقساط به حضرت عالی پرداخت کنم؟

ج - اگر مطمئن هستید که خمس نمی‌پرداخته، و آنچه که به شما رسیده است، متعلق خمس بوده، ولی پرداخت نشده، در این صورت (یعنی با این دو شرط) خمس را بدهکار هستید و در پرداخت به طور اقساط، مجازید. ۷۶/۱/۶

﴿س ۱۵۵۰﴾ مبلغ دو میلیون ریال به صورت سهم الارث به بنده رسیده است، آیا این پول متعلق خمس است یا خیر؟

ج - ارث، خمس ندارد، مگر آنکه اطمینان حاصل شود که مال به ارث رسیده، متعلق خمس بوده، ولی میت خمس آن را نپرداخته است. ۷۳/۱۱/۸

﴿س ۱۵۵۱﴾ اگر مقداری از ماترک میتی به کسی تعلق گیرد و به علت موانع و اشکالاتی، پس از مدتی تقسیم شود و به تملک فرد در آید، آیا ارزش افزوده از تاریخ فوت تا هنگام وصول، متعلق خمس است یا نه؟ اگر قیمت زمان فوت، مشخص نباشد، یا فرد از آن اطلاع نداشته باشد یا بعد از تقسیم، مدتی اموال را نگهداری کند، و ارزش افزوده پیدا کند، آیا باز هم متعلق خمس است؟ اگر مالی به انسان هدیه شود و چندی بدون قصد اکتساب، آن را نگهداری کند و قیمت بالا رود، پس از فروش، آیا مابه‌التفاوت جزو درآمد سال فروش است یا خیر؟ (در حالی که از قیمت زمان هبه اطلاعی ندارد).

ج - هبه و ارث، هر چند خمس ندارد، لیکن قیمت بالا رفته جزو درآمد سال فروش است، و اگر تا آخر سال، خرج زندگی نشود، باید خمس آن را بپردازد، وگرنه خمس ندارد، و باشک در قیمت زمان هدیه و ارث، می‌تواند حداکثر آن زمان را لحاظ کند؛ ناگفته نماند که تأخیر در ادای خمس، به خاطر موانع و اشکالات، گناه نیست، و ان شاء الله خدای غفار عذر را می‌پذیرد. ۷۴/۳/۱۰

﴿س ۱۵۵۲﴾ در سال ۱۳۷۱، مقداری ازارثیه پدیری را به مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان فروختم و دستگاه نختایی به قیمت ششصد هزار تومان به طور قسطی خریداری کردم. با توجه به اینکه در حال حاضر مغازه مورد نیاز من است و نمی توانم آن را بفروشم، آیا سهم الارث بنده متعلق خمس است؟ در این صورت قیمت فعلی باید لحاظ شود یا قیمت قبلی؟

ج - ارث، خمس ندارد، مگر آنکه ترقی قیمت کرده باشد، که در این صورت، ترقی موقع فروش، جزو درآمد سال است و اگر تا آخر سال خرج نشود، متعلق خمس خواهد بود.

۷۵/۱۲/۲۵

﴿س ۱۵۵۳﴾ آیا به دیه مقتول، خمس تعلق می گیرد؟

ج - دیه، خمس ندارد.

۷۲/۷/۱

خمس سرمایه و ترقی قیمت آن

﴿س ۱۵۵۴﴾ آیا به سرمایه کار، خمس تعلق می گیرد؟

ج - خمس دارد، مگر آنکه ادای آن موجب بیکار شدن و مشقت در زندگی شود.

۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۵۵۵﴾ آیا خمس به سرمایه گذاری و خرید اوراق سهام که سال خمسی آن ها سپری می شود، تعلق می گیرد؟ آیا می توان پس از فروش کلیه اوراق سهام، در هر زمانی که تصمیم به این کار گرفته شد، خمس آن را محاسبه کرد و پرداخت؟ با توجه به این که قیمت و ارزش بازار سهام در طی سال، نوسان دارد و گاه بالای قیمت خرید است و گاه پایین قیمت خرید، نحوه محاسبه آن به چه صورت است؟ به عنوان مثال، مبلغ سرمایه گذاری شده در سال قبل ششصد هزار تومان بوده و پس از یک سال، اگر بخواهیم خمس آن را محاسبه کنیم، طبق قیمت روز، مبلغ آن، چهارصد هزار تومان خواهد شد. نحوه پرداخت و محاسبه خمس، به چه صورتی است؟ در ضمن، آیا به سودی که پس از یک سال اعلام می شود و پس از سال خمسی من، به دستم خواهد رسید، خمس تعلق می گیرد؟

ج - سهام خریداری شده، جزو سرمایه سال خرید است که باید خمسش در همان سال، اگر مازاد بر مئونه سنویه بوده، پرداخت گردد، و اگر پرداخت ننمود و سال

بعد قیمتش پایین آمد، ضامن خسارت آن است. آری، در زمان فروش سهام، قیمت بالا رفته‌اش جزو درآمد سال فروش است؛ اما ارتقای قیمت در آخر هر سال، اگر خرید آن‌ها برای تجارت بوده، باید محاسبه شود و جزو درآمدها محسوب گردد؛ و اما نسبت به سود، از همان زمانی که انسان طلبکار سود می‌شود، آن سودها جزو مطالبات مسلم الوصول است و لذا متعلق خمس است؛ لیکن، شخص می‌تواند خمس آن‌را تا زمان وصول، تأخیر بیندازد و به طور کلی، طلب‌های مسلم الوصول، جزو درآمد سال وصول و سرمایه آن سال است؛ و اما طلب‌های مشکوک الوصول، جزو درآمد سال وصول است.

﴿س ۱۵۵۶﴾ شخصی چند سال پیش تعدادی سهام خریداری کرده است و از آن زمان تا به حال، ارزش این سهام، به تدریج رو به کاهش بوده است و در این مدت، یک بار سود سهام دریافت و مصرف شده است؛ ولی تاکنون این سهام را مورد محاسبه خمس قرار نداده است. اکنون در سررسید سال خمس، این سهام چگونه باید مورد محاسبه قرار گیرد؟ و این، به دو حال است: الف) فروش سهام به نرخ روز با آگاهی از کاهش ارزش نرخ سهام؛ ب) نگهداری سهام با این توضیح که مقدار دیگری سود به آن تعلق گرفته؛ گرچه مبلغ آن را نمی‌داند و با مراجعه می‌تواند به دست آورد.

ج - به قیمت روز باید محاسبه گردد و سود هم بعد از مشخص شدن، اگر مازاد بر مخارج سال باشد، متعلق خمس است.

﴿س ۱۵۵۷﴾ خرید اوراق مشارکت از دولت، چه حکمی دارد؟ تکلیف خمس آن چگونه است؟ و اگر پدری این اوراق را برای این که سرمایه‌ای بعد از فوتش برای فرزندانش باشد، بخرد و نگهداری کند، آیا باز هم به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - خرید اوراق، مانعی ندارد، چون مشارکت است و به پولی که سهام با آن خریداری نموده‌اید که مازاد بر مئونه سال بوده، خمس تعلق می‌گیرد و باقی‌مانده آن مبلغ که مخمس است، در سال‌های آینده خمس ندارد، بلکه سودی که به آن اضافه می‌شود، اگر مازاد بر مئونه باشد، خمس دارد. مثلاً اگر سهام، سیصد هزار تومان باشد، مبلغ شصت هزار تومان آن خمس است و مبلغ دویست و چهل هزار تومان پول

مخمس و هرچه بر دویست و چهل هزار تومان اضافه شود، اگر سال بر آن بگذرد و مازاد بر مئونه باشد، خمس دارد؛ ولی خود دویست و چهل هزار تومان، خمس ندارد. حکم اوراق مشارکت پدر و اوراق بهادار بورس هم روشن شد؛ یعنی به ذخیره پدر برای فرزند، خمس تعلق می‌گیرد.

۷۹/۹/۱۳

﴿س ۱۵۵۸﴾ اگر کسی با پول خمس داده شده، سهام کارخانه بخرد، آیا به اضافه قیمت

سهام (در صورت ترقی) خمس تعلق می‌گیرد؟

ج- اگر برای فروش خریداری شده و زمان فروش آن از جهت بازار سهام رسیده

۷۸/۹/۶

باشد، متعلق خمس است؛ وگرنه خیر.

﴿س ۱۵۵۹﴾ یکی از واحدهای نظامی اقدام به تأسیس شرکتی چند منظوره به نام

«بعثت» نموده است. این شرکت، متعلق به رزمندگان لشکر است و هر کس برابر اساسنامه شرکت، مقداری سهم خریداری نموده است. برای راه اندازی شرکت، لشکر برای افراد، به اندازه‌ای که سرمایه گذاری کرده‌اند، سرمایه گذاری نموده است. مثلاً اگر کسی پنجاه هزار تومان سهم خریده باشد، لشکر به اندازه پنجاه هزار تومان برایش سرمایه گذاری نموده است. توضیح این که چون سهام خریداری شده، مقداری نقداً و ما بقی به صورت اقساط از حقوق افراد کسر می‌گردد و تا زمانی که کل سهام خریداری شده از حقوق کسر نگردد، فرد نمی‌تواند مقدار سرمایه گذاری شده لشکر را برداشت نماید، آیا سرمایه‌ای که لشکر گذاشته است، به صورت هبه است و خمس ندارد؟ و این گونه سرمایه گذاری که به صورت اقساط، از حقوق کسر می‌گردد و حدود نصف آن در ماه‌های آتی باید کسر گردد؛ ولی سالانه، مقداری پول به عنوان سود علی الحساب به ما تعلق می‌گیرد، آیا برای استفاده از سود علی الحساب، باید مقدار سرمایه موجود مخمس گردد یا در پایان اقساط باید مخمس گردد؟ در صورتی که سرمایه موجود باید مخمس گردد، تکلیف مقداری که لشکر پرداخت نموده، چیست؟

ج- سود حاصل، اگر مازاد بر مئونه باشد، خمس دارد و کلیه قیمت سهام هم بعد از

پرداخت همه اقساط، متعلق خمس است و آنچه که لشکر می‌پردازد، مشمول

۷۷/۱۲/۱۴

عنوان هبه نیست تا به آن، خمس تعلق نگیرد.

﴿س ۱۵۶۰﴾ مقدار سیصد هزار تومان برگه سهام به عنوان سرمایه گذاری خریداری کرده‌ام. اگر مثلاً مبلغ سهام سیصد هزار تومان باشد، و سال خمسی بنده بگذرد و سال آینده این سهم سیصد هزار تومان سود کند و مجموعاً ششصد هزار تومان شود، آیا باید خمس اصل سهام را بپردازم یا سود آن نیز متعلق خمس است؟

ج - مبلغ سیصد هزار تومان متعلق خمس است و باقی مانده آن مبلغ دویست و چهل هزار تومان است که مخمس است و هر چه در سال آینده بر دویست و چهل هزار تومان اضافه شود و مازاد بر مئونه باشد، باید خمس آن را بپردازید؛ اما خمس دویست و چهل هزار تومان که مخمس است، لازم نیست. ۷۵/۱۱/۶
﴿س ۱۵۶۱﴾ آیا پولی که جهت خرید سگه بهار آزادی به حساب بانک واریز می‌شود، متعلق خمس است؟

ج - با سایر پول‌های مازاد بر مئونه تفاوتی ندارد. ۷۳/۹/۱۲
﴿س ۱۵۶۲﴾ اگر فردی دارای یک گله گوسفند باشد، آیا به آن‌ها خمس تعلق می‌گیرد؟
ج - سرمایه است و خمس دارد. ۷۵/۱۰/۴
﴿س ۱۵۶۳﴾ شخصی خمس یک گاو یا گوسفند خود را داده است و بعد زاده و ولد کرده‌اند، ولی به حد زکات نرسیده است. آیا گاو و گوسفند زیاد شده هم متعلق خمس است؟
ج - زیادی گاو و گوسفند چنانچه برای مئونه باشد، خمس ندارد، ولی اگر جزو سرمایه باشد، خمس دارد. ۷۲/۲/۱۶

﴿س ۱۵۶۴﴾ شخصی ساختمان یا ملکی را بدین قصد خریداری می‌کند که بعد از چند سال بتواند با فروش آن، وسایل مورد نیاز ازدواج فرزندانش را فراهم کند. آیا هنگام فروش، باید خمس قیمت زمین را بپردازد؟
ج - این نحو از زمین‌ها جزو سرمایه و متعلق خمس است. ۷۶/۲/۳۰

﴿س ۱۵۶۵﴾ شخصی یک میلیون تومان بابت سرقفلی مغازه پرداخت کرده و یک میلیون تومان نیز سرمایه دارد و درآمد او به اندازه مخارج زندگی است. آیا خمس به او تعلق می‌گیرد؟
ج - همه آنچه که از درآمد آن برای تأمین معیشت استفاده می‌شود، سرمایه و متعلق خمس است، چون معمولاً می‌توان خمس را ولو به اقساط و با دست‌گردان، پرداخت کرد. ۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۵۶۶﴾ اگر کسی ماشین زیر پا، یا خانه مورد نیاز و یا وسیله‌ای که با آن امرار معاش می‌کرده، بفروشد و با پول آن، مغازه یا ابزار کسب فراهم کند، آیا به پول آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - پولی که از مؤنه و مایحتاج زندگی، مانند مورد سؤال (فروش خانه و امثال آن) به دست می‌آید، تا مایحتاج زندگی تهیه نشده، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد. ۷۸/۲/۲۱

﴿س ۱۵۶۷﴾ شخصی خانه‌ای را با قرض ساخته و مدتی در آن زندگی کرده است؛ اما به علت نداشتن شغل و نیاز به سرمایه جهت کسب، خانه را فروخته و اکنون خود، مستأجر است و با پول خانه، قرض‌های خود را ادا کرده و با مقداری از آن، ماشین و اثاث منزل خریده و مابقی را سرمایه کسب قرار داده است، بفرمایید خمس به چه مقدار از مال او تعلق می‌گیرد؟

ج - به چیزی از پول مثل خانه فروشی که مؤنه بوده، تا خانه تهیه نشده، خمس تعلق نمی‌گیرد، حتی به آن‌ها که سرمایه شده است. آری، سود حاصل از آن، جزو درآمد کسبی و ارباح مکاسب است. ۷۵/۲/۳

﴿س ۱۵۶۸﴾ اگر کالا یا سرمایه‌ای مخمس (فرضاً یکصد هزار تومان) تهیه شود و در سال بعد، ارزش آن معادل یکصد و چهل هزار تومان شود، آیا ارزش افزوده مشمول خمس می‌شود، یا جزو سرمایه مخمس است؟

ج - ارزش اضافی سرمایه، جزو درآمد سال است و در صورتی که از مؤنه سال زیاد بیاید، متعلق خمس است. ۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۵۶۹﴾ در حسابرسی پایان سال، اجناسی موجود است که قیمت آن افزایش یافته است، ولی تا به فروش نرود، سودش قطعی نیست. در صورت فرا رسیدن حساب سال خمسی، آیا قیمت تمام شده (خرید) منظور می‌شود یا قیمت روز؟

ج - به قیمتی که در بازار خریداری می‌شود (یعنی قیمت روز)، باید محاسبه شود. ۷۴/۱/۲۰

﴿س ۱۵۷۰﴾ پدری یک قطعه زمین را به قیمت یکصد و پنجاه هزار تومان به فرزندش فروخت، حال آنکه قیمت واقعی آن، بیش از یک میلیون تومان است، در این صورت آیا باید خمس مبلغ پرداخت شده بابت زمین را بپردازد یا ارزش واقعی آن را؟

ج - خمس، به همان یکصد و پنجاه هزار تومان تعلق می‌گیرد. ۷۲/۱/۳۰

﴿س ۱۵۷۱﴾ معمولاً اجناسی را از طریق بَن توسط شرکت به ما می دهند. با فرار رسیدن سال خمسی، خمس ارقام باقی مانده را باید به قیمت روز حساب کنیم یا به قیمت زمان خرید؟

ج - خمس جنس های باقی مانده باید از اصلش پرداخت شود، لذا اگر قیمت آن را می پردازد، باید به قیمت روز حساب کند. ۷۱/۷/۱۹

﴿س ۱۵۷۲﴾ در مطبّ ما مواد مصرفی از قبیل فیلم رادیولوژی، داروی ظهور و ثبوت، فیلم سونوگرافی، ژل سونوگرافی، پاکت رادیوگرافی، کاغذ، رشال کاغذی و موادی از این قبیل وجود دارد. آیا آنچه در پایان سال زیاد می آید، به آنها خمس تعلق می گیرد؟

ج - متعلق خمس است. ۷۸/۴/۶

﴿س ۱۵۷۳﴾ پزشکانی که برای معاینه بیمار، نیاز به وسایل پزشکی دارند، در صورتی که نقداً خریداری کنند یا به صورت قسطی بپردازند و یا به صورت قرض گرفته باشند، حکم خمس این وسایل چگونه است؟

ج - ابزار و وسایل پزشکی، جزو سرمایه و متعلق خمس است. آری، آنچه به صورت اقساط یا قرض گرفتن تهیه شده، هر مقدار از اقساط و قرض که آخر سال خمسی پرداخت شده، متعلق خمس است، چون ملکیتش بر آن مقدار مستقر شده و فایده حساب می شود؛ و اما اقساط و سهم های پرداخت نشده درآمد او حساب نمی شوند تا متعلق خمس بشوند. ۷۹/۱۰/۱۴

﴿س ۱۵۷۴﴾ کالایی بر اثر کاهش ارزش پول به قیمتش افزوده می شود. آیا به مقدار زیاد شده، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج - اگر کالا، کالایی تجارتي است، در آخر سال، خمس حَسَب معمول تجارت، به قیمت همان وقت محاسبه می شود، مگر آن که آن زمان از نظر تجاری و عرف کسب، زمان فروش آن نباشد که همان قیمت قبلی مورد محاسبه سرمایه قرار می گیرد، و اگر برای غیرتجارت است، هر زمان که فروش رفت، قیمت افزوده، جزو فایده و درآمدهای سال فروش می شود. ۷۷/۱۱/۱۷

﴿س ۱۵۷۵﴾ چیزی که خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، اگر قیمت سوقی (بازاری) آن اضافه شود، آیا به اضافه قیمت، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - به قیمت اضافه، خمس تعلق نمی‌گیرد؛ لیکن هنگامی که فروش رفت، قیمت اضافه شده، جزو درآمد سال فروش است که اگر تا آخر سال خمسی خرج زندگی نشد، باید خمس آن پرداخت شود.
۷۸/۹/۶

﴿س ۱۵۷۶﴾ خمس جنسی مثلاً قواره پارچه‌ای را داده‌ایم و آن پارچه در منزل مانده و مصرف نشده، ولی قیمت آن، گران‌تر شده است. آیا در محاسبه موجودی منزل، قیمت پارچه مطابق قیمت قبلی باید محاسبه شود یا قیمت جدید؟

ج - جنسی که خمس آن پرداخت شده، تا فروش نرفته، متعلق خمس نیست و بعد از فروش هم، فقط قیمت بالا رفته آن، جزو درآمد سال فروش است. آری، اگر آن جنس کالای تجارتي باشد که برای فروش نگهداری می‌شود، جزو سرمایه است و در موقع حساب سال، اگر قابلیت فروش دارد، یعنی متعارفاً باید فروخته شود و مشتری هم دارد، قیمت همان زمان، جزو سرمایه است که با بقیه سرمایه‌ها محاسبه می‌شود، و اگر جمعاً اضافه بر سرمایه سال قبل بود، اضافه، متعلق خمس است؛ ولی اگر زمان فروش آن نرسیده یا مشتری ندارد، همان خرید، جزو سرمایه حساب می‌شود.
۷۹/۹/۱۴

﴿س ۱۵۷۷﴾ اگر کسی به صورت قسطی ملک یا چیزی بخرد که مورد نیاز فعلی او نباشد، آیا سر سال خمس، مقدار قسطی که پرداخت کرده باید تخمیس نماید؟ و در صورتی که قیمت شیء خریداری شده در این مدت افزایش پیدا کرده باشد، آیا اضافه قیمت آن را هم باید محاسبه کند؟

ج - متعلق خمس است؛ چون به نسبت مقدار اقساط پرداخت شده، جزو مازاد بر نمونه است و نسبت به قیمت اضافه شده، اگر جنس خریداری شده برای فروش باشد و زمان فروش به حسب عرف بازار رسیده، قیمت اضافه هم متعلق خمس است؛ وگرنه نیست.
۷۸/۹/۶

﴿س ۱۵۷۸﴾ جوانی هستم که نامزد دارم و به سهم خود خرج زندگی هم می‌دهم و سرمایه کاری من حدود یک میلیون و دویست هزار تومان است. می‌خواهم بدانم به من خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و اگر نمی‌گیرد، بگوئید چه موقع تعلق می‌گیرد؟
ج - چنانچه اگر خمس آنرا بدهید، نمی‌توانید کسب خود را ادامه دهید، فعلاً متعلق خمس نیست و خمس موقوف به سالهای بعد است.
۷۹/۸/۲۹

وسيلة نقلیه (سواری - باری)

﴿س ۱۵۷۹﴾ این جانب مبلغی را به عنوان ودیعه جهت خرید ماشین سواری، به حساب یک شرکت خودروسازی واریز کرده‌ام تا در سال آینده آن را تحویل بگیرم. آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - اگر مورد احتیاج باشد، چون خرج برای مئونه است، خمس ندارد.

﴿س ۱۵۸۰﴾ بر طبق قراردادی به کارمندی وام بدون بهره، به منظور خرید اتومبیل که مورد نیاز مشارالیه است، می‌پردازند، تاماهیانه اقساط آن از حقوق وی کسر شود. با توجه به طولانی بودن بازپرداخت وام دریافتی، تکلیف او نسبت به ادای خمس چگونه است؟

ج - قسطهای پرداخت شده در هر سال جزء مئونه همان است.
۸۵/۲/۵

﴿س ۱۵۸۱﴾ فردی اتومبیل شخصی خود را به قصد تبدیل به احسن نمودن آن، فروخته است. آیا به پول حاصل، خمس تعلق می‌گیرد؟ به طور کلی فروش ماشین شخصی، چه حکمی دارد؟
ج - ماشین در حد مئونه، حکم منزل را دارد، و در این حکم فرقی بین ماشین قبلی و مابه‌التفاوت ماشین فعلی و بعدی نیست، البته به شرط آنکه از حد متعارف خارج نشود.
۷۶/۲/۳۰

﴿س ۱۵۸۲﴾ اگر انسان وسیله نقلیه خود را که مورد نیازش است، در بین سال بفروشد و یا پیش از رسیدن سال، مجدداً وسیله نقلیه دیگری خریداری، کند صحیح است؟ یا باید خمس آن پول را بدهد؟ یا اصلاً خمس ندارد؟

ج - پولی که از فروش مئونه و مایحتاج زندگی به دست می‌آید، تا شخص به آن وسیله احتیاج دارد و بنا را بر نداشتن وسیله گذاشته، خمس ندارد و درآمد محسوب نمی‌شود.
۷۷/۱/۷

﴿س ۱۵۸۳﴾ این جانب در سال ۱۳۷۴ اقدام به پیش‌خرید یک دستگاه سواری پیکان از شرکت ایران خودرو نمودم که این ماشین، حدود ده ماه بعد تحویل این جانب گردید. پولی که من برای پیش‌فروش این ماشین هزینه کردم، مقداری خمس دارد و بقیه بدون خمس بود. آیا به سودی که از فروش این ماشین حاصل شده، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - اگر خرید ماشین به خاطر سود بردن و تجارت بوده، سرمایه محسوب می‌شود و سودش جزو درآمد سال وصول است و مانند بقیه ارباح مکاسب و درآمدها متعلق خمس است.

۷۶/۱۲/۳

﴿س ۱۵۸۴﴾ مبلغی اندوخته‌ام و تصمیم به خرید ماشین داشتم و در سرسال خمسی چون فرموده بودید که خرید ماشین، جزء مئونه محسوب می‌گردد، خمس آن را پرداختم، اما پس از گذشت موعدهای خمس، در حال حاضر از خرید ماشین منصرف شده‌ام. آیا هم اکنون خمس آن را بپردازم یا صبر کنم تا سال خمسی‌ام فرا برسد؟

ج - پولی که برای خرید ماشین در حد مئونه کنار گذاشته‌اید، خمس ندارد و در حال حاضر، اگر منصرف شده‌اید و تصمیم داشته باشید ماشین تهیه نمایید، باز متعلق خمس نیست.

۷۷/۱۰/۲۲

﴿س ۱۵۸۵﴾ آیا به وسیله نقلیه‌ای که کسی هم با آن کارهای شخصی خود را انجام می‌دهد و هم با آن کار می‌کند، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - ظاهراً متعلق خمس نیست؛ چون نمی‌توان آن را سرمایه متعلق خمس دانست، از آن جهت که به عنوان مئونه از آن استفاده می‌شود و در کنارش از باب ناچاری، با آن کار هم می‌کند.

۷۸/۹/۶

﴿س ۱۵۸۶﴾ یک ماشین پیکان سواری داشتم که آن را به مبلغ سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان فروختم و دو روز بعد دو میلیون و پانصد هزار تومان برای خرید ماشین به حساب شرکت ایران خودرو واریز کردم و مابقی پول نزدم هست که تا هشت ماه دیگر پرداخت کنم. به بقیه پول ماشینی که تحویل می‌گیرم و پول اولیه من، خمس و سهم امام تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - ماشین در حد مئونه، حکم منزل را دارد و در این حکم، فرقی بین ماشین قبلی

و مابه‌التفاوت ماشین بعدی نیست و بنابراین، به نظر این جانب، پولی که انسان برای خرید ماشین مورد نیاز یا تبدیل به احسن نمودن آن کنار می‌گذارد، متعلق خمس نیست. ۷۹/۵/۱۶

﴿س ۱۵۸۷﴾ بنده مبلغی وام گرفته‌ام و مبلغ آن را برای خرید خودرو که جزو نیاز این جانب است، استفاده نموده‌ام. حال اگر بر کل این مبلغ، یک سال بگذرد، تکلیف خمس آن چگونه است؟

ج - اگر پول را برای خرید ماشین شخصی گرفته، چون جزو مؤنه است، خمس ندارد؛ ولی اگر برای خرید ماشین گرفته که با آن کار کند، مثل تاکسی و ماشین باری و...، جزو سرمایه است. لذا هر مقدار از وام که اقساطش تا آخر سال خمسی پرداخت شود، جزو سرمایه است و باید خمسش را بپردازد. ۷۹/۹/۱۳

﴿س ۱۵۸۸﴾ یک دستگاه اتومبیل خریدم و به شخصی دادم تا با آن کار کند، تا هم هزینه‌های نگهداری ماشین تأمین شود، و هم به مخارج زندگی‌ام کمک کند. آیا به این ماشین، خمس تعلق می‌گیرد؟ به درآمد حاصل از آن، چگونه؟

ج - ماشین جزو سرمایه است، لذا خمس به آن تعلق می‌گیرد؛ لیکن یک مرتبه که خمس را پرداختید، تا ماشین را نفروشید، متعلق خمس نخواهد بود، و هر موقع که آن را فروختید، مازاد بر قیمت زمان تخمیس جزو درآمد سال فروش است، اما سود حاصل از ماشین، جزو ارباح مکاسب است، و اگر از مؤنه سال زیاد آمد، خمس آن را باید بپردازید. ۷۴/۷/۱۷

﴿س ۱۵۸۹﴾ اشخاصی تراکتوری خریده‌اند و زمین‌های کشاورزی را شخم می‌زنند و اجرت می‌گیرند، لیکن اجرت دریافتی آنان به اندازه مخارج زندگی است. آیا تراکتور خمس دارد یا خیر؟

ج - همه آنچه که از درآمد آن برای تأمین معیشت استفاده می‌شود، سرمایه است و خمس به آن تعلق می‌گیرد، ولو در پرداخت خمس، به صورت اقساط عمل کند. ۷۴/۱۲/۲۴

تهیه مسکن

﴿س ۱۵۹۰﴾ اگر شخصی زمینی بخرد تا در آینده در آن خانه‌ای بسازد، چنانچه فعلاً نتواند ساختمان را بسازد و چند سال بگذرد. آیا آن زمین متعلق خمس است یا خیر؟
ج - خمس ندارد. ۷۴/۳/۷

﴿س ۱۵۹۱﴾ قطعه زمینی از سوی زمین شهری به حقیق و اگذار شده است که با حقوق کارمندی و وامی که از بانک مسکن گرفته‌ام، آن را ساخته‌ام. آیا به اقساط بازپرداخت وام، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ با توجه به این که فعلاً در منزل سازمانی دیگری در شهر دیگری سکونت دارم، آیا به منزل شخصی ساخته شده فوق که در آینده به آن احتیاج دارم، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و اگر منزل شخصی یاد شده را بفروشم و تبدیل به منزل دیگر در محل مناسب‌تری بنمایم، آیا به منزل جدید یا قدیم، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - اقساط و خود منزل، متعلق خمس نیستند. ۷۷/۱۰/۱۹
﴿س ۱۵۹۲﴾ این جانب کارمند هستم و فعلاً در خانه پدرم که قسمتی از آن را به من داده است، زندگی می‌کنم، و از طرف اداره مربوط هم زمین گرفته و با استفاده از وام بانکی، آن را ساخته‌ام. با توجه به اینکه در حال حاضر، بابت این خانه، به بانک مقروض هستم، آیا به این خانه خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - با توجه به اینکه ساکن قسمتی از خانه پدری هستید که مالک آن می‌باشید، چنانچه احتیاج شما به مسکن، با آن بر طرف می‌شود، خانه‌ای که آن را ساخته‌اید مازاد بر مؤنه است؛ و آن مقداری که برای خانه هزینه کرده‌اید و اقساطی که پرداخت شده، خمس دارد. ۷۱/۴/۶

﴿س ۱۵۹۳﴾ این جانب برای ساختن خانه، چند ماشین آجر خریدم، ولی در حین ساختن خانه به خاطر قرض و مشکلات دیگر نتوانستم خانه را تکمیل کنم. آیا این مصالح مشمول خمس می‌شود یا خیر؟

ج - مصالح تهیه شده برای خانه مسکونی، خمس ندارد، هر چند چندین سال هم مصرف نشود. ۷۲/۲/۱۶

﴿س ۱۵۹۴﴾ بنده معلم هستم و مقداری از حقوق خود را به منظور تهیه خانه و لوازم مورد نیاز زندگی، پس انداز می‌کنم. آیا به این پول، خمس تعلق می‌گیرد؟ اجناسی که برای ازدواج تهیه می‌کنم و در طول سال مورد استفاده نیست، چگونه؟

ج - این گونه پول‌ها که برای تهیه خانه و لوازم آن، به طور جبر و الزام کنار گذاشته می‌شود، ظاهراً متعلق خمس نیست و در حکم مئونه است. ۷۴/۲/۲۳

﴿س ۱۵۹۵﴾ مبلغ یک میلیون تومان پول پیش به عنوان قرض الحسنه در اختیار صاحبخانه‌ام گذاشته‌ام تا ماهیانه اجاره کمتری برای خانه پرداخت کنم، آیا این پول خمس دارد یا خیر؟

ج - پولی که به عنوان قرض الحسنه به صاحبخانه داده شده، و صاحبخانه هم آن را گرفته تا اجاره کمتری بگیرد، پول داده شده چون مئونه مستأجر است، خمس ندارد، مگر زمانی که از مئونه و مورد احتیاج بودن خارج شود و مازاد بر مئونه سال باشد که در این فرض به آن، خمس تعلق می‌گیرد. ۷۴/۴/۱۵

﴿س ۱۵۹۶﴾ اگر قیمت خانه مسکونی از زمان خرید بالا برود، آیا به زیادی قیمت، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - قبل از فروش، جزو درآمد و متعلق خمس نیست، لیکن بعد از فروش، اگر برای مئونه مصرف نشود، یا مورد احتیاج برای مئونه نباشد، جزو ارباح مکاسب و مورد تعلق خمس است. ۷۴/۴/۱۵

﴿س ۱۵۹۷﴾ کسی که چند ماه از سال در شهر و چند ماه دیگر نیز در روستا زندگی می‌کند،

اگر یک خانه در شهر و خانه‌ای دیگر در روستا بخرد، آیا به آن‌ها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - اگر در شأن و مورد نیاز او باشد، به گونه‌ای که با خانه رهنی و اجاره‌ای نمی‌تواند زندگی کند، خمس ندارد. ۷۶/۳/۲۰

﴿س ۱۵۹۸﴾ اگر خانه‌ام را بفروشم و از پول آن دو باب مغازه خریداری کنم تا آن‌ها را

اجاره داده و با پول اجاره آن‌ها، منزلی را جهت سکونت اجاره نمایم و مابقی درآمد حاصل از اجاره مغازه‌ها را صرف تأمین زندگی نمایم. آیا این مغازه‌ها سرمایه کسب محسوب می‌شود و مشمول خمس است؟

ج - اگر خانه مسکونی باشد، به پول آن که برای خرید مغازه و سرمایه مصرف می‌شود، به نظر این جانب، خمس تعلق نمی‌گیرد، مگر بعد از صاحبخانه شدن؛

و اگر خانه اضافه باشد، به پولش به عنوان مازاد بر مئونه و سرمایه، خمس تعلق می‌گیرد.

۷۶/۴/۱۲

﴿س ۱۵۹۹﴾ خانه‌ای که با پول مخمس یا پولی که مشمول خمس نشده خریداری شده، آیا پس از فروش باید خمس پول آن خانه پرداخت شود؟

ج- در صورتی که برای مئونه مصرف شود، خمس ندارد و اگر برای غیر مئونه مصرف می‌شود، جزو درآمد سال فروش است که اگر تا سال خمسی مصرف نگردد، باید خمس اضافی آنرا در صورت اول، و خمس کل آنرا در صورت دوم بدهد.

۷۶/۷/۱۸

﴿س ۱۶۰۰﴾ مرسوم است که هنگام بنای ساختمان در شهرک‌ها مهندسان، نقشه ساختمان را یک طبقه با پیلوت که در واقع دو طبقه محسوب می‌شود یا اساساً در دو طبقه نقشه می‌دهند؛ ولی با توجه به این که معمولاً یک طبقه برایشان مورد نیاز است، آیا ساخت طبقه دوم، پس از بنای آن متعلق خمس هست یا خیر؟ و اگر برای آینده بچه‌ها دو طبقه بنا شود، چه؟

ج- در صورتی که مازاد بر نیاز و شأن فرد باشد، خمس دارد و در صورتی هم که برای فرار از خمس باشد، متعلق خمس است.

۷۹/۷/۲۵

﴿س ۱۶۰۱﴾ اگر قطعه زمینی را از محل فروش طلای همسرم خریداری نموده باشم و مجدداً آنرا فروخته و استفاده کرده‌ام و بعداً از محل اخذ وام و پس انداز و پول زمین فروخته شده، مجدداً زمین دیگری خریداری نمودم و استفاده کردم و به تناسب آن، زمین‌های دیگری خریدم و استفاده کردم، آیا با توجه به این که کارمند هستم، و خانه هم ندارم و زمین را به نیت ساخت خانه خریدم، لیکن توان ساخت آنرا نداشتم و فروختم. لطفاً بفرمایید که خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج- در فرض سؤال خمس بدهکار نیستید.

۷۶/۱۱/۲۴

﴿س ۱۶۰۲﴾ بنده خود خانه‌ای دارم، ولی قصد دارم با توجه به مسائلی که معمولاً هنگام تقسیم ارث پیش می‌آید، خانه‌ای برای همسرم تهیه کنم و به نام او بنمایم و در حقیقت، به او ببخشم و صلح نمایم. تاکنون هم مبلغی بدین منظور جهت دریافت خانه،

به حساب تعاونی مسکن واریز نموده‌ام. حال اگر این خانه را تحویل دهند و من آن را به همسرم بدهم، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج- باید خمس همه پولی که پرداخت می‌شود، داده شود؛ چون اگر با این نحو از حیث بتوان از خمس فرار نمود، کسی خمس بدهکار نمی‌شود. خلاصه آن که امثال تهیة خانه برای همسر، نه مؤونه است، و نه در حکم مؤونه، و متعلق خمس است.

۷۷/۸/۱۳

﴿س ۱۶۰۳﴾ اگر مقداری از مصالح ساختمانی که برای ساخت یا تکمیل خانه خریداری شده اضافه بیاید، مشمول خمس می‌شود یا خیر؟ و اگر در سال‌های بعد، آن مصالح در ساختمان دیگری مصرف شود، چه حکمی دارد؟

ج- اگر مورد نیاز نباشد، متعلق خمس است.

۷۸/۸/۱۵

﴿س ۱۶۰۴﴾ اگر کسی از بانک وام بگیرد تا با آن، زمین یا خانه بخرد، آیا به آن ملک، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج- اگر برای صرف در مؤونه زندگی باشد، به اقساط پرداخته شده آن، چه رسد به اقساط باقی مانده که قرض و وام است نه درآمد، خمس تعلق نمی‌گیرد؛ اما اگر برای سرمایه باشد، اقساط پرداخت شده به عنوان مازاد بر مؤونه و سرمایه، متعلق خمس است.

۷۹/۹/۲۰

مخارج سفرهای زیارتی

﴿س ۱۶۰۵﴾ شخصی برای عمره مفرده ثبت نام کرده (در حالی که رفتن او به عمره قطعی است و برای رفتن نیز به ناچار باید مقداری پول به حساب واریز کند، ولی نوبت او به سال بعد موکول شده) آیا سر سال خمسی، به این پولی که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج- مخارج سفر عمره و غیر آن از سفرهای زیارتی که به طور متعارف انجام می‌گیرد، متعلق خمس نیست و جزو مؤونه حساب می‌شود.

۷۸/۷/۲۵

﴿س ۱۶۰۶﴾ این جانب جهت زیارت مرقد مطهر حضرت زینب - سلام الله علیها - ثبت نام کرده‌ام، و پس از هفت سال نوبت به بنده می‌رسد. آیا خمس این پول باید داده شود؟
ج - پولی که برای ثبت نام سفرهای زیارتی مانند سوریه پرداخت می‌شود، چون مؤنه است، متعلق خمس نیست.
۷۸/۵/۵

﴿س ۱۶۰۷﴾ کسی که جهت پرداخت خمس، دارای سال مالی است، آیا جهت مشرف شدن به حج باید هنگام عزیمت نیز جهت پرداخت خمس، دارایی خود را محاسبه نماید و یا همان موعد سال مالی اش کافی است؟

ج - به نظر این جانب، پولی که انسان برای سفرهای زیارتی مثل حج، کنار می‌گذارند، خمس ندارد و در فرض سؤال، درآمد کسب پس از این که سال بر آن گذشت، متعلق خمس است و کسی که در بین سال خمسی به حج مشرف می‌شود، محاسبه کردن موقع تشرف لازم نیست؛ گرچه احتیاط در مراجعه است تا لباس احرام و پول هدیش (قربانی) مورد شبهه قرار نگیرد و مرجعی که به او مراجعه شده نیز رعایت احتیاط را بنماید.
۷۹/۵/۲۶

﴿س ۱۶۰۸﴾ خانمی در سال ۱۳۶۳ برای رفتن به حج تمتع، نام نویسی کرده است که پول آن را که ۲۷ هزار تومان بوده شوهرش به او داده است و مطمئن نیست که شوهرش خمس این پولی که به او بخشیده، داده یا نه؟ شوهر این خانم در حال حاضر، در قید حیات نیست و فرزندى هم ندارد. در سال جاری، نام این خانم برای رفتن به حج درآمده است؛ ولی به علت پیری و عدم توانایی، فیش خود را به این جانب هدیه کرد و در قبال این امر خیر، این جانب مبلغ سیصد هزار تومان قرض کردم و به یکی از طلاب دادم که در سال جاری به نیابت آن خانم، اعمال حج را برای او به جا آورد. حال سؤال این است که آیا به ۲۷ هزار تومان آن خانم که شوهرش به او داده، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟ اگر خمس تعلق می‌گیرد خمسش به گردن بنده است یا آن خانم؟ آیا باید خمس ارزش سند هدیه شده به این جانب را که ۲۷ هزار تومان است هنگامی که به حج جهت انجام دادن حج تمتع مشرف می‌شوم، بدهم یا خمس، شامل سند حج این جانب نمی‌شود؟ و آیا به مبلغ سیصد هزار تومانی که قرض کرده‌ام، خمس هم تعلق می‌گیرد یا خیر؟ اگر شامل

خمس می‌شود، من باید بدهم یا شخصی که به نیابت می‌رود و این پول را گرفته است؟
 ج - هدیه و بخشش، خمس ندارد، کما این که به هبه کننده هم خمس تعلق نمی‌گیرد، چون مئونه است. آری، اگر انسان بدانند که چیز هبه شده، نزد واهب، عیناً متعلق خمس شده و او نپرداخته، باید خمسش پرداخت شود و نباید به شک اعتنا نمود و فرق نمی‌کند که واهب بپردازد یا متهب، و نیز قرضی هم که خرج زندگی شده، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و بنا بر آنچه مرقوم شد، هیچ یک از موارد سؤال، متعلق خمس نیستند.
 ۷۶/۱۰/۵

مئونه زندگی

﴿س ۱۶۰۹﴾ اگر پولی برای جهیزیه کنار گذاشته شود، باجنس آن که خریداری شود، آیا فرق دارد یا خیر؟

ج - ظاهراً فرقی ندارد و متعلق خمس نیست.

﴿س ۱۶۱۰﴾ بنده از حقوق خود مقداری لوازم به عنوان جهیزیه تهیه کرده‌ام، آیا این لوازم خمس دارد یا نه؟ وسایلی که برای زندگی در روستای محل خدمت خریده‌ام، چطور؟
 ج - جهیزیه چون مئونه است، حتی اگر دیگری هم آن را تهیه کند، خمس ندارد، چه رسد که خود دختر آن را تهیه کند، و آنچه که برای زندگی در روستا تهیه کرده‌اید نیز خمس ندارد.
 ۷۴/۷/۶

﴿س ۱۶۱۱﴾ ۱. تبدیل کالاهای جهیزیه به یکدیگر، در صورت ضرورت چه حکمی دارد؟
 ۲. تبدیل کالا به یک قطعه زمین، و فروش آن به هنگام تهیه جهیزیه، چطور؟
 ۳. تبدیل کالا به پول و سرمایه گذاری آن در امور تجاری و سودآور، چطور؟
 ۴. آیا سود حاصله پس از گذشت سال، خمس دارد یا خیر؟
 ۵. در صورت جایز بودن موارد فوق، اختیار شرعی آن‌ها با چه کسی است؟ چنانچه مادر نسبت به خرید جهیزیه و هبه آن به دختر، اقدام کرده باشد، آیا می‌تواند نسبت به تبدیل یا فروش آن‌ها اقدام کند؟

ج ۱- مانعی ندارد و خمس هم تعلق نمی‌گیرد.

ج ۲ و ۳- جایز است و مانعی ندارد.

ج ۴- به سود حاصله، خمس تعلق می‌گیرد، مگر آنکه برای جهیزیه و مئونه ازدواج دختر، مورد نیاز باشد.

ج ۵- جهیزیه اگر به دختر بخشیده شده، و او هم قبض کرده (یعنی در اختیارش قرار گرفته)، از آن اوست، لذا در این صورت اختیارش هم با خود دختر است، اگر بالغه و رشیده باشد، وگرنه با ولی اوست؛ ناگفته نماند که قبض شرط صحت هبه است، و اگر خود دختر بالغ و رشیده است، قبضش کافی است، وگرنه قبض ولی لازم است، و تصرف در آنچه که در ملک انسان است، اگر رشد و بلوغ داشته باشد، برای خودش جایز وگرنه با ولی اوست. ۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۶۱۲﴾ بنا به فتوای جناب عالی جهیزیه‌ای که برای دختران کنار گذاشته می‌شود، حتی اگر پول نقد باشد، مئونه محسوب می‌شود. با عنایت به این که فرزندان ذکور نیز، خصوصاً امروزه، در امر ازدواج و زندگی آتی خود، نیاز به پشتوانه پدر دارند، آیا می‌توان از محل درآمد سالانه، مبلغی را جهت تهیه مسکن و مراسم ازدواج فرزندان ذکور در نظر گرفت و کنار گذاشت؟

ج - پول‌هایی که برای ازدواج و مقدمات آن در حد متعارف کنار گذاشته می‌شود، به نظر این جانب خمس ندارد، لیکن اگر پدر از درآمد خود، پولی را برای تهیه منزل برای فرزند کنار بگذارد، متعلق خمس است؛ اما اگر کسی خود فاقد منزل مسکونی باشد و پولی برای خرید منزل مورد نیازش کنار بگذارد، ولو سال هم به آن بگذرد، متعلق خمس نیست. ۷۹/۱۱/۲

﴿س ۱۶۱۳﴾ پول‌هایی را که دختران برای خرید جهیزیه پس انداز می‌کنند، بنا به فتوای حضرت عالی خمس ندارد؛ اما در صورتی که برای آن دختر، هیچ وقت موقعیت ازدواج پیش نیاید و تا آخر مجرد بماند، حکم پول‌ها یا اجناس چه می‌شود؟ آیا خمس دارد یا خیر؟

ج - پول‌هایی که برای خرید جهیزیه کنار گذاشته می‌شوند، متعلق خمس نیستند و اگر پول برای خرید جهیزیه کنار گذاشته شود؛ ولی موقعیت ازدواج پیش نیاید، باید خمس آن پرداخت گردد. ۷۹/۶/۸

﴿س ۱۶۱۴﴾ جوانی هستیم که می‌خواهیم ازدواج کنیم. مقداری پول جهت این کار، پس‌انداز کرده و می‌کنم. آیا به این پس‌انداز، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - خمس مبالغی که کنار گذاشته شده، اگر در زمان مراجع قبلی بوده که خمس آن را واجب می‌دانسته‌اند، باید پرداخت شود؛ اما آنچه که از این زمان به بعد، برای مخارج لازم ازدواج پس‌انداز می‌کنید، به نظر این‌جانب خمس ندارد. ۷۴/۲/۶

﴿س ۱۶۱۵﴾ آیا به موارد ذیل، پس از گذشت یک سال و بدون استفاده ماندن آن‌ها، خمس تعلق می‌گیرد؟

۱. وسایلی که انسان در آینده می‌تواند از آن‌ها استفاده کند، مانند نوار کاست، کتاب و...

۲. وسایلی که پسر جهت ازدواج در آینده به عنوان وسایل زندگی می‌خرد.

۳. وسایلی که انسان قبلاً از آن‌ها استفاده کرده و مستعمل است، مانند کفش زمستانی، لباس‌های مختلف و لباس‌های کهنه‌ای که قصد استفاده از آن‌ها را ندارد.

ج - موارد مذکور، متعلق خمس نیست. ۷۵/۹/۱۳

﴿س ۱۶۱۶﴾ آیا به کتاب‌هایی که انسان می‌خواهد در آینده از آن‌ها استفاده نماید و فعلاً مورد نیازش نیست و مطمئن است که نمی‌تواند آن‌ها را بعداً یک‌جا تهیه کند، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - متعلق خمس نیستند و جزو مئونه یا در حکم مئونه‌اند. ۷۸/۹/۶

﴿س ۱۶۱۷﴾ چیزهایی نظیر پارچه برای چادر، که انسان برای همسر آینده‌ی پسر خود کنار می‌گذارد، آیا مشمول خمس است یا نه؟

ج - مشمول خمس نیست، چون جزو مئونه است. ۷۱/۱۱/۴

﴿س ۱۶۱۸﴾ لباس و وسایل بچّه، خریداری شده، ولی از آن استفاده نشده. آیا خمس دارد یا نه؟

ج - چون از مئونه بودن خارج نشده و بنا بر فروش آن به عنوان اضافه‌ی زندگی نیست،

خمس ندارد. ۷۷/۵/۱۱

﴿س ۱۶۱۹﴾ لباس، پارچه یا وسایل شخصی که کسی برای فرزندانش و یله‌مسرش خریداری می‌کند و به آنان می‌دهد، اگر بیش از یک سال، بدون استفاده باقی بماند، متعلق خمس است یا خیر؟ در این مسئله، آیا فرق می‌کند که آن شخص، اهل خمس دادن باشد یا نه؟

ج - لباس، پارچه و وسایل دیگر مایحتاج از وقت خرید که جزو مئونه شده، و در سال هم مورد استفاده قرار نگرفته باشد، خمس ندارد؛ مگر آنکه مطمئن باشد که اصلاً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، که در این صورت با فرض عدم استفاده، خمس آن را باید بپردازد. ۷۲/۶/۱۱

﴿س ۱۶۲۰﴾ آیا طلا یا لوازمی که با پول غیر مخمس خریداری شده و در حد شأن خانواده هم بوده و حال، فرد برای خرید خانه یا وسایل خانه، آن هم در حد شأن خانواده به فروش رسانده، خمس دارد یا خیر؟

ج - خمس ندارد، گرچه از پول غیر مخمس تهیه شده؛ یعنی جزو مئونه بوده و به طور کلی، آنچه مئونه و مورد احتیاج انسان باشد، وقتی به فروش می‌رود و صرف مئونه دیگر می‌شود، خمس ندارد. ۷۸/۹/۱۱

﴿س ۱۶۲۱﴾ اگر شخصی وسایلی را که جزو مئونه محسوب می‌شود، با مقداری از اموال همسرش و مقداری از پول تخمیس شده، خریداری و بقیه را از مخارج عادی خودش تهیه کند، ولی فعلاً همگی با هم مخلوط شده باشند، حکم خمس آن‌ها چگونه است؟

ج - اگر وسایل جزو مئونه باشد، خمس ندارد. ۷۳/۸/۱۰

﴿س ۱۶۲۲﴾ شخصی وسایلی را با این قصد می‌خرد که اگر میهمان بیاید، شاید مورد نیاز قرار گیرد. آیا وسایل مذکور خمس دارد یا خیر؟

ج - اگر چنین خریدهایی به عنوان ذخیره زندگی محسوب نشود و جزو خرج و هزینه زندگی محسوب شود، مئونه است و خمس ندارد. ۷۶/۳/۲۲

﴿س ۱۶۲۳﴾ با توجه به این که بعضی از حساب‌های بانکی هستند که باید مقدار مشخصی پول در حساب مربوط باشد و امکان خروج آن وجود ندارد و مثلاً حداقل پنج هزار تومان باید در حساب بماند، گذشتن سال بر این مبالغ، خمس دارد؟

ج - خمس دارد، چون مازاد بر مئونه سال است. ۷۷/۳/۳۱

﴿س ۱۶۲۴﴾ مقدار حدود یکصد کیلوگرم شلتوک برنج جهت استفاده خریدم، ولی موفق به آسیاب نمودن و استفاده از آن در طول یک سال نشدم. آیا این مقدار، خمس دارد یا خیر.

ج - خمس دارد. ۷۶/۱۱/۱۳

﴿س ۱۶۲۵﴾ شخصی یک ماشین لباسشویی به نیت هدیه به نوه‌اش بعد از ازدواج او خریده و کنار گذاشته، ولی حالا به علی می‌خواهد ماشین را بفروشد و پولی هم که برای ماشین داده، متعلق خمس نبوده است. آیا موقع فروش باید خمس آن داده شود؟

ج - اگر پول آن در سال فروش، خرج مؤنه نشود، به عنوان مازاد بر مؤنه، متعلق خمس است. ۷۸/۲/۲۷

﴿س ۱۶۲۶﴾ به علت شرایط محیطی، هر سال در تابستان مقداری نفت برای سوخت زمستان تهیه می‌کنم، آیا لازم است که خمس آن را در موقع حساب سال بپردازم؟

ج - اگر طوری است که در زمستان نمی‌توانید آن را تهیه کنید، یا تهیه آن مشکل است، خمس ندارد. ۷۴/۱۲/۱۰

﴿س ۱۶۲۷﴾ هنگام فرا رسیدن سال خمسی، آیا هر چیز اضافی در منزل، اعم از خوراکی، پوشاکی، شوینده‌ها و... را باید حساب کرد، یا خمس به موارد خاصی تعلق می‌گیرد؟

ج - عین هر آنچه از لوازم زندگی که مورد استفاده قرار می‌گیرد و از بین می‌رود، مانند خوراکی‌ها، مواد شوینده و غیر آن‌ها، اگر مازاد بر مؤنه باشد و آخر سال زیاد بیاید، متعلق خمس است. ۷۶/۲/۳۰

﴿س ۱۶۲۸﴾ شخصی با دریافت وام بانکی به مبلغ یکصد هزار تومان، فرش خریده و از آن استفاده کرده، و بعد از سه سال آن را به مبلغ یکصد و بیست هزار تومان فروخته است. آیا این پول متعلق خمس است؟

ج - اگر فرش جزو مؤنه باشد و بعد از فروش هم بنا را بر نداشتن فرش گذاشته (یعنی در حقیقت به زندگی نقضی وارد کرده است)، آن پول خمس ندارد، مخصوصاً اگر قبل از رسیدن آخر سال صرف مؤنه شود. ۷۴/۸/۲۰

﴿س ۱۶۲۹﴾ پولی که جهت ثبت نام تلفن به حساب بانک واریز می شود و واگذاری آن از سوی مخابرات چند سال طول می کشد، آیا متعلق خمس است یا نه؟

ج - پولی که برای تلفن واریز شده، اگر تلفن مورد نیاز و جزو مئونه باشد، با فرض اینکه اگر سال قبل پول داده نشود، توان تهیه آن در سالهای بعد را ندارد، متعلق خمس نیست؛ وگرنه با گذشت سال، متعلق خمس است.
۷۰/۹/۵

﴿س ۱۶۳۰﴾ آیا تلفن سیار، خمس دارد؟

ج - اگر دارنده آن‌ها تشخیص دهد که از نظر مردم جزء لوازم زندگی اوست، خمس ندارد و الا خمس دارد.
۸۵/۲/۵

﴿س ۱۶۳۱﴾ اگر سال خمسی کسی مثلاً پایان شهریور باشد، آیا لوازم التحریری که برای سال تحصیلی فرزندانش خریداری کرده، خمس دارد یا نه؟

ج - جزو مئونه است و خمس ندارد، به علاوه ظاهراً هبه به فرزند است. ۷۴/۷/۱۱

﴿س ۱۶۳۲﴾ کتاب‌هایی که فقط مقداری از آن خوانده شده، آیا خمس دارد؟

ج - خمس ندارد، مگر مواردی که آن را برای فروش کنار گذاشته باشند، که از باب ربح افزون بر مئونه، اگر تا آخر سال مصرف زندگی نشد، خمس آن را باید پرداخت کنند.
۷۴/۷/۴

﴿س ۱۶۳۳﴾ آیا به کتاب‌هایی که از طریق شهریه خریداری می شود، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - خمس تعلق نمی‌گیرد.
۷۵/۱۱/۲۲

﴿س ۱۶۳۴﴾ آیا به پول حاصل از فروش کالاها، لوازم مستهلک یا غیر ضروری منزل مانند ظروف، پنکه، اتومبیل و... که از درآمد سال‌های گذشته خریداری شده، به محض فروش خمس تعلق می‌گیرد، یا اینکه جزو درآمد سال فروش است؟

ج - اگر مازاد بر مئونه است، جزو درآمد سال فروش است.
۷۴/۱۰/۴

﴿س ۱۶۳۵﴾ شوهرم زمینی را از بسیج گرفته است و طی مدت شش سال به طور قسطی پول آن را پرداخت کرده است (قیمت کل زمین چهارصد و سی هزار تومان بوده است). آیا پرداخت خمس مبلغ فوق، لازم است یا خیر؟ شایان ذکر است که اگر از لحاظ اداری

مشکلاتی برای ما به وجود نیاید، قصد فروش ملک مذکور را نداریم و آن را می‌خواهیم برای فرزندانمان نگه داریم؟

ج - چون مازاد بر مئونه است، خمس به آن تعلق می‌گیرد و باید قیمت فعلی را معلوم

کنید تا گفته شود به چه مبلغی می‌توان مصالحه کرد. ۷۷/۶/۱۶

﴿س ۱۶۳۶﴾ اگر مقداری از سهام خودم را جهت بدهی مهریه همسر و پیش‌بینی برای ایام سختی و تأمین آینده و جهیزیۀ دخترم به نام همسر و دخترم کرده باشم و یا به صورت اقساطی از محلّ حقوق برای آن‌ها خریده باشم، از نظر خمس چگونه است؟

ج - اگر برای فرار از خمس نباشد، خمس ندارد؛ و اما نسبت به تأمین برای سال‌های

آینده، خمس دارد. ۷۷/۳/۳۱

﴿س ۱۶۳۷﴾ شخصی قبل از ازدواج با مرور زمان، وسایل زندگی از قبیل یخچال، تلویزیون و... تهیه می‌نماید. زمانی که ازدواج می‌کند، همسرش تمام وسایل را به عنوان جهیزیۀ می‌آورد، و چون این لوازم که خود، آن‌ها را تهیه نموده، مازاد بر احتیاج بوده، آن‌ها را فروخته است. آیا لازم است خمس آن‌ها را بپردازد یا خیر؟

ج - اگر وسایل ذکر شده، قبل از ازدواج مورد نیازش بوده است و پس از ازدواج و عدم

نیاز در بین سال خمسی فروخته، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، مگر این که سال

خمسی بر پول آن‌ها بگذرد و آن پول‌ها صرف مئونه نشود. به هر حال، مئونه

زمانی که از مئونه بودن بیرون رفت و جزو اموال اضافی محسوب شد، حکم

درآمد آن سال بر آن مترتب است. ۷۷/۴/۲۴

﴿س ۱۶۳۸﴾ زنی شاغل بوده‌ام و درگذشته، همسر سه چهارم یا حداقل نصف

مخارج زندگی را در اختیار بنده قرار می‌داد و خودم، حساب سال داشتم و خمس

موادّ خوراکی را پرداخت می‌کردم؛ ولی اکنون باز نشسته شده‌ام و شوهرم مسئول

مخارج زندگی است و حساب سال ندارد و بنده، خودم مخارج خودم را به عهده

دارم. آیا می‌توانم از موادّی که در خانه است و موادّ خوراکی‌ای را که به صورت سالانه

به یک کارگر می‌دهند، بدون اجازه وی حساب سالش را بدهم؟ و یا این مواد که به

صورت کمک هزینه هستند، چون حقوق به آن‌ها کم می‌دهند، حساب بخشش است و خمس به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد؟

ج - خمس به آن‌ها تعلق می‌گیرد و زن می‌تواند حساب سال شوهر خود را نگه دارد؛ ولی نمی‌تواند بدون اجازه شوهر، خمس مال او را بدهد، هر چند تصرف در مال خمس نداده، جایز نیست.
۷۶/۱۰/۲۱

﴿س ۱۶۳۹﴾ اگر زن برای کارهای ضروری زندگی از قبیل مسکن و غیره، طلای زینتی و غیر زینتی‌اش را بفروشد، خمس دارد یا نه؟ اگر دارد، همان وقت خمس تعلق می‌گیرد یا وقتی سال بگذرد؟

ج - خمس ندارد، چون قبلاً زینت بوده و جزو مؤنه و فعلاً هم صرف در مؤنه می‌شود.
۷۷/۵/۱۱

﴿س ۱۶۴۰﴾ گردنبندی دارم که در اثر مرور زمان، دچار شکستگی شده و فعلاً مدتی است که قابل استفاده نیست و در نظر دارم با گردنبند یا دستبند دیگری تعویض نمایم. آیا در اثر فروش و تعویض آن، به مبلغ فروش، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - به گردنبند و غیر آن از زینت‌ها که مورد احتیاج و جزو مؤنه است، خمس تعلق نمی‌گیرد، همان طور که به اصل آن خمس تعلق نمی‌گیرد. بدل و پولی که برای تبدیلیش مصرف می‌شود نیز چون مؤنه است، متعلق خمس نیست.
۷۸/۴/۷

﴿س ۱۶۴۱﴾ کارمندی از مأموریت آموزشی استفاده می‌کند. روال چنین است که باید ابتدا هزینه تحصیل خود را بپردازد و پس از اتمام دوره و با ارائه کارنامه قبولی، هزینه تحصیلی را سازمان به فرد پرداخت کند. سؤال این است که اگر بعد از سال خمسی، سازمان، مبالغ مربوط را به حساب فرد واریز کند (قبلاً فرد مبلغ مذکور را به حساب آموزشگاه واریز کرده)، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - زمانی که به حساب او واریز شد، جزو درآمدش محسوب می‌شود.
۷۷/۸/۱۵

﴿س ۱۶۴۲﴾ از آن‌جا که اکثر فقهای معاصر، قرارداد بیمه را مغایر با احکام اسلام نمی‌دانند و صحت آن را تأیید می‌نمایند و امروزه، وجود انواع پوشش‌های بیمه‌ای شاید تضمین بر یک زندگی با کرامت برای افراد جامعه باشد، اخیراً نوعی خاص از پوشش بیمه‌ای تحت عنوان «بیمه عمر» و «پس‌انداز» توسط یکی از شرکت‌های بیمه ابداع

گردیده است که به وسیله آن، بیمه‌گذاران می‌توانند با صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری و پرداخت‌های مستمر ماهیانه، علاوه بر برخورداری از پوشش‌های بیمه عمر، موجبات تهیه سرمایه آینده را نیز فراهم آورند. آیا مبلغ دریافتی شرکت بیمه، با توجه به این که اگر متعلق خمس قرار گیرد، چنین پوشش بیمه‌ای برای بیمه‌گذار، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست، آیا متعلق خمس قرار می‌گیرند؟

ج - پولی که انسان برای بیمه می‌پردازد، چون کنار گذاشته می‌شود و مازاد بر مئونه سال است، متعلق خمس است، مگر آن که با فشار و با کم کردن از مخارج عادی خود باشد که در این صورت، خمس ندارد. ۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۱۶۴۳﴾ در بعضی از ادارات، ماهانه مبلغی از حقوق به عنوان بیمه درمان، کسرمی‌شود، و در عوض، وقتی کارمندی بیمار شد، شخصاً نزد پزشک می‌رود و هزینه دارو و درمان را پرداخت می‌کند و سپس با ارائه مدارک لازم به اداره، بخشی از مبلغی را که هزینه دارو و درمانش شده از بیمه دریافت می‌کند. آیا مبلغی که اداره بیمه به عنوان حق بیمه می‌دهد، خمس دارد؟

ج - پولی را که بیمه پردازد، جزو درآمد سال محسوب می‌شود و اگر تا آخر سال خرج زندگی نشود، به حکم مازاد بر مئونه، متعلق خمس است. ۷۶/۸/۳

﴿س ۱۶۴۴﴾ زنی بخشی از هزینه زندگی اش از قبیل پوشاک، هزینه‌های پزشکی، زینت و... را خودش می‌پردازد. آیا پس انداز او خمس دارد؟

ج - آنچه از سر سال اضافه بیاید، متعلق خمس است و فرقی ندارد که شوهر، خمس را پردازد یا خودش. ۷۸/۱۲/۷

﴿س ۱۶۴۵﴾ در اداره ما صندوق قرض الحسنه موجود است و ماهانه، پولی از من بابت آن کم می‌شود تا بتوانم وام بگیرم. آن پولی که در آن جا پس انداز شده، چه حکمی دارد؟ اگر برداشت کنم، آیا متعلق خمس است؟

ج - اگر اجبار به پس انداز نمودن آن از طرف اداره ندارید، جزو مازاد بر مئونه است و متعلق خمس است و باید خمس پرداخت شود، و اگر اجبار در کار باشد، به صورتی که قدرت برداشت آن مبلغها را ندارید، در هنگام وصول، جزو درآمد آن سال است که اگر تا آخر سال خرج زندگی و مایحتاج زندگی نشده، باید خمسش پرداخت شود. ۷۸/۵/۹

﴿س ۱۶۴۶﴾ از اوّل زندگی ام مشغول تهیهّ مقدمات و لوازم خانگی مورد نیازم بوده و هستم پرداخت مهریه همسرم و تهیه یک خانه و وسیله نقلیه نیز پس انداز می‌خواهد. آیا به این پس انداز، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - آنچه از لوازم منزل و خود منزل و همه ضروریات زندگی که تهیه شده، و آنچه از آن‌ها که برایش پول کنار گذاشته می‌شود به نظر این جانب خمس ندارد. آری، مهریه را تا همسر مطالبه ننموده، جزو مئونه نیست و پول کنار گذاشته برای آن خمس دارد، کما این که اگر وسیله نقلیه و یا غیر آن، جزو ضروریات زندگی نباشد، بلکه جزو لوازم دست دوم زندگی باشد نیز خمس دارد. ۷۹/۱۱/۶

﴿س ۱۶۴۷﴾ آیا به پولی که به عنوان رهن برای اجاره منزل به صاحب‌خانه می‌دهند، خمس تعلق می‌گیرد؟
ج - خمس ندارد.

جبران زیان و قرض از منفعت

﴿س ۱۶۴۸﴾ چنانچه سرمایه مخمس به علت زیان یا هزینه زندگی نقصان یابد، آیا می‌توان از مئونه سال بعد، رفع نقصان کرد؟

ج - نمی‌توان رفع نقصان کرد و موجودی آخر هر سال، معیار سال بعد است؛ یعنی اگر سال بعد چیزی به آن اضافه شود، هر چند هنوز به سرمایه سال قبل نرسیده، باید خمسش را پرداخت کرد. ۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۶۴۹﴾ قبل از فرار سیدن سال خمسی، حدود هفتصد هزار تومان به یکی از دوستانم قرض الحسنه دادم، گرچه در همان زمان، خودم همین مبلغ و حتی بیشتر از آن مقدار، بدهکار بودم و قصد داشتم که آن را صرف پرداخت بدهی کنم. حال اگر ایشان این مبلغ را بعد از سال خمسی به من برگرداند، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد یا می‌توانم بابت پرداخت بدهی هزینه کنم؟ به طور کلی در چه صورتی این مبلغ، متعلق خمس است؟

ج - خمس تعلق نمی‌گیرد، چون در مقابلش مقروض هستید و مازاد بر مئونه نیست، و اگر هم قرضتان را قبلاً پرداخته‌اید، چنانچه بعد از وصول و قبل از گذشت سال، خرج زندگی و مئونه نشد، باید خمس آن را پردازید، وگرنه خمس ندارد. ۷۵/۱۰/۲۴

﴿س ۱۶۵۰﴾ شخصی سرسال خمسی خود، با اینکه بدهکار است، مبلغی پول نقد دارد.
آیا به این پول، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - اگر زمان پرداخت دین فرا رسیده و می‌خواهد با آن پول نقد، دین و بدهکاری خود را بپردازد و دین هم برای سرمایه نبوده، خمس ندارد، وگرنه باید خمس آن را بپردازد، چون مازاد بر مئونه سال است.
۷۵/۱۱/۱۸

﴿س ۱۶۵۱﴾ در سال قبل، هنگام حساب سال خمسی، یک میلیون تومان سرمایه داشتم که دویست هزار تومان آن را بابت خمس پرداخته‌ام و مابقی آن را به مرور زمان، یا یک جا مصرف نمودم، اما قبل از موعد سال جدید، مجدداً یک میلیون تومان به دست آوردم. بفرمایید چه مبلغی مشمول خمس است؟

ج - مازاد بر سرمایه مخمس سال قبل (یعنی خمس مبلغ دویست هزار تومان در مفروض سؤال) باید پرداخت شود، و خصوص عین سرمایه مطرح نیست، یعنی سال قبل مثلاً هشتصد هزار تومان سرمایه خالص بوده، و در وسط سال بعد ضرر کرده و همه‌اش از بین رفته است، و یکی دو ماه به آخر سال، مبلغی درآمد داشته، هر چه از آن مبلغ اضافه بر سرمایه سال قبل است، خمس دارد، نه سرمایه سال که خمسه داده شده است.
۷۳/۱۰/۲۶

﴿س ۱۶۵۲﴾ چنانچه به پولی که تخمیس شده و برای موارد ضروری کنار گذاشته شده، نیاز داشته باشیم، آیا می‌توانیم آن را مصرف کنیم و بعد، از درآمد سال، جایگزین آن کنیم؟
ج - مانعی ندارد.
۷/۴/۱۲

﴿س ۱۶۵۳﴾ مقداری سرمایه را بابت سودآوری (مضاربه اسلامی) در شرکتی گذاشتم. گرچه شرکت، حساب و کتاب سود و زیان هر سال خود را حساب می‌کند؛ ولی تا کارهای حسابرسی آخر سال را انجام داد چند ماه از سال بعد گذشت؛ ولی آنچه را که به عنوان سود اعلام شده، در حقیقت، سود حاصل تا آخر سال قبل بوده است. در حساب سال خمسی آخر آن سال، بنده بیش از آن سود حاصل، بدهکار بودم. حکم خمس این سودی که در سال بعد داده‌اند، با توجه به قرضی که داشته‌ام، چگونه است؟

ج - با توجه به این که در مقابلش قرض بوده، مازاد بر مئونه سال نیست. ۷۷/۱۰/۱۹

﴿س ۱۶۵۴﴾ اگر سال خمسی فرا برسد و مقداری از مواد غذایی که از درآمد سال تهیه شده است، مصرف نشده باشد، و از طرف دیگر برای تأمین سایر مخارج زندگی (شامل مواد غذایی، پوشاک و...) مقروض باشم، به طوری که مبلغ قرض خیلی بیشتر از مواد غذایی مصرف نشده باشد. آیا بایستی قیمت مواد غذایی محاسبه گردد و خمس آن پرداخت شود، یا اینکه خمس ندارد؟

ج - چون قرض زیادتر از موجودی است، به مواد غذایی باقی مانده، خمس تعلق نمی‌گیرد و مازاد بر مؤنه نیست.
۷۵/۱۰/۲۵

﴿س ۱۶۵۵﴾ شخصی که به چند کسب مشغول است و سرمایه همه رشته‌هایکی است، آیا می‌تواند اگر در کسبی ضرر کرد، از فواید کسب دیگرش بردارد و در آخر سال، سود و زیان همگی را محاسبه کند و در صورت داشتن فایده، خمس آن را پرداخت نماید یا خیر؟

ج - آری، می‌تواند؛ چون سرمایه همه یکی است، کما این که می‌تواند چون رشته‌های مختلف است، برای هر یک سال معینی قرار دهد.
۷۶/۶/۲۵

﴿س ۱۶۵۶﴾ بنده وامی از بانک برای خرید خانه دریافت کرده‌ام که پرداخت اقساط آن، شش سال طول می‌کشد حال برای محاسبه خمس سالیانه چگونه باید قرض خود را محاسبه کنم؟ آیا هر سال، کل وام، به علاوه سودش را از کل سرمایه کم کنم؟ یا این که باید بدهکاری طول یک سال از آن وام را از کل سرمایه کم نمایم؟

ج - بدهکاری پرداخته شده در آخر هر سال، خود به خود از سرمایه کم شده است. اگر چیزی اضافه مانده، باید خمس آن پرداخت شود و نمی‌توان باقی مانده را برای پرداخت بدهی‌های سال آینده حساب کرد و خمس آن را نداد.
۷۹/۹/۱۳

قرض

﴿س ۱۶۵۷﴾ مقداری پول به عنوان قرض الحسنه و به مدت یک سال، به یکی از دوستانم داده‌ام، اگر سال خمسی من فرا برسد، آیا باید خمس آن را بپردازم، یا هنگامی که آن را در سال بعد دریافت کردم، درآمد آن سال به حساب می‌آید؟

ج - اگر اطمینان به وصول داشته باشید، جزو درآمد همان سال است، لیکن می‌توانید

خمس آن را هنگام وصول، بپردازید؛ اما اگر اطمینان به وصول نداشته باشید، جزو درآمد سال وصول است.

۷۴/۱۰/۲۸

﴿س ۱۶۵۸﴾ خانمی دستبند طلایش را فروخته و پول آن را به عنوان قرض الحسنه به فرزند خود داده، وی قصد داشته اقساط ماهانه‌ای را که فرزندش بازپرداخت می‌کند، پس‌انداز نموده و مجدداً همان مقدار طلا خریداری کند. چنانچه سال خمسی فرا رسد، آیا به میزان پول پس‌انداز شده به این منظور، خمس تعلق خواهد گرفت یا خیر؟

ج - بر فرض اینکه مورد احتیاج است، خمس ندارد.

۸۵/۲/۵

﴿س ۱۶۵۹﴾ شخصی از صندوق قرض الحسنه وام گرفته و به عنوان سرمایه قرار داده است، آیا باید خمس وام را بپردازد، یا اینکه تا تمام وام، بازپرداخت نشده، خمس ندارد؟ ج - هر مقدار از وام که اقساطش تا آخر سال خمسی پرداخت شود، جزو سرمایه است و حکم سرمایه را دارد.

۷۴/۱۱/۲۴

﴿س ۱۶۶۰﴾ اگر پول مخمس قرض داده شود، و مقترض از منافع کسب سالش قرض را ادا کند، آیا بایستی خمس آن را هم پرداخت کند؟ (با توجه به اینکه یک بار پرداخت کرده است). اگر مقترض قرض مذکور را از پول غیر مخمس پرداخت کند، چطور؟ آیا اساساً لازم است که در این خصوص تفحص شود یا خیر؟

ج - به هر مازاد بر مئونه بیش از یک بار خمس تعلق نمی‌گیرد، یعنی اگر صد تومان اضافه داشته باشد و بیست تومان آن را پرداخت کند، هشتاد تومان باقی مانده دیگر، متعلق خمس نیست؛ و تحقیق و تفحص نسبت به دیگران، به منظور آگاهی از پرداخت یا عدم پرداخت خمس، لازم نیست.

۷۴/۶/۱۸

﴿س ۱۶۶۱﴾ شخصی پولی را قرض گرفته و سر سال، در دست اوست. آیا خمس دارد؟ ج - چون قرض است، نه درآمد، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

۷۷/۴/۲۴

﴿س ۱۶۶۲﴾ در سال گذشته، محصول پسته بعضی از کشاورزان را سرما زد. اداره کشاورزی، مبلغ دویست هزار تومان بابت خسارت داده که ده ماه دیگر همه این مبلغ را بگیرد. آیا به این پول هم خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - به مبلغ مذکور، خمس تعلق نمی‌گیرد.

۷۷/۱/۲۲

﴿س ۱۶۶۳﴾ فردی مبلغی از پولی را که به وی به ارث رسیده بود، به من قرض داد. من نیز مقداری از آن پول را به فرد دیگری قرض دادم. با توجه به این که سال خمسی من فرا رسیده است، حال اگر نفر سوم (قرض گیرنده ثانوی) بدهی خود را مستقیماً به شخص اول (قرض دهنده اولی) بدهد، آیا من باید بابت این پول، خمس بدهم؟

ج - پول از آن شما نبوده که خمس آن به عهده شما باشد و قرض، هر چند ملک قرض گیرنده است، اما درآمد او نیست تا متعلق خمس گردد. ۷۷/۸/۱۰

﴿س ۱۶۶۴﴾ مبلغی پول (دویست هزار تومان) از پس انداز خودم را جهت رفع امورات جاری به پدرم دادم، به این امید که ایشان آن پول را پس دهد؛ ولی امکان این که آن پول به من برگردانده شود، فعلاً نیست. مستدعی است بفرمایید که آیا خمس به آن پول تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - پولی را که به پدرتان وام داده‌اید، اگر مازاد بر مئونه در سنوات قبل بوده و خمس به آن تعلق گرفته و خمسش را نپرداخته‌اید، باید خمس همه آنرا، یعنی مبلغ پنجاه هزار تومان بپردازید و یا مبلغ چهل هزار تومان از همان پول را به عنوان خمس بدهید؛ و اما اگر متعلق خمس نبوده، جزو درآمد سال وصول است، مگر آن که در وقت دادن پول و وام، اطمینان به وصول باشد که در این صورت، جزو درآمد سال طلب است؛ لیکن فرد می‌تواند خمس آنرا تا زمان ادا به تأخیر بیندازد. ۷۶/۹/۱۹

﴿س ۱۶۶۵﴾ بنده مبلغی به عنوان قرض به افرادی داده‌ام و آن‌ها ماهانه به طور اقساطی پرداخت می‌کنند. حال اگر سال خمسی بنده فرارسد و مثلاً یک میلیون تومان نیز از این افراد بخواهم، آیا می‌توانم بابت بدهی‌ای که به همسرم دارم، به او بگویم که از این پس، این اقساط ماهانه را که پرداخت می‌کنند، تو دریافت کن؟ ضمن این که حقیقتاً بنده مبلغ دو میلیون تومان به همسر خود دین دارم و این مبلغ، بخشش و هبه هم نبوده است؛ بلکه تأدیه مواردی از بدهی به اوست؟

ج - مانعی ندارد و متعلق خمس نیست. ۷۷/۵/۲۶

﴿س ۱۶۶۶﴾ بنده مبلغ یکصد و ده هزار تومان داشتم و به خاطر این که برادرم قرض می‌خواست و سال خمسی ام هم نزدیک بود، به او قرض دادم. آیا اشکالی ندارد؟
 ج - در موقع ادای آن، با فرض این که هنگام قرض دادن مورد احتیاج زندگی شخص خودتان نبوده که اگر می‌ماند، خرج زندگی نمی‌شد، بلافاصله باید خمس آن را بپردازید؛ و اگر مورد احتیاجتان بوده، متعلق خمس نشده و بعد از ادا هم جزو درآمد سال وصول است و تابع مازاد بر زندگی سالیانه سال وصول است.

۷۸/۱۰/۶

﴿س ۱۶۶۷﴾ کسی که با وام مضاربه‌ای سرقفلی مغازه‌ای را خریده که در طول نه ماه پول آن را درآورد و به بانک بپردازد و پس از دو ماه، سال خمسی اش رسیده، آیا با توجه به این که با پول مخمس، مقداری هم خرج آن (مثلاً پانصد هزار تومان) کرده و فعلاً آن پول، جزو سود سالیانه محسوب می‌شود، با توجه به رسیدن حساب سال او، حکم چیست؟

ج - پولی که خمس آن داده شده، خمس ندارد؛ اما مازاد بر قرض از سرمایه، مشمول حکم خمس بر سرمایه است و پول‌های قرضی اقساط پرداخت نشده، از سرمایه کم می‌شود.

۷۷/۱/۷

﴿س ۱۶۶۸﴾ اگر شخصی از محل کار خود یا بانک، وام گرفته و بابت آن تا پانزده سال بدهکار باشد، آیا باز هم ملزم به پرداخت خمس است، حتی اگر وجه کمی باشد؟

ج - اگر زمان پرداخت دین فرا رسیده و می‌خواهد با آن پول نقد، دین و بدهکاری خود را بپردازد و دین هم برای سرمایه نبوده، خمس ندارد؛ وگرنه باید خمس آن را بپردازد، چون مازاد بر مؤنه سال است.

۷۹/۸/۱۷

﴿س ۱۶۶۹﴾ اگر وجهی در حساب قرض الحسنه بانکی داشته باشم که سال‌ها از آن می‌گذرد، از آن جاکه بهره‌ای بدان تعلق نمی‌گیرد، آیا زمان برداشت وجه می‌باید خمس آن پرداخت گردد؟

ج - آری، چون مازاد بر مؤنه و پس‌انداز بوده، متعلق خمس است.

۷۵/۱/۳

تصرف در مالی که خمس آن پرداخت نشده است

﴿س ۱۶۷۰﴾ پولی را که نمی‌دانیم خمس آن را پرداخت کرده‌ایم یا نه، آیا باید بپردازیم؟

ج - اگر تعلق خمس به آن یقینی بوده و شک در ادا دارید، باید خمس آن را بپردازید؛ و اگر شک در تعلق خمس دارید، ادای آن واجب نیست. آری، اگر می‌توانید با تفحص و محاسبه اموال، قضیه را بفهمید، بنا بر احتیاط واجب، تحقیق و محاسبه لازم است.
۷۴/۴/۱۲

﴿س ۱۶۷۱﴾ آیا شرکت با افرادی که خمس نمی‌پردازند یا وضعیت نامعلومی دارند، اشکال دارد؟

ج - شرکت با افرادی که از جهت ادای خمس، وضعیت نامعلومی دارند، مانعی ندارد؛ اما اگر معلوم است که خمس نمی‌پردازند، و سرمایه‌ای که در شرکت قرار می‌دهند، متعلق خمس بوده، ولی خمسش را نپرداخته‌اند، نمی‌توان با آنها شرکت کرد.
۷۴/۸/۲۸

﴿س ۱۶۷۲﴾ نگاه کردن یا گوش دادن به تلویزیونی که خمس به آن تعلق گرفته است، چه حکمی دارد؟

ج - نگاه کردن برای غیر غاصب، مانعی ندارد، چون تصرف در مال غیر نیست، و ارتباطی هم به ناظرانی که هیچ دخالتی در روشن کردن تلویزیون نداشته‌اند، ندارد.
۷۵/۱۰/۷

﴿س ۱۶۷۳﴾ اگر بدانیم که میزبان از پولی که خمس آن را نپرداخته، غذا تهیه کرده است، صرف این غذا چه حکمی دارد؟

ج - اگر یقین حاصل شود که عین این غذا از پولی تهیه شده که عین آن مازاد بر مؤنه و متعلق خمس بوده و خمس آن را نپرداخته و با آن، همین غذا را تهیه کرده است، خوردن آن غیر جایز است، ولی معمولاً چنین یقینی حاصل نمی‌شود و استفاده با شک، جایز است و مانعی ندارد.
۷۵/۱۱/۶

﴿س ۱۶۷۴﴾ اگر پدر خانواده، خمس و زکات سالانه را نپردازد، آیا خوردن غذای بدون ردّ خمس و زکات و خریدن لباس و نماز خواندن برای فرزندان، اشکال دارد؟

ج - با رعایت احترام کامل نسبت به پدر مسئله خمس را به ایشان تذکر دهید و موارد سؤال نیز در صورتی که یقین نداشته باشید که متعلق خمس است، مصرف و تصرف در آنها اشکالی ندارد و همیشه خدا را در نظر بگیرید و بدانید که اسلام، دین سهولت است نه صعوبت، و همین که انسان خود را از گناهان پرهیز دهد و در نماز جماعت‌ها و مجالس وعظ و خطابه شرکت نماید، ان شاء الله، مأجور خواهد بود.

۷۷/۱/۲۷

﴿س ۱۶۷۵﴾ برخی از مایحتاج زندگی مانند برنج، گوشت و... را از پدرم دریافت می‌کنم. با توجه به اینکه یقین ندارم که ایشان خمس می‌پردازند یا نه، استفاده از آنها چه حکمی دارد؟ البته یک بار ایشان گفتند که حساب سال دارم، آیا بنده باید تحقیق کنم؟

۷۴/۷/۷

ج - نه پرداخت خمس لازم است و نه تحقیق.

﴿س ۱۶۷۶﴾ کسی که از پول خمس نداده اشیا را بخرد و به خانواده و آشنایان ببخشد، چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که یقین داشته باشد پولی که برای خرید هدیه داده شده، متعلق خمس بوده، یک پنجم آن را مالک نمی‌شود.

۷۶/۱۰/۲۷

﴿س ۱۶۷۷﴾ اگر پدری جهیزیه دخترش را از مالی که خمس به آن تعلق گرفته و پرداخت نشده تهیه کرده باشد و خمس آن را نپرداخته باشد، آیا پرداخت خمس بر دختر لازم است؟

ج - بر دختر واجب است که خمس آن را پرداخت نماید و تصرف در مال خمس نداده، اشکال دارد.

۷۶/۷/۱۵

﴿س ۱۶۷۸﴾ شخصی از درآمد سال و با گرفتن وام، منزلی که در شأن او باشد، تهیه و خریداری می‌نماید و چون نیاز به آن دارد، در زمان رسیدن سال خمسی، آن را محاسبه نمی‌کند، ولی در رساله ذکر گردیده اگر انسان، مالی را که خمس آن داده نشده خریداری نماید، مقدار یک پنجم آن را به مجتهد بدهد. حال سؤال این است که

وقتی ما منزلی را خریداری می‌کنیم و یقین داریم که فروشنده، خمس نمی‌دهد، تکلیف ما در این خصوص چیست؟

ج- اگر نسبت به منزلی که خریده‌اید، شک دارید که نزد فروشنده، متعلق خمس گشته یا خیر، بر شما چیزی نیست و تفحص نیز لازم نیست؛ ولی اگر اطمینان دارید که متعلق خمس شده و چون از درآمد بوده و مؤنه هم نبوده، خمس آن را باید بپردازید، لیکن حصول چنین اطمینانی مشکل است، بلکه معمولاً همان شک است. ۷۶/۸/۲۸

﴿س ۱۶۷۹﴾ برادر این جانب یک سال و نیم پس از دریافت اولین حقوق از دولت، بدون این که خمس پرداخت نماید، مقداری پول نیز از پدرم کمک گرفت و خانه‌ای خرید. پدرم نیز تا زمان کمک به برادرم هیچ‌گاه خمس پرداخت ننموده بود؛ لیکن دو سال بعد با مراجعه به نماینده یکی از مراجع، این کار را انجام داد. حال آیا تصرف بنده و انجام دادن واجبات در منزل برادرم برای من جایز است؟

ج- با توجه به این که هبه کننده (یعنی پدر) بعد از دو سال خمس اموال خود را محاسبه نموده، تصرف شما و دیگران در خانه مورد سؤال، مانعی ندارد، چون با محاسبه هبه کننده و پرداخت خمس، قطع نظر از این که خانه، مورد شک قرار می‌گیرد و تصرف باشک در ادای خمس هم جایز است مقتضای اصل صحت در امر غیر، برائت ذمه بدهکار بر خمس است. ۷۶/۷/۷

﴿س ۱۶۸۰﴾ شخصی به مجلس عروسی یکی از اقوام دعوت می‌شود و برای این فرد، مسلم است که صاحبخانه، خمس منزلش را نداده و منزل را با پول خمس داده نشده تهیه کرده. با وجود این یقین، نمازش را در آن خانه خوانده. آیا نماز او باطل است یا نه؟ و اگر باطل است، نیاز به قضا دارد یا خیر؟

ج- نماز، باطل نمی‌شود، چون اولاً خانه جزو مؤنه است و پولی که برای تهیه آن است، هر چند سال بر آن بگذرد، متعلق خمس نیست و ثانیاً معلوم نیست که از پول متعلق خمس تهیه شده یا غیر آن.

﴿س ۱۶۸۱﴾ اگر کسی چیزی را به ذمه بخرد و پول آن را از پول غیر مخمس بدهد، چگونه باید خمس آن را محاسبه کند؟ در همین فرض، اگر لباس است، آیا می‌تواند با آن نماز بخواند و یا با آن؛ طواف واجب انجام دهد؟

ج - معامله با پول غیر مخمس، یعنی پولی که خمس به آن تعلق گرفته، به نسبت یک پنجم آن، مطلقاً باطل است و باید با مراجعه، اجازه گرفت و مبلغ خمس آن را پرداخت و حکم نماز خواندن با فرض بطلان معامله نسبت به یک پنجم آن، حکم نماز با لباس مال غیر، بدون اجازه را دارد.

﴿س ۱۶۸۲﴾ استفاده از کالاهای شرکت‌های تعاونی مصرف که خمس سرمایه و درآمد خود را پرداخت نمی‌کنند، چه حکمی دارد؟

ج - جایز است.

۷۷/۵/۲۵

نحوه محاسبه خمس

﴿س ۱۶۸۳﴾ کسانی که تاکنون حساب سال نداشته‌اند و برای اولین بار می‌خواهند به حساب اموال خود رسیدگی کنند، باید چگونه حساب کنند؟ برای مثال خانه و دیگر وسایل مورد نیاز زندگی، یا ابزار کار مانند تراکتور را چگونه محاسبه کنیم؟ ملاک و میزان را بیان فرمایید.

ج - آنچه از لوازم و مایحتاج زندگی را که از پول تخمیس نشده (یعنی پولی که سال بر آن گذشته باشد) خریداری کرده، باید حساب کند و خمس دارد؛ و آن‌ها را که از درآمد سال خریداری کرده، یا می‌داند که سال بر آن نگذشته، خمس ندارد؛ و آنچه از مایحتاج که مشکوک است و نمی‌داند از پول تخمیس شده خریداری کرده یا از پول غیر مخمس، باید مصالحه شود. اموال دیگر، مانند تراکتور و غیر آن نیز سرمایه است و باید خمس آن را حساب کند.

۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۶۸۴﴾ وظیفه اشخاصی که تاکنون حساب سال نداشته‌اند و فعلاً منزل مورد نیاز و یک سرمایه جزئی دارند چیست؟

ج - خمس سرمایه باید پرداخت شود، ولی منزل اگر مشکوک باشد، باید مصالحه شود.

﴿س ۱۶۸۵﴾ شخصی در زمان‌های مختلف، پول‌های معتبری در اختیار داشته، ولی به واسطه ندانستن مسئله، حساب خمس آن‌ها را نکرده است، اکنون نه مقدار آن‌ها را می‌داند و نه پولی که توان پرداخت داشته باشد. تکلیف او چیست؟

ج - حداقل آنچه را که یقین دارد مازاد بر مؤنه بوده، متعلق خمس است و نسبت به مشکوک، بهتر، مصالحه است؛ اما مسئله عدم قدرت بر ادا را، باید هنگام مراجعه به مجتهد یا نماینده او، تذکر دهد. ۷۴/۴/۳

﴿س ۱۶۸۶﴾ موعد سال خمسی این جانب، اول آبان ماه است در فصل بهار و تابستان که وفور نعمات الهی است، مقداری از محصولات کشاورزی را برای استفاده در فصول دیگر در فریزر نگهداری می‌کنیم. آیا در اول آبان ماه، باید خمس آنچه را نگهداری می‌کنیم، بپردازیم؟ یا در صورتی که یک سال از خرید آن‌ها گذشت مشمول پرداخت خمس می‌شود؟ و آیا باید پول خرید آن‌ها محاسبه شود یا قیمت زمان پرداخت؟

ج - در سر سال خمسی، یعنی اول آبان ماه (در مفروض سؤال) همه آن‌ها، یعنی خوراکی‌هایی که در سؤال آمده، مانند بقیه اموال و سرمایه، باید محاسبه شود، آن هم به قیمت سر سال، یعنی همان قیمت فعلی که می‌خرند و خمس آن باید پرداخت گردد و در سال آینده نیز همه آن‌ها باید محاسبه شود. اگر مازاد بر چیزی که خمسش داده شده، موجود باشد، خمسش باید پرداخت گردد؛ یعنی اول آبان سال گذشته، مثلاً قیمت همه آن‌ها پنجاه هزار تومان بوده، خمس آن که مبلغ ده هزار تومان باشد، پرداخت می‌گردد، الباقی، چهل هزار تومان است. سال آینده بعد از تقویم، هر چه بر چهل هزار تومان اضافه است، خمس آن را باید بپردازد. ۷۶/۸/۱۷

﴿س ۱۶۸۷﴾ آیلمی توانیم خمس پول خود را بدهیم، ولی برای مواد خوراکی و مصرفی خود، حساب جداگانه‌ای داشته باشیم، و هر جنسی را که یک سال از خرید آن گذشته، تخمیس کنیم؟ (چون سال مالی ما هنگامی است که برنج مورد نیاز سالانه خود را می‌خریم).

ج - خوراکی‌ها باید پایان سال قیمت شود، و در سال بعد اگر نسبت به سال قبل بر حسب ارزش، اضافه شده، باید خمسش را بپردازد؛ به هر حال، معیار، قیمت است نه عین جنس، لذا مشکل شما به این نحو حل می‌گردد. ۷۵/۶/۱

﴿س ۱۶۸۸﴾ دو نوع پول در حساب بانکی این جانب هست که بخشی از آن مربوط به حقوق است و بخشی به عنوان هدیه که متعلق خمس نمی‌گردد. آیا برداشت از یک حساب، با قصد متعین می‌شود؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، آیا برداشت‌های قبلی که بدون قصد نیت بوده و از کل حساب، کسر شده، چه صورتی دارد؟ یعنی برای محاسبه پول فعلی جهت دادن خمس چه باید کرد؟

ج - در این گونه موارد که انسان دو نحو درآمد دارد، یکی متعلق خمس و دیگری غیر متعلق باید آخر سال حساب کند و هر چه اضافه بر مئونه سال دارد، به نسبت پولی که متعلق خمس است، خمس داده شود؛ یعنی مثلاً اگر آخر سال، صد تومان اضافه دارد و درآمد کسی دو برابر درآمد غیر کسبی است که متعلق خمس نیست، باید خمس دو سوم اضافه را بپردازد و آنچه در سؤال آمده، راه حل آن مشکل نیست و مصرف نمودن پول‌ها هم مانعی نداشته است. ۷۸/۸/۱۵

﴿س ۱۶۸۹﴾ شخصی مقداری پول مخمس و مقداری هم از منافع درآمد سال که تخمیس نشده در بانک دارد، اینک برای مخارج منزلش از بانک پول برداشت می‌کند، و قصدش این است که از پول غیر مخمس باشد یا در منزل دو نوع پول با هم مخلوط شده، و تفاوتی بین آن‌ها نیست. آیا با قصد، غیر مخمس معین می‌شود یا نه؟

ج - آری، با قصد، تعیین می‌شود.

﴿س ۱۶۹۰﴾ کسی که خمس مالش را دستگردان کرده و مقداری بدهکار است، آیامی تواند مقدار بدهی را سال بعد از منافع آن سال، کسر کند یا از مال خمس داده شده باید بدهد؟

ج - باید از سرمایه سال قبل، کسر شود، و اگر بعد از کسر اضافه بر سرمایه مخمس داشته باشد، باید خمس اضافه را بپردازد. ۷۷/۱۲/۱۱

﴿س ۱۶۹۱﴾ شخصی خمس یک میلیون تومان خود را داده و بعد چهارصد هزار تومان از این پول را جهت خرید وسایل زندگی مصرف نموده و موقع پرداخت خمس سال آینده‌اش یک میلیون تومان دارد. الان باید چه قدر خمس بدهد؟

ج - اگر سال گذشته، خمس کل یک میلیون را پرداخت نموده، یعنی دوپست و پنجاه هزار تومان خمس داده، سال بعد که یک میلیون تومان دارد، چون چیزی اضافه

نیاورده، خمس ندارد؛ و اما اگر دویست هزار تومان خمس داده که در حقیقت، هشتصد هزار تومان خالص داشته، خمس دویست هزار تومان را باید بپردازد.

۷۶/۱۲/۱۸

﴿س ۱۶۹۲﴾ آیا انسان می‌تواند بنا بر احتیاط، مقداری پول را به عنوان خمس اموال یا منفعت فراموش شده یا به حساب نیامده بپردازد یا دقیقاً باید معلوم باشد؟
ج - احتیاط مطلوبی است، هر چند پرداخت خمس بیش از مقدار یقین، لازم نیست.

۷۶/۱۰/۵

﴿س ۱۶۹۳﴾ کسی که درآمدی ندارد، یا اگر دارد، مخارج او را کفایت نمی‌کند، آیا لازم است سال خمسی قرار دهد؟

ج - هرگاه انسان از تجارت و کاسبی پولی به دست بیاورد، چنانچه از مخارج سالش اضافه بیاید، خمس دارد و باید برای خود، سال خمسی قرار دهد.

۷۹/۲/۱۵

﴿س ۱۶۹۴﴾ شخصی مدّت چند سال است که سرسالش به هم خورده؛ یعنی چند سالی حساب و کتاب نداشته و حالا می‌خواهد سر سال قرار دهد. آیا همان سال را قرار بدهد یا سال جدید بگذارد؟ و آن چند سال تلف شده را چه کار کند؟

ج - کسی که حساب سالش به هم خورد، باید اموالی را که یقین ندارد خممش را داده، حساب نماید و خممش را بدهد، اگر متعلق خمس باشد؛ و مخیر است همان سال قبلی را سر سال خود قرار دهد یا وقت دیگری را، و مدّتی که حساب سال خود را نکرده، با مرجع تقلید یا نماینده او مصالحه نماید.

۷۹/۱/۲۹

﴿س ۱۶۹۵﴾ حقوق بگیر هستم و پولم را بابت کمک خرج به شوهرم می‌دهم. آیا باید حساب جداگانه‌ای برای خمس داشته باشم یا اگر شوهرم حساب داشته باشد، کافی است؟
ج - حساب جداگانه لازم نیست؛ چون با هم مخارج سال را تأمین می‌نمایند.

۷۸/۵/۹

﴿س ۱۶۹۶﴾ این جانب کارمند آموزش و پرورش هستم و همچنین مقداری زمین کشاورزی نیز دارم. بنابراین، صاحب دو نوع درآمد هستم: ۱. درآمد ناشی از حقوق ماهیانه؛ ۲. درآمد حاصل از کشاورزی که عمدتاً برنج است. سؤال این است که آیا

می‌توانم دو زمان را برای وجوهات شرعی و حساب سال داشته باشم؟ مثلاً یکی موقع شهریور و زمان برداشت برنج، و دیگری فروردین هر سال، برای پرداخت خمس درآمد حقوق؟

ج - کسی که چند رشته کسب دارد، مثلاً حقوق بگیر است و زراعت و خرید و فروش هم می‌کند، چنانچه در هر رشته کسبی که دارد، سرمایه و دخل و خرج و حساب صندوق جداگانه دارد، باید منافع همان رشته را حساب کند و خمس آنرا بدهد و می‌تواند دو سال خمسی داشته باشد و همین طور می‌تواند هر وقت درآمدی به دستش رسید، خمس آنرا حساب کند و یا این که همه درآمدها را اگر دو صندوق جداگانه ندارد، در آخر سالی که برای خود قرار داده، اگر بیشتر از مئونه باشد، حساب نماید.
۷۹/۸/۱۶

﴿س ۱۶۹۷﴾ مقدار پولی که خمس آنرا پرداخت کرده‌ایم، در اختیار داریم و تا سال دیگر با پول دیگری مخلوط می‌شود و خرج می‌شود و سر سال، همان مقدار پول برایمان باقی می‌ماند. آیا دوباره خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟
ج - چون اضافه نشده، خمس ندارد.
۷۶/۷/۱۵

﴿س ۱۶۹۸﴾ در کسب و تجارت، معمولاً در طول سال، سود حاصل با اصل سرمایه (مخمس) مخلوط، و تقریباً جزو سرمایه می‌شود، آیا باید سود حاصل را مرتباً محاسبه و تخمیس نمود و سپس با سرمایه مخلوط کرد، یا اینکه انسان مجاز است این کار را در پایان سال خمسی خود انجام دهد؟

ج - مخلوط کردن با سرمایه و محاسبه آخر سال، مانعی ندارد.
۷۴/۱۰/۴
﴿س ۱۶۹۹﴾ اگر مایحتاج روزانه، سر سال خمسی زیاد بیاید و قیمت آن مثلاً مبلغ ده هزار تومان و مبلغ خمس آن دو هزار تومان شود و پول موجود نباشد، چگونه باید خمس این اجناس را پرداخت کرد؟

ج - یک پنجم عین آن را به عنوان خمس باید پرداخت کنید، لیکن اگر خواستید از درآمد سال آینده بپردازید، باید یک چهارم آن را بپردازید، تا خمس کل را پرداخته باشید.
۷۵/۱۱/۶

زمان تعلق خمس و پرداخت آن

﴿س ۱۷۰۰﴾ آیا هنگام پرداخت خمس، قصد قربت واجب است؟ و چنانچه قصد قربت ننماید، بری‌الذمه می‌شود یا خیر؟

ج - قصد قربت، امر زاید و مشکلی نیست؛ بلکه همین که فرد خمس را می‌پردازد به خاطر دستور خداوند، نه به خاطر جبر و اکراه، کفایت می‌کند. آری، اگر به خاطر اغراض دنیوی داده شود، نه برای خدا، خمس نیست و برائت ذمه هم حاصل نمی‌شود.
۷۸/۹/۶

﴿س ۱۷۰۱﴾ در بین سال، منفعتی به دست آوردم و می‌دانم که تا موعد حساب سال، آن را خواهم داشت. آیا می‌توانم پرداخت خمس آن را تا هنگام فرا رسیدن سال خمسی، به تأخیر بیندازم؟

ج - انسان می‌تواند در بین سال و هنگامی که منفعتی به دست می‌آورد، خمس آن را بپردازد؛ همچنین جایز است که تا آخر سال، دادن خمس آن را به تأخیر اندازد.
۷۴/۱۰/۲۷

﴿س ۱۷۰۲﴾ منفعتی که در بین سال به دست می‌آید، اگر به صورت نقد تا آخر سال باقی نماند، و به سرمایه غیر نقدی مثل زمین، ماشین، مغازه و... تبدیل شود، آیا می‌توان تا زمان فروش این اموال، پرداخت خمس را به تعویق انداخت؟

ج - منفعت مذکور اگر به مؤنه تبدیل شود، خمس ندارد؛ و در غیر مؤنه خمس دارد، و تعویق آن تا هنگامی که زمان فروش آن بر حسب متعارف فرا نرسیده باشد، مانعی ندارد.
۷۴/۱۰/۲۷

﴿س ۱۷۰۳﴾ این جانب مدت سه سال است که در کارخانه‌ای به صورت نیمه وقت مشغول به کار شده‌ام و در حال حاضر، مقداری از حقوق خود را پس‌انداز کرده‌ام؛ ضمناً مبلغی هم وام گرفته‌ام که قسط‌های آن را شوهرم می‌پردازد. لطفاً بفرمایید سال خمسی خود را چگونه باید قرار دهم؟

ج - اولین روزی که حقوق گرفته‌اید، اول سال خمسی شماست که سال بعد، همان روز، اگر چیزی اضافه دارید و پس‌انداز کرده‌اید، باید خمس آن را بپردازید.
۷۲/۹/۲

﴿س ۱۷۰۴﴾ اگر حقوق کارمند دولت به جهت مشکلات اداری، چند ماه قطع شود و به حساب او واریز نشود و در همین مدت، سال خمسی او فرا برسد، آیا او موظف است وقتی که پول به حسابش واریز شد، خمس آن را پرداخت کند؟

ج - جزو درآمد سال وصول است نه سال گذشته، چون در اختیارش نبوده، و فایدهٔ بالفعل بر آن صادق نبوده است.
۷۴/۷/۱۱

﴿س ۱۷۰۵﴾ این جانب سال خمسی خود را اول محرم قرار داده‌ام، و گاهی اول محرم وسط برج است که دولت طبق آن حقوق را می‌پردازد، و مثلاً ده یا پانزده روز پس از محاسبه و پرداخت خمس، حقوق دریافت می‌کنم، و طبعاً این حقوق دریافتی که نصف آن قبل از سال خمسی است، باید خمس آن را پرداخت، و اگر تاکنون به این نکته توجه نکرده باشم، تکلیف بنده چیست؟

ج - تا وقتی که حقوق را دریافت نکرده‌اید، جزو درآمد محسوب نمی‌شود، اما وقتی که حقوق دریافت شد، جزو درآمد سال است، و در فرض سؤال، خمس چند روزی که از برج گذشته، واجب نیست.
۷۵/۴/۸

﴿س ۱۷۰۶﴾ فردی که در ادارات و مؤسسات دولتی استخدام می‌شود، از موقعی که حقوق به او پرداخت می‌شود، اداره یا مؤسسهٔ مربوط، مبلغی از حقوقش را به عنوان بازنشستگی کسر می‌کند و موقعی که بازنشسته شد، هر ماه، مقداری از مبلغ مذکور را به او می‌پردازند. آیا این مبلغ را که از حقوق او کسر کرده‌اند و بعد از بازنشستگی به او می‌پردازند، خمس دارد یا خیر؟ بر فرض وجوب خمس، آیا وجوب تخمیس آن، فوری است یا اینکه جزو منافع سالی است که به او پرداخت می‌شود؟

ج - جزو منافع سالی است که به او داده می‌شود.
۷۴/۱۰/۲۲

﴿س ۱۷۰۷﴾ قبل از فرارسیدن سال خمسی، مقداری برگهٔ سهام خریده‌ام، اگر تا مدتی قصد فروش آن‌ها را نداشته باشم، آیا اشکال دارد؟ (با فرض اینکه بلافاصله پس از فروش، خمس آن را خواهیم پرداخت).

ج - در صورتی که با پول مخمس آن‌ها را خریده‌اید، تا وقتی که فروخته‌اید، تعلق خمس بیش از زمان تخمیس، واجب نیست.
۷۵/۱۱/۶

﴿س ۱۷۰۸﴾ بانوانی که در منزل قالی می‌بافند، چون معمولاً از شروع بافتن یک قالی تا فروش آن، بیش از یک سال طول می‌کشد، ملاک گذشتن سال بر این قالی چیست؟ شروع به بافت قالی، تمام شدن بافت قالی، یا فروش آن؟

ج - ملاک، تمام شدن و قابلیت برای فروش است. ۷۴/۳/۴

﴿س ۱۷۰۹﴾ بنده مقداری از اجناس خود را به صورت نسیه می‌فروشم، و گاهی بدهکاران در اثر عدم قدرت بر پرداخت، دین خود را به تأخیر می‌اندازند. آیا زمان فرا رسیدن سال خمسی، باید خمس طبکاری‌هایم را حساب کنم، یا اینکه مطالبات بعد از وصول، متعلق خمس است؟

ج - اجناس نسیه که مسلماً وصول می‌شود، جزو درآمد سال خمسی است نه سال وصول، لیکن می‌توانید ادای خمس را تا زمان وصول به تأخیر بیندازید. ۷۵/۱۲/۱۷

﴿س ۱۷۱۰﴾ آیا بنده می‌توانم سال خمسی خود را از ماه قمری به ماه شمسی تغییر دهم؟ و اگر چنین کاری جایز است، فاصله‌ای که در بین دو تغییر ایجاد می‌شود، از نظر خمسی چگونه باید اصلاح کرد؟ برای مثال اکنون دو سال است که اول محرم را سال خمسی قرار داده‌ام، چنانچه سال بعد بخواهم اول فروردین را مبنا قرار دهم، این فاصله اول فروردین و اول محرم را از نظر خمسی، چگونه باید حساب کنیم؟

ج - چون جلوتر از سال خمسی، خمس را می‌پردازید، اشکالی ندارد؛ و هر وقت درآمد و منفعتی به دست انسان برسد، خمس آن واجب می‌شود، ولی تایک سال، شارع مقدس رخصت داده است و در فرض سؤال، مانعی ندارد. ۷۵/۴/۸

﴿س ۱۷۱۱﴾ آیا به مازاد اموال مفقودین، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ در صورت متعلق خمس بودن، چه کسی مکلف به پرداخت آن است؟ چنانچه بعد از پرداخت خمس، مشخص شود که تاریخ فوت غایب، همان زمان غیبت او بوده است، حکم اموالی که به عنوان خمس در زمان حیات فرضی متوقفاً، پرداخت شده است، چگونه است؟

ج - ادای خمس مازاد اموال مفقودین که بر حسب طبع، متعلق خمس و واجد شرایط تعلق است، فعلاً بر کسی واجب نیست، چون خمس علاوه بر وضع بودن، تکلیف و عبادت نیز هست؛ و چون شگ در حیات او دارید بر فرض حیات هم معذور

از اداست. و اعمال حکومت و ولایت برغایب، در چنین مواردی، زمینه ندارد؛ ناگفته نماند که درآمدهای مازاد در هر سال باید معلوم شود، تا اگر خودش آمد، به تکلیفش عمل کند، وگرنه وارث به تکلیف عمل می‌کند. ۷۳/۵/۱۳

﴿س ۱۷۱۲﴾ بنده دی ماه را برای سال خمسی مینا قرار داده‌ام و چند سال است که بر طبق آن صورت دارایی خود را محاسبه می‌کنم. آیا می‌توانم آن را تغییر دهم؟ در این صورت، نحوه محاسبه دارایی برای پرداخت خمس، چگونه خواهد بود؟

ج - می‌توانید تاریخ سال وجوهات شرعی را قبل از دی ماه قرار دهید، کما اینکه می‌توانید در دی ماه محاسبه کنید، و برای مثال اگر بخواهید بهمن ماه را اول سال خمسی قرار دهید، باید دو مرتبه هر چه را که از دی تا بهمن ماه به دست آورده‌اید، خمس آن را بپردازید و سال بعد، اول سال خمسی شما، بهمن است. ۷۴/۱۱/۱۰

﴿س ۱۷۱۳﴾ امسال حقوق خرداد ماه مرا دو روز قبل از موعد پایان سال خمسی این جانب به حسابم ریخته‌اند. آیا در روز سال خمسی، حقوق خردادم جزو مازاد درآمد سالانه‌ام حساب می‌شود یا خیر؟

ج - به حقوق خرداد ماه که قبل از موعد سال خمسی گرفته شده و برای مصرف و مخارج خرداد ماه مورد نیاز است، خمس تعلق نمی‌گیرد. ۷۹/۴/۵

﴿س ۱۷۱۴﴾ کسی که در بین سال از دنیا می‌رود، خمس مال او را چگونه حساب کنند؟ و آیا بین کسی که حساب سال دارد و کسی که حساب سال ندارد، فرقی وجود دارد؟ و در این فرض، اگر حقوق بگیری باشد که تنها با حقوقش می‌تواند نیازهای مالی زندگی را تأمین کند، چنانچه در آخر ماه از دنیا برود، آیا به حقوق وی خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - معروف است که موت افراد، سال خمس است؛ یعنی چنانچه میت اضافه بر مخارج خود تا زمان موتش دارد، متعلق خمس است و در این جهت، بین داشتن سال خمسی و نداشتن آن، فرقی نیست. آری، کسی که خمس نمی‌داده، آنچه از اموالش که اگر زنده بود، متعلق خمس می‌شده، باید خمسش پرداخت شود و ورثه، قبل از ادای خمس، حق تصرف در آن را ندارند و مقدار باقی مانده از حقوق، اگر مورد نیاز میت برای مخارج ترخیص نباشد، که معمولاً هست، متعلق خمس است. ۷۸/۹/۶

﴿س ۱۷۱۵﴾ اگر عامل یا کارگزار از سود حاصل از برخی معاملات باخبر باشد و مقدار آن قطعی باشد و یا حدّ اقل، مقدار قطعی آن را بداند و از برخی بی اطلاع باشد، در این صورت، برای محاسبه منافع و بدهی های پایان سال خمسی چگونه باید عمل شود؟ آیا جزو قاعده فایده بالفعل است؟

ج - خمس آنچه به دست او رسیده، باید محاسبه شود و خمس بقیه سود، اگر بعد از سال، اطمینان به وصول دارد، جزو درآمد همان سال است و هنگام وصول، باید خمس آن پرداخت شود؛ اما اگر اطمینان به وصول ندارد، جزو درآمد سال وصول است.
۷۹/۶/۲۰

فرار از خمس

﴿س ۱۷۱۶﴾ آیا کسی می تواند برای فرار از خمس، قبل از رسیدن سال، با پول های موجود، وسیله نقلیه بخرد یا خیر؟

ج - نمی تواند.
۷۳/۱۲/۱۳
﴿س ۱۷۱۷﴾ اگر برای تهیه مایحتاج زندگی، مجبور باشم پولی پس انداز کنم، آیا می توان برای اینکه متعلق خمس نشود موقتاً طلا بخرم و استفاده کنم، و بعداً با فروش آن مایحتاج زندگی بخرم؟

ج - در مفروض سؤال چون پس انداز برای مئونه است، خمس ندارد تا نیاز به حيله باشد.
۸۵/۲/۵

﴿س ۱۷۱۸﴾ اگر با رسیدن سال خمسی، زن و شوهر، از روی عمد، دارایی خود را به یکدیگر ببخشند، مسئله خمس دارایی آنها چه حکمی پیدا می کند؟

ج - چون هبه برای فرار از خمس است، بری الذمه نمی شوند و باید خمس را بپردازند.
۷۱/۷/۲۶

﴿س ۱۷۱۹﴾ اگر همسری حقوق خود را کلاً به شوهرش هدیه کند، خمس دارد یا خیر؟ و اگر نظرتان در هدیه متعارف است، آیا شامل این بحث می شود؟

ج - حقوق و پول هایی که زن از درآمد خودش به شوهر هدیه می نماید، اگر برای فرار از خمس نباشد، بلکه به خاطر دوستی و علاقه و جهات زندگی باشد، هدیه است و خمس ندارد.
۷۷/۵/۱۱

﴿س ۱۷۲۰﴾ این جانب در سال گذشته، هنگام فرا رسیدن سال خمسی، به همسرم بدهکار بودم، و این بدهکاری را از درآمد سالانه متعلق خمس در سال گذشته، کم کرده‌ام و امسال نیز همان بدهکاری باقی مانده است. آیا باز هم می‌توانم مقدار بدهکاری فوق را از درآمد سالانه کم کنم یا خیر؟

ج - چنانچه از باب فرار از خمس، می‌خواهید طلب همسران را بدهید، متعلق خمس است؛ ولی چنانچه واقعاً به او بدهکارید، و او هم مطالبه می‌کند، می‌توانید مقدار بدهی به همسران را از درآمد سال کسر کنید. ۷۵/۴/۲۴

مصرف خمس

﴿س ۱۷۲۱﴾ آیا مقلدین یک مرجع تقلید، می‌توانند وجوهات خود را به مرجع دیگری پرداخت کنند یا خیر؟

ج - در صورتی که مورد مصرف، کماً و کیفاً یکسان باشد، و در شرایط و مسائل خمس هم فتاوایشان همانند باشد، جایز است. ۷۵/۱۰/۲۳

﴿س ۱۷۲۲﴾ آیا وجوهاتی را که توسط مجتهد جامع الشرائط یا نماینده او دستگردان شده، می‌توان به مجتهدان دیگر یا نمایندگان آنها داد یا خیر؟

ج - جایز نیست و در حکم تصرف در مال غیر است. ۷۲/۳/۴

﴿س ۱۷۲۳﴾ شخصی توسط مرجع تقلید خود یا نماینده‌اش، بدهکاری خمس خود را دستگردان کرده، فعلاً آن مرجع فوت کرده است. وظیفه مدیون چیست؟

ج - باید به مجتهدی که وجوهات خود را به او می‌دهد، بپردازد؛ و وجوهات دستگردان شده به ارث نمی‌رسد و ارث مربوط به اموال شخصی است. ۷۴/۸/۲۶

﴿س ۱۷۲۴﴾ در چه مواردی می‌توان خمس را توسط مجتهد یا نماینده‌اش دستگردان کرد؟ آیا ذمه‌اش بری می‌شود؟

ج - شخصی که بدهکار سهمین مبارکین است و نمی‌تواند همه بدهی خود را یک مرتبه پرداخت کند، باید توسط مجتهد یا نماینده او دستگردان کند؛ و دستگردان کردن سبب اجازه تصرف در همه اموال است، گرچه با دستگردان کردن، ذمه شخص بدهکار، بری نخواهد شد، و تنها با پرداخت بدهی بری‌الذمه می‌شود. ۷۵/۱۲/۲۵

﴿س ۱۷۲۵﴾ آیا می‌توان سهم سادات را بدون اجازه مجتهد به سادات فقیر و مستحق پرداخت یا خیر؟

ج - نمی‌توان پرداخت و احتیاج به اجازه دارد. ۷۳/۱۲/۵

﴿س ۱۷۲۶﴾ شخصی فتوای مرجع تقلیدش مبنی بر کسب اجازه از مجتهد، برای پرداخت خمس به سید را نمی‌دانسته و پولی را بابت خمس به سید داده است. آیا بری‌الذمه شده است یا خیر؟

ج - باید به مرجع تقلیدش مراجعه کند، و معمولاً بعد از مراجعه اجازه می‌دهند و ابراء ذمه می‌کنند. ۷۶/۲/۵

﴿س ۱۷۲۷﴾ کسی به واسطه جهل و ندانستن مسئله، سهم سادات و امام معصوم علیه السلام را در کار خیری صرف نموده است؛ ولی این مصرف نمودن، بدون اجازه از مجتهد جامع الشرائط انجام گرفته است. تکلیف این شخص چیست و کارش چه صورتی دارد؟
ج - باید به مرجع تقلیدش یا کسی که نماینده اوست، تذکر دهد تا اگر مصلحت دید، ذمه‌اش را بری نماید. ۷۷/۱۱/۱۴

﴿س ۱۷۲۸﴾ اگر همسر کسی سیده باشد، و برادران و خواهران وی صغیر و نیازمند باشند، آیا می‌تواند خمس را به همسرش بدهد تا خرج آن‌ها را بپردازد؟

ج - پرداخت خمس به اشخاص با اجازه مجتهد، برای صرف در سادات فقیر، مانعی ندارد. ۷۱/۶/۷

﴿س ۱۷۲۹﴾ چرا شرع مقدس اسلام لقب «سیدی» را به ذریه حضرت هاشم می‌دهد و به حضرت آدم علیه السلام که پیغمبر خدا بود و به ذریه او یعنی تمام مردان و زنان نسبت نمی‌دهد؟
ج - یک قرارداد و اعتباری است برای یک سلسله اغراض و احکام شرعی که به فرزندان هاشم بن عبد مناف اعطا شده است و تبعیضی در کار نیست و قرارداد هم مربوط به بعد از بعثت است. ۸۲/۴/۱

﴿س ۱۷۳۰﴾ چیزی را که انسان بابت خمس به کسی می‌دهد، آیا لازم است به او بگوید خمس است یا خیر؟

ج - اعلام لازم نیست. ۷۶/۳/۲

﴿س ۱۷۳۱﴾ شخصی که مادرش سیّده است، آیا در زمره سادات است؟ در این صورت، آیا احکام فقهی سادات بر وی مترتب خواهد شد؟

ج - این گونه افراد از جمله ذریّه حضرت زهرا- سلام الله علیها- هستند، لیکن احکام سیّد، مانند جواز گرفتن خمس و حرمت اخذ زکات، بر آنها بار نمی‌شود. ۷۶/۱/۶

﴿س ۱۷۳۲﴾ آیا انسان می‌تواند از خمس، جهت خرید کتب مذهبی، به برادرش بپردازد؟

ج - مصرف کردن خمس و تصرّف در آن، بدون اجازه مجتهد جامع‌الشرائط، جایز نمی‌باشد و موجب ابراء ذمه نیست. ۷۰/۳/۶

﴿س ۱۷۳۳﴾ برای ساختمان مساجد، مهدیه و حسینیه آیا اجازه می‌دهید که از سهمین

کمک شود؟

ج - به طور عمومی اجازه نمی‌دهم، و اجازه موردی و جزئی هم احتیاج به مراجعه شخصی

دارد، تا همه جوانب در مصالح اسلام و حوزه‌های علمیه رعایت شود. ۷۴/۵/۳۰

﴿س ۱۷۳۴﴾ آیا سهمین مبارکین را در کشورهای بی‌که حضرت عالی نماینده ندارید،

می‌توان به خانه‌های فرهنگی تحویل داد؟

ج - نمی‌توان و خمس «عون علی الدین» است و امروز، مصداق کامل و ظاهر آن،

حفظ حوزه‌های علمیه، همانند قم و نجف و سایر بلاد است و با اجازه باید

مصرف شود. ۷۷/۱/۱۷

﴿س ۱۷۳۵﴾ کسی که بر تقلید از مجتهد میّت با اجازه مجتهد زنده باقی است، باید به چه

کسی خمس بدهد؟

ج - باید حسب مبنای همان مجتهد میّت عمل نماید یا از خود مرجعی که بقا را از او

گرفته سؤال کند و در مسئله خمس به او مراجعه نماید. ۷۷/۱۲/۲۵

﴿س ۱۷۳۶﴾ آیا می‌توان پولی یا جنسی را که مختص به زکات و خمس مال است و باید

به مجتهد بدهیم، شخصاً برای ساخت و تجهیز مدارس و یا بیمارستان و یا اهدای به فقرا

و نیازمندان و سالیلی از این قبیل، صرف نماییم؟

ج - زکات را می‌توان در امور مرقومه مصرف نمود؛ اما خمس باید در اختیار مرجع

تقلید یا مجتهد جامع‌الشرائط که فتوایش با فتوای مرجع تقلیدتان در مصرف

موافق باشد، قرار گیرد. ۷۷/۸/۱۵

﴿س ۱۷۳۷﴾ آیا پرداختن خمس به سیدی که واجب‌النفقة خمس دهنده است، جایز است؟ و با این فرض که آن مبلغ را صرف مخارجی مثل سفرهای زیارتی می‌کند که نفقه واجب او حساب نمی‌شود، چه حکمی دارد؟

ج - پرداخت خمس به واجب‌النفقة برای مصرف در غیر مخارجی که بر منفق واجب است، با اجازه مجتهد، مانعی ندارد.

۷۷/۱۱/۱۷

﴿س ۱۷۳۸﴾ آیا می‌توان سهم سادات را به خود آن‌ها داد و شرط کرد که یک مقدار از آن را به خود شخص برگردانند؟

ج - شرط کردن جایز نیست، ولیکن خود سید فقیر، اگر مبلغ را گرفت و بعد از مالک شدن خود، به او بخشید، در صورتی که شأن او این‌گونه بخشش‌ها باشد، مانعی ندارد.

۷۷/۱/۷

﴿س ۱۷۳۹﴾ نظر به موقعیت کنونی کشور از حیث تهاجم فرهنگی همه جانبه کفر جهانی، صرف وجوهات شرعی، صدقات و نذورات در امور فرهنگی، علی‌الخصوص تعلیم و تبلیغ قرآن، از نظر معظم‌له چه حکمی دارد؟

ج - مصرف نمودن وجوهات شرعی بدون اجازه مجتهد جامع‌الشرائط، جایز نمی‌باشد و موجب ابراء ذمه نیست، لیکن در مورد نذورات، اگر برای جهت معینی نباشد، در هر کار خیری می‌توان مصرف نمود.

۷۸/۲/۴

﴿س ۱۷۴۰﴾ از بین برادران و خواهران، اشخاصی هستند که به تبعیت از نقل گذشتگان و بستگان و بزرگان محل زندگی، خود را سید می‌دانند؛ اما به علت فوت شدن نیاکان گذشته آن‌ها و جوان بودن نسل فعلی، در این خصوص، صحت نظریه گذشتگان برای نسل جدید و عدم دسترس به شجره نامه‌های معتبر، شجره آن‌ها مجهول مانده است و قویاً قادر به اثبات سیادتشان نیستند و نهایتاً بر سر دو راهی و شک و تردید مانده‌اند. در این زمینه، تکلیف چیست؟ و آیا دانستن و اثبات این‌که نسل فرد سید به کدام امام معصوم بر می‌گردد، برای گوینده چه حکمی دارد؟ و آیا لازم است که شخص سید بداند جدش به کدام امام معصوم علیه السلام می‌رسد؟ و آیا این افراد، سید محسوب می‌شوند و می‌توان به استناد نقل نیاکان گذشته

و همچنین بزرگان محل، آنان را سید خطاب کرد؟ در این زمینه، حکم دادن خمس به آن‌ها چگونه است؟

ج - ثبوت سیادت با شهادت دو نفر عادل است یا فرد در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که او سید است؛ لیکن کسی که در شهر خودش مشهور باشد که سید است، اگرچه انسان به سید بودن او یقین نداشته باشد، می‌توان به او خمس داد و آنچه در سیادت معتبر است، انتساب از طرف پدر به یکی از معصومان علیهم‌السلام است، ولو این که شخص آن بزرگوار، معلوم نباشد. ۷۷/۱/۲۹

﴿س ۱۷۴۱﴾ اگر کسی مطابق فتوای «تبعیض» عمل کند، وجوهات (خمس) را به کدام یک از مراجع باید پرداخت نماید؟

ج - به کسی که در مسائل خمس از او تقلید می‌نماید، باید مراجعه کند و به فتوای او در رساله عملیه‌اش عمل نماید. ۷۷/۵/۶

مسائل متفرقه خمس

﴿س ۱۷۴۲﴾ آیا کاهش ارزش پول، در خمس تأثیری دارد یا خیر؟

ج - تا زمانی که جامعه و عرف، بالا رفتن قیمت چیزی را فایده می‌داند، کم ارزش شدن پول، مضر به تعلق خمس نیست و خمس در فایده است و معیار هم، صدق عرفی آن است. و ناگفته نماند مسئله کم شدن ارزش پول اگر در جایی باشد که تمام امور اقتصادی و عرضه و تقاضاها و تورم‌ها در همه چیز هماهنگ باشد به نحوی که عرف به آن مازاد درآمد نگوید در آن صورت مازاد، جزء ارباح مکاسب عرفاً نبوده و متعلق خمس نمی‌باشد. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۷۴۳﴾ با توجه به اینکه در زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پول رایج، مسکوک بوده است، و خمس نیز بر مبنای آن تعیین می‌شده است، آیا می‌توان هم اکنون درآمد سالانه خود را بر مبنای برابری ارزش آن با طلا سنجید، و پس از احتساب ارزش واقعی پول، خمس آن را پرداخت کرد؟

ج - خمس را باید با پول فعلی حساب کرد. ۷۴/۲/۲۳

﴿س ۱۷۴۴﴾ اگر شخصی که از جانب یکی از مراجع، مجاز به تعیین حساب سال است، در محاسبات خود اشتباه کند، و در نتیجه آنچه از اشخاص وصول می‌کند، کم یا زیاد شود، و بعداً آن شخصی که به حساب او رسیدگی شده، مطمئن شود که وی در محاسبه اشتباه کرده است، آیا شخص حسابگر ضامن است یا خیر؟

ج - دهنده و جوهات اگر بفهمد که کمتر از بدهی پرداخت کرده است، باید بقیه بدهکاری خود را بپردازد، و اگر بفهمد که گیرنده و جوهات، در اثر اشتباهش، زیادتر از مبلغ خمس گرفته است، می‌تواند از او مطالبه کند. ۷۴/۱۲/۲

﴿س ۱۷۴۵﴾ اگر پولی را که به عنوان خمس، قرض یا جوهات دیگر کنار گذاشته شده، برداریم و خرج کنیم، و سپس جای آن بگذاریم، آیا اشکال دارد؟

ج - مانعی ندارد، چون خمس با عزل منعزل نمی‌شود؛ لیکن جواز تصرف قبل از ادای خمس، محل اشکال، بلکه منع است، و خمس علی‌الشرکت است.

﴿س ۱۷۴۶﴾ مدتی قبل ملکی را از شخصی خریداری کردم، و مبلغی از پول خرید خانه بر عهده من باقی ماند. بعد از عقد قرارداد، شخص بنگاهی این مقدار پول باقی مانده را بابت خمس قبول نمود، و معامله تمام شد، و سند خانه هم طبق قرارداد به نام حقیر شد، اما بعد از چند ماهی که گذشت، این شخص قبول کننده خمس، از عمل خود پشیمان شد، آیا پشیمانی این شخص باعث می‌شود که مبلغی که بابت خمس قبلاً قبول کرده، به او برگردانده شود یا نه؟

ج - آنچه که بابت خمس به سادات مستحق داده می‌شود، چه دهنده، عین چیزی را بپردازد، و چه بدهکاری را قبول کند، پشیمانی او، سبب ضمان برای گیرنده نمی‌شود و ادا بر او لازم نیست. ۷۵/۷/۱۵

﴿س ۱۷۴۷﴾ مالیاتی که مردم به دولت اسلامی پرداخت می‌کنند، آیا می‌توانند آن را بابت خمس حساب کنند؟

ج - مالیات جزو مئونه است، لذا به عنوان خمس و به جای آن، محسوب نمی‌شود. ۷۴/۴/۱۵

﴿س ۱۷۴۸﴾ فرق خمس با مالیات چیست؟ آیا این دو مقوله از اوّل اسلام بوده است؟

ج - خمس، یک واجب الهی و عبادی است که قصد قربت در آن معتبر است و مالیات، یک حکم قانونی و حکومتی و تابع شرایط زمان و مکان است. ۷۶/۱۱/۲۹

﴿س ۱۷۴۹﴾ افرادی که توان پرداخت خمس را ندارند و دستگردان می‌کنند، آیا

دستگردان نمودن با چک مدت دار یا چکی که وعده آن رسیده، صحیح است یا خیر؟

ج - دستگردان نمودن با چنین چک‌هایی که دین و محض حواله است، مبرء ذمه نیست. آری، چک‌های تضمینی حکم پول نقد را دارند. ۷۶/۷/۳۰

﴿س ۱۷۵۰﴾ تعدادی از دراویش از مردم پولی تحت عنوان عشریه به جای خمس آل

محمد ﷺ اخذ می‌نمایند. اوّلآ آیا اخذ عشریه به این کیفیت، بدعت محسوب می‌شود یا خیر؟ و ثانیآ فعل حرام محسوب می‌شود یا نه؟

ج - گرفتن این گونه پول‌ها که از مصادیق واجبات مالی در اسلام نیست، حرام و آکل مال به باطل است و غضب می‌باشد. ۷۷/۷/۱

﴿س ۱۷۵۱﴾ شخصی قلکی در خانه دارد که هر روز، در آن صدقه‌می‌اندازد که بعد از پنج ماه

به فقیر بدهد. آیا به محض این که در قلک انداخت و هنوز به فقیر نرسانده، از ملکیت او خارج می‌شود یا نه؟ و اگر سال خمسی او آمد، آیا دادن خمس آن واجب است یا نه؟

ج - همین که در صندوق انداخت، از ملک او خارج شده و خمس ندارد.

﴿س ۱۷۵۲﴾ اگر از مسلمان شیعه یا سنی که به دادن خمس عقیده ندارند، مالی به دست

ما برسد، آیا خمس دارد یا نه؟

ج - مالی که از افراد غیر معتقد به خمس، مانند سنی‌ها و یا غیر آنها از فرق اسلامی

و یا دیگران به دست می‌آید، دادن خمس آن بر ما واجب نیست و از موارد تحلیل

است؛ و اما نسبت به شیعه، فرض مسئله درست نیست؛ چون شیعه معتقد به

خمس است. به هر حال، اگر فرض درست باشد، باید خمس مالی که از او به

دست آمده با اطمینان به این که مازاد بر مئونه سالش بوده و خمس آنرا نداده،

باید گیرنده مال، خمس آنرا بپردازد. آری، با شک در یکی از دو جهت، دادن

خمس بر گیرنده واجب نیست و معمولاً هم شک وجود دارد. ۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۷۵۳﴾ اگر انسان پول غیر مخمّس را به حساب بانک واریز کند و بعد از مدّتی همان مبلغ را از بانک بگیرد، بعضی علما فرموده‌اند که چون بانک، همان عین پول غیر مخمّس را به شخص نمی‌دهد، اگر انسان با این پول بانک، معامله‌ای انجام دهد، صحیح است و فقط بر ذمّه انسان می‌آید که خمس آن را بدهد. نظر حضرت عالی در این باره چیست؟

ج - در نظر عرف، پولی را که از بانک می‌گیرند، همان پول و سرمایه خود اوست و تبدیل عین، تأثیری در سرمایه بودن پول ندارد.

۷۹/۷/۱

احکام زکات

﴿س ۱۷۵۴﴾ آیا امتناع از پرداخت زکات، تَمَرِّد از احکام ضروری دین محسوب می‌شود و محکوم

به کفر است؟ و آیا حکومت می‌تواند زکات را از ممتنع مسلم با قوه قهریه بگیرد یا خیر؟

ج - کسی که معتقد به وجوب زکات و نماز و دیگر ضروریات دین است؛ لیکن در انجام

دادن و ادای آن‌ها کوتاهی می‌کند، کافر نمی‌شود و حاکم نمی‌تواند با قوه قهریه زکاتی

را که عبادت است از او دریافت نماید، چون در عبادات قصد قربت معتبر است

و مالی را که او قهراً می‌پردازد چون قصد قربت ندارد زکات نمی‌باشد. ۸۵/۲/۵

﴿س ۱۷۵۵﴾ آیا تصرف در مالی که متعلق زکات واقع شده و هنوز زکاتش پرداخت نشده،

جایز است؟

ج - تصرف غیر جایز است، چون تعلق زکات، «علی نحو الشركة» است. «ان الله اشرك

بین الأغنیاء و الفقراء فی الاموال» و موجب ضمان با تلف شدن هم هست. ۷۸/۱/۳۰

﴿س ۱۷۵۶﴾ آیا زکات محدود به موارد نه‌گانه است، یا باب اجتهاد در آن باز است و

می‌توان به موارد دیگر هم تسری داد؟

ج - زکات محدود به همان موارد نه‌گانه است. ۷۵/۱۱/۸

﴿س ۱۷۵۷﴾ حقیر مزرعهٔ برنج دارم و در رساله‌ها فقط نه چیز مشمول زکات است. آیا با

توجه به اینکه در عراق و عربستان در زمان پیامبر ﷺ برنج موضعیت نداشته، به برنج هم

زکات تعلق می‌گیرد؟ اگر تعلق می‌گیرد، نصابش چقدر است؟

ج - زکات به همان نه چیز تعلق می‌گیرد و فلسفهٔ احکام، با همهٔ ابعادش برای بشر

روشن نیست، چگونه برنج با آن همه زحمت را با گندم (مخصوصاً دیم) برابر

حساب کنیم، به علاوه اینکه خود مسئلهٔ برنج، در زمان ائمهٔ علیهم السلام هم مورد بحث

بوده است. ۷۰/۶/۳۰

﴿س ۱۷۵۸﴾ به استحضار می‌رساند این جانب دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران در حال نوشتن پایان‌نامه خود با عنوان مدل «اقتصاد کلان در یک سیستم اسلامی» می‌باشم. در این پایان‌نامه ورود متغیر «زکات» به عنوان عاملی که می‌تواند توزیع درآمد را بهبود بخشد و همچنین در زمینه فقرزدایی عامل بسزایی به حساب آید، نقش حیاتی را می‌تواند ایفا کند. در این پژوهش، مورد نظر بنده زکات بر موارد نه‌گانه مذکور در رسالات عملیه نمی‌باشد. بلکه مورد نظر زکات بر پول اعتباری نظیر اسکناس است که در برخی جوامع امروزی شامل پشتوانه طلا و نقره هم نیست و تنها بر اساس توان تولیدی جامعه (GNP تولید ناخالص ملی) چاپ و منتشر می‌شود. از طرفی با در نظر گرفتن این مسأله که مشمول بودن زکات بر موارد نه‌گانه مذکور در دنیای امروزی که حجم این اقلام درصد ناچیزی از تولید یک کشور را شامل می‌شوند، نمی‌تواند احتیاجات مستمندان و فقیران را آن‌طور که مورد نظر شارع مقدس بوده است، برآورده سازد، آیا باز هم در چنین وضعیتی بر اسکناس‌های امروزی زکات بسته نمی‌شود؟ قدر مسلم آن است که با دلایل فقهی و اقتصادی مستدل، این مسأله محرز است که اگر ماهیت پول‌های امروزی درک نشود و بر آن‌ها زکات بسته نشود، به نظر می‌رسد هیچ‌گاه منظور نظر شارع که فرموده است: «اگر زکات پرداخته شود، هیچ فقیری در جامعه وجود نخواهد داشت» برآورده نمی‌شود. این در حالی است که غالب فقهای اهل سنت بر این مسأله صحه گذارده‌اند که پول اعتباری و پس‌اندازهای بانکی پس از یک سال مشمول زکات می‌شوند و این مسأله به نظر ما اقتصاددانان کاملاً منطقی و قابل توجیه است. در حالی که عمده فقهای اهل تشیع به جز عده قلیلی این مسأله را منتفی دانسته‌اند. درخواست بنده این است که با دلایل مکفی و مستدل برای من روشن شود که چرا از نظر فقه شیعه، بر پول اعتباری زکات بسته نمی‌شود؟ همچنین روشن شود که چرا فقهای اهل سنت بر عکس فقه شیعه عمل نموده‌اند؟ در صورت ردّ نظر اهل سنت، دلایل کافی ارائه شود. این مسأله به قدری از نظر بنده، حایز اهمیت است که ممکن است مسیر و نتیجه پژوهش را تحت تأثیر مستقیم خود قرار دهد. لازم به ذکر است

که در برخی از احادیث ما این مطلب ذکر شده است که اگر طلا و نقره به شکل پول رایج باشند، مشمول زکات و در غیر این صورت مشمول زکات نمی‌باشند. به نظر بنده این مطلب با توجه به ماهیت پول‌های امروزی به حقیقت منظور نظر شارع مقدس نزدیک‌تر است که باید به پول‌های امروزی (اعتباری) نیز زکات بسته شود. در حالی که این مسأله به اتفاق آرای فقهای اهل تشیع مردود است. نکته آخر این که در صورت منتفی بودن زکات بر پول اعتباری از نظر فقه اهل تشیع، آیا می‌توان از عامل «خمس» بر پول اعتباری جهت اجرای هدف توزیع درآمد و عدالت اجتماعی استفاده کرد یا خیر؟ لطفاً در این زمینه توضیحات مکفی و مستدل ارائه شود. چراکه این توضیحات در پژوهش مورد استناد واقع خواهند شد و از این که تنها به یک جمله «مشمول زکات می‌شود یا نمی‌شود»، بسنده شود، جداً خودداری فرمایید.

ج - باید توجه داشت که زکات و خمس عبادت است و باید با قصد قربت دهنده و بلکه چه بهتر با دعاء «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» انجام بگیرد و با اجبار واکراه نمی‌توان اخذ نمود بناءً علی هذا اُولاً: وجوب زکات بر اسکناس و عدم آن تأثیری در غرض مذکور در سؤال ندارد و فقر جامعه را امروزه باید حکومت‌ها با نقشه‌ها و طرح‌های اقتصادی کلان و با ثروت‌های مادی و معنوی که در دست دارند از بین ببرند و ثانیاً علی مذهبنا بر اسکناس‌ها و کارخانه‌ها خمس که (یک پنجم) و زاید بر مقدار زکات است متعلق می‌باشد و اختیارش هم به ید امام‌المعصوم علیه السلام و یا فقیه عادل با ورع جامع‌الشرائط می‌باشد، که طبعاً فقر مردم را مورد توجه قرار می‌دهد و ناگفته نماند که از جواب ذکر شده معلوم شد که محض قول به تعلق زکات به اسکناس راه حلّ مشکل نبوده و راه حلّ مشکل‌های اقتصادی ممالک را در این گونه امور و شعارها دانستن، موجب رفع قصور و یا تقصیر از حکومت‌ها می‌شود که خود امری ناپسند است و باید حکومت‌ها را وادار به رفع معضلات اقتصادی کلان با سرمایه‌های مادی و معنوی کلان که در دست دارند نمود.

شرایط واجب شدن زکات

﴿س ۱۷۵۹﴾ افراد خانواده‌ای که تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی علیه السلام هستند، قطعه زمینی دارند که از آن سالانه مثلاً ۲۸۰۰ کیلوگرم جو برداشت می‌کنند. آیا با توجه به مسلم بودن فقر این خانواده، پرداخت زکات بر آنان واجب است؟

ج - زکات، متعلق به محصول کشاورزی است نه به درآمد، لذا اگر شرایط تعلق زکات به مال آنان تمام باشد، باید زکات بپردازند، ولو اینکه خود، فقیر باشند. ۷۵/۲/۱۷

﴿س ۱۷۶۰﴾ آیا زکات طلا فقط به مسکوک تعلق می‌گیرد یا به مطلق طلا (اعم از زیورآلات و مسکوکات)؟

ج - سکه و زیورآلات، زکات ندارد، و زکات مخصوص طلا و نقره رایج است که امروزه وجود ندارد. ۷۴/۴/۱۴

﴿س ۱۷۶۱﴾ اگر با طلا و نقره یا با مالی که زکات آن‌ها داده نشده (مثل آنکه گوسفندی بفروشد)، لباسی بخرد و با آن نماز بخواند، آیا نماز صحیح است؟

ج - به طلا و نقره‌های امروزی زکات تعلق نمی‌گیرد، چون رایج نیست؛ و به گوسفندهایی که به آن‌ها علوفه داده می‌شود، نیز زکات تعلق نمی‌گیرد. ۷۶/۶/۲

﴿س ۱۷۶۲﴾ اگر بعد از خرما شدن، شخصی مقداری خرما به من هدیه کند و با خرما موجود در باغ خودم به حد نصاب برسد، باید زکات آن را بپردازم؟

ج - اگر خرما باغ خودتان به حد نصاب برسد، زکات دارد، و اگر با هدیه دیگران به حد نصاب برسد، زکات به آن تعلق نمی‌گیرد. ۷۵/۲/۱۸

﴿س ۱۷۶۳﴾ زمین‌هایی ملک ارباب بوده و از طرف دادگستری به صورت اجاره به زارعان داده شده و بعد از چند سال، دادگستری اعلام کرده که زمین‌ها به ارباب واگذار شده و زارعان باید با ارباب به توافق برسند. عده‌ای از کشاورزان، قبول کرده‌اند و عده‌ای رد کرده‌اند و مدت شش سال است که هیچ‌گونه اجاره‌ای به ارباب پرداخت نشده است. حکم این زمین‌ها چگونه است؟ و آیا زکات به این زمین‌ها تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج - زکات به گندم و جو که در زمین کشت می‌شود، تعلق می‌گیرد و کسی که مالک دانه بسته شده باشد، بدهکار زکات است؛ لیکن با شرایط دیگری که در رساله

بیان شده، و اما در مورد زمین‌هایی که مرقوم شده، باید توجه داشت که زرع و کشت از زارع است، مگر آن که بذر از مالک باشد، و در این حکم، بین انواع تصرف در زمین، فرقی نیست.

﴿س ۱۷۶۴﴾ آیا به‌گندمی که بعد از فروش، تمام پول آن صرف پرداخت قرض می‌گردد و

از زمین خود شخص هم نبوده، زکات تعلق می‌گیرد؟

ج - اگر گندم برداشت شده به قدر نصاب زکات باشد، فرد می‌تواند از اول، تمام مخارج زراعت گندم را که برایش پول مصرف شده، از شخم زدن و خرج چاه و قنات و... را محاسبه کند و از قیمت گندم و گاه، به نسبت، کسر نماید و مابقی، هر مقدار که باشد، باید زکاتش پرداخت گردد؛ و ناگفته نماند که زکات به کسی تعلق می‌گیرد که مالک شیره بسته آن باشد و مال الاجاره هم جزو مخارج است و قرض داشتن، مانع وجوب زکات نیست و زکات، به غلات و اغنام تعلق می‌گیرد نه به درآمد!.

﴿س ۱۷۶۵﴾ اگر در طول سال، مقداری برای مخارج زندگی خود قرض بگیرد، آیا بعد از

برداشت محصول می‌تواند آن مقدار را به عنوان مخارجی که برای کشاورزی هزینه کرده است، از محصول به دست آمده کسر کند، و زکات بقیه را اگر به حد نصاب رسیده باشد، بپردازد، یا فقط باید مخارجی را که برای به دست آوردن محصول مصرف کرده، کسر کند؟

ج - مخارجی را که برای کشاورزی است، می‌توان کسر کرد نه مطلق مخارج را؛ و ناگفته نماند که هرگاه محصول به مقدار نصاب زکات باشد، بعد از کسر مخارج زراعی، هر مقدار که باقی ماند، باید زکاتش را پرداخت کرد، هر چند به حد نصاب بعد از کسر نباشد.

﴿س ۱۷۶۶﴾ چند نفر با هم شریک هستند. نحوه پرداخت زکات آن‌ها در امر کشاورزی

چگونه است؟ آیا با به دست آمدن محصول، باید زکات آن را قبل از تقسیم بدهند یا این که هر کس خودش زکات خود را بپردازد؟

ج - در صورتی که سهم هر یک از شرکا قبل از کسر مخارج و مال الاجاره، به حد

۱- برای توضیح بیشتر به رساله توضیح المسائل، مسائل زکات مراجعه فرمایید.

نصاب (نصاب گندم و جو ۲۸۸ من تبریز، ۴۵ مثقال کم است که برابر با ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم است) برسد، شرکا می‌توانند یک نفر را وکیل در پرداخت کنند و در صورت عدم وکالت، هر یک از شرکا، خود موظف به پرداخت زکات مال خود هستند. ۷۹/۱/۳۱

﴿س ۱۷۶۷﴾ شخصی وصیت کرده که بعد از مرگش محصول ثلث مال او که پنج اصله نخل خرماست، جهت خیرات خرج شود. آیا اگر محصول به حد نصاب برسد، بروصی واجب است که زکات ثلث را خارج کند؟ و اگر محصول خرماي آن به حد نصاب رسید، زکات دارد یا نه؟ ج - آنچه در زمان حیات میّت به حد نصاب رسیده باشد، زکات آن واجب است که وصی یا ورثه باید ادا کنند؛ و اما بعد از فوت او چون وقف است، در ملک مالک شخصی نیست و زکات ندارد. ۷۷/۲/۸

زکات گندم، جو، خرما و کشمش (غلات اربع)

﴿س ۱۷۶۸﴾ جهت آبیاری از آب رودخانه، از کشاورزان پولی به عنوان میرابی و لایروبی دریافت می‌شود که قیمت این آب با آبیاری با موتور یکی می‌شود. در این صورت، زکات گندم و جو یک دهم محصول یا یک بیستم آن است، یا اینکه این هزینه باید جزو مخارج حساب شود و زکات یک بیستم حساب شود؟

ج - هزینه‌ها جزو مخارجی است که برای زرع مصرف می‌شود، لیکن زکات آن یک دهم است. ۷۵/۱۱/۱۴

﴿س ۱۷۶۹﴾ اگر خرما هنوز خرما نشده و به صورت خارک فروخته شود، آیا زکات آن واجب است یا نه؟

ج - اگر قبل از تمر شدن، خرماها را بفروشد، زکات به آن تعلق نمی‌گیرد. ۷۵/۲/۱۸
 ﴿س ۱۷۷۰﴾ اگر محصول درخت خرما قبل از اینکه به خرما تبدیل و خشک شود، روی نخل از آن استفاده و به فامیل هم هدیه کنند، آیا در بلوغ نصاب باید این موارد را هم حساب کرد یا نه؟

ج - اگر تمر شود و بعداً هدیه کنند، یا به فامیل ببخشند، یا از آن‌ها استفاده کنند، در صورتی که اگر می‌ماند، به حد نصاب می‌رسید، باید زکات آن را پردازند. ۷۵/۲/۱۸

﴿س ۱۷۷۱﴾ آیا اجاره کننده خرما باید زکات پرداخت کند، یا مالک باغ؟

ج - اگر بعد از اجاره، زکات واجب شده، مستأجر باید بپردازد، اما اگر قبل از اجاره، واجب شده، زکات بر عهده مالک است.

۷۶/۳/۶

﴿س ۱۷۷۲﴾ اگر انگور را قبل از کشمش شدن بفروشند، در صورتی که کشمش آن به حدّ

نصاب برسد، آیا زکات آن واجب است یا نه؟

ج - زکات واجب نیست، هر چند احتیاط در ادا است.

۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۱۷۷۳﴾ احتراماً به استحضار می‌رساند که شرکتی طبق قانون بخش تعاون

جمهوری اسلامی ایران با سرمایه ۲۵۰ نفر از کارکنان، تشکیل شده و طبق اساس نامه، وظیفه دارد که نسبت به پرداخت وام و اعتبار به سهامداران اقدام نماید و بر اساس تبصره سه اساس نامه، هیئت مدیره می‌تواند جهت تأمین بخشی از منابع مالی پرداخت وام، به امور اقتصادی و خدماتی بپردازد. در این راستا، شرکت با اجاره ۱۵۰ هکتار زمین مزروعی، نسبت به کاشت گندم و چغندر قند مبادرت نموده که پس از کسر هزینه‌ها، سود مناسبی نیز به دست آمده است. لذا با توجه به تعاونی بودن شرکت و جمع‌آوری سرمایه‌های اندک و عدم تعیین محور کسب درآمد توسط سهامداران، آیا هیئت مدیره شرکت می‌تواند بدون اخذ اجازه از سهامداران نسبت به کسر زکات شرعی محصولات کشاورزی اقدام نماید؟ در صورت مثبت بودن، آیا می‌توان در مجمع عمومی شرکت، پرداخت را به عهده اعضای خارج از ضوابط جاری شرکت قرار داد؟

ج - سهم هر کدام از شرکا اگر به حدّ نصاب برسد، زکات بر آنها واجب می‌شود که

خود آنها باید زکات را بدهند یا هیئت مدیره را در پرداخت آن وکیل نمایند؛

وگرنه بدون اجازه آنها نمی‌توانند اقدام کنند.

۷۶/۵/۵

﴿س ۱۷۷۴﴾ در زکات، گندم و جو یک جنس حساب می‌شوند و باید روی هم رفته به حدّ

نصاب برسند یا هر کدام یک جنس حساب می‌شوند و باید جداگانه به حدّ نصاب برسند؟

ج - هر کدام، جداگانه باید به حدّ نصاب برسند.

۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۱۷۷۵﴾ در مورد کم کردن مخارجی که شخص برای به دست آوردن گندم کرده

و این مخارج را تنها برای گندم‌ها استفاده نکرده و از آنها گاه هم به دست می‌آید که

نسبت به میزان مخارجی که برای آن کرده، پول کاه‌های آن می‌شود، آیا باید کاه‌ها را کنار بگذارد و مخارج را از آن گندم‌ها حساب کند یا خیر؟

ج - مخارج به نسبت باید حساب شود. مثلاً اگر هزار تومان گندم و پانصد تومان کاه دارد و صد و پنجاه تومان خرج کرده، صد تومان آن را بابت گندم و پنجاه تومان را بابت کاه حساب کند و بعد از استثنای مخارج، هر چه مانده، باید زکاتش پرداخت شود، ولو به مقدار نصاب نباشد، به شرط آن که از اول به حد نصاب رسیده باشد.

۷۶/۱/۱۴

مصرف زکات

﴿س ۱۷۷۶﴾ آیا می‌توان زکات واجب، اعم از زکات مال و زکات فطره را برای تعمیر مساجد، حمام و حسینیه و همچنین جهت آقایان اهل علم و امرار معاش آن‌ها پرداخت نمود؟

ج - زکات واجب را می‌توان به مصرف تعمیر مساجد، حمام و غیره رساند؛ و بهتر آن است که زکات فطره، به فقرای شیعه داده شود.

۷۳/۵/۶

﴿س ۱۷۷۷﴾ در منطقه بلوچستان در اثر فقر مادی و فرهنگی، مردم آن حتی از داشتن سرویس بهداشتی محروم‌اند. در این صورت آیا می‌توان با پول خمس و زکات برای آن‌ها توالی ساخت؟ (لازم به توضیح است که اکثریت آن‌ها، از برادران اهل سنت هستند).

ج - در مفروض سؤال، اگر باعث علاقه آن‌ها به شیعیان و دهندگان زکات باشد، مانعی ندارد، و میریء ذمه است؛ اما از خمس نمی‌توان مصرف کرد.

۷۵/۹/۲۵

﴿س ۱۷۷۸﴾ آیا می‌توان از زکات اموال برای احداث راه‌های ارتباطی روستاهایی که راه ارتباطی مناسب ندارد و امور خیریه مشابه استفاده کرد؟

ج - این گونه امور خیریه، یکی از موارد مصرف زکات است، و قرآن کریم هم آن را بیان فرموده است، خداوند به بانیان خیر و ساعیان در راه آن، برکت و توفیق عنایت فرماید.

۷۰/۶/۴

﴿س ۱۷۷۹﴾ آیا پدر می‌تواند زکات مالش را به فرزند محصل خود برای تأمین مخارج تحصیل او بدهد؟

ج - اگر فرزند به کتاب‌های علمی و دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خرید آن‌ها به او زکات بدهد.

۷۵/۱۲/۱

﴿س ۱۷۸۰﴾ در رساله توضیح المسائل، احکام مستحق زکات فرموده‌اید: «اگر انسان زکات را به پسر خود بدهد، و پسر آن را خرج زن خود کند، یا اگر زکات را به او بدهد تا برای خود کتاب تهیه کند، اشکال ندارد». آیا برای گرفتن زکات، فقر پسر شرط است یا خیر؟

ج - نیاز فرزند و عدم قدرت او بر تأمین هزینه زندگی، شرط است.

۷۴/۳/۲۵

﴿س ۱۷۸۱﴾ آیا می‌توان وجوهات را در مواردی مانند سیل، زلزله و غیره مصرف کرد؟ ج - موارد مصرف وجوهات، در شرع معین شده است. آری، یکی از مصارف زکات، این گونه موارد است، اما مصرف خمس، منوط به اذن مجتهد جامع الشرائط است.

۷۶/۱/۶

﴿س ۱۷۸۲﴾ این جانب کشاورز هستم و مقدار گندمی که به دستم رسیده، به حد نصاب زکات رسیده است. سؤال این است که داماد بنده چند سالی است به علت بیماری زمینگیر شده و حتی توانایی راه رفتن هم ندارد، چهار فرزند دارد و منبع درآمدی هم ندارد و از طرف کمیته امداد به او کمک می‌کنند. آیا بنده می‌توانم زکات متعلق به گندم خود را به او بدهم، و اگر به او دادم، بری‌الذمه می‌شوم یا نه؟

ج - می‌توانید زکات گندم خود را به ایشان بدهید و نه تنها براءت ذمه یقیناً حاصل می‌شود، بلکه چون رَحِم است، ثواب زیادتری دارد.

۷۶/۷/۱۵

﴿س ۱۷۸۳﴾ منظور از فقیر یا فقرا چه کسانی هستند که می‌توان زکات و رد مظالم را به آن‌ها داد؟ آیا جهیزیه و یا بدهکاران بی‌تقصیر و اقوام نادار جزو فقیران هستند یا نه؟

ج - کسی که مخارج سال خود و عائله‌اش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عائله‌اش را بگذراند، فقیر است و دختری که نیاز، به جهیزیه دارد و راه مشروع تأمین آن را ندارد، و بدهکار بی‌تقصیر، و اقربای بی‌بضاعت، جزو فقرا هستند و می‌توان زکات را به آن‌ها داد، کما این که مظالم عباد را هم با اجازه از مجتهد جامع الشرائط، می‌توان به آن‌ها داد.

۷۸/۶/۱۱

﴿س ۱۷۸۴﴾ آیا استفاده از وجوهات حاصل از زکات برای برگزاری مسابقات قرآن و نشر فرهنگ قرآنی در بین دانش آموزان، جایز است یا خیر؟

ج - زکات را می توان در مطلق امور خیریه عام المنفعه، مصرف نمود و تعلیم قرآن و بیان معارف آن، جزو همان موارد است؛ لیکن به شرط آن که دهنده زکات، خود با قصد قربت و بدون شائبه حیا و رو درباستی (چه رسد به اکراه و اجبار) بخواهد در آن راه مصرف نماید؛ وگرنه زکات محسوب نمی شود، بلکه گرفتن هم غیر جایز است.

۷۸/۸/۲۹

﴿س ۱۷۸۵﴾ پرداختن زکات فطره به مؤسساتی نظیر بهزیستی، کمیته امداد و یا مساجد محل، چه صورتی دارد؟

ج - معیار جواز وثوق و اطمینان به صرف شدن در مصرف واقعی آن است و دفع به آنان به عنوان دفع به کسی که امین است و به آنها می پردازد، در دفع زکات، کفایت می کند.

۷۸/۹/۱۸

﴿س ۱۷۸۶﴾ کسی را می شناسم که کارمند و دارای چندین سر عائله است و به زحمت، امرار معاش می کنند و فرزند دانش آموزی دارند که نمی توانند به نحو شایسته، به وی رسیدگی کنند. با توجه به نیاز او از قبیل پول توجیبی و لباس مناسب یک جوان و... سؤال این است که آیا بنده می توانم زکات خودم را به دانش آموز مذکور بدهم؟

ج - استحقاق در باب زکات و فقر معتبر در مستحقان آن، به معنای عدم قدرت بر اداره زندگی در حد متعارف است. بنابراین، می توان به امثال مورد سؤال، زکات پرداخت نمود.

۷۸/۲/۸

مسائل متفرقه زکات

﴿س ۱۷۸۷﴾ چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می دهد، آیا لازم است به او بگوید که زکات است؟

ج - لازم نیست، بلکه اگر فقیر خجالت می کشد، مستحب است، به طوری که دروغ گفته نشود، به اسم پیشکش به او بدهد، ولی تیت زکات کند.

﴿س ۱۷۸۸﴾ کسی که سالیان متوالی زکات مالش را حساب نکرده است، اکنون چگونه باید حساب کند؟

ج - باید قدر متیقن را بپردازد، یعنی اگر بعد از محاسبه، نداند که مثلاً ده تومان بدهکار زکات است یا نه تومان، باید نه تومان را بپردازد، گرچه احتیاط، در ادای مبلغ بیشتر است.

۷۳/۱/۳۱

﴿س ۱۷۸۹﴾ اگر کسی که بدهکار است فوت کند، و مالی هم داشته باشد که زکات بر آن واجب شده باشد، آیا می‌توانند زکات مال متوقفاً را بابت قرض او بپردازند؟

ج - زکات را باید پرداخت، و نمی‌توان از بابت قرض خود میّت حساب کرد، و آنچه که راجع به زکات و مصرف آن در ادای قرض آمده، در مورد دادن قرض کسانی است که توان پرداخت آن را ندارند، نه آنکه قرض خود را از زکات بدهند.

۷۳/۱/۳۱

﴿س ۱۷۹۰﴾ تأخیر در ادای زکات به مدتی طولانی یا کوتاه را چگونه باید جبران کرد (با قیمت روز یا با شرایطی دیگر)؟

ج - زکات به عین تعلق گرفته، و باید قیمت روز ادا را بپردازد.

۷۶/۱/۲

زکات فطره

﴿س ۱۷۹۱﴾ موقع پرداخت زکات فطره چه وقتی است؟

ج - از غروب شب عید، واجب می‌گردد و کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بدهد؛ ولی اگر نماز عید نمی‌خواند، می‌تواند دادن فطره را تا ظهر، تأخیر بیندازد.

۷۷/۱۰/۲۷

﴿س ۱۷۹۲﴾ مقدار زکات فطره را بیان فرمایید.

ج - مقدار آن تقریباً سه کیلو گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینهاست، هر چند پرداختن قیمت آن‌ها به قیمت بازار هم کافی است.

۷۳/۱۲/۱۰

﴿س ۱۷۹۳﴾ آیا خانواده‌ای که نه مرد داشته باشد و نه پسر بالغ و ماهیانه هم حدود ۲۵

هزار تومان پول بگیرد و بجز آن، ماهیانه هیچ درآمدی نداشته باشند، آیا بر آن‌ها فطره ماه رمضان واجب می‌شود یا خیر؟

ج - اگر مخارج سالش با همان مبلغ تأمین می‌شود و توان پرداخت زکات فطره را دارد، زکات فطره بر او واجب است؛ وگرنه تعلق نمی‌گیرد.

۷۷/۲/۱۳

﴿س ۱۷۹۴﴾ آیا پرداخت فطره بر پدر و مادری که فقیرند، واجب است؟

ج - کسی که مخارج سال خود و افراد تحت تکفل خود را ندارد، و کسی هم ندارد که بتواند مخارج فوق‌الذکر را تأمین کند، فقیر است، و دادن زکات فطره بر او واجب نیست و می‌تواند زکات فطره بگیرد.
۷۶/۲/۳۱

﴿س ۱۷۹۵﴾ زکات فطره میهمان شب عید فطر بر عهده چه کسی است؟

ج - بر عهده خود میهمان است، حتی اگر قبل از غروب وارد شود؛ زیرا با مصرف غذا و افطاری یک شب، نانخور بودن و عیولت صدق نمی‌کند و میزبان، می‌تواند با اجازه و رضایت میهمان، زکات فطره او را بپردازد.
۷۸/۷/۱

﴿س ۱۷۹۶﴾ زکات فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بر رضایت صاحبخانه

وارد خانه او می‌شود، بر عهده کیست؟

ج - بر عهده خود میهمان است، مگر آنکه بخواهد چندین روز بماند، به طوری که نانخور صاحبخانه محسوب شود.

﴿س ۱۷۹۷﴾ اگر میهمان شب عید فطر بعد از غروب وارد شود، لیکن دعوت از او در

روزهای قبل بوده باشد، زکات فطره اش بر عهده چه کسی است؟

ج - بر عهده خود میهمان است، هر چند از قبل دعوت شده باشد.

﴿س ۱۷۹۸﴾ اگر میزبان طبق فتوای جناب عالی فطره میهمان را از عهده خود ساقط

بداند و میهمان، فطره خود را بر عهده میزبان بداند، در این صورت، تکلیف چیست؟

ج - چون جمع بین دو فتوا مستلزم عدم ادای فطره است، احتیاط واجب در آن است که مقلد این جانب با اجازه میهمان، فطره او را بدهد.
۷۸/۱۱/۲۰

﴿س ۱۷۹۹﴾ فطره سربازهایی که در سربازخانه‌ها از جیره دولتی استفاده می‌کنند،

بر عهده خود آنان است یا بر عهده دولت؟ آیا سربازان، عائله دولت محسوب می‌شوند یا نه؟

ج - بر عهده دولت نیست، و اگر خودشان توان پرداخت را دارند و پول غذا

را می‌دهند، باید زکات خود را بپردازند، و اگر غذا به آنان می‌دهند، به طوری که

نانخور دولت محسوب می‌شوند، بنا بر احتیاط باز هم زکات فطره بر عهده خود

آنهاست، هر چند عدم تعلق به خود آنان هم، خالی از وجه نیست.

﴿س ۱۸۰۰﴾ آیا فطریه بچه‌ای که در رَحِمِ مادر است، واجب است یا نه؟

ج - زکات فطره بچه‌ای که در رَحِمِ مادر است، واجب نیست؛ مگر آنکه قبل از غروب شب عید فطر به دنیا بیاید.

۷۶/۲/۳۱

﴿س ۱۸۰۱﴾ اگر شخصی زکات فطریه خود و اهل خانواده‌اش را چند سال پی در پی به دلیل تنگ‌دستی که در آن روزها حتی برای نان شب محتاج بوده‌اند نپردازد، ولی بعداً به دلیل امکانات مالی می‌تواند بدهد، چه حکمی دارد؟

ج - کسی که غروب شب عید شرایط وجوب پرداخت زکات فطره را ندارد، بعد از غنا و تمکّن، چیزی به عنوان زکات فطره بر او لازم و یا مستحب نیست. بنابراین، در مفروض سؤال زکات فطره، تعلق نگرفته و نه تنها واجب نیست؛ بلکه مستحب هم نبوده است. پس پرداخت به عنوان زکات فطره هم در مفروض سؤال، مشروع نیست.

۷۹/۶/۴

﴿س ۱۸۰۲﴾ زکات فطره را به کدام سازمان‌ها و افراد می‌توان پرداخت نمود؟ و آیا به

بستگان نیازمند می‌توان پرداخت کرد؟

ج - اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که برای زکات مال بیان شد، برساند، کفایت می‌کند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقیرای شیعه داده شود و مستحب است که شخص در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدارد و بعد، همسایگان فقیر و بعد اهل علم فقیر را؛ ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آن‌ها را مقدم بدارد، و ناگفته نماند که پرداخت به واسطه‌های مورد اطمینان، مانعی ندارد.

۷۷/۱۰/۲۷

﴿س ۱۸۰۳﴾ آیا می‌توان زکات و فطریه را به سادات فقیر داد یا خیر؟ در صورت مثبت

بودن، به چه صورت باید پرداخت شود؟

ج - سید می‌تواند زکات فطره خود را به سادات فقیر بدهد، ولی غیر سید نمی‌تواند زکات و فطریه خود را به سید بدهد.

۷۱/۱۲/۶

﴿س ۱۸۰۴﴾ شخصی فطریهٔ زوجهٔ سیّدهٔ خود را به صندوق مخصوص سادات می‌ریخته است. پس از توجه، تکلیف او نسبت به فطریهٔ سال‌های گذشته چیست؟

ج - فطریه‌های داده شده را باید مجدداً بپردازد، چون به سیّد داده شده در حالی که زکات دهنده، یعنی مرد، سیّد نبوده، و معیار در جواز دادن زکات فطره به سیّد، زکات دهنده است نه نانخور و زن انسان.
۷۵/۵/۵

﴿س ۱۸۰۵﴾ آیا می‌توان فطریه را خرج بازسازی مساجد یا صرف کارهای خیر دیگر مانند جشن‌های مذهبی، مراسم دههٔ محرم و... کرد؟

ج - جایز است، هر چند پرداخت آن به مستحق بهتر است.
۷۴/۳/۱۱

﴿س ۱۸۰۶﴾ در فامیل ما جوانی است که معامله‌گری می‌کرد و ورشکست شده، یک سال هم زندان بوده است و مبلغ زیادی بدهکار است و با این حساب تا چندین سال دیگر هم قادر به دادن قرض خود نیست. آیا از پول زکات فطره یا صدقه می‌توان به او کمک کرد تا قرض‌های خود را بپردازد یا خیر؟

ج - از زکات فطره و زکات مال و صدقات می‌توان به او داد.
۷۷/۱۲/۱۴

﴿س ۱۸۰۷﴾ به استحضار می‌رساند که مؤسسهٔ خیریه‌ای در راستای تهیهٔ جهیزیه به نیازمندان کمک می‌کند. به نظر جناب عالی آیا کفّارهٔ روزه و فطریهٔ ماه مبارک رمضان را می‌توان صرف نمود؟

ج - در کفّارهٔ روزه، منحصرأ باید به فقرا نان، گندم و امثال این دو از اطعمه داده شود و زکات فطره، بنا بر احتیاط مستحب باید به فقرا شیعه داده شود.
۷۷/۱۱/۱۸

﴿س ۱۸۰۸﴾ پولی که به فقیر و عائله‌مندی به عنوان قرض الحسنه دادم که در تاریخ مقرر، پرداخت نماید. سر تاریخ عذر آورده و مدتی دیگر مهلت خواسته است و یقین دارم که سر تاریخ مقرر هم نمی‌تواند بپردازد. سؤال این است که آیا برای بریء شدن ذمهٔ قرض گیرنده، می‌توان آن را با زکات فطره یا کفّارهٔ روزه (به شرط وکالت در تهیهٔ نان از مبلغی که بدین منظور کنار می‌گذارد) یا کفّاره تأخیر یا ردّ مظالم تسویه کرد.

ج - با اطمینان به عمل به شرط مانعی ندارد و بریء‌الذمه است.

﴿س ۱۸۰۹﴾ این جانب ساکن رشت هستم و در این مدت، چند سال تمام فطریه سالانه خود را به شخصی که در شهرستان لنگرود زندگی می‌کند و کاملاً او را می‌شناسم و بیکار است می‌دهم. گفته‌اند که فطریه منتقل نمی‌شود. تکلیف من چیست؟

ج - آنچه که تا به حال پرداخت نموده‌اید، ان شاء الله مرضی خداوند بوده است و احتیاط واجب، صرف در محل است.
۷۸/۶/۱۸

﴿س ۱۸۱۰﴾ آیا مسئولان مدارس مجازند فطره کسانی را که مایل هستند، جمع آوری کنند و به خانواده‌های دانش آموزانی که شرعاً مستحق‌اند، برسانند؟

ج - به رساله عملیه مراجعه فرمایید و باید توجه داشت که مردم را ترغیب نماییم که در زکات فطره، خویشان مستمند خود را بر همسایه مستمند، و همسایه مستمند را بر دیگران از مستمندان، مقدم دارند.
۷۸/۱۲/۸

﴿س ۱۸۱۱﴾ آیا فرد می‌تواند زکات فطره یا زکات مال خود را برای فرزندان خود که مشغول تحصیل هستند، صرف نماید یا خیر؟

ج - اگر پسر و فرزندان او به کتاب‌های علمی و دینی و امثال آن نیاز دارند، پدر می‌تواند برای خرید به آن‌ها زکات بدهد.
۷۹/۷/۹

﴿س ۱۸۱۲﴾ دادن زکات فطره به مؤسسات دولتی و غیر دولتی چه حکمی دارد؟

ج - پرداخت زکات فطره به کسانی که اطمینان دارند که به فقرا می‌پردازند، مانعی ندارد و در حکم عزل آن است؛ لیکن باید توجه داشت که اگر انسان خودش بتواند بپردازد به نحوی که رعایت جهات اولویت پرداخت در مصارف که در رساله‌های عملیه آمده بشود، افضل است و ثواب زیادتری دارد.
۷۷/۱۰/۱۶

﴿س ۱۸۱۳﴾ آیا از زکات فطره می‌توان یک دستگاه تکثیر (پلی کپی) برای مدرسه یک روستا تهیه کرد؟

ج - زکات فطره را مانند زکات مال در هر کار خیر و عام‌المنفعه‌ای می‌توان مصرف کرد، و مورد سؤال هم از آن‌هاست؛ ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرای شیعه داده شود.
۷۳/۱۱/۱۹

مسائل متفرقة زکات فطره

﴿س ۱۸۱۴﴾ زکات فطره خانواده ما در چهار یا پنج سال پیش ششصد تومان می شد. خانواده ام پانصد تومان دیگر به آن اضافه کردند و یک سینی برای مسجد خریدند؛ اما بنا به دلایلی آن را به مسجد ندادند. حال اگر بخواهیم این دین را ادا کنیم، باید همان سینی را بدهیم یا همان زکات فطره را و یا حکم دیگری دارد؟

ج - برای هر نفر باید به قیمت روز، زکات فطره آن وقت را ادا نماید. ۷۸/۱/۲۶

﴿س ۱۸۱۵﴾ کسی که فقیر است و قدرت پرداخت زکات فطره را ندارد، آیامی تواند مقداری گندم که برای زکات فطره باید بدهد، خودش مصرف کند؟ پول آن چه حکمی دارد؟
ج - واجب نیست و اگر خواست بدهد، احتیاط این است که خود مصرف نکند.

۷۷/۱/۷

﴿س ۱۸۱۶﴾ آیا لازم است به کسی که می خواهیم زکات فطره را به او بدهیم، بگوییم که زکات فطره است؟ آیا می توان با پول آن چیزی خرید و به مستحق داد؟

ج - لازم نیست گفته شود و نمی توان بدون اذن مستحق زکات فطره چیزی خرید.

﴿س ۱۸۱۷﴾ کسی که مدت ها زکات فطره خود را نپرداخته است، زکات فطره سال های قبل را چگونه باید محاسبه کند؟

ج - باید به قیمت روز حساب کند. ۷۴/۷/۲۵

﴿س ۱۸۱۸﴾ آیا کسی که در تهران زندگی می کند می تواند زکات فطره خود را برای خویشاوندانی که در دیگر شهرها زندگی می کنند، بفرستد یا خیر؟

ج - علی الأقوی، حتی بعد از کنار گذاشتن هم جایز نیست. ۷۳/۱۰/۲۰

﴿س ۱۸۱۹﴾ فرزندان و عائله بنده در مازندران بسر می برند و خودم در شیراز زندگی می کنم، با توجه به اینکه در رساله توضیح المسائل فرموده اید که اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آن است که زکات فطره را به جای دیگری نبرد، آیا باید زکات عائله را در شیراز بپردازم یا در مازندران؟

ج - معیار، بلد زکات دهنده است نه عائله. ۷۴/۳/۱۳

احکام حج

استطاعت

﴿س ۱۸۲۰﴾ کسانی که چندین سال پیش، برای حج ثبت نام کرده‌اند، اما پس از آنکه نوبتشان رسیده، دیگر توان مالی برای رفت و برگشت و هزینه‌های متفرقه را ندارند، آیا به دلیل اینکه قبلاً استطاعت داشته‌اند، واجب است به حج بروند یا می‌توانند فیش خود را با رعایت مقررات بفروشند؟

ج - استطاعت، برای این گونه افراد، تحقق ندارد، لذا فروش فیش جایز است، اما اگر در زمانی استطاعت مالی و بدنی داشته‌اند، و آنان را به حج می‌بردند و می‌توانستند بروند، حج به عهده آنان مستقر است و باید به حج بروند «ولو متسکعاً و مع الزحمه»^۱.
۷۵/۹/۲

﴿س ۱۸۲۱﴾ زنی مقداری زیورآلات از قبیل طلا و غیره دارد که اگر آن‌ها را بفروشد، می‌تواند به زیارت خانه خدا مشرف شود. آیا مستطیع است یا اینکه زیورآلات، استثنا شده است؟
ج - داشتن زیورآلات، سبب استطاعت نمی‌شود.
۷۵/۹/۲۵

﴿س ۱۸۲۲﴾ شخصی نصف خانه خود را مهر همسرش قرار داده است، در صورتی که بخواهد آن را بفروشد مجبور است که خانه‌ای اجاره کند، لذا امکان فروش، میسر نیست. در صورتی که از نظر قیمت خانه (که مهر اوست) مستطیع است، آیا تا زمانی که به فروش نرسانده، حج بر او واجب است یا خیر؟

ج - در صورتی که امکان فروش میسر نیست، حج بر زن واجب نیست.
۷۵/۵/۳

۱. با مشقت و زحمت.

﴿س ۱۸۲۳﴾ این جانب کارمند هستم و از زندگی متوسط برخوردارم، و در خانه‌سازی زندگی می‌کنم و خانه‌ای هم دارم که می‌خواهم آن را بفروشم، آیا بنده مستطیع هستم یا خیر؟

ج - در حال حاضر مستطیع نیستید. ۷۵/۵/۴

﴿س ۱۸۲۴﴾ این جانب کارمند هستم. چند سال قبل پدرم برای حج ثبت نام کرد، اما قبل از تشریف فوت کرد. طبق آنچه مرسوم است، بنده باید به جای او به حج مشرف شوم و منزلی دارم که دو دانگ از آن متعلق به همسر و دو دانگ دیگر از آن فرزندانم است، آیا با داشتن دو دانگ خانه و یک ماشین سواری، و اینکه توان مالی هم ندارم، مستطیع هستم، یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، حج بر شما واجب نیست و چنانچه والد شما قبل از ثبت نام، حج بر او مستقر بوده، واجب است حج او انجام شود؛ لیکن اگر قبلاً مستقر نبوده، سپس ثبت نام نموده و نوبت به او نرسیده و فوت کرده، در صورتی که وصیت نموده باشد، حج آوردن به نیابت واجب نیست و فیش او ارث همه ورثه است و مانند بقیه ماترک میّت است. ۷۵/۴/۲۴

نیابت و اجیر شدن در حج

﴿س ۱۸۲۵﴾ کسی که استطاعت دارد ولی تاکنون به حج مشرف نشده است، آیا می‌تواند به نیابت از دیگری حج به جا آورد؟

ج - نمی‌تواند. ۷۴/۲/۲۲

﴿س ۱۸۲۶﴾ کسی که حج بر او واجب نشده است، آیا می‌تواند اجیر شود؟

ج - مانعی ندارد. ۷۴/۲/۲۲

﴿س ۱۸۲۷﴾ آیا می‌توان فیش حج متوقفاً را به مبلغ زیادتری فروخت و با مبلغ کمتری برای حج میّت، نایب گرفت؟ آیا می‌توان از آن فیش برای عزیمت به حج استفاده کرد در حالی که مازاد قیمت آن متعلق به ورثه است و در صورتی که میّت ورثه صغیر داشته باشد، حکم چیست؟

ج - آنچه از اصل مال بیرون می‌رود، حج است و ورثه می‌توانند به حداقل اکتفا کنند، بلکه اگر وارث صغیر در بین آنها باشد، نمی‌توان بیش از حداقل برداشت کرد،

مگر آنکه بزرگترها بخواهند از سهم خود زیادتیر بردارند؛ و فیش حج جزو اموال میّت است که بعد از میّت به ورثه منتقل می‌گردد، مگر آنکه وصیّت کرده که با فیش خودش به مکه بروند و به آن فیش هم عنایت داشته، هر چند معمولاً چنین نیست.

۷۵/۱۰/۱۶

﴿س ۱۸۲۸﴾ کسانی که با فیش حجّ میّت و به نیابت از وی به حج می‌روند، اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت را دارا باشند، بجز باز بودن راه (که آن هم با فیش حجّ میّت حاصل شده است)، در صورتی که بتوانند مثلاً در مدینه یا جدّه (قبل از میقات) برای متوقفاً نایب بگیرند و خودشان حجّ واجب خود را انجام دهند، تکلیف چگونه است؟

ج - با فرض باز نبودن راه استفاده برای او، جز از راه فیش دیگری، استطاعت برایش حاصل نشده، چون در استطاعت غیر از مال و بدن و وقت، باز بودن راه هم شرط است، مگر آنکه صاحب فیش و یا کسانی که فیش را به او داده‌اند، اجازه به جا آوردن حج و اجیر گرفتن از مدینه یا جدّه برای متوقفاً را نیز به او داده باشند، در این صورت، نه تنها چنین کاری جایز است، بلکه باید نایب بگیرد، و اگر خودش به جای او نیابت کند و حج به جای آورد، صحیح نیست، چون نیابت مستطیع، باطل است.

۷۵/۱۰/۱۶

﴿س ۱۸۲۹﴾ کسی که در انجام حجّ بلدی نیابت دارد، چه مقدار از مستحبات مدینه و مکه را باید به نیابت از منوب عنه انجام دهد؟

ج - مستحباتی که انجامش متعارف است، باید به نیابت از او انجام داد؛ همان‌گونه که در نماز استیجاری نیز باید مستحبات را به مقدار متعارف انجام داد و اجاره و نیابت منصرف به متعارف است؛ امّا مستحبات مدینه را سزاوار است که برای او هم به جای آورد و او را نیز در فضیلت‌های مدینه شریک قرار دهد.

۷۵/۱۰/۱۶

﴿س ۱۸۳۰﴾ کسی که در انجام حجّ بلدی نیابت دارد، آیا در برگشت از سفر حج نیز باید به شهر منوب عنه برگردد یا لزومی ندارد؟

ج - لزومی ندارد، مگر آنکه در ضمن اجاره، شرط کرده باشند.

۷۵/۱۰/۱۶

﴿س ۱۸۳۱﴾ یکی از خدمه کاروان های حج سال گذشته، حج نیابتی قبول کرده، اما به دلیل عدم آشنایی نایب و منوب عنه به مسئله، فقط حج را قبول کرده و بناءً علیه، نایب، عمره تمتع را از جحفه به نیابت ائمه اطهار علیهم السلام و در موسم حج، فقط حج تمتع را به نیابت معهود شروع نموده و پس از انجام قربانی در روز عید متوجه اشتباه خود شده، لذا بقیه اعمال حج را قربۀ الی الله ادامه داده و تمام کرده و برای اطمینان از محل شدن، پس از انجام حج، یک عمره مفرده، برای خود انجام داده و سپس یک عمره مفرده هم به نیابت از منوب عنه و تماماً انجام داده است. با این توضیحات بفرمایید چنین محرمی آیا محل شده است یا نه؟ انجام حج با این کیفیت (بدون عمره تمتع به نیابت خاص، که مقداری از اعمال حج را به نیابت و باقی مانده را قربۀ الی الله و انجام عمره مفرده، پس از حج به نیابت با تخلل یک عمره مفرده بین حج و عمره مفرده بنایی) چه صورتی دارد؟ در صورت صحت، تکلیف از گردن نایب و منوب عنه ساقط هست یا خیر؟

ج - به هر حال از احرام بیرون آمده است؛ اما با این حال ذمه منوب عنه به حج تمتع مشغول است و برائت ذمه برایش حاصل نشده است.
۷۵/۷/۱۹

﴿س ۱۸۳۲﴾ شخصی به بواسیر خونی یا «سلس البول» مبتلاست. آیا می تواند برای حج، اجیر شود که با اجازه منوب عنه، برای طواف و نماز نایب بگیرد؟

ج - نمی تواند، چرا که جزو معذورین است که نیابتشان محل اشکال است. ۷۶/۲/۲۸

﴿س ۱۸۳۳﴾ دادن طعام به اقوام و آشنایان بعد از سفر حج، آیا لزومی دارد؟ آیا می توان این کار را انجام نداد؟ اگر من این کار را نکنم و پولش را برای ازدواج پسری بدهم ثوابش بیشتر نیست؟

ج - ولیمه دادن در بازگشت از حج، مستحب است و هر مستحبی ثواب و خصوصیت خود را دارد و باید تلاش نمود که انسان، همه مستحبات را به قدر توان انجام دهد.
۸۲/۹/۹

﴿س ۱۸۳۴﴾ سازمان حج و زیارت با توافق بانک ملی به اطلاع مردم رسانده اند که هر کسی ثبت نام حج تمتع و یا عمره مفرده بنماید به آن سود تعلق می گیرد، این سود یا بهره چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد.
۸۳/۲/۲

صدقات

صدقه

﴿س ۱۸۳۵﴾ در باره صدقه توضیحاتی بیان فرماید.

ج - هر عطیه و بخشش بلاعوضی که قریه‌ای الی الله داده شود، صدقه است و حدّ و نصاب خاصی هم ندارد. صدقه انسان را از انواع بلاها همچون امراض، آتش‌سوزی‌ها، تصادفات، غرق شدن، هدم، جنون و مرگ‌های ناگوار، حفظ کرده، آن‌ها را دفع می‌کند. در این باره رسول اکرم ﷺ تا هفتاد نوع بلا را بر شمرده و بیان فرموده است.^۱ و همه این‌ها غیر از اجر فراوان اخروی و معنوی است که بر صدقه مترتب می‌گردد.^۲

خداوند صدقه را بر خلاف همه چیزهایی که دیگران را موظّف و وکیل در گرفتن آن‌ها نموده است، خود با دست خویش اخذ می‌کند.^۳ «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».^۴

۱. عن السكوني، عن جعفر، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله ﷺ: إن الله لا إله إلا هو ليدفع بالصدقة الداء و الدبيلة و الحرق و الغرق و الهدم و الجنون و عدّ سبعين باباً من السوء (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۸۶، كتاب الزكاة، باب ۹ از أبواب الصدقة، حديث ۱).

۲. محمّد بن يعقوب بإسناده عن سالم بن أبي حفصة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله يقول: ما من شيء إلا وقد وكلت به من يقبضه غيري إلا الصدقة، فإني أتلقفها بيدي تلقفاً حتى إن الرجل يتصدّق بالتمرّة أو بشقّ تمرّة فأربيتها له كما يرّبي الرجل فلوه و فصيله، فيأتي يوم القيامة و هو مثل أحد و أعظم من أحد (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۸۲، كتاب الزكاة، باب ۷ از أبواب الصدقة، حديث ۷).

۳. همان.

۴. توبه، آیه ۱۰۴.

﴿س ۱۸۳۶﴾ شرایط صحت صدقه را بیان فرماید.

ج - قصد قربت را اگر جزء ماهیت و شرط داخل در حقیقت صدقه ندانیم، شرط صحت بودنش، قطعی و بلا کلام است. امام صادق علیه السلام فرمود: «لا صدقة ولا عتق إلا ما أريد به وجه الله عزّ وجل»^۱ و ایجاب و قبول را هر چند اصحاب، شرط دانسته‌اند. لیکن دلیل قانع کننده‌ای برایش نیست و مقتضای اطلاقات و عمومات، بلکه اصل، عدم شرطیت آن است و اخبار خاصه هم بر آن دلالت دارد: «عن أبي عبد الله عليه السلام في الرجل يخرج - بالصدقة ليعطيها السائل، فيجده قد ذهب، قال: فليعطها غيره، ولا يردّها في ماله»^۲.

و معلوم است که در مورد روایت، نه ایجاب و قبول بوده، و نه قبض و اقباض؛ لیکن باز هم حکم به اعطا و عدم جواز رد شده که لازمه صدقه است.

«و عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه إن علياً عليه السلام كان يقول: من تصدّق بصدقة فردّت عليه فلا يجوز له أكلها، ولا يجوز له إلا إنفاقها، إنّما منزلتها بمنزلة العتق لله، فلو أنّ رجلاً أعتق عبداً لله فردّد ذلك العبد لم يرجع في الأمر الذي جعله لله، فكذلك لا يرجع في الصدقة»^۳.

مورد این روایت نیز مثل روایت قبلی، جایی است که هیچ یک از دو شرط وجود ندارد؛ چون ظاهراً با آنکه طرف قبول نکرده و قبل از اخذ برگردانده است، باز هم حکم به عدم جواز تصرف شده و اینکه جزو اموالش قرار ندهد، وگرنه خلاف «شریک نداشتن خداوند»^۴ خواهد بود. نیز این روایت، مثل دیگر روایات که در آن‌ها صدقه به عتق تشبیه شده، بر عدم شرطیت دلالت دارد، چون عتق ایقاع است و قبض و اقباض هم در آن متصوّر نیست.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۱۰ (باب ۱۳ از أبواب احکام الوقوف و الصدقات، حدیث ۳ و ۲).

۲. همان، ج ۹، ص ۴۲۳ (باب ۲۴ از أبواب الصدقة، حدیث ۳).

۳. همان، ص ۴۲۲ (باب ۲۴ از أبواب الصدقة، حدیث ۲ و ۱).

۴. أحمد بن فهد في عدّة الداعي، قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: من تصدّق بصدقة ثمّ ردّت فلا يبيعها ولا يأكلها لأنّه لا شريك لله في شيء ممّا جعل له، إنّما هي بمنزلة العتاقة، ولا يصلح له ردّها بعد ما يعتق (وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۲۳، باب ۲۴ از أبواب الصدقة، حدیث ۲).

از جمله روایات دیگری که می‌توان به آن استدلال کرد، صحیحۀ محمد بن مسلم است: «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن رجل كانت له جارية فأذته فيها امرأته، فقال: هي عليك صدقة، فقال: إن كان قال ذلك لله فليمضها، وإن لم يقل فليرجع فيها إن شاء».^۱ کیفیت استدلال در این صحیحۀ چنین است که در آن، تمام ملاک برای عدم جواز ردّ صدقه، دو چیز قرار داده شده است: انشای صدقه و قصد قربت. علاوه بر این، ظاهراً قبض و اقباض در مورد روایت، تحقق پیدا نکرده و در عین حال، حکم به عدم جواز رد، با فرض قصد قربت شده است. پس صحیحۀ، مورداً و قاعداً دلالت بر عدم شرطیت دارد.

آداب صدقه

﴿س ۱۸۳۷﴾ آداب دادن صدقه را بیان فرماید.

ج - ۱. صدقه، از پاک‌ترین، حلال‌ترین و محبوب‌ترین مال‌ها باشد؛ در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ».^۲ همچنین آمده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ».^۳

از امام صادق عليه السلام منقول است که حضرتش شکر را برای دادن صدقه، کنار می‌گذاشته‌اند، و وقتی از ایشان سؤال شد، که چرا شکر را صدقه می‌دهید؟ فرمودند: نزد من چیزی محبوب‌تر از شکر نیست، و من دوست دارم محبوب‌ترین چیز نزد خودم را صدقه دهم.^۴

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۰۹ (باب ۱۳ از أبواب احکام الوقوف و الصدقات، حدیث ۱).

۲. بقره، آیه، ۲۶۷.

۳. آل عمران، آیه ۹۲.

۴. عن أبي عبد الله عليه السلام إنه كان يتصدق بالسكر، فقيل له: أتتصدق بالسكر؟ قال: نعم، إنه ليس شيء أحب إلي منه، وأنا أحب أن أتصدق بأحب الأشياء إلي (وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۷۱، کتاب الزکاة، باب ۴۸ از أبواب الصدقة، حدیث ۲).

۲. مخفی باشد، به نحوی که اگر با دست راست صدقه می‌دهد، دست چپ آن را نفهمد،^۱ مگر آنکه متهم به ترک مواسات و کمک کردن به دیگران شود، یا بخواهد که دیگران به او اقتدا کنند و در صدقه دادن اسوه باشد؛ شایان یادآوری است که صدقه مستحب، بر عکس صدقه واجب (یعنی زکات) است که از آداب آن پرداخت به طور آشکار و علنی است، لذا شهید در «الدروس» فرموده است: «والصدقة سرّاً أفضل إلا أن يتهم بترك المواساة أو يقصد اقتداء غيره به، أمّا الواجبة فإظهارها أفضل»؛^۲
۳. صدقه دهنده دست خود را ببوسد، زیرا صدقه قبل از قرار گرفتن در دست گیرنده، در دست خداوند قرار می‌گیرد، لذا باید دست خود را احتراماً ببوسد؛^۳
۴. باید صدقه گیرنده هم دست خود را ببوسد، چون صدقه از دست خداوند در دستش قرار گرفته است؛
۵. صدقه گیرنده در حق صدقه دهنده دعا کند، چرا که دعایش در حق او مستجاب است، بلکه باید از او درخواست دعا شود به طوری که نه تنها باعث ذلیل شدن و خرد شدن شخصیتش نباشد، وسیله‌ای برای احترام زیادت‌تر به او هم باشد؛
۶. مکروه است که انسان آنچه را صدقه داده است، به وسیله خریدن، تجارت، و غیر آن به خود منتقل و آن را تملک کند، این کراهت به قدری شدید است، که بعضی از فقها - قدس الله اسرارهم - آن را حرام دانسته‌اند؛
۷. باید سائل به آنچه که به او داده‌اند، قناعت کند و آن را برنگرداند، کما اینکه ردّ سائل هم فی حدّ نفسه مذموم است، مگر ردّ سائلی که قانع نباشد، و صدقه را به خاطر قلت و کمی و بی‌میلی به آن برگرداند، که دیگر نباید به او صدقه داد؛

۱. قال أبو جعفر عليه السلام: سبعة يظلهم الله في ظلّه يوم لا ظلّ إلا ظلّه (إلى أن قال:): ورجل تصدّق بصدقة فأخفاها حتى لم تعلم يمينه ما تنفق شماله (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۸۹، كتاب الزكاة، باب ۱۳ از أبواب الصدقة، حديث (۱)).

۲. الدروس الشرعية، كتاب الزكاة، ص ۶۷.

۳. أحمد بن فهد في عدّة الداعي قال: كان زين العابدين عليه السلام يقبل يده عند الصدقة، فقبل له في ذلك، فقال: إنّها تقع في يد الله قبل ان تقع في يد السائل (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۳۳، كتاب الزكاة، باب ۲۹ از أبواب الصدقة، حديث (۲)).

۸. باید بیمار صدقه را با دست خودش بدهد، و از صدقه گیرنده هم محترمانه برای رفع کسالت و بیماری و خوب شدن خود، درخواست دعا کند؛
۹. فرزندان به دست خودشان صدقه بدهند، یعنی مثلاً پدر به آنها امر کند که صدقه بدهند، تا محفوظ بمانند.

مواردی که صدقه دادن خصوصیت دارد

﴿س ۱۸۳۸﴾ در چه مواردی صدقه دادن دارای خصوصیت است؟

- ج - ۱. اول روز و اول شب که بلاى آن روز و شب را دفع می‌کند؛
۲. هنگام رفتن به سفر که برای جلوگیری از خطرها، تصادفات و حوادث، مفید است، بلکه حتی نحوست ایام سفر را هم دفع می‌کند، لذا اگر انسان بخواهد در ایامی که سفر در آنها نحس حساب شده، مسافرت کند، باید صدقه بدهد و بعد هم مسافرت کند تا اگر نحوستی دارد، برطرف شود؛
۳. وقت توقع بلا یا ترس از رسیدن سوء که از آنها جلوگیری می‌کند؛
۴. در اوقات شریف مثل روز جمعه، روز عرفه، ماه رمضان، چرا که فضیلت زمان در استحباب و فضیلت صدقه مؤثر، و صدقه در امثال این گونه اوقات از صدقه در بقیة اوقات افضل است؛
۵. صدقه در زمان بیماری، چرا که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «داووا مرضاکم بالصدقة؛ بیمارانتان را با دادن صدقه، مداوا کنید»؛^۱
۶. صدقه دادن خود انسان در حال حیات و سلامتی نه وصیت و سفارش به آن بعد از مرگ، چنان که هنگامی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از افضل صدقه سؤال شد، فرمود: افضل صدقات، صدقه در حال سلامتی است و با فرض اینکه امید به زندگی خود دارد، و می‌ترسد که خود هم بعداً نیازمند شود،^۲ و معلوم است که وصیت به

۱. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۵، کتاب الزکاة، باب ۳ از أبواب الصدقة، حدیث ۱.

۲. سئل رسول الله صلی الله علیه و آله أي الصدقة أفضل؟ قال: أن تصدق و أنت صحیح سچیج تأمل البقاء، و تخاف الفقر و لا تمهل حتى إذا بلغت الحلقوم... الخ (وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۰۵، کتاب الزکاة، باب ۱۶ از أبواب الصدقة، حدیث ۱).

صدقه و بر نسبت به بعد از مرگ، گویای گذشت کامل آدمی از مال نیست، چون برای زمانی دستور صدقه می‌دهد که خود از آن اموال جدا شده، و معلوم هم نیست که به آن عمل شود، و ورثه از آن مال چشم پوشی کنند، اساساً چگونه کسی که خود حاضر به گذشت از مال نبوده است، از ورثه توقع گذشت دارد؟!؛
۷. مدیون که می‌تواند با دادن صدقه توفیق ادای دین پیدا کند، و خداوند مقدمات ادای دینش را فراهم کند؛

۸. موردی که انسان بترسد مالش به وسیله دزد و امثال آن از بین برود، چرا که اثر صدقه در چنین موردی، جلوگیری از تلف شدن و سرقت مال است؛

۹. صدقه بعد از پایان یافتن اعمال حج با خریدن مقداری خرما، حداقل به قیمت یک درهم، تا کفاره‌ای باشد برای محرماتی که ممکن است رخ داده باشد، و سبب کفاره جزئی شده باشد، در حالی که خود او متوجه آن نبوده است.

﴿س ۱۸۳۹﴾ افضل صدقات چیست؟

ج - ۱. توسعه بر عیال که از اعظم صدقات است؛ چرا که شهید در «الدروس» فرموده است: «والتوسعة على العیال من أعظم الصدقات».^۱

۲. صدقه دادن کسی که وضع مالی اش رو به راه است که: «أفضل الصدقة، عن ظهر غنی»؛^۲

۳. صدقه‌ای که همراه با ایثار نسبت به خود شخص باشد، نه عائله و زن و فرزند او؛ چرا که در باره زن و فرزند گفته شده که عدم ایثار و توسعه، «افضل الصدقه» است، و اساساً هر جا که امر به ایثار شده، ناظر به حال خود ایثارگر و شخص اوست، وگرنه ایدای دیگران (نظیر عائله و وابستگان) و در حرج و مشقت قرار دادن آنان، کاری مذموم، بلکه در بعضی موارد، حرام است؛

۴. ضیافت و میهمانی دادن؛

۱. الدروس الشرعية، ص ۶۷.

۲. عن عبدالأعلى عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ... الحديث (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۳۰، کتاب الزكاة، باب ۲۸ از أبواب الصدقة، حدیث ۴).

۵. صدقه به خویشاوندان؛ چرا که اصولاً با فرض وجود خویشاوند محتاج، صدقه دادن به دیگران مکروه است؛ بلکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «لا صدقة و ذورحم محتاج»؛^۱ با بودن خویشان نیازمند، صدقه به دیگران، صدقه محسوب نمی‌شود. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله هم نقل شده که فرمود: صدقه به نزدیکان هفتاد برابر است،^۲ در حالی که صدقه معمولی، ده برابر است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتِثَالِهَا»؛ ناگفته نماند که از آنجا که صدقه به ارحام از مصادیق صلۀ رَحِم است، باعث افزایش طول عمر می‌شود، کما اینکه صدقه نیز بهتر در محلّش واقع می‌شود، چون صدقه دهنده، شناخت بیشتری از گیرندگان صدقه دارد و آنان، احساس ناراحتی نمی‌کنند (چون کمک و معاونت را مربوط به ارحام و از خودشان می‌دانند). و اگر هم احساس ناراحتی کنند، به مراتب، کمتر از احساس ناشی از صدقه گرفتن از بیگانه است، و از همه گذشته، دعا و خوشی آنان، چون از نزدیکان و خویشاوندان‌اند، در زندگی انسان اثر بسزایی دارد.

در اینجا برای توجه زیادتر و آشنایی بیشتر با ارزش و معنویت صدقه به ارحام، به نقل روایتی بسنده می‌کنیم:

«عن الحسين بن زيد، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله (في حديث المناهي) قال: و من مشى إلى ذي قرابة بنفسه و ماله ليصل رحمه اعطاه الله عزّ و جلّ أجر مائة شهيد، و له بكلّ خطوة أربعون ألف حسنة، و محي عنه أربعون ألف سيئة، و رفع له من الدرجات مثل ذلك، و كان كأنما عبد الله عزّ و جلّ مائة سنة صابراً محتسباً».^۳

۱. محمّد بن علی بن الحسین قال: قال أبو جعفر عليه السلام... الحديث (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۱۲، کتاب الزکاة، باب ۲۰ از أبواب الصدقة، حدیث ۴).

۲. في هامش الدروس، ص ۶۷: قسّم رسول الله صلى الله عليه وآله الصدقة على خمسة اقسام الف - الصدقة فيه عشرة أجزاء و هي الصدقة العامة التي قال الله تعالى فيها من جاء بالحسنة فله عشر امثالها؛ ب - الصدقة فيه سبعين و هي الصدقة على الأقراب؛ ج - الصدقة فيه سبعة آلاف و هي الصدقة على العلماء؛ د - الصدقة فيه سبعين ألفاً و هي الصدقة على الموتى.

۳. وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۱۲، کتاب الزکاة، باب ۲۰ از أبواب الصدقة، حدیث ۵.

- صدقه دادن به ارحام، از آنچنان مطلوبیتی برخوردار است که حتی اگر رَجِم دشمن هم باشد، باز صدقه دادن به او مستحب، و از افضل صدقات است؛
۶. صدقه دادن به دانشمندان، علما و متعلمان؛
۷. صدقه دادن به ذریهٔ رسول خدا ﷺ؛
۸. آب دادن؛
۹. حج گزاردن از طرف میت؛
۱۰. صدقه دادن برای اموات که دستشان از دنیا کوتاه است و سخت به اعمال خیر زنده‌ها نیازمندند؛
۱۱. بذل جاه، آبرو و شخصیت (یعنی واسطه شدن به نفع مظلوم)؛
۱۲. هدیه بردن برای برادران دینی؛
۱۳. صدقه‌ای که قبل از درخواست به کسی داده شود؛
۱۴. صدقه‌ای که با سرعت و تعجیل داده شود؛
۱۵. صدقه‌ای که دهنده‌اش آن را کوچک بداند و پوشیده بدارد؛
۱۶. سخن لَین و نرمی که باعث هدایت انسان، رفع تخاصم و یا امور خیر دیگر شود. در خاتمه باید توجه داشت که شهید^(ع) در کتاب «الدروس» فرموده است: غذا دادن به حشرات زمینی و ماهی‌های دریا، ثوابی عظیم دارد؛ همچنین آورده است: شکر مُنعم با دادن صدقه، واجب، و کفر ورزیدن نسبت به او حرام است.

فواید دنیوی صدقه

﴿س ۱۸۴۰﴾ فواید دنیوی صدقه را اجمالاً بیان فرمایید.

ج - بلایا، گرفتاری‌ها، تصادفات، خطرات، مرگ‌های ناگوار... تاهفتاد نوع بلا را دور و از آن‌ها پیشگیری می‌کند، کما اینکه روزی را زیادت‌تر، بدهکاری‌ها را ادا، بیمار را معالجه می‌کند، فرزندان را از مرگ نجات می‌دهد و محفوظ می‌دارد، و مال را از نابودی و خطر سرقت و غیر آن حفظ می‌کند. همهٔ آنچه که گفته شد، مستفاد از سنت و روایات اهل بیت - صلوات الله علیهم الجمیعین - است، و تجربه نیز آنرا تأیید و تصدیق می‌کند.

صدقات حرام

﴿س ۱۸۴۱﴾ در چه مواردی صدقه، حرام است؟

- ج - ۱. صدقه با مال حرام و با مال مردم؛
۲. صدقه شخص بدهکار که باعث می‌شود نتواند بدهی خود را کلاً یا بعضاً ادا کند، چرا که در حقیقت صدقه چنین فردی، مانع از ادای حق الناس است؛
۳. صدقه‌ای که مانع از پرداختن نفقه به واجب‌النفقه، و سبب تضييع حق آنها شود؛
۴. صدقه‌ای که سبب شود که به بدنش خسارت و ضرر مهمی وارد شود، مثل اینکه سبب جراحت و زخمی غیر قابل تحمل شود، به طوری که جنایت بر بدن صدق کند؛
۵. صدقه دادن همه اموال با وجود داشتن فرزندان و عائله‌ای که بعد از آن محتاج به خلق و سربار جامعه شوند، یا خودش سربار جامعه و کل بر ناس شود؛
۶. صدقه دادن همه اموال با فرض اینکه بعد از آن، قدرت بر صبر و تحمل را ندارد، و به خداوند اعتراض و از او شکایت می‌کند، و خود را به هلاک یا اهلاک و فساد یا افساد می‌اندازد؛
۷. صدقه‌ای که همراه با منت و ذلیل کردن گیرنده صدقه، و از بین بردن شخصیت و تضييع آبروی او باشد و عظمتش را در جامعه از بین ببرد؛
۸. صدقه زن از اموال شوهر، بدون کسب اجازه و رضایت او.

معنای کراهت در صدقه و موارد مکروهه

﴿س ۱۸۴۲﴾ معنای کراهت در صدقه و موارد مکروهه را بیان فرمایید.

- ج - کراهت در صدقه (مانند کراهت در بقیة عبادات) اگر به امری تعلق گیرد که دارای بدل است، به معنای قلت ثواب است، یعنی ثواب فرد مکروه، کمتر از ثواب مقرر برای اصل طبیعت است، مثل نماز خواندن در رودخانه که بدلش نماز در جای دیگری است که مکروه نباشد، و اگر به امری تعلق گرفت که بدل ندارد (مثل روزه روز عاشورا)، معنایش رجحان ترک و افضلیت آن از فعل است، به خاطر

انطباق فعل بر عنوانی که مرجوح است، و انطباق ترک بر عنوان ارجح، که در نتیجه ترک از فعل افضل است.

صدقه‌های مکروه نیز عبارت‌اند از:

۱. صدقه دادن همهٔ اموال با فرض عدم قدرت بر صبر کردن، ولی به حدی که باعث شکایت از دین و خداوند متعال باشد نرسد؛
۲. صدقه دادن چیزی که پست و دارای دنائت باشد؛
۳. صدقهٔ همراه با منت غیر محرم. ناگفته نماند که کراهت صدقه در این موارد، از قسم اول کراهت در عبادت است.

مسائل متفرقهٔ صدقات

﴿س ۱۸۴۳﴾ آیا زن برای صدقه دادن، به اذن شوهر نیازمند است؟

ج - صدقه دادن برای زن و شوهر از مال خودشان از باب سلطه هر کس بر مال خودش جایز می‌باشد «الناس مسلطون علی اموالهم» و اما صدقه دادن از مال یکدیگر بدون اجازه و رضایت صاحب مال، حرام و غیر جایز است «لایحل مال امرء مسلم الا بطیب نفس منه».

۸۵/۱۰/۲۴

﴿س ۱۸۴۴﴾ آیا می‌توان به متکدیان دوره‌گرد صدقه داد؟

ج - هر نحو کمک و صدقه‌ای که باعث تنبلی و کُلّ بر جامعه می‌گردد، به هر نحو که باشد، نه تنها صدقه نیست، چون معروف نیست (کُلّ معروف صدقه)، بلکه غیر جایز و به خاطر سببیت برای حرام، حرام است.

۷۶/۸/۱۸

﴿س ۱۸۴۵﴾ آیا به متکدیان که به در خانه‌ها یا به مساجد می‌آیند و خود را از سادات معرفی می‌کنند، می‌توانیم کمک کنیم، در صورتی که یکی از معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند که صدقه بر آل محمد علیهم‌السلام حرام است؟

ج - آنچه بر سادات حرام است، زکات مال و زکات فطرهٔ غیر سید است؛ و اما مسئلهٔ گدایی، یک مسئلهٔ اجتماعی است که با شرایط خاص زمان و مکان باید ملاحظه شود و بر همه، مخصوصاً سادات است که مناعت و بزرگواری خود را حفظ نمایند.

﴿س ۱۸۴۶﴾ کمک به افرادی که در شهرها اقدام به تکدی می‌کنند، بهتر است یا صدقه دادن به کمیته امداد؟ و کسی که او را نمی‌شناسیم و می‌گوید سید هستیم، آیا مستحق کمک است یا نه؟

ج - کمک بسیار ناچیز تا سائل محروم نشود، مانعی ندارد و صدقه را اگر انسان خودش و با دست خود به اقوام و اقارب بپردازد، ثواب بسیار زیادتری دارد و محض ادعای سیادت، مجوز پرداخت خمس نیست. ۷۸/۷/۲۷

﴿س ۱۸۴۷﴾ آیا صدقه دادن به سادات جایز است یا خیر؟

ج - جایز است، فقط دادن زکات، چون صدقه واجب است، مطلقاً ممنوع است، و در کفارات و مظالم هم، ندادن آن‌ها به سادات، احتیاط مستحب است.

﴿س ۱۸۴۸﴾ آیا برداشتن صدقه بدون رضای صدقه دهنده، جایز است؟

ج - هر چند شرط نیست، اما باید با اجازه او باشد. چون ارتباط صدقه با او هنوز قطع نشده، و استصحاب بقای سلطنت جاری است، علاوه بر قضای عقلایی به بقای ارتباط.

﴿س ۱۸۴۹﴾ اگر صدقه را کنار بگذارد ولی هنوز تحویل گیرنده صدقه نداده باشد، آیا می‌تواند آن را برای خودش بردارد یا خیر؟

ج - جایز نیست، زیرا به محض کنار گذاشتن به قصد صدقه، صدقه و مال خداوند است، و رجوع در آن جایز نیست و با صدقه تحویل داده شده، فرقی ندارد.

﴿س ۱۸۵۰﴾ این جانب، مأمور جمع آوری چند صندوق از صندوق‌های صدقه کمیته امداد هستم، گاهی چند روز پس از جمع آوری، پول کمی نزد حقیر می‌ماند، آیا اجازه دارم به عنوان قرض از این پول‌ها برای بعضی احتیاجات ضروری خود بردارم و بعد همان مبلغ را به جای آن بگذارم، و به مسئولین مربوط تحویل دهم یا خیر؟

ج - تبدیل مال صدقه به مال خود، جایز نیست. ۷۲/۱۲/۷

﴿س ۱۸۵۱﴾ آیا متصدی تخلیه صندوق‌های صدقه می‌تواند پول‌های خردی را که گاهی درون صندوق‌های اندازند و در زمان طاغوت، رایج بوده‌اند و اکنون، فاقد ارزش هستند، بردارد و به همان مبلغ پول جمهوری اسلامی تحویل صندوق و یانیازمندان دهد؟

ج - باید خود پول به مستحقان داده شود و به آن‌ها تفهیم گردد که این پول‌ها ممکن

است به خاطر یک جهات خاصه مشروعه، ارزش بالاتری داشته باشد. بعد از تفهیم این معنا، طرف می‌تواند آن‌ها را به قیمت دلخواه بفروشد. ۷۶/۸/۱۸

﴿س ۱۸۵۲﴾ برداشتن پول خُردهایی که در صندوق صدقه منزل انسان است و تعویض آن‌ها با اسکناس، چه حکمی دارد؟ اساساً صندوق صدقه در حکم دریافت است یا خیر، تا انسان، مثلاً اگر روزی به پول احتیاج داشت، از آن بردارد و بعداً سرجایش بگذارد؟

ج - در صورتی که صندوق صدقه، متعلق به جای خاصی (مثلاً مؤسسه خیریه نباشد) برداشتن صدقه و پرداخت آن به فقیر و همچنین تعویض پول خرد آن با اسکناس، مانعی ندارد. ۷۷/۵/۱۲

﴿س ۱۸۵۳﴾ اگر ندانسته صدقه را به کسانی بدهیم که صدقه به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد، تکلیف چیست؟

ج - صدقه مستحبی مانعی ندارد. ۷۸/۹/۹

﴿س ۱۸۵۴﴾ آیا می‌توان صدقه را به غیر شیعه اثنی عشری یا به هاشمی و سید داد؟

ج - لازم نیست که گیرنده صدقه، شیعه و غیر سید باشد، بلکه صدقه مستحب را به هر مسلمان و کافر غیر حربی چه غنی باشد، چه فقیر، چه هاشمی باشد، چه غیر هاشمی می‌توان داد. آری، به کافر حربی که در حال محاربه است و نیز به نواصب نمی‌توان داد، چرا که صدقه دادن به آن‌ها حرام، و کمک به حرب و جنگ علیه اسلام و کمک به از بین بردن ارزش‌ها و سب معصومین علیهم‌السلام است.

عن ابی جعفر علیه‌السلام قال: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحِبُّ إِبْرَادَ الْكَيْدِ الْحَرِيِّ وَمَنْ سَقَى كَيْدًا حَرِيًّا مِنْ بَهِيمَةٍ وَغَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ»^۱. ناگفته نماند که موارد صدقه از نظر مصلحت و فضیلت با هم تفاوت دارد و صدقه دهنده خود جهات ترجیح و فضیلت را با رعایت زمان، مکان و خصوص مورد، رعایت می‌کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۹، کتاب الزکاة، باب ۱۹ از أبواب الصدقة، حدیث ۲.

﴿س ۱۸۵۵﴾ هل يجوز التصدق على الكافر؟

ج - ليس الاسلام شرطاً في جواز التصدق وإنما الشرط فيه مثل الخيريّه «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْفَ إِلَيْكُمْ» (بقره، آیه ۲۷۲) و المعروفيّة فإن كل معروف صدقة ولا يخفى لكل كبد حراء اجر.
۷۹/۶/۴

﴿س ۱۸۵۶﴾ ردّ مظالم یعنی چه و چه حکمی دارد؟ و مصرف آن چگونه است؟ آیا در

مصرف آن، اجازه مجتهد لازم است؟

ج - مظالم عباد، عبارت است از مقدار حقی که از دیگران به عهده انسان آمده و نه مقدار آنرا می داند و نه صاحبانش را می شناسد و حکمش، صدقه دادن حدّ اقل معلوم و متعین از آنها به فقر است، آن هم با اجازه مجتهد، چون صدقه برای صاحبانش می باشد، باید با اجازه از مجتهد باشد که ولی غایب است. ۷۸/۱/۳۰

﴿س ۱۸۵۷﴾ فرزندانم در اثر سانحه تصادف فوت کرد، بنده یک سوم از ۵۰۰ متر زمین خود را به نام او کردم و درآمد آن را خرج امور خیریه نمودم، اما اکنون می خواهم زمین را بفروشم و یک سوم قیمت آن را صرف ساختن تکیه سیدالشهداء (ع)، یا مسجد یا امور دیگری کنم، حکم آن را بیان فرمایید.

ج - چون آنچه که جناب عالی آن را مورد ثلث قرار داده اید، وقف نبوده، می توانید بفروشید و به مصرف امور خیر دیگری برسانید؛ لیکن با دیگران مشورت نمایید و در کارهای لازم تر و بهتر مصرف کنید. ۷۱/۱۱/۴

﴿س ۱۸۵۸﴾ شخصی مقداری پول برای امور خیریه قرار داده است. آیا می توان از

این پول، برای تشویق دانش آموزان شرکت کننده در کلاس قرآن، کتاب خرید و به آنها اهدا نمود؟

ج - مانعی ندارد. ۷۱/۸/۲

﴿س ۱۸۵۹﴾ آیا این مطلب صحیح است که انسان بعد از پرداخت خمس، زکات و مالیات

و بعد از برداشتن آن مقدار که یک زندگی متوسط و راحت را برای خود و خانواده اش تأمین کند، باید بقیه اموالش را صرف مستمندان کند؟

ج - افراط و تفریط در همه کارها، مذموم است. ۷۴/۱۱/۲۸

﴿س ۱۸۶۰﴾ اگر بعد از پرداخت وجوه شرعیه و مالیات، شخص همچنان ثروتمند باشد و در جامعه افراد فقیری باشند، در این صورت کمک به فقرا بر او واجب است؟

ج - کمک به مستمندان در هر حال، مطلوب و مورد توجه اسلام و معصومین علیهم السلام است.
 ۶۹/۱۱/۲۸

﴿س ۱۸۶۱﴾ در زمان شهید رجایی، طرح شصت ساله‌ها در روستاها اجرا شد، که بر اساس آن، ماهیانه مبلغی به عنوان حق بازنشستگی به آنان پرداخت می‌شود، و هم اکنون نیز ادامه دارد، و از سوی کمیته امداد امام خمینی پرداخت می‌شود، و بعضی از سادات به علت سیادت، و بعضی از غیر سادات نیز به علت آنکه خود را آن قدر فقیر نمی‌دانند که صدقه بگیرند، از این پول پرهیز می‌کنند، چون آن را صدقه می‌دانند، آیا این مستمری صدقه است و خوردن آن برای افراد مذکور حرام است یا خیر؟

ج - استفاده از این گونه مستمری‌ها برای سادات و غیر سادات مانعی ندارد، و مسئله مقدار فقر، تابع نظر مسئولین مربوط است.
 ۷۵/۱۰/۲۷

﴿س ۱۸۶۲﴾ مرکز هیأت امنایی در شهرستان سبزوار، متکفل نگهداری تعدادی از پسران بی سرپرست می‌باشد که برخی از آنان فاقد شناسنامه هستند و فقط توسط نیروی انتظامی دستگیر شده و با حکم قاضی و معرفی بهزیستی به این محل، منتقل شده اند و بعد از مراحل قانونی، برای آنان شناسنامه صادر گردیده است.

سوالی که مطرح است در ارتباط با یکی از این فرزندان است که با عنوان سید وارد این مرکز شده. حال که می‌خواهیم شناسنامه دریافت نماییم اداره ثبت احوال لفظ سید را مکتوب ننموده، لذا این مرکز با تردید نسبت به سید بودن یا نبودن این طفل مواجه است و فعلاً هیچ منبعی برای تحقیق وجود ندارد. لطف نموده و راهنمایی نمایید که:

اولاً: ایشان می‌تواند از اموالی که با عنوان صدقه به این مرکز داده می‌شود، استفاده نماید یا خیر؟

ثانیاً: چنان چه بخواهیم تفکیک نماییم، ایشان با مشکلات روحی و دوگانگی مواجه خواهد شد، آیا باز هم اصرار به تفکیک است؟

ثالثاً: اگر سیادت ایشان در آینده ثابت شود، آیا مسئولیتی برای هیأت امناء، نسبت به گذشته هست یا خیر؟

لازم به یادآوری است که شاید نیمی از کمک‌های مردمی با عنوان صدقه باشد و همچنین رعایت احتیاط بسیار سخت و چه بسا غیر ممکن است.

ج- با شک در سیادت آنان، احکام سید بار نمی‌شود، به علاوه که دادن صدقه مستحبی بلکه صدقات واجبه، مانند کفاره و مظالم عباد به سادات، جایز است و تنها دادن زکات به سادات بالخصوص ممنوع است، پس با احراز سیادت آنان در آینده هم هیچ مسئولیت شرعی متوجه هیأت امناء نمی‌باشد و بنا بر آن چه ذکر شده هیچ مشکلی برای هیأت امناء و سرپرست‌ها از جهات ذکر شده در سؤال، وجود نداشته و ندارد.

۸۲/۷/۱۱

﴿س ۱۸۶۳﴾ سازمان‌های متعددی شبیه به بنیاد کودک از طرف گروه‌های مختلف غیر ایرانی در آمریکا تأسیس شده و در اقصی نقاط دنیا فعالیت‌های مختلف می‌کنند و به موفقیت‌های بسیار زیادی نیز دست یافته‌اند. با توجه به موفقیت و با الهام‌گیری از نوع مدیریت سازمان‌های فوق‌الذکر، بنیاد کودک نیز بالقوه می‌تواند سازمان موفق باشد. طرح بنیاد کودک به عقیده ما نه تنها جنبه انسان دوستانه دارد و ان شاء الله قادر خواهد شد که صدها هزار کودک و نوجوانان نیازمند را زیر پوشش خود بگیرد، بلکه جنبه تبلیغی از طریق ایجاد آگاهی و علاقه‌مندی بیشتر هم‌وطنان مقیم خارج از کشور با اقدامات امدادی در ایران اسلامی نیز دارد. بنیاد کودک پس از هفت سال فعالیت، یکی از شناخته شده‌ترین خیریه‌ها در مجامع ایرانی در آمریکا بوده و تاکنون به علت جنبه عاطفی برنامه‌ها و همچنین سیاست مشخص بنیاد کودک که سعی در جذب قلوب آزاده دلان بوده است، هزاران خانواده ایرانی مقیم خارج کشور جهت اهدای کمک مالی به هم‌وطنان نیازمند خود در ایران اسلامی و یا کمک در فعالیت‌های تبلیغی، عضو شده‌اند. روش تبلیغی بنیاد کودک که تقلیدی از خیریه‌های موفق بوده است کلاً بر اساس سیاست استفاده از امکانات همگانی می‌باشد. اعضا و یا حامیان بنیاد کودک در شهرها و کشورهای مختلف مستقلاً بر اساس عرف رایج در جوامع علاقه‌مند، اقدام به برگزاری برنامه‌های تبلیغی

می‌کنند. تاکنون حتی بعضی از هنرمندان موسیقی دانان، نقاشان، وقهرمانان ورزشی قسمتی از عایدی برنامه‌ها و یاکارهای هنری خود را به بنیاد کودک اهدا کرده‌اند.

خواهشمند است نظر خود را اعلام بفرمایید که آیا قبول کمک از خانواده‌های غیر مسلمان ایرانی و غیر ایرانی در خارج از کشور برای کمک به کودکانی که زیر نظر مددکاران بنیاد کودک در جمهوری اسلامی تربیت می‌شوند و هم چنین قبول کمک‌های مالی جمع آوری شده از طریق علاقه‌مندان بنیاد کودک که بر اساس عرف رایج در مجامع مختلف اروپایی و آمریکا جمع آوری شده از لحاظ اسلامی صحیح است یا خیر؟

ج - به طور کلی اخذ هر گونه اعانه و کمک از افراد برای صرف در مستمندان و کودکان بی سرپرست، از هرکس جایز است، چه کمک‌کننده مسلمان باشد چه غیر مسلمان، مگر آن که کمک‌کننده بخواهد متنی بگذارد یا هدف و غرضی از کمک داشته باشد که آن بحث دیگری است. به هر حال آن چه بیان شد حکم کلی مسأله است و از موارد جزئیة اطلاع ندارم. ۸۱/۱۰/۲۲

﴿س ۱۸۶۴﴾ صندوق قرض الحسنه‌ای با اهداف مشخص شده مانند عمران روستا، وام بلاعوض به مستمندان، تهیه امکانات برای مسجد و ... که به اطلاع عموم نیز رسیده است تشکیل شده است. مستدعی است نظر مبارک را در خصوص مصرف صدقات به طور اعم توسط این صندوق در زمینه‌های اعلام شده بفرمایید. و آیا اصولاً واریز صدقات به این صندوق برای مصارف فوق جایز است یا نه؟

ج - با توجه و آگاهی صدقه دهندگان به صرف صدقات و وجوه برّیه در موارد مذکور مانعی ندارد، چون با رضایت آن‌ها می‌باشد و رضایت صدقه دهندگان در عمل خیر با آن صدقه مؤثر است. ۸۱/۳/۴

﴿س ۱۸۶۵﴾ آیا می‌توان صدقه را برای تأمین هزینه‌های کلاس آموزش قرآن و احکام واریز نمود؟

ج - چیزی که به عنوان صدقه داده می‌شود یا اخذ می‌گردد چون متعارف و بنای مردم ما در امروز بلکه در دیروز بر صرف برای افراد می‌باشد؛ لذا نمی‌توان در کارهای خیریه و برّیه دیگر مصرف نمود مگر در هنگام پرداخت، دهنده خود، آن را برای هر کار خیر پردازد. ۸۰/۳/۱۰

مسائل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر

﴿س ۱۸۶۶﴾ ملاک تشخیص «معروف» و «منکر» در رفتارهای اجتماعی، به استثنای اخلاقیات که نصّ صریح قرآن و سنت بر آن تأکید دارد، چیست؟ و اصولاً چه ضوابط و ملاک‌هایی برای تعریف معروف و منکر وجود دارد که در حیطه رفتارهای فردی و اجتماعی در شرایط گوناگون «مقتضیات زمان و مکان» قابل تبیین باشد؟

ج- معروف، عبارت است از هر کار و عملی که نزد مردم و عقلایی که انسان بین آن‌ها زندگی می‌کند، دارای حُسن و خیر و خوبی باشد و انجام دهنده‌اش مورد ستایش قرار بگیرد و منکر، مقابل آن است؛ یعنی هر کاری که نزد همان مردم، بد و ناروا باشد، به نحوی که مرتکبش قابل ذمّ و توبیخ باشد؛ و ناگفته نماند که این تعریف، نسبت به مورد سؤال است؛ یعنی جایی که شارع مقدّس اسلام، آنرا بخصوص، منکر و معروف ندانسته باشد؛ وگرنه واضح است که قضاوت توده بر قضاوت ذات باری تعالی نمی‌تواند مقدّم باشد که او هم عالم به جمیع جوانب امور است، و هم مصلحت‌اندیش و حکیم است. کما این‌که ناگفته نماند که همه آن معروف‌های عقلایی، مشمول ادلّه استحباب برّ و احسان و مسابقه در خیر و حسن ارتکاب معروف‌اند و نتیجتاً معروف عندالشارع هم هستند؛ بلکه اساساً معروف عقلایی همان معروف مورد آیات و روایات است، چون زبان شرع، همان زبان عرف است که: «و ما أرسلنا من رسول الاّ بلسان قومه». ۷۸/۶/۶

﴿س ۱۸۶۷﴾ در زمان حاضر، با توجه به شرایط زمانی و مکانی، وظیفه مقلدین نسبت به امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط، واجب است. ۷۴/۱۱/۸
 ﴿س ۱۸۶۸﴾ وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسائل خلاف شرع مثل فساد اخلاق و بدحجابی که در جامعه گسترش یافته است، با در نظر گرفتن این مطلب که شرایط امر به معروف حاصل نیست، چیست؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر، اگر شرایط آن وجود نداشته باشد، واجب نیست.
 ۷۵/۲/۱

﴿س ۱۸۶۹﴾ شخصی باعمویش شریک است و برای رسیدگی به حساب‌ها به خانه‌اش می‌رود، در حالی که زن عمویش نزد وی بدون حجاب، ظاهر می‌شود، تکلیفش چیست؟
 ج - امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط، واجب است. ۷۶/۳/۶
 ﴿س ۱۸۷۰﴾ آیا فقه شیعه، اجازه برخورد های فیزیکی با فردی که یکی از نمادهای رفتار دینی، مانند حجاب را که از مسلمات حکم قرآن است رعایت نکرده باشد، می‌دهد؟ و آیا در سنت معصومین علیهم‌السلام، سیره‌ای که دال بر برخورد با نوع رفتارهای دینی که مورد غفلت واقع شود، وجود دارد؟

ج - آنچه وظیفه مسلم مسلمانان در مقابله با ارتکاب این گونه معاصی و منکرها که یا جنبه حق الله دارد و یا منکرهای دیگر که جنبه حق الناس هم دارد، مثل تزیین اموال مردم و بیت‌المال و یا خیانت به حقوق جامعه و افراد و... می‌باشد، همان نهی از منکر است که وجوبش جای هیچ‌گونه بحث و شبهه‌ای نیست و اسلام، آن را واجب نموده تا محرمات الهیه در جامعه ترک شود و خیانت به افراد و حقوق آنها تحقق پیدا نکند؛ لیکن بحثی که بین فقها مطرح است، آن است که آیا رفتار و برخوردهای فیزیکی، یعنی ضرب بائید که موجب جرح نشود، جزو مراتب نهی از منکر است یا خیر، که در این مورد، شیخ الطائفة رحمته‌الله در نهایت و بعضی دیگر، جزو منکران آن هستند که به نظر این جانب، هم اقوی است و بعض دیگر از فقها و محققان قائل‌اند که جزو مراتب است؛ یعنی در مرتبه چهارم قرار

دارد؛ ولی به هر حال، به نظر قائلان به جواز هم همه آنها جواز را مشروط به عدم فساد و هرج و مرج و کریه شدن چهره اسلام و بدبین شدن به اسلام و مسلمین می‌دانند و ظاهراً در جامعه باز امروز و ارتباطات وسیع، ضرب و برخورد فیزیکی، اگر مطمئناً مستلزم همه آن تبعات و مفساد و یا بعضی از آنها نباشد، احتمالش وجود دارد و همان احتمال هم برای اهمیت محتمل سبب عدم جواز و حرمت نهی از منکر به مرتبه ایذا و ضرب و هتک افراد است؛ و ناگفته نماند که برخورد فیزیکی با منکر به وسیله حکومت و قانون (یعنی قانون مصوب نمایندگان مجلس شورای اسلامی که حدود و ثغور و مجریان آن را معین نماید) به فتوای همه فقها جایز است و قطعاً در تصویب قانون، نمایندگان محترم، رعایت همه جهات و جوانب را می‌نمایند. بنابراین، همه آنچه مرقوم شد، مربوط به غیر از برخورد قانونی و مصوب مجلس شورای اسلامی است. ۷۸/۶/۶

﴿س ۱۸۷۱﴾ پدر این جانب بسیار فحاش است و حرام و حلال را رعایت نمی‌کند و تا شانزده سالگی به من و خواهرانم اجازه روزه گرفتن نمی‌داد. آیا می‌توانیم او را امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

ج - احترام به پدر و مادر در همه حال، یک واجب اخلاقی است، گرچه از نظر امر به معروف و نهی از منکر، ظاهراً فرقی بین آنها و بقیه مسلمانان نیست. زیرا امر به معروف و نهی از منکر با تحقق شرایط، نسبت به هر کسی واجب است، و پدر و مادر بودن و حقوق آنها باعث سلب وجوب نمی‌شود. ۷۵/۱۲/۲۱

﴿س ۱۸۷۲﴾ آیا مأموران انتظامی شرعاً می‌توانند از دختر و پسری که همراه یکدیگر در ملاعام در حال تردد یا صحبت هستند، سؤال کنند که: «نسبت شما با هم چیست؟» و از آنها مدرک کتبی محرمیت مطالبه کنند؟

ج - امور عرضی و ناموسی، حسب مذاق شرع بر ستر و پوشیده نگه داشتن آنهاست تا جایی که نبی مکرم و امیرالمؤمنین - صلوات الله علیهما - امر به درء و دفع حدود نموده‌اند؛ یعنی حاکم، بلکه همه مردم، موظف‌اند تا با ایجاد شبهه، از تعقیب قضایای عرض و اتهام‌ها و احتمال‌های آن، خودداری نمایند. بنابراین، هیچ کسی

حق سؤال و تفتیش و تفحص و تجسس از افراد، مانند پسر و دختر و یا مرد و زنی که در ملاء عام راه می‌روند، نداشته و ندارد و الزام آن‌ها به نشان دادن مدرک محرمیت که دخالت در سلطه دیگران است، حرام و غیر جایز است. آری، اگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی قانونی را در موارد خاص حسب شرایط خاص زمان و مکان برای جلوگیری از یک فساد عمومی تصویب نمودند و شورای نگهبان هم آن‌را خلاف موازین تشخیص نداد، آن قانون، مانند بقیه قوانین مجلس شورای اسلامی لازم‌العمل است.

﴿س ۱۸۷۳﴾ تکلیف شوهری که زنش نماز نمی‌خواند و به تکالیف شرعی اهمّیت

نمی‌دهد، چیست؟

ج - وظیفه شوهر نسبت به زن در ترک واجبات، مانند نماز و ... که مورد سؤال است، مانند دیگران، همان امر به معروف با رعایت شرایط است، و ناگفته نماند که کانون خانوادگی در اسلام، از اهمّیت بالایی برخوردار است و به نظر می‌رسد که به نصیحت و ارشاد و هرچه که طرف را در ترک واجب، لاجوج ننماید و باعث اختلاف نشود، باید اکتفا نمود.

﴿س ۱۸۷۴﴾ بیدار کردن فرزندان برای نماز صبح از جهت شرعی چه صورت دارد، در

حالی که به میل خودشان هیچ‌گاه خواب شیرین را فدای نماز صبح نمی‌کنند؟

ج - اگر منجر به استخفاف امر به نماز نشود و ناراضی باشند، نمی‌توان آن‌ها را بیدار کرد.

﴿س ۱۸۷۵﴾ مسئولیت یک طلبه در مورد روند رو به گسترش بی‌حجابی چیست؟

ج - ارشاد و نصیحت در مجالس و عظ و خطابه و یا در اجتماعات کوچک‌تر و یا در بین اقوام و اقارب.

﴿س ۱۸۷۶﴾ خواهری دارم که با فردی ازدواج کرده که اولاً واجبات خود را انجام

نمی‌دهد؛ و ثانیاً هر آنچه که در می‌آورد، به پای قمار می‌گذارد و مرتکب این عمل زشت می‌شود، ثالثاً خواهرم را مورد ضرب و شتم فیزیکی قرار می‌دهد که با چندین بار بخشش کار به شکایت و دادگاه کشیده شده و با قید تعهد، آزاد شده است.

همچنین به اختلال روانی نیز مبتلاست. با این توصیفات، آیا خواهرم می‌تواند از او طلاق بگیرد؟

ج - وظیفه زن نسبت به شوهر در ترک واجبات و فعل محرّمات، مانند نماز و قمار که در سؤال آمده، مانند دیگران، همان امر به معروف با رعایت شرایط است؛ و ناگفته نماند، که کانون خانوادگی در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است و به نظر می‌رسد که به نصیحت و ارشاد و هر چه طرف را در ترک واجب یا انجام دادن محرّمات، لجوج ننماید و باعث اختلال نشود، باید اکتفا نمود. آری، اگر زندگی با چنین مردی برای زن از جهات زندگی دارای مشقّت فراوان و حرج شدید باشد، می‌تواند از دادگاه، تقاضای طلاق نماید و حاکم در صورت احراز عُسر و حرج بودن زندگی برای زن، می‌تواند حکم به طلاق بدهد و یا شوهر را از باب ولایت بر ممتنع، وادار به طلاق نماید. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۸۷۷﴾ ارشاد و راهنمایی شوهر از طرف همسر و فرزندان خانواده مبنی بر این که باید سال خمسی داشته باشد و خمس و زکات بدهد، به جایی نرسیده است. تکلیف چیست؟

ج - بجز ارشاد و راهنمایی و بیان مسائل و احکام، چیزی به عهده آنها نیست؛ و ناگفته نماند که نصیحت و ارشاد هم منوط به احتمال تأثیر است و با یقین به عدم تأثیر، لازم نیست، بلکه کاری بی‌فایده است. ۷۹/۲/۲۶

﴿س ۱۸۷۸﴾ برادری دارم که در شرف ازدواج است و با دختری می‌خواهد ازدواج کند که اگرچه خود دختر، خوب است، اما در خانواده‌شان افراد معتاد وجود دارد. خانواده ما هم به شدت با این وصلت مخالف هستند، ولی برادرم علاقه شدیدی به ازدواج با این دختر دارد. اگر ما با این ازدواج مخالفت کنیم و به دلیل ترس از معتاد شدن او به نحوی مانع این وصلت شویم، آیا مرتکب گناه شده‌ایم یا خیر؟

ج - چون برادران در سنّ تکلیف است، شما بیش از امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای ندارید و جلوگیری از ازدواج به خاطر ترس از اعتیاد به صورت دفع از منکر با وجود شرایط، موجب گناه نیست. ۷۹/۱۱/۴

﴿س ۱۸۷۹﴾ در کشورهایی که بعضی اشخاص دولتی و غیر دولتی به مقامات اسلام اهانت می‌کنند، وظیفه یک مسلمان چیست؟

ج - نصیحت و ارشاد و جلوگیری کردن و نهی نمودن طرف در این گونه اعمال تا جایی که موجب مفسده و هرج و مرج و کشتن طرف نشود و ضرری برای شخص مسلمان نداشته باشد، وظیفه است؛ ولی اگر باعث هرج و مرج و یا مفسده باشد و یا خدای ناخواسته، منجر به قتل طرف گردد، حرام و غیر جایز است و نهی کننده، مسئول است. کما این که با احتمال ضرر برای مسلمان جلوگیری کننده نیز، نهی واجب نیست.

۷۷/۱/۱۷

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

﴿س ۱۸۸۰﴾ امر به معروف و نهی از منکر به چه صورت باید انجام شود؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی واجب است که شرایط آن فراهم باشد و شرایط امر به معروف و نهی از منکر از این قرارند:

۱. بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد، واجب است که به جا بیاورد و آنچه به جا می‌آورد، باید ترک کند، یعنی معروف و منکر را بشناسد؛
۲. احتمال تأثیر بدهد؛

۳. بداند شخص معصیت کار بنا دارد معصیت خود را تکرار نماید؛

۴. امر به معروف و نهی از منکر، مفسده‌ای نداشته باشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد، واجب نیست و به هر حال، نهی از منکر و امر به معروف، به زیادت از مثل قطع رابطه و نصیحت برای غیر حکومت و بدون قانون مصوب در شرایط فعلی، مسلماً جایز نیست.

۷۹/۴/۱۱

﴿س ۱۸۸۱﴾ اگر محرز شود که رابطه پسر و دختری رابطه‌ای است که حرمتش بیان

شده؛ وظیفه سایر مردم در نهی از منکر چیست و چگونه است؟

ج - اولین شرط وجوب نهی از منکر، احتمال تأثیر است؛ وگرنه با یقین به عدم

تأثیر وجوب نهی بما هو نهی تحقق پیدا نمی کند؛ و اما اگر احتمال تأثیر داده شد، تابع تأثیر است؛ یعنی اگر موعظه و ارشاد، انفع است، آن معین است، و اگر نهی و بازداشتن با زبان و یک نحو دستور دهی بدون مفسده انفع است، همان. اما مسئله ضرب و زدن و جرح و حبس و مراتب بالاتر نیاز به قانون (مصوب نمایندگان مردم) دارد، چون بدون قانون و ضابطه نهی از منکر به مثل ضرب و بالاتر از آن، مفسده دارد. ۷۷/۳/۱۲

﴿س ۱۸۸۲﴾ امر به معروف و نهی از منکر، اگر با لباس شخصی تأثیر نداشته باشد و در غیر آن مؤثر باشد، چگونه است؛ مانند ملبس بودن به لباس روحانی و در مواردی به لباس نظامی. و اگر احتمال زد و خورد برود و ایجاد مفسده و هتک حرمت نماید، چطور؟

ج - امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که احتمال تأثیر داده شود، واجب است؛ و امر به معروف و نهی از منکر متوجه اشخاص و لباس خاصی نیست و در صورت احتمال زد و خورد، به مراجع ذیصلاح و مسئولان قانونی مراجعه نمایید. ۷۳/۱/۳۱

﴿س ۱۸۸۳﴾ شخصی قبلاً مرتکب خلافی شده و سپس توبه کرده است، ولی فرد دیگری از عمل خلاف او اطلاع دارد و همین شخص که مطلع است در حال حاضر مرتکب عمل خلاف شرع می شود. آیا شخص اول می تواند این فرد را نهی از منکر کند، در صورتی که بترسد آبروی او را ببرد؟

ج - با احتمال ضرر به عرض و آبرو، نهی از منکر واجب نیست. ۷۵/۸/۱۰

﴿س ۱۸۸۴﴾ در محل کار این جانب، تعدادی از افراد بد زبان هستند که حرف های زشت و ناروا رد و بدل می کنند و امر به معروف و نهی از منکر نیز مؤثر نیست. تکلیف چیست؟ نمی دانم آیا بنده نیز مرتکب گناه شده ام؟

ج - برای شما مانعی ندارد، و شما شریک جرم محسوب نمی شوید و گناه هر کسی به گردن خودش می باشد، «کُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»؛ و اما امر به معروف و نهی از منکر با فرض عدم تأثیر، از شما ساقط است. ۶۹/۱۰/۲۵

﴿س ۱۸۸۵﴾ پخش ترانه و آهنگ‌های رایج که غنا و مطرب به نظر می‌رسد، امروزه در اماکن عمومی از قبیل نمایشگاه‌ها، ترمینال‌ها، پارک‌ها و... به صورت امری عادی است. در این صورت، آیا امر به معروف و نهی از منکر، واجب است؟

ج - اگر شخص مطمئن است که آن‌ها با توجه به حرام بودن آن، چنین اعمالی را مرتکب می‌شوند، نهی از آن با شرایطش واجب است؛ و ناگفته نماند که مسائل عمومی در رابطه با حکومت است و نهی آن به مجریان امور مربوط است. آری، نصیحت و تهدید نه ضرب و جرح، برای بقیه هم با وجود شرایط نهی از منکر، واجب است. ۶۹/۵/۲۵

﴿س ۱۸۸۶﴾ افرادی که اجازه امور حسبه دارند (که آن هم منوط به نظر فقیه است)، آیا در امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نماینده فقیه، مجاز هستند؟

ج - هر چند اجازه امور حسبه شامل آن هم می‌شود؛ اما چون امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی ضوابط خاصی دارد و افرادی معین شده‌اند، نباید انسان برای خودش زحمت و دردسر درست کند؛ چون واجب کفایی است و عده‌ای از طرف حکومت، خود را موظف دانسته‌اند. بنابراین، بر دیگران، به علاوه که وجوبش مشکوک است، چون ضرر و زیان دارد، نباید وارد شوند.

۷۶/۲/۲۸

﴿س ۱۸۸۷﴾ این‌جانب برای سفرهای بیرون شهری همیشه از اتوبوس استفاده می‌کنم، رانندگان معمولاً از نوارهای مبتدل و خلاف شرع استفاده می‌کنند و به اعتراض ما نیز توجهی نمی‌کنند. تکلیف بنده چیست؟

ج - نهی از منکر با احتمال تأثیر در افراد لازم است، و در فرض سؤال، چون احتمال تأثیر در کار نیست، واجب نمی‌باشد؛ و گوش دادن به آنچه استماعش حرام است، اگر مشکل آفرین باشد، با توجه به آنچه مطرح فرموده‌اید، نمی‌توان گفت برای شما حرام است. ۷۱/۳/۷

﴿س ۱۸۸۸﴾ شرکت و حضور داشتن در مجلسی که در آن فعل حرام انجام می‌گیرد، اگر فقط ناظر باشیم و کار گناه انجام ندهیم، یا نگاه نکنیم و خودمان را مشغول کاری مثل کتاب خواندن یا صحبت با دیگران کنیم، چه حکمی دارد؟

ج - در صورت امکان، با وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر، باید آن‌ها را نهی از منکر نماید، و در صورت عدم تأثیر، مجلس را ترک نماید تا این که در مجلس گناه و معصیت، حضور نداشته باشد و ترویج از گناه انجام نگیرد. ۷۹/۵/۲۲

﴿س ۱۸۸۹﴾ در خیابان بعضی از خانم‌ها موهای سر خود را بیرون می‌گذارند، چه کار باید کرد؟

ج - با توجه به عدم تأثیر، حتی وظیفه، نصیحت هم نیست، چه رسد به بقیه مراتب نهی از منکر. آری، بر افراد ذی نفوذ است که اگر احتمال تأثیر می‌دهند، جلوگیری نمایند، نه بر امثال شما و ما که هیچ‌گونه قدرت اجرایی نداریم.

۷۷/۳/۲۶

﴿س ۱۸۹۰﴾ خواهشمند است نظر خود را در مورد نحوه و مدل موی سر، لباس و کفش‌های وارداتی و داخلی بیان فرمایید. اگر کسی تشخیص دهد که مدل موی سرش ترویج فرهنگ غرب نیست، ولی عرف آن را ترویج فرهنگ غرب بداند، چه حکمی دارد؟

ج - اصل و قاعده بر حلیت و جواز است، کما این که اصل، حرمت تعرض به حقوق و حدود دیگران است و تشخیص خود افراد، مانع از نهی از منکر است، چون شاید معذور باشند. ۷۸/۵/۹

﴿س ۱۸۹۱﴾ در جشن‌های عروسی، از وسایلی چون تَنبک استفاده می‌شود و علاوه بر آن، به وسیله دستگاہ‌های اکو صدای آن‌ها در محیط روستا پخش می‌شود. وظیفه ما در زمینه امر به معروف و نهی از منکر در این مورد چگونه است؟

ج - اگر احتمال تأثیر نمی‌دهید و یا احتمال ضرر می‌دهید، امر به معروف و نهی از منکر، واجب نیست. ۷۶/۷/۱۹

﴿س ۱۸۹۲﴾ با توجه به این که در وظیفه قانونی معلم یک مدرسه ذکر نشده که ناظر بر کار مدیرش باشد و به او بگوید فلان کار شما غلط یا درست است یا خلاف قانون عمل می‌کنید، آیا معلمی که می‌بیند مدیرش خلاف قانون عمل می‌کند، باید به مافوق مدیرش اطلاع بدهد؟ با توجه به این که خود مدیر از طرف مافوق منصوب شده است و مورد یقین است که ترتیب اثری به شکایت آن معلم نمی‌دهند؛ آیا باز معلم مذکور وظیفه دارد که به نهی از منکر خود، ادامه دهد؟

ج - وظیفه ندارد، چون گفتنش قطع نظر از جهات دیگر، به خاطر بی‌اثر بودن نهی از منکر، جلوگیری از خلاف نیست.

۷۶/۸/۱۸

﴿س ۱۸۹۳﴾ نسل جوان بهایان، دارای اعتقاد راسخی نسبت به آیین خود نیستند و امید می‌رود که مراوده و ارتباط با آنان، تأثیرات مثبتی روی آنان داشته باشد، حکم این قبیل افراد و مراوده با آنان چیست؟

ج - معاشرت با آنها در صورتی که ترویج عقیده باطل آنها باشد، یا در مؤمنان ضعیف‌الایمان اثر سوء بگذارد، جایز نیست؛ ولی اگر معاشرت و مراوده با آنها موجب شود که آنها به اسلام برگردند و احتمال تأثیر هست، در این حد، به خاطر امر به معروف و نهی از منکر، مانعی ندارد.

۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۸۹۴﴾ وظیفه ما در قبال افرادی که با بهایان رفت و آمد دارند و رعایت حدود و جوانب شرعی را در این زمینه نمی‌نمایند، چیست؟

ج - اگر رفت و آمد آنها با بهایان، به خاطر درک و فهم عقاید آنها و یا تغییر آنها باشد، نه بهانه‌جویی و یا جهات دیگر غیراسلامی و معنوی، رفت و آمد و معاشرت با آنها مانعی ندارد؛ ولی اگر به خاطر عیاشی و تأیید این فرقه باشد، رفت و آمد به منزل چنین افرادی، اگر باعث ترغیب آنها و دیگران به چنین اعمالی باشد، حرام است، کما این که اگر در ترک مراوده، احتمال تأثیر در تغییر رفتار آنها باشد، ترک آن از باب نهی از منکر، واجب است؛ ولی اگر برای نصیحت و ارشاد نمودن باشد، آن هم در صورتی که احتمال تأثیر باشد، مانعی ندارد. در خاتمه، آنچه در مورد رفت و آمد و معاشرت با آنها بیان شد، از جهت حکم کلی و شرعی مسئله است؛

وگرنه در شرایط فعلی و خصوصیات سیاسی آنان، باید با دید این که ممکن است بخواهند مسلمانان را فریب دهند، نگاه کرد و نسبت به مواردی که شرعاً هم جایز باشد، ممکن است با این دید، حرام باشد، چون احتمال تضعیف اسلام منجر است و سبب حرمت است. به علاوه، باید به حداقل ضرورت اکتفا نمود که مبدا منفور بودن آنها بین مسلمانان از بین برود که سببیت برای آن، خود فی حدّ نفسه، از باب ترویج باطل، حرام است.

﴿س ۱۸۹۵﴾ آیا با کسانی که موازین اسلامی را رعایت نمی‌کنند، می‌توان معاشرت کرد یا خیر؟

ج - معاشرت مانعی ندارد، بلکه برای ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر، معاشرت با آنها لازم است.

﴿س ۱۸۹۶﴾ اگر کسی نسبت به حجاب و نامحرم بی تفاوت باشد و برادرش و دیگران او را از این کار نهی کنند و او توجهی نکند و تأثیر نداشته باشد، تکلیف چیست؟

ج - اگر احتمال تأثیر در امر به معروف و نهی از منکر، ولو با قطع رابطه موقت نمی‌دهید، از شما ساقط است و گناه هر کسی به گردن خودش است.

﴿س ۱۸۹۷﴾ سکوت و بی‌اعتنایی روحانیان و ائمه جماعات در مورد مواد مخدر چگونه است؟

ج - تشخیص وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که دارای شرایطی است، با خود افراد است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

﴿س ۱۸۹۸﴾ رفت و آمد به منازل اشخاصی که نماز نمی‌خوانند و خمس و زکات نمی‌پردازند، چه حکمی دارد؟

ج - رفت و آمد به منزل چنین افرادی، اگر باعث ترغیب آنها و یا دیگران به چنین اعمالی باشد، حرام است، کما اینکه اگر در ترک مرادده احتمال تأثیر در تغییر

رفتار آن‌ها باشد، ترک آن از باب نهی از منکر، واجب است؛ و نسبت به پرداختن خمس و زکات، اگر مالی را که در آن تصرف می‌کنید، مطمئن باشید که متعلق خمس یا زکات بوده و نپرداخته، تصرف شما در آن مال نیز حرام است.

۷۴/۲/۹

﴿س ۱۸۹۹﴾ آیا قطع رابطه با خویشاوندی که نسبت به امور شرعی بی تفاوت است (خمس و زکات نمی‌پردازد) یا امور خلاف انجام می‌دهد و امر به معروف و نهی از منکر در او تأثیری ندارد، جایز است یا خیر؟

ج - به مقداری که قطع رَحِم نشده باشد، رابطه لازم است؛ چون قطع رحم حرام است.

۸۶/۷/۱۷

﴿س ۱۹۰۰﴾ در منطقه‌ما مقوله‌های خمس و زکات جان‌نیفتاده و در موقع پرداخت زکات و خمس، با ریشخند اقارب خود، رو به رو هستیم و گاه به درگیری کشیده می‌شود. تکلیف چیست؟

ج - تنها وظیفه، نصیحت و ارشاد خیرخواهانه است، آن هم اگر احتمال تأثیر را بدهید و قطعاً اختلاف و درگیری، خلاف وظیفه است و حرام.

۷۸/۴/۱۳

﴿س ۱۹۰۱﴾ اگر پدر انسان اعتیاد به مواد مخدر داشته باشد و هر چه فرزندانش از باب امر به معروف و نهی از منکر با زبان لین وی را نصیحت کرده‌اند، مؤثر واقع نشده، آیا از باب دلسوزی می‌توان او را به مراکز قانونی جهت باز پروری و ترک اعتیاد معرفی کرد؟

ج - اگر احتمال تأثیر و فایده هست، مانعی ندارد، چون احسان و دلسوزی نسبت به پدر است نه ظلم و اسائه تا حرام باشد.

۷۶/۸/۱۶

﴿س ۱۹۰۲﴾ اگر انسان بدانند یکی از اقوام او به خرید و فروش و پخش مواد مخدر اقدام می‌کند که باعث فساد جامعه و معتاد شدن جوانان می‌شود، آیا از نظر شرعی جایز است او را به نیروی انتظامی یا ستاد مبارزه با مواد مخدر معرفی کند؟

ج - هر عملی که منشأ فساد و سرایت به افراد جامعه می‌گردد، اگر از کسی سر بزند، گزارش دادن به مراجع ذیصلاح، از باب جلوگیری از منکر و فساد در جامعه، جایز است.

۷۹/۸/۲۷

﴿س ۱۹۰۳﴾ از آن جاکه در دین اسلام، زنا، مشروبخواری، قمار و... حرام است، آیا شرعاً می‌توان در صورت مشاهده به مراجع ذیصلاح گزارش نمود؟

ج - گزارش دادن لازم نیست، اگر نگوییم مذموم است، چون در حدود، بنا بر تخفیف و درء به شبهه است، مگر از باب نهی از منکر که منوط به شرایطش می‌باشد و یا آنکه منشأ فساد و سرایت به دیگران گردد که در این صورت، گزارش لازم است.

۷۸/۷/۲۹

﴿س ۱۹۰۴﴾ شخصی روزه نمی‌گیرد، شراب هم می‌خورد و به مسجد نمی‌آید. آیا نشست و برخاست و مراوده و دست دادن و روبوسی با چنین شخصی جایز است یا خیر؟

ج - مراوده با اهل معصیت و گناه، فی حدّ نفسه حرام نیست. آری، اگر با ترک مراوده، طرف ترک گناه می‌نماید، ترک از باب نهی از منکر، واجب است، کما این که اگر مراوده سبب ترویج گنهکاران و تشویق آنان باشد و یا خود انسان، آلوده به معصیت و گناه گردد، حرام و غیر جایز است.

۷۷/۸/۲۱

﴿س ۱۹۰۵﴾ آداب معاشرت با خواهر و برادری که در منزل از نوارهای ویدئویی ماهواره‌ها و نوارهای مبتذل استفاده می‌کنند، چه حکمی دارد؟

ج - رابطه با افرادی که ممکن است مرتکب گناهان صوتی، سمعی و بصری شوند، با فرض این که انسان از خود مواظبت نماید که گرفتار گناه آنان نشود، مانعی ندارد، بلکه معاشرت و نیکی با افراد، مخصوصاً با خویشان و اقارب که صلّه رَحِم هم هست، مطلوب و حسن است.

۷۹/۹/۱۵

﴿س ۱۹۰۶﴾ بعضاً اشکالاتی در دستگاه‌های اجرایی کشور دیده می‌شود که با تذکر و مکاتبه و ارجاع به مسئولان مربوط، حل نمی‌شود؛ اما به نظر می‌رسد انعکاس آن‌ها در رسانه‌ها و مطبوعات، باعث ایجاد حسّاسیت بیشتر و رفع اشکال می‌شود. آیا مجوّز شرعی برای چنین روشی وجود دارد؟

ج - نه تنها مجوّز دارد و شرعاً جایز است؛ بلکه به عنوان نهی از منکر، واجب است.

۷۸/۶/۶

﴿س ۱۹۰۷﴾ وظیفه تک تک افراد جامعه در قبال امر به معروف و نهی از منکر در حال حاضر که ارگان‌هایی، از جمله نیروهای انتظامی، مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را به عهده دارند، چیست؟

ج - نصیحت و ارشاد نمودن آن هم در صورتی که احتمال تأثیر می‌دهید. ۷۰/۹/۲۴

﴿س ۱۹۰۸﴾ والدین تا چه حدی وظیفه دارند که فرزندان را برای ادای فرایض خصوصاً نماز، تحت فشار قرار دهند؟

ج - اگر مکلف باشند، باید امر به معروف نمود و آن هم تابع مراتب و تأثیر است، و لذا اگر به غیر فشار و به وسیله تشویق، مثلاً بتوان آنان را به فرایض وادار نمود، فشار نه تنها واجب نیست، بلکه ممکن است حرام هم باشد؛ و نسبت به غیر مکلف، بحث اخلاق و تربیت فرزند مطرح است، نه وجوب امر به معروف و نهی از منکر. ۷۵/۳/۲۷

﴿س ۱۹۰۹﴾ اگر زن‌ها و دختران مسلمان، کشف حجاب نمایند و بدون پوشش اسلامی در کوچه و بازار مسلمانان حضور پیدا کنند، آیا بر مسلمانان دیگر، اعم از مرد و زن، لازم است که آن‌ها را وادار به حفظ حجاب کنند و یا احیاناً آن زن‌ها و دختران غیر محجبه را مورد ضرب و شتم قرار دهند تا اجباراً حجاب بپوشند؟

ج - اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید نهی از منکر نمود، و اگر شرایط وجود نداشته باشد، لازم نیست؛ یعنی اگر می‌داند تأثیر ندارد یا این که ضرر جانی یا عرضی برای او دارد ولو احتمالاً، نهی از منکر واجب نیست؛ اما اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف بر جرح و ضرب باشد، جایز نیست، مگر به حکم قانون مصوب نمایندگان مردم. ۷۹/۷/۲

﴿س ۱۹۱۰﴾ آیا انسان دین‌مدار، با نیت کاملاً خیرخواهانه، می‌تواند برای هدایت انسان‌های دیگر به هر اقدامی و از جمله خشونت فیزیکی و روحی و روانی متوسل شود؟

ج - نمی‌تواند و قرآن، راه هدایت انسان‌ها را در یک جا حکمت و اندیشه و موعظه حسنه و پند و اندرز دانسته «أدع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة» و در جای دیگر، که باید گفت منشور انسان سازی و هدایت انبیا و سنت الهی را

بیان داشته، عقل و میزان و هدایت‌ها و قوانین الهی و کتاب را، راه رسیدن انسان‌ها به قیام به قسط دانسته؛ یعنی راه هدایت، منحصر به رشد فکری دینی است که انبیا و هدایتگران با دو رکن اساسی میزان (عقل و اندیشه) و کتاب (یعنی هدایت‌ها و قوانین الهی)، موظف به هدایت‌اند.

﴿س ۱۹۱۱﴾ آیا برای جلوگیری از گناه یا انحراف فکری در مسائل سیاسی و اعتقادی، مخصوصاً در نسل جوان که امید مملکت اسلامیمان هستند و ممکن است دامنگیر گردد، برای نهی از منکر از چه طریقی از طرق موجود باید جلوگیری نمود؟ آیا با تبلیغات یا با قانون یا با شدت عمل؟

ج - آنچه در امر به معروف و نهی از منکر، اصل است و مهم، عمل جامعه به معروف و ترک منکر است؛ یعنی ما به عنوان ادای تکلیف و فریضه نهی از منکر، هر راهی را که برای انجام نگرفتن گناه از راه‌های دیگر اولی و بهتر است باید انتخاب نمایم و بین مراتب متعدد در این صورت، به نظر این جانب، تبعاً لصراحة الجواهر، بل ظاهر غیره ترتیبی نیست و ترتیب، تابع کیفیت تأثیر است و اولی به تأثیر، از اولویت و اول بودن برخوردار است و تشخیص این معنا با خود مکلف و ارباب جراید و مطبوعات است که با نوشتن مباحث به نحو جاذبه‌دار برای جوانان که آن‌ها را به حقایق عالی اسلامی جذب نمایند و با جویا شدن علت و ریشه خطر از خود آن‌ها و دیگران، در حد قدرت ریشه آنرا از بین ببریم آری، اگر اعمال برخی از افراد سرشناس، ریشه خطر باشد، باید به آن‌ها هم تذکر داد و اگر تذکر، بی‌فایده باشد، باید با معرفی آنان به جامعه، اگر خلاف قانون نباشد و توجه دادن مردم به این‌که گناه مربوط به فرد است نه به اسلام و نظام، ریشه خطر را از بین برد.

﴿س ۱۹۱۲﴾ آیا در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، در صورت امر به مستحب و نهی

از مکروه، می‌توان از حد تذکر زبانی فراتر رفت و شدت به خرج داد؟

ج - نمی‌توان و حرام است. زبان هم باید در حد نصیحت و خیرخواهی باشد و از آن، تجاوز ننمایند.

﴿س ۱۹۱۳﴾ در مورد به کار بردن حرف‌های نا به جا از جانب دبیران نسبت به دانش‌آموزان، چگونه باید برخورد نمود؟

ج - شئون شخصیت یک دبیر ایجاب می‌کند که از حرف‌های نامناسب و رکیک پرهیزد، و اگر دبیری خدای ناکرده عالماً و عامداً و یا غیر عالم از زدن چنین حرف‌هایی ابا ندارد، دفعه اول و دوم او را نصیحت نمایید و اگر تأثیر نکرد و مناسب و لازم دانستید، به مقامات مسئول گزارش دهید، چون اخلاق معلّم در شاگردان بی‌تأثیر نیست.
۷۲/۱۰/۱۴

مسائل متفرقه امر به معروف و نهی از منکر

﴿س ۱۹۱۴﴾ آیا شرعاً کسانی را که احتمال عقلایی وقوع جرم از طرف آن‌ها وجود دارد، می‌توان با یک اقدام تأمینی و برای پیشگیری دستگیر و زندانی کرد و یا سایر اقدامات تأمینی را در مورد آن‌ها معمول داشت؟

ج - اقدام تأمینی و پیشگیری با زندان کردن و یا اقامت اجباری و یا اخذ وثیقه مالی و امثال آن‌ها که موجب سلب سلطنت و آزادی افراد نسبت به جان و مال و مسکن و انفس آن‌هاست که خلاف قاعده معروف «التّاس مسلّطون» است، هر چند به عنوان نهی از منکر (که اعم از رفع و دفع است)، جایز و بلکه واجب است؛ لیکن نیازمند قانون است؛ چون این گونه نهی از منکر، مانند حکم به قصاص، از شئون حکومت و حقوق جامعه است که بدون نظر حکومت، موجب هرج و مرج و ناامنی و اختلال در نظم جامعه می‌گردد.
۷۶/۸/۷

﴿س ۱۹۱۵﴾ اصولاً در فقه اسلامی برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت مجرمان، خصوصاً بزه‌کاران نابالغ و مختل‌المشاعر، چه راه‌هایی پیش‌بینی شده و این راه‌ها داخل در کدام یک از عناوین فقهی قرار می‌گیرند؟

ج - پیش‌بینی راه‌ها به عهده اهل حلّ و عقد و صاحبان اندیشه در این امور است که تحت عنوان فقهی دفع منکر نسبت به مجرمان، دفع فساد نسبت به نابالغ و مختل‌المشاعر، مورد قانون قرار می‌گیرد.
۷۶/۸/۷

﴿س ۱۹۱۶﴾ بعضی اوقات برای کمک به مراجعه کننده، لازم است علی رغم میل او مشکلاتش را با والدین و یا همسرش و یا شخص دیگری و یا همکارانش مطرح کنیم. در این صورت، در زندگی این فرد دخالت شده و قصد ما کمک به اوست. آیا این دخالت و بررسی جایز است و گناه ندارد؟

ج - با احتمال تأثیر، مانعی ندارد؛ چون احسان و دلسوزی نسبت به این افراد است نه ظلم و اسائه تا حرام باشد «ما علی المحسنین من سییل».

۷۹/۴/۱۴

﴿س ۱۹۱۷﴾ اگر شخصی مخالف با ورزش بانوان باشد، آیا بر او واجب است که از باب نهی از منکر، جلوگیری نماید یا خیر؟

ج - نه تنها واجب نیست، بلکه با فرض حلال بودن آن، جوازش هم مشکل و ممنوع است، چون دخالت در سلطه و آزادی دیگران است و حرام؛ و خداوند دوست می دارد که به رخصش اخذ شود، همان طور که دوست می دارد به عزایمش اخذ شود.

۷۶/۱۲/۱۳

﴿س ۱۹۱۸﴾ آیا واجب شرعی است که فیلم های مبتذل از قبیل فیلم های رقص و پایکوبی و فیلم های شهوت انگیز و یا حاوی موسیقی حرام را از بین برد؟

ج - تابع شرایط نهی از منکر و دفع فساد است.

۷۸/۸/۱۶

﴿س ۱۹۱۹﴾ حکم شرکت در مراسم متصوّفه و دراویش چگونه است؟

ج - جوانان عزیز، باید هوشیار باشند که خطوط افراط و تفریط گذشته و حال و آینده، ولو در چهره اقلیت های مذهبی و دینی که دارای روش های خاصّ به خود هستند، مورد تأیید حوزه های علمیه و اسلام شناسانی همچون امام امت (سلام الله علیه) و شهید مطهری ها نبوده و نیست و باید از آنها فاصله فکری گرفت.

۷۹/۱/۱

﴿س ۱۹۲۰﴾ به نظر حضرت عالی شرکت در جلسات فرقه های متصوّفه به قصد تحقیق،

چه حکمی دارد؟

ج - اگر شرکت کردن در آن مراسم، تأثیر سوء در شرکت کننده نداشته باشد و موجب

۷۸/۱۱/۲۵

تقویت آنها نباشد، مانعی ندارد.

﴿س ۱۹۲۱﴾ آیا در اسلام آمده است که در مقابل ظلم و جور باید ساکت ماند و حرفی نزد؟ اگر آمده، علت آن چیست؟

ج - در صورتی که سکوت، موجب تقویت ظلم یا تأیید آن نشود و حرف زدن، ضرر جانی یا مالی معتناهی داشته باشد و بداند حرف زدن تأثیر ندارد، سکوت لازم است.
۷۹/۲/۲۶

﴿س ۱۹۲۲﴾ برای احیای حق الناس و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی که شخصی بر گناهان سلب کننده عدالت اصرار ورزد، آیا بیان موضوع برای دیگران و افشای حقیقت چهره آن فرد، جایز است؟

ج - افشای گناه دیگران و بازگو نمودن آن برای مظلوم و یا برای دیگران به عنوان نهی از منکر و حفظ حقوق جامعه و مردم، مانعی ندارد؛ بلکه در بعضی از موارد، واجب و لازم است.
۷۹/۲/۲۴

﴿س ۱۹۲۳﴾ حکم ارتباط با غیر مسلمان (کافر مرتد، دارای مذهبی دیگر و ...) از قبیل مصافحه و روبوسی، رفتن به خانه او مثلاً برای میهمانی متعارف، عیادت، بازدید، صحبت کردنی که به نظر لازم می آید، میهمان کردن او، به تفریح رفتن با او، گفتن و خندیدن دوستانه، برقراری ارتباط برای تعلیم و تعلم و ... را بیان فرمایید. اگر او به منزل ما بیاید، چگونه باید با او رفتار نمود؟ در مورد مسلمانی که به برخی احکام (مثلاً حجاب) معتقد نیست و نیز از اهل سنت است چه طور؟

ج - ارتباط با انسانها چه مسلم و چه غیر مسلم، به انواع ذکر شده در سؤال، فی حدّ نفسه مانعی ندارد؛ اما اگر احتمال تأثیر عقاید باطل و غیر اسلامی آنها در کار باشد، به خاطر احتمال فساد عقیده، ترک ارتباط با آنها لازم و واجب است.

﴿س ۱۹۲۴﴾ اگر رئیس اداره ای پرسنل زیر مجموعه خود را وادار به ارتکاب عمل خلاف نماید، یا به سکوت در برابر آن عمل دعوت نماید با فرض این که مافوق است، پرسنل زیر مجموعه چه تکلیفی دارند؟

ج - هیچ آئین نامه یا دستوری نمی تواند مجوز امر خلاف شرع باشد که «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» و انسان، نباید برای اطاعت از افراد و مخلوق، عمل

گناه انجام دهد، مگر در مورد ضرورت و حَرَج و مشقَّت فوق‌العاده؛ یعنی اگر مخالفت کند، از خدمت منفصلش می‌کنند یا گرفتاری‌های دیگر همانند آن پیش می‌آید که به حکم ضرورت، مانعی ندارد؛ لیکن باید به حدّ اقل از معصیت اکتفا نمود، چون «الضرورات تتقدّر بقدرها».

﴿س ۱۹۲۵﴾ ادامه تحصیل در دانشگاه، با توجه به اینکه بعضی از مواد درسی نکاتی انحرافی یا خلاف شرع دارد، یا اینکه بعضی اساتید نکات انحرافی تعلیم می‌دهند، آیا جایز است یا خیر؟

ج - تحصیل و فراگیری علوم، مانعی ندارد؛ و در مقابل مسائل انحرافی، نهی از منکر با شرایط شرعی، چنان که در رساله عملیه آمده، لازم است.

﴿س ۱۹۲۶﴾ خانواده‌ها جهت مشاوره به این جانب مراجعه می‌کنند. در مواردی زن، مؤمن است و مرد، تارک الصلاة و یا کاهل نماز و معتاد، و یا بر عکس است و زن، ارتباط نامشروع دارد. چنانچه طی جلسات متعدّد، به این نتیجه رسیدیم که تفاهم ایجاد نمی‌شود و توصیه به طلاق و جدا شدن نمودیم، آیا گناهی مرتکب شده‌ایم؟

ج - اگر یقین حاصل شود که ادامه زندگی برای زن و شوهر ممکن نیست و اختلاف آن‌ها حل نمی‌شود یا این که ادامه زندگی برای هر یک از آن‌ها مضر و دارای مفسده است، از باب امر به معروف، توصیه به طلاق، مانعی ندارد.

﴿س ۱۹۲۷﴾ آیا تشویق و ترغیت بچه‌های کوچک و غیر مکلف به کارهای حرام و درخواست از آن‌ها، حلال و بدون اشکال است؟

ج - نه تنها ترغیب جایز نیست، بلکه اگر خودشان هم بخواهند فعل حرامی را انجام دهند، جلوگیری کردن به صورت صحیح، مطلوب و لازم است.

﴿س ۱۹۲۸﴾ گوش کردن به اخبار رادیوهای خارجی، مانند رادیو بی‌بی‌سی و اسرائیل، اشکال دارد یا خیر؟

ج - در صورتی که شخص مطمئن است که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و قدرت تحلیل هم دارد و برای رشد سیاسی که لازم است داشته باشد، گوش می‌دهد، نمی‌توان گفت بر چنین شخصی حرام است.

﴿س ۱۹۲۹﴾ آیا استفاده از البسه‌ای که مروج فرهنگ منحط غربی است، جزو موارد منکر محسوب می‌گردد؟

ج - نه تنها منکر، بلکه زمینه فساد فرهنگی است. ۶۹/۲/۲۴

﴿س ۱۹۳۰﴾ آیا استفاده از رنگ‌های جذاب و خیره‌کننده برای لباس (توسط خواهان) جزو منکرات محسوب می‌شود؟

ج - منکر بودن به تحریک کردن و جذب نظر جوانان و اجنبی بستگی دارد که زمینه آلوده شدن آنان را به گناه فراهم می‌کند. بنابراین، رنگ‌ها، زنها، مردها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف، باعث اختلاف در منکر بودن آن می‌شود؛ یعنی ممکن است لباس زنی در جایی تحریک‌کننده نباشد و برای زن دیگری، تحت شرایط دیگر، تحریک‌کننده باشد. ۶۹/۲/۲۴

﴿س ۱۹۳۱﴾ پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟

ج - از کارهایی که باعث ضربه زدن به حیای عمومی است و گویای عدم شخصیت انسان است، اجتناب لازم است. ۷۱/۹/۱۸

﴿س ۱۹۳۲﴾ افرادی که مدعی ملاقات با ائمه اطهار علیهم‌السلام، به طرق مختلف هستند، از نظر

شرعی چه حکمی دارد؟

ج - در حکم مُبدع هستند و ردع و جلوگیری از آنها واجب و مستحقّ تعزیر هستند.

۷۳/۱۱/۲۸

دفاع و جهاد

﴿س ۱۹۳۳﴾ آیا در زمان جنگ میان مسلمانان و کفار، گرفتن برده از اسرای جنگی را جایز می‌دانید یا خیر؟

ج- مورد ابتلاء نیست؛ چون جهاد ابتدایی مخصوص زمان حضور ولی عصر (عج) است و در زمان دفاع هم حکومت باید تصمیم بگیرد. فَأَمَّا مَنْ بَعْدَ وَامَانًا بَعْدَ وَامَانًا.

۷۹/۱۰/۱۸

﴿س ۱۹۳۴﴾ آیا اموال کافران (صرف نظر از عناوین ثانوی همانند بدنامی و اتهام) احترام دارد یا نه؟

ج- کفاری که در مملکت اسلامی زندگی می‌کنند و دولت اسلامی به آن‌ها امنیت داده است، نمی‌توان به جان و مال آن‌ها تعرض نمود.

۷۸/۳/۹

﴿س ۱۹۳۵﴾ دلیل نگرفتن جزیه از اهل کتاب در جمهوری اسلامی چیست؟

ج- هر چند دادن جزیه و جوب آن، همان طور که مقتضای ظاهر کلام اصحاب و قواعد است، اختصاص به حال حضور ندارد، لیکن نگرفتن آن در حال حاضر به خاطر عدم قدرت و رعایت مصالح عالیة اسلام است.

۷۶/۸/۲

﴿س ۱۹۳۶﴾ آیا جوازی در کشتن اسیر وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود در چه مواردی؟

ج- امروزه کشتن اسیر جنگی، در حالی که قدرت بر حفظ اسیر و منع از پیوستنش به دشمن وجود دارد، غیر جایز و حرام است و قتل نفس محسوب می‌شود. به علاوه که با وجود شرایط و مقررات و احکام اسیر در جهان بشریت امروز که کشتن

اسیر را ممنوع می‌داند، باعث وارد شدن ضربه به اسلام است و مخصوصاً در جنگ‌های دفاعی که در زمان غیبت ولی عصر (عج) تحقق پیدا می‌کند که با اسیر شدن دشمن، موضوع کشتن برای دفع که مجوز بوده، از بین می‌رود. آری، در شرایط خاصی که حکومت اسلامی با مشورت دیگران و رأی اکثریت، دفاع را در قتل ببینند و فرمان به قتل بدهند، از باب دفاع، حسب آنچه حکم کنند، جایز می‌شود و بالاتر از مسلمانانی نیستند که اگر دشمن به عنوان تُرس و سپر بخواهد از آن‌ها استفاده نماید قتلشان به حکم دفاع، جایز است. ۷۷/۶/۲۵

﴿س ۱۹۳۷﴾ آنچه امروزه به عنوان ویزا، گذرنامه و دعوت‌نامه از طرف دولت جهت افراد غیر مسلمان و مشرک صادر می‌شود، از لحاظ حقوق اسلامی آیا حکم امان‌نامه را دارد و حکومت اسلامی و آحاد مسلمانان باید به توابع و لوازم پذیرفتن آن (که حفظ مال و جان و سایر حقوق اساسی انسانی است) شرعاً پایبند و ملتزم باشند یا خیر؟

ج - ائتمان است و رعایتش لازم؛ علاوه بر آن که همه افراد در همه ممالک، حسب مقررات بین‌المللی مؤتمن هستند؛ چون حکومت اسلامی آن مقررات را پذیرفته است. بنابراین، افراد ذکر شده در سؤال از دو جهت در امان هستند: از جهت خاصه، یعنی موارد ذکر شده در سؤال؛ و از جهت عامه، یعنی قراردادهای و معاهده‌های بین‌المللی و احترام‌های متقابل و همه آن‌ها و مسلمانان، از جهت حرمت مال و جان و عرض و ناموس و حقوق اجتماعی و انسانی همانند و مساوی هستند. ۷۹/۱۰/۱

﴿س ۱۹۳۸﴾ آیا در زمان غیبت ولی عصر (عج) اگر شخصی با اجازه فقیه جامع الشرائط یا بدون اجازه او در بلاد کفر که با ایران در حال جنگ یا شبه جنگ هستند (مثل اسرائیل یا امریکا)، زن یا دختری را بدزدد و به ایران بیاورد، در صورتی که آن زن یا دختر اسلام آورد یا اسلام نیاورد، حکم کنیز بر او بار می‌شود یا نه؟ و اصلاً در چنین زمانی فرض بودن کنیز می‌توان کرد یا نه؟

ج - استرقاق و کنیز و عبد گرفتن در حال جنگ و یا با غلبه و دزدی و سرقت، همه و همه، مخصوص زمان جنگ است؛ و اما در زمان صلح و قرارداد امن

و معاهدهٔ امنیّت، ولو با معاهده‌های بین‌المللی سرقت و حیله، همان طور که نسبت به اموال مسلمانان حرام است، نسبت به غیر آن‌ها هم به همین نحو حرام است و تخلف از عهد، قطع نظر از حرمت عهدشکنی و تخلف از واجب، در شرایط فعلی به خاطر مفاسد و ضربه خوردن به آبروی اسلام و مسلمین، دارای حرمت شدید و از اعظم معاصی است.

۷۹/۷/۱۸

﴿س ۱۹۳۹﴾ نظر اسلام و فقه شیعه در خصوص دفاع از خود چیست؟

ج- احکام شرعی و فقهی دفاع را باید از کتب فقهی و رسائل عملیه گرفت و اجمالش آن است که دفاع از ناموس و مال و عرض و آبرو با رعایت «الأسهل فالأسهل» واجب است و خون مهاجم هم با رعایت شرایط دفاع، هدر است. ۷۸/۶/۲۲

﴿س ۱۹۴۰﴾ با توجه به اوضاع کنونی کشور که در حال صلح بسر می‌بریم و از طرفی برادران و خواهران مسلمان خود را می‌بینیم که سرزمینشان به دست کفار صهیونیسم اشغال و مرّدمش هر روزه به خاک و خون کشیده می‌شوند و ما نیز توانایی حضور در کنار آن مظلومان فلسطینی را در خود احساس می‌کنیم، آیا برای ما همراهی کردن با آنان و رفتن برای دفاع از مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی واجب است یا واجب نیست؟

ج- یاری کردن و حمایت از مسلمانان مظلوم در هر نقطه از جهان که باشند، بر همهٔ مسلمانانی که قدرت و توانایی یاری کردن را دارند، لازم و واجب است؛ لیکن نیروی کمکی نفرستادن دولت در حال حاضر، به خاطر عدم قدرت و رعایت مصالح عالیّهٔ اسلام از نظر بین‌المللی است و به هر حال، تصمیم در باره این گونه امور دفاعی با شورای عالی امنیّت ملی است. ۷۹/۲/۵

﴿س ۱۹۴۱﴾ در عملیات جنگی اگر فرضاً چند نفر در سنگری نشسته باشند و یک نارنجک به درون سنگر پرتاب شود، اگر یکی از آن‌ها برای نجات دادن جان سایرین، خود را روی نارنجک پرتاب کند، آیا این کار او خودکشی محسوب نمی‌شود و از نظر شرعی ایرادی ندارد؟

ج- با فرض این که اگر خودش را روی نارنجک نمی‌انداخت هم خودش و هم دیگران

کشته می‌شدند، عمل او نه تنها خودکشی و حرام نیست؛ بلکه ایثار و عمل خدایسندانه‌ای است که فرد، علاوه بر اجر شهادت، اجر نجات جان دیگران را هم نصیب خود کرده است.

۷۸/۱۲/۱۴

﴿س ۱۹۴۲﴾ شخصی با خانواده‌اش در ملکی سکونت دارند ناگهان عده‌ای از افراد شرور که با او سر مسئله‌ای اختلاف داشته‌اند، به او هجوم می‌آورند و ایشان، مجبور به دفاع از خود و ناموس و اموال خود می‌گردد که منجر به درگیری و زخمی شدن خود او و مهاجمان می‌گردد. آیا آن شخص، حق دفاع برای خود و خانواده خود داشته است یا خیر؟ در صورت ضرب و جرح مهاجمان، آیا مسئولیتی متوجه ایشان هست یا خیر؟

ج - از قضیه شخصی اطلاع ندارم؛ اما بر انسان جایز است که در برابر مهاجم به جان و حریم و متعلقان و مال خود، دفاع نماید و هرگونه صدمه‌ای که به مهاجم برسد، با رعایت شرایط دفاع، به عهده خودش است و خود او مسئول آن است نه دفاع کننده.

۷۸/۸/۱۱

﴿س ۱۹۴۳﴾ در مورد مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای جلوگیری از تجاوز، هتک ناموس یا سرقت، آن جا که احتمال آبروریزی مجنی‌علیه در کار باشد، تکلیف چیست؟

ج - احتمال آبروریزی در هتک ناموس و در جنایت به نفس و یا جنایتی که سبب مثل نابینایی و ناشنوایی و فلج شدن و قطع نخاع و یا جنون و امثال آن باشد، موجب عدم جواز دفاع نمی‌شود، قضائاً لاطلاق ادله دفاع و این که هتک ناموس و جنایت مذکور، اقوی و اهم از تضييع عرض در صورت تراحم است؛ مخصوصاً که تضييع عرض احتمالی باشد، نه یقینی؛ اما در صورتی که مال اندک مورد تعرض باشد، ظاهراً حفظ عرض، اهم از مال قلیل است و دفاع غیر جایز؛ و اما اگر مال کثیر باشد، باید ملاحظه نماید بین اهمیت حفظ مال و تضييع احتمالی عرض، چون حفظ هر دو بر او واجب است.

۷۸/۶/۴

﴿س ۱۹۴۴﴾ مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای جلوگیری از تجاوز، هتک ناموس یا سرقت، آن جایی که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید یا متوسط مجنی علیه باشد، تکلیف چیست؟

ج - با احتمال کشته شدن دفاع کننده، دفاع جایز نیست؛ چرا که در مورد قتل و دم، تقیه وجود ندارد؛ ولی با احتمال ضرب و جرح دفاع کننده، دفاع مثل بقیه موارد دفاع شخصی جایز است. ۷۸/۲/۲۵

﴿س ۱۹۴۵﴾ درباره مقاومت در مقابل جانی و سارق برای جلوگیری از تجاوز به مال، چه مال زیاد باشد یا معمولی و یا کم، تکلیف چیست؟

ج - دفاع از مال، چه کم و چه زیاد، جایز است و اگر برای حفظ نفس یا آبرو مضطر به دفاع باشد، دفاع واجب است؛ و اگر مضطر نباشد و دفاع از مال، منجر به قتل یا ضرر معتدبه عقلایی گردد، ظاهراً دفاع جایز نیست. ۷۸/۲/۲۰

﴿س ۱۹۴۶﴾ مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای جلوگیری از تجاوز و... آن جا که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود، تکلیف چیست؟

ج - خون متجاوز به خاطر اطلاق ادله دفاع و عدم صدق مظلوم بر او، هدر است. آری، اگر دافع می توانسته او را بدون قتل، دفع کند؛ ولی از روی عدوان و اغراض شخصی او را کشته است، قصاص می شود. ۷۸/۱۱/۱۵

﴿س ۱۹۴۷﴾ اشخاصی که از جان افراد مملکتی محافظت می کنند (بادی گارد)، مأمورند در صورتی که گلوله ای به جانب شخص مورد نظر شلیک شد، خود را در برابر مسیر گلوله قرار دهند تا به وی آسیبی نرسد. آیا این عمل از دیدگاه اسلام، بلا اشکال است؟

ج - دفاع از نفس و جلوگیری از حمله به جان انسان، چه برای خود شخصی که مورد حمله قرار گرفته و چه برای دیگران، مشروع است؛ لیکن نسبت به خودش واجب و نسبت به دیگران جایز است، مگر با فرض عدم قدرت فردی که مورد حمله قرار گرفته و نرسیدن ضرر معتدبه به دفاع کننده که در این صورت، به حکم حفظ نفس دیگری، بر او نیز واجب است. ۷۸/۱۱/۱۵

﴿س ۱۹۴۸﴾ عملیات انتحاری که در آن شخصی همراه با مواد منفجره باعث ایجاد انفجار و مرگ خود و عده‌ای دیگر می‌شود از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی در اسلام ترور به هر نحو، چه دولتی و چه شخصی باشد، غیر جایز و محکوم است و هیچ‌گاه اسلام از ترور حمایت ننموده است و عملیات استشهادی نیز تنها در گرماگرم جنگ و مبارزه بوده و در غیر آن جایز نمی‌باشد.

۸۵/۲/۵

ملحقات

قرآن و اسماء متبرّکه و ادعیه

﴿س ۱۹۴۹﴾ مانویسندگان این نامه گروهی از تحصیل کردگان فوق لیسانس مهندسی با مذهب شیعه اثنی عشری، شاغل در یکی از ادارات هستیم. با مطالعه برخی از کتب اهل تسنن شبهاتی برای ما ایجاد گردیده است از جمله تحریف قرآن به عقیده برخی علمای معروف شیعه (از قبیل شیخ کلینی و علامه مجلسی و...) که نظر حضرت عالی در این زمینه راه گشای ما خواهد بود.

ج - چگونه می توان پذیرفت که قرآن تحریف شده و حال آن که محل استشهاد ائمه علیهم السلام بوده و در غیر واحدی از جاها ائمه علیهم السلام برای ردّ شبهات به آن استناد کرده اند و حال آن که اگر تحریف شده بود اصلاً قابل استناد و استشهاد نمی بود و آیات تحدی و معجزه بودن قرآن خود بر عدم تحریف قرآن دلالت محکم و یقینی دارد چون اگر تحریف شده باشد نمی تواند معجزه باقیه باشد، بدان جهت که معجزه بودن به خاطر عدم قدرت بر آوردن مثل آن می باشد پس با فرض تحریف، اطمینان به این معنا حاصل نمی شود چون شاید به مثل آن ها که حذف شده می توان آورد و نیز آن روایات دالّه بر تحریف مخالف با خود قرآن است که حجت نمی باشد به علاوه از همه، آن روایات در کتب شیعه بحث شده و دلالت بر تحریف ندارد و حذف شده ها تأویل و تفسیر قرآن بوده نه خود قرآن، پس هر آن چه دلالت بر تحریف قرآن عظیم نماید، دلیلی بی اساس و بی پایه است. ۸۲/۲/۱۰

﴿س ۱۹۵۰﴾ ما هو رأي سماحتكم في مسألة تحريف القرآن و هل ان هذا القرآن الذي بأيدي المسلمين سنة و شيعة و المطبوع في المدينة المنورة و سوريا و مصر و ايران هو القرآن الذي نزل به جبرائيل على النبي محمد ﷺ بلا زياده او نقيصه؟ ولكم الاجر والثواب.

ج - عدم التحريف في القرآن ثابت بالعقل والنقل القطعي وفي نفس القرآن، آيات داله على عدمه. منها آيات التحدي مثل قوله تعالى ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۲۳) فانّ التحدي غير حاصل مع التحريف حيث انّ من الممكن ادعاء الناس احتمال قدره على الاتيان بمثل ما نقص من الآيات او السور و هو كما ترى. ۸۱/۱۰/۲۹

﴿س ۱۹۵۱﴾ آموزش و فراگیری نغمات و آهنگ های قرآنی به منظور نیکو تلاوت نمودن آیات الهی، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد.

﴿س ۱۹۵۲﴾ تا چه اندازه استفاده از صوت حسن در قرائت قرآن و مواعظ و مرآثی و مدایح ائمه اطهار علیهم السلام جایز است؟ و حدّ غنا در این موارد چیست؟

ج - جایز است و حدّ خاصی ندارد، و غنای محرّم نمی باشد. ۷۳/۱۱/۱

﴿س ۱۹۵۳﴾ گوش دادن به صدای زن نامحرم در مواردی از قبیل، قرائت قرآن، خواندن سرودهای انقلابی یا محلی، خواندن شعر در جلسات شب شعر... در صورتی که موجب فساد و فتنه نباشد، چه حکمی دارد؟

ج - گوش دادن به صدای زن که متضمّن تحریک شهوت و فساد و فتنه نباشد، مانعی ندارد. ۷۱/۷/۵

﴿س ۱۹۵۴﴾ شخصی است که برای از بین رفتن کتب مذهبی مثل قرآن و مفاتیح الجنان، تبرّعاً این نوع کتاب ها را صحافی می کند، ولی چون شغل او صحافی نیست، وسیله پرس ندارد و به جای آن برای مو زدن و محکم شدن کتاب یک موزائیک روی کتاب های مذکور می گذارد و روی آن می ایستد، آیا شرعاً این عمل منعی دارد؟

ج - احتیاط در تهیّه نمودن یک قید ساده چوبی است که صحافی های قدیم داشته اند تا

قرآن و مفاتیح (هر چند برای صحافی) زیر پا قرار نگیرد؛ و به هر حال باید از این

گونه اعمال که شبهه توهین و هتک را دارد، اجتناب نمایند. ۷۵/۶/۱۶

﴿س ۱۹۵۵﴾ نوشتن قرآن به وسیله گچ و غیر آن روی تابلو و پاک نمودن آن چه

حکمی دارد؟

ج - نوشتن قرآن روی تابلو به شرط طهارت گچ و چیزی که گچ را با آن پاک می‌کنند،

جایز است. ۷۴/۱/۱۰

﴿س ۱۹۵۶﴾ طرح سؤالات و پاسخ‌های غلط، در مسابقات قرآن که به صورت

تستی و چهار جوابی انجام می‌گیرد، به منظور تشخیص صحیح آیات قرآن، چه

حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد. ۷۴/۲/۱۰

﴿س ۱۹۵۷﴾ آیلشستن بر روزنامه‌هایی که احتمالاً آیات و احادیث روی آن‌ها نوشته باشد،

با توجه به اینکه آن‌ها را در خیابان‌ها و زیر پای مردم می‌اندازند، چه صورتی دارد؟

ج - در صورت احتمال و عدم یقین، حرام نیست و با یقین به اینکه روزنامه زیر پا

افتاده، آیات قرآنی دارد به خاطر هتک، نشستن روی آن حرام است. ۷۵/۴/۲۴

﴿س ۱۹۵۸﴾ با توجه به چاپ تمبرهایی که مزین به آیات قرآنی است و در مراسلات

پستی با مهمور نمودن، آن‌ها را باطل می‌کنند و در مراحل مختلف بارها افراد بی‌وضو

آن‌را لمس می‌کنند و بعضاً نیز زیر دست و پا قرار می‌گیرد. آیا شرعاً چاپ این گونه

تمبرها، جایز است؟

ج - نوشتن آیات قرآن و نام ائمه معصومین علیهم‌السلام بر روی تمبر مانعی ندارد، و بر

استفاده کنندگان رعایت احترام و عدم هتک، لازم است؛ و ناگفته نماند که نوشتن

قرآن و اسمای ائمه معصومین علیهم‌السلام بر روی تمبر با توجه به اقبال عمومی، نوعی

ترویج است که ممدوح می‌باشد. ۷۹/۲/۲۶

﴿س ۱۹۵۹﴾ غلط خواندن بعضی از کلمات قرآن به طور عمدی برای توجه بیشتر

دانش‌آموزان و در امر آموزش و داوری مسابقات قرآن، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد. ۷۴/۲/۱۰

﴿س ۱۹۶۰﴾ شخصی قرآن می خواند و اکثراً غلط می خواند، به گونه ای که معنی تغییر می کند، وظیفه ما چیست؟ آیا باید تذکر داد یا نه؟

ج - غلط خواندن قرآن به طور عمدی، جایز نیست، اما اگر برای یاد گرفتن باشد مانعی ندارد و تذکر دادن به او لازم است.
۷۴/۸/۱۸

﴿س ۱۹۶۱﴾ در مدارس بعضاً مشاهده می شود که دانش آموزان در مراسم صبحگاهی و یا ظهرگاهی قرآن را به صورت غلط می خوانند. لطفاً حکم شرعی در این خصوص را بیان فرمایید.

ج - تصحیح قرائت غلط قرآن، مطلقاً واجب است.
۷۷/۱۰/۱۴

﴿س ۱۹۶۲﴾ آیا تنظیم معنی قرآن کریم به صورت شعر - با توجه به تأثیر شعر در جامعه - اشکال شرعی دارد؟

ج - مانعی ندارد.
۷۴/۸/۱۷

﴿س ۱۹۶۳﴾ همراه داشتن قرآن در جیب و رفتن به دستشویی، چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که هتک و بی احترامی نباشد، جایز است.
۷۵/۶/۳۰

﴿س ۱۹۶۴﴾ آیا تماس شخص جنب یا بدون وضو با جواهرات منقش به تصویر کعبه یا آرم «الله»، جایز است؟

ج - تصویر کعبه موجب حرمت مس نمی باشد، اما آرم «الله» بنا بر احتیاط واجب،

محکوم به حکم کلمه الله است که مس آن بدون طهارت، حرام است.
۷۷/۱۰/۹

﴿س ۱۹۶۵﴾ فروش قرآن کریم به هندوها و سایر کفار که با انگیزه مطالعه قرآن خریداری می کنند و قرآن را لمس می کنند، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد.
۷۷/۱/۱۷

﴿س ۱۹۶۶﴾ آیا ذکر خدا و ائمه معصومین در دستشویی، جایز است؟

ج - ذکر خدا در هر حال مطلوب است.
۷۵/۱۱/۲۵

﴿س ۱۹۶۷﴾ در کلماتی مانند «بسمه تعالی»، «یا هو»، «خدا» و... و آیا اجتناب از لمس بدون

وضوی آنها، لازم است؟

ج - نام خداوند سبحان به هر زبانی که نوشته شود مسح کردن آنها، بدون طهارت

جایز نیست و در هاء بسمه، احتیاط در ترک است.
۷۶/۱۱/۱۷

﴿س ۱۹۶۸﴾ آیا سوزاندن نام خدا اشکال دارد؟

ج - جایز نیست، و اگر خواسته باشند از هتک جلوگیری شود، باید آن اوراق را

دفن کنند و در آب انداختن هم مانعی ندارد، بلکه ممدوح است. ۷۵/۱۲/۱۷

﴿س ۱۹۶۹﴾ حکم خرد کردن کاغذهایی که در آن‌ها آیه‌ای از قرآن یا اسماء حسنی

نوشته شده باشد، با دستگاه کاغذ خردکن چیست؟ در صورت مجاز بودن، آیا می‌توان با

کاغذهای خرد شده مانند کاغذهای معمولی رفتار کرد.

ج - چون دیگر نوشته اسماء حسنی یا قرآن بر آن کاغذها صدق نمی‌کند حکم

کاغذهای دیگر را دارد. ۸۱/۲/۲۵

﴿س ۱۹۷۰﴾ آیا می‌توان کاغذهایی را که در آن‌ها آیه‌ای از قرآن یا اسماء حسنی نوشته

شده باشد، سوزاند؟

ج - حرام است. ۸۱/۲/۲۵

﴿س ۱۹۷۱﴾ آرم جمهوری اسلامی ایران که جزو اسمای متبرکه می‌باشد، آیا می‌توان

آن را برای اجتناب از زیر پا افتادن از وسط پاره نمود؟ (البته در صورتی که از آن حالت

اولیه خارج شود).

ج - لزومی ندارد، لیکن جایز است و خود، یک گونه از بین بردن زمینه هتک

احتمالی است.

﴿س ۱۹۷۲﴾ آیا مسئولین گورستان می‌توانند از حکاکی آیات مبارک کلام الله جلوگیری

نموده و یا آن‌هایی را که قبلاً حک شده، پاک کنند؟

ج - اگر مقررات چنین اختیاری را به آن‌ها داده است، به عنوان صاحب اختیار آن

گورستان می‌توانند چنین کاری کنند، لیکن مصلحت در اقدام به چنین اموری

نیست و نباید برای مردم مشکل آفرید و هیچ وظیفه واجبیه که چنین امری را

اقتضا کند، وجود ندارد؛ و در همه روزنامه‌ها و مجلات و اطلاعیه‌ها و

اعلامیه‌ها آیات قرآن فراوان دارد و چاپ می‌شود و نباید از نشر آن جلوگیری

شود و جلوگیری هم نمی‌شود. ۷۵/۱۲/۴

﴿س ۱۹۷۳﴾ در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی از آن جاکه نمونه‌گیری خون، ادرار و... از بیماران به عمل می‌آید و برای مشخص بودن آزمایشات ناچار از نوشتن نام و نام خانوادگی افراد روی ظرف‌های نمونه آزمایش هستیم. با توجه به این که نام خانوادگی برخی از اشخاص مانند حسینی، محمدی و... می‌باشد. آیا نوشتن این گونه اسامی هتک حرمت به ساحت ائمه علیهم‌السلام نخواهد شد؟

ج - این گونه موارد عرفاً هتک و بی‌احترامی محسوب نمی‌شود و حرام نیست.

۷۷/۴/۱

﴿س ۱۹۷۴﴾ لمس کردن پول منقش به نام‌های معصومین علیهم‌السلام و یا اسامی جلاله برای شخص جنب یا بدون وضو، چه حکمی دارد؟

ج - مسّ اسمای معصومین علیهم‌السلام بلکه مسّ اسماء الله برای کسی که با وضو نمی‌باشد نسبت به آنچه از آن اسما احتراماً روی نقد رایج نوشته شده باشد، ظاهراً مانعی ندارد.

۷۹/۸/۲۵

﴿س ۱۹۷۵﴾ به چه علت خواندن سوره یوسف برای زنان، مکروه یا به نقلی حرام است؟

ج - نه مکروه است و نه حرام و روایتی هم که در مسأله وارد شده قابل اعتماد نمی‌باشد.

۷۹/۱۱/۲۸

﴿س ۱۹۷۶﴾ آیا خواندن دعای «یا محمد یا علی، یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیان

وانصرانی فانکما ناصران» در دعای معروف فرج جایز است یا سند آن ضعیف است؟

ج - خواندن دعای فرج جایز است و ضعف سند در ادعیه وارده در مثل مفاتیح و زادالمعاد از کتب معتبره، نه تنها موجب عدم استحباب نمی‌باشد چه رسد به عدم جواز، بلکه اخبار من بلغ برای استحباب خواندن آن ادعیه به امید ثواب و رجای آن کفایت می‌کند و دلیلی بر استحباب خصوص دعاء، رجائاً می‌باشد.

۷۹/۱۲/۴

﴿س ۱۹۷۷﴾ در بعضی از دعاها مانند فرج (اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن) در آخر

آن (برحمتک یا ارحم الراحمین) اضافه کردن، جایز است یا نه؟ با چه شرایطی؟

ج - نباید اضافه نمود چون زمینه ساز تحریف در ادعیه است و همان نحو که وارد شده باید بدون کم و زیاد نمودن خوانده شود.

۸۰/۷/۵

﴿س ۱۹۷۸﴾ بهترین ذکر چیست؟

ج - افضل اذکار، ذکر «لا اله الا الله» است که در بعض روایات آمده. ۸۱/۱/۳۰

﴿س ۱۹۷۹﴾ نوشتن با خودکار و یا چاپ کردن اسماء ائمه اطهار به وسیله مهر بر روی اسکناس‌های جدید و به مناسبت‌های مختلف و اعیاد و جشن‌ها چه حکمی دارد؟

ج - اگر باعث لطمه به اسکناس و یا از رواج افتادن آن نشود؛ به عنوان تبرک

مانعی ندارد. ۸۱/۱۲/۱۹

﴿س ۱۹۸۰﴾ به نظر حضرت عالی آیا تکرار کردن بعضی از کلمات در دعاها گوناگون مثل (ظلمت نفسی، یا غیاث المستغیثین، یا ربّ و در دعای کمیل) و ذکر (یا وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله در دعای توسل) از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج - به قصد ورود، جایز نیست و به طور کلی باید دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام

وارد شده به همان نحو که به ما رسیده خوانده شود. ۸۲/۴/۲۹

﴿س ۱۹۸۱﴾ آیا خواندن ادعیه ذیل در زمان‌های ذکرشده، به قصد ورود یا رجا مستحب است؟

الف - دعای کمیل در شب جمعه و شب نیمه شعبان؛

ب - دعای توسل در شب چهارشنبه؛

ج - دعای ندبه در روز جمعه و در اعیاد مبارک فطر، قربان و غدیر خم؛

د - دعای عرفات در عصر روز عرفه؛

ه - دعای سمات در عصر روز جمعه؛

و - دعای جوشن کبیر و صغیر در شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ ماه مبارک رمضان.

ج - خواندن دعاها به امید ثواب قربة الی الله قطعاً منعی ندارد و به قصد ورود نیاز به

مراجعه به اسناد آنها دارد که چون لزوم آن چنانی ندارد، الزام به مراجعه

و اجتهاد در آن دیده نمی‌شود و همه ادعیه مفاتیح الجنان به قصد رجا درست

است. ۸۲/۱۱/۳

﴿س ۱۹۸۲﴾ مستدعی است نظر خود را در مورد جواز ساخت و مسائل شرعی ایجاد شهرک تفریحی - توریستی و استقرار آن بر روی نشان مقدس (الله) رهنمود فرمایید.

ج - بحث یک بحث موضوعی است و جواز و عدم جواز آن تابع حفظ احترام عرفی و عدم آن می‌باشد و تشخیص آن هم با خود مکلف و توده مردم است و به هر حال چه نیکو که احترام به اسماء متبرکه، لاسیما آرم ذات باری تعالی را از امور شبهه ناک و امور مادی مبّرّا داشته و سعی را در شناخت مردم نسبت به آنها و معرفه الله و عمل به دستورهای سعادت بخش اسلامی مبذول داشته و ایمان مردم را به هدایت‌های آسمانی بیش از پیش تقویت نماییم که راه سعادت بشر قطعاً به جهاد با نفس که جهاد اکبر است و با تمسک به قرآن و عترت که دو امانت بزرگ پیامبر اکرم اسلام است محقق می‌شود و از اعتصام به حبل الله نباید غافل بود ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ به امید خدمت بیشتر به اسلام و مسلمین.
۸۲/۴/۱۰

﴿س ۱۹۸۳﴾ انگشتی عقیق داشتم که چندی پیش مادرم در قسمت زیر آن نوشت: (یس لله) دیروز آن انگشت در چاه مستراح افتاد. مقداری هم جستجو کردم و وقتی حالم بد شد آن را رها کردم. نظر به این که بر داشتن یا منتظر حل شدن آن بودن باعث سختی ما می‌شود و تا رسیدن پاسخ جناب عالی سخت تر هم خواهد شد و ما بلا تکلیفیم چه باید بکنیم. در ضمن حکم اسامی مقدس را مبسوط بفرمایید. در چند سال پیش هم مقداری گرد مهر کربلا از روی لباس به دلیل آب کشیدن در چاه حمام رفت. از امام جماعت محل سؤال کردم، پاسخ دادند اشکالی ندارد. آن چه حکمی دارد؟

ج - چنان چه نوشته با حک کردن بوده، اگر می‌توانید با کشیدن آب چاه و لجن‌های آن انگشت را بیرون بیاورید و اگر نمی‌توانید باید آن چاه را ببندید و از چاه دیگری استفاده نمایید، و اما اگر نوشته عادی بوده که بعد از چند روز از بین می‌رود، بعد از چند روز می‌توانید از چاه استفاده کنید.
۸۲/۴/۳۰

﴿س ۱۹۸۴﴾ ۱. سمعت بوجوب أن يتعاهد الانسان ما حفظ من آيات القرآن و سوره، بحيث اذا حفظ الانسان شيئاً من القرآن لا يجوز له نسيانه أو ترك تعاهده حتى النسيان، فهل هذا صحيح؟

۲. اذا دار الامر بين المداومة على قراءة بعض الادعية كدعاء كميل أو زيارة عاشوراء أو تكرار بعض الأذكار و الصلوات على النبي وآله وبين المداومة على ختم القرآن الكريم فأيهما أفضل؟

ج ۱- ليس المراد من الحفظ الحفظ عن ظهر الصدر بل المراد منه حفظ القرآن بجميع مصاديقه من الانداس و المهجورية و ترك العمل به و غيرها من أنواع الحفظ كما ان المراد من النسيان أيضاً ليس بمعنى الذهول عن الصدر والمعنى المتبادر منه بدوياً بل المراد منه المقابل للحفظ بالمعنى المذكور ولا يخفى ان القراءة عن الكتاب اولى من الحفظ عن ظهر القلب بل الظاهر عدم الدليل على استحباب الحفظ بالمعنى المتعارف اليوم.

ج ۲- لما ان لكل من تلك الاعمال خصوصية و تكون مستحبة فلا بدّ من الجمع فكل منها حسن في موضعه.

۸۱/۷/۲۲

ائمة اطهار عليهم السلام (مواليد، عزاداری و...)

﴿س ۱۹۸۵﴾ بعضی هامی گویند سادات در جهان آخرت به آتش دوزخ نمی سوزند. آیا این گفته صحّت دارد یا خیر؟

ج - صحیح نیست و آنچه در روایات آمده مخصوص است به فرزندان که از حضرت زهرا علیها السلام متولد شده اند مثل حسنین و زینبین؛ و امام هشتم علیه السلام در روایتی به برادرش زید خطاب کرده فرمودند: «چه طور می شود موسی بن جعفر علیه السلام با آن همه عبادت و طاعت، با تو که هر معصیتی را انجام می دهی برابر باشی؟! و بعد فرمودند: خداوند فرزند نوح علیه السلام را به دلیل معصیت از او نفی کرده است با این که حقیقتاً از او بود، پس آنچه موجب نجات از آتش است، اطاعت الهی است، از هر

کس باشد و آنچه موجب عذاب و آتش است معصیت و نافرمانی خداست، از هرکس که سر بزند و کسی که اطاعت خدا را نکند از ما نیست و اگر تو ای زید اطاعت خدا نکنی، از ما اهل بیت نیستی.»
 ۷۹/۷/۲۸

﴿س ۱۹۸۶﴾ آیا مقام پیامبران، بالاتر از مقام امامان است؟

ج - مقام و منزلت ائمه علیهم السلام فی حدّ نفسه بالاتر از مقام پیامبران است. ۸۱/۱۲/۱۳

﴿س ۱۹۸۷﴾ ۱. علم ائمه به عالم غیب و آینده و حوادث آن محدود است یا مطلق

و نامحدود؟

۲. آگاهی ائمه از زمان و مکان دقیق شهادت، چگونه است؟

ج - علم ائمه علیهم السلام به غیب، محدود به اذن و خواست و رضایت خدای متعال می‌باشد و آن بزرگواران از خصوصیات شهادت خویش به اذن خدا آگاه بودند.

۸۰/۴/۲۵

﴿س ۱۹۸۸﴾ فرق بین خداوند و اهل بیت در چیست و آیا این گفته که (خداوند خالق

و اهل بیت مخلوق‌اند و دیگر هیچ فرقی با هم ندارند) درست است؟

ج - تمام موجودات مخلوق خدا هستند و تمام انسان‌ها بندگان خداوند و فرقی در این

باب بین اهل بیت علیهم السلام و دیگران نیست، جز این که هر کس در درجه‌ای از

عبودیت و بندگی قرار دارد که اهل بیت علیهم السلام در بالاترین درجات بندگی خداوند

قرار دارند و خداوند آن‌ها را واسطه فیض خود به موجودات قرار داده است.

۸۰/۱۲/۵

﴿س ۱۹۸۹﴾ ۱. روایت با شمشیر یا سم کشته شدن (شهادت) ائمه اطهار کلتی است یا

شامل بعض؟

۲. آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم مسموم شدند؟

۳. آیا امام زمان علیه السلام آخر الامر با شمشیر به شهادت می‌رسند یا سم؟

ج - شامل همه ائمه (صلوات الله علیهم اجمعین) می‌باشد و روایت اطلاق دارد

و مرحوم مجلسی بزرگ کلمه «مامنا» را در روایت به ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر

کرده، گرچه بعضی از روایات دلالت دارد که سبب رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ هم مسمومیت بوده است و کیفیت شهادت حضرت مهدی (عجل الله فرجه) معلوم نیست و فقط در روایت دارد که امام حسین علیه السلام او را دفن می‌کنند و بر او نماز می‌خوانند.

﴿س ۱۹۹۰﴾ ۱. آیا رجعت، حتمی الوقوع است یا بستگی به دیر یا زود بودن ظهور دارد؟

۲. حکومت امام زمان علیه السلام بر جهان چقدر صحیح و دقیق است؟

ج - نزد محققین از شیعه مسأله رجعت در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حتمی است و مرحوم شیخ مفید و دیگران این نظر را از روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده‌اند و مرحوم مجلسی رحمته الله در جلد ۵۳ «بحارالانوار» بحث مفصّلی درباره رجعت دارد و روایاتش را جمع آوری نموده است که می‌توانید مراجعه نمایید.

۸۰/۴/۲۵

﴿س ۱۹۹۱﴾ موانع ظهور امام زمان چیست؟

ج - آن چه از بعض روایات استفاده می‌شود عدم آمادگی مردم و وجود ظالمین باعث در تأخیر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد، چنان چه این عوامل نیز ظاهراً موجب غیبت حضرت شده است.

۸۱/۱/۳۰

﴿س ۱۹۹۲﴾ شنیده شده که برخی شخصیت‌های صدر اسلام دارای عصمت صغری بودند، آیا این مطلب درست است؟ آیا یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز دارای این مقام‌اند و ملائکه آن‌ها را از ارتکاب گناهان بزرگ باز می‌دارند؟

ج - ممکن است انسان به درجه‌ای برسد که خیلی کم گناه کند اما مقام عصمت، مخصوص انبیا و حضرت زهرا و ائمه هدی علیهم السلام است.

۸۱/۷/۲۰

﴿س ۱۹۹۳﴾ اگر شخصی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در خواب ببیند و بعد از بیدار شدن از خواب، به مردم بگوید که آقا گفته است فلان کار را انجام بده، آیا به آن چه که آقا در خواب به او گفته است می‌شود عمل کرد یا نه؟

ج - حرام و افترا به معصوم و بدعت است.

۸۱/۱۲/۲۵

﴿س ۱۹۹۴﴾ در جایی خواندم که بعضی از رزم آوران از یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محسوب نمی شوند. لطفاً بگویید کدام عده هستند؟ در مورد اقتدا به امیر مؤمنان لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

ج - چنین چیزهایی را نمی توان گفت صحیح است و هرکس می تواند با انجام واجبات و ترک محرمات از یاران حضرت علیه السلام باشد و با این کار به امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا نماید.
۸۲/۱۰/۱

﴿س ۱۹۹۵﴾ آیا کف زدن در میلاد ائمه اطهار علیهم السلام مانند سینه زدن در شهادت آن بزرگواران (صلوات الله علیهم اجمعین) ثواب دارد؟

ج - همان گونه که عزاداری در عزای اهل بیت موجب اجر و ثواب است؛ شاد بودن در شادی های اهل بیت علیهم السلام هم موجب اجر و ثواب است.
۸۱/۸/۱۴

﴿س ۱۹۹۶﴾ شخصی که اعمالش را به روح امامی تقدیم می کند، آیا ثوابی هم برای خود او باقی می ماند یا خیر؟

ج - ثوابش به آنها و به خود او می رسد و زیاده تر هم به خودش می رسد و برای آگاهی بیشتر می توانید به کتاب «ذکری» شهید رحمة الله علیه، طبع قدیم، صفحه ۷۳ مراجعه فرمایید.
۸۱/۷/۲۰

﴿س ۱۹۹۷﴾ کسی که بدون اذن دخول، وارد حرم یکی از امامان شده، آیا معصیت کرده است؟

ج - وارد حرم امام شدن، بدون اذن دخول، جایز است، اما ترک آداب شده است.

﴿س ۱۹۹۸﴾ با توجه به وجود فقر و گرسنگی در میان بعضی از اقشار جامعه، آیا هزینه کردن برای مرمت و توسعه حرم امامان معصوم علیهم السلام وجه شرعی دارد؟ و آیا مانع از توجه انسان به خداوند نمی شود؟

ج ۱- این امور نه تنها مانع توجه انسان به خداوند نیست، بلکه به خاطر علاقه و عشق مردم به خداوند متعال و در مسیر توحید و به امامان خود که از جانب

خداوند برای هدایت آن‌ها منصوبند، می‌باشد و به خاطر انسان‌تر شدن انجام می‌دهند و ضمن داشتن ارادت قوی معنوی ذره‌ای از آن هم در ظاهر و مادیات بروز کرده و به تزیین حرم امام خود می‌پردازند، البته حلّ مشکل گرسنگان و فقرا راه دیگری را می‌طلبند و هر کس به اندازه‌ی توان خود موظّف به حلّ آن است و دیدها را همیشه باید عقلایی‌تر و انسانی‌تر و با شرح صدر و سعه‌ی نظر همراه نمود و تنگ نظری و کوتاه بینی خود فی حدّ نفسه قطع نظر از جهات دیگر نامطلوب است؛ و مباحث اقتصادی امروز در دنیا و مملکت‌ها به صورت کلان و هزاران میلیارد دلار مطرح است نه مسأله چند مثقال طلا که تصرف در آن‌ها به صرفش در غیر مصرفی که نیت دهندگان بوده نه تنها خیانت به اموال می‌باشد، بلکه مستلزم نفی آزادی و حاکمیت اراده می‌باشد «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

ج ۲- مسلماً عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) جهت آموختن راه و رسم ایشان می‌باشد و کلیه کسانی که عزاداری می‌نمایند به همین منظور اقدام می‌کنند و به مطلوب خود می‌رسند و عدم عزاداری برای آن حضرت ظلم به خود و کوتاهی و عدم معرفت نسبت به آن امام بزرگوار است. ۸۱/۳/۳

﴿س ۱۹۹۹﴾ معمول است بعد از اقامه نماز، اول به حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و بعد به حضرت رضا (علیه السلام) و سپس به حضرت ولی عصر (عج) و ارواحنا فدا، سلام می‌کنند. آیا به این کیفیت دستوری رسیده و رجحانی دارد یا خیر؟

ج - به امید ثواب، مانعی ندارد. ۷۷/۱۲/۲۴

﴿س ۲۰۰۰﴾ در شب میلاد یا شب شهادت ائمه اطهار (علیهم السلام)، آیا می‌توانیم به مطالعه زندگی‌نامه و کرامات آن بزرگواران بپردازیم یا به مجالس مختلف برای حفظ شعایر مذهبی برویم. فضیلت کدام یک بیشتر است؟

ج - حضور در مجالس ائمه اطهار (علیهم السلام) به هر نحو که بر عظمت شعایر اسلامی بیفزاید، بهتر است. ۷۹/۷/۹

﴿س ۲۰۰۱﴾ آیا در قبال ذکر مصیبت یا مولودی خوانی اهل بیت علیهم السلام می توان از بانیان مجالس، مطالبه وجه نمود؟ آیا این درآمد مشمول خمس می گردد؟ در ضمن بعضی از افراد جهت تعلیم اصول و فنون مداحی اهل بیت علیهم السلام و جوهری را دریافت می دارند، در این مورد نیز حکم چگونه است؟ دریافت وجوه اهدایی علی رغم مطالبه آیا جزو درآمد محسوب می شود که متعلق خمس باشد؟

ج - وجوه ذکر شده در سؤال حلال است چون اجرت بر مستحبات و بر غیر واجب است و جزو درآمدهایی است که متعلق خمس هم می باشد. ۷۷/۳/۲۶

﴿س ۲۰۰۲﴾ با توجه به این که رسم است در سالروز ولادت ائمه اطهار علیهم السلام مجلس جشن و شادی برگزار می شود؛ سؤال این است که آیا خود ائمه اطهار علیهم السلام برای پدران و اجداد طاهرینشان علیهم السلام این گونه مجالس را بر پا می کردند و اگر بر پا می کردند کیفیت این گونه مجالس چگونه بوده است؟ (مثلاً کیفیت شادی کردن در این گونه مجالس چگونه بوده).

ج - اهل البیت علیهم السلام قطعاً در روزهای عید و ولادت، شاد و خوشحال بودند و اما چگونگی آن با مراجعه به تاریخ معلوم می شود. ۸۱/۸/۱۴

﴿س ۲۰۰۳﴾ در بعضی از مجالس جشن و تولد ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر مداحی و دست زدن حضار، بعضی از مداحان روال مجلس را عوض کرده و به نوحه خوانی، مرثیه سرایی سینه زنی و... می پردازند. آیا این عمل مایه بدعت در دین نمی شود و حرام نیست؟

ج - با قطع نظر از آن چه در سؤال از حیث بدعت و تمام و ناتمام بودن آن آمده، باید توجه داشت که هر کسی که هر عملی را از دیگری نادرست می داند خود نباید شرکت نماید و دیگران را هم فقط ارشاد و نصیحت کند، آن هم به شرط احتمال تأثیر در آنها. ۸۲/۲/۷

﴿س ۲۰۰۴﴾ قیام امام حسین و عدم صلح را در چند جمله بفرمایید.

ج - چنان که از جملات خود آن حضرت برداشت می شود قیام آن حضرت برای

اصلاح در امت رسول الله ﷺ و رشد و هدایت مردم بوده است. «انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وانما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»، و همچنین آن حضرت با شهادت خود مردم را از جهل و نادانی و ضلالت گمراهی نجات داد چنان که در زیارت اربعین وارد شده، که: و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحیرة الضلالة» یعنی و حسین علیه السلام جانش را فدا کرد در راه توتا این که بندگان از نادانی و سرگردانی و گمراهی نجات یابند. ۸۲/۱/۲۶

﴿س ۲۰۰۵﴾ چرا به امام حسین علیه السلام ثارالله می گویند؟

ج - معنی ثار، حق قصاص و استیفای عوض خون مقتول است و فقره دیگر زیارت عاشورا (وان یرزقی طلب ثارکم مع امام مهدی) شاهد آن است و مراد از ثارالله این است که صاحب این حق خداوند است و خداوند این حق را طلب می کند و معنی این فقره این است که سیدالشهداء مقتولی است که کسی نیست به غیر از خداوند که عوض خون او را بگیرد. ۸۱/۶/۱

﴿س ۲۰۰۶﴾ فلسفه عزاداری و گریه و زاری برای ائمه علیهم السلام در اسلام چیست؟

ج - زنده نگه داشتن یاد آن بزرگواران و یاد آوری مظلومیت آنان و خاندانشان در مقابل طاغوت زمان است و گریه و عزاداری در مصیبت آن بزرگواران، احیا امر و نام آنان است. ۸۱/۲/۳۰

﴿س ۲۰۰۷﴾ گفته می شود اگر پلک چشمت رطوبتی پیدا کرد خداوند خطاب می کند: ای بنده من، تمام گناهان تو را بخشیدم؛ اگر رطوبت به مژه هایش رسید، خطاب می شود تمام حاجات تو را برآوردم؛ اگر از مژه رطوبت یا اشک خارج شد، می گوید بنده من گناهانت را بخشیدم و حاجاتت را برآوردم، فردای قیامت عده ای گناه کار را به تو بخشیدم. اگر این طور است که با رطوبتی خداوند همه گناهان را می بخشد، دیگر چرا مردم زحمت نماز و روزه بکشند؟

ج - روایات وارده در رابطه با عزاداری و اشک و ثواب آن - که بهشت است - فراوان است، لیکن مراد از گریه این نیست که به خاطر حسرت و تحت تأثیر

احساسات گریه کند، بلکه مراد گریه‌ای است که به عنوان یک نوع برخورد و جنگ با دشمنان راه حسین علیه السلام و یک نوع تبلیغ و ترویج مکتب انسان ساز آن حضرت به حساب بیاید و در واقع گریه‌ای ثواب دارد که برای مظلومیت حسین علیه السلام و تأثر از این که چرا باید انسان‌ها او را درک نکنند و برای زنده نگه داشتن مرام حسین علیه السلام باشد.

﴿س ۲۰۰۸﴾ دلیل سینه زدن برای ائمه علیهم السلام چیست؟

ج - به دلیل آن که بر مورد سؤال عناوین مستحبی از جمله دستور به گریه کردن و گریاندن و تعزیه داری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اظهار مصیبت و ادای احترام و اظهار علاقه صدق می‌کند؛ بنابراین سینه زدن در عزاداری ائمه معصومین علیهم السلام نه تنها فی حدّ نفسه جایز است، بلکه مستحب هم می‌باشد و مشمول عناوین مرقومه است. ۸۰/۴/۲۵

﴿س ۲۰۰۹﴾ سینه زدن با تیغ و یا زنجیر زدن با زنجیری که دارای تیغ است و منجر به زخمی شدن بدن و جاری شدن خون می‌شود، اگر چه خطر جانی هم نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج - برپایی مجالس و اقامه عزاداری خامس آل عباس علیهم السلام از قبیل روضه‌خوانی و وعظ و سینه‌زنی و عزاداری سنتی از افضل اعمال است و موجب اجر و مزد اخروی فراوان است، لیکن باید توجه داشت که دشمن، همه اعمال ما را مستقیماً با مقارن قرار دادن با اعمال دیگران، مورد حمله قرار می‌دهد و غرضش حمله به مذهب یا اسلام است و با عقب گرد ما از مواضع عملی اسلامی، ما را رها نکرده، بلکه حمله را زیاده‌تر و زیاده‌تر نموده تا آنکه ما را از همه اعمال و فرایض و شعایر و تبلیغاتمان باز دارد. به حول و قوه الهی و با بیداری امثال شما مسلمانان و بهانه به دست دشمن ندادن و حفظ عزت و عظمت اسلامی هر روز بر شکست آنان اضافه خواهد شد و تبلیغات آنها به جایی نخواهد رسید، که: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه شیء».

﴿س ۲۰۱۰﴾ چه مقدار جایز است انسان در عزاداری حضرت ابا عبدالله علیه السلام سینه بزند؟
ج - تا حدی که اصل هدف عزاداری، یعنی حفظ اسلام و مبارزه با حکومت جائر، و شهادت خود حضرت و عزیزان و اسارت آن‌ها، مورد فراموشی و غفلت قرار نگیرد، و همیشه باید مسائل سیاسی و انقلابی کربلا مورد توجه باشد.

﴿س ۲۰۱۱﴾ لطمه زدن به صورت یا سینه در عزاداری اهل بیت علیهم السلام چه صورتی دارد؟
ج - راجع به عزاداری سیدالشهدا حضرت ابا عبدالله علیه السلام و هر نحو عزاداری که افراط و هتک مقام شهادت و امامت در آن نباشد، و در مسیر پیدایش راه پیروی از آن وجود مقدس باشد، جایز است؛ و حسب فرموده امام امت علیه السلام عزاداری سنتی، مانعی ندارد و نباید راه‌های جدیدی که منشأ حرف و حدیث است، انتخاب نمود کما اینکه اگر اعمال ذکر شده، به خاطر تحت تأثیر موعظه و ذکر مصیبت باشد، نه از اول امر، قطعاً مانعی ندارد.
۷۵/۸/۱۰

﴿س ۲۰۱۲﴾ آیا زنجیر زدن به پشت، سیلی زدن به صورت و یا سینه زدن که منجر به زخم شدن و خراشیدن و می‌شود و برای عزاداری امام حسین علیه السلام است جایز است؟
ج - جایز می‌باشد و مشمول اطلاقات و عمومات ابکاء و بکاء و تعظیم شعایر می‌باشد و آن چه در عزاداری و غیر آن حرام است، جنایت بر بدن است نه امثال امور که ضرردار بودنش معلوم نیست، بلکه نزد اهلیش ضرر محسوب نشده چه رسد به جنایت بر نفس، به علاوه که ظاهراً حب و علاقه و عشق به ابا عبدالله الحسین علیه السلام اختیار از دست افراد عزادار گرفته و مأجور می‌باشند.
۸۲/۵/۲۴

﴿س ۲۰۱۳﴾ آیا سینه زدن و زنجیر زدن برای ریا، جایز است؟

ج - اگر هیچ‌گونه قصد خدایی ندارد، حتی به نحو جمع بین خدا و غیر، و فقط برای خودنمایی است که با آن بتواند افرادی را تحت تأثیر خود قرار دهد و بعد در داد و ستدها و مسائل اجتماعی به نفع خود استفاده نماید، در این صورت بالخصوص به عنوان تدلیس و حيله و فریب و خدعه برای او حرام است؛ ولی غیر از این صورت همه صور دیگر با انواع نیت‌ها هیچ یک حرام نیست، غایة الامر برخی

مستحب و برخی جایز است؛ و به هر حال باب الحسین علیه السلام که از ابواب بهشت است، بابتی بزرگ و دری وسیع و بی‌حاجب و مانع است و ما هم باید دنبال توسعه باب الحسین با معرفت باشیم.

۷۸/۸/۱۶

﴿س ۲۰۱۴﴾ اگر مردان عزادار، بدن را برهنه کنند و بدون حضور زنان سینه بزنند، آیا اشکالی دارد؟

ج - جایز است، و جهتی برای عدم جواز در مفروض سؤال نیست. ۷۳/۵/۱۱

﴿س ۲۰۱۵﴾ در آمریکا مثل سایر جهان برای نوحه‌سرایی سرور شهیدان حسین ابن علی مجالسی برپاست که گاهی در این مجالس، جوانان در معابر عمومی بدون پیراهن سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌کنند. آیا این فعل مجاز است؟

ج - برای مردان از جهت پوشش بدن و لباس از جهت حکم شرعی آن فی حدّ نفسه حدّی وجود ندارد و تنها ستر عورتین بر آنها واجب است، لیکن از جهت حیای عمومی و عفت جامعه پوشش بدن برای آنها هم در حد همان حیا و عفت عمومی لازم است، بلکه واجب می‌باشد، بنائاً علی هذا برهنه کردن برخی از بدن در مراسم سینه زنی و عزاداری که منجر به ضربه زدن به عفت عمومی نبوده و نیست، منعی ندارد. آری، بعضی از فقها فرموده‌اند که اگر مرد سینه‌زن مطمئن باشد که زنان و نامحرمان نگاه به بدنش می‌اندازند باز کردن سینه و عریان نمودن برخی از بدن از باب اعانت بر اثم، حرام است؛ لیکن به نظر این جانب اعانت صدق نمی‌کند چون غرض از سینه زدن اظهار مصیبت و عشق به اباعبدالله (علیه الصلوٰة والسلام) است نه همکاری با گناه کاران در معصیت که روح بلند عزاداران حسینی از این گونه پلیدی‌ها مبرا و منزّه است و خداوند ما را جزء دوستداران اباعبدالله الحسین علیه السلام و عزادارانش که با سوز و احساسات بر سر سینه می‌کوبند و تنفر خود را از ظالمان و علاقه به مظلومان را عملاً نشان داده و به مواعظ و نصایح و اعظان عامل و مرشدان صالح حسب سنت دیرینه عزاداری توجه داشته، قرار دهد.

۸۰/۳/۱۹

﴿س ۲۰۱۶﴾ ۱. آیا هروله کردن (بالا و پایین پریدن و ذکر معصومین را گفتن) در مراسم عزاداری از لحاظ شرعی اشکال دارد یا خیر؟

۲. آیا گفتن بعضی از کلمات توسط مداحان مانند (من سگ حسینم، من دیوانه حسینم و.....) از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج ۱ و ۲- از انجام اعمال و به کار بردن الفاظی که موجب وهن و عزاداری و توهین به مقام والای ائمه علیهم السلام می‌باشد، باید پرهیز نمود و عزاداری‌ها بهتر است به همان شیوه عزاداری سنتی و روضه خوانی انجام شود. ۸۲/۴/۲۹

﴿س ۲۰۱۷﴾ همان طور که مستحضرید در مورد زیارت عاشورا دو نظریه وجود دارد عده‌ای آن را معتبر می‌دانند و قایلند حتی حدیث قدسی است و عده‌ای در سندیت آن اشکال می‌کنند و با توجه به مضامین آن و لعن‌هایش آن را بدون سند و بی‌اعتبار می‌دانند. مستدعی است در این باره ارائه طریق نموده و تحقیقات شریف را به اطلاع حقیر برسانید.

ج - سیره مستمره شیعه مخصوصاً بزرگانی از فقه و تقوی همچون مرحوم امام امت سلام الله علیه و آیت العظمی حاج آقا حسین قمی و هزاران نفر از بزرگان دیگر که به خواندن آن عنایت داشته و می‌خوانده‌اند و ذهنیت همه شیعیان و ده‌ها جهت دیگر همه و همه حجت و دلیل قوی و خدشه ناپذیر بر تمامیت زیارت عاشورا می‌باشد و اطمینان حاصل از آن‌ها به مراتب بالاتر از یک خبر و حدیث صحیح بلکه چند خبر صحیح می‌باشد؛ و بر همه ماست که حادثه عاشورا را با لعن به ظالمین و سلام بر مظلومین و راه‌های دیگر زنده نگه داریم به علاوه که بحث روایی حدیث هم خود بحث مفصلی دارد. ۸۰/۲/۲۷

﴿س ۲۰۱۸﴾ آیا پوشیدن پیراهن سیاه در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام کراهت دارد؟ در فرض عدم کراهت، آیا استحباب نیز دارد؟

ج - مکروه نیست، چرا که کراهت لباس سیاه با مصلحتی زیادتر که همان عزاداری سیدالشهدا است، مرتفع می‌گردد؛ که با عزاداری سیدالشهداست که اسلام زنده نگه داشته شده است. ۷۷/۴/۹

﴿س ۲۰۱۹﴾ لطفاً نظر خویش را در باره طبل و سنج هیئت‌های مذهبی و شبیه‌خوانی بیان فرمایید.

ج - نباید از چنین سنّت‌هایی جلوگیری نمود، و این‌گونه اعمال که در عزاداری‌ها به عنوان وسیله ابکاء و بُکاء و شور دادن به عزاداری‌ها استفاده می‌شود، نمی‌توان گفت حرام است.

۷۵/۴/۲۴

﴿س ۲۰۲۰﴾ آیا به کار بردن عَلم و علامت همراه با سنج و طبل در هیئت‌های عزاداری، جایز است؟

ج - عزاداری سنّتی مانعی ندارد.

۷۵/۲/۴

﴿س ۲۰۲۱﴾ آیا نواختن موزیک‌های انقلابی و مذهبی در هیئت‌های مذهبی که باعث تهییج احساسات انقلابی و شور و حزن مذهبی و یادآور شهادت مظلومانة سیدالشهدا (علیه السلام) می‌گردد، صحیح است یا خیر؟

ج - همه اقسام آن را نمی‌توان گفت حرام است.

۷۴/۱۱/۱۲

﴿س ۲۰۲۲﴾ آیا شبیه‌خوانی به این صورت که عده‌ای به نام حضرت اباعبدالله (علیه السلام) و دیگر یاران او، و عده‌ای به صورت عمر سعد و یارانش با تغییر لباس و اسب و طبل و دهل و شیپور با بلندگوهای گوش‌خراش و نسبت‌هایی که در نسخه‌ها کم و بیش هست و شرکت زن و مرد در این جلسات بدون حجاب و حائل، از نوع عزاداری سنّتی محسوب می‌شود و شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج - شبیه‌خوانی فی حدّ نفسه، حرام نیست؛ لیکن نسبت دروغ، و اختلاط زن و مرد،

و ایدای افراد، در همه جا حرام است و باید از آن اجتناب کرد.

۷۰/۳/۲۹

﴿س ۲۰۲۳﴾ چندین سال است که در روستای ما برنامه تعزیه‌داری، در روز عاشورا برقرار می‌شود، عده‌ای در نقش جوانان بنی‌هاشم (علیهم السلام) یک پسر بچه نه‌الی ده ساله در نقش حضرت سکینه - سلام‌الله علیها - و شخصی در نقش حضرت امام حسین (علیه السلام) و شخص دیگری در نقش حضرت ابوالفضل (علیه السلام) شبیه‌خوانی می‌نمایند. آیا این تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی، جایز است یا نه؟

ج - اگر هیچ‌گونه حرامی در این‌گونه شبیه‌خوانی‌ها وارد نشود، جایز است، و مانعی

ندارد؛ لیکن بر همگان است که بیشتر به منابر و مواعظ و مجالس روضه‌خوانی توجه داشته باشند.

۷۴/۱۲/۲۴

﴿س ۲۰۲۴﴾ آیا حمل نمودن شبیه نعش اباعبدالله علیه السلام و یا علی اصغر علیه السلام در دسته‌های عزاداری جایز است یا خیر؟

ج - سنت‌های عزاداری اباعبدالله علیه السلام به هر نحو که بر عظمت شعایر اسلامی بیفزاید، در صورتی که در نظر عرف توهین به حضرتش محسوب نگردد، جایز می‌باشد و نمی‌توان گفت حرام است.

۷۲/۷/۴

﴿س ۲۰۲۵﴾ آیا شبیه‌خوانی و تعزیه، جایز است، در حالی که لباس‌های زنانه را به مرد می‌پوشانند؟

ج - عزاداری برای اباعبدالله الحسین علیه السلام ممدوح است.

۷۶/۳/۶

﴿س ۲۰۲۶﴾ افراط در عزاداری برای ائمه علیهم السلام و ایجاد مزاحمت برای مردم به وسیله راه‌اندازی دسته‌های عزاداری در خیابان چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در چنین مراسمی جایز است؟

ج - گر چه ایجاد مزاحمت برای افراد، صحیح نمی‌باشد، اما نباید مراسم عزاداری خامس آل علیهم السلام را به بهانه‌های مختلف کم‌رنگ نمود، بلکه باید هر چه باشکوه‌تر برگزار کرد که از شعایر اسلامی می‌باشد و ثواب زیاد دارد و تعظیم شعایر لازم است و برگزاری مراسم مذهبی و حتی ملی در تمام دنیا همراه با تجمع و عبور از خیابان‌ها می‌باشد که گاهی موجب سدّ معبر هم می‌شود و عقلای عالم برای مصلحت عمومی و اقوی، این گونه مزاحمت‌ها را قبیح نمی‌دانند.

۸۰/۲/۱۶

﴿س ۲۰۲۷﴾ آیا بلند شدن و صلوات فرستادن و سایر اعمال هنگام برده شدن نام قائم

برای حضرت مهدی (عج) واجب است؟

ج - هر گونه امری که احترام به آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد مطلوب است. آری، در رابطه با ایستادن هنگام بردن لقب مخصوص آن حضرت

۸۲/۳/۹

بالخصوص وارد شده است.

﴿س ۲۰۲۸﴾ اگر درس عاشورا مقاومت در برابر جور به هر شکلی حتی فدای جان است، پس چرا ائمه علیهم السلام ما هیچ قیامی در برابر حاکمان جور نکردند؟

ج - درس عاشورا هدر دادن خون و کشتن و کشته شدن بدون هدف نیست، بلکه دفاع از دین و حفظ اسلام در مقابل دشمنان اسلام و زنده نگه داشتن احکام الهی است، که در هر زمانی با توجه به شرایط مخصوص آن زمان ائمه علیهم السلام به این مهم در حدّ اعلا همت گماشته‌اند و لذا همه آنها یا به وسیله زهر دادن و یا به وسیله نیزه و شمشیر کشته شده‌اند و هیچ یک از آنها با مرگ طبیعی نمرده‌اند و معمولاً نیز در حصر و زندان بوده‌اند.

۸۱/۲/۲

استخاره

﴿س ۲۰۲۹﴾ آیا تفأل به قرآن را جایز می‌دانید و اعتبار دارد؟

ج - تفأل به قرآن مانعی ندارد.

۷۵/۱۲/۲۸

﴿س ۲۰۳۰﴾ اکثر مردم عوام هستند، آیا مطرح نمودن استخاره از طرف دین مبین اسلام، زمینه‌ای برای جلوگیری از فکر و عقل در بین مردم نمی‌شود؟ چرا؟

ج - استخاره بعد از استشاره و بعد از به کارگیری علم و عقل است و مربوط به موارد تحیر می‌باشد.

۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۱﴾ نظر کلی حضرت عالی راجع به استخاره چیست و برای اطلاع بیشتر به چه منابعی باید رجوع نماییم؟

ج - امری است که در جا و محل خودش؛ یعنی تحیر، درست می‌باشد و برای اطلاع بیشتر به کتاب کشف الاسرار امام خمینی (سلام الله علیه) و کتاب الصلاة جواهر مراجعه فرمایید.

۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۲﴾ فرق استخاره و قرعه‌ای که همراه با خیر خواهی نمودن از خداوند است، چیست؟

ج - قرعه در موارد استخاره راه ندارد و دلیلی بر مشروعیتش نیست.

۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۳﴾ آیا استخاره باقرآن یا تسبیح و یا انواع دیگر آن صحیح می باشد و در صورت صحت، کدام یک بر دیگری اولی می باشد؟

ج - هر دو درست است و دلیل بر اولویت یکی بر دیگری نیافتیم. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۴﴾ آیا استخاره باقرآن یا تسبیح یا استخاره ذات الرقاع از نظر اسلام در مسائل مهم زندگی و تصمیم گیری های مهم، صحیح است یا خیر؟

ج - مشورت با خداوند متعال و استخاره از طرق مأثوره برای رفع تحیر، اشکال ندارد و تحیر در موقعی است که انسان از عقل و علم خود و مشورت با دیگران نتوانسته به نتیجه ای برسد.

﴿س ۲۰۳۵﴾ کیفیت استخاره ذات الرقاع را بیان فرمایید.

ج - از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است: «هرگاه امری را اراده کنی، شش رقعۀ کاغذ بگیر و در سه تایی آن ها بنویس «بسم الله الرحمن الرحيم، خَيْرَةٌ مِنْ الله العزيز الحكيم لفلان بن فلانه لا تفعل و در سه رقعۀ دیگر به جای لا تفعل می نویسی افعَل و به جای فلان بن فلانه اسم خود و مادر خود را بنویس، پس آن رقعۀها را در زیر سجاده خود گذار و دو رکعت نماز به جای آور، چون فارغ شدی به سجده برو و صد مرتبه بگو: «أَسْتَخِيرُ الله بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ» پس درست بنشین و بگو: «اللَّهُمَّ خُزْلِي وَخُزْلِي فِي جَمِيعِ امُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ»، پس رقعۀها را مخلوط کن و یک یک آن ها را بیرون آور و اگر سه افعَل پیاپی آمد، آن کار را بکن و اگر سه لا تفعل پیاپی آمد، آن کار را نکن و اگر بعضی افعَل و بعضی لا تفعل تا پنج دفعه بیرون آور، اگر افعَل بیشتر است عمل کن و اگر لا تفعل بیشتر است، ترک کن و حاجت نیست به بیرون آوردن رقعۀ ششم والله العالم.

﴿س ۲۰۳۶﴾ آیا عمل به استخاره (با شرایط صحیح آن) واجب است؟

ج - واجب شرعی نمی باشد. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۷﴾ چرا اگر جواب استخاره بد شود، حتماً باید آن عمل را ترک نمود ولی اگر

خوب باشد انسان می تواند به آن استخاره عمل نکند؟

ج - نه در عمل نکردن به استخاره، الزام شرعی وجود دارد و نه در عمل کردن به آن با

فرض خوب بودن آن. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۸﴾ اگر استخاره خوب بیاید و بعداً انسان در مورد آن، سختی و مشکلات و ضرر ببیند، می‌گویند خیر و صلاح شما در همان بوده، خوب در این صورت، استخاره چه معنی دارد؟ چون در حالت عادی نیز هر امری برای انسان مؤمن واقع می‌شود خیر و صلاح او می‌باشد.

ج - الزام به استخاره نبوده تا اشکال بر استخاره وارد شود و کسی که این مشکل را دارد از اول استخاره نمی‌کند و از طرفی استخاره الزام نداشته. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۳۹﴾ اگر شخصی کثیرالاستخاره باشد، آیا عمل او به استخاره‌ها صحیح است؟
ج - اگر وسواس نباشد، مانعی ندارد. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۴۰﴾ آیا تکرار استخاره در موضوعی صحیح است. یعنی اگر استخاره بد بیاید؛ انسان دوباره استخاره نماید و یا به عکس؟

ج - با فاصله چند روز، مانعی ندارد. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۴۱﴾ استخاره یک فرد برای دیگری صحیح است یا خیر؟ چرا؟

ج - آری، صحیح است و نیابت در دعا و استخاره می‌باشد. ۸۲/۱۲/۹

﴿س ۲۰۴۲﴾ استخاره در مورد واجب و مستحب و مباح و مکروه و حرام چه صورت دارد؟

ج - استخاره برای عمل به احکام لازمه خداوند، نادرست است. ۸۲/۱۲/۹

مقررات دولت‌ها و حکومت‌ها

﴿س ۲۰۴۳﴾ حدود مقررات جمهوری اسلامی حکمش چیست؟ حرمت یا کراهت، مثلاً چراغ قرمز است و ما عبور می‌کنیم، یا از خیابان یک طرفه گذشتن و جنس قاچاق آوردن و ...

ج - تخلف از مقررات که برای حفظ جان و مال و حقوق دیگران وضع شده، حرام است، و بین مقررات و کشورها فرقی نیست. ۷۶/۹/۵

﴿س ۲۰۴۴﴾ قانون‌های بین‌المللی که دولت‌های مختلف آن را امضا کرده‌اند، آیا عمل به آن‌ها واجب و تکلیف‌آور است یا نه؟

ج - آری، واجب است و وجوب عمل به تعهدات، قطع نظر از مسئله وجوب حفظ نظام و انتظامات، خود فی حدّ نفسه به عنوان یک حقّ انسانی، واجب است.

۷۹/۲/۲۸

﴿س ۲۰۴۵﴾ چیزی که در جامعه مفسده به بار می‌آورد و یا باعث اختلال نظام اجتماعی می‌شود، حکمش چیست؟

ج - حرام است، و حرمتش قطع نظر از عظم و کبرش جزو بدیهیات و ضروریات اسلام است، و عقل و نقل بر لزوم ترکش متفق‌اند و هر امری که احتمال انجرار به اختلال نظام را بیاورد، حرام و باید از آن جلوگیری شود.

۷۱/۷/۷

﴿س ۲۰۴۶﴾ تعهداتی که مسلمانان در زمینه مسائل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از طرف حکومت یا اشخاص حقیقی و حقوقی با کشورهای غیراسلامی و یا افراد غیر مسلم منعقد می‌نمایند، آیا شرعاً تعهدآور بوده و التزام به آن واجب است یا خیر؟

ج - آری، واجب است؛ وجوب عمل به تعهد قطع نظر از مسئله وجوب حفظ نظام و انتظام‌ها، خود فی حدّ نفسه به عنوان یک حقّ انسانی واجب می‌باشد و در اخبار به انسانی بودن این حق تصریح شده، و در روایت آمده که ثلاثة لا عذر لا حد فیها الخ... نیکی به پدر و مادر، وفای به عهد و ادای امانت.

﴿س ۲۰۴۷﴾ افراد مسلمان که ویزای کشورهای غیر اسلامی را اخذ می‌نمایند تا مدّتی را در آن کشور ساکن باشند، همچنین افرادی که به دلایلی تابعیت کشوری را برمی‌گزینند، آیا باید به تمامی مقررات آن کشور (به شرطی که با اصول و ضروریات اسلام در تضادّ روشن نباشد) احترام گزارده و بدان پایبند باشند و اگر فرد مسلمان در آن بلاد جرایم مالی مرتکب شد، شرعاً ضمان دارد یا این که چنانچه جرم نسبت به غیر مسلمان واقع شده باشد، شرعاً ضمانتی ندارد ولو این که فرضاً حکومت آن کشور هم بازخواست ننماید؟

ج - باید به تمام مقررات آن کشورها که در ضدّیت آشکار با اصول و ضروریات

اسلام نباشند، عمل نمود و آن مقررات به حکم حفظ نظام و نظم در جامعه که واجب شرعی و عقلی است، لازم‌الرعايه می‌باشند و نتیجتاً مقررات همان مملکت نسبت به ضمان و ضمانت، لازم‌الرعايه بوده و هست. ۷۹/۱۰/۱

﴿س ۲۰۴۸﴾ آیا حرمت یا عدم جواز قاجاق، یک حکم حکومتی است یا فقهی؟

ج - حرمت قاجاق و وجوب عمل به قوانین آن، خود حکم شرعی اسلامی است و در حرمت آن و عدم جواز، و تخلف از مقررات آن اختصاص به حکومت اسلامی هم ندارد، بلکه رعایتش نسبت به همه افراد و در تمام ممالک لازم و واجب است و وجوب آن از باب مقدمه وجوب حفظ امنیت و جلوگیری از هرج و مرج و لزوم رعایت حقوق افراد و نظام حاکم حافظ امنیت و حقوق مردم و غیر اینها از جهات لازم‌الرعايه می‌باشد، پس تخلف از آن واجبات حرام و حرمتش ضروری و بدیهی است؛ و اسلامی که طرفدار نظم و نظام و امنیت و حفظ حقوق ملت‌ها و انسان‌هاست، بالضروره قوانینی که در کشورها برای رعایت آن جهات وضع می‌شود، واجب‌الرعايه می‌داند و تخلفش را حرام، آن هم حرامی بزرگ و معصیتی کبیره دانسته و می‌داند. ۷۹/۹/۱۴

﴿س ۲۰۴۹﴾ آیا در تعهداتی که الزام‌آور است اختیار متعهد و عدم اکراه او، شرط است یا خیر؟ چنانچه فرد یا ارگانی، شخصی را مجبور به سپردن تعهدی خاص نماید، به گونه‌ای که اگر وی آن تعهد را ندهد ضرر مالی یا معنوی قابل توجهی به او می‌رسد و در نتیجه وی با اکراه تعهد دهد، آیا شرعاً موظف است به آن تعهد عمل نماید؟

ج - هر تعهدی که همراه با تهدید و توعید از طرف شخص حقیقی یا حقوقی حاصل شود، تعهدیت و لزوم وفا و صحت ندارد، و شرطیت اختیار در مقابل جبر و اکراه از مسلمات شرایط عقود و عهود و ایقاعات است. آری، جبرها و اضطراها که از ناحیه تهدید انسانی نباشد، بلکه مربوط به خود انسان باشد هرچند به وسیله جهات خارجیّه، موجب بطلان نیست. ۷۸/۶/۱۱

﴿س ۲۰۵۰﴾ آیا حاکم اسلامی می‌تواند در قراردادی که میان کارگر و کارفرما منعقد می‌شود دخالت کند و شروطی را الزاماً به نفع کارگر برقرار سازد؟
ج - مجلس شورای اسلامی می‌تواند در این گونه امور دخالت قانونی نماید.

۷۹/۱۰/۱۸

﴿س ۲۰۵۱﴾ در قانون مجازات اسلامی در مواد ۶۱۲ و ۶۱۳ «تکدی‌گری» را جرم دانسته و برای آن مجازات حبس تعیین نموده است. لذا مستدعی است علاوه بر وصف جزایی و حرمت شرعی آن بفرمایید مسئول پیشگیری، پیگیری و رسیدگی به آن در نظام جمهوری اسلامی کدام مرجع است؟

ج - قدر متیقن از روایاتی که نهی از سؤال نموده، جایی است که سائل تدلیس نماید و تکدی‌گری را به عنوان شغل قرار دهد و اظهار نیاز او برای تحصیل مال باشد و تکدی هم معمولاً به همان نحو، حرام است و قرار دادن مجازات هم به علت همین غلبه است؛ و اما حرمت سؤال فی حدّ نفسه ولو سؤال به کف که به خاطر ضرورت زندگی و رفع مشکل فقر باشد، یعنی جایی که چاره‌ای برای تهیّه قوت و نفقه روزمره خودش آن هم در حدّ نازلش به غیر از سؤال ندارد، ظاهراً دلیل مطمئنی بر حرمتش نیست، کما این که سؤالی که تکدی نباشد مثل این که فرض شود با اظهار غنا و بی‌نیازی، سؤال می‌کند، آن هم دلیلی بر حرمتش فی حدّ نفسه نمی‌باشد. ففی الجواهر: «ثم إنه قد يستفاد من النصوص المزبورة بل و الفتاوی عدم حرمة السؤال بالكف فضلاً عن غيره، وإلا لكان المتجه فيه تعليل ردّ الشهادة به، اللهم إلا أن يحمل ذلك على عدم الحكم بفسقه بمجرد سؤاله بالكف الذي يمكن أن يكون لضرورة، إذ فعل المسلم محمول على الوجه الصحيح مع الامكان، فتردّ شهادته لسؤاله وإن كان على ظاهر العدالة. و لكن لا يخفى عليك أن هذا بعد فرض معلومية حرمة السؤال ولو بالكف مع فرض عدم التدليس به، كما لو صرح بغناؤه عن ذلك، وهو وإن كان مغروساً في الذهن و النصوص المستفيضة بالنهاي عن سؤال الناس، لكن كثيراً منها محمول على بعض مراتب الأولياء، وهو الغناء عن الناس و الالتجاء إلى الله تعالى و آخر محمول على المدّس باظهار الحاجة و الفقر لتحصيل المال من الناس بهذا

العنوان، و هم الذّین یسألون التّاس إلحافاً عکس الذّین یحسبهم الجاهل أغنیاء من التّعفف، و أمّا حرمة السؤال من حیث کونه سؤالاً ولو بالكف فلا دلیل مطمئن به علی حرمته و إن کان ذلك مغروساً فی الذهن فتأمل»^۱.

علاوه بر این، فرار دادن مجازات می‌تواند به دلیل عناوین دیگر و از باب حکومت باشد، از جمله اختلال در امور اجتماعی، تضعیف نیروی کار، تزییع آبروی اقتصادی در اجتماع که با تصویب قانون توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود و مسئول پیگیری فرد یا افرادی هستند که قانون مصوب، مسئولیت را به عهده آنان گذاشته است. ۷۹/۳/۱۸

﴿س ۲۰۵۲﴾ چنانچه مستحضر هستید امروزه دولت برای تأمین هزینه‌های جاری خود از جمله احداث مدرسه، ساخت جاده، امور بهداشتی، رسیدگی به امور فقرا و... از مردم به صورت‌های مختلف مالیات می‌گیرد. آیا گرفتن چنین مالیات‌هایی برای دولت، شرعاً جایز است؟

ج - تشریح مالیات و گرفتن آن اولاً از باب مقدمه واجب، جایز بلکه واجب است به دلیل آن که ایجاد و حفظ حکومت مشروعه اسلامی یعنی حکومت عدل و قانون الهی، بر همه مکلفان عقلاً و شرعاً واجب است، تا مردم در ظلّ آن به کمال و سعادت انسانی که همان عبودیت الهی و قیام بالقسط است رسیده، تا از استبداد، ظلم، بردگی، محرومیت از حقوق اجتماعی و استعمار رهایی یابند؛ لذا طبیعی است که حکومت و اجرای مقاصد آن و رسیدن به اهداف و اجرای احکامش، در طول تاریخ مستلزم مئونه و مخارج بوده، و چون مالیات هم برای همان مئونه‌ها وضع می‌شود و حفظ و ابقای حکومت علی المفروض بل عین المأخوذ فی حقیقه الضرائب موقوف بر وضع و پرداخت آن می‌باشد، به حکم مقدمیت برای واجب (یعنی حفظ نظام و جمهوری اسلامی که از اوجب واجبات است)، واجب و لازم عقلی است و حکم مقدمه واجب را دارد، پس پرداخت مالیات بر مکلفان لازم است و بر مسئولین و اداره‌کنندگان امور حکومت نیز اخذ آن نه تنها جایز،

۱. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۸۲-۸۳.

بلکه واجب است؛ و اگر خودشان نپردازند از باب امر به معروف (با رعایت شرایط آن) الزام به پرداخت جایز بلکه واجب است؛ و ناگفته نماند که احکام مرقومه، در مورد مالیاتی است که همهٔ جهات دخیل در زیاد شدن بودجه از طریق مالیات مانند کار کارشناسان اقتصادی از اهل خبره و ایجاد امنیت همه جانبه قضایی، جزایی و سیاسی (که ارزش پول داخلی را بالا می‌برد و منشأ توسعه اقتصادی می‌شود) و کم کردن هزینه‌های غیر ضروری و جلوگیری از تشتت بودجه‌ها و واریز نشدن همهٔ آن‌ها به خزانه و جلوگیری از خیانت و به‌کارگیری افراد غیر متعهد و با نظر صحیح و مردمی، ملحوظ و مراعات شده باشد، وگرنه یا توقف و مقدمیت حاصل نمی‌شود و یا مشروعیت آن از بین می‌رود؛ ثانیاً از باب حرمت عمل و شبهه معاوضه و عقود و شروط می‌توان حکم به جواز نمود، چون انسان به حکم عقل و نقل برای زندگی اجتماعی نیاز به حکومت دارد و حکومت خدمات و اعمالی را که توسط وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها (که همان حکومت است با فرق اعتباری و کثرت در ملت) برای مردم انجام می‌دهد و این اعمال به حکم حرمت عمل چون تبرعی نمی‌باشد و نمی‌تواند تبرعاً انجام دهد، لذا موجب استحقاق اجرت و عوض است و مالیات‌ها وقتی صحیحاً وضع شود (همان طور که مرقوم شد) اگر کم‌تر از عوض و اجرت‌المثل و ارزش آن نباشد، قطعاً اضافه بر آن نیست، نتیجتاً حکومت مستحق آن مالیات است و اعمال حکومت هم قطع نظر از لزوم و جواز شرعی، حسب خواسته و رضایت خود مردم می‌باشد، بدین جهت شبهه معاوضه و عقدی هم انجام گرفته است؛ و گفته نشود که بعضی از مکلفان راضی به حکومتی که مالیات اخذ نماید نیستند. (و لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه) چون جوابش با قاعدهٔ نفی ضرر و حرج، بلکه قاعدهٔ قبیح هرج و مرج و وجوب حفظ نظم داده می‌شود، یعنی سلطه بر مالش به وسیلهٔ آن قواعد منفی است، مضافاً که حق دیگران و حکومت از عین و دین باید ادا گردد، و الا من له الحق به حکم حشش اخذ می‌نماید، هرچند طرف راضی نباشد و در ادای حق الناس، قصد قربت معتبر نیست.

﴿س ۲۰۵۳﴾ آیا سدّ معبر و مزاحمت‌هایی که در عبور و مرور عمومی ایجاد اخلال می‌کند و خلاف مقرّرات قانونی است، شرعاً جایز است؟

ج - سدّ معبر و مزاحمت در عبور و مرور مردم، در راه‌های عمومی که همه از آن استفاده می‌کنند، حرام است، و عقل و سیره عقلاً و نقل، بر حرمتش دلالت دارد.
۷۹/۵/۱۶

﴿س ۲۰۵۴﴾ نظر حضرت عالی در باره دانش آموزانی که در مدارس، مشغول به تحصیل می‌باشند و از هزینه‌های بیت‌المال استفاده کرده اما درس نمی‌خوانند، چیست؟

ج - تابع قوانین و مقرّرات آموزشگاه می‌باشد. اما به هر صورت تضييع بیت‌المال به هر طریقی باشد جایز نیست، ضمن این که با توجه به شرایط موجود و نیاز اسلام و مسلمین به تحصیل کرده‌های متدین، درس نخواندن، خلاف انصاف نیز هست.
۸۱/۱۰/۲۹

﴿س ۲۰۵۵﴾ اموالی که تحت عنوان هدیه از طرف اداره آموزش و پرورش به مدارس داده می‌شود، در صورتی که گیرنده اموال، اموال را در یک مدرسه گرفته و قبل از مصرف، به مدرسه دیگر منتقل شده، آیا می‌تواند در این مدرسه آن‌ها را خرج کند؟

ج - هدیه دولتی تابع مقرّرات است، و غیر دولتی تابع نظر هدیه کننده است، و تخلف از مقرّرات و نظر هدیه کننده، هرچند از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر، جایز نیست.
۷۴/۷/۴

﴿س ۲۰۵۶﴾ از محل درآمدهای متفرقه از قبیل سود فروشگاه تعاونی مدارس، کمک افراد خیر به آموزش و پرورش و ... هزینه‌هایی برای برگزاری مراسم جشن و تهیه جوایز برداشته می‌شود، این مسئله چه حکمی دارد؟

ج - سود تعاونی تابع مقرّرات و قرارداد تعاونی است، و در امور خیریه، تابع قصد صاحبان خیر است.
۷۲/۲/۱۱

﴿س ۲۰۵۷﴾ برادرم به واسطه دوستش که مدیر عامل جهاد سازندگی است با رابطه‌اواز شرکت تعاونی جهاد، احتیاجات ارتزاقی خود را به قیمت تعاونی تهیه می‌نماید، با توجه به مبرهن بودن موضوع برای خودم، آیا می‌توانم به عنوان میهمان از آن لوازم خوراکی

در خانه برادرم استفاده کنم؟ آیا استفاده از لوازم خانگی (فرش، تلویزیون و...) که از آن تعاونی به نرخ دولتی (بدون دفترچه مخصوص کارکنان) برای دیگران می‌خرد، صحیح است؟

ج - اگر احراز اجازه اداری بشود، عمل جایز است وگرنه تخلف از مقررات است و سبب تضييع حق ديگران و در نتیجه حرام می‌باشد، اما تصرف در اموال او تا یقین به حرمت نباشد، چون از راه حلال هم درآمد دارد و از آنجا هم مواد غذایی و فرش تهیه می‌کند، مانعی ندارد، اما اگر آنچه مورد استفاده قرار می‌گیرد، اطمینان هست که از راه‌های ذکر شده تهیه نموده، تابع حلیت و حرمت آن‌هاست. ۷۵/۲/۱۷

﴿س ۲۰۵۸﴾ طبق بخشنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی استفاده اختصاصی از وسایل نقلیه بنیاد برای کارکنان بجز سرپرستان ممنوع است. لذا خواهشمند است چنانچه موارد استثنا بلاشکال بوده و توجیهی دارد، نظر شریف را مرقوم فرمایید.

ج - بخشنامه‌های مسئولین، مخصوصاً در رابطه با امور مالی که صاحب اختیار آن می‌باشند، لازم‌الرعايه است؛ و باید توجه داشت که تفاوت، غیر از تبعیض است و تفاوت مذموم نیست. ۶۹/۹/۱۰

﴿س ۲۰۵۹﴾ استفاده از دفترچه بیمه دیگران، برای شخص استفاده‌کننده و صاحب دفترچه که آن را در اختیار دیگری گذاشته، چه حکمی دارد؟

ج - هر دو مرتکب حرام شده‌اند و ضامن نیز هستند. ۷۴/۹/۱۳

﴿س ۲۰۶۰﴾ استفاده نمودن از وسایل نقلیه دولتی به هنگام مرخصی برای مسافرت، چه حکمی دارد؟

ج - تابع مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی می‌باشد. ۷۵/۵/۴

﴿س ۲۰۶۱﴾ آیا می‌توان مفاد آیین‌نامه یا بخشنامه‌های دولتی را انجام نداد، به این دلیل که مخالف مباحث فقهی اسلام یا شرع است؟ اگر جایز نیست، تکلیف چیست؟

ج - هیچ آیین‌نامه یا بخشنامه‌ای نمی‌تواند مجوز امر خلاف شرع باشد که «لأطاعة لمخلوق في معصية الخالق».

۷۴/۱۲/۱۴

﴿س ۲۰۶۲﴾ شخصی مبلغی پول بابت کشیدن لوله اصلی آب (شاه لوله) برای منزل خودش به سازمان آب پرداخت کرده است. افرادی بدون اجازه از پرداخت کننده وجه لوله اصلی، از این لوله انشعاب گرفته‌اند، حکم آن چیست؟

ج - جواز و عدم جواز به نظر مسئولین سازمان آب و مقررات آن سازمان بستگی دارد.

﴿س ۲۰۶۳﴾ ۱. طبق مقررات و ضوابط، مسافری می‌بایستی برای استفاده از اتوبوس بلیط تحویل نمایند که در بعضی مواقع به علت‌های مختلف از ارائه آن خودداری می‌نمایند. در این صورت، دو اتفاق می‌افتد یا اصلاً بلیط نمی‌دهند و یا اینکه وجه آن را به راننده می‌دهند که هر دو خلاف است، این موضوع از نظر شرع مقدّس چه حکمی دارد؟

۲. رانندگان اتوبوسرانی در ازای ساعات کارکرد خود، حقوق دریافت می‌کنند. اما عده‌ای از آنان بلیط دریافتی از مسافری را محو نکرده و نگهداری می‌کنند و از مسافری دیگری که بلیط ندارند وجه دریافت کرده و مابقی را هم بلیط می‌دهند و وجوه حاصله را به نفع خود برداشت می‌کنند. شارع مقدّس در این خصوص، چه حکمی دارند؟

ج - تخلف از مقررات امثال شرکت‌های اتوبوسرانی، همانند تخلف از مقررات بقیه شرکت‌ها و موسسه‌های مالی، از باب تخلف از عقود اجاره و غیره می‌باشد که حرام و معصیت و موجب ضمان است. این بود حکم کلی مسأله و از خصوصیات ذکر شده در سؤال اطلاع ندارم.

۸۲/۹/۲۲

﴿س ۲۰۶۴﴾ اگر تمام کشورهای اسلامی یک کشور به حساب آید در این صورت آیا بعض کشورهای اسلامی می‌توانند مهاجرین مسلمان بعض کشورهای اسلامی دیگر را به زور و اجبار از کشورشان خارج کنند؟

ج - اگر چه کلیه انسان‌ها در حقوق با هم مساوی هستند، اما هر کس در هر کشوری زندگی می‌کند، باید به نظامات آن کشور احترام بگذارد.

۸۳/۲/۲۴

﴿س ۲۰۶۵﴾ تخریب، سرقت، آسیب رساندن و خروج اموال تاریخی - فرهنگی از کشور - با توجه به این که قانوناً جرم و قابل تعقیب و مجازات است - دارای چه مبنای شرعی و فقهی می باشد؟

ج - مبنای آن‌ها محترم بودن همه نظام‌های حکومت‌ها و حفظ ارزش‌های ملی و علمی و فرهنگی هر نظامی است، مگر آن که ظالمانه بین الغی باشد که در آن صورت احترام ندارد. ۸۱/۲/۲۷

﴿س ۲۰۶۶﴾ آیا تخریب و آسیب رساندن به آثار تاریخی و فرهنگی دوران پیش از اسلام به دلیل محو آثار طاغوت صحیح است؟

ج - بستگی به مقررات دارد و حکم کلی خاص ندارد. ۸۱/۲/۲۷

﴿س ۲۰۶۷﴾ تخریبات و حفاری‌های غیر مجاز اماکن تاریخی که با توجه به اهمیت میراث فرهنگی در کشور، قانون تعزیرات، تخریبات و غارت این میراث را ممنوع اعلام کرده است، به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج - عمل به مقررات و قوانین میراث فرهنگی لازم و تخلف از آن و تخریب و از بین بردن آن‌ها - قطع نظر از این که تخلف از قوانین و مقررات جاریه‌ای می باشد که برای حفظ ارزش‌ها قرار داده می شود - هم مانند تخلف از مقرراتی که برای حفظ امنیت و اجرای عدالت و رعایت حقوق انسانی - اسلامی قرار داده شده حرام و غیر جایز است و از جهت تصرف در اموال ملی و عمومی نیز حرام می باشد و مشمول قاعده حرمت تصرف در مال غیر بدون رضایت است. آری، ناگفته نماند در اختیار قرار دادن میراث‌های فرهنگی که مربوط به افراد حقیقی یا حقوقی است به علاوه از احتیاج داشتن به مجوز قانونی باید حتماً رضایت مالک از جهت قیمت و مالیت آن جلب شود؛ چون هر خرید و فروش و معامله روی اموال دیگران باید همراه با رضایت انجام گیرد تا تصرف و در اختیار قرار دادن آن‌ها جایز و حلال باشد و الا اکل مال به باطل و حرام و ظلم و معصیت کبیره و تصرف در حقوق دیگران است. ۸۱/۲/۱

﴿س ۲۰۶۸﴾ نظر جناب عالی در مورد قانونی که به موجب آن ایران، شهروندی فرزندان زنان ایرانی را که از مرد غیر ایرانی می‌باشند قبول ندارد، چیست؟ آیا این تبعیض بر مبنای جنسیتی نیست؟

ج - این گونه مقررات در مملکت‌ها برای رعایت حقوق دیگران و نظام‌های مملکتی است و اساساً ما وقتی که مرز را پذیرفته‌ایم امثال این گونه قراردادها تابع آن می‌باشد و اگر مشکلی باشد باید با قانون رفع گردد و شرع نظر خاصی در مورد سؤال ندارد و معیار، نظر نمایندگان مردم هر مرز و بومی می‌باشد. ۸۰/۶/۲۷

صله رَحِم

﴿س ۲۰۶۹﴾ آیا صله رحم واجب است و ترک صله رحم حرام است یا آن که قطع آن است که حرام است و صله رحم واجب نیست؟

ج - صله رحم که همان احسان و نیکی کردن و اظهار علاقه و دوستی نسبت به خویشان است واجب نمی‌باشد، بلکه مستحب است، و به علاوه از اجر اخروی سبب طول عمر هم می‌شود، و اما قطع رحم، یعنی دشمنی نمودن و بغض و کینه نسبت به ارحام، حرام و بعضی مراتبش از معاصی کبیره است. ۸۶/۷/۱۷

﴿س ۲۰۷۰﴾ صله رَحِم چه زمانی باید انجام شود؟

ج - انجام صله رَحِم در همه وقت مناسب است و وقت خاصی برای آن معین نشده است. ۷۱/۱۱/۱۷

﴿س ۲۰۷۱﴾ اگر انسان با بعضی از خویشاوندان به دلایلی نتواند و صلاح نداند که به قدر کافی رفت و آمد کند، و برای نجات خود از بعضی معاصی ارتباط خود را به حداقل برساند، آیا این قطع رَحِم محسوب می‌شود؟

ج - قطع رَحِم محسوب نمی‌شود، چون در صله رَحِم کیفیت خاصی ملحوظ نشده، همین قدر که گفته شود با اقوامش ارتباط دارد، ولو تلفنی، کافی است. آری، اگر نیازهای آنان را در حدّ توان انجام دهد، نیکوست. ۶۸/۲/۱۲

﴿س ۲۰۷۲﴾ افرادی که با بهاییان نسبت فامیلی نزدیک دارند، با توجه به تأکیدی که در آداب اسلامی و آیات و روایات در مورد صلهٔ رَحِم وجود دارد، در مورد ارتباط با آنان چه وظیفه‌ای دارند؟ آیا آنان رَحِم به حساب می‌آیند یا خیر؟

ج - صلهٔ رَحِم با آنها حکم صلهٔ رَحِم با دیگران را دارد و در صلهٔ رَحِم کیفیت خاصی ملحوظ نشده، بلکه همین قدر که گفته شود با اقوامش ارتباط دارد ولو تلفنی، کافی است، خصوصاً اگر بداند که می‌تواند در آنها تأثیر مثبت بگذارد. آری، اگر ارتباط موجب انحراف و یا تشکیک در عقاید گردد، قطع رابطه واجب و لازم است. ۷۹/۹/۱۵

﴿س ۲۰۷۳﴾ با توجه به این که یکی از اقوام نزدیک این جانب معتاد است و سال هاست که از طریق رباخواری زندگی می‌کند. لطفاً حکم رفت و آمد به خانهٔ او و خوردن غذا را بیان فرمایید؟

ج - به مقداری که قطع رَحِم محسوب نشود، رابطه لازم است، چون قطع رَحِم، حرام است و اگر یقین حاصل شود که عین این غذا از پول ربا تهیه شده، خوردن آن غیر جایز ولی معمولاً چنین یقینی حاصل نمی‌شود و استفادهٔ باشک، جایز است.

۸۶/۷/۱۷

﴿س ۲۰۷۴﴾ در مواردی که احتمال گناه تا حد نسبتاً بالایی وجود داشته باشد، آیا قطع رَحِم جایز است؟

ج - قطع رَحِم جایز نیست، مگر آن که مطمئن شود به گناه آلوده می‌شود. ۷۶/۷/۱۹
﴿س ۲۰۷۵﴾ شخصی ارثیه‌اش به دست پسرعموهایش به تاراج رفته، عمو و عمه در مقابل این حق‌کشی و ستم، کوچک‌ترین دفاعی از حق مظلوم ننمودند، در نتیجه با عمو و عمه و پسرعموها قطع مراوده نموده است. قاطع رَحِم، چه کسی است؟

ج - قاطع رَحِم کسی است که به خویشان خود ظلم کرده و یا با داشتن قدرت برای رفع ظلم، جلوی ظلم را نگرفته است، و به هر حال صلهٔ رَحِم نسبت به رَحِمی که با انسان دشمنی نموده (اگر سبب زیادتی دشمنی و تشویق به ظلم نباشد)، هر چند مشکل است، لیکن باعث اجر و ثواب زیادتری است. ۷۴/۱۲/۲۳

﴿س ۲۰۷۶﴾ مادرم با بنده بسیار بد رفتار است و همیشه به من امر می کند که باید هر چه برادر بزرگترم می گوید گوش کنم هر چند حرف او غیر منطقی باشد و در ضمن تفاوت زیادی از لحاظ عاطفی و محبت میان ما وجود دارد به طوری که کارهای مادرم باعث شده من دچار مشکلات روحی و روانی شوم، شما می فرمایید من چه کار کنم؟

ج - پدر و مادر حق حیات بر انسان دارند، لذا در قرآن کریم سفارش شده نسبت به آنها احترام و احسان کنید و قرآن راضی به اُف گفتن هم نسبت به آنها نشده است بنابراین پدر و مادر هر چند با شما تندی کنند شما با آنها مهربانی کنید و بدانید خداوند پاداش نیکی های شما را نسبت به آنها خواهد داد و بدانید که پدر و مادرها معمولاً خیر و صلاح فرزندان را در نظر دارند و شما هم بنا را بر همین امر قرار دهید تا از فشارهای روحی شما کاسته شود و نیکی به پدر و مادر و اطاعت آنها عبادت است. ۸۱/۱/۱۱

﴿س ۲۰۷۷﴾ نحوه برخورد اولیا با فرزندان چگونه باید باشد؟

ج - برخورد اولیا با فرزندان باید با عطف و مهربانی باشد و از اذیت و ضرب و شتم نسبت به آنها باید احتراز نمود و تعلیم باید با اندیشه و محبت و مهربانی همراه باشد نه با ضرب و تهدید که معمولاً اثر معکوس دارد. ۸۰/۱/۲۲

﴿س ۲۰۷۸﴾ فرزندان مادر پیری، نگهداری او را بین خود تقسیم کرده اند ولی یکی از فرزندان، از نگهداری مادر خود ابا می کند و حتی او را مورد ضرب و شتم قرار می دهد، تکلیف دیگر فرزندان در قبال مسأله چیست؟

ج - احترام به پدر و مادر از اموری است که بسیار مطلوب می باشد و خداوند در قرآن کریم بعد از سفارش انسانها به بندگی، احسان به پدر و مادر را سفارش کرده است و همچنین خداوند متعال کوچک ترین اهانت به آنها حتی به اندازه یک اُف گفتن را نهی نموده است و در هیچ حالی انسان نمی تواند احترام به پدر و مادر را ترک و اهانت به آنها نماید و کوتاهی یک فرزند، مجوزی برای کوتاهی دیگر فرزندان نیست و باید توجه داشت که نیکی و احسان به پدر و مادر نه تنها سبب بردن ثواب و اجر در آخرت می شود، بلکه فوق العاده در رفاه و راحتی

و آسایش زندگی دنیوی هم موثر است، کما این که عکسش هم یعنی خدای ناخواسته بدی در حق آنها هم زندگی در دنیا را همراه با گرفتاری اقتصادی و مشکلات زندگی می‌نماید و برای اطمینان زیادتر تأثیر خوبی و بدی به پدر و مادر در زندگی می‌توان از افرادی که در این کار تجربه داشته‌اند استفاده نمود و باید به همه فرزندان و دوستان بگوییم: بنده هم در زندگی، موفقیت‌های خود را مرهون نیکی به پدر و مادر می‌دانم و همه رفقا و دوستان این جانب به این معنی اتفاق نظر دارند و نسبت به مادر گرچه در دوران کودکی این جانب فوت نموده، اما آن قدر با زن پدر خود نیکی نموده‌ام که ماندن نزد ما را بر ماندن نزد فرزندان ترجیح می‌داد.

۷۹/۱۱/۲۸

﴿س ۲۰۷۹﴾ آیا امر پدر بر ترک مستحب و فعل مکروه، واجب‌الاطاعت است؟ و امر پدر بر فعل مستحب یا مباح و ترک مکروه چه نقشی دارد و چه تکلیفی را برای فرزند بوجود می‌آورد؟

ج- لزوم اخلاقی دارد نه شرعی و قدر متیقن از ادله، حرمت ایذای آنهاست نه اطاعت مطلقه. آری، احسان مطلوب است.

۷۷/۸/۱۵

﴿س ۲۰۸۰﴾ در مقام تعارض بین امر پدر و همسر، اطاعت از کدام یک برزن لازم است؟

ج- اولاً تعارضی بوجود نمی‌آید، چون آنچه نسبت به پدر است، وجوب ترک ایذا است و آنچه نسبت به شوهر است وجوب تمکین می‌باشد؛ ثانیاً بر فرض تراحم، تمکین نسبت به شوهر مقدم است، چون اطاعت از والدین بر فرض وجوب مختص به موردی است که مزاحم با حقوق دیگران نباشد و حقوق الناس بر حق الله، مقدم است.

۷۷/۸/۱۵

﴿س ۲۰۸۱﴾ در صورتی که پدر به فرزند بگوید راضی نیستم در جلسه قرائت قرآن

شرکت کنی، آیا اطاعت از پدر در اینجا هم لازم است؟

ج- ایذای پدر و مادر حرام است و اطاعت از آنها در حدی که باعث شکست و جلوگیری از رشد فرزند نباشد، مطلوب است.

۷۷/۹/۵

﴿س ۲۰۸۲﴾ مردی مدت هشت سال است که به همسرش اجازه رفت و آمد با پدر و مادرش را نمی‌دهد. آیا زن می‌تواند بدون اجازه و اطلاع شوهرش پدر و مادر خود را به منزل دعوت نماید و از آن‌ها پذیرایی نماید و یا به منزل پدر و مادرش رفت و آمد داشته باشد؟

ج - در فرض سؤال، بدون اجازه شوهر نمی‌تواند پدر و مادرش را به خانه شوهر دعوت کند و از اموال او از آن‌ها پذیرایی نماید، چون تصرف در مال غیر، بدون طیب نفس و اجازه مالک، حرام است، لیکن رفتن زن به خانه پدر و مادر، به عنوان صله رَحِم، در حد رفع حَرَج و متعارف در زندگی‌ها با رعایت جهات صفا و شرایط خاص کانون خانوادگی، نمی‌توان گفت حرام است. ۷۶/۸/۲۵

﴿س ۲۰۸۳﴾ آیا ظن قوی مبنی بر خمس ندادن یک خانواده دلیل کافی و قانع کننده‌ای برای قطع صله رحم با آن خانواده می‌باشد؟

ج - چنین مسائلی نباید سبب قطع رحم و مانع رفت و آمدهای فامیل گردد که بعضاً واجب هم بوده و به آن سفارش هم شده است، ضمن این که معمولاً نمی‌توان یقین به امور مذکور حاصل کرد و با فرض شک هم استفاده از اموال آنان جایز است و مانعی ندارد و تفتیش و تفحص در امور شخصی دیگران هم جایز نیست. ۸۳/۷/۱۷

﴿س ۲۰۸۴﴾ آیا صله رحم با خویشاوندی که کافر یا مرتد محسوب می‌شود نیز واجب است؟

ج - صله رحم با خویشاوندان و اظهار علاقه و دوستی نسبت به آنان مستحب و مطلوب است، و به علاوه از اجر اخروی، سبب طول عمر هم می‌شود، اما انسان باید مواظب خود باشد تا تحت تأثیر قرار نگیرد. ۸۶/۷/۱۷

توبه

﴿س ۲۰۸۵﴾ معیار تشخیص گناهان کبیره از صغیره چیست؟

ج - برای تشخیص کبیره بودن گناه چهار راه وجود دارد: ۱. تصریح به کبیره بودن در روایات؛ ۲. وعید به عذاب و عقاب بر آن در کتاب و سنت، چه با صراحت و چه به غیر آن؛ ۳. در اخبار و احادیث گناه بزرگ‌تر شمرده شود، از گناهی که کبیره می‌باشد؛ ۴. متشرعه با برداشت‌های خود از اسلام، گناهی را عظیم بدانند. ۷۲/۸/۲۲

﴿س ۲۰۸۶﴾ شرح توبه کردن را بنویسید.

ج - توبه، پشیمانی از گناهان و انجام واجبات فوت شده، و ادای دیون مردم و انجام کارهای نیک است.
۷۵/۷/۹

﴿س ۲۰۸۷﴾ اینکه می‌گویند در توبه نصوح باید پوست به استخوان بچسبد، منظور چیست؟

ج - منظور مبالغه در پشیمانی است، وگرنه اسلام دین سهل است، نه صعب و حَرَج و مشقّت.
۷۵/۱۰/۷

﴿س ۲۰۸۸﴾ کسی که هر بار توبه می‌کند و مجدداً به گناه آلوده می‌شود و مجدداً توبه می‌کند (البته منظور نعوذ بالله مسخره نمودن نیست)، اگر حقیقتاً نادم شود و تصمیم به بازگشت بگیرد، آیا امیدی هست که توبه او به درگاه حق تعالی مورد قبول واقع شود؟

ج - هر زمانی که پشیمانی تحقّق پیدا کند، توبه هم حاصل می‌شود.
۷۷/۹/۵

﴿س ۲۰۸۹﴾ کسانی که از لحاظ روانی مضطرب هستند که بیشتر ناشی از گناهان گذشته - به خاطر جهالت - بوده است، باید چه راهی را برای رفع این ناراحتی اعمال کنند؟

ج - کسی که گناه و معصیتی مرتکب شده، اگر واقعاً توبه کند، خداوند تبارک و تعالی توبه او را می‌پذیرد و برای برطرف شدن ناراحتی‌هایی که در اثر گناه پیش می‌آید، بهترین راه، ترک گناه و معصیت است.
۷۶/۳/۵

﴿س ۲۰۹۰﴾ اگر کسی گناهی انجام دهد که حد داشته باشد، و دیگران نفهمند و توبه کند، آیا توبه او بدون اجرای حد قبول است یا خیر؟

ج - گناهی که «حَقَّ اللهُ» است، هر چند موجب حد و یا رجم باشد رجوع به حاکم در آن‌ها نه تنها غیرلازم، بلکه مذموم و نامطلوب است؛ و چنانچه بین خود و خدا توبه کند، و پشیمان گردد کفایت می‌کند. ناگفته نماند اظهار گناه که اشاعه فحشا می‌باشد، خود معصیت و گناه دیگری است.
۷۴/۱۰/۷

﴿س ۲۰۹۱﴾ توبه کردن قبل از اجرای حد، آیا آن را ساقط می‌کند؟

ج - نه تنها حد ساقط می‌شود بلکه ثواب نیز دارد، چون مستحب بلکه واجب است تا امکان دارد قبل از فاش شدن گناهان و ارجاع به دادگاه، توبه نمود. ۷۹/۲/۲۶

﴿س ۲۰۹۲﴾ در دادگاهی که قتل عمدی ثابت شده است، آیا قبل از اجرای قصاص توبه لازم است. در صورت لزوم توبه آیا حاکم شرع پیش از قصاص وظیفه‌ای در جهت درخواست توبه یا توبه دادن قاتل دارد؟

ج - توبه هر گناهکاری مربوط به خودش می‌باشد نه حکومت و دیگران. آری، ارشاد افراد گناهکار به توبه و ندامت امری مطلوب است، بلکه اگر گناهکار مسئله توبه را نمی‌داند و خیال می‌کند راهی برای نجاتش نمی‌باشد، اعلام آن از باب وجوب تعلیم مسائل اسلامی، واجب و لازم است، و در این جهات تفاوتی بین گناه قتل و غیر آن و قتل ثابت شده با اقرار یا طریق دیگر نمی‌باشد. ۷۹/۱۰/۲۴

﴿س ۲۰۹۳﴾ نظر به این که فردی مرتکب اعمال غیر اخلاقی و گناه گردیده و توسط مراجع قضایی حکم جزایی برای نام برده صادر و اجرا شده است. مستدعی است بفرمایید جزای آخرت ایشان با توجه به اجرای حکم جزایی چگونه خواهد بود؟

ج - در صورتی که نسبت به آن گناه توبه نموده باشد، در آخرت جزایی ندارد و خداوند متعال، اکرم از آن است که برای گناهی دو بار مجازات نماید. ۷۹/۷/۲۸

﴿س ۲۰۹۴﴾ فردی قبل از پانزده سالگی با کسانانی لواط کرده است، اما توبه کرده که دیگر هیچ وقت این کار را انجام ندهد. آیا توبه او پذیرفته است یا باید حد الهی جاری کرد؟ و اگر بخشیده می‌شود، به جای حد الهی می‌توان کفاره‌ای داد؟

ج - همین که توبه کرده خداوند می‌پذیرد و او را می‌بخشد و نباید به دیگران هم بگوید و گفتن آن به دیگران گناهی دیگر است که باید ترک کند. ۸۲/۴/۲۴

﴿س ۲۰۹۵﴾ تفاوت شخصی که گناهی انجام نداده و کسی که گناه انجام داده، ولی توبه کرده و مورد قبول پروردگار قرار گرفته است، چیست؟

ج - کسی که از گناه توبه کرد، مثل کسی است که گناهی نکرده: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له».

﴿س ۲۰۹۶﴾ چون در گذشته کمی عصبی و زود رنج بوده‌ام، گاهی از اوقات در خانه با پدرم ناراحتی داشته‌ایم، با توجه به تأکید زیاد اسلام بر احترام والدین، آیا گناهان گذشته من از این بابت، قابل بخشش است؟

ج - خداوند هر عذر و توبه‌ای را می‌پذیرد و همین قدر که پشیمان و ناراحت هستید و استغفار می‌کنید، امید عفو و بخشش می‌رود.
۶۹/۵/۲۷

اذیت کردن حیوانات

﴿س ۲۰۹۷﴾ در آوردن کندوی عسل به طوری که تمام عسل‌ها در آورده شود، و هیچ‌از آن باقی نماند و بیشتر زنبورهای آن بمیرند، چه حکمی دارد؟

ج - حیواناتی که در اختیار انسان می‌باشد، دادن نفقه آن‌ها واجب و تخلف از آن حرام و معصیت است، و چه نیکوست که علاوه بر عدل، انصاف نیز در باره آن‌ها مراعات گردد.
۷۵/۹/۷

﴿س ۲۰۹۸﴾ نگهداری پرندگان از قبیل قناری، بلبل، مرغ عشق و... در داخل قفس و در منزل به منظور تفریح و سرگرمی، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد.
۷۸/۹/۲۲

﴿س ۲۰۹۹﴾ کشتن گربه‌هایی که مزاحمت ایجاد می‌کنند، چه حکمی دارد؟
ج - کشتن گربه هر چند ضرر برساند، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست و حرام است، بلکه باید آن را بترسانند و یا به نحوی دور نمایند.

﴿س ۲۱۰۰﴾ حکم کشتن حیوانات و حشرات خانگی مثل مورچه، سوسک، موش، مگس، پشه، مارمولک و ... چیست؟

ج - جایز است.
۷۴/۷/۲۵

﴿س ۲۱۰۱﴾ خشک کردن حیوانات و نگهداری آنان در منازل و خرید و فروش آن‌ها، چه حکمی دارد؟

ج - اگر تبذیر و اسراف نباشد، مانعی ندارد.
۷۸/۹/۲۲

﴿س ۲۱۰۲﴾ آزار و کشتن حیوانات غیرموزی، چه حکمی دارد؟

ج - اذیت کردن و شکنجه نمودن و تعذیب حیوانات، مطلقاً حرام است - و در روایت آمده زنی به جهنم می‌رود چون گربه‌ای را زندانی نموده و او را با تشنگی و گرسنگی اذیت کرده تا مرده است -، کما این که کشتن حیوانات غیرموزی هم قطعاً مستحب و مطلوب نیست، اما از حیث منع ظاهراً منع کراهتی دارد و به هر حال کشتن حیوانات غیرموزی، فی حدّ نفسه نامطلوب است. ۷۸/۷/۲۷

﴿س ۲۱۰۳﴾ اگر شخصی گربه یا سگ را بکشد، آیا باید کفاره بدهد؟ مقدار آن

چه قدر است؟

ج - اگر سگ ولگرد باشد کفاره ندارد، و در صورتی که از سگ‌های گله و یا برای حفاظت از منزل و باغ باشد، مائیت و ضمان دارد. ۷۷/۱/۷

متفرقات

﴿س ۲۱۰۴﴾ برای آن که تمام کارهایمان به قصد قربت و فقط برای خدا باشد و از عجب،

ریا، تکبر و غرور دور باشیم و نظر مردم در نیات ما تأثیر نگذارد، باید چگونه عمل کنیم؟

ج - اولاً باید بدانیم اعمالی که همراه این صفات باشد، بی ارزش است و هر عاقلی از

کار بیهوده پرهیز می‌کند؛ ثانیاً باید به عظمت الهی فکر کنیم و بدانیم که پاداش

دهنده اصلی خداست و آنچه برای خدا انجام بگیرد، نابود نمی‌شود و باقی

می‌ماند؛ و متوجّه این معنا باشیم که اگر ما همیشه مشغول طاعت الهی باشیم،

نمی‌تواند سپاس کوچک‌ترین نعمت خدا باشد و سعی کنیم همیشه خود را

بدهکار خدا بدانیم و احتمال بدهیم اعمالی را که انجام می‌دهیم، ممکن است

مورد قبول حق واقع نشود و ممکن است مورد قبول حق واقع شود و بدانیم که

ضعیف و نیازمند به خدا هستیم شاید بتوان با توجّه به این مسائل، جلوی عجب

و غرور و تکبر را گرفت و در عین حال برای رهایی از این صفات زشت باید از

خدای متعال هم مدد گرفت. خودسازی و پرورش از ضروری‌ترین امور است و

سعادت دنیا و آخرت ما بستگی به این امور دارد. خودسازی را باید در دو مرحله

انجام داد: اول، تهذیب نفس از صفات رذیله و اجتناب از گناه و تصفیه و تخلیه نفس، لذا وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد افضل اعمال سؤال کرد، حضرت فرمودند: ورع و دوری از محارم الهی؛ دوم، پرورش نفس با تحصیل علوم و معارف صحیح و کسب فضایل و مکارم اخلاقی و انجام دادن عمل صالح و تکرار آن اعمال است، زیرا باعث می‌شود به تدریج اخلاق و خوبی‌ها در روان آدمی نفوذ کند و ملکه شود و این امور در رشد و تعالی انسان مؤثر خواهد بود، و وقتی انسان بیماری‌های نفسانی را که ناشی از گناه است معالجه نمود، لذت عبادت را درک می‌کند و وقتی لذت عبادت را چشید، عاشق‌تر به عبادت خدای سبحان می‌پردازد، در حدیث قدسی وارد شده که خداوند فرمود: «عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی او مثلی»، بنده من اطاعت کن، تا تو را مانند و نمونه خود قرار دهم. بنابراین، سعی کنید در وقت انجام کارهای خوب و طاعات و خدای نخواستہ در وقت گناه، بیاد خدا باشید؛ اگر بیاد خدا باشید عمل خوب را سعی می‌کنید برای رضای او انجام دهید و در وقت معصیت یاد و خوف از او، شما را از معصیت باز می‌دارد. علی علیه السلام در یکی از وصایای خود به امام حسن علیه السلام فرمود: «کن لله ذاکراً علی کل حال» در هر حال خدا را یاد کن، یاد خدا و باور داشتن او جلّ ذکروه و این که خداوند ناظر بر اعمال است، موجب می‌شود شخص مؤمن دنبال معاصی نگردد و همین امر دل او را نسبت به دنیا سرد می‌کند و اعتنائی به زرق و برق و مقام دنیا پیدا نمی‌کند، علاوه بر این که، یاد خدا آرام بخش روان آدمی است.

﴿س ۲۱۰۵﴾ انجام دادن کارهای مکروه چه تأثیری در زندگی انسان می‌گذارد و حکمت

وجود آنها با عدل الهی چگونه است؟

ج - هیچ واجب و مستحبی از طرف ذات باری تعالی جعل نشده، مگر این که برای انسان در آن مصلحتی است و هیچ چیزی نهی نشده، مگر این که در آن مفسده باشد، لیکن به حسب درجه مصلحت و مفسده از حیث الزام و عدم آن، حکم به واجب و مستحب و یا حرمت و کراهت نموده است.

﴿س ۲۱۰۶﴾ با توجه به این که در اسلام فقط اعیاد مهمّی مانند عید فطر، عید غدیر و عید قربان داریم، آیا اسلام عید نوروز را تأیید می‌کند؟ آیا عید دانستن نوروز، بدعت در دین محسوب نمی‌شود؟

ج - بعضی از اخبار به فضل نوروز به عنوان عید دلالت دارد و اگر اخبار هم مورد قبول نباشد، صرف شاد بودن مردم و دید و بازدید آنان اگر مرتکب کارهای خلاف شرع نگردند، به عنوان سنّت حسنه مورد تأیید اسلام می‌باشد.^۱ ۷۸/۱۲/۶
﴿س ۲۱۰۷﴾ آیا چیدن سفره هفت سین عید نوروز، اشکال دارد، گذاشتن قرآن چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد، و سعی شود که وهن به قرآن صورت نگیرد. ۷۹/۱/۲۸

﴿س ۲۱۰۸﴾ آیا روز سیزده فروردین که به عنوان روز طبیعت مردم برای تفریح به بیرون از محیط شهر می‌روند، اشکال دارد؟ برای افراد روحانی، چه حکمی دارد؟
ج - تفاوتی بین ایام نمی‌باشد و همه آن‌ها زمان‌هایی هستند که خداوند آفریده است، و تفریح مشروع برای هیچ کس منعی ندارد. ۷۹/۱/۲۸

﴿س ۲۱۰۹﴾ بعضی از راننده‌های کامیون در حین عبور در داخل محدوده شهری از بوق‌های با صدای قوی استفاده می‌کنند، که بی اختیار و بعضاً با اختیار بر گذشتگان آنان لعنت خدا را نثار می‌کنیم. آیا استفاده از این نوع بوق‌ها توسط آنان و عکس‌العمل ما، شرعاً جایز است؟

ج - ایجاد زحمت برای دیگران و اذیت کردن آن‌ها، شرعاً حرام است. بنابراین، مثل بوق زدن راننده که برای اذیت کردن مردم باشد، غیر جایز است؛ و کار شما هم که به گذشتگان آن‌ها لعن می‌کنید، صحیح نمی‌باشد، چرا که لعن و دوری از رحمت باید برای اذیت کننده درخواست شود نه دیگران، زیرا «ولا تزر وازرة وزر اخری»، یعنی هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نگیرد و هرکس مسئول عمل خویش است. ۷۹/۲/۱۴

۱ - برای آگاهی بیشتر ر.ک: زاد المعاد علامه مجلسی؛ همچنین عروه که غسل این روز را جزو اغسال مستحّتی دانسته است.

﴿س ۲۱۱۰﴾ در برخی از مساجد صدای بلندگوها را به حدّی بلند می‌کنند که تا چند محله دورتر صدای سخنرانی‌ها و عزاداری‌ها شنیده می‌شود، در صورتی که بعضی از اهالی ساکن در محل، معترض و ناراضی هستند، آیا این کار صحیح است؟ آیا در مورد نماز یا ادعیه که صبح زود برپا می‌شود، صدای بلندگوها اشکال دارد؟

ج - صدای بلندگوی مساجد و تکایا در هنگام ایراد سخنرانی و مداحی و غیر آن از امور مذهبی نباید به بیرون مسجد و تکیه برسد، به علاوه که انصاف نیز همین امر را اقتضا می‌نماید. آری، رسیدن صدای اذان در وقت ادای فریضه، مانعی ندارد، بلکه به عنوان حفظ شعائر مذهبی در بعضی از مواقع، واجب است.

۷۴/۱۲/۴

﴿س ۲۱۱۱﴾ برخی از افراد خواب‌هایی را نقل می‌کنند و به دنبال آن اهداف خاصی را نیز تعقیب می‌کنند. مستدعی است بفرمایید از نظر فقه نورانی اسلام خواب دیدن، نقل خواب و انجام یا ترک بعضی از کارها، بدلیل آن که در خواب چنین تکلیفی شده، معتبر است؟

ج - خواب حجّت شرعی نمی‌باشد و مجوّز فعل حرام و ترک واجب نبوده و نیست، بلکه مجوّز ترک مستحب یا فعل مکروه یا انتخاب یکی از دو طرف اعمال مباح با استناد آن و این که چون مقتضای خواب چنین بوده و الزاماً باید به آن عمل نمایم، نمی‌باشد؛ و اگر به عنوان حکم فقهی و دینی باشد، حرام و بدعت و افترا به خداوند است و از معاصی کبیره «قل آ الله اذن لکم ام علی الله تفترون»؛ و اگر بر حسب خواست و میل خودش باشد، گرچه حرام نیست، اما علاوه بر این که سبب ترک مستحب و یا فعل مکروه شده عادت کردن انسان به این گونه استنادهای واهی، عقلاً مذموم و ناپسند است و عاقل، مستحب و مکروه خدایی را بر خواب و خیال ترجیح می‌دهد، مضافاً به این که این گونه عمل کردن به خواب‌ها موجب عدم شکوفایی استعدادها و اندیشه‌های خدادادی هم می‌شود که خود مذموم و کفران نعمت است.

۷۸/۶/۶

﴿س ۲۱۱۲﴾ آیا خواب حجّت شرعی است یا نه؟ و خواب‌هایی که در باره ائمه معصومین علیهم‌السلام دیده می‌شود، آیا معتبر و مورد اعتماد است یا نه؟

ج - خواب، مورد اعتماد و اعتنا نیست؛ مخصوصاً اگر زیاد خواب ببینند، آن هم خواب‌های مختلف و گوناگون.

۷۴/۱۱/۶

﴿س ۲۱۱۳﴾ عمل جراحی پلاستیکی بینی که بعضی از آقایان یا خانم‌ها به منظور زیبایی انجام می‌دهند، چه حکمی دارد؟

ج - این گونه اعمال فی حدّ نفسه، مانعی ندارد.

۷۵/۵/۳

﴿س ۲۱۱۴﴾ در موارد تزاحم اهم و مهم، تشخیص اهم در حکم و موضوع به عهده کیست؟

ج - تشخیص مصداق در تزاحم اهم و مهم، به عهده خود مکلف است؛ لیکن تشخیص اهم و مهم در عنوان کلی با فقیه است.

۷۵/۳/۲۹

﴿س ۲۱۱۵﴾ حکم کسب علوم دینی برای جوانان با استعدادی که به علوم دینی نیز علاقه‌مند هستند، چیست؟

ج - هر جوانی که حوزه و روحانیت را شناخته و درک کرده باشد که اساس در حوزه‌های علمیه و شیوه سلف صالح، بر زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و جهات مادی است، و خود را برای تحمّل مشکلات فراوان مادی که متوجه خود و خانواده‌اش می‌شود، آماده نموده، و مطمئن است که بعد از ورود، از اوضاع خود و دیگران گله و شکایت نمی‌نماید، ورود این گونه افراد در حوزه‌ها بسیار مطلوب و برای حفظ و دافع قرآن و اهل بیت - صلوات‌الله علیهم اجمعین - لازم و نباید ترک گردد، که ترک آن پشت کردن به حفظ و احیای آثار اسلام و فقه جعفری است؛ و ناگفته نماند که اگر از جهات اقتصادی زمان حال و آینده‌اش تأمین شده و بقیّه مشکلات را هم مطلع باشد، او مانند افراد قسم اول باید به حوزه‌های علمیه که پربارترین مرکز علمی همراه با تقوادر جهان می‌باشد خود را رسانده و از مظاهر رحمت الهی بهره‌رسانی وافی ببرد.

۷۴/۶/۲۰

﴿س ۲۱۱۶﴾ اگر طلبه‌ای بین دروس حوزه علمیه و دانشگاه جمع نمود، آیا این عمل تعرب بعدالهجرة و فسق آور است یا خیر؟ و اگر به طور کلی دروس حوزه را کنار گذاشت و مشغول دروس دانشگاه شد، چطور؟

ج - رفتن به دانشگاه‌ها، برای همگان به عنوان تحصیل علم، عملی مطلوب و پسندیده است، و در این جهت فرقی بین روحانیون والامقام و فرزندان عزیز دیگر نیست. آری، اگر طلبه‌ای چندین سال در حوزه‌ها مشغول تحصیل بوده و دارای استعداد فوق‌العاده و برای زندگی هم مشکلات ندارد و آینده خود را هم روشن می‌بیند و جای او در دانشگاه خالی نیست، یعنی کار او را محصل دیگری می‌تواند انجام دهد و بعد هم مثل او مفید باشد، برای چنین افرادی سزاوار، بلکه لازم است در حوزه‌های علمیه بمانند و حافظ آثار اهل بیت - صلوات‌الله علیهم اجمعین - گردند. ۶۹/۸/۳

﴿س ۲۱۱۷﴾ اینکه در بین مردم معروف است که می‌گویند بازدید، مثل جواب سلام واجب است، آیا صحیح است؟

ج - بازدید کردن، بر همه کس واجب نیست، بلکه حکم، نسبت به افراد مختلف تغییر می‌کند واحکام خمسه (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) بر آن جاری می‌گردد.

﴿س ۲۱۱۸﴾ اگر کسی طلب قرائت فاتحه کند و کسانی که می‌شنوند، سوره حمد را نخوانند، آیا معصیت کرده‌اند؟

ج - اگر کسی طلب فاتحه کند و انسان خواندن سوره حمد را ترک کند، «ترک اولایی» کرده است، اما اگر فقط مخصوص ایشان در مجلس، فاتحه طلبیده باشند و دعوت کننده می‌خواسته فاتحه خوانده شود و تصرفی در مال غیر هم محقق شود، در این صورت برای اینکه مرتکب حرامی نشده باشد، لازم است فاتحه بخواند.

﴿س ۲۱۱۹﴾ سوراخ کردن گوش یا بینی برای به کار بردن گوشواره یا وسایل زینتی دیگر، چه حکمی دارد؟

ج - سوراخ کردن گوش و بینی برای موارد مرقوم در سؤال، در بدن طفل اگر مصلحت باشد، ضرر ندارد؛ و در بدن مکلف بدون رضایت او، جایز نیست. ۷۶/۳/۳۰

﴿س ۲۱۲۰﴾ بعضی از افراد بر اثر ابتلای به بیماری‌های مسری فوت می‌نمایند، به طوری که میکروب و یا ویروس آن حتی با سوزاندن البسه آلوده از بین نمی‌رود، حال با عنایت به اینکه نوع بیماری متوقفاً برای متصدیان تغسیل و تکفین روشن نیست و استفاده از لباس اموات علاوه بر منع صریح قانونی ممکن است باعث شیوع بیماری در جامعه و ابتلای سایرین گردد، لطفاً نظر مبارک را در مورد استفاده از لباس اموات توسط افراد دیگر مرقوم فرمایید.

ج - با توجه به منع قانونی لازم است در مورد لباس‌های میّت همان گونه که قانون گفته عمل نمایند و از آن استفاده ننمایند، و بر همگان واجب است جلوی سرایت بیماری‌های مسری به جامعه و افراد را، به هر نحو ممکن بگیرند، و وجوب آن از چنان اهمیت بالایی برخوردار است که احتمال سرایت هم متنجّز و قابل اعتناست.
۷۵/۷/۱۲

﴿س ۲۱۲۱﴾ در بیشتر مناطق مرسوم است که کسی که می‌خواهد به مسافرت برود یا کاری انجام دهد، اگر کسی عطسه کند باید از آن کار منصرف شود و آن کار را انجام ندهد، آیا این واقعیت دارد؟

ج - هر چند عطسه، فی حدّ نفسه، خوب، مبارک و نعمت خداوندی است، لیکن چون زبان به بدی و شومی‌اش زده شده، موافقت یا مخالفت به این تفأل به شرّ و بدی هر چند نادرست است، لیکن به تصمیم و اراده و برنامه‌های زندگی و روحی انسان بستگی دارد.
۷۵/۹/۷

﴿س ۲۱۲۲﴾ برای رهایی از شیطان و توسل جستن به خداوند چه راه‌هایی وجود دارد که می‌تواند خیلی مؤثر باشد و در نتیجه انسان را به درگاه خداوند بزرگ، نزدیک‌تر سازد؟

ج - ترک محرّمات و انجام واجبات، بهترین راه برای نزدیک شدن به درگاه خداوند متعال است.
۷۵/۴/۸

﴿س ۲۱۲۳﴾ اگر شخص فاسد الاخلاقی، از روی هرزگی به انسان سلام کند، آیا جوابش واجب است؟

ج - جواب چنین شخصی واجب نمی‌باشد، چون تحیت نیست. ۷۳/۴/۳
 ﴿س ۲۱۲۴﴾ آیا بوسیدن دست سادات به احترام اولاد رسول اکرم بودن مستحب است؟
 ج - اگر به احترام رسول الله ﷺ باشد مانعی ندارد، اما نبوسیدن بهتر است. ۸۳/۶/۱۰
 ﴿س ۲۱۲۵﴾ آیا برداشتن خرده ریزه‌های نان که در کوچه و بازار افتاده واجب است یا مستحب؟

ج - گرچه واجب نمی‌باشد، اما باید مواظبت نمود کفران نعمت تحقق پیدا نکند که کفران نعمت ضرر دارد به هر حال برداشتن و احترام گذاشتن به آنان قطعاً امر مطلوب و پسندیده می‌باشد. ۸۲/۱۲/۲۴
 ﴿س ۲۱۲۶﴾ جامعه اسلامی ما چگونه می‌تواند ماهیت خود را حفظ کند؟ یک جامعه اسلامی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

ج - هر جامعه‌ای با ترک محرّمات و انجام واجبات و عدل و انصاف می‌تواند هویت اسلامی خود را حفظ نماید. ۸۲/۲/۲۹
 ﴿س ۲۱۲۷﴾ استدعا دارم نظر خود را در مورد حجامت در صورتی که امنیت و کفایت خون مورد نیاز هم‌وطنان را به مخاطره انداخته و سبب ایجاد مشکل برای بیماران و نیازمندان به خون گردد اعلام فرمایید.

ج - حجامت فی حدّ نفسه اگر از نظر مقرّرات نظام پزشکی و مقرّرات بهداشتی منعی نداشته باشد، جوازش معلوم است و در سؤال هم به آن اشاره شده، لیکن واضح است که هر عمل حلالی اگر موجب اختلال در امنیت معالجه و طبابت و مشکل ساز برای بیماران گردد، حرام می‌شود لیکن برای جلوگیری و منع افراد باید از راه بیان ضرر ذکر شده در سؤال و آن که حکم شرعی با فرض ضرر، حرمت است استفاده نمود چون تشخیص وجود ضرر یا عدم آن با خود مردم است نه با دیگران. آری، همه ما و دیگران در حدّ معلومات باید جامعه را ارشاد نماییم. ۸۲/۲/۱۸

﴿س ۲۱۲۸﴾ حضرت عالی با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی که در منطقه خاورمیانه وجود دارد چه توصیه‌ای به دول و ملل اسلامی دارید؟

ج - مسلمانان اعم از شیعه و سنی و بقیه فرقه‌های اسلامی باید در کنار هم و با وحدت و همدلی هرچه بیشتر، صفوف خود را محکم‌تر نمایند و از هرگونه تفرقه و بدبینی و هرآنچه موجب اختلاف و تشتت می‌شود دوری گزینند، با توجه به اتفاق نظر خود در زمینه‌های توحید و رسالت رسول اکرم ﷺ از هرگونه جدایی و دشمنی با هم دیگر خصوصاً در این زمان پرهیز نمایند. ۸۱/۱۰/۲۲

﴿س ۲۱۲۹﴾ دلایل گریز برخی از جوانان از نماز چیست؟

ج - عامل عمده، عدم شناخت کافی از نماز و فواید و آثار آن و نچسیدن لذت عبادت است و عدم شناخت عذابی که در انتظار افراد بی‌نماز می‌باشد و دیگر، محیط خانواده و افرادی که با آن‌ها مرتبط می‌باشد در جامعه و عوامل دیگر مثل تنبلی و غیره. ۸۰/۱۲/۲۱

﴿س ۲۱۳۰﴾ در دیدگاه قرآنی آن جا که خداوند می‌فرماید:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» تفاوت‌ها در طبیعت و خلقت انسان‌ها به دلیل اعتلای کمال و شعور آدمی است در مقابل این دیدگاه، استدلال دیگری نیز وجود دارد که تفاوت در خلقت زن و مرد موجب تفاوت در حقوق و استعدادهاست. برداشت حضرت عالی در این خصوص چیست؟

ج - دیدگاه وحی و قرآن که با صراحت زن و مرد را مساوی دانسته، بر نظریه اعتباری و غیر اصولی و غیر برهانی دیگران مقدم است، بلکه اصولاً قرآن و وحی آن قدر در حدّ بالا از تمامیت و درست بودن و مطابق با واقع بودن است که نباید با نظریه‌های دیگر مقایسه شود و اصل مقایسه نادرست است چه رسد به موردش. ۸۱/۲/۱۹

﴿س ۲۱۳۱﴾ چرا در موارد متعددی در قرآن نماز و زکات در کنار یکدیگر مطرح شده است؟

ج - نماز وسیله ارتباط محکم بین نمازگزاران و خدا است و ادای زکات برای

همبستگی‌های اجتماعی است و برای پیروزی و تکامل انسان‌ها اسلام دو چیز را لازم دانسته:

۱. رابطه انسان‌ها با خدا؛

۲. رابطه عاطفی و انسانی انسان‌ها با یکدیگر و لذا قرآن به این دو مورد در آیات اشاره کرده و آن‌ها را کنار هم قرار داده و برای تفصیل بیشتر مطالب مذکور می‌توانید به تفاسیر مراجعه نمایید.

۸۰/۱۲/۲۱

﴿س ۲۱۳۲﴾ با این که هدف خلقت انسان، عبادت و رسیدن به کمال است چرا خداوند درخواست شیطان را مبنی بر مهلت دادن او قبول کرد تا شیطان بر انسان مسلط شود و از این هدف باز بماند؟

ج - مهلتی که خداوند به شیطان داده در مقابل، اختیار را از انسان سلب نکرده و هیچ تسلطی از روی اجبار برای شیطان در جهت انحراف انسان‌ها قرار نداده، بلکه خداوند در کنار آن مهلت، راه راست و غیر آن را بیان نموده و برای هدایت و تعالی و رشد انسان عقل و قوه تفکر و رسولان و انبیا را قرار داده تا در سایه این هدایت، انسان با اختیار خود راه صحیح و صراط مستقیم را انتخاب نماید و رسیدن به کمال با اختیار و با بودن مثل شیطان اغوا کننده ارزش دارد نه کمال جبری و بدون اختیار که آن کمال، روح را تقویت نمی‌نماید و اثری در کمال آن نداشته و ندارد.

۸۰/۱۱/۱۷

﴿س ۲۱۳۳﴾ شرایط یک رفیق خوب را بیان نمایید؟

ج - شرایط دوست خوب عبارت است از این که: ۱. متدین و با تقوی باشد به جوری که نگاه به او تو را به یاد خدا و قیامت بیندازد؛ ۲. عاقل و بزرگووار و کریم و سخاوتمند باشد؛ ۳. فردی متعهد و مورد اطمینان باشد و اهل خیانت و دغل بازی و دورو نباشد؛ ۴. راستگو و امانتدار باشد؛ ۵. خوبی‌های تو را خوبی خود و بدی‌های تو را بدی برای خود بداند و از آن‌ها جلوگیری نماید؛ ۶. در سختی و مشکلات رهایت نکند.

۷۹/۱۱/۲۸

﴿س ۲۱۳۴﴾ قرن حاضر را قرن گفتگوی تمدن‌ها می‌نامند که ثمره آن صلح و سلام است. آیا تبلیغ و ترویج این نحوگفتمان جایز است؟

ج - قطع نظر از محبوبیت عقلی و فطری صلح و سلام و قطع نظر از آن که اسلام چون دین فطرت است؛ پس خواستار آن می‌باشد و قطع نظر از اخبار و آیاتی که ترغیب به صلح و سلام و برخورد مسالمت‌آمیز با همهٔ انسان‌ها را دستور می‌دهد و همگان را به آن دعوت می‌نماید؛ رحمةً للعالمین بودن نبی مکرم اسلام ﷺ حسب نص قرآن خود حجت و دلیلی روشن بر ترغیب به آن گفت‌وگوها است.

۷۹/۱۱/۱۳

مسائل مربوط به افراد کم توان ذهنی و معلولان جسمی تقلید

﴿س ۲۱۳۵﴾ در رساله‌های عملیه آمده است که مسلمان باید به اصول دین از روی دلیل اعتقاد پیدا کند. ناشنوایان، مفاهیم انتزاعی مثل معاد، عدل، توحید و... را به دشواری درک می‌کنند، به عبارت دیگر تمام مطالبی که برایشان عینی نباشد، به خوبی درک نمی‌کنند. لطفاً تکلیف و وظیفه والدین و مربیان آنان را بیان فرمایید.

ج - وظیفه آنها به مقداری است که درک می‌کنند، «لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها»؛

و دیگران هم در این رابطه تکلیفی ندارند. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۳۶﴾ اصولاً وظیفه والدین کودکان نابینا، ناشنوا یا کم توان ذهنی در تعلیم احکام شرعی به آنان با توجه به این که آموزش بعضی از احکام به آنها مشقت دارد، چیست؟

ج - سؤالی را که خود آنها خواستار پاسخ بدان باشند، باید به حکم لزوم تعلیم احکام

برای نادانان، به آنها پاسخ داد و در این جهت، تفاوتی بین پدر و مادر و دیگران

نیست؛ و اما آنچه را که سؤال نموده‌اند که طبعاً از آن غافل هستند، چون نسبت

به آنها تکلیف ندارند، دیگران هم تکلیف تعلیم ندارند. آری، مختصری از مسائل

ساده علمی و عملی اسلام را باید با بیان و زبان ساده به آنها یاد داد؛ مثل این که

خدایی و پیامبر و امامی هست و آن خداوند، تکالیفی همانند نماز و روزه را قرار

داده است، و باید توجه داشت که آموزش باید فوق‌العاده مختصر و ساده باشد

و تلاش شود که سؤال، کم‌تر به ذهن آنها راه یابد. ۷۹/۲/۳

﴿س ۲۱۳۷﴾ زنی سی ساله هستم و همسری دارم که گر و لال است. تکلیف ایشان در مورد مسائل شرعی از جمله غسل و نماز چیست؟

ج - باید در حدّ توان و بدون تحمّل زحمت، مسائل اسلامی را، ولو با اشاره، به این‌گونه از انسان‌های والا یاد داد و به مقداری که یاد می‌گیرند و متوجّه می‌شوند، مکلف هستند، نه بیشتر از آن، و اسلام، هم دین سهولت است، و هم دین تکلیف، به قدر توان. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». ناگفته نماند که تکالیف این‌گونه انسان‌ها با بقیّه تفاوتی ندارد. تنها تفاوت در آن است که اشاره آنها به جای کلام و زبانشان است و همان‌طور که بیان شد، در ارشاد و یاد دادن هم نباید یاددهنده، خود را به زحمت بیندازد، کما این که یاد گیرنده هم نباید در زحمت باشد. به هر حال، اسلام به سهولت و عدم زحمت استوار است. ۷۹/۱۰/۱۱

﴿س ۲۱۳۸﴾ انسان مسائلی را که غالباً به آن احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد. ناشنویانی که از این مسئله سر باز می‌زنند، (با توجّه به این که درک بعضی از این مسائل برایشان دشوار است و نمی‌خواهند خود را به سختی بیندازند) چه حکمی دارند؟

ج - به همان مقدار که خود درک می‌کنند، مکلف هستند، نه بیشتر از آن. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۳۹﴾ انتخاب مرجع تقلید برای کودکان ناشنوا چگونه است؟ با توجّه به این که در این سن هیچ‌گونه شناختی ندارند، آیا والدین باید برایشان انتخاب کنند، یا صبر کنند تا به شناخت برسند؟

ج - باید صبر کنند تا خودشان درک نمایند و به شناخت برسند؛ و والدین و دیگران نسبت به آنها در این جهت، تکلیفی ندارند. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۴۰﴾ اگر مرجع تقلید یک فرد ناشنوا از دنیا برود و به علّت ناآگاهی باز هم در مسائل جدید از مجتهد قبلی تقلید نماید و بعد از چند سال این موضوع را بفهمد، حکم اعمال این چند سال او چگونه است؟ (با توجّه به این که فهماندن اصل مسئله تقلید و تکلیف به فرد ناشنوا، بسیار دشوار است، چه رسد به مسائل جانبی آن).

ج - اعمالشان که طبق فتوای مرجع قبلی انجام داده‌اند، صحیح است؛ زیرا آنها جاهل قاصرند و این‌گونه عمل کردن را وظیفه خود می‌دانسته‌اند و همین کفایت می‌کند.

۷۹/۳/۱۵

بلوغ

﴿س ۲۱۴۱﴾ آیا سنّ تکلیف آن دسته از دانش‌آموزان استثنایی که کم‌توان ذهنی هستند، براساس سنّ عقلی آنان محاسبه می‌شود؟ با توجه به این که از لحاظ فکری و عقلی نسبت به مسائل و مفاهیم دینی با سایر افراد تفاوت دارند، ملاک تشخیص برای اولیای آنان چیست؟ برای مثال فرد کم‌توان ذهنی که از لحاظ سنّی هفده‌ساله است ولی از لحاظ عقلی ده یا دوازده ساله است، آیا شرعاً مکلف است یا خیر؟

ج - تا خود آنان متوجه به مکلف شدن خود نشده‌اند و درک ننموده‌اند که در زمان معین و شرایط معین، از طرف خداوند، احکام و واجبات و محرّمات برای آنها قرار داده شده، مکلف نیستند؛ پس باید دقت کنند و بپرسند که چه زمانی مکلف می‌شوند، و تا آن هنگام چیزی بر آنان نیست چون غافلند و بر غافل مطلقاً تکلیف نیست و تکلیف نمودن غافل و غیر متوجه، گرچه از افراد عادی و با توان بالای ذهنی باشند، محال و غیرمعقول است، چه رسد به ناتوان ذهنی؛ و اما نسبت به دیگران، آنان هم تکلیفی ندارند، یعنی توجه دادن کم‌توان‌های ذهنی به مسئله بلوغ و تکلیف، لازم نیست، بلکه مطلوب هم نیست، چون سبب زحمت هم برای آنها و هم برای دیگران می‌شود. آری، از اعمال آنها که ضرر فاحش برای خود آنها و یا دیگران دارد، فرضاً خوردن مشروبات الکلی باید جلوگیری نمود، چون این نحو جلوگیری‌ها، دائر مدار تکلیف عامل نمی‌باشد، و به هر حال به نظر این جانب، افراد مورد سؤال گرچه از نظر سنّی از سنّ بلوغ گذشته‌اند، لیکن بالغ نمی‌باشند، چون بلوغ به معنای خروج از دوران صباوت و کودکی است و رسیدن به تصمیم‌گیرکودکانه و سن با تحقق آن مقدار از درک، علامت بلوغ است نه محض سن، ولو درک در حدّ متعارف نسبت به پانزده سال نباشد، به علاوه می‌توان گفت ادلّه بلوغ از امثال آنها، انصراف دارد.

طهارت و نجاست

﴿س ۲۱۴۲﴾ اکثر افراد کم توان ذهنی به علت عدم درک درست، رعایت نجاسات را نمی‌کنند. تکلیف افراد خانواده، مربیان و دیگران که در ارتباط با آنان هستند، چگونه است؟

ج - بچهٔ مسلمان محکوم به طهارت و پاکی است و با مسلمان بزرگسال تفاوتی ندارد، مگر این‌که به نجاست دست یا لباس او یقین داشته باشد، که حصول این یقین نیز بسیار مشکل است و بدنبال تحصیل آن رفتن نیز لازم نیست؛ و در این احکام فرقی بین کودکان کم توان ذهنی و غیر آن نیست و هیچ تأثیری هم در رابطه با معلم نمی‌تواند داشته باشد و نباید فکر تأثیر را به خود راه داد که منجر به وسواس می‌گردد. ۸۰/۲/۲۵

﴿س ۲۱۴۳﴾ آیا والدین کودک کم توان ذهنی باید همیشه همراه او باشند، تا مواظب چگونگی طهارت او باشند؟

ج - نه تنها لزوم ندارد بلکه مطلوب هم نیست، چون هم ایجاد زحمت برای والدین می‌کند و هم برای خود کودکان ناتوان ذهنی، و اسلام با ایجاد مشقت و زحمت مخالف است. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۴۴﴾ در رساله‌های عملیه آمده است که موقع تخلی باید طرف جلوی بدن، یعنی شکم و سینه، رو به قبله و پشت به قبله نباشد، در مورد افراد کم توان ذهنی چه طور است. آیا باید همیشه همراه آنها بود و مراقبت به عمل آورد؟

ج - هیچ لزومی ندارد و حتی لازم هم نیست که احکام تخلی از حیث پشت به قبله بودن و یا رو به قبله بودن، به آنها گفته شود؛ بلکه گفتنش چون ایجاد زحمت برای آنها می‌نماید مذموم است، و انسان‌ها نسبت به قوانین کلی خداوند بیش از درک و فهمشان تکلیف ندارند، چه رسد به مسائل جزئی و خارجی و موضوعی که مفروض در سؤال می‌باشد و باید توجه داشت اسلام دین سهولت است. ۷۹/۳/۱۵

وضو

﴿س ۲۱۴۵﴾ چند نفر از دانش آموزان از لحاظ توان دست راست یا چپ، دچار نارسایی هستند به طوری که برای وضوگرفتن دچار مشکل هستند و قادر به رساندن آب به تمام قسمت دست نیستند. وضوی این افراد با این شرایط، چه حکمی دارد؟

ج- اگر خودشان متوجه نشوند، مانعی ندارد، چون به بیش از توجّه خودشان تکلیف ندارند، و نباید نرسیدن آب به بعضی از مواضع وضویشان را به آنان گفت و اعلام کار نادرستی است؛ لیکن اگر خودشان متوجه شدند و سؤال نمودند باید آنان را متوجه کرد و اگر نمی‌توانند و یا برایشان زحمت فوق‌العاده دارد، شستن بقیّه مواضع به حکم لاحتیاج و عدم تکلیف به امر غیر مقدور و نبودن مورد از موارد تیمّم، کفایت می‌کند، مگر آن که تمام یک عضو چنین باشد که احتیاط در وضوی بقیّه اعضا و تیمّم است. ۸۰/۲/۲۵

﴿س ۲۱۴۶﴾ فردی به علت فلج بودن یک دست، ترتیب وضو را نمی‌تواند انجام دهد، حکم وضوی او چگونه است؟

ج- باید به هر صورتی که می‌تواند و بدون زحمت باشد، ترتیب وضو را رعایت کند و اگر زحمت دارد، شرطیّت ترتیب از او ساقط است؛ و نسبت به خودشان هم هرطور که عمل نمایند برایشان کفایت می‌کند و نباید در آن دخالت نمود و دخالت نادرست است. ۷۹/۱۱/۹

﴿س ۲۱۴۷﴾ نابینایان در هنگام وضو مانع موجود در اعضای وضو را نمی‌بینند، آیا باید همیشه فردی ناظر وضوی آنان باشد تا موانع را رفع کند، یا این که وضوی آنان به همین گونه صحیح است؟

ج- نه تنها لازم نیست در وقت وضو و غسل کسی با او باشد، بلکه اطمینان خودش به عدم وجود مانع در صحت وضو و غسل، کافی است؛ بلکه تذکر دیگران، هم مذموم است و هم نادرست، چون ایجاد زحمت برای آنان می‌نماید و به طور کلی در مثل وضو و نماز که حقّ الله است، اعلام دیگران چون باعث زحمت می‌شود، مذموم و ناپسند است. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۴۸﴾ وظیفه برخی از افرادی که دچار فلج مغزی هستند و دامنه حرکتی بسیار محدودی دارند و موالات مراحل وضو را نمی‌توانند رعایت کنند، چگونه است؟

ج - وضوی آنها به همان نحو که مقدورشان می‌باشد، صحیح است؛ چون ترک موالات گرچه منجر به خشک شدن اعضای قبلی هم بشود مضرّ به وضوی آنها نیست، به خاطر آن که خشک شدن اعضا، شرط اختیاری است یعنی با اختیار و اراده نباید آن قدر شستن عضو بعدی را طول دهد که اعضا یا عضو سابق بر آن خشک شود، وگرنه اگر به وسیله حرارت و گرمی هوا یا به وسیله عدم توانایی، مثل مورد سؤال و امثال آنها که اختیاری نمی‌باشد، خشک شود، ضرری به وضو نمی‌زند، خلاصه آن که خشک نشدن عضو قبلی در وضو، شرط اختیاری بودن است و در حال عدم اختیار، شرطیت ندارد و وضو، با خشک شدن حتی عضو قبلی هر عضوی که مشغول شستن و یا مسح کردن آنهاست، مضر نیست؛ و ناگفته نماند که موالات به معنای پی در پی انجام دادن هم، همان حکم خشک نشدن اعضا را دارد یعنی فاصله انداختن بین اعضای وضو به مقداری که به وحدت وضو و عمل واحد عرفی بودن آن ضرر بزند، به علاوه که اصل مضرّ بودن آن، محلّ اشکال است و دلیل معتدبه هم ندارد و فقط مبنی بر احتیاط است و بر فرض مضرّ بودن نیز اختصاص به حال اختیار دارد و نسبت به مورد ذکر شده در سؤال که اختیار و قدرت ندارد، مطمئناً مضرّ نبوده و نیست. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۴۹﴾ شخصی که از ناحیه دست راست دچار ناتوانی (فلج) است، برای مسح سر، چگونه باید عمل کند؟

ج - در مسح سر لازم نیست با دست راست باشد، بلکه با دست چپ حتی برای افراد سالم نیز، جایز است. ۸۰/۲/۲۵

﴿س ۲۱۵۰﴾ کمک کردن به افراد معلول جهت انجام وضو (آب ریختن، شستن دست‌ها و صورت)، چه حکمی دارد؟ و تا چه حد می‌توان به آنها در این زمینه کمک کرد (مثلاً جهت مسح سر و پا).

ج - مانعی ندارد. آری، اعمالی که خودشان بدون کمک می‌توانند انجام دهند، نباید در آن اعمال کمک بگیرند و کمک گرفتنشان موجب بطلان عملشان می‌شود؛

و ناگفته نماند کمک کردنی مبطل است که وضو گیرنده در آن، هیچ دخالتی نداشته باشد، همانند میّت بین دو دست غَسّال و مرده شوی، وگر نه کمک کردن همانند آب ریختن در دست وضو گیرنده و یا حتّی ریختن آب روی دست‌های او به وسیله شیلنگ و یا وسیله دیگر در حالی که خود وضو گیرنده دستش را حرکت می‌دهد و این طرف و آن طرف می‌نماید، مبطل وضو نمی‌باشد. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۵۱﴾ با توجه به این که استفاده از وسایل توان بخشی مانند انواع کرسرها، کفش‌های طبی و... جهت حفظ حالت عضلات و اندام‌ها و مفاصل در نواحی صورت، دست‌ها و انگشتان در بسیاری از موارد، مانع از رسیدن آب می‌گردد، حکم وضوی افرادی که از این وسایل استفاده می‌کنند، چگونه است؟

ج- اگر معظم اعضای وضو مانند دو دست را نگرفته باشند، وضو حکم جبیره را دارد و اگر معظم اعضای وضو را گرفته باشد، باید جمع نماید بین عمل جبیره و تیمّم، اگرچه کفایت تیمّم در این صورت، بعید نیست. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۵۲﴾ آیا افراد معلول در هنگام وضو گرفتن می‌توانند به جای استفاده از دست‌ها برای شستن صورت و دست‌ها، صورت و دست‌ها را مستقیماً زیر آب قرار دهند و یا در آب جاری یا قلیل فرو برند؟

ج- می‌توانند و اختصاص به آنها نیز ندارد، بلکه برای دیگران هم که سالم هستند، جایز است؛ زیرا آنچه در وضو لازم است، اصل شستن صورت و دست‌ها از بالا به پایین است، چه با ریختن آب با دست و دست کشیدن، چه با گرفتن زیر شیر آب یا شیلنگ و یا با فرو بردن در آب؛ لیکن در همه موارد باید رعایت شسته شدن از بالا به پایین بشود. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۵۳﴾ آیا معلولانی که مشکلات حرکتی شدید دارند و برای وضو گرفتن دچار دشواری‌های فراوان هستند، می‌توانند به جای وضو، تیمّم نمایند؟

ج- اگر همه راه‌های ذکر شده در رساله‌های عملیه برایشان مشقّت دارد و همچنین انجام وضو با کمک گرفتن از نایب نیز مشقّت و دشواری دارد، می‌توانند به دلیل همان دشواری‌ها و حَرَج‌ها که کم‌تر از حَرَج‌ها و ضررها برای بیماری که آب برایش ضرر

دارد و یا شخص سالمی که صرفاً استفاده از آب برایش حَرَج و مشقَّت دارد، نمی‌باشد، تیمم نماید؛ و ناگفته نماند که جواز تیمم برای بیمار و دیر خوب شدن بیمار هم جزو ضررها و حَرَج‌های مجوّز تیمم است، کما این‌که مطلق مشقَّت و دشواری در غیر بیمار نیز در حکم جواز است، مثل سرمای زیاد، ترک خوردن دست و امثال آنها، و لازم نیست که حَرَج و دشواری در مورد سؤال فوق‌العاده باشد، بلکه دشواری که منافات با سهولت اسلام دارد، کفایت می‌کند.

۷۹/۳/۱۵

غسل

﴿س ۲۱۵۴﴾ اگر افراد استثنایی اعم از کم‌توان ذهنی و ناشنوا، در موقع غسل نیت نکنند،

آیا غسل آنان صحیح است؟

ج - همان قدر که خودش می‌داند کفایت می‌کند و زیادتر از آن نه لازم است و نه مطلوب، و معیار در نیت همان قصد خودش و این‌که انجام وظیفه می‌نماید می‌باشد و چیز دیگری نیست.

۸۰/۲/۵

﴿س ۲۱۵۵﴾ به دلیل دشواری غسل کردن برای معلولان، برخی از آنان که دچار

احتلام‌های شبانه می‌شوند، آن‌را مخفی کرده و از تیمم بدل از غسل استفاده می‌کنند.

حکم تیمم و نماز آنان، چگونه است؟

ج - باید به آنان گفته شود انجام تیمم را به تأخیر بیندازند، تا وقت به اندازه‌ای تنگ شود که اگر بخواهند غسل کنند، نمازشان قضا می‌شود، لذا تیمم در آن زمان صحیح است، و نسبت به اعمال گذشته هم ان‌شاءالله اعمالشان صحیح و درست است، چون جاهل قاصر بوده‌اند و قصد قربت هم از آنها متمسّی شده، لذا تیممشان به جای غسلشان، کفایت نموده است.

۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۵۶﴾ آیا افرادی که دچار معلولیت شدید هستند می‌توانند به طور مکرر به جای

غسل از تیمم استفاده کنند؟

ج - بین تیمم و غسل در تکرر تفاوتی نیست، لذا هر زمانی که باید غسل کند اگر عذر

۷۹/۲/۱۸

دارد، می‌تواند به جای آن، تیمم نماید.

﴿س ۲۱۵۷﴾ عدم تماس آب با بدن هنگام غسل، به دلیل استفاده از وسایل توان بخشی، چه حکمی دارد؟

ج - حکم جبیره را دارد و غسل صحیح است، چون نمی‌تواند بدون زحمت آب را به زیر وسایل برساند.
۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۵۸﴾ اگر امکان غسل از تماسی نباشد، آیا می‌توان در انجام غسل ترتیبی، به فرد معلول کمک کرد؟

ج - کمک نمودن، مانعی ندارد.
۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۵۹﴾ تماس دست افراد نابینا با اسمای جلاله که به صورت پریل نوشته شده، چه حکمی دارد؟

ج - تماس دست بدون وضو به اسمای جلاله باری تعالی، حرام است و باید مس آنها با وضو باشد. آری، اگر خطوط پریل به نحوی است که دست و انگشتان یک دفعه به اسمای جلاله نمی‌رسد، یعنی سر انگشت برای مثال ابتدا به حرف «الف» الله می‌رسد، بعد به حرف «لام» و همین‌طور به بقیه حروف که نتیجتاً دست شخص به همه حروف یک‌جا نمی‌رسد، بلکه انگشتش را بر یک حرف که می‌گذارد به حرف بعدی می‌رسد، ظاهراً چنین مسی حرام بر مصحف نباشد و اجماع در مسئله که تنها دلیل بر حرمت است به دلیل ثبی بودن آن نمی‌تواند در مورد بحث، حجت باشد و قدر متیقن از آنها بلکه ظاهر آنها غیرچنین مورد است و حق جواز چنین مس است که در حقیقت مس اسمای جلاله نمی‌باشد، بلکه مس حرف به حرف اسما است.
۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۶۰﴾ فرد کم‌توان ذهنی که محتمل شده و این حالت را درک نمی‌کند و قرآن یا اسمای جلاله را لمس می‌کند، چه حکمی دارد؟ وظیفه ما در قبال این‌گونه افراد چیست؟

ج - جلوگیری بچه و دیوانه و کسانی که توان ذهنی ندارند از مس قرآن و اسمای جلاله بدون طهارت، واجب نیست؛ ولی اگر مس نمودن آنها به نحوی باشد که بی‌احترامی به قرآن تلقی شود، باید از آن جلوگیری کنند.
۷۹/۲/۱۸

حیض و استحاضه

﴿س ۲۱۶۱﴾ گاهی به جهت لگه‌بینی بی‌موقع، یعنی در غیر زمان عادت ماهانه، خانم‌های نابینا دچار تردید می‌شوند. آیا لگه مزبور، خون است یا نه؟

ج - اگر خروج خون در زمان عادت باشد و شخص بداند که سه روز متوالی هم خواهد آمد، محکوم به حیض است، وگرنه چون خون بودن آن مشکوک است، حکم به خون بودن نمی‌شود و تحقیق هم بر او لازم نیست. ۷۷/۴/۹

﴿س ۲۱۶۲﴾ با توجه به عدم درک صحیح و فراموشی، حضور و عبور دختران کم‌توان ذهنی از مساجد در زمان عادت ماهیانه، چه حکمی دارد؟

ج - چون از روی جهل و فراموشی و عدم درک است، مانعی ندارد؛ و جلوگیری هم لازم نیست. ۸۰/۲/۲۵

نماز

﴿س ۲۱۶۳﴾ آیا نمازهایی مانند نماز آیات، بر کودکان ناتوان ذهنی نیز واجب است یا خیر؟ با توجه به این که وقت زیادی را باید صرف آموزش این نماز به آنان نمود و ممکن است اصلاً یاد نگیرند.

ج - نماز آیات بر هر مکلفی واجب است و به مقداری که توان دارد باید یاد بگیرد و بخواند. ۷۹/۲/۱۳

﴿س ۲۱۶۴﴾ بعضی از دانش‌آموزان استثنایی به علت آن که یادگیری نماز برایشان زحمت دارد، از خواندن نماز سر باز می‌زنند. آیا نماز آنان قضا دارد؟

ج - باید به آنان گفت هر طور که می‌توانند و برایشان زحمت ندارد هر چند با اشاره، نماز را بخوانند، ولی نباید در این زمینه هم بر آنها سخت گرفت، چون اسلام دین سهولت است؛ همچنین مسئله قضا نماز را خودشان باید متوجه شوند و بر دیگران نیست که آنها را متوجه نمایند. آری، گفتن این که اگر نمازهایتان را ولو با اشاره هم نخوانید، قضا دارد و باید پاسخگوی خداوند باشید، به عنوان یک مسئله دینی در حدّ خودش، لازم است. ۷۹/۲/۲۳

﴿س ۲۱۶۵﴾ معلولانی که باید از کفش‌های طبی ثابت استفاده کنند، حکم نماز آنان با این کیفیت، چگونه است؟

ج - کفش طبی مانع و مضرّ به نماز نمی‌باشد. آری، اگر به سهولت و آسانی بتواند با باز گذاشتن قسمت جلوی کفش طبی و یا راه دیگر سر انگشتان پا و یا بعضی آنها را به زمین برساند، باید این کار را انجام دهد؛ ناگفته نماند که اگر موجب زحمت و صدمه است، نباید انجام دهد.

﴿س ۲۱۶۶﴾ برخی از معلولان مبتلا به بیماری صرع خفیف هستند که ممکن است در بین نماز دچار آن شوند. حکم نمازشان در این صورت، چگونه است؟

ج - نمازی که با صرع خوانده شده و از حالت نمازگزار خارج شده، باید قضا شود.

۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۶۷﴾ فردی که از ناحیه پا معلول است و همچنین کنترل ادرار خود را ندارد، در مورد وضو و نماز چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - اگر از حیث وقت، توان خواندن نماز با وضو را ندارد، یعنی معمولاً در هنگام نماز در هر وقت باشد، قطرات بول بیرون می‌آید، باید وضو بگیرد و یا اگر توان وضو ندارد، به جای آن تیمم نماید و نمازش را با همان وضو یا تیمم بخواند و یک وضو برای نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا کافی است، کما این که برای نماز صبح هم یک وضو و یا تیمم بدل از آن، کافی است. آری، اگر به راحتی می‌تواند در یک زمان بدون بیرون آمدن بول نماز خود را بخواند باید در همان وقت، نمازش را با طهارت بخواند؛ و از حیث نجاست، در حدّ توان باید هنگام نماز، نجاست را کم کند چه از حیث لباس و چه از حیث گذاشتن وسایلی مانند سوند و کیسه پلاستیکی و مانع از رسیدن بول به بقیّه جاهای بدن شود.

۷۹/۱۱/۹

﴿س ۲۱۶۸﴾ نابینایان در جایی که نمی‌دانند قبله از کدام طرف است و با توجه به این که نمی‌توانند از قبله‌نما یا جهت خورشید یا ستارگان قبله را تشخیص دهند، چه

تکلیفی دارند؟ آیا باید مانند دیگران به چهار سمت نماز بخوانند یا به یک سمت به قصد قربت بخوانند، کافی است؟

ج - اگر با هیچ راهی ولو با گفته دیگران یا حدس و گمان‌های خودش، گمان به یک طرف هرچند گمان ضعیف، پیدا نکند و نتواند چنین گمانی را تحصیل نماید، در این صورت باید مانند دیگران به چهار طرف بخواند. آری، اگر گمان یا علم پیدا کرد که در یکی از دو یا سه طرف است، لازم نیست که به چهار طرف بخواند، بلکه می‌تواند به همان جهت‌ها اکتفا نماید. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۱۶۹﴾ معلولی که نمی‌تواند دو دست خود را تا کنار گوش‌ها بالا آورده و تکبیر بگوید، شروع نماز او به چه صورت است؟ آیا گفتن تکبیر، کافی است؟

ج - چون اصل بالا بردن دست، یک امر مستحب است، بنابراین، بالا نبردن دست هنگام تکبیر، هیچ ضرری به نماز نمی‌زند و تحمل مشقت برای بالا بردن دست، مطلوب نیست.

قیام

﴿س ۲۱۷۰﴾ معلولانی که توانایی ایستادن ندارند ولی می‌توانند با کمک وسایلی نظیر واکرو، عصاهای مختلف و... بایستند، در قیام نماز چه وظیفه‌ای دارند؟ با این توضیح که گاهی اوقات ممکن است از حالت نمازگزار خارج شوند.

ج - تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند. مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا پاها را بیشتر از معمول باز بگذارد، باید به هرطور که می‌تواند، ایستاده نماز بخواند، ولی اگر تمام نماز را نمی‌تواند ایستاده بخواند، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند؛ همچنین اگر امر دائر شد بین ایستادن و عدم استقرار به دلیل لرزش بدن و نشستن و استقرار، باز هم باید نمازش را ایستاده بخواند و اگر در اثر عدم استقرار، از قبله برگردد به قدری که نگویند رو به قبله است، اگرچه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است و چنین فردی باید نشسته نماز بخواند. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۷۱﴾ تغییر وضعیت برای برخی از معلولان هنگام نماز، غیر ممکن است (مثلاً از حالت رکوع به سجود یا از حالت سجود به قیام). نماز آنان چه حکمی دارد؟

ج - هر طور که می‌توانند، بخوانند. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۷۲﴾ معلولانی که بایستی حتماً روی صندلی چرخ‌دار بنشینند، نمازشان چه حکمی دارد؟

ج - نمازشان صحیح است. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۷۳﴾ برخی از معلولان جسمی - حرکتی هنگام نماز به علت عدم تعادل به طور ناخودآگاه به یک طرف می‌افتند، آیا نمازشان باطل است یا باید نماز را ادامه دهند؟

ج - نمازشان باطل نیست. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۷۴﴾ معلولان جسمی - حرکتی که در حالت عادی تعادل ندارند، یعنی تیک‌ها و حرکات رعشه مانند (اسپاس) در بعضی از اعضای بدنشان دیده می‌شود، آیا در نماز باید با تحمل سختی و فشار تعادل خود را حفظ کنند، یا اگر به طور عادی بایستند و حرکت داشته باشند، نمازشان صحیح است؟

ج - تحمل سختی و فشار برای ایستاده نماز خواندن و حفظ تعادل نسبت به امثال آنان، نه تنها واجب نیست بلکه مطلوب هم نمی‌باشد، چون اسلام دین سهولت است نه صعوبت. بنابراین، نماز آنان که به طور عادی ایستاده می‌خوانند، صحیح است. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۷۵﴾ برخی از معلولان به کمک افراد دیگر می‌توانند ایستاده نماز بخوانند. آیا نماز آنان صحیح است؟ آیا می‌توانند با کمک دیگران ایستاده نماز بخوانند، یا باید نشسته نماز بخوانند؟

ج - وظیفه آنان این است که نشسته نماز بخوانند، مگر آن که کسی حاضر شود به آنها کمک کند که ایستاده بخوانند و زحمتی هم برای هیچ کس نباشد، که در این صورت باید ایستاده نماز بخوانند. ۷۹/۲/۱۸

قرائت

﴿س ۲۱۷۶﴾ برخی از معلولان به علت ناتوانی اندام‌های تکلمی، کلمات نماز را بسیار نامفهوم و گند و ناقص ادامی کنند. قرائت آنان چه حکمی دارد؟ آیا باید تحت آموزش خاص و تمرینات گفتار درمانی و فیزیوتراپی که بعضاً بسیار پرهزینه هستند، قرار گیرند تا بتوانند کلمات را در حد قابل فهم ادا کنند، یا این که در همین حد که در توانایی آنهاست، کافی است. ج - به همان مقدار که توانایی دارند اکتفا می‌شود و به بیشتر از آن مکلف نیستند، و دیگران هم در این رابطه تکلیفی ندارند. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۷۷﴾ آن دسته از کودکان استثنایی (ناشنوای مطلق) که اصلاً تکلم ندارند یا تکلم بسیار نامفهومی دارند، در قرائت نماز مشکل دارند و ادای این کلمات برای آنان بسیار سخت است. اگر از قلب خود بگذرانند، کافی است یا حتماً باید در حد امکان کلمات را ادا کنند؟ ج - به هر مقدار که می‌توانند کلمات را ادا کنند، کفایت می‌کند و اگر نمی‌توانند علاوه بر آن که از قلب خود می‌گذرانند به نحوی از انحا به آن اشاره نمایند، چون اشاره آنها به جای قرائت است. ۷۹/۲/۱۲

﴿س ۲۱۷۸﴾ موقع قرائت نماز، لازم است که نمازگزار طوری بخواند که بشنود، افراد ناشنوا اگر بخواهند طوری بخوانند که خودشان بشنوند، صدایشان خیلی بلند می‌شود. حکم قرائت آنان چگونه است؟

ج - همین مقدار که تُن و جوهره صدا، آشکار شود و دیگران بشنوند، کفایت می‌کند، هر چند خود قاری، صدای خودش را به دلیل ناشنوایی نشنود. ۷۹/۲/۱۲

رکوع و سجود

﴿س ۲۱۷۹﴾ استفاده از بعضی وسایل توان بخشی مانند انواع کرسی‌ها و کمربندهای طبی برای معلولان، هنگام رکوع و سجده نماز، مشکلاتی ایجاد می‌کند و ممکن است نتوانند ارکان نماز را به شکل صحیح و کامل به جا آورند. حکم نماز آنان چگونه است؟ ج - به همان نحو که می‌توانند، انجام دهند و در اسلام حَرَج و زحمت و مشقّتی نیست. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۸۰﴾ برخی از معلولان که دچار صرع‌های شدید هستند، باید از کلاه‌های محافظ با شبکه‌های آلومینیومی بر روی سر و صورت استفاده کنند. عدم تماس پیشانی با محل سجده، هنگام نماز در این افراد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر می‌توانند و هیچ‌گونه زحمت و مشقتی ندارد، باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست به چانه، و اگر به چانه هم ممکن نیست و زحمت دارد، باید به هر جای از صورت که مشقت ندارد سجده نماید و اگر هیچ‌یک از آنها را بدون مشقت نمی‌تواند انجام دهد، تماس با کلاه‌های محافظ، کفایت می‌کند؛ و ناگفته نماند توجه دادن و در زحمت قرار دادن معلولان و افرادی که کم‌توان ذهنی هستند نسبت به بعضی از مسائل غسل‌ها و شرایط و کیفیت نماز خواندن نه تنها لازم نمی‌باشد، بلکه در بعضی موارد مذموم است. آری، اگر از مسئله سؤال کردند، پاسخ دادن لازم است. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۸۱﴾ عدم توانایی برخی از معلولان در گذاشتن سر به مهر، چه حکمی دارد؟

ج - باید در حدّ توان سر را پایین بیاورند و مهر را در جای بلند قرار دهند که به قدر مقدور پیشانی به مهر برسد و بقیه شرایط سجده هم رعایت شود. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۸۲﴾ عدم تماس هفت موضع بازمین هنگام سجده برای معلولان، چه حکمی

دارد؟

ج - به مقداری که برایشان مقدور است، اکتفا می‌شود؛ و خداوند از هیچ‌کس بیش از توانش، تکلیف نخواست است. ۷۹/۲/۱۸

مبطلات و شکایات

﴿س ۲۱۸۳﴾ کودکان کم‌توان ذهنی گاهی اوقات در حین نماز صحبت می‌کنند. آیا

نمازشان باطل است و باید دوباره بخوانند یا این که نماز را ادامه دهند؟ والدین و مربیان در این زمینه چه وظیفه‌ای دارند؟

ج - اگر توجه ندارند که حرف زدن در بین نماز، مبطل نماز است، نمازشان صحیح است؛ و والدین و اولیا نیز تکلیفی ندارند. ۷۹/۲/۲۳

﴿س ۲۱۸۴﴾ اگر فرد ناتوان ذهنی به علت مشکلات ذهنی، برخی از ارکان نماز را فراموش کند یا جابه‌جا بخواند، حکم نمازش چگونه است؟

ج - بیشتر از مقدار درک و فهم، تکلیفی ندارند. ۷۹/۲/۲۳

﴿س ۲۱۸۵﴾ افراد کم توان ذهنی که در به جای آوردن احکام طهارت و یادگیری آن دچار مشکل می‌شوند، تکلیف واجبات آنها از جمله نماز و روزه چگونه است؟

ج - نماز و روزه آنان صحیح است. ۸۰/۲/۵

﴿س ۲۱۸۶﴾ صحت و یا پایین بودن میزان دقت در رعایت ترتیب، ارکان، تعداد رکعات و قرائت نماز برای افراد کم توان ذهنی چه حکمی دارد؟

ج - به همان نحو که می‌خوانند، کفایت می‌کند و تذکر به نادرست بودن نیز، لازم نیست بلکه غیر مطلوب است. آری، اگر خودش متوجه لزوم رعایت مسائل نماز شود، مکلف است که به قدر توانش، یاد بگیرد. ۸۰/۱۱/۲۰

﴿س ۲۱۸۷﴾ معلولی که برای ایستادن بدون کمک وسایل توانبخشی مجبور است به جهت حفظ تعادل بدنش پاهای خود را بیش از حد معمول باز نگه دارد و ممکن است از صورت نمازگزار خارج شود، حکم نمازش چگونه است؟

ج - نمازش درست است و بیش از حد معمول باز نگه داشتن پا، مانع از صحت نماز نیست و همین قدر که ایستادن صدق کند، نماز درست است.

﴿س ۲۱۸۸﴾ حین نماز خواندن، بدن باید آرامش کافی داشته باشد، کودکی که از روی عادت یا به خاطر مشکل جسمی یا ذهنی، حرکات اضافی در نماز دارد، آیا نمازش دچار اشکال می‌شود یا خیر؟

ج - نمازش صحیح است؛ زیرا حرکت از روی اختیار در بعضی از حالات نماز، محلّ صحت نماز است. ۷۹/۲/۱۳

نماز جماعت

﴿س ۲۱۸۹﴾ آیا معلولانی که به‌کندی مراحل نماز را به جای می‌آورند، می‌توانند در نماز جماعت شرکت کنند؟ آیا به نماز سایر افراد خللی وارد نمی‌کنند؟

ج - به نماز دیگران، خللی وارد نمی‌کنند. ۷۹/۲/۱۸

﴿س ۲۱۹۰﴾ حکم شرکت افراد کم‌توان ذهنی، در نماز جماعت چیست؟ آیا در صف نماز، مشکل ایجاد می‌شود؟

ج - چون غیر ممیز است، اگر به واسطه حضور آنان بیشتر از یک قدم بزرگ فاصله نشود، اشکال ندارد.
۸۰/۲/۵

﴿س ۲۱۹۱﴾ آیا اشخاص کم‌توان ذهنی، می‌توانند برای افراد هم‌گروه خویش، امام جماعت شوند؟
ج - ظاهراً جایز است.

نماز قضا

﴿س ۲۱۹۲﴾ فردی که اصلاً مسئله احتلام و جنابت را نمی‌داند و با حالت جنابت، نماز و قرآن می‌خوانده و وارد مساجد و حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌شده است. اکنون که آگاهی پیدا کرده، نمازهای قبلی او چه حکمی دارد؟

ج - اعمال گذشته او چون از راه جهل بوده و تقصیری در یاد گرفتن نداشته، گناه و معصیت نبوده؛ ولی نمازهایی که در حالت جنابت خوانده است، باید قضا کند. آری، باید توجه داشت که هر زمانی که غسل جنابت انجام داده، نمازهای بعد از آن تا احتلام و جنابت بعدی صحیح است، چون هر جنابتی با غسل جنابت بعد از آن، مرتفع می‌شود، اگرچه غسل کننده متوجه سبب آن نباشد.

۷۹/۲/۱۵

﴿س ۲۱۹۳﴾ نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است، در مورد کودکان کم‌توان ذهنی پسر، که تنها فرزند خانواده هستند، چه حکمی دارد؟

ج - بر امثال این فرزندان که جزو کم‌توان‌های ذهنی هستند و توان ذهنی عادی و متعارف را ندارند، قضای نماز پدر چه رسد به مادر، بر آنها واجب نیست؛ چون حکم به قضا خلاف قاعده است و اقتضای بر مورد یقین و متعارف می‌شود و اطلاق ادله از چنین مواردی منصرف است.
۷۹/۲/۲۳

روزه

﴿س ۲۱۹۴﴾ فردکم توان ذهنی که باید در طول روز قرص‌های آرام‌بخش مصرف کند، حکم روزه‌اش چگونه است؟ (با توجه به این که توانایی روزه گرفتن را دارد).

ج - روزه بر او واجب نیست. ۷۹/۲/۲۶

﴿س ۲۱۹۵﴾ با توجه به نقایصی که افرادکم توان ذهنی دارند، روزه گرفتن آنان چگونه است؟ آیا حکم بیمار را دارند یا نقص دایم محسوب می‌شود؟

ج - اگر خودشان احتمال ضرر در روزه را بدهند، باید افطار نمایند و روزه نگیرند، کما این که اگر خودشان بگویند روزه برایشان ضرر دارد، تحقیق کردن در مورد صحت یا سقم آن، نه تنها واجب نمی‌باشد بلکه جایز هم نیست؛ به هر حال اگر احتمال ضرر دایمی باشد، یعنی از این ماه رمضان تا رمضان دیگر احتمال ضرر بدهد، قضا هم بر آنان واجب نیست. ۷۹/۲/۲۶

﴿س ۲۱۹۶﴾ رعایت احکام روزه برای افرادکم توان ذهنی و حکم روزه خواری آنان در ملاء عام چگونه است؟ آیا استطاعت جسمی روزه‌داری برای آنان کفایت می‌کند و یا بلوغ عقلی نیز لازم است؟

ج - برای روزه گرفتن، هم استطاعت جسمی لازم است و هم عقلی، و در صورت عدم توانایی جسمی، اگر عذر تا ماه رمضان دیگر ادامه پیدا کند، روزه قضا ندارد، لیکن باید برای هر روز یک مُد طعام (۷۵۰ گرم گندم)، اگر قدرت مالی دارند، به فقیر بدهند. ۸۰/۱۱/۲۰

خمس

﴿س ۲۱۹۷﴾ با توجه به این که نابینایان، قشر آسیب‌پذیر و کم درآمدی هستند، آیا به سهام و سرمایه آنها در تعاونی نابینایان، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - به سرمایه و سهام، خمس تعلق می‌گیرد و در این جهت، فرقی بین نابینایان و غیر آنها نیست. ۷۹/۷/۱۶

حج

﴿س ۲۱۹۸﴾ افراد کم‌توان ذهنی در صورت برخورداری از تمکن مالی و استطاعت مالی، آیا حج بر آنان واجب می‌شود؟

ج - اگر خودشان متوجه تکلیف نیستند، بر دیگران چیزی واجب نیست. ۸۰/۱۱/۲۰

غنا و موسیقی

﴿س ۲۱۹۹﴾ اجرای سرود و تئاتر توسط دختران و پسران نابینا در مراسم و مناسبت‌های عمومی و جشن‌های ملی و مذهبی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج - حرمت در همه آنها، دائر مدار فساد و تحریک جنسی و ریه است. ۷۹/۷/۱۶

معاملات

﴿س ۲۲۰۰﴾ در احکام معامله و اجاره و... که یکی از شرایط آن عاقل بودن و سفیه نبودن می‌باشد، حکم افراد کم‌توان ذهنی در این مورد چگونه است؟ آیا می‌توان با آنها معامله کرد یا چیزی از آنان اجاره نمود؟

ج - اگر کسی عاقل و بالغ و رشید باشد، یعنی اموال خود را در راه‌ها و کارهای بیهوده مصرف نمی‌کند، می‌تواند در مال خود تصرف نماید و معامله با او و یا اجاره نمودن از او، بلامانع است. بنابراین، در هنگام معامله و داد و ستد با افراد کم‌توان ذهنی باید رشد آنها احراز شود و باشک در رشد معاملی چه رسد به یقین به عدم رشد، نمی‌توان با آنها معامله نمود، مگر آن که احراز شود که ولی او اجازه داده و به عنوان واسطه داد و ستد می‌نماید، که در این صورت معامله درست است، همانند معامله در اشیا جزئی که اولیا به آنان پول داده‌اند تا خودشان خرید کنند. ۷۹/۳/۱۵

﴿س ۲۲۰۱﴾ بودجه‌ای که از طرف وزارت خانه مطبوع صرف تهیه کتاب‌های نابینایان می‌شود، خیلی بیشتر از مبلغی است که از آنها دریافت می‌کنیم. آیا مالکیت نسبت

به این کتاب‌ها دارند یا می‌توانیم کتاب‌ها را برای استفاده سایر دانش‌آموزان، تحویل بگیریم؟

ج - بستگی به نحوه قرارداد دارد، یعنی می‌توان کتاب‌ها را به آنها فروخت و با آنان شرط نمود که بعد از یک سال مثلاً ما حق فسخ داریم، کما این که می‌توان کتاب را به آنها به مدت یک سال اجاره داد؛ به هر حال حکم کلی این گونه مسائل آن است که تابع قرارداد و مقررات دولتی می‌باشد.

نکاح

۱. احکام ازدواج

﴿س ۲۲۰۲﴾ آیا ازدواج افراد کم توان ذهنی با یکدیگر (با توجه به احتمال تولد فرزندان کم توان ذهنی در آنان)، شرعاً صحیح است؟

ج - یک بحث در مورد صحت و فساد ازدواج افراد کم توان ذهنی (با فرض این که از رشد لازم در صحت عقود برخوردار نیستند)، مطرح است و بحث دیگر راجع به تبعات ازدواج از حیث تولد فرزندان ناتوان ذهنی است؛ از جهت اول ولی آنها مثل پدر می‌تواند با رعایت مصلحت اقدام به ازدواج آنان نماید و مشکلی از این جهت وجود ندارد، چون اولیای دخترها حق ازدواج آنان را با رعایت مصلحت دارند و خود خدمتی به آنان است و نحوه‌ای سرپرستی و معروفی است که حق انجام آنرا دارند و مشمول ادله احسان و برّ می‌باشد؛ لیکن عمده بحث و اشکال در جهت دوم است و جالب آن که در روایات هم توجه به این جهت بوده و در روایت آمده «لا تزوجوا الحمقاء فان صحبتها بلاء و ولدها ضیاع»، نبی مکرم ﷺ فرموده: با زنان نادان و احمق ازدواج نکنید چون با آنها بودن بلاست و فرزندانشان هم ضایع می‌شوند؛ و این بحث به دلیل عدم تعرض آن به طور تفصیل در فقه، گرچه بحث مشکلی است اما ظاهراً جلوگیری از فرزنددار شدن آنها به دلیل ضرر و حرج و مشکلاتی که برای فرزندان و جامعه دارد، لازم و واجب است؛ چون جلوگیری از این ضررهای بزرگ بر همگان لازم است و این گونه

اضرارها و ایجاد زحمت‌ها، قطعاً حرام است و چگونه چنین نباشد و حال آن‌که سدّ طریق و اضرار مردم در طریق و سایر اضرارها، حرام و گناه است و باعث ضمان هم می‌باشد، و «من اضرّ بشیءٍ من طریق المسلمین فهوله ضامن». ۷۹/۳/۸

۲. حجاب

﴿س ۲۲۰۳﴾ آیا رعایت کامل حجاب در نزد افراد کم‌توان ذهنی شدید، واجب است؟
ج- اگر به بلوغ شرعی نرسیده‌اند یعنی خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند، واجب نیست. ۸۰/۲/۵

﴿س ۲۲۰۴﴾ آیا رعایت کامل حجاب از سوی دختران کم‌توان ذهنی، واجب است؟
ج- تا حدّی که می‌توانند و زحمت برایشان ندارد باید خود را بپوشانند؛ ولی دیگران نیز باید به وظیفه خود در جواز نظر بدون قصد ریه و عدم جواز نظر عمل نمایند، و در این جهت فرقی بین نگاه به آنها و غیر آنها نیست. ۸۰/۲/۵

۳. نگاه و لمس

﴿س ۲۲۰۵﴾ تدریس معلم زن نابینا برای دانش‌آموزان پسر نابینا و یا معلم مرد برای دانش‌آموزان دختر، با توجه به این‌که دست آنها با هم برخورد دارد، چه حکمی دارد؟

ج- اگر امر آموزش بر حسب جریانات عادی، بر آن متوقف باشد، به عنوان حاجت و یا ضرورت و بدون ریه و قصد لذت، نمی‌توان گفت حرام است. ۸۰/۱۱/۸
﴿س ۲۲۰۶﴾ اگر دختر معلول جسمی - حرکتی که به سن تکلیف رسیده است در مواقع ضروری که مادرش در منزل نیست، آیا پدر می‌تواند آداب نظافت و طهارت را انجام دهد؟

ج- به حکم حاجت و نیاز می‌تواند، لیکن مراعات حرمت مسّ عورتین به وسیله استفاده از دستکش با توجه به نداشتن زحمت لازم و از نگاه به عورتین خودداری نمایند. ۷۹/۱۱/۹

﴿س ۲۲۰۷﴾ اگر دانش‌آموز دختر معلول جسمی - حرکتی که به سن تکلیف رسیده در حال افتادن ناگهانی باشد، آیا آموزگار مرد می‌تواند او را بگیرد و از سقوط وی جلوگیری کند؟

ج - آری، می‌تواند بلکه به دلیل جلوگیری از وارد شدن صدمه به او باید مانع از افتادنش شود.
۷۹/۱۱/۱۲

حضانة

﴿س ۲۲۰۸﴾ در صورتی که زن و شوهری به هنگام طلاق دارای فرزند کم‌توان ذهنی باشند، آیا حضانة فرزند به پدر واگذار می‌شود؟ با توجه به این که این کودکان به مراقبت شدید مادر احتیاج دارند؟

ج - حضانة در اختیار مادر می‌باشد و پدر حق گرفتن چنین فرزندی را که از حیث نیاز به مادر مانند طفل در دوران شیرخوارگی می‌باشد، ندارد، اگرچه ادله حضانة پدر، دلالت بر حق داشتن هم بنماید و نگوییم مسئله حضانة یک تکلیف کفایی بین پدر و مادر است، برای حفظ و مراقبت از کودک، نتیجتاً با درخواست یکی از آنها برای حضانة، تکلیف از دیگری ساقط می‌شود و در صورت درخواست هر دو، باید بینیم کدام یک از آن دو بهتر حضانة می‌نماید؛ همچنین حضانة در امثال مورد سؤال با مادر است، به دلیل انصراف ادله حضانة از چنین موردی که کودک همانند دوران کودکی و شیرخوارگی قبل از دو سالگی می‌باشد، و چگونه انصراف نداشته باشد و حال آن که نیاز چنین کودکی به مادر اگر بیشتر از نیاز کودک به مادر قبل از دو سالگی که حضانةش با مادر است نه پدر، قطعاً مساوی می‌باشد؛ و باب حضانة باب عبادت نیست که ثناء لله باشد و نتوان از او تعدی و تجاوز نمود، بلکه باب امر اجتماعی و عقلایی و معامله بالمعنی الأعم است که باب فهم و تعدی در آن واسع است و مورد اجتهاد و فقه می‌باشد.
۷۹/۳/۸

قَسَم

﴿س ۲۲۰۹﴾ کفاره‌ای که به جهت عمل نکردن به قسم، بر انسان واجب می‌شود، آیا در مورد کودکان استثنایی اعم از ناشنوا و کم‌توان ذهنی (که به سن بلوغ رسیده‌اند) هم صدق می‌کند یا خیر؟

ج - کسی که قسم می‌خورد، باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قسم بخورد. پس قسم خوردن بچه و دیوانه و کسی که خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد مانند اغلب کم‌توان‌های ذهنی درست نیست؛ همچنین احکام قسم از کفاره و غیر آن بر آنان، مترتب نمی‌گردد.

۷۹/۳/۱۵

وصیت - ارث

﴿س ۲۲۱۰﴾ آیا افراد کم‌توان ذهنی نیز همانند دیگران می‌توانند بعد از بلوغ وصیت کنند و در مورد اموال خود تصمیم بگیرند؟

ج - تصرفات مالی و عقود و ایقاعات این افراد، تابع بلوغ و رشد با هم می‌باشد.

۷۹/۲/۱۴

﴿س ۲۲۱۱﴾ والدینی که تنها فرزند آنها، کم‌توان ذهنی است یا در بین فرزندان، یکی از آنها کم‌توان ذهنی است، ارث به این فرزندان چگونه تعلق می‌گیرد؟

ج - در ارث فرقی بین آنها و افراد سالم نمی‌باشد.

۷۹/۲/۱۴

تعزیر و دیه

﴿س ۲۲۱۲﴾ مجازات افراد کم‌توان ذهنی در قبال انجام اعمال خلاف شرع، به چه صورت است؟

ج - به هر نحوی که مفید باشد و عرفاً و عادتاً عامل جلوگیری از تکرار باشد، حتی اگر از طریق دادن جایزه باشد؛ به هر حال اساس تعزیر بر تربیت و انسان‌سازی است، نه بر زدن و کوبیدن. آری، تعزیر دایره مدار احتمال تأثیر است و اگر احتمال تأثیر نباشد، ولو به خاطر کم‌توانی ذهنی، تعزیر محقق نمی‌شود.

۷۹/۲/۲۷

﴿س ۲۲۱۳﴾ والدینی که به علت ناسازگاری بیش از حد فرزندان کم توان ذهنی خود، مجبور به تنبیه بدنی آنها می‌شوند. آیا پرداخت دیه بر آنان، واجب می‌شود؟

ج - والدین باید تمام توان و کوشش خود را در تربیت آن کودکان به غیر از ضرب و شتم، صرف نمایند، لیکن اگر به حکم ضرورت و با اکتفا به حداقل آن، نیازمند به ضرب شدند، به نظر این جانب ضامن دیه تنبیه بدنی آنها نیستند، چون به قصد اصلاح و خیر بوده، «و ما علی المحسنین من سییل».

۷۹/۲/۲۷

﴿س ۲۲۱۴﴾ اگر افراد کم توان ذهنی یا ناسازگار، به کسی آسیب جسمی وارد کنند یا

قتلی انجام دهند، آیا باید دیه پردازند؟ این دیه به عهده چه کسی است؟

ج - آری، باید دیه پردازند و به عهده پدر و مادر و یا دولت است که باید از آنها مواظبت نماید، چون مسئول مواظبت سبب خسارت است. آری، اگر خود کودکان و ناتوان‌های ذهنی دارای درک در حد مسؤلیت‌پذیری باشند، خودشان ضامن پرداخت دیه هستند.

۷۹/۲/۲۷